



VAİZ
H. Cemal Öğüt
Alasanyalı
İstanbul, Beşiktaş, Vişne zade
Çekirdek sokak No. 6

حضرت تالینک سیر حیده و اخبار بر کزیده جناب رسالتنا هیلریکه
انواع حکیم و مزایای صوریه و معنویه و صنوف عبر و وصایای دینیه
و دنیویه بی جامع اولد یغندن هر بر قصه شریفه سی امت مر حومه
محمدیه ایچون بر کنجینه سعادت و هر فقره منیفه سی اصحاب فهم
و ایقانه بدرقه شاهراه نجات و هدایتدر * بو بردریای بی انتهای لد نیدر
(که منبع انبعاث و انصبابنک غور و حقیقته وصول مستحیل الحصول)
اولدیغی کی اکادخی حد پایان اولیوب اشبو بحر زخار حقایقک غواصات
لائی معارف و دقایقندن هر بر رری شمدی به قدر درجه دانش
و استعداد لرینه کوره استخراج درر مواهب و استحصال یواقیت مأرب
ایدرک جیب و دامن اهل ایمانی مالامال جواهر عرفان ایلد کلری
مثالو معارفندان روزگار و آشفته دلان درگاه حبیب آمرز کردن
و عساکر (بحریه) شاهانه الای کاتبلرندن (ایوب صبری) افندی
دخی لسان عصر و زمانه موافق اسلوب و ادای منشیانه و الفاظ
و تعبیرات بلیغانه ایله اشبو {محمود السیر} نام اثر مقبولی آورده کار
تصنیف و صماخ اهل تو حیدی بو صورتله دخی کوشواره سیر جلیله
جناب خیر البشرله تزیین و تشنیف ایلش و بویله بر مجله جلیله صغیره ده
بالجمله وقایع مسعوده حضرت رسالتنا هیله بی احاطه و جهله جمع و تحریر
همت ایتش اوللریله مساعی جلیله لرینی (قطعه) آتیه ایله تبریک ایدرز
(لحیره) صاقین افسانه صاعده قصه خیر البشر درر بو * نجات امته سرمایه در
حسن سیر درر بو * او قو حفظ ایله کسب ایت معنوی صوری سعاداتی *
اغز نعمت دارینه موصل بر اتر درر بو) ❖

❖ تراب اقدام اصحاب معرفت ❖

مکتوبی معارف السید محمد زهت

بکار مدرسین کرامدن و معارف عمومیه مخیران مأمورین و معلمیندن
مکرمتلو (نیازی) افندیکنک تقریض کونه انشاسنه همت ایلد کاری تاریخدر

(ای صبری زیننده ادا اشبو کتابک)

(محمود سیر دینکه شایانتر اولدی)

(چونکم قصص اجد مختاری جیعا)
(جمع ایلجی بر اثر معتبر اولدی)
(انشای بلیغنده اولان حسن سلالت)
(حقا که نشاط آور اهل هنر اولدی)
(مشکور اولور البته مساعی جلیله ک)
(سن صاعده آتی عند نبیده هدر اولدی)
(بربر اریوب سویلدی تاریخ نیازی)
(محمود سیر) عالمه زیبا اثر اولدی

۱۲۸۷

دیر و صافی اثر و کاتب دیوانخانه هنر مکتوبی بحریه مخیران خلفاسندن
رفعتلو (حسن توفیق) افندیکنک ترتیب و انشا ایلد کلری تقریض
رنکین ادا لریدر

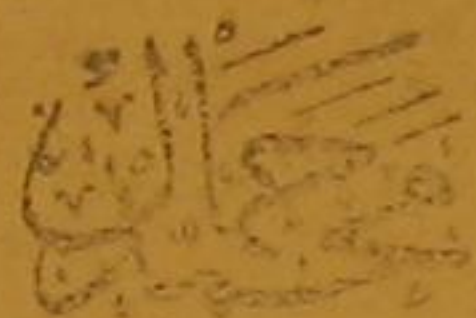
❖ باسم سبحانه ❖

انوار آفتاب جهانتاب نبوت محمدیه و انواع شعاع ماهتاب رسالت
احدیله جهات ست عالمدن شب تاریک نادانی و جهالتی ازاله و احما
وضیای فنون و معارف جلیله ایله عیون کافه موحدینی روشن
و تنویر و پر تو کواکب علوم جلیله ایله صحایف قاب مصدقینی
املا و توفیر ایده لیدنبرو اول ممدوح جناب رب منان و اول خلاصه انس
و جانک ماهیت ذاتیه سنی کما ینبغی توصیف و ستایشی غیر ممکن اولدیغی
تسلیم کرده عامه بلغا و قرار داده کافه فصحا اولدیغی اجلدن
روایت ثقاتک باد نسیم هم سنده لرله رفع سحاب اشتباه یعنی کیفیت
غزوات وقایع حضرت فخر کائناتی مهمما مکن تدقیق و استکناه ایله
اشعه فاش زروه تحقیق اوله بیلد کلری مناقب شریفه و سیر لطیفه
خیر البشرک بوجه تفصیل بیانه قدرت و نیروی بشر تعلق ایده میوب
بلکی علی طریق الایجاز یعنی بحر عمائدن قطره و شمس تاباندن ذره
مقداری ضبط اولنوب دوالیب افواه اعالی و کتابخانه صدور ادانایی

تزیین و توشیح ایده گمشد در • لکن اکثریاهر بر عصرده شیوه خامه
زبان برکونا جلوه کر مرآت بیان و صورتخای آینه عیان اولغله اول
عصرده بولنلر حصه یاب منافع اثار اولی الابصار اوللری مقصدینه
مبنی نیجه ارباب علم و فضائل و خلی اصحاب قلم و فواضل نائل شرف
عنوان (اهل سیر محمدی) صلی الله علیه وسلم و دو جهانده
واصل سعادت سرمدی و مظهر الطاف و عنایات ابدی اولق
ارزوسیه ابدال نقود هم علیه ایدرک و • بیت (دولت جاوید یافت
هر که نیکو نام زیست • کز عقبش ذکر خبر زنده کند
نام را) بیت دلکشاسنی پیروایله رک جمعیت عظیمه بشریه ایچنده
الی ساعة القیام ابقای نیکنام ایدوب همده ابنای جنسارینه بویه
بر خدمت مفتخره نک ایفا سنه موفق اوله کلد کلری مثلواشته ابنای
وطن و ملتک بر معارفندی و هر بر محافل و مجالس هنر و معارفده
اقران و اترانک ممتاز و سربلندی یعنی (ایوب صیری) افندی دخی درجه سز
بختیار اولسی جهته تصادف ایلدیکی صحرای بهنای عهد و زمان
غایتله عزیز امصار و محمود اقطار جله عالمیان اولسیله علی صورت
الاختصار اشبو {محمود السیر} نام کتاب حکمتصایک تألیف
و تدوین اولمنسنه بذل همت بیشار ایشلردر • فی الواقع افندی مومی
الیهک بو صورتله تحریک کلك اقدام و غیرتی و آب خوشکوار همتی
چنستان جهانده مرکوز و درون شاخ و نهالنده اثمار فواید عدیده
و فواکه محسنات پسندیده سی مکنونز اولوب حلاوت بخش خواص
و عوام اولان دوحه عظیمه مدینتک درجه قصواسننه صاعد
اولد قلرینه شاهد عادلدر • و من الله التوفیق •
و بیده ازمة التحقیق

افقر العباد

حسن توفیق



کتابخانه حجت الاسلام آقا میرزا محمد باقر



✽ فهرست ✽

صفحه	
۳	✽ مقدمه ✽
۴	فصل {۱} در بیان وقوعات شتی (مقاله {۱} سلسله نسب
۰	سید ولد آدم صلی الله علیه ذکر شده در
۸	عبدالمطلبه شیهة الحمد تسمیه سنک وجهی
۸	کذلك عبدالمطلب تسمیه سنک سبی
۹	آب زمزم مک همت عبدالمطلبه دفعه ثانیه ده رونمای ظهور
۰	اولد یغدر
۱۰	بنی جرهمه کوندریلان مکتوبک صورتی
۱۲	حضرت عبداللهک جناب آمنه بی عقد ایلدیکدر رضی الله عنها
۱۶	مقاله {۲} القاب عالی واسامی سائی سیدالقلین صلی الله علیه
۰۰	وسلم بیانیده در
۱۷	مقاله {۳} علت ظهور عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تدرینک
۰۰	ولا دت سنیه لری کیمجه سی واقع اولان خوارق عادات
۰۰	بیانیده در
۱۸	قاضی القضاة مجوسک رؤیاسی
۲۱	✽ روایت ✽
۲۴	بطلانی مقاله ولدت فی زمن الملك العادل
۲۵	مقاله {۴} فهرست اعظم وقوعات نبویه بیانیده در
۲۶	مقاله {۵} جناب حلیمه سعدیه نک صلی الله علیه وسلمی امرمک
۰۰	اوزره الوب بعد الفطام اعاده ایلدیک بیانیده در
۲۹	استطراد (شق صدر
۳۰	مقاله {۶} آمنه رضی الله عنها نک رحلت وعبدالمطلبک شرف
۰۰	مقدم سید البشر صلی الله علیه وسلم دفعه قط مملکت ایلدکری
۰۰	بیانیده در

۳۱	مقاله (۷) دفعه اولاده بصرای شاهه وقوعبولان سفر جناب
۰	رسالتیناهی ده بحیرای عارفدن سرنمای ظهور اولان حالات
۰	غریبه بیانیده در
۳۳	صورت نطق بحیرا
۳۴	مقاله (۸) دفعه ثانیه ده بصرای شاهه عزیمت و حین عودتده
۰	خدیجه الکبرای رضی الله عنها بی تزویجه اظهار موافقت
۰	بیورلدیغی بیانیده در
۴۱	مقاله (۹) بیت معلای کعبه نک تجدید ایلدیک و حجر الاسودک
۰	موضع مخصوصه وضع اولدیک بیانیده در
۴۲	مقاله (۱۰) مبادی نزول وحیده برطاقم حالات عزیمت دهشت
۰	نمای وقوع اولدیک بیانیده در
۷۴	مقاله (۱۱) سلسله اهل ایمانک ترتیت فهرستیه سی بیانیده در
۴۷	مقاله (۱۲) سلطان کریم هفت اقلیم علیه صلوة الرحمن الرحیم
۰۰	حضرت تدرینک دعوت عالمیه به مبادرت بیور دقلری بیانیده در
۵۰	مقاله (۱۳) حق عالی نبویه سکنه مکه نک ابراز جور و جفا
۰۰	ایلدکری بیانیده در
۵۱	مقاله (۱۴) صحابه کرامک حبش دیارینه هجرت بیور دقلری
۰۰	بیانیده در
۵۲	مقاله {۱۵} تلك الغرائق العلی فقره مستکره سی بیانیده در
۵۳	لا یحک مطالعات مفسرین در صحت تلك الغرائق
۵۵	مقاله {۱۶} مهاجرینی استرداد ایچون قریشیلرک ملک نجاشی به
۰۰	کوندردکری هدایا وسفرانک قبول اولنموب اعاده قلندیک
۰۰	بیانیده در
۵۶	صورت خطبه
۶۰	ماله {۱۷} جناب حمزه بن عبدالمطلبک اسلام اولدیک بیانیده در
۶۲	مقاله {۱۸} جناب عمر بن الخطاب رضی الله عنهک خلافت
۰۰	ایمانله کامیاب اولدیک بیانیده در

مقاله { ۱۹ } کفارک حضرت ابو طالبی طرفدار محمدی	۶۹
علیه السلام اولمقدن منع ایلدکری و بناء علیه مشارالیهک	۰۰
یو بایده اولان همی تزیید ایلدیکی بیاننده در	۰۰
مقاله { ۲۰ } کفارک بنی هاشم و نبو عبدالمطبله قطع رشته مخالفت	۷۱
ضمند و بروثقه قلمه اولدقنری و ابوطالبک دار بقایه ارتحال	۰۰
ایلدیکی بیاننده در	۰۰
مقاله { ۲۱ } طائفه عزیمت و اثنای عودتده طائفه جنبه ملاقی	۷۴
اولوب دینه دعوت بیوردیغی بیاننده در	۰۰
مقاله { ۲۲ } اول مهمانخانه علین صلی الله علیه وسلم کیفیت	۷۷
وقوع معراجلری بیاننده در	۰۰
تعریف سدره المنتهی	۷۹
مقاله { ۲۳ } افتاب اسماء رسالت علیه افضل التحینک مواسم	۸۳
حج حلولنده اشراف قبائل اعرابی سفره دینه دعوت	۰۰
بیوردقنری و سادات انصارک شرب ایمانله مشرف اولدقنری	۰۰
بیاننده در	۰۰
مقاله (۲۴) یکه سوار عرصه اسمان علیه صلوة المنان	۸۶
حضرتلرینک مدینه منوره به هجرت بیوردقنری بیاننده در	۰۰
مقدمه جلد مدنی (۲) فصل در بیان وقایع (۱) جی سنه هجریه	۹۸
(بقیه وقعه هجرت همایون	۰۰
مقاله (۱) عبد الله بن سلامک شرف ایمانله مشرف اولدیغی	۱۰۳
بیاننده در	۰۰
مقاله (۲) سلمان فارسی رضی الله عنہک سرکذشتی بیاننده در	۱۰۴
معجزه (مقاله (۳) سلمان رضی الله عنہک اسلام اولق اوزره رومال	۱۱۰
حضور اولدیغی بیاننده در	۰۰
مقاله (۴) مقیم و مسافر حقند نماز ایچون تعیین رکعت	۱۱۲
بیوردیغی بیاننده در	۰۰

مقاله (۵) اوقات مفروضه ایچون اذان او قونغه بدأ بیوردیغی	۱۱۲
مقاله (۶) اصحاب کرامک قرنداشلق اولدقنری بیاننده در	۱۱۳
مقاله (۷) وحشی بر قوردک لسان عذب البیان عربیه ایله متکلم	۱۱۴
اولدیغی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۸) جناب فاطمه نک رضی الله عنها الای والای عروسیتی	۱۱۵
بیاننده در	۰۰۰
جهاز فاطمه رضی الله عنها (استطراد	۱۲۰
مقاله (۹) کفار ایله قتاله اراده الهیه نک صادر اولدیغی	۱۲۳
بیاننده در	۱۲۳
مقاله (۱۰) غزوه و سریه ینه اطلاق اولدیغی و زمان نبویه	۰۰۰
تمقدار غزا و قاج عدد سریه وقوع بولدیغی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۱۱) حزه رضی الله عنہک سریه سی بیاننده در	۱۲۴
لا یحه (مقاله (۱۲) عبیده بن الحارث رضی الله عنہک سریه سی	۱۲۶
مقاله (۱۳) سعد بن ابی وقاص رضی الله عنہک سریه سی	۱۲۸
بیاننده در	۰۰۰
(۳) جی فصل در بیان وقایع (۲) سنه هجرت بمکه	۱۲۸
مقاله (۱) غزوه الالبواء وقعه سی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۲) بواط غزاسی وقعه سی بیاننده در	۱۲۹
مقاله (۳) غزوه العسیره وقعه سی بیاننده در	۱۲۹
مقاله (۴) علی بن ابی طالبه رضی الله عنه ابوتراب بیوردیغی	۱۳۰
بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۵) عبد الرحمن بن جحش الاسدی رضی الله عنہک	۱۳۰
سریه سی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۶) تحویل قبله قضیه سی بیاننده در	۱۳۳
غریبه	۱۳۶
مقاله (۷) غزای بدر الا ولی وقعه سی بیاننده در	۱۳۷
مقاله (۸) صیام رمضانک فرض و صلوة فطرك واجب	۱۳۸

۰۰۰	بیور لدیغی بیاننده در
۱۳۸	مقاله (۹) غزوه بدر الکبرا وقعه سی بیاننده در
۱۴۱	استطراد (روای عاتکه
۱۴۵	واقعه
۱۶۰	مقتل ابو جهل
۱۶۷	معجزه (معجزه
۱۶۸	صورت نطق همایون
۱۶۹	لایحه ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نك اسرای بدر حقه اولان
۰۰۰	اختلافاتی بیاننده در
۱۷۰	وقعه قتل ابولهب
۱۷۲	مقاله (۱۰) اشقیای قریشیه دن عمر بن الجهمینك اسلامی
۰۰۰	بیاننده در
۱۷۴	مقاله (۱۱) عصما بنت مروانك قتلی بیاننده در
۱۷۴	مقاله (۱۲) بنوقینقاع وقعه سی بیاننده در
۱۷۶	مقاله (۱۳) غزوه السویق وقعه سی بیاننده در
۱۷۷	فصل (۴) در بیان وقایع (۳) سنه هجریه
۰۰۰	مقاله (۱) غزای قرقره الکدر وقعه سی بیاننده در
۱۷۸	مقاله (۲) غزوه انمار وقعه سی بیاننده در
۱۷۹	مقاله (۳) وقعه سریه محمد بن مسلمه بن رضی الله عنه و قتل کعب
۰۰۰	ابن اشرف الیهودی بیاننده در
۱۸۲	مقاله (۴) تاجر فاجر ابورافعك قتلی وقعه سی بیاننده
۱۸۴	مقاله (۵) عثمان بن عفان رضی الله عنهك کیفیت زفافی
۰۰۰	بیاننده در
۱۸۴	مقاله (۶) حفصه رضی الله عنهاك عقدی بیاننده در
۱۸۵	مقاله (۷) زینب بنت خزیمه رضی الله عنهاك وقعه زفافی
۰۰۰	بیاننده در
۱۸۵	مقاله (۸) ولادت امام حسن بن علی المرتضانك رضی الله

۰۰۰	عنهما بیاننده در
۱۸۶	مقاله (۹) غزوه احد وقعه مدیه سی بیاننده در
۱۸۷	روای نبوی
۱۸۸	تعبیر رؤیا
۱۹۳	حکمت
۱۹۷	استطراد (شهادت حمزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه
۲۰۸	معجزه دیگر معجزه
۲۰۹	معجزه
۲۱۱	استعلام شهداء
۲۱۲	صلوة جنازه شهدای احد (استطراد
۲۱۳	صودت از جبل احد
۲۱۶	حکمت
۲۱۷	مقاله (۱۰) حراء الاسد غزوه سی بیاننده در
۲۲۰	فصل (۵) در بیان (۴) سنه هجریه
۰۰۰	(مقاله (۱) سریه رجیع وقعه سی بیاننده در
۲۲۴	مقاله (۲) عبدالله بن انیس رضی الله عنها سریه سی بیاننده در
۲۲۶	مقاله (۳) بئر معونه وقعه هائله سی بیاننده در
۲۲۸	مقاله (۴) غزوه بنی النضیر بیاننده در
۲۳۲	وقوعات
۲۳۳	مقاله (۵) غزوه بدر الموعود وقعه سی بیاننده در
۲۳۵	مقاله (۶) تحریم خمر وقعه سی بیاننده در
۲۳۷	فصل (۶) در بیان (۵) سنه هجریه مقاله (۱) ذات الرقاع
۰۰۰	غزوه سی بیاننده در (لایحه)
۲۳۸	مقاله (۲) دومه الجنیدل غزاسی بیاننده در
۲۳۸	(مقاله (۳) مر یسوع نام دیگر بنی مصطلق غزوه سی بیاننده در
۲۴۱	(مخاصمه سنان وجهه حجه
۲۴۴	مقاله (۴) حضرت عایشه صدیقہ رضی الله عنها یه اولثان

افترا بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۵) ایت تمیم نزولی بیاننده در	۲۴۱
مقاله (۶) خندق نام دیگر اخاب غزای غراسی بیاننده در	۲۵۲
هجزه	۲۵۵
لطیفه	۲۶۶
لطیفه	۲۶۹
هجزه	۲۷۲
هجزه (مقاله (۷) بنی قریظه غزاسی بیاننده در	۲۷۳
مقاله (۸) ابن معاذ رضی الله عنہک وقعه ارتحالی بیاننده در	۲۸۰
مقاله (۹) بلال بن حارث مزنی رضی الله عنہک اسلامیتی بیاننده در	۲۸۱
فصل (۷) در بیان وقایع (۶) سنه هجریه مقاله (۱) محمد بن مسلمه	۲۱۱
رضی الله عنہک سریه سی بیاننده در	۰۰۰
حکمت مقاله (۲) عکله و عربنه وقعه عجیبه سی بیاننده در	۲۸۲
مقاله (۳) وقعه غزای صلح ارای حدیبیه بیاننده در (واقعه)	۲۸۳
هجزه (دیگر	۲۸۴
یعت الرضوان	۲۸۵
(هجزه	۲۹۲
صورت عرضخان	۲۹۷
مقاله (۴) ملوک اطرافه ارسال پیوریلان مکاتب بیاننده در	۲۹۸
(هجزه مقاله (۵) حبش ملکی نباشی به کوند رملش اولان	۳۰۰
نامه سلطان الانبیا بیاننده در	۰۰۰
صورت مکتوب شریف	۳۰۰
صورت جوابی	۳۰۱
مقاله (۶) مقاله هرقل رومه بعث اولنان نامه شهنشاه	۳۰۲
رسل بیاننده در	۰۰۰
صورت مکتوب شریف	۳۰۳
هجزه	۳۰۶

مقاله (۷) خسرو پرویزه خطابا اشعار پیوریلان	۳۱۰
سعادتنامه بیاننده در صورت مکتوب	۰۰۰
هجزه مقاله (۸) مصر ملکی مقوقسه ارسال پیوریلان نامه	۳۱۴
سعدت بیاننده در	۰۰۰
صورت مکتوب شریف صورت جوابنامه	۳۱۵
مقاله (۹) دمشق حاکمی حارث بن ابی شمر القسانی به کوند ریلان	۳۱۶
نامه سعادت بیاننده در صورت مکتوب شریف	۰۰۰
مقاله (۱۰) ممالک یمامه حاکمی هوزه بن علی حنفی به	۳۱۷
تسطیر پیوریلان کتاب فخر المرسلین بیاننده در صورت مکتوب	۰۰۰
صورت مترجم جواب	۳۱۸
مقاله (۱۱) ابوهریره رضی الله عنہک قدومی بیاننده در	۳۱۸
فصل (۸) در بیان وقایع (۷) سنه هجریه مقاله (۱) غزای	۳۱۹
غزای خیر وقعه سی بیاننده در (لایحه)	۰۰۰
مقتل حارث برادر مر حب	۳۳۰
مقتل مر حب	۳۳۱
علاوه (غنائم) خیریه نک جمع و تقسیم پیورلدیغدر	۳۳۵
هجزه (دیگر هجزه	۳۳۵
علاوه (یهود خیرک فخر الانبیا علیه افضل التحایای	۳۳۶
متجاسر تسمیم اولد قلریدر	۰۰۰
مقاله (۲) فدک غزاسی بیاننده در	۳۴۳
وقعه رد الشمس لعلی المرتضی کرم الله وجهه	۳۴۴
مقاله (۳) وقعه غزاء وادی القری بیاننده در	۳۴۴
مقاله (۴) وقعه غزای تیمار بیاننده در	۳۴۵
(مقاله (۵) اجمال سرایا بیاننده در	۳۴۵
(مقاله (۶) وقعه عمره قضا بیاننده در	۳۴۵
علاوه	۳۴۷
فصل (۹) در بیان وقایع (۸) سنه هجریه	۳۴۹

مقاله (۱) خالد بن ولید و (عمر) بن عاص و محافظ	۰۰۰
مفتاح بیت علیا اولان (عثمان) بن ابی طلحه عبد ربك اسلام	۰۰۰
اولد یغی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۲) وقعه عظمای موته بیاننده در	۳۵۳
مقاله (۳) اعظم الوقوعات و اشرف الغزوات اولان	۳۶۰
فتح مکه وقعه سی بیاننده در	۰۰۰
علاوه (استطراد	۳۶۲
روایای هند بنت عتبه	۳۶۴
لایحه (بلده مبارکه مکه فتحنده رونمای وقوع اولان	۳۸۸
کفیات غریبه در (علاوه	۰۰۰
مقاله (۴) غزای حنین وقعه سی بیاننده در	۳۹۹
روایای جناب رسالتناهی	۴۰۹
اسلامیت مالک بن عوف و عودت همایون	۴۱۱
مقاله (۵) بحرین حاکمی منذر بن ساووه به ارسال اولتان	۴۱۲
دعوت نامه سید الورا بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۶) عبد القیس جماعتک شرف اسلامه مشرف	۴۱۳
اواد قلری بیاننده در	۰۰۰
فصل (۱۰) در بیان وقایع (۹) سنه هجریه	۴۱۴
مقاله (۱) صدقه وزکات استحصا لیچون قبائل اطرافه	۰۰۰
کوندربیلان مأموریک مخصوصه بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۲) بنی تمیم رؤسا سنده اسلام اولد قلری بیاننده در	۴۱۴
مقاله (۳) بنی مصطلق قبیله سندن بعض کسانک اسلام	۴۱۷
اولد قلری بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۴) قطبه بن عامر بن جدیدک رضی الله عنه	۴۱۹
سریه سی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۵) علقمه بن مجرم مدجینک رضی الله عنه	۴۱۸
سریه سی بیاننده در	۰۰۰

مقاله (۶) علی بن ابی طالب رضی الله عنک قلبس	۴۱۹
یتخانه سنی هدمه مأمور بیورلدیغی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۷) زوجات مطهراته انفعال و هجرت بیورلدیغی	۴۲۰
بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۸) قبیله غامد نسوانندن سبیعه نام خاتونک	۴۲۰
رجم اولد یغی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۹) تبوک غزاسی بیاننده در	۴۲۱
هجزه	۴۲۸
هجزه دیگر (وقوعات هجزه دیگر	۴۲۹
هجزه (هجزه دیگر (هجزه دیگر	۴۳۰
هجزه هجزه دیگر هجزه دیگر	۴۳۱
هجزه دیگر	۴۳۳
استطراد (هجزه دیگر	۴۳۴
هجزه دیگر	۴۳۵
مقاله (۱۰) خالد بن الولیدک رضی الله عنه سریه سی	۴۳۶
بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۱۱) مسجد ضرارک هدم و اخاب بیورلدیغی	۴۳۸
بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۱۲) کعب بن مالکک ابراز ندامت و احراز مرتبه	۴۴۱
مسرت ایش اولدیغی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۱۳) بعض طوائفک وقوع اسلامیتی بیاننده در	۴۴۵
مقاله (۱۴) عبدالله بن سلول منافقک فوت اولدیغی بیاننده در	۴۴۷
مقاله (۱۵) حبشه حاکمی ملک نجاشینک مدینه ده نماز جنازه سی	۴۴۸
قلند یغی و ام کلثوم رضی الله عنهماک ارتحالی وقوعه اولدیغی	۰۰۰
بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۱۶) صدیق اکبرک رضی الله عنه امیر الحج اولدیغی	۴۴۹
بیاننده در	۰۰۰

مقاله (۱۷) زوجه سی خویلد بنت قیسه تهمت زنا عطف ایلش	۴۵۰
اولان هویمربن الحارث عجلانینک مر قومه ایله وقوع بولان	۰۰۰
محا که سیدر	۰۰۰
فصل (۱۱) در بیان وقایع (۱۰) سنه هجریه	۴۵۱
مقاله (۱) خالد بن الولید رضی الله عنه سریه سی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۲) بر طاق قبائلک عرض اسلام ایلش اولدیغی بیاننده در	۴۵۱
مقاله (۳) نصاری نجرانک طالب مصالحه اولد قلی	۴۵۲
بیاننده در	۰۰۰
علاوه {مقاله (۴) یمن حاکی ملک ابازا نک تقسیم ممالک	۴۵۵
متفرقه سی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۵) علی بن ابی طالبک رضی الله عنه یمن جانبنده	۴۵۵
عزیمت ایلد یکی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۶) حجة الوداع وقعه سی بیاننده در	۴۵۶
خطبه	۴۶۱
وقوعات	۴۶۳
وقوعات (علاوه علاوه	۴۶۶
مقاله (۷) جریر بن عبدالله بجلینک رضی الله عنه ذوالکلاع	۴۶۷
بن ناکور اوزرینه سوق اولدیغی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۸) ابراهیم بن النبی علیهما الصلوة والسلام وقعه	۴۶۹
وفاتی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۹) جیریل امینک علیه السلام انسان صورتنده	۴۷۰
نزول ایلش اولدیغی بیاننده در	۰۰۰
فصل (۱۲) در بیان وقایع (۱۱) سنه هجریه	۴۷۰
مقاله (۱) دعوات نبوت ایدن اشخاص بیاننده در	۰۰۰
دعوی نبوت کاذبه مسیله الکذاب (واقعه نبوی صورت	۴۷۱
مکتوب مسیله صورت مکتوب عالی	۴۷۲

مقاله (۲) خالد بن الولید رضی الله عنه مسیله کذابله	۴۷۳
مأمور مقالله اولدیغی بیاننده در	۰۰۰
نبوت کاذبه سخاح نبوت کابه اسود	۴۷۴
معجزه (نبوت کاذبه طلیحه	۴۷۶
مقاله (۳) اسامه بن زید رضی الله عنه ما نک روم سفرینه	۴۷۸
سر عسکر وخاتم النبیین صلی الله علیه وسلمک جنت مقر اولد قلی	۰۰۰
بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۴) رحلت جناب رسالتیناهی تقرب ایلد بکنه دار	۴۸۱
وقوع بولان اخطارات عالی بیاننده در	۰۰۰
روایت عن عایشه رضی الله عنها	۴۸۳
مقاله (۵) (۱۰) یاخود (۱۳) یاخود (۱۴) یاخود (۱۲)	۴۸۹
کون قدر ممتد اولان مرض نبوی اثناسنده اساحه نمای وقوع	۰۰۰
اولان قضایای مختلر روایات بیاننده در	۰۰۰
خطبه	۴۹۲
صورت النصایح	۴۹۳
مقاله (۶) ذات عالی نبویه نک ایام امر اجیده نه صورته	۴۹۷
ادای صلوة پیورد قلی بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۷) ذات عالی نبویه نک حالت نز عنده واقع اولان	۵۰۱
اخطارات بیاننده در	۰۰۰
مقاله (۸) حلیله النبی علیه صلوة الله القوی بیاننده در	۵۲۱
علاوه مفصله مفیده {مقاله (۱) بر کزیده عالم صلی الله	۵۲۹
علیه وسلم افندیمر حضرتک سلسله نامه سعادتلی جد ولیدر	۰۰۰
اسامی اعمام و عمت النبی صلی الله علیه وسلم جد ولیدر	۵۳۵
ازواج النبی صلی الله علیه وسلم جد ولیدر	۵۳۵
اولاد النبی صلی الله علیه وسلم جد ولیدر	۵۳۶
اولاد بنات النبی صلی الله علیه وسلم جد ولیدر	۵۳۷

سلسله اولاد اعمام النبي صلى الله عليه وسلم جد وليدر	٥٣٧
نوعمات النبي صلى الله عليه وسلم جد وليدر	٥٣٩
رضاء امهات و اخوات سيد كائنات عليه اكل التحيات جد وليدر	٥٤٠
سفراء النبي عليه السلام جد وليدر	٥٤٠
بعوث و سزايان و زره نصب اولئان امراء النبي عليه السلام جد وليدر	٥٤٤
عتقاء النبي عليه السلام جد وليدر	٥٤٥
خدام النبي عليه السلام جد وليدر	٥٤٨
خدمت كتابت مورث السعادتده بولئان ذوات جد وليدر	٥٥٠
عصر سعادتده مدينه منوره قانم مقام مسند الكبرا اولئلك	٥٥٦
والله يعصمك من الناس آيت جليله سى زولئدن اول محافظه	٥٥٧
ذات نبويه خدمتيله اشرفياب اولئلك جد وليدر	٥٥٧
تراجم احوال عشره مبشره وائمه اثني عشره مفججه رضى الله عنهم	٥٥٨
ابوبكر رضى الله عنه	٥٥٩
عمر بن الخطاب رضى الله عنه	٥٦٠
عثمان ذى النورين رضى الله عنه	٥٦٤
(امام اول) ائمه اثني عشر ك اولكيسى وعشر مبشره نك	٥٦٧
دردنجيسى على ابن ابى طالب رضى الله عنه	٥٥٥
امام ثانى	٥٦٩
امام ثالث	٥٧٠
امام رابع	٥٧١
امام خامس	٥٧١
امام سادس	٥٧٢
امام سابع	٥٧٢
امام ثامن	٥٧٣
امام تاسع	٥٧٤
امام عاشر	٥٧٤

امام احدى عشر	٥٧٥
امام اثني عشر	٥٧٥
جدول ائمه اثني عشر رضى الله عنهم	٥٧٧
طلحه بن عثمان رضى الله عنه	٥٧٨
زبير بن العوام رضى الله عنه	٥٧٨
عبد الرحمن بن عوف رضى الله عنه	٥٧٩
سعد بن ابى وقاص رضى الله عنه	٥٨٠
سعد بن زيد رضى الله عنه	٥٨٠
ابو عبيدة بن الجراح رضى الله عنه	٥٨١
فهرست صنوف و طبقات الاصحاب رضى الله عنهم	٥٨١
عدد الاصحاب	٥٨٣
عصر سعادتده خدمت متنوعه ايله استخدام اولئان اصحاب كرم	٥٨٣
جد وليدر	٥٥٥
اسلحه النبي صلى الله عليه وسلم جد وليدر	٥٨٧
حيوانات جد وليدر	٥٩١
اسامى اشيا جد وليدر	٥٩٤
خانه	٥٩٧

VAİZ
H. Cemal Öğüt

Alasonyalı

İstanbul, Beşiktaş, Vişne zade
Çekirdek sokak No. 6

((())
* محمود السیر *

بحر به شد سخا نه بی الای کاتبی { ایوب صبری } افندینک

اترخامه سیدر

ادر نه قیوسی خار جنده کائن مصطفی | یاشا تکیه سی
پوست نشینی شیخ { یحیی } افندینک مطبعه سنده
برجی دفعه اوله رق * ۱۲۸۷ * سنده سی طبع اولمشدر



بسم الله الرحمن الرحيم

{ یارب قلم شوقی قبل سوق سخنده } { آثار کزین نبوی ضبطنه مظهر }
{ قیلدم سیر پاکنی تلخیصی تمنی } { سلطان رسل حرمتنه ایله میسر }
حد بیغایات جناب خالق کائناته سزادر که مکشکان عجزه عباد بنی
طریق هدایت ارشاد ایچون ارسل رسل وانبیا وانلک ایچنده دخی
دفخر هر دو جهان ونبی اخر الزمان افندی می ختم نبوت کبرا وتشریف
جلیل * ثم دنی فتدلی * ایله مظهر امتیاز واصطفای بیور مشلدر
وصلوة زاکیات اول پیغمبر ذیشان کریم وما صدق نص * وانک
لعلی خلق عظیم * حضر تلرینک خوابگاه فلک بارگاه قد سینته
شایسته اهدا در که شیم زکیه وسیر مرضیه رسالتینا هیلری امت
مر حومه لارینه تتم اخلاق نجیه اولمش وغزوات مؤیده التوفیقات حضرت
نبویلری غزاة موحدینه توسیع دائره اسلامیت یولنی کو ستر مشدر *
ونحیات صافیات آل واصحاب کرامت مأبنه الیق وروادر که هر بری
اول نبی کزین ومن عند الله تأسیس وتأید بیور مش اولدقلری دین مبین
او غرنده فداکارانه وجان سپارانه تقدیم خدمات مقبوله ایله تشیدار کان
شریعت غرایه همت ایملشدر * وقوفندن آثار وحوادث روزگاره

واضح

واضح واشکار اولدیغی اوزره افراد بشر ایچون متصور اولان کافه
محسنات وفیوضات صوریه ومعنویه نک مدار استناد وانتشاری محضا
حکمت ومطلقا سعادت وهدایتدن عبارت بولنان سیر پاکیزه جناب
پیغمبری اولمسيله اسلاف علمای کرام تدقیق سیر وتمهید آثار جناب سید
البشر امر معتنا سنده بذل مساعی ایله اشوفن جلیله دایر حساب کلم
کتابار تصنیف وتالیف بیور مشلدر * لیکن بونلردن اکثری لسان عربی
وبرازلری زبان فارسی اوزره یازلمش اولدیغندن ابنای وطمنلک جزو
اعظمی استطلاع مزایا لرندن محروم ولسان ترکیده تصنیف اولمش
اوللرندن بعضیلری مخصوص نکته شناسان خواص اولان منشآت
بلیغه ومصطلحات معقده ایله تخریر اولمسيله عوام ایچون استکشاف
نکات ومزایای دقیقه لری محال وبعضیلری دخی بر طاقم روایات ضعیفه
واقوال ضعیفه بی جامع اولدیغندن مطالعه لری جمله یه موثر ملال
وکلال اولدیغی معلوم اولوب بنابرین فن مذکوره دایره هر کسک نظر
رغبت واعتبار بنی جلب ایده جک صورته بر اثر لزوم وجودی بواحق
عباد عجزه عسا کر بحریه دن { ایوب صبری } نامراد طرفندن تخطیر ایله
شو کا موفقیتی بر وقتدنبرو اقصای آمال ایدنمش وبویله بر امر عظیم
عهده کار افنده اگر چه کند مده زره قدر لیاقت واققدار کوره مز ایه مده
* فوالله لوالله لقالک الوری (مقال النصاری فی مسیح ابن مریم)
مفهو منک مصداق حقیقی می اولان شاه سریر ارای لولاک وشهنشاه
دیهم افزای وما ارسلناک علیه اکمل الصلوات والحمیات حتی مادارت
الافلاک حضر تلرینک روحانیت فیوضات آیت جناب رسالتینا هیلرندن
بالاستمداد الممش اولدیغم جسارت وعصر همایون محسنات مقرون حضرت
ملوکانه نک تسهیل امنیه خواهشگران معارف حقنه مشهود ومسلم
عالمیان اولان انوار خصائص فائده سندن اقتباس ایلدیکم بر تو استطاعت
سایه سنده ترتیب واکمالی میسر اولان اثر کترانه می * محمود السیر *
نایله توشیح ایدرک کوه نادره الصفات اصفا نه سی در نایاب معرفت
کمال ووجود مسعود داورانه سی بحر به نظارت جلیله سنده حلالیت بخش

عز و اقبال اولان دولتو محمدوندیم پاشا حضرت تریک مصلح و مکمل کافه نقایص آثار اولدیغنه اصلا اشتباه اولیان نظر فیض اثر خدیو یلرینه مشمولیتله قرین لحاظ قبول و قطره محقره مثابه سنده بولنان اشبو و جیره ناچیزه نکبحر زخار معارف مسلمه لرندن اکتساب فیوضات ایتکملکی حقنه عا طفت جلیله نری مبدول بیورلدیغی و نزد معلا ی کریمانه لرنده مناسب کورلدیکی تقدیرده رشک اندازاطلس برین و ملاذملوک و سلاطین اولان بارگاه معدلت اکتناه حضرت خلافتیناهی به عرض و تقدیمی خصوصنه وساطت خیریت ایت دستوریلری شایان بیورلمق تضرعات مستندانیه سیله حضورعالی آصفیارینه تقدیم ایلشمدر ومن الله التوفیق

❖ فصل ۱ در بیان وقایع شتی ❖

{۱} مقاله (سلسله نسب سید ولد عالم صلی الله علیه وسلم ذکرنده در) کتب سیرده تعریف و تفصیل اولدیغنه کوره بیغمبر اخر الزمان علیه صلوة الرحمن افندیمرک اسامی نسب کریملری (محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه وسلم . بن عبد الله . بن عبد المطلب . بن هاشم . بن عبد مناف . بن قصی . بن کلاب . بن مره . بن کعب بن لوی . بن غالب . بن فهر . بن مالک . بن نضر . بن کنانه . بن خزیمه . بن مضرکه . بن الیاس . بن مضر . بن نزار . بن معد . بن عدنان .) ترتیب سامیستندن عبارت اولوب راویلر اگرچه اسامی نسب عالی سید الثقلین تحدید دنده مقام عدنانی تجاوز ایتدی لر ایلده اول ختم نسبنامه (ابراهیم) علیه التحیه والتسلیم جنابک اسامی انساب پاکنه آشنای اولنلرک اثارنده کوریلان تفصیلات مبسو طه به عطف رشته دقت اولدیغی تقدیرده رابطه اتفاق و تیره اختلاف و تسلسل اخلافه (اسماعیل)

علیه السلامه واندن عمودنوع بنی آدم اولان حضرت ابو البشر (آدم) علیه السلامه ربط اولدیغی اکلا شلمش اولور * خواجه کائنات علیه افضل الصلوة حضرت تریک جوهر کرانمایه ذاتیلری برمدت انبیای کرامک اصلا طاهره سنده وبرزماندخی

عرب العربا (جنس اخره قرشماش طائفه عرب دیمکدر) نک ظهرباهره سنده و نیجه وقت امهات عصمت آیاتک ارحام زاهره سنده اقامت و عاقبت الامر پددرلی (عبد اللهک) صلب پاکنه واندن رحم مادر کریمنه انتقال بخش مسارعت بیورمغله آبا و امهاتلری نسلابعد نسل سفاح شرا کدن بری و نکاح صحیح ایلده عقد ازدواج ایدن پاکد امان اهل ایماندن اولدیقلری غیر متواریدر نسخه کبرای حکمت اولان ابوالبشر (آدم) علیه السلامک قالب قدرت سرشته سی نفخ روح اولمغه کسب قابلیت واستعداد ایلد کده عرش اعلا قبه سنده معلق قنبدیل ملکوت افروز نور (محمدی) صلی الله علیه وسلم قالب مشار الیهک محراب دوا بروسنه تعلیق قلندی . بیت (نور پاک جبهه پاکنده اولدی رونمود . باش قیوب جله ملائک قیلدیله اکا سجود) اشبو جوهر روح معدن بلاغ موخرا حضرت (آدم) علیه السلامک قالبینه افراغ اولنوب حضرت حوا وسیله سیله (شیث) علیه السلامه سرتاج و نیجه نیجه اصلا ب کرام وارحام ذوی الاحترامه انتقال ایلده باعث ابتهاج اولدقدنصرکه حضرت (نوح) علیه السلامک جبهه انورنده قرار و آندندخی برقاج جباه پاک کذار ایدرهک جمال کریم (ابراهیم) علیه السلامی شعله دار و بالاخره ناصیه (اسماعیل) علیه السلامی تابدار ایلدی . بوند نصرکه برچوق جبین مسعودی بعد التوریشاتی (عدنانه) واندن اوغلی (معهده) انتقال ایتشدرکه مشار الیهک کینه سی (ابوقضاعه) اولوب صابندن سکز ولد تولد ایتش و نورنبوت (ابوربیع) کینه سیله مکنی اولان (نزاره) تحول ایتشدر . حتی (ابوحنیفه و بنوشیان و بنوخشم) قبائلی (ابو ربیع) مشار الیه منتهی اولور . مشار الیهکدخی بش اولادی اولوب بونلردن جناب (مضر) نورنبوته مظهریتله مبا هی و مقننر اولدیغی متعاقب نور حضرت (سید الناس) رونقبخش ناصیه جناب (الیاس) اولدی . مشار الیه اثنای حجه روضه نشین صلبی اولان (بلبل باغ بلاغک) نوای لیبکنی استماع واتصالنده بولنانلره اخطار

واسماع ایدر ایدیکه (بنی خزاعه و بنی رباح) قبائلی الیاس مشار الیهک
اثر سلاله سی اولدیغی مرویدر . نور عرش افروز (محمدی) علیه
السلام بعد ازان (مدرکه) نامیله معروف اولان و (بنی هذیل)
قبیله سنک منتهای نسبی بولنان (عامره) نك جبینی تنویر ایتد کد نصره
سلسله (بنی اسدک) مربوط اولدیغی (خزیمه) به واصل و اندن
(ابو النضر) کنیه سیله متعارف اولان و (بنی لیث و قعقاع)
طائفه لرینک مقسم آب نسلی بولنان (کنانه) به منتقل اولوب اندن
جبین مبارکه (نضره) شعله بخش اجلال اولدی . بعده خلعت
فاخره نور (احمدی) علیه السلام (مالک) بن نضرك و صکره
(فضیل بن فهرک) سر لوحه فهرست نسبی اولان جناب (فهرک)
قامت اقباله اکسا اولندیکه (امین الامه ابو عبیده بن الجراح) رضی الله
عنهمانک نسب علیه لری نسل نسیل (سید الکونین) حضر تلرینه
بو مقامده ایریشور . بوندن صکره در تابدار نور (محمدی) علیه
السلام (غالب) بن فهره پیرایه زیب افتخار و اندن (لوی) بن
غالبه خلیه دیدار اولدقد نصره (بنو عدی و بنو جهم) اقوامنک نسلا
منسوب اولدقلری (کعب) بن لویک پیشانی سعاد تلرینی تنویر
ایلدیکه (امیر المؤمنین عمر ابن الخطاب) سلطان (رسالت مأب) علیه
الصلوة والسلام افتدیمزک نسب کعب عالیترینه بوراده ده واصل اولور .
(کعب) مشار الیهک متعدد اولادی اولوب انجق بنی تمیم و بنی
مخزوم طائفه لرینک منشعب اولدقلری (مره) لوی نور (محمدی)
علیه السلامی حامل ایدیکه (امیر المؤمنین ابوبکر الصدیق و طلحة بن
عبدالله و خالد بن الولید) رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حضر اتنک
رشته نسبلری سلسله (سید البشر) علیه الصلوة الاوفرا فند مز ایل
بوراده اتصال ایدر . بعد ازان نور (خواجه کائنات) علیه افضل
الحمیات مرجع قریش اولان و سلسله بنی زهره نك بادی تناحلی بولنان
(کلاب) بن مره به اتصال ایتددر ککه (عبد الرحمن بن عوف
و سعد بن ابی وقاص) رضی الله عنهمانک رابطه سلسله لری نسب

(سید الکونین) علیه السلامه بو کنارده باغلتور . بوند نصره شب
چراغ نور (محمدی) علیه السلام (ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد
وزیر بن العوام) رضی الله تعالی عنهمانک عمود رابطه نسبلری اولان
و (زید) اسمیله مسمی بولنان جناب (قصی) به سرتاج ابتهاج
اولدی . مشار الیه یوما من الايام اختیار سفر ایله مکة مکر مه دن
خروج ایتش وقاصی (اوزاجه مغنا سنده اولان) بنی خزاعه
خمیه کاهنده تعطیل رکاب ایلش اولدیغندن (قصی) لقبیله اشتهار
ایتدی . طائفه قریش تقلبات دهر ایله پراکنده اولدقلری او انده
رأی رزین مشار الیه عودت و رفق و ملا یتمله اصلاح البینه مسارعت
ایلدقلری جهته (مجمع) لقبی دخی احراز ایلدی * مشار الیه اوج نفر
اولاده مالک و ایچلرنده علم نور (سید البشری) علیه السلام حامل اولان
(عبد مناف) طریقه زهد و طاعته سالک ایدی . عبد منافک اسمی
(مغیره) و کنیه سی (ابو عبد الشمس) اولوب وجه مبارکی غایت
بیاض و منور اولغله بین الانام (قرالطی) لقبیله بنام اولدی .
(صلی الله علیه و سلمک) جد پاک (هاشم و بنی امیه) نك
جدی (عبد الشمس) و (جبر بن مطعمک) جدی (نوفل) و حامل
لوی اجتهاد اولان (محمد بن ادريس الشافعیك) جدی (مطلب)
عبد منافک صابی اولاد لریدر . بونلردن (هاشمه عبد الشمس)
جبهه بحبه متصل اولدیغی و یاخود آرقه آرقه به ملاصق بولندیغی
حاله ایکیز طوغد قلری و نیشر مداخله سیله بر برندن آیرلد قلری
جهته بونلرک اولاد و اخفادی آره سنده جنک وجدال واقع اوله جغنی
اول زمانک معبرو کاهن (کله جک و اوله جق شیلری اخبار و دعوا ی
معرفت و اسرار ایدنره کاهن دینور) لری خبر و یرمش و تفصیلات
آیه مطالعه سندن اکلا شمش اوله جغنی و جهله نیجه سرور لر رهین
خاک هلاک و تلف اولمشدر . عبد منافک (عمر) اسمنده براوغلی
دها واریسه ده نسجه بی نصیب اولدیغندن ذکرندن انصراف قلندیغی
اکلا شیلور . {الله اعلم بحقیقه الحسان} جناب (هاشمک) نام

عالمیسی (عمر) و عالی جنا بلغله معروف و مشتهر اولق حبیبیه (عمر
العلی) لقبی احراز ایتدی . و عصر سامیسنده واقع اولان قحط
و غلاده کروه فقرایه ترید ضیافتی و یرمش اولغله نام سنه لرینه (هاشم)
اطلاق اولندی . مشار الیهک محراب دوا و روسی مشکوای نور
(سید عالم) صلی الله علیه و سلم اولغله آفتاب عالم تاب جمالی ضیا پرداز
خاطر عالم ایدی . صلب پاکندن درت ولد ملاححت نمود کهواره زیب
شهود اولوب فقط آب زلال نسلی جد بزرگوار حضرت (سید الابرار)
و (ابوالخارث) کنیه سیله شهرت شعار اولان جناب (عبدالمطلب)
مقسم صلبندن جاری و نعش مبارک لری سواد معظمه شام جوارنده
واقع (غزه) قریه سنده خاک لحده متواری اولدی . عبدالمطلب
باشنده برقاج بیاض قیل ایل طوغد یغندن شبیه (صاچی اق دیمک)
اسمیله مسمی و افق ناصیه سنده پرتو نور (محمدی) علیه السلام پیدا
اولغله (شبیه الحمد) تسمیه اولندی . خلق کریمه مالک و طریق
انصاف و صلاحه سالك اولدیغندن اکابر قریشیه عندنده سرور
و افراد قبیله سی کند و سنه مطیع و فرمانبر ایدی . ابوالخارثک
پدری جناب (هاشم) علی طریق التجاره مدینه به عزیمتله (سما
بنت عمره التجاره) بی بعد التزوج (شبیه الحمد) تولدند نصره
سالف الذکر (غزه) عودت و اجل موعود یله رحلت ایلدی .
بر مدت صکره برادری (مطلب بن عبد مناف) قرنداشی هاشمک وفاتنی
استماع ایتمکله ترک ایلدی کی اوغلی (شبیه الحمدی) دائرة
تربیتله المق اوزره مدینه منوره به عزیمت و مشار الیهی
بعد الاستصحاب عودت ایلشیدی که یاننده برادرزاده سنی کوروب
و غریب الد یار اولدیغنی حس ایدوبده (من هذا) سؤالی ایراد
ایدنلره (عبدی) جوابنی و یرمسی مشار الیه (عبدالمطلب)
دینکه سبب اولشدر (مطلب بن عبد مناف) عالم عقبایه کتد کد نصره
ریاست قریشله مفتاح کلید بیت عتیق ید عالی عبدالمطلبه تسلیم و اهالی
مکه طرفندن فوق مایتصور احترام و تعظیم اولنوب حتی بر طرفدن

سیلاب بلاخر و شی ملحوظ اولسه عرض دعا و مناجات ایچون
جبل (شبیه و قبیسه) سوق ایدیلاور و تیر دعاسی حامل اولدیغنی نور
ظلمتسوز (محمدی) علیه السلام حرمتنه هدف رس اجابت و قبول اولور ایدی .
* آب زمزم مک همت عبدالمطلبه دفعه ثانیه ده رونمای ظهور اولدیغندر *

* استطراد * جناب حق و فیاض مطلق جل شأنه حضرت لری
(اسماعیل) علیه السلامک شرف مقد میله ماء زمزم می اظهار
وزمین دلنشین مکه بی (جرهم و قطور) قبائل بادیه یماسنه
قرار ایلشیدی . بیت (قنده بر آب لذیذ ایتسه ظهور) (جمع اولور اطرافنه
اهل شعور) * مشار الیهک اثنای حیاتنده ایالت مکه و حکومت کعبه
تولیت لریله قوم و قبیله اداره سی قبضه استقلال و تصرفنده اولوب
انجیق سرو طوباخرام و جود لری خرامان ریاض جنان اولدیغنی زمان
وراثت ریاست بیوک اوغلی (ثابت) و اندنصره والده سنک جدی
(مضاض بن عمر الجرهمی) به انتقال ایتدی * مضاض مر قوم
(ثابت) مشار الیهک اولاد لری اداره و تربیه سنی متعهد اوله رق
اداره حکومتیه مباشرت و کند و سنه سؤ قصدی تصمیم ایلش اولان
(قطور) قومنک ربیسی (اسمیدعی) قتل ایله توسیع دائرة
شوکت ایدرک سر رشته حیاتی منقطع اولنجیه قدر صندلی نشین
حکومت و اولاد لری دخی بر برینی متعاقب سریر آرای امارت اولشدر .
« اشبو (اسمیدع) حرم محترم مکه ده ناحق بیر قتل اولنانلرک
برنجیسدر » (اسماعیل) علیه السلامک اولاد و احفادی مکه نواحیسی
استیعاب ایتمزد رجه تزايد و تناسل ایلد ک لری حالده (مضاض)
سالف الذکر دن کورد ک لری اثر تربیت و نعمت صحابت ملابسه سیله
(مضاضک) اریکه زیب حکمرانی اولان اولاد لرینه عرض اقتدار
و مخالفت ایتمیوب دیار عربیه متفرق و پریشان اولدیلاور ایدی . (بنو جرهم)
قبیله سی ایسه حرم سرای خداده ظلم تعدی به مبادرتله بیچارگان عجزیه
ایصال دست مضرتیه در کار و خصوصیه خاندان (أل ابرهیم)
علیه السلامه شراره فشان زیان و خسار اولد قلرندن نسل (اسماعیل)

عليه السلام (بنوبکر) بن عبد منافله بهادران عربدن
(خزاعه) قبیله سی رشته بندائتلاف و اتفاق اولوب صورت
ترجه سی زیده محرر مکتوبی بالاسطار (بنی جرهم) قبیله سی
ریاسته ازبایلدیلر . * صورت مکتوب * (ای رؤسای بنی جرهم
بوانه دکین منظور نظر انصافمن اولان حقوق تربیتی محافظه
ملاحظه سیله جالس سریر حکومت اولکزه اختیار سکوت ایلد کیدی .
سزرا ایه بابار یکزک حسن اخلاقی تر کله بر طاقم قننه لایقاعنه قیام
وخانمان احبایی آتش ظلمه احراقه اهتمام ایلدیکز . بوجهته
نمام صبر و ارام ید اختیاریمزدن ساقط اولدی وهوا دارلریکزک نیش
جفاسی جکر کاهمزی دلدی . آرتق ملک موروثمز اولان حرم
شریف مکهدن بساط حکو متکزی رفعله ارض الله واسعدن دیله دیکیکز
محل کیدک . یاخود حرب وقتاله اماده اولوک که دعوی خصومت سیف
وسنان مداخله سیله فصل ورؤیت اولسون) تم المکتوب .
بونک اوزرینه مدهوش باد غرور اولان روسای بنی جرهم بادی
امر ده اجرای حرب وقتاله مجبور اولوب فقط خمار عاقبت وخا متنی
بالملاحظه ام القرای تر کله عقد مصالحه اولنمین تصویب و دیار
اجنبیه به متفرق اولق خصوصنی تنسب ایلدیلر . عمرو بن الحارث که رئیس
قبیله . ایدی مر کوز جلد جبلتی اولان ماده حقد و حسد ایجابی اولق
اوزر بنای مبارکه بیت اعظمندن حجر الاسودی قلعه اکاسره عجمندن بیت
الله اهدا قلنش اولان ایکی اهوره (قره جه یاورسی) مجسمه ملوک
سائر اطرافدن کوند رلش بر طاقم اسلحه نفیسه بی بتر زمزمه القا ایدوب
اوزرینی طاش و طوپرا غله طولدرمش وزمزمه شریفه تکتم (میداند
ایکن صاقلنق معنانه در) دینسته سبب اولمشیدی (تملاستطراد
زمین بطحا منبع فیض ذلال بنوت اولق اماره لری رونما اولدقه
(عبدالمطلب) اوج کیجه متعا قبار و یاسنده الدیغی اراده الهامی
اوزرینه بتر زمزم حفرینه مجبور اولوب حسب اشاره اوغلی حارثله برابر
آلهه قریشدن (اساف و نائله) دینلان پوتلرک ارامکاهنی حفره باشلدی .

واکابر قریشیه طرفندن وقوعبولان مداخله ومانعتی قبول ایتیب
اگر چه اولاد ذکوری عشره کامله به رسیده اولور ایه (اسماعیل)
عليه السلام پیر و اولق اوزره الک صکره پیرایه بخش مهد شهود اولان
اوغلی رضاء الله قربان ایتکی نذر ایلدی ایدی . آره دن پک آذر مدت
مرور ایلدیه بر ابر مطلوب اولان زمزم شریف اراده جناب
میسر المراد ایلد صفوتنمای انفجار و عمرو بن الحارث جرهمیک تعبیه
ایلدیکی اشیای ذیقیم تمامیه چیقار یلوب موضوع نظرگاه
حضار اولشدر . اثنای حفره بر آورده دست ظهور اولان اشیای
ماراند کری مشاهده ایدن صنادید قریش حصه مند اولق ارزو سیله اجرای
خصومت و آخر الامر توره بلده اصولنجه قرعه مطارحه سته موافقت
ایلدیلر . مشار الیه اول کنج شایکانی ایکی به تقسیمه بر طرفه قره جه
یاورولرینی و دیگر طرفه اشیای سائر بی وضعله (کعبه الله) و (عبدالمطلب)
و اعاظم قریشیه نامرینه قرعه انداز اولد یغندن حسب الحکمه آهور
بیت اعظمه و اشیار عبدالمطلبه اصابت و اسامی قریشیه بوشه چیقمغله
اجرای عدالت ایتشدر * جناب عبدالمطلب اول ایکی غزال سیمنی باب بیت اللهک
ایکی جهته تعلیق ایلد کعبه علیایی تزیین و اشیای سائر بی دخی فروخت
ایدوب اتمان بالغه سنی مهام کعبه اللهه صرف و استهلاك ایدرک ذات احدیت
اوغرنده در کار اولان درجه اخلاصنی تعیین ایلدی . بعد مده ابولهب الجاه
نشوه آب و بر طاقم سفهای بی ادبله بر کیجه اول غزاله عجایب نماری برقاج
حریف دوزخی به شکار ایتدیره رک نجاردن بر فاجره صامتشدی .
بر ماه صکره (عباس بن عبدالمطلب) کیفیتی استماع و سامعه اکابر قریشیه
ایصال و اسماع ایلد یکی جهته سار قلدر دست اولنه رق علی مراتب
الاستحقاق تأدیب اولندی . حضرت (عبدالمطلب) اولادی اون عدده
واصل اولد قده پوته ضمیرنده محفوظ اولان جوهر نذری قالب وجوده
افراغ ایتک یعنی ایچلرندن برینی ذبح ایلک خصوصتیه عادت عرب
اوزره قرعه انداز تفال اولوب حسب القرعه پدر سید البشر علیه السلامک
یعنی جناب عبد اللهک ذبح اولنمی لازمکدیکندن امر مقدره بی اجرایه

قیام ایدوب لکن جناب (عبد اللهك) مادر و اقربا سی جستجوی
طریق خلاصی اولوب کیفیتی کا هنه زمانه دن (سجاح) مشککشایه
تعریفله اولباید استفتا و کا هنه مر قومك « قانون عرب اوزره
بر آدمك دیتی اولان اون رأس دوه ایله عبد اللهك نامه قرعه انداز اولوب
قرعه دوه لره اصابت ایدنبه یه قدر هر دفعه اوز دوه علاوه ایدرك
قرعه چكك» دیمسندن عبد المطلبی بو خصوصه سوق و الباء ایلدیله
مشارالیه سجا حك تعریفی اوزره حرکت و چكك یکی قرعه اوننجی
دفعه ده دوه رك نامه اصابت ایلدیکندن جناب (عبد اللهك)
(اسماعیل) علی نبینا وعلیه السلام کبی ذبح اولمقدن رها
بیورلدیغنه متشکرا رضای باری ایچون سالف الذکریوز رأس دوه بی
ذبحله محتاجین اهل مککه یه تقسیم و توزیع ایلشدیر .

حضرت (عبد اللهك) جناب امه) بی عقد ایلدیکدر رضی الله عنهما

حضرت (عبد المطلبك) اولادی عددنده ائمه سیر اختلاف ایدرك
بر طاقی اون اوج عدد اولدیغنه و دیگر طاقیدخی اون بر عدد و بر طائفه اخر
فقط اون عدد بولندیغنه حکم ایلدیله . قول اول اتفاقجه (حارث
ابوطالب . زبیر . خزیه . ابولهیب . غیداق . ضرار . عباس . قثم . عبد
الکعبه . خجل . عبد الله) عددندن عبارت اولوب ایکنجی قول اعتبارینه
باقی اورا یسه (عبد الکعبه ایله مقدم) و (غیداقله خجل) شخص واحد اولدیغی
ویا خود (قثم . غیداق . خجل) نامنده عبد المطلبك اولادی اولدیغی
اکلا شیلوب بونك کنهیلله بلنسی هر حالده علم الله مفوض اولمغله
تفصیلندن صرف نظر قیلندی . (حارث) فتح مککه ده شرف
اسلامله مشرف اولان ابوسفیانك و مغیره ایله نوفلك پدری اولوب برادری
(عبد الکعبه) ایله زمان سلطنت اسلامیه دن اول فوت اولدیغی کبی
دیگر برادری (قثم) هنوز طفل نوزاد ایکن وفات ایتدی . ابولهیبك
کنیه سی (ابوعتبیه) واسمی (عبد العزا) اولوب سنی رسیده مقام
شبابت اولمسایله پدری (عبد المطلب) طرفندن (ابولهیب) تسمیه
ایلدی . عتبیه و عتبیه ابولهیبك اوغلاری و حاله الخطب صفتیه

مشهوره اولان ام جیل دخی زوجه سیدر . شیم مر ضیه یه مظهریتی
جهتله (خجل) لقبی حائز اولان (غیداقك) دنیایه اوغلی کلامش
و مشیه مادر دن سیدالشهدا (حزه) رضی الله عنهمه ایکنز طوغمشدر .
برادرلری (ضرار) دخی محروم اولاد بر شاعر بلا غمتعاد اولوب قرنداشی
(زبیر) ایسه برادری ضراره معادل بر شاعر در یادل ایدی . (ابوطالب
و حزه و عباس) رضی الله عنهمك حال و شانلری اشا غیده تفصیل
اولنه جغندن پوراجه ذکرواتیانی خصوصندن صرف نظر قیلندی .
کرایم عصمتعلایم عبد المطلب . (صفیه . عاتکه . ام حکیم البیضا . بره . ائمه .
اروی) دن عبارت اوله رق بولردن (صفیه) مشارالیهامظهر نور
ایمان و مهاجرات مسلمین سلکنده مشارالبنان اولوب فقط (عاتکه)
(ارویك) ایماننده اختلاف اولمشدر . ائمه سیر (حزه و عباسك) رضی الله
عنهما اسلام اولد قلرین اثبات و بعض قولده برادرلری ابوطالبك دخی
داخل سلاک اهل ایمان اولدیغنی افاده خصوصنده ثبات ایلدیله . (عبد
المطلبك) انباء و بناتی ارحام متعدد ده دن خرامان ریاض وجود
اولد قلری جهتله (عبد الله . ابوطالب . زبیر . عبد الکعبه . بیضاء . ائمه
اروی . عاتکه) فاطمه مخدومیه عنوانیه معنونه اولان (فاطمه)
بنت عمرو بن عابدین بن عمرانك و (حزه مقدم خجل صفیه) دخی
(هاله) زهریه قریشینك (عباسله ضرار) دخی عقيله عربدن
(نفیله) بنت جنابك و (حارث) (سمیر) بنت جندبك و (قثم)
(صفیه) بنت جندبك خلو تسرای عقتلرندن خرامان ایوان شهود
اولوب (ابولهیب دخی) (لینا) بنت هاجر الخزاعینك رجندن تولد
ایلشدر . اقوال اصح اوزوه جناب (عبد المطلب) سکسان یا خود یوز
یکرمی یاشنده وزمان فترت (دیده اسلامیه دن اول کچن وقت) اوآنده
رحلت دار بقا ایلدی . «فائده» مذهب شافعیه علماسی اهل
فترتك ایمانی قائل اولوب حتی نسب عالی نبویه نك بالجمله اهل ایمان
اولدیغنه اتفاق ایلدیله . سلطان (سید الکوین) علیه السلام
افندیمزك پدر عالی کهرلری (عبد الله) لطیف العذار و شیرین کفتار

بر ذات ملاحظه دثار اولوب بوجهته برادرلندن و بالجملة بنی عدنان
جوانلندن ممتاز و خصوصیه نور ساطع الظهور (سید البشر) جبین
مبارکنده لامع و پرتوانداز اولدیغی متواترا مشهور و مدت عمرنده لات
وعزایه (ایکی پت اسمی در) عطف نظر رغبت بیوردقلری غیر منظوردره
طائفة یهود مشارالیهک جمال یوسف مثال مبارکنی کورد بجه خاتم
اقلیم رسالت اولان شجرایغ نور نبوت بوذات کریم الصفاتک واسطه
صلیه شعله بخشش فانوس وجود اوله حق دیرلردی . (حکمت)
جامع امویه دروننده دفین خالک عطرناک اولان حضرت (یحیی) بن
زکریای شهید علی نبینا و علیه السلام خون شهادتیه رنگین اولان
بیاض رنگلی صوف جبه شریفه سنی احبار یهود حفظ ایتسار و کتب
سماویه ده (سید الانبیاء و البشر) علیه صلوٰۃ الاوفر حضرتلرینک
پدرلری طوغه جفی وقت ذکر اولنان جبه دن قان تقطرایده جکی قصه
بر حصه سنی کورمشارایدی . مشارالیهک مهادرای شهود اولد قلری
کیجه مذکور جبه دن قان طامغه باشلدیغندن (صلی الله علیه وسلم)
نور ظلمتسوزی پدری (عبداللهدن) والده لری جناب (آمنه) به نقل
اولمق زمانی حلول ایلا یکنه واقف اولان یهودیلرک جمله سی مشارالیه
حضرتلرینه سوء قصدز عم خیالیه چاره جوی فرصت اولوب حتی بر مدت
صکره (۷۰) نفر یهود شام بوافکار خامله مکة مکرمه به عزیمت و اجرای
مافی الضمیره نصب نفس دقت ایلدیلر . بر کون جناب (عبداللهک)
تسخیر شکار ضمننده مخوف برصید کاهه عزیمت بیوردقلری و تنها گذار
دشت و صحرا بولند قلری مترصدین سوء قصد اولان یهود بدبود طرفندن
مشهود اولغله اوزرینه جمله سنک بردن هجوم ایلد کلرینی نیت صید
و شکار ایله اول موقعده بولنان (وهب بن عبد مناف) مکی کورمسيله
طریق خلاصی تصویریه وادی گذار حیرت اولدیغی صره ده ناکاه هیکل
انسانی اوزره بر بلوک اسب سوار ملائک اطوار ظاهر اوله رق
(عبداللهی) ایادی یهود دن رها و یهودیلرک کافه سنی دریای عدمه
القا ایلدیلر . (بیت) تقدیر خدا قوه بازوایله دوغمز . برشمعیکه حق

یاندیره بروجهله سوغمز . بو حال حکمت اشتغال وهبک منظور دقتی
اولمسيله علوشان مشارالیه کسب اطلاعله مشارالیهک الله امری اوزره
کریمه سی (آمنه) بی رضی الله عنها و یرمک افکاریه عودت و صورت
واقعه بی منکوحه سی (بره) به حکایتله کریمه سنی و یرمک املنده اولدیغی
افاده به مسارعت ایلدی . مشارالیها وهبک افکارینی تحسین
و قریشیلردن ایش بتورر برقاج قادین تعیین ایدرک کیفیتی ذات خجسته
صفات (عبدالمطبه) عرض ایلمسی اوزرینه حجت التماسی امضای
قبول ایله تزیین و توشیح اولنه رق اول سنه نک شب عرفه سنه مصادف
اولان برجعه کیجه سی آیین ابراهیمیه اوزره عقد و نکاح و اجرای مراسم
زفاف الحاح اولغله (شجرایغ نور نبوت) اول شب بهیده ده حضرت
(آمنه) به رضی الله عنها انتقال ایلدی . «استطرد» (کرام عربک اکثریسی
حامله نور نبوت اولمق شوقیه جمال ملک فریب (عبداللهه) علاقه
ایش اولد قلرندن حضرت (آمنه نک) رضی الله عنها اجرای نکاح
و ایفای رسم زفاف و ازدواجنده استعجال بیوردیغی و شیوع خبر زفافیه
یکرمی قدر دختر عصمت پرور قریش حضرت (عبداللهک) ضیای شمع
حسرت و فرقتیه فدای روح ایش اولدیغی کتب سیرده مفصلا بیان
و تحکیمه اولمشدر . انلردن بری (عبدالمطلب) اولادندن بر ذات
محاسن آیاتک وسیله صلییه حضرت (خاتم الانبیا) صلی الله تعالینک
پیرایه زیب مهاد شهود اوله جغنه کتب سماویه دلالتیه مطلع اولان
(فاطمه خشمیه) در که بر کون جناب (عبداللهه) راست کله رک
و جبین مبارکنده لمعان ایدن نور مه فروغ (محمدی) علیه الصلوٰۃ
و السلام اولدیغی یله رک احکام شریعت اقتضاسی اوزره طالب ازدواجی
اولوب (بیت) حسنکه دلشنه یم ای مهلقا آب حیوان و صالک قیل عطا*
نشیده سی مفادیه مشارالیه توجیه وجهه خطاب ایلدی . مشار
الیه محرما ته عطف نظر رغبت ایده میه جکندن بحثله اگرچه پدری رضا
کو سترایسه قبول ایده جکنی بیان و بصورتله تخلص کریبان ایدرک
بر مقتضای تقدیر خدا اول کیجه حضرت (آمنه) بی رضی الله عنها

استفراش ایتمکله ایرتسی کونی مزبورہ فاطمہ بہ تصادف ایلدی . لکن
مشار الیہا مشتاق اولدیغی نور نبوتی جبین مبارکہ عبد اللہ
کوره مدیکندن مع التأسف اظهار مودتدن روگردان و منزل مخصوصہ سنہ
متوجہا فادمہ جنبان اولدی . بو حکایہ راویلرک سامعہ تحقیق لرینہ
بشقه بشقه واصل اولمغله اگرچه بوقضیہ سائر مخدرات عرب حقندہ
دخی اسناد اولنوب لکن نسوان قریشیہ نک اکثری جناب معلا القاب
(عبد اللہک) فرقتہ جمال بی مثالی اولدیغندن روایات مختلفہ نک دخی صحیحی
غیر بعید کورینورہ صلی اللہ علیہ وسلم ایکی یاشنده ایکن پدر و الا کهرلری
یکرمی بش یاشنده اولد قلری حالده خرامان کلزار جنت اولمغله نعش مبارکہ لری
مدینہ منورہ مضافاتندن (دار النابغہ) نام محلده دفن اولندی .

﴿ ۲ ﴾ (مقاله)

﴿ القاب عالی واسامی ساهی سید الثقلین صلی اللہ علیہ وسلم بیانندہ در ﴾

بیولک اولاد نک اسمیلہ کنیہ لشمک قاعدہ عرب ایجا بندن اولمغله (خواجہ
عالم صلی اللہ علیہ وسلم کنیہ شریفلری (ابو القاسم) و بیولک
مخدوملرینک نام نامی علیاری قاسم ایدی . جناب (ابراہیم) پیرایہ بخش
مہد شہود اولد قدہ بیک (جلیل) یعنی حضرت جبرائیل (سید البشر)
علیہ السلام افندیغہ (ابو ابراہیم) دیمکے باشد یار . (ابو الارامل) دخی کنیہ
مخصوصہ لرندن اولوب اسامی سامیلری بخشہ کلنجہ نام سعادت اتسام
علیہ لرینک تمامیلہ تفصیلنہ اشبو مجله مختصرہ مساعد اولہ میہ جغندن ہمان
قرآن کریمہ مصرح بولنان (محمد . احمد . رسول . نبی . شاهد . مبشر .
بشیر . نذیر . منذر . داعی الی اللہ . سراج . منیر . رؤف رحیم . مصدق .
مذکر . مزمل . مدثر . عبد اللہ . کریم . حق . مبین . نور . خاتم النبیین .
ہادی . طہ . یسن) و انجیل شریفہ مشہور اولان (فارقلیط) و تو راتدہ
محرر بولنان (مازماز) و زبور شریفہ مقید دنیلان (محمد . احمد .
حیاطا) اسامی مبارکہ سی املاء و حد و احصا دن بیرون اولان القاب
مقدس جناب علیارندن حسب الاختصار (صاحب البراق . صاحب التاج .
صاحب المعراج) علیہ من الصلوٰۃ ازکیہای بالا اختیار اکثفا اولمشدر

﴿ ۳ ﴾ (مقاله)

﴿ علت ظهور عالم صلی اللہ علیہ وسلم حضر تلرینک ولادت سنہ لری ﴾
﴿ کیجہ سی واقع اولان خوارق عادات بیانندہ در ﴾

عبد اللہ بن عباسک (رضی اللہ عنہما رب الناس روایتی اوزرہ شجر اغ
عالم افروز (نور محمدی) صلی اللہ علیہ وسلم جبہ (عبد اللہدن) والدہ
محترمہ لری (آمنہ بہ) رضی اللہ عنہا نقل اولندیغی کیجہ بہ کهنہ عرب واقف
اولوب یکدیگرہ (نور جہان افروز) (محمدی) صلی اللہ علیہ وسلم صحرای
عالمی تنویر ایدہ جک زمان متقرب الخلول اولدیغنی شمرق و غربک دریا
و جبائندہ بولنان و حوش و طیور بر برینہ عرض و تبشیر ایدیورلر
دیمکے باشد یلر . حتی صلی اللہ علیہ وسلم افندیغی اجلال بخش مہد
وجود اولد قلری کیجہ نک صبا حیمی جبارہ و اکاسرہ سکنتہ ربع
مسکونک نطقی طوتیلوب رھین حیرت و پرورندہ معبود آشنادیلہ پرستش
اولنان اصنام کفرہ یوز اوزرینہ دو شوب یا مال خاک مذلت اولد یلر .
خواجہ عالم صلی اللہ علیہ وسلم والدہ محترمہ لری (آمنہ دن) رضی اللہ
عنہا نقل اولندیغی اوزہ مدت حملری التي ماہہ رسیدہ اولنجہ بہ دکن
عادت نسوان اوزرہ علایم حمل ثقلندن برشی حس ایدہ میوب فقط
برکون اثنا یقطہ دہ * ع * نظری یردہ کلامی دلندہ . شنیدہ سی
مطابقتجہ بر پیر و شغیرک اثر و حایتی نمایان اولوب (سن کیمہ
حاملہ اولدیغکے واقفیمسین) دیمسی و مشار الیہا نک حسب الحالہ سکوت
ایلمسی اوزرینہ (ای نہکدار ناموس عصمت سکامژدہ و بشارت اولسونکے
حاملہ پیغمبر آخر زمان سین) دید یکی آندہ حاملہ اولد قلرینہ کسب
اطلاع ایلد یلر . وضع حمل زمانی تقرب ایلد کدہ ینہ اول پیر ججستہ اثر
منصہ ظهوردہ جلوه کراولوب (اعینہ بالصمد الواحد من شر کل حاسد
دعای مبارکہ سنی یا زدیروب اول مولود عاقبت محمودہ نسخہ کبی تعلیق
ایدہ سین و پیرایہ بخش مہد شہود اولد قدہ اسم شریفلری { محمد } اسمیہ
ایدہ سین) نطقی ایراد ایلدی . ینہ مشار الیہا دن منقولدر کہ حاملہ
سید الثقلین اولد قدہ رؤیا سندنہ وجود ناز کہ لرندہ بر نور ساطع الظہور

پیدا و قبه افلاکی بتون بتون احاطه ایلدیکندن بیت علیا و سواد معظمه
شامله بصرای شام ابنه لری رونما اولدی . اول (شفیع عالم) صلی الله
علیه وسلم افندیملک بطن مادرده طقوز ماه اقامت بیوردیغی و جناب معلا
القاب (عبد الله) کوهریکتای کائنات اولان آفتاب جهانتاب حضرت
رسالتیناهیدن غیری اولادی اولمادیغی متواترا مروی و روز محشرده پدر
و مادر لریله عیلمی ابا طالب حضراتنه و حتی ایام جهالتده قریدا شلیق
ایدنلره شفاعت ایده جگر لری کتب سیرده سند ات قویه ایله
محکدر . شب میلاد (حضرت شفیع روز معاد) ده (ساوه)
دکزینک صوی غائب و ناپیدا و اولکجه یه کلجه یه دکن برقطره صو
کورلماش اولان (سماوه) چولنده متعدد ارمقار و نما اولوب حتی
سرای کسرای عجمدن اون درت شرفه ساقط اولدیغندن سریر آرای
کسرا اولان نوشروان رهین خوف و تلاش اولمغله اولباده انعقادیدن
وکلای کسرائیه مجلس عمو میسنده اول حال حکمت اشتغال غریبه نک
سبب وقوعی تذکر و مطالعه اولنه رق لکن نوشروانه باعث تسکین
خلجان اوله جق دورلو ایضاحات ویریه مدی . بالاخره (اصطخر
آباد) طرفندن بر ساعی ورود ایله جمعیت مجوسیه نک بیک سنده دیر و فروزان
ایلد کلری فارس اوجاغنه آتشی سوندیکنی اخطار ایتسی و ندمای
نوشروانک و قوعات یومیه زورنا لرینه مراجعت ایلمسی جهته او جاغ
فارسک انطفاسی و سرای کسرا شرفه لری نک سقوطی و دریای
ساوه نک قورود یغیله وادی سماوه ده انهار متعدد نک
ظهوری بردقیقه یه تصادف ایلمش اولدیغی اکلاشلد یغندن نوشروانک
لونی متغیر اولوب بشره سنده اولان علایم بشاشت مبدل حزن و ملالت
اولدی . مجلس عمومی سالف الذکرده قاضی القضاة مجوسی دخی
بولنوب (بن اول شب بو العجیده عالم معناده بر چوق خویسر دوه رک
بر طاق یوروک عربستان آتلی دجله نهرندن امرارو بلاد فارسه سوق ایله
تار مار ایلد کلرینی کوردیم) دیسندن نوشروان مکدر و خاطر پریشان
اولوب صاحب رؤیادن اشبو و قوعاتک سبب حکمتی سؤال اولدخی

(عرب میاننده بیوک بر اثر ظهور ایتشد) تعبیر یله دفع اشکال ایلدیکندن
اقالم عرب حکمداری اولان (نعمان بن المنذر) برالچی مخصوصه
کوندریله رک کاردان بر حکیم لزوم وجودی اشعار اولمغله حکمدار سالف
الذکر (سطح) نام کاهن مشهورک همشیره زاده سی (عبد المسیح)
ارسال ایلدی . نوشروان حکیم مومی الیهدن و قوعات مذکوریه
سؤال و استکشاف ایدوبده (بومثلوغرابه شام جوارنده متوطن والده مک
برادری سطح بنده لری واقف اوله بیله جکندن اگر اراده ایدر ایسه کن
احضاری ممکند رجوابنی اید یغندن عبد المسیحک شامه عزیمت و سطحی
بالاستصحاب عودت ایلمسی امر ایلدی . استطراد (سطح مر قوم بنی
ذنبک کاهنی در که اسمی (ربیع بن ربیع بن مسعود) اولوب حال ظاهریسی
سطح لقبی ایجاب ایلمشیدی . چونکه جسدنده اصلا مکوک اولوب
یوزی کوکسی اوزرنده ایدی . اگر بر محله کتک استسه کند و سنی
بوخجه کی دوروب بو کدور و بر شیشه حدت ایتسه طلوملر کی شیشه رک
قالقوب یورردی . ولسانندن غیری متحرک اعضاسی اولدیغندن
دائما آرقه اوزره ارام ایدردی . حساب نجوم اوزره حوادث آیته
ویرمکده نادره زمان و کلمات مسجده سویلمکده اجوبه دوران اولوب
(سیل عرم) وقعه سنده طلعت و بشیو زیاشنده ایکن آفتاب جهان تاب عالم
(صلی الله علیه وسلم) حضر تلیرنک طوغدیغنی متعاقب رحلت ایلمشدر .
تم الاستطراد) عبد المسیح سطحک منزله واصل اولوب کند و سنی
حالت نزعه بولمغله کنار نشین بالین فراشی اوله رق (ای یمن
اقلیمی عقلا سنک سرفرازی بن همشیره زاده کن عبد المسیح مکه نوشروانه
موجب خوف و تلاش اولان امور غریبه یی استکشافه کلوب بو خصوصه
سندن بر جواب شافی نیاز ایلم (مقاله سنی ایراد و (سطح) فصیح
الکلام سراغاز جواب اولوب (ای عبد المسیح بو قوعات غریبه آخر
زمان پیغمبرینک طوغدیغنه و کنکره ایوان کسرادن اون درت شرفه نک
سقوطی ساسانیان سلسله سندن دهها اون درت شخصک فرما نفرمای
ملک عجم اولدقدن صکره زمام سلطنتلری نک ایددی آخره انتقال ایده جکته

اشارت در) دیوب انفساس معدوده سنی اکیال و همشیره زاده سی عبد
المسیح دخی عودت ایده رک نوشروانی بیان کیفیتله بر مسرت فوق
العاده به ایصال ایلادی . لکن نوشروان عواقب اموری
دوشته میوب کنند نصرکه سلسله سندن او ندرت کسسه نک قائد
صدلی حکومت اوله جفته اظهار سرور و بشاشت ابتدی اما
اکا سره عجم درت سنه ظرفنده پایمال و (یزدجرد) بن شهریار جالس
اور نک فرمانرانی اولد یغی حالده خلافت حضرت ذی النورین ده
(رضی الله عنه) سعد ابن ابی وقاص (رضی الله عنه) پنجه
سطوتندن فرار ایده رک خراسان دیارنده متوجه دار البوار اولد یغندن
او توز برنجی سنه هجریه ده نسل ساسانیان منقطع اولدی . استطراد
(اعظم اخبار یهوددن بر یسک بر کون علی السحر) طالع الیله نبیم احمد
مقاله سیله مدینه زقاقلرنده فریاد ایلدیکنی اولتاریخده یدی یاشنده بولنان
(حسان بن ثابت) رضی الله عنه بالاستماع بر محله ثبت و ضبط ایتش
و هجرت سنیه شرفوقوعنده شب میلاد همایونی حساب ایتکله یهودی
مذکورک اخطاری کونه تصادف ایلا دیکنی نقل و روایت ایلشدن
تم الاستطراد * اول افتاب جهان افروز بنوت شعله بخش عالم وجود
اولد قلی کیجه نک صبا حسی عظمای ملت یعقوبیه دن بر یهودی
جمعیت قریشه عزیمتله (بو کیجه قوم و قبیله کرده یکی طوغش)
چو چوق وارمیدر) سوالی ایراد ایتش و برج حر مسرای (عبدالله بن
عبد المطلب دن) بر کوکب شعله پیرایه طوغدیغی خبر ویرلش اولد یغندن
(اول شمع دل آرای کور مک استرم) دیمسته بناء دایه مهر بانلری
اول تانه کل ناز پروری سنیه سنه باصوب یهود هر قومه کوستردی .
یهود دورین اول هیکل نور مجسمک ضیا پاش موضع کتفینی اولان
(خاتم) نبوتی کور مسیله وجودینه رعشه کله رک بیر دوشوب بر زمان
صکره عقلی باشه کلد یکی هزله قریشه بادی قهقهه استهزا اولدیغی
کور پنجه (ع) وقتسز کولدن فریاد و افغان ایلک یکدر (ناله سی
مطابقه) ای معاشر قریش بکا کولمکدن ایسه کندیگره اغلامقلرکز

اولادر زیرا بودر یتیم واسطه العقد انبیا اولان (نبی السیف) اولوب
سز که بنوا سیمایسکر بعضکزی مکهدن طرد ایده جک . و بر طاقکزی
اسیر و اکثر یکزی هدف تیر ایده رک شرق و غرب به حکم ایلده جک . و بوندن
صکره بنی اسرائیلدن پیغمبر کلیه جکدر . دیمسی بین الخلق شایع اولمغله
خزله یهود و هزله نصارای بد بود (صلی الله علیه وسلم)
حضر تلرینه ایصال دست خسار و مضرت ایلک چاره سنی ارا مغه
باشل دیلر . (روایت) عثمان بن العاص رضی الله عنه والدیه سی (فاطمه)
ثقیفه پیور لر که (بن اول کیجه نزد عالی) (آمنه) ده ایدم روی زمین ده
مثلی کورلماش بر لطافت واقع اولمغله ستاره آسمان ضیا انداز چار
جهت جهان و او طه ایچنده بر پنجه مشعله فروزان اولدی ظن ایتدم
ایدی . چونکه اول نبیم سعادت نور اجلان ایل طوغدی (آمنه دن)
بر نور عالم فروغ سطوع ایلدیکه میانه زمین و آسمان ده نوردن بشقه
برشی منظورم اولدی انتها . اول نور جهان فروزنها نخانه
غیبدن بروز ایلدیکی آنده (یرجک ربک) صداسی استماع اولند یغنی
و شش جهت عالم مستغرق بحر نور اولوب حتی ممالک یثرب و بطح
و خطه شامده واقع بصرا ایلدی لری اندام نما اولدیغی (عبد الرحمن) بن
عوفک (رضی الله عنه) والدیه سی نقل و حکایه ایلشدن . اول کیجه حضرت
(آمنه) رضی الله عنه ناک منظره چشمندن پرده حجاب رفع اولمغله روی
زمینده او ج قطعه رایت (سبحاغ دیمکدر) منور ظاهر اوله رق بری شرق
دیگری غرب و بریدخی کعبه معظمه به رکز اولندیغی حالده افتاب جهان
افروز (نبوت علیه التسلیم و النحیه) حضرت تلری کون کبی طلعت
و سجاده زمینه جبین نهاده ضراعت ایلد کد نصرکه دودست
مبارک لری رفعله دعا پیور دقلری والدیه عزیزه لری (آمنه رضی الله
عنه ناک) منظوری اولدیغی جانب سنیة المناقب مشار الیه دن
هر ویدر . بو محله شان معالی نشان (محمدی) صلی الله علیه
وسلمه تعظیما قیام واسم سامیلری استماع اولندیغی مراسم تصلیه
ایفاسیله ابراز توقیر و احترامه اهتمام اولغی جمله شرائط اداب

اسلامیه دندر . (اول غنجه باغ حکمت) صلی الله علیه وسلم منصفه
زیب وجود اولد قده برینک الله کومو شدن معمول بریق و دست
رفیقنده مربع شکل برلیکن زمره رنگ و دیگرینک یدنده بر طوب قاش
بیضاء اوله رق اوج شخص ملیح الوجه پیدا اولوب الله لیکن اولان
(بولیکنک درت کوشه سی جار جهت دنیا اولغله ای حبیب خدا قنغی
محله میل و محبت ایدر ایه ک اشاعت بیور * نطقی ایراد و حضرت
(محمد) صلی الله علیه وسلم دست کرم بیوست مبارک کنی وسط لیکنه
وضعه اعطای جوابی مراد بیور دقلرندن ورای پرده خفادن
(محمد) صلی الله علیه وسلم کعبه بی اختیار ایددی . بزخی کعبه بی آکا
مسکن قیلدق) صدای هاتفیس ظهور ایتشدز . بعده الله
لیکن اولان ذات ملاحت سمات وجود (مسعود احمدی)
علیه الصلوة والسلام لیکن دروننه وضع ایلدیکی و رفیق بریق داری
دخی صودو کدیکی حاله یدی دفعه شست و شو ایلد کد نصره
یدنده قاش اولان رفیقینه تقدیم ایلدیله . مشارالیه اول نازنین
مهد عزتی قاش بیضارنکله پیچیده ایدرک بر ساعت قدر مهد آغوشنده
طوب خارج از حوصله بر طاق کلمات مستغربه ایرد ایلد کدن صکره
(یا محمد) علیه الصلوة والسلام مرده اولسونکه خزائن علوم انبیاسره
احسان و مفاتیح فتح و ظفر یدمؤید اعجاز کزه اعطایورمش و قلوب عالمیان
هیبت عظمت اجلا لکرت خوف و هر اسيله طولمشدر) دهرک غائب
اولدقلرینی مادر مهربان سید البشر (علیه التحية والتسليم) بالمشاهده
نقل و حکایت بیور مشدر که (اشبو مبشر ک رضوان جنان
اولدیغی عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما دن مر ویدر) استطراد
(یوم مذکورده) (عبدالمطلب) مسجد الحرامده مناجات ایدر کن ناگاه
ارکان بیت علیا مقام (ابراهیم) علیه السلامه سجده ایدرک ینه محالینه
چکد کلرینی کوروب (الحمد لله یوت پرستلک ظلمتدن رها اولدم .
جناب حق بنی نظر لطف و عنایتله جرکاب عبادت اصنامدن تطهیر
بیوردی) دیرایکن غائبدن (ای عبدالمطلب سکا بشارت

اولسونکه حضرت (آمنه) رضی الله عنها ناک رحمة للعالمین
لقبیه مظهر براوغلی اولدی) صداسی ظهور ایتکله در عقب
دو لخنانه مشارالیه عزیمت و دق بابه مسارعت ایلدی . حضرت
(آمنه) رضی الله عنها اواز حزن ایلد فتح بابک وقت آخره تعلیقنی
رجا ایدوب لیکن رأی رهین قبول اولدیغندن فتح بابله مشغول و جناب
(عبدالمطلب) شرفیاب دخول اولوب مشارالیه ان قنديل طاق
جبین مبارکی اولان نور محمدی (علیه السلام) مفقود اولدیغنی
کورنجه (اول شمع محراب ابر و زرده در) دیدی . مشارالیه
(بر مقدار اولجه وضع حل ایتشیدم . اثنای وضعده اثار ملکوتیه دن
تعریفی ناقابل بر حال انجوبه نما کوردم) دیدکده (کتور اول نور
دو چشم افتخار مک سنبل رخسارینه یوز سوره یم) دیمکله (بر شخص
ملک سیمارونما اولوب اول نازنین مهد ملاحتی زمره برلیکن ایچنده
غسل ایدرک و بر قاش بیضایه پیچیده ایلدیه رک) بو طفل نوزاد ناز پروری
اوج کون اوج کجه مرور ایتمینجه هیچ کسه ید کوسترمه) دیدکدن
صکره ناپیدا اولدی . سبکنده اخذ جواب ایدوبده کمال حدت ایلد
(بسمه حال کوره حکم) دیدیکندن مشارالیه (فلان او طه
کوشه سنده اولوب اگر قادرا وله بلور ايس ک زیارت ایلد) سیاقیله اول
طفل نوزادک رونق بخش اولدیغنی موقعی اخبار ایلدی . جناب
(عبدالمطلب) نیت زیارتله قبضه سیفنی اله آلوب موقع مذکور
عزیمت و خبر ویریلان او طه او کنده عجیب الهیکل بر شخص مخوف
المنظر ظهور ایدرک (ای عبدالمطلب ملائکه جنان اول رحمة للعالمین
زیارت ایچون کلمشدر که آنلرک رسم زیارتلری رسیده ختام اولمقسرین
نوع بشر دن زیارت ایلان اولور ايسه برخوردار اوله ماز) دیدی *
مشارالیه الیدیغی جوابدن رهین خوف و هراس اوله رق عودت
و مشهودی اولان وقعه بی سامعه قریشه ایصال ایلک ایچون مجمع قریشه
کیدر کن لساننده حاصل اولان لکنت جهتیله کیفیتک شایان کتم و خفا
برسر معتال اولدیغنه واقف اولوب نشر و اشاعه سندن مجانب ایلدی :

قول آخر مفا دینه نظرا (عبدالمطلب) جبین جناب سید المرسلین (صلی الله علیه وسلم) کور مسیله اول سرو سرآمدی حرزجان کبی سینه سنه باصوب کعبه الله عزیمت وشکر و سپاس خدا بی متضمن مطالعی زیرده محرر قصیده بی نظم وانشاده نهاده خامه مشابرت ایلدی . (مطالع) (الحمد لله الذی اعطانی . هذا الغلام الطیب الاردان) بعده حضرت خواجه عالم (صلی الله علیه وسلم) جنا بی حضور عصمتشور (آمنه) رضی الله عنهایه ایصال و مراسم حفظ و حرا ثی خصوصتی بعد التوصیه (یکون له شأن وای شأن) عباره سیله ختم مقال ایلدی . اول قافله سالارانیا علیه افضل التحایانک تاریخ ولادتند کافه ائمه سیر اختلاف اوزره اعطای خبر ایدرک (فیل دمار محمودک قدومندن ایکی ماه الی کون صکره که نو شر و انک مدت سلطنتندن {۴۲} سنه {۶} ماه مرور ایتش و تاریخ اسکندردن {۸۷۰} ییل یکمیش اولدیغی حالده نیکسان رومیه و دیماه فارسیه نک اون یدنجی و شهر ربیع الاولک اون ایکنجی کونی صبا حیمی آفتاب عالم افروز ایله بر ارضیا بخش افق وجود اولدقلرینه اتفاق ایشلاردر *

بطلانی مقاله ولادت فی زمن الملك العادل

ملوک محمد ثنندن (ابوعبد الله الحاکم) رجة الله سندن صحیح ابراز یله (ولدت فی زمن الملك العادل) عباره سنک حدیث صحیح اولدیغنی دعوا ایلمسی رهین شیعوع اولمغله صلیای امتدن بری (صلی الله علیه وسلم) افتد عزیزی رؤیاسنده بالمشاهده «یا رسول الله نو شروان حقنده متواتر اولان (ولدت فی زمن الملك العادل) کلامنی ابو عبد الله الحاکم انکار ایدوب (غیبه سخن آرای نبوتدن او یله بر حدیثک صدوری غیر معلوم اولمغله بونک اصلی یوقدر) دیمکده اولدیغندن اشبو مشکک حلنی رجا ایدرم) تمنا سیله مافی الضمیر بی افاده ایلد کده معمای نیازی {صدقی ابو عبد الله} حدیثیه حل اولمشدر . الله اعلم بحقیقه الحال (صلی الله علیه وسلم) حضرتلری بیوت نبی هاشمان بر سعادتشانده زیور آرای مهد شهود اولدیلر که اولسرای عالی العال

بحسب الارثینه جناب معلا القاب همایونلرینه انتقال ایلدیکندن عقیل بن ابی طالبه اهدا بیورلشیدی . مشار الیه وفات ایلد کده اوغلی سعادتخانه سالف الذکری حجاج ظالمک برادر بی محمد بن یوسف السقفی به فروخت ایتش و محمد دخی بیضاء نام قصرینه علاوه ایشدر . لکن صدای دبده دولت عباسیه طنین انداز صماخ عالم اولدیغی صره ده هارون الرشیدک والده سی (خیزان) اول خانه بی بهانه بی قصر بیضادن تفریق ایدرک عبادتخانه مسلمین اولمق اوزره بر مسجد معلاومتین حکمنه قویمشدر .

مقاله (۴)

فهرست اعظم وقوعات نبویه بیاننده در

ولادت مستلزم المفخرت جناب رسالتنا هینک قر قبی سنه سی رمضان شریفنک (۱۷) و یا خود (۴۱) جی سنه سی ربیع الاولک التنجی کونی و قول آخرده او چنجی کونی (صلی الله علیه وسلم) حضرتلرینک ضمیر منیر سعادتلری نور خورشید و حی ایله روشن اولوب وجود بهبود سنیه لری شرافت بعثتله مشرف اولمغله حرم بیت العلیای محترمه تمام اون اوج سنه امر دعوتله اشتغال بیور دیلر . وبعثتک بشنجی سنه سی بعض صحابه کرام ممالک حبشه مجاز هجرت اولوب التنجی سنه سی دخی عجزه کبرای (معراج) واقع اوله رق یدنجی سنه ده اول (بلبل باغ بلاغ) صلی الله علیه وسلم (ابوطالبک) منزله شرف بخش اقبال و اوج سنه قدر منزل مذکورده آسوده نشین فراغ بال اولدیلر . اونجی سنه حضرت (خدیجة الکبری) خرامان کلزار عقباومتعاقبا ابوطالب دخی تارک آلایش فنا اولمغله شهر طائف مقدم شوکت توأم همایونله رشک آور کلشن جنان و بوملابسه ایله بر طاقم جنیان داخل عداد اهل ایمان اولدیلر . اون برنجی سنه (بیعت انصار) وقوع بولوب اون اونجی سنه صفرینک یکر می سکنجی کوننده یا خود سنه مر قومه ربیع الاولاسی غره سنه مدینه منوره به (هجرت) عالی شرف وقوع بولدی . برنجی سنه هجریه ده مسجد شریف و حجرات مسعدت ردیف نبوی انسا سنه قیام بیور بولوب ایکنجی سنه هجریه ده کفار ایله (قتاله) فرمان قضا

جریان الهی سانشه پیرای صدور او لدیغندن مشر کین قبائل عرب وروم
و مجوس فارس و یهود اوزره سل سیف اولند یغندن سنه مر قومه شهر
رمضاننده وقعه (بدر) کبرا واقع اوله رق خلعت زیبای ظفر قامت طوبی خرام
مؤمنینه اکسایور لدی . او چنجی سنه هجریه ده غزای (احد) و دردی بی سنه
(بدر الموعود) و (بنی النضیر) غزای و بشنجی سنه غزوه (مر یسبع) و (احزاب)
و (بنی قریظه) و التنجی سنه (صلح حدیبیه) واقع اولوب یدنجی سنه ضبط
قلعه (خیبر) و سکرنجی سنه فتح (مکه مکرمه) میسر اوله رق فتح (حنین)
صور تمای مرآت وجود اولغله صیت دبدبه مؤمنین طاس صماخ کائناتی
طولدردی . (بیت) افلا که چیقدی و اوله عرصه زمین * ایندی زمینه
غلغله آسمانیان طقوزنجی سنه وقعه (تبوک) و اونجی سنه (حجة الوداع)
قضیه غریبه سی واقع اولوب اون برنجی سنه صفرنده مزاج
معالی امتزاج پیغمبری (علیه الصلوة والسلام) منحرف اولدی .

« مقاله » (۵)

جناب حایه سعیده نک صلی الله علیه و سلمی امزرمک اوزره الوب بعد
القطام (چو چوغی سوددن کسمک) اعاده ایلدیکنی بیاننده در *

حضرت مسیح بن مریم (صلوة الله علی نبینا وعلیه السلام) عهد
کر یلرندن زمان اسلامیه به کنجیه د کین سنین فترت (۵۷۰) سنه تمتد
اولدی . سنین مذکورده قلوب کفار حیات ویره جک برنجی مسیحانفس
روغای ظهور اولماق آدمیانک حدود الهیه بی تبحاوز
ایتملرینه سیبیت ویرمی و اغوای شیاطین ایله اعلاى کلمة الله
اولتماق خلقت عقائد بنی عرب صاچی کبی قارش مورش ایلمسی
جهتله افتاب نجسته دیدار نبوت کبرا افق مکه دن پر توغای بروز اولوب
زمین مدینه بی تنویر و وجود فائض الجود نبویه لری بالجله عالمی صفا پذیر
ایلمشدر . اول تازه نهال تردهن (صلی الله علیه وسلم) برهفته قدر و والده سی
سودندن تبری یوردیغی جهتله (حمزه بن) عبد المطلب و (ابوسلمه) بن
اسد مخزومی و (عبد الله) بن جمش اسدی بی ارضاع ایدن ابو
لهبک جاریه سی (ثویبه) امزرمیشیدی . او جد رت ماه صکره

سود آنه لق دولت عظماسی (حایه بنت ابی ذویب) السعیده نک
نصیبی اولمش و مشارا لیه اول معدن سعادت علیه اکل التحیه
حضرت تارینی مکه مکرمه دن آلوب (بنی بکر بن سعد) قبیله سی اقامتگاهنه
کتور مشدر . چونکه و خامت هوا و حرارت ریک بطحادن اطفال
سکنه مکه مکرمه وقایه اولنق اوزره حوالی حرم محترمه آوانکذار
اولان عرب قبیله لرینک امز کلی نسواننه چو چوق ویرلمسی و بوملاسه
ایله آسوده نشین فراش استراحت اولنسی صنادید عربک اصول مر عیه سندن
اولغله مواسم فصول اربعده قباائل عربک امز کلی نسوانی
مکه مکرمه به عزیمت و امزرتک اوزره ویریلان اطفال قریشیه بی
بالاستصحاب مقر کاهلرینه عودت ایدرک سود کسمه و قتده الدقلری
چو چوقلری آبا و امهاتلرینه اعاده ایدر لدی . اول آفتاب آسمان
رسالت علیه اکل التحیتک طوغدیغی سنه (بنی سعد) قبیله سی نسوانی
دخی کافی السابق مکه به کتد کلرنده توفیق صمدانیه دلا لیه (حلیه
سعدیه) زیور کهواره وجود اولان صلی الله علیه وسلمک سود
والده لکی دولت سرمدیه سیله سرافراز یورلدی . * استطراد *
« اول دایه سعادتماه شو سیاقله بسط مقال و حکایه ایدر لکه
(ارضای اطفال موسمنده مخد رات بنی سعد ایله مکه به متوجهایوله
چشمیشیدک . یولداشم اولان خاتونلرک جمله سی عربیه سوار استبحال
اولوب بزم دوه من ضعیف و مر کبزا یسه آغسق و نحیف اولد یغندن
قافله دن آیرلماق املیه طی مسافیه غیرت و اطرافه عطف نگاه
دقت ایدرک کیدرو (نه طالعو سود در اول خاتونک سودیکه کالنجیه
بوستان رسالته میسر اوله جقدر) صدای ها تفسین بالاستماع تعجب
ایلردم . یولندیغم کاروان مکه به واصل اولوب اعظم قریش اطفالی
الدقلرندن برمدت صکره بندخی داخل حرم متعال و اهل ثروت و یساردن
برینک چو چوغنی اله مدیغدن رهین پریشانی و ملال اوله رق برکوشده
اختیار جلسه توقف ایلدم . ناکاه ملیح الجمال بر شخص ظهور
و (عجب امز کلی خاتونلردن سود انا لغنه طوتلماش برقادین وارمیدر)

سوالی ایراد ایله استکشاف حسب ونسبی تحقیقته بنی مجبور ایندیکنندن
حضورینه کیدرک حسب ونسبندن واسم وشهرتندن استجواب ومکته نك
سروری وقریش قبيله سنك سرآمدی (عبدالمطلب) بن هاشم
اولدیغنه دائر اخذ جواب ایلد کدنصرکه عرض مراسم تحیت واشبو
خدمت متینه یه درکار اولان قابلیت واستعداد عاجزانه می بیانه مسارعت
ایلدم . اسم نه اولدیغین وقبيله م نه شهرتله متعارف بولندیغین
بعدالسؤال قبيله بنی سعه منسوب حلیمه اولدیغی اکلایوب دفع اشکال
ایلد کده (مرحباً بالسعد والحم) نکته لطیفه سیله شکر افشان
تبسم اولد قد نصرکه (ای حلیمه سعديه) محمد اسمنده بریتیم ناز
پروردم اولوب نسوان بنی سعددن ارضاعنی آرزوایدنلرک سودینی قبول
ایتمدی . اگرچه سنك شیر پستانکه ارایه روی اقبال ایدر ایسه پك
چوق فائده یه مالک اولور سین ظن ایدرم « دیدی . لکن کیفیت
برکرده زوجله استشاریه متوقف اولدیغندن میانه مزده جریان ایدن
مذاکرانی زوجم (حارثه) عرض وافاده ایلدم . مومی الیه
«ای حلیمه بر بشفه سی تصاحب ایتکسزین همان کیتده شود ریتیمی
صدفی اغوشکه آلوب کل» مقاله سیله اظهار سرور و بنی القای دریای
شادی و مجبور ایلد یکنندن عبدالمطلب مشار الیه ایله برابر حضرت
(آمنه) رضی الله عنهانك داخل حر مسرای عصمتی اولدق . اول
مخدره مه جال بزی الوب کهواره نور ایچره یا تلمش وسعدت باغرد قلیله
صارلمش اولان مهپاره ناز پروری یانه ایصال ایلدی . اول طفل
نازینك جمال ملائک فریده حیران اولدیغ جهته بدنده اولان طهر لم
سود کسلد یکنندن صاغ ممدی دهن مبارکنه وضع ایلد کده بلا تردد
اظهار اقبال وفقط سود برادرلینك حقنه رعایت مخصوصه اولق
اوزره صول ممدی امکدن انفصال بیوردیلر « تم الاستطراد
حضرت حلیمه (جناب سید البشر) صلی الله علیه وسلمی امر مک
خدمت جهان قیمتی مهمنه قیام وتعریفی غیر قابل بر درجه ده ثروت
وسامانه مظهر اوله رق ایکی سنه صکره والداری نزدینه ایصال ایله

تحصیل نيك نام ایلدی ایسه ده آتش طاقت سوز فراقنه تاب آور
تحمل اوله میوب حرارت هوا ملا بسه سیله مشار الیهك آزرده
مزاج اوله جققرین در میان ورضای مادر بنی بالاستحصال مشار
الیهی استحبابله دفعه ثانیه اوله رق خیمه کاهنه کتوروب حرز جان
ایلد کده شق صدر ماده مهمه سی واقع اولدی . «استطراد حضرت
حایمه نقل ایدر لرکه (صلی الله علیه وسلم) سود برادر لری اولان
او غلم (حزه) بر کون قوشه رقدن کلوب (ای والدیه سود
قرنداشم محمدك) (صلی الله علیه وسلم) امدادینه ایرش که
ایکی بیاض البسه لو کیشی ظاهر اولوب سینه یسکینه سنی
شق ایلدیلر . ومهابت لریله بنی قاجردیلر . (یولنده بسط
حصیر پاره ماجرا ایلد کده زوجله برابر بر وقتده یتشد ککه
اول ماه منیر بر کوشه یه نور افشان قعود اولوب لکن
جمال پاکلرینه بر مقدار تغیر کلمش و مرآت وجه تابناک لری
قابل نظاره اولیه جق درجه جلالتمشیدی . قوجا غمه آله رق
سینه مه باصوب وقعه متوحشه دن استجواب وسود برادرینك
افاده سنه مطابق صورتله اخذ جواب ایلوب اشبو وضعدن متلذذ
اولدیغنی قند مکرر کبی طاتلو طاتلو تعریف وتفصیل بیور ملرندن
آکلدیم ایسه ده خدا نکرده ایلروده کندولرینه بر حال جنون واقع
اولور خوفیه (ع) علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد
حکمنجه والدیه لرینه کتوروب تسلیم ایدلمسنی زوجم حارثدن نیاز
ایلدم . مومی الیه (ای حلیمه صادقۃ المقال بوشب چراغ
سعادت بزم خانه مزه سایه بخش اجلال اوله لی حد واحصایه
کلمز فائده مشاهده ایلد یکنز جتهله بوذات کریم برکزیده رب رحیم
اولدیغی وارسته شک وشبهه ایسه ده حساد زمانك حیل و مکرندن حزر
اوزره اولق عهده زمزمه واجب امور دن اولغله اول جوهر کرانمایه
امانتك طبق رائی عالیکز وجهله صاحبنه تسلیم ایدلمسنی مناسبتدر
دید یکنندن در عقب کتوروب تسلیم ایلدك . تم الاستطراد»

﴿ مقاله ﴾ (۶)

﴿ آمنه رضی الله عنہا ﴾ رحلت و عبدالمطلب شرف مقدم سید البشر ﴿
﴿ صلی الله علیہ وسلم ﴾ دفع قحط و غلای مملکت ایلدکرینی بیانده در ﴿

(جناب آمنه) رضی الله عنها صلی الله علیہ وسلم یاشنده ایکن
حایمه دن اخذ ایله خدمت مورث السعادت خضانه (قوجا غه الملق
وبسله مک) سنی زوجی عبد الله جاریه سی اولوب علی سبیل الارث
ذات عالی حضرت رسالتپناهی به انتقال ایدن (ام ایمن) جنابنه احاله
بیور مشلر ایدی . برسته صکره اول قره العین جهان (صلی الله علیہ
وسلم) ایله برابر مدینه منوره به عزیمت و بر ماه قدر (دارالنافعه) سرای
دلکشاسنده اقامت ایله عودت ایلدیکندن اثنای راهده خسته انوب
مرحله ایواده متواری لحاف خالک اولغله جناب ام ایمن اول نازنین مهد
سعادت بالاستحاب مکة مکرمه به مواصلتده ده سی عبدالمطلبه
تسلیمه شتاب ایلدی . مشارالیه خدمت موجب المفخرت (سید ولدادم)
صلی الله علیہ وسلم تعهد ایله اولاد صلیسندن زیاده تعظیم و رعایتی
اعتیاد و یاننده اولدجه بر مجلسه عزیمتنی حرام مطلق اعتقاد ایدردی .
برسته صکره عربستانده یشیل بر اوت کور لسه زمره نظر یله با قیلور
درجه قحط عظیم رونما و سکنه ممالک حجاز دوچار دردد و بلا اولدیلر .
آخر الامر (رقیقه بنت ابی صیفی بن هاشم) ک رؤیای مشهوده سی
اوزرینه دعای رحمت التماسچون اول غیث کهربار سعادت حضرت ترینی
جبل (ابی قبیسه) سوق و اعزام ایلدکریندن بمن مقدم سنیله لی اولوق
اوزره سحاب فیض الهی باران رحمت نثار و خشک زار سکنه بیت علیایی
سبز زار ایتکله اول سر جشمه احسانک دست کرامت پیوستی منبع
خیر و برکت ایدوی معلوم عالمیان اواشدر . جناب (عبدالمطلب)
برسته صکره سر نهاده فراش علت شیخوخت و حین مرضنده خدمت
سلطان الانبیاء علیہ افضل التحایای اوغلی اباطالبه وصیت ایلدیکندن
مشارالیه صغه نشین صحت و عافیت اولدجه متعهد اولدیغی
خدمتی سرمایة فیض و برکت و باعث نعمت جهان قیمت

ابو
صالح

بیلرک حفظ و حرائق اوغرنده فدای جان ایتکی جاننه منت بیلوردی .

﴿ مقاله ﴾ (۷)

﴿ دفعه اولاده بصرای شامه وقوع سفر جناب رسالتپناهیده بحیرای ﴿
﴿ عارفدن سر نمای ظهور اولان حالات غریبه بیانده در ﴿

(اول نیر عالم افروز جاه و جلال علیہ صلوة الملك المتعال) حضرت تری
اون ایکی یاشلرنده ایکن علی سبیل التجاره ابوطالبک سواد معظمه شامه
عزیمت صدر دنده اولدیغنی بالا ستماع (ای بنم عم مهربانم بیلور سین که
پدر و مادر و همدم و هم سرم یوقدر . عجبا بنی کیمک زیر جناح کفالتنه
براقوب کیده جکسین) مقاله رقت انکیز ک سمع عالی مشارالیه اسماع
ایلدیکندن (ابوطالب) اول ماه جهان آرای رسالتی ردیف سفر
و آفتاب عالمتاب کبی طی منازل او فرایدک یوما من الایام کفر (بصرای
شام نواحیسنندن برقریه در) نامقریه به مواصلت و مشاهده خاکپای
خاتم المرسلین امید یله قریه مذکورده کائن بر دیر خرابده اختیار
اقامت ایدن (بحیرای) کامل ایله مصاحبت ایلدیلر . (بحیرا) نک
اسمی جرجیس اولوب امید خاکبوس سی همایونله مدت
عمرینی اول جای مضیق محقرده امرار و شرف مقدم خیر البشرله
مشرف اولوق آرزوی صحیح سنه وقف انظار ایلشیدی . ناکاه قریش
کار و انک ورو دینی استماع و قافله اوزرنده بر سحاب سایه نصاب اولدیغنی
روز نه صومعه سندن کور مسیله مذکور قافله ده صاحب سعادت بر ذاتک
وجودینه کسب اطلاعه نتیجه حاله نصب نفس دقت ایلدی . قافله
اهالیسی سالف الذکر قریه اطرافنه نزول ایلدکده اول سر پرده اقبال عمی
ابوطالب ایله بر شجره بی برک و ثمر آلتنه فرش سجاده اقامت ایلدیلر برابر
بحیرانک مشهود باصره انتباهی اولان سحاب مرحت مأب بالای
شجره بالتوقف ایفای ماوجه مأموریت شتاب ایلدی . ذکر اولئان
اغاج سنین و فیره دیر و میوه و یرمک و برک سبز کوسیرمک نعمتدن محروم
غایت قوری و مغموم بر حالده ایکن فیض روح بخش قدم خواجه عالم
صلی الله علیہ وسلم طراوتیاب نضارت اولوب فی الحال بر محبوب سبز پوش

تازه مثال عرض شاخ و نهال ایلدی . بو خارقه بی بحیرای عارف
مشاهده ایلد کده قدومی موعود اولان نبی احرار مانک کاروانده موجود
اولدیغنه واقف اولوب (بیت • ای جگر مزده که دلدار کلدی • نخل امید
دله یار کلدی) مرده سیله مالز مه مهماندار ی تدار کند نصکره
کاروان اها لیسک جمله سنی ضیافتخانه درویشانه سته دعوت ایلدی .
ابو طالب (سید القوم خادمهم) فحوا سنجه (سید البشر)
علیه صلوٰه الاوفر افندیغی قافله نک اشیا سنی محافظه یه ما مورایدنک
بالجمله قافله اها لیسنی استحبابه بالذات دعوت بحیرایه اجابت ایدوب
لکن ابرپاره رجت بالای شجر دن مفارقت ایتدی . بحیرای مشارالیه
شمع جمع افروز مر امانک پرتو بخش جمعیت اولدیغنی اکلا بنجه اول نجم
سیاره قریشک انجمن افروز ضیافت اولسنی نزدعالی ابا طالبده متشبت
اذیال رجاو تیر تمناسی هدف قبوله رسا اولدیغندن اول ماه عالم ارادخی
داخل هاله مجلس اولدی (بیت • نه جانیکم قدم با صدک یوزم اول یرده
فرش اولسون • نه یرکیم سایه صالدک خالک اولم اول رهگذار اوزره)
بحیرای مشارالیه ذات مقدسه نبویه بی سرتا بقدم معاینه و کتب
سماویه نک حاوی اولدیغنی آثار موهبه رسالتی تمامی غماضه مشاهده
ایتمسکه نبی موعود اولدیغین تعیین ایلده مدعوین بزم ضیافت مقرر کاهلرینه
عودت ایلد کد نصکره ابو طالبه « ای پیر حرم محترم اسم عالیکز ندر
و بونهال نورس اقبال قنخی شجره شوکت ثمره اصله اتصال ایدر »
نهمجده ایراد ایلدیکی سؤال ایلده اعطا قیلان (نام ابو طالب اولوب اول
غنیچه نو شکفته دخی شکوفه فؤاد مدر) جوابی رد ایلده « بوشمائل
شریفکه کتب سماویه منظومنه مما ثلدر • لؤلؤ صدقشرف اولان ذات
مکرمک بر یتیم بی پدر اولسنی اقتضا ایدر » دقیقه سیله کهر پاش
تحقیق اولد قده (اول آفتاب نجسته اختر کوهر یکتای خورشید کبی بی
پدر و مادر و اداره سی عهده کفالت محمول اولان زاده برادر اولدیغندن
فی الواقع بنم صابی اولادم دکلدر) سلیقه سنده و یریلان جوابدن
مسرور و اصابت اجتهادینه رهین شادی و حبور اولدی . « استطراد

« اصیل الدین هراتی نقل ایدر که (اول قرطعت و مکی مطلع) مدنی
مهد و یمانی مطلع) افندیمنک بصرای شام صحرا سته شرف بخش
اجلال اوله جفی حرکات اجرام سماویه استخر اجهله رصد شناسان روم
نزدنده معلوم اولد یغندن خنارزه نصارا تحریکات یله یدی نفر روم
وجود بهبود رسالته ایصال دست زیان ز عیله بصرای شامه متوجه
اوله رق بالتصادف (اول خضر مسیحا مقدم • صلی الله علیه وسلم)
دیر بحیرایه سایه بخش اقبال اولد قلری کیجه بلای آسمانی کبی دائرة
قریه یه نازل و حیوانارینی صومعه قیوسی حلقه لرینه ربط ایدرک بحیرا
ایله کور شک ایچون حریم صومعه یه داخل اولد یلر . لکن بحیرای
مشارالیه سرامدان ملت مسیحیه دن اولمق و ملاعین متوارده نک اسرار
مکتومه سنه کسب اطلاع ایلش بولمق ملابسه سیله وقوعی غیر ملحوظ
اولان فنا لغک منعی ضمنده نطق آتی الذ کری ایراد و اول جهنم لری
حوالی قریه دن طرد و ابعاد ایلدی . (صورت نطق) مراد الله
بر کیفیت وجود نبی اقتضا ایلدیکی تقدیرده مخلوقاتدن هیچ بر فرد
پرده کش ممانعت اوله مز • بونک ایچون وجود بهبود نبی ازاله ایتک
تصورنده اولدیغکز ذات عالی اگرچه پیغمبر موعود ایه کافه خلایق
عالم بریره کلسه لر دخی بر موی تحیفنی انجتمک محال و شاید پیغمبر دکلسه
بیهوده یره قان دو که جک کزدن بودخی شرعا بیوجک بروبال اولدیغندن
بو وضع نامشروع دن صرف نظره عودت ایتلیسکز . انتها) اشرای
نصارانک بناء ثبات و یتلری نطق مذکور تأثیرله منهدم اولوب عودت ایلد یلر •
بونک اورزینه بحیرای عارف (یا ابا طالب برادر زاده کزک خاتم الانبیا
اولدیغنی آشکار و یهود شام مشارالیهک حاشا تلفنه قدر یوریمک افکار
محالنده اولد قلری درکار اولمغله اول آفتاب عالم تابی شام سفرندن دور
وبلا توقف عودته مجبور ایتمکز لازمه حالنددر) نهمجده ابراز خیر خواهی
ایلمسی ابی طالبی نتیجه حاله واقف ایلد یکنندن بصرای شام
قریه سنده متاع موجودی (هل من مزید) بازارینه سوقله بحیرانک نصی
اوزره عودت ایلد یلر • اول (بکه سوار مضمار اقبال علیه صلوٰه المتعال)

حضرت تری اشرف سفر مبارک اثرده اون ایکی یاشنی ایکی ماه اون کون تجاوز
ایتشیدی • سن شریفتری درجه عشرینه واردقده حضور فائض
النور سامیلرنده برطاق ملائکه کرام ظاهر وزبان فصیح البیانلرنده
(بودات اول مهدی هفت اقلیم کیرایسه ده نوبت دعوتلری هنوز ظهور
ایتماشدر) مقالاتی دائر اولدیغنی جناب ابوطالبه بیان و اودخی کیفیتی
مشرب عربیه آشابر کا هن طب از مایه عرض و اتیان ایله استدعای علاج
ودوا ایلدی • کا هن مومی الیه نبض همایونه وضع انامل و وجود ناز
پرور لرنده اثر سقامت مفقود اولدیغنه اطلاع صحیح حاصل ایتد کدن
صکره «ای ابوطالب برادرزاده کزک وجودنده نشانه مرض اولمیوب
انجق ارمه صره ظاهر اولان حالات اعجوبه نمائک وقوعی کندوسیچون
ملائکه کرامله موانسته مقدمه اتصال وذات علیارینک خاتم الانبیاید و کته
براعت استهلا لدر» بشارتیه ابوطالبی دغدغه هائله دن تأمین ایلدی •

﴿ مقاله ﴾ (۸)

دفعه ثانیه ده بصرای شامه عزیمت و حین عودتده (خدیجه)
الکبری رضی الله عنهای تزویجه اظهار موافقت بیورلدیغنی بیاننده در •

(اول سلاله از واج ماء و طین علیه صلوات المعین) یکر می بش یاشنده
اولدیغنی و غیلری اباطالبه براحتیاج فوق العاده توجه ایلش بیورلدیغنی
اشاده (عاتکه) بنت عبد المطلب که همشیره ابوطالبدر) برادر ی ابو
طالبه «یا اباطالب ارتق اول چن افروز دین یعنی جناب محمد (علیه
السلام) الامینی کرام قریشک بریله محرم شبستان زفاف ایده لم دیدی) مشار
الیه «ای همشیره مهر بانم بوماده بنم دخی خاطر نشانم ایه ده (بیت •
طالعی بدهمتی عالی اولان • روز شب ایلر بو عالمده فغان) مطابقتجه
دوچار اولدیغم فقر و احتیاج نتیجه تصور مک ساحه بروز فعل اولسته مانع
اوله یوری «جوابنی و یردی • مشار الیه جواب مذکوره قانع
اوله میوب «ای برادر عقیده دار العز حجاز اولان (خدیجه) بنت خویلد
شامه کوندر مک اوزره تفریق ایلدیکی اچه نک تجارتنه شریک ایلک
ایچون امین الحال و مستقیم الاحوال طالب ارامقده اولوب بو عالمده ایه

محمد امین کی برسر و باغ استقامت خرامان صحرای وجود اولدیغنی
ازاده قید حجت اولدیغندن اگر چه رضا کو ستریلور ایه مشار الیه
عرض کیفیت و بو واسطه ایله استحصال سرمایه نیت ایدلم «افاده سیله
ارایه طریق تجارت ایلدیکی و ابوطالب «ای همشیره بو آنه د کین
سلسله هاشمیه دن امور اجنبیه ده هیچ فردک استخدای مسبق اولدیغندن
مشار الیه خدمت اخرا یله مقید کور مک بنجه رحلت ایلکدن بتدر •
لکن اگر چه شیوه قدر بومر کزده جلوه کرایسه رأیکز اوزره بر کره ده
(خدیجه) نک افکار مکار مدثاری استکشاف ایدلسه بکده فنا اولز ظن
اید رم «دیدیکی جتهله مشار الیه قامت نمای قیام و حر مسرای
خدیجه (رضی الله عنهایه) عزیمتله نائل عز و احترام اولدی • فقط
(خواجه معالی فرمای هر دوسرا علیه افضل التحایا) حضرت تری نی اجاره
تجارتله امور اجنبیه استخدای ایده جکی وضعدن عرق برنجلت اولوب طلاقت
لسان و عدوت زبانه مشهوره انام اولدیغنی حالدده عرض مرامه جرأت
ایده میوب سکوت ایلدی • ضمیر سریره شناس مشار الیه (عاتکه) نک
برافاده مکتومه سی اولوب حسب التحاله اظهارندن احتراز ایلدیکنی
بالتفرس «ای بیحجت طراز خاندان (عبد المطلب) جاریه خانه کزی
تشریفدن غرض نه ایدو کینی بیان و مخلصه کزی اول صورتله دخی
مسرور و شادان بیورک) استفسار یله رفع و ایه عجزالت ایلدیکندن
جناب (عاتکه) افاده مافی الضمیر ایله خاطر عالی (خدیجه) بی تسری ایلدی •
مشار الیه «محمد بن عبد الله بن عبد المطلب اگر چه سر و سرافراز
استقامت اولدیغنی ازاده برهان اولوب لکن اصول تجارت باشا وجه
بر معرفت اولغله بو کاهر شخصک درجه استعدادی مساعد اوله میه جغدن
بعض سؤال و جواب ضمتده بالذات تشریفه رغبت بیور مارینی رجا
اید رم) دیدی • جناب (عاتکه) مع السرور عودت و صورت حالی نقل
و حکایت ایله خدیجه نک دیده براه انتظار اولدیغنی عرض ایلدی
اوزرینه جناب (نازنین شهرستان عزت علیه اکمل التحیه) حضرت تری
حر مسرای خدیجه یه عزیمت و تهیه قلنان مزین صفه یه اختیار جلسه

ارام و اقامت پیور دیلر • مشار الیهما وقوع تشریف عالی احتمالی اوزرینه عصمت سرای اجلا لانی فوق العاده تزیین و دیوانخانه ایوان بدیع البیانلرینه بریده شفاف زک تعلیقیه داخلنده کندوسنه بر محل مخصوص تعیین ایشیدیکه (اشبور پرده نیک ایچ طرفنده اولانار خا رجنده بولنا لری سیر ایدر و خارجده اولنلری تماشا ی داخلیدن منع ایلر) ایدی • و رای پرده دن اول نازنین بی بهانه یه نکه انداز دقت اولوب ورقه بن توفلاک زوجه پیغمبر اخر الزمان اولمق اوزره تعبیر ایلدی یکی واقعه سنی ملاحظه و (فهرست مجموعه نبوت و دیباجه کتاب رسالت) اولان مصحف جالنده مسطور ایات بنیاتی تورات و انجیلک تمامی منطوقنه مطابقت اوزره مطالعه ایشیلده شیفته نور دیداری اوله رقی (العين طلیعة القلب) مفهومیجه «محمد بن عبد اللهک اصول تجارتده در کار اولان استعداد و قابلیت مادر زادی ناصیه حالندن اشکار اولمغله هر کسه ویردیکم سرماییه نک مشار الیهما ایکی مثالی اعطایه متعهد اولدم» نطقنی ایراده ابتدار و آتش عصمتسوز عشقیله بی صبر و قرار اولدیغنی ضمنا ایما و اظهار ایلدی • روایت دیگر مفادینه کوره بر کون (ابو طالب) حضور لامع النور (محمدی) علیه السلامده پریشانی حالندن بحاله «ای کلزار قریشک سرو سرافرازی اگر چه بار تجارتیه متحمل ایشه کز سائر اهل تجارت کبی (خدیجه) بنت خویلد دن سرماییه الهلم» دیمسنه (لعلها ترسل الی فی ذلک) عبارته کوه پاره سیله اعطای جواب بیورلمش و کیفیت (ع) (کل سر جاوز الاثنین شاع) مطابقیجه سامعه مشار الیهما ایصال قلمشیدی • حضرت خدیجه (رضی الله عنها) سید الثقلین (صلی الله علیه وسلم) صادق الوعد الامین و رکن رکن کعبه دین اولدیغنی بلسندن و اختیار مشاق بیع و شرا بیوردیغنی استماع ایلسندن ناشی قبول بیورلدیغنی حالده زمام ماملکی قبضه تصرفلرینه تسلیم ایلک لازمه عهده همت و هر وجهله جاننده منت اولوب فقط شام کارواننک منتهی عزیمت و نهضت اولدیغنی جهتله شمد یلک سائر تجارتیه ویرمکده اولدیغنی سرماییه نک ایکی قاتنی اعطایه متعهد اولدیغنی

برواسطه قویه و ساطیلة عرض و اخطاره در کار و اثر موافقت و قبول بدیدار اولدیغنه (ابو طالب) واقف اوله رقی «ای برادر زاده من جناب و اهب الاعطایا سزه بو کنجینه شایکانی احسان و عطا بیوردی» دیمشدر • (خدیجه) کبرار رضی الله تعالی عنها (الوعدنا فله والایجاز قریضه) مفهومیجه نقود موعودی تسلیم و خدمت همایونده بولمق اوزره (میسره) اسمنده بر غلام تقدیم ایله (ای میسره اگر بو عالمده مرادک اکتساب ثروت و غنا ایشه ذات عالی (محمدی) علیه السلامی تطیب ایتکه منوط و شاید آزاد اولمق افکارنده ایلک اودخی مشار الیهک جبل المتین التفاتنه مربوط اولدیغندن (صلی الله علیه وسلم) هر صورتله توقیر ایتلیسین که (ع) حکم انک حکمی بکا فرمان انک فرمانیدر • حکمیجه جمله مالمک متصرف مطلق ذات عالی محمدیه (علیه السلام) لریدر • و برده کاروان قیام ایلدکده زمام قطاری دست کرم پیوست سرمایسنه تسلیم و برار آچیلدقده اشبور بوخچه ده بولنان خلعت غالی بهایی تقدیم ایدوب تخصیص ایلدیکم جل هین امله بالعز و الاقبال ارکاب ایدرک مهار سعادت مدارینی کندی الکله یده سین • زیرا بوفسحت سرای فئاده آسوده نشین راحت اولمقلغک رضای مرحام ار تضای مشار الیهی استحصاله متوقفدر» دیومیسره هر قومه اجرای نصیحت و حضرت سید القدیمی (صلی الله علیه وسلم) حایه توفیق خدایه تو دیع و ایضای مرا سم تشیع ایله تکمیل خدمت ایلدی • کارواننک نهضت ایده جکی کون سادات بنی هاشم حضرت (سیدالورا) بی تشیع ایتک و سائر سکنه مکه دخی رحلت کار و انیانی سیر ایلک اوزره بر معتاد بر محله جمع اولوب حضرت (قافله سالار صراط مستقیم) علیه الصلوة والسلامک محله (خدیجه الکبرا) دن (رضی الله عنها) رونمای و رود اولدیغنی وید سامیلرنده مشار الیهانک زمام قطاری بولندیغنی کورملریله برابر سادات هاشمیه مستغرق دریای خیرت و اضطرار اولدیلر • بوضعه ده (ابو طالب) تاب آور تکلم اوله میوب بی اختیار محاسب چشمانندن لؤلؤ بار ایدرک سکوت و جناب عاتکه

« واعبد المطلب نعمة جاكذاريله اى آمنه (رضى الله عنها) وای عبد الله (رضى الله عنه) وای (عبد المطلب) بر کره باشکری قالدیر کده عزیز کهواره ناز اولان چکر پاره کزی خدمت اجابله مقید اولدیغینی کورک » فریاديله ولوله بخش کائنات اولدیغی وعدم تحملدن تازه نهال باغ رسالته صار یلوب عقلنی یتوردیکی اجلدن اهل سیر و تماشایی لال و مبهوت ایلدی • جناب (عاتکه) نک آه جهانسوزی ملا اعلايه شراره فشان انعکاس اولدیغی و اول (بلبل باغ بلاغ) احبای صداقت پیارینه حزن حزن ایفای مراسم وداع ایتکده بولندیغی خللده کافه ملائکه آسمان سر نهاده سجاده فریاد و فغان اولوب « اى قیوم لا یزال خدیجه (رضی الله عنہا) مہارکش قطاری اولان (محمد) اول (محمد) در که شرفنامه اجلالته طغرای لولاک چکدک • و غمیشه بردار بر اقی اوله جق اولان جبریل امینک قدرینی مقربان درگاه عزتک میانه سنده بوجه لندردک بوسلطان نوظهورک روی زمین خزینہ لرینہ مالک ایکن بو مثالو خدمتده بولمسی جملہ مزی خدمت تلاشه دوشوردی » دید کلرندن { انی اعلم ما لا تعلمون } مصداق منیقجه (ای ملائک ظاہر بین بو کوردیکر حال حکمت اشتمال سزہ عارکسونکده قاعده محبت الہیہم بونی اقتضا ایلدی) خطاب عزتی شرف سانح اولدی • بعد مدہ دیر بحیرایہ واصل و صومعه مقابلنده کائن اولوب یدنجی مقالہ ده ذکر اولنان اغاج التہ نازل اولد قلرندہ فوت اولان بحیرانک قائم مقامی بولنان و (میسره) ایلہ معارفہ سابقہ سی اولان نسطورای راہب مراسم خوش آمدیہ بی اجر ایلد کد نصرکہ « اى (میسره) بو اغاجہ اتکایدن کیمدر » سیاقیلہ ذات نجستہ سمات نبویہ بی سؤال و « بونورس نهال عز و علا برادرزادہ ابوطالب اولان (محمد) مصطفادر) صلی الله علیه وسلم جوابی النجہ « اى (میسره) سنی تبشیر ایلر مکہ کتب سماویہ نک منطوقی اوزرہ بو درخت سعادت بخش سایہ سنده فرش سجاده اقامت ایدن ذات باہر البرہان منتظر اولان پیغمبر آخر الزماندر » مآلندہ بسط مقال ایدرک و دولاہ حافظہ سنده بولنان شمائل شریف نبوتی رأی العین کور مک

ایچون اول شمع جمع آرای رسالتک پروانہ کی جہت اربعہ سنی طولانہ رق (خاتم الانبیا) اولد یغنه شہادت ایلہ اثنای سفرده سر نمای وقوع اولان خوارقی (میسره) دن استماع ایلوب « اعلی الله تعالی شانہ » شناسیله مشاہدہ مہر نبوت امرینہ قیام و احراز مرتبہ مرام ایلسی اوزرینہ « اشہد ان لا اله الا الله و اشہد انک رسول الله النبی الامی بشریک عیسی بن مریم » دیہ رک سوزی اکمال ایتدی • و (میسره) یہ خطابا (صقین) بوجوہر کرانمایہ سعادت بلدہ شامہ کتورمیه سین • زیرا شام یهودیلرینک جملہ سی لب تشنه خون هلاکیدر) نہجیلہ ایفای ماوجبہ وصیت ایلدی • لا یخفہ • میسرہ نک اثنای سفرده کوردیکی خوارق عادہ حد و احصادن زیادہ اولغله و بوجملہ مختصرہ ایسہ اولقدر تفصیلات مبسوطہ احاطہ سنہ غیر مساعد بولمغله ایرادندن صرف نظر قلمشدر • « استطراد » مدرشین کر آمدن اسکوبی علی چلبی زمان سیاحتده روم ایلیدہ واقع (دبرہ) قضاسنہ مضافہ برقریہ ده هر گوشہ سی مانند تکار خانہ چین و دیوارلری نمونہ نمای صورتگران ماچین اولہ رق غایت بیوک و متین بر کلیسا کوروب ایچندہ رسم و ترتیبی شاهانہ وزینت وزیبی یاد شاهانہ تصاویر موجودہ داخلہ نک جملہ سندن مکلف و یکانہ اولہ رق بر رسم مجسم منظوری اولغله کیمک رسمی اولد یغنی ونہ وقت ترسیم قلند یغنی بر راہب کهنہ سالدن سؤال ایلدی • اول راہب ساخورده (بو مجلس عالی پیغمبریکز (محمد العربی) صلی الله علیه وسلمک تجارتلہ شامہ کیدرکن ملت مسیحیہ دن بحیرای راہبک و یرمش اولدیغی ضیافت استقبالیہ نک تصویریدر) جوابی و یرنجہ رسم مذکورہ احالہ نظر امعان ایلہ کتب سیر منطوقنہ تمامیلہ مطابق کوردیکندن « اگر پیغمبریمزک مبعوث بالحق پیغمبر مطلق اولدیغی اوائل نصارا عندندہ متحقق اولمسه ایدی بحیرای عارف نیچون تقدیم ضیافت خصوصندہ اختیار کلفہ زجت ایدر و بویله عبادتکاه معظمہ ده اول تصویرک بولمسنی علمای مسیحیہ نوجملہ تجویز ایلردی • » سبکی سؤال و راہب ضلالت اثیر (بزنبوت مشار الہی انکار ایتوب بلکه اشرای ملتزدن احتراز

ایلسک ایدی • (لا اله الا الله محمد رسول الله) دیمکدن حکمزدک
 انبیا انلر (صادق الوعدنی آخر زمان) ایسه لرده طائفة عربیه
 مبعوثدرلر (جوابیله سوزی اکیال ایلدی • تم الاستطراد)
 راهب مومی الیهک وقوعبولان پند ونصیحی اوزرینه اول (خواجه بازار
 استقامت) متاع موجودی دلال (هل من مزید) دستنه تسلیم ایله عودت
 ورهبری عون وعنايت حقله مکرمه به مواصلت بیوردیلر (که اولکون
 خدیجه کبرا (رضی الله عنها) جوار سیله بر غرغه معلاده بولوب
 شامدن توارد ایدن قافله اها لیسندن بر ذاتک بالای سر سعادت افسرنده
 یشل بر قوشک سایه انداز تعظیم وتوقیر اولدیغنی کوروب (اول نازنین عزو
 اقبال عجباقنی یادشاه ذوالکمالدر) دیرک غریق بحر افکار اولمشیدی • ناکاه
 (میسره) ورودایدوب اول سایه نشین اجلالک قافله سالار دین مبین جناب
 محمد (علیه السلام) الامین اولدیغنی بیان واثنای راهده مشهودی اولان
 خوارقی وحکایات نسطورای راهبی نقل واتیان ایدرک سیننه مشار
 الیهایه بر آتش تحملسوز دها براقدی • بوسفر مبارک اثرده حاصل اولان
 تجسارت سنین سائر سفر لرنده کوستریلان قرانجک یوزمیلی اولدیغنی
 عند الحاسبه آشکار و سلطان رسالت عنوانک (صلی الله علیه وسلم)
 بیخ محبتی بویوزدن دخی مشار الیهائک روضه خاطرنده ریشه کیر استقرار
 اولغله داخل بیت الزفاف ازدواجی اولمق داعیه سیله رازدرون (نفیسه
 بنت منیه) واسطه سیله (رازدار سر پرده غیب) اولان طبع کریم (سید
 البشر) علیه السلامه عرض ایدرک اماره روی موافقت کوردیکندن
 ایرته سی کونی (که ایکنجی بصرای شام سفرینک سکسان دردنجی کونی) ایدی •
 عقد نکاحی ضمتده (ورقه بن نوفل ابن اسد و عمرو بن اسدی) بی اخضار و کیفیتی
 شاه قریش علیه السلامه دخی عرض و اخطار ایتکله (خرجه بن عبدالمطلب)
 مر افقتیله دولت خانه مشار الیهایه تشریف بخش رغبت پیورلیدی •
 مؤخر اکا برهاشمیه دخی مجلس نکاحه جلب ایدیله رک علی مقادر هم
 برکوسترلد کد نصرکه (سید الانبیا) جانب غالیسندن (ابوطالب) وسیده
 النسا طرف سامیه سندن (ورقه بن نوفل) توکیل و اصول عرب اوزره

برر خطبه بلیغاته ترتیل قلنه رق حضار مواجهه سنده (۴۰۰) مقال
 زر خالص العیار مهر مجل ایلر رسم نکاحلری عقد واجرا و آیین زفاف
 دخی همان اول کون ایفا و لمغله اره لرنده تعریفی غیر قابل درجه ده مودت
 ظهور ایتدی • وثیقه نکاح ختم اولندیغنی زمان ذات عالی نبوی (۲۵)
 و مشار الیه (۴۰) یاشلرنده اولوب حتی مشار الیه کرام قریشدن بر عقیده
 بی همتا و مال بی حساب مالکیتله ممتاز اصحاب ثروت و غنا یکن حسب
 الا خلاص حرمسرای رسالته حلقه بکوش خدمت اولوب مان و ملکن
 او غور هما یونده صرف ایتش و جناب مقدس القاب نبوی جانب سنی المناقبندن
 دخی خاطر علیه مشار الیهایه فوق العاده رعایت و حرمت ایدلمش
 اولدیغندن (وعاشروهن بالمعروف) ایت جلیله سیله موصوف اولدیلر •

﴿مقاله﴾ (۹)

بیت معالی کعبه نک تجدید ایدلدیکی و حجر الاسودک موضع
 مخصوصنه وضع اولندیغنی بیانده در

(معمار کارخانه دین علیه صلوة المعین) حضر تلرینک سنین عمر شریفلری
 او توزبشه منتهی اولدیغنی خللده اکا بر قریشیه بیت معظم ابنیه سنی
 تجدیده درکارا ولهرق بر طرز دیگر اوزره اساس افکن اولدیلر ایدی •
 لکن حجر الاسودی موضع مخصوصنه وضع ایتک بین القبائل مستلزم فخر و مسار
 اوله جفتندن (بنی عبدالدار و بنی مخزوم و بنی سهم و بنی جهم) قبائلی بربری
 علیه قیام و درت کون قدر بو معارضه ایلر امر ارایام و سفک دماء
 یکدیگری انتاج ایدرجه سنه اداره قیل و قال ایدرک (لعله الدم)
 لقبیله مشهور و دعوالرینی فصل ایچون بر حکیم ذوفنون بولمغه مجبور
 اولدیلر • اخر الامر (ابو امیه) بن المغیره القریشینک تحت ریا ستده
 انعقاد ایدن مجلس مشورتده رئیس مر قومک (بو صباح هرکیم باب
 شیه دن الک اول داخل حرم محترم اولور ایسه بو خدمتک اکا حواله سی
 مناسب اولور ظن ایدرم) دیمسی هیئت شوراچه رهین قبول و تحسین
 اولدی • ایرته سی کونی اول (بانی مبانی شریعت غرا علیه من الصلوة
 ازکاها) حضر تلری هیچ برشیدن خبری اولمقسزین بالهز و الا جلال باب

مذکور دن جمله دن اول داخل سرای متعال اولغله قریش قبیلہ سی افرادی
(هذا محمد الامین رضینا به) سیاقیله بسط بساط ثنایہ استجمال ایلدیلم.
اول سلطان سدره دستگاه انطفای شر شراره ریز اشراى قبائل
صدیدیله مبارک کسوه سعادتترین روی زمینہ فرشله اوز رینه حجر الاسودی
وضع ایلد کد نصکره او جلرینی رؤسای قبائل اربعه مارالذکره طوئدرمش
وبوصورتله دیوار اوستونه چیقارق حجر شریف اسعدی موضعنه
وضع ایتکله شراره شر اشرا اول ماء الحیاة رسالتک آب تدبیریه
پذیرای انطفاولمش و بنای معلاى کعبه نك دیوار لری رسیده سرحد
ارتفاع اولدقدہ التی عدد متین و مستحکم دیرک دیکیلہ رک اوزری
قباد لشدرد. (استطراد) اول (طرح افکن بنیان شریعت علیه افضل
الحمیه) حضر تلری برکون کعبه علیانک رسم عتیقنه مخالف بر طرز نوین
اوز رینه انشا قلند یغنی جناب صدیقہ یه (رضی الله عنها) بیلدر مک
ایچون {لولا ان قومک حدیث عهد بالکفر لنقضت الکعبه وردتها
على قواعد ابراهيم وجعلت لها بابا شرقيا و بابا غربيا} بیور مشلرایدی.
بوحدیث شریف (عبد الله) بن الزبیر رضی الله عنهما نواز
اخلاص اهترازی اولدیغندن زمان خلافتلرنده کعبه معظمه ن
رسم قریشیه سنی هدمله خلیل الله علیه السلامک اساس افکن اولدیغنی
طرز عتیق اوزره تجدیدایتدی. فقط عبد الله بن مروان زمان حکومتده
مشار الیهی حجاج ظالم شهید و اقلیم حجازی استیلا ایدرک کعبه مکرمه یی
تکرار هدمله بنیان قریشیه طرزنده تجدید ایلدی. امیر المؤمنین هارون
الرشید العباسی زمام حکومتی قبضه تصرفه آلدیغنی خلالده حجاجک تأسیس
ایلدیکی بیت الحرامی عبد الله بن الزبیرک (رضی الله عنهما) یایدیغنی رسمه
چویرمکی تصورایدوب لکن عصری علماسنک (بیت حق ملوک عالمه او یونجق
اولغله سبب اولورسین) دیملری اوزرینه علی حاله ترک ایلدی. تم الاستطراد

﴿مقاله﴾ (۱۰)

مبادی نزول و حیده بر طاقم حالات غریبه نك دهشت غمای وقوع

اولدیغنی بیانده در

معارف اششایان زمان عندنده غیر خفی اولدیغنی اوزره انبیاء کرام
(صلوة الله علی نبینا وعلیه السلام) حضراتنه نزول وحیک ابتدای
وقوعی رؤیای صالحه ایله اوله کلد یکنندن علیه (الصلوة والسلام)
افندیمن حضر تلری قرق یا شلرینه واصل اولدقلری اوان فیض اقترانده
التی ماه قدر علی سبیل الرؤیا وحی واقع اولوب بو جهته (۲۳) سنه
مدت دعوت اسلامه مشغول اولمشلردر (که علمای محققین)
مدت دعوتی التیشر ماهه تقسیمله قرق النبی جزوینی وحی منامله توجیه
ایلد کلری بیانی صدندنه بولند یغیز وحی منامی تصدیق ایدر. ایام
بعثت تقرب ایتدیکجه چشم ملک فریب همایون امور خارقه کور مکه
باشلد یغندن راست کلد کلری مقوله حاجر و شجر ز بان فصاحت بیانه
(السلام عليك یا سید البشر) دیرلرایدی. اولوقتلرده معتاد
سامیلری یالکزجه اوتورمق و کیسه ایله کور شما مک اولوب یوللرده
کیدرلرایکن و اطرافلرنده هیچ فردیو غیکن (یا محمد) علیه السلام
صدای هاتقیسی ظهورندن متوهم اوله رق دفع واهمه ضمیمه بر محله
اختفا و تستر ایتکده و نقوش ما سوا یی خریطه خاطر دن بالکلیه محو
وتبناه ایدرک رشته علاقه یی اختلاط سلسله خلقدن قطع ایلکده
اولد قلرندن حق سامیلرنده (ان محمدا) علیه السلام (عشق ربه)
دینلیدی. جبرائیل علیه السلامک ورودی آیات قرآنیه نك نزول
وتواردی تقرب ایلدیکجه موانست بشریه دن اعراضله کوشه کیر عزلت
و غار خراده مواظب توکل و عزیمت اولوب صبا حله قدر اشکر یز طاعت
و عبادت اولورلردی (بیت) دریای رحمتی طاشرر موج خیر ایدر*
سیلاب اشک نیم شب و آه صبحگاه. ایام شریفلری بو حال ایله بر مدت
کتران و مشرب پاکیزه زنده جویبار فیض قابلیت فیضان ایلد کده
رسول رب العالمین جناب جبریل امین خلعت شریف مسعدت ردیف
نبوتی قامت استعداد رسالتلرینه اکساو (اقرأ باسم ربك الذي خلق)
آیه کریمه سنی تبلیغه اعتنا ایلد یکه معنا سی «جميع اشیای خلق ایدن
ربك تعالینک اسمیله باشلیوب قرآنی اوقو» دیمکدر. بوبابده اختلافت

کثیره واقوال وفیره اولوب فقط علمای سیر نزنده مختار ومتفق علیه اصحاب
آثار اولان قول صحیحک بیان اجمالسی افاده سیله اکتفا اولندی •
(شویله که ابتدای بعثت نبویه التي ماه قدر رؤیا طریقیه وحی آسمانی
نازل ومشاهده بیوریلان واقعه لك ایجاب واقتضاسی تمامیه
حاصل وحی جناب جبریل چند دفعه صفت ملکیتله (جبل) حراده ظاهر
ونازل اولوب لکن طرفیندن شق شفه مکالمه اولمادی • (حکمت)
اول خواجه نو ظهور رسالت علامت اتصال موافقت اولوق اوزره
جبریل امین علیه السلام بر قاج دفعه بلا وحی ظاهر اولسنی شیوه حکم
سبحانه اقتضای شد • اول (ماه ملک منظر علیه صاوة الله الاکبر)
حضرت تری رمضان فیض رسان شریفک اون ید نبی اثین کونی توجه
نمای محراب ملکوت اوله رق عجایبات زینسرای علین تماشا سیله
او یوب قالمش وجناب جبریل ظهور ایتسیله (یا محمد) علیه السلام
دیه رک بیدار ایشیدی • اطراف اربعه همایونلرنده هیچ فرد
کوره مد یکلرندن تکرار رهین خواب بقرار اولدی • جبریل امین
ینه بیدار ایدوب (یا محمد «علیه السلام» جناب حقک کوندردیکی
جبریل نمکه سزه القای وحیه مأمورم • زیراسن اللهم رسولیسین
اقرأ) دیمسنه «ما انا بقاری» نهجیله اعطای جواب اولند یغندن
مشار الیه سیننه بیکینه رسول الله نهاده دست اهتمام ایتشدر (کداول
غنجه باغ نوشکفته رسالت) بو حالک شد تنی بیان ضممنده (حتی بلغ منی
الجهد) وقول آخرده (حتی ظننت انه الموت) بیوردیلر • بورسم
اوزره اوج دفعه ملاقات واقع اولد قد نصکره جناب جبریل اول دانای
ساده لوح عرفان (علیه صاوة الرحمن) حضرت لرینه «اقرأ باسم
ربک الذی خلق خلق الانسان من علق اقرأ وربک الاکرم الذی علم بالقلم
علم الانسان ما لم یعلم» آیه جلیله سنی تبلیغ ایتدی که
معناسی (جمع اشیا یی خلق ایدن ربک تعالینک اسمیله باشلیوب
قرآنی او قو اول الله تعالی انسانی برپارجه او یوشمش
قاندن خلق ایتدی • یا محمد (علیه السلام) قرآنی او قوربک تعالی

جمله کریمانک اگر میدر که قلمه خط و کتابت تعلیم ایلدی • انسانه
بیلدیکنی بیلدردی • دیمکدر • جناب جبریل بوند نصکره ایاغیله
روی زمین دن برصو پیداو خواجه عالم صلی الله علیه وسلم حضرت لرینه
آداب وضو ومراسم فرائض نمازی تعلیم وانها ایتدی • امام الانبیا
علیه افضل النما یا افندیمر دخی مشار الیهه بالاقتداء ایکی رکعت نماز
ادا سندن نصکره دولخانه خدیجه الکراپی (رضی الله عنها) تشریف
بیوردیلر • وبشره همایونلرنده رونما اولان اثر بشاشت وسرور
حکمتندن مشار الیهانک واقع اولان سؤالنه بیان سرگذشت و آیات
بینات سالف الذکری قرآنه (لقد خشیت علی نفسی) جوابنی اعطا
بیورد قلرندن مشار الیه تسلیت خاطر عالی ضممنده «یا محمد (صلی الله
علیه وسلم) سکا مرده اولسونکه پیغمبر اخر الزمانسین • زیرا
صله رجه رابطه اتصال وصادق الحالین • وچاره رس فقرا
ومحب ضعف و طالب مهمان صفاسین • بونکله برائتسلف تماملین که
جتا رب العزة سنی ورطه بلایه دوشورمز» یولیه دغدغه (خاطر
سیدلاری) بر طرف ایدرک و انبات مدعا ایچون اذن کریم لر یله
ورقه بن نوفله کیدرک «یا بن عم جبرائیل کیدر» دیمسنه (سبوح سبوح)
وقول آخرده (قدوس قدوس) دیدکدن نصکره «ای سیده کزیده
کرایم قریش اول بلده ده که اهالیسی پت پرستدر (جبرائیلک اسمنی
کیم ذکرایدر که انبیاء عظام حضرتانه واسطه وحی اولان حضرت
جبرائیلدر) مقال سؤال اشتمالی ایراد و مشار الیه نامی واقعه بی شرح
وتعداد ایلدیکندن (اکرم محمد «علیه السلام» الامین کرچکدن
ناموس اکبره ملاقی اولدیس جناب واجب الوجود بودیاری بر شرف عظمايه
مظهر ایده جکی وارسته قید اشتباهدر • فقط حالات مشر وحه کزی
برکرده بالذات کندیلرندن تدقیق ایتک اقتضا ایدر) دیمش و مشار الیه
آلدیغی جوابی معروض رأی عقده کشای خاتم الرسل ایتکله بیت الحزن
ورقه بالتشریف نزول جبرائیل و تبلیغ آیات تنزیل وحالات وحی جلیل
علی طریق التفصیل تعریف بیورلشدر • ورقه «ابشر یا محمد

عليه السلام) ثم ابشر ثم ابشر) عبارة مبشرة سین برآورده زبان
و نبوت جناب رسالت پناه هبسی اعتراف ایل به برابر دبدبه دعوتده ایرشدیکی
وقت نزد دولترنده کربند خدمت اوله جغنی ذکر و اتیان ایدرک اول
(صادق الوعد الامین) حضر تلیزیک جبین مسعود مبارکفی بعدالتقبیل
دوام دولته دعا و آره سی چوق یکممدین ارتحال دار بقا ایلدیکندن
داخل سلسله مؤمین اولدی • بوندن بر مدت صکره نزول وحی واقع
اولدیغی جملته خاطر عالی رهین انکسار و بر اضطراب فوق العاده به
دوچار اولدیلر • حتی زمین هلا که آتلق اوزره دفعا تله بالای جباله
چقهرق ابراز مد عایه متصدی اولدیفه جبریل امین ظاهر اولوب «یا محمد»
عليه السلام سن اللهک پیغمبر سین» دیدیکندن ملالت خاطر لری
مندفع اولوردی • (حکمت) امواج بحر حکمت اگر چه متعاقبا
یکدیگر بنی تصادفی ایتسه سفینه تحمل جناب رسالت پناه هی حسب البشریه
رخنه کیر بطاقت اولور حکمتنه مبنی بر مدت یک روز کار و حیک انقطاعی
اقتضا ایلدی • (استطراذ) محمد بن جریر الطبری نقلیه جابر بن
عبدالله الانصاری روایتی اوزره (صلی الله علیه وسلم) بیوردر که
* وحی منقطع اولدیغی کونلرده وادی نشین حیرت ایدم • ناکاه
قولانغه بر صدا کلوب ر عشه وجودیمی ایجاب ایتیکله اسمانه باقوب بر ایل
کول آره سنده موضوع بر کر سی اوزرنده حضرت جبرائیلی کوروب
کمال حیرتله عصمتخانه (خدیجه) رضی الله عنیه عودت و یا توب
اوزریمی اورتدر مکه مسارعت ایدم • اضطراریم مبدل سکونت
اولدوقده جناب جبریل (یا ایها المشرقم فانذر • وربک فکبر و ثیابک فطهر
والرجز فاهجر) آیت جلیله سنی تنزیل ایلدیکه معناسی (ای جاهله نبوت
و کمالات نفسا نیتله بورغمش قالمق کفاری عذاب اللهله انداز ایل •
وربک عز شانه به تعظیم ایت • و ثیابکی الواندن تطهیر ایت • یا خود ثیابکی
کوتاه ایل • (که صنادید عربیه مشابه اولسون) یا خود نفسکی اخلاق
زمیمه دن پاک ایل • جمله ذنوبدن احتراز ایل اولدیغک کبی تقوا ده
اول) دیمکدر • تم الاستطراذ • بعد ازین ضمیر منیر نبوی صندوقه

جواهر قرآن اولوب ورو دوحی خدا و نزول آیات کبر یا متسلسلا زینت
بخش موقع نزول و ذات همایون لری دعوت اسلامه مشغول اولمشدر •

﴿ مقاله ﴾ (١١) ﴿
﴿ سلسله اهل ایمانک ترتیب فهرستیه سی بیانده در ﴾

قویانقل اولندیغنه کوره اول امر ده حلیه اسلامیه محلی اولان
درة التاج النسا حضرت خدیجه الکبرا اولوب بوندن صکره سکن یاشنده
ایکن جناب مر تضا و غلام سید الاتبیا زید ابن حارث ودها صکره جه
ابوبکر الصدیق وبعده عثمان بن عفان وزیر بن العوام و عبد الرحمن
ابن عوف و سعد بن ابی وقاص و طلحه بن عبدالله و بعد ذلك ابو عبیده
ابن الجراح و ابو سلمه بن الاسد المخزومی وارقم بن الارقم و عثمان بن مطعون
و بونلری متعاقب عبیده بن الحارث و سعید بن ریح و زوجه سی فاطمه
بنت الخطاب و اسماء بنت صدیق و حباب بن الارت و عمیر بن ابی وقاص
و عبدالله بن مسعود و بعد ازان مسعود بن ربیع القاری و سلیط بن عمرو
و عباس بن ابی ربیع و زوجه سی اسماء بنت سلامه و خنیس بن خداعه
و عامر بن ربیع ودها صکره لری عبدالله بن جحش و برادری ابو احمد
و جعفر بن ابی طالب و زوجه سی اسماء بنت عیس وبعده بلال الحبشی و صهیب
بن سنان الرومی وعمار بن یاسر «رضوان الله تعالی علیهم وعلیهم
اجمعین» حضراتی داخل حصن حصین دین مبین و بعد هذا رجال
ونسوان آقن ایدرک تاج باهر الا بتهاج ایمانله کامین اولدیلر •

﴿ مقاله ﴾ (١٢) ﴿
﴿ سلطان کریم هفت اقلیم علیه صلوة الرحمن الرحیم حضر تلیزیک ﴾
﴿ دعوت علنیه به مبادرت بیورد قلری بیانده در ﴾

اول (پادشاه نو تسخیر هفت اقلیم علیه التحیه و التسلیم) حضر تلیز اوج سنه
مقداری دعوت خفیه اشتغالیه امر اروق ایدوب «یا محمد» علیه السلام
امر اولندیغک امر ونهی اظهاریله و مشرک لردن اعراض ایدوب التفات
ایتمه «مفاد منیفی حاوی اولان» (فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین)
آیه جلیله سی نزول ایلد کد نصکره رهیمای وادی ضلال اولان کراهلری

شهره شریعت مستقیمه صورت علیه ده دعوت و (پک یقین اولان
اقرباکی عذاب الله ايله اخافه ايله) معناسنده بولنان (واندز عشیرتک
الاقربین) کریمه سی نازل اولد قدده اقرباء و تعلقات نبویه لرینی
چرکاب کفردن تخلیصه سعی و غیرت پیوردیلر • امیر المؤمنین علی بن
ابی طالب کرم الله وجهه دن منقول برروایتک مفاد صدق اعتیادی
اوزره اول کریمکار مهمان نواز (صلی الله علیه وسلم) حضرتلری سالف
الذکر آیتک حین نزوانده ترتیب ضیافت و ابوطالبه حمزه و عباس رضی الله
عنهما و ابولهب کبی اقرباکی عشیرت هاشمیه دن قرق نفر کمسنه بی دعوت
پیوردیلر ایدی • مسافرین وارده آماده تناول طعام اولد قلری صره ده
(اول سید الانام) علیه الصلوة والسلام سفره دن برپارجه ات الهرق
بر جزوی • اکل و ما باقیسنی سفره اوزرینه وضعله « خذوا باسم الله »
پیوردیلر که شخص واحدی اداره یه غیر کافی اولمق اوزره تخمین قلنان
لچاره مارالبیان مدعویتک جله سنی اطعام ایلدی • بعد الطعام
ابولهب ایکی دیزی اوزره چوکوب « محمد (علیه السلام) سحر ایدن شقی
بد کردار بر خوردار اولسون » مفادینی ایراده شتاب و علیه الصلوة
والسلامه توجیه و جهة خطاب ایدوب « یا محمد (علیه السلام) قوم
قریشک بو قدر عرب قبائلیله مقاتله ایده جک قدرتی بو قدر لایق اولان
سنی بند زنجیر ایدرک بر محبس مستحکمه القا و کوزلر کدن خواب راحت
الغا ایلکدر • چونکه سنی تنهانشین زندان ایتک قبائل متوحشه اعرابه
قان دوککدن اولادر • زیرا جمعیت بشریه نک کهواره زیب وجود
اولدیغی کوندن بو آنه کلنجیه قدر قوم و قبیله سنه و خصوصیه اعظم
عشیرتنه بو صورتله معامله ایدن و آلهه آبا واجدا دندن اعراضله اله
آخر عبودیتنه سوق و الجاء ایلین آدم ظهور ایتما مشدر • تبأ لک (یا محمد
(علیه السلام) دیدی • و بو کابناء سورة (تبتیدا) نزول ایلدی •
ابولهبک اشبو وضع نا بر جاسندن خاطر سید المرسلین (صلی الله علیه)
وسلم مغیر اولدیغی و اعطای جواب خصوصنده اختیار سکوت پیوردیغی
اجلدن خضار متفرق و تار و مار اولوب لکن (سید القوم) صلی الله علیه

وسلم حضرتلری مطارحه کلامده ابولهبک جله یه مسابقت و کلمات
نافرجام مسروده بی ایراده مسارعت ایلدیکنه حواله سمع اعتبار ایتیبوب
اراده حضرت ذوالجلاله یه موجب عالیسیله عمل ایتک و آیت جلیله
(واندز عشیرتک الاقریین) احکام منیغه سنی اجرا ایتک اوزره دفعه
ثانیه ده اولهرق ترتیب مالز مه ضیافت و وجوه عشیرت سالف الذکری
دعوت پیوردیلر • و بعد الطعام ایتار کلمات جواهر پاشه قیام ایدرک
(خدای بی زوال حقیچون بنکه محمد (علیه السلام) بن عبد الله
جناب حق طرفندن کوندلش رسولم • و کافه انس و جنله سزله
بعث اولمش پیغمبرم • معلومکن اولسونکه جله کزوفات ایده جک
وعرصه گاه حشره کیده جکدر • و هر کس کندی عملیه محاسبه
اولوب موجب مکافات و یا خود مجازات اوله جکدر • امدی بوامر
مهمه تمشیت و یرمک و اظهار دین مبین ایتک اوزره بکا هر کیم معاونت
ایدرا یسه بن بر حیات اولدجه برادر دینم • و آخرته کتد کد نصره
جای نشینم اوله جفنده شبهه اولمسون • الله تعالی یه ایمان و اطاعتله
نفسکزی ایتک عذابندن قورتارک یوقسه بکا اولان قرابتک سزه فائده
ایتمز » سبکنده کهر پاش نصایح اولوب جواب سکوت
المسی اوزرینه اعظم قریشه نسبتله کودک نوسال اولان
علی المرتضا (رضی الله عنه) تصدیق نبوتله رطب اللسان و التفات
همایونه مظهریتله کامران اولدی • اقارب عقارب اخلاق مدعوین
(ای ابوطالب کوردکی محمد (علیه السلام) اوغلاک علی یه سندن
زیاده تعظیم و رعایت ایدیوری) دیهرک و کلمات حکم آمیز نبویه بی
استهزا ایلیه رک متفرق و پریشان اولدیلر • اهالی مکه بو آنه کلنجیه قدر
یعنی اصنام قریشیه یه اعتراض ایدیلنجیه یه دکین حق سامی نبویه ده
اداره قیل و قال ایتیبوب حتی هر کیمک یانندن کذر پیورلسه (اسماندن
خبر و یرن و ناموس اکبر واسطه سیله اسرار ملکوت بکا کشف
اولندی دیان محمد (علیه السلام) بن عبد الله بن عبد المطلب
اشته بو ذات سنی المناقبر) دیو یکد بکره تعریف ایدرلر دی •

﴿ حق عالی نبویه ده سکنه مکه نك ابراز جور و جفا ایلد کیری بیاننده در ﴾

اصنامك حقارت و بطالتی مشعر شرف بخش موقع نزول اولان آیات قرآنیه
علنا اعلان بیورلدیغی جهتله مکه کفره سی سید الابرار و خصوصاً صلیله
اصحاب عالی تبار حق عالیارنده اظهار جفا و ابراز جور و از درایه درکار
و اول کبرک نازک مزاج علیه الصلوٰة والسلامی راست کلد کیری یرده آزرده
خار اعتراض ایتکه جرأت نمای ابتدار اولوب حتی بلاغت قرآن کریم
معلوم لری اولدقه ذات قدسی سمات همایونلرینه شاعر و طبع سحر آفرین
مجنز پردازلری شیوعبولدقه ساحر و کاهی مجنون و بعض دفعه حاشا
کاذب ذوفنون القاب غیر لایقه لرینی عطفله اول ذلال ینبوع عرفانی
مکدر ایدر لدی • بر کون ابوطالبه «برادر زادک محمد (علیه السلام)
الامینه سویلر بزم آلله عزیزی طعنله تحقیر و انلری لومله بزنی تعزیر ایتسونکه
بزدخی انک خدا سنه زبان دراز اعتراض اولمیه لم • یوقسه استهزای
آلهه من دن فارغ اولمز ایسه انکله بزم دعوا منی حاکم سیفک فصلانه
حواله ایدک • دیدیلر • اباطالب اول اشرف ابنای بنی غالب حضر تلرینی
جمعیت قوم و قبیله مقرر کا هنه جلبله «ای جکر گوشه برا در زادم •
بوجعیتده حاضر اولان اعظم قریش ذات عالیکردن شکایت و آلله لرینه
طعنله زن تحقیر اولد یغکی حکایت ایلر فزاید اید یوری • بعد ازین
بونلرک معبود اتخاذا ایلد کیری اصنامه اعتراض ایتکه کم انلردخی دست
نخوست بیوستلرینی دامن تعرضدن چکسونلر • دید کده «ای عم
محترم بن انلری برامی خیره دلالت و برخوان فیضا فیض نعمته دعوت
ایلر مکه اگر اجابت ایدر لر ایسه نزد عالیارنده ملوک عرب و سلاطین عجم
حلقه بکوش خدمت اوله جغی مالاکلامدر • جواب عالیسنی اعطا
بیور دیلر • بو اراق ابو جهل دهن باز استفسار اولوب «یا محمد
(علیه السلام) اول امر عظیم القدیری بیلدر که قبول ایده لم •
سؤالی ایراد ایدرک «لا اله الا الله محمد رسول الله (کلام سعادت انجاء مک
دل ایلر اقرار و قلبله تصدیقه ابتدار ایلر کدن عبارتدر) • نهجنده اخذ

جواب و «بوندن غیری هر نه التماس ایدر ایسک قبول ایدر زلکن
دلزده اول عبارتیه تقریر قدرت یوقدر» زمینله عرض امتناعه
شتاب ایلدیکندن «اگر چه زمین و آسمانی قبضه تصرفه تسلیم ایسه کن
مقبولم اولوب الا اول کلمه منجیه بی اقرار و تصدیق ایتکزی استرم»
بیورلدی • حشرات مر قومه حضور همایوندن روبراه وادی ضلال
اولوب کیدر کن «بزم و بابا لریمزک بالاتفاق طایدیمز (٣٦٠) آلله
مکه شهرینی اداره ایده من ایکن برالله نیجه اداره یه کافی اوله بیلور»
دیمش اولد قلری جهتله «اجعل الالهة الهسا واحدا ان هذا لشیء
عجاب • وانطلق الملاء منهم ان امشوا واصبروا علی الهتکم ان هذا لشیء
یراد { ایت جلبله سی نازل اولدیکه معناسی «أیا محمد علیه السلام
بوالله لری ابطال ایلر برالله می ایدر • بو کلامی عجایب شئدن • بربرینه
دیدیلر که یوری کیدک آلله لریمز عبادت ایتکله صبر ایدک بو بزم
محمد (علیه السلام) ایلر مخالفتمز حوادث زماندن مراد اولنمش برشی
اولغله اکاچاره یوقدر • دیمکدر • ابوطالبک وقایه ذات همایونده
درکار اولان ثباتی ظاهر اولدقه کفره مکه ضعفای صحابه دن قوم
و قبیله سی اولمیانلر ابراز جفا و دین حق ترک ایتدر مکه سعی ایدوب حتی
عمارک پدر و مادر (یاسرو سیمه) و علی زوایه (حارث بن هاله بن
خدیجه بی) رضی الله عنهم اشکجه جور ایلر ایصال دولتسرای عقبا
ایلدیلر که امت جلیل القدر محمدی ده (علیه السلام) الاول حازر
رتبه شهادت اولان مشارالیه سادر • رحمة الله رحمة واسعة

﴿ صحابه کرامک حبشه دیارینه هجرت بیورد قلری بیاننده در ﴾

حرکات نابرجای اهل ضلال دائره تحمیلی تجاوز ایلدیکندن امیر المؤمنین
عثمان بن عفان رضی الله عنهمک تحت اداره سنده اولمق و ایچلرنده درت
عدد مخدرات بولمق اوزره دیار حبشه رحصتیاب هجرت اولان اوندرت
صحابه عالی منقبت بشنچی سنه بعثت رجب شریفنده بردسیسه ایلر مکه دن
حرکت و نهضت ایلدیلر • عون حقله طریق صعب المرور دریادن

یکه رک اسمی (اصمحه) ولقبی (نباشی) اولان حبشه ملکک قبضه تصرفنده بولنان ممالکه واصل و تعرض مشرکیندن رها اولوب راحت باله نائل اولدیلر که زوجه محترمه عثمان بن عفان (رقیه) رضی الله عنہا بنت (سید المرسلین) وزیر بن العوام • و عبدالرحمن بن عوف • و عثمان بن مطعون • و ابوسلمه بن عبدالاسد الخزومی • و زوجه مکرمه لری • ام سلمه • دخی مهاجرین مذکورہ سلکنته منساک ایدی • رضی الله عنہم و عنہن اجمعین

﴿مقاله﴾ (۱۵)

﴿تلك الغرائق العلی فقره مستكره سی بیانده در﴾

اول (مقتدای محراب دین صلی الله المعین) حضرت تری اون دردنجی مقاله ده ذکر اولنان مهاجرینک نهضت لرندن بر قاج کون صکره نازل اولان (والنجیم) سوره سنی آواز بلند ایله مجمع قریشده قرائت و (افرایم اللات والعزی ومثاله الثالثه الاخری) آیت کریمه سنی حضار مجلسه اشاعت بیوردیلر که معنا سی (بکا خبر ویرک که مشرک اولوب لات وعزی و آخر او چنجیسی منات نام پتکره عبادت ایدرسن (بو جاداتک قدرتی ندر که الله تعالی دن اعراضه انلره طیار سنز) دیمکدر • (فائده) (لات) طائفه ثقیف قومک یا خود نخله ده قریشک آدم صورتنده بریتلریدر که اکا طواف و عبادت ایدر لردی • (عزی) دخی بر شجر ایدی که غطفان طائفه سی اکا طیار لردی • (مناة) دخی بر قیادر که هذیل و خزاعه قبائلی اطرافنده طواف و قربانلر ذبح ایدر لردی • انتہا (آیت جلیله مذکورہ تلاوتندن صکره معانی کریمه سنه اهل ایمانک واقف اوللر چون بر معتاد توقف بیورلدی • دیده دوز فرصت اولان ابلیس لعین متخیله عبده اصنام اولان (تلك الغرائق العلی وان شفاعتہن لترجی) کلماتنی صوت خیال شیطانیله مسامع کفارہ ایصال ایتدی • بونک ترکیه سی (بویضا ض قوغه یه شبیه پوتارک شفاعتی امید اولنور) دیمکدر • پوت پرستان کفره بو کلام مسجعه بی ﴿سوره والنجم﴾ جمله سندن قیاسله غریق دریای مسار و ختام سوره ده (امام الانبیا علیه افضل التحیا) حضرت لرینه اقتداء و جماعت مسلمینه اتباعا سجده کذار اولدیلر • حتی

ولیدین مغیره و ابوامیه و سائرہ کبی و سعید بن العاصک وجود لری معلول اولوب حسب الشیخوخه ایفای سجده یه عدم قدرت لری بدیدار اولد یغندن زمین دن بر آوج طپراق الوب سجده ایلر کبی اوزرینه وضع جین ایلدیلر • وجهله سی اظهار روی فرما نبری ایدوب (محمد (علیه السلام) بزم آلہه مزنی مدح ایلدی • بز دخی من بعد انک ایله هوادار • و متاع او امرینه نقود جائله خریدار • اوله لم) یولنده عرض انبساط و سرور ایلدیلر ایدی • لکن حضرت جبریل نزول ایدوب (تلیت علی الناس ما لم اتله علیک) عبارہ سیله خواجه عالم صلی الله علیه وسلمی وقعه واقعه یه واقف ایلدی • بو حال دن خاطر سید البشر پریشان و مکدر اولمغله (سندن مقدم صاحب شریعت رسول دن وانک شریعتنه تابع نبیدن برینی کوندر مدک • اول رسول ونبی او قومق یا خود کنده نفسندن برشی سونک مراد ایتدی کی زمان شیطان انک قرائت یا کلامنه برشی القا ایدر • اول شیطانک القا ایتدی کی الله تعالی نسخ و ابطال ایدر • بعده کندو آیت لرینی حکم و اثبات ایدر • الله تعالی ناسک احوالی بلجی و حکمنی اجرا ایدی بیدر) مفهوم منیفنی جامع اولان ﴿وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبی الا اذا تمنی الی الشیطان فی امنیه فینسخ الله ما یلیق الشیطان ثم یحکم الله آیاته والله علیم حکیم﴾ آیت جلیله سی تسلیت بخش نزول اولدی • عنده کفره شریر اشبو آیتک نزوانه واقف و خیر اولملر یله برابر کما فی السابق ابراز بغی و شقا و اجرای جور و ازیایه باشلدیلر •

﴿لا یمحه﴾

﴿مطالعات مفسرین در بحث تلك الغرائق﴾

﴿تلك الغرائق﴾ قضیه خاطر خراشی ارباب حاله حیرت و ساده دلان اسلامه نوعا نفرت ویرہ چکی بدیهی اولمغله و قایع نبوی اره سنده ذکر و تفصیلی مغایر ادب اولان بر طاقم ایضا حاکم مصنفین کتب سیره اتباعا بیان اجمالیسی مناسب کور لمشد ر • شویله که فقره غرائق منسوخ بر آیت اولسی • و شیطان لعین القاسیله زبان معجز بیان نبویدن صدور ایتسی • و ابلیسک بالفعل کلامی اولوب صدا سنک اواز (سید

البشره) مشابهتی جهته ناطقه ما لیدن صادر اولدیغنه ذاهب اولمسی •
 کبی وجوه ثلثه مآله اولوب لکن صوت (سید الانبیاه) علیه افضل
 التحایا نفحه شیطانیه تشبیه اولنسه • و یا خود خدای بی انبازه مدا خله
 شیطانیه تجویز ایدلسه • خطای فاحش اولور • اگرچه علمای ذوی
 الاحترام وجوه ثلثه مذکورہ نک بیانده تحریک خامه غیرت • و قدر رفیع
 الجنب رسالتی ایکی وجهله تتریم همت • ایله وجه اولاده غنجه نو شکفته
 دهن نبویدن اوله کلمات مستکره صد ورا تندی دیوب • وجه ثانیه
 وقو عنی ایسه قال وقله بیه آلیوب مغتریات ملاحده به عطفله شبها
 حاصله به اجوبه مسکته اعطا • و طائفه اهل هوا و زناد قه لقلقه
 فرسای الزامه دقت واعتنا • ایستلرایسه ده بونلر دخی کروه معترضینه
 سکوت صحیحی مستلزم اجوبه دن معدود اولدیغندن تفسیر روح البیان
 صاحبک کا شفیدن نقلا و طوائف منحوسه به خطا با ایراد ایلدیکی
 جواب نتیجه الصواب بعینه ترجمه اولنه رقی اشبو محله درج اولندی •
 کاشفی دیور که والنجم سوره سی نازل اولدقده پیغمبر علیه السلام اهالی
 مکه به اعلام ایچون مسجد الحرامده و مجمع قریشده تلاوت و معانی
 منیفه سی اکلا شلق اوزره هر بر آیت عقببنده بر مقدار توقفه رعایت
 بیوردیلر • کفره قریش ایسه کندی پوتلری ستایشنی مأمول ایلدکلرندن
 ایات قرآنیه او قوندقده کوش دقتله استماع ایدرلر دی • صلی الله علیه
 وسلم «افرا یتیم اللات والعزی ومناة الثالثة الاخری» ایتلرینی اوقیوب
 طریقه مسروده اوزره توقف بیوردیلر • اوارالق (ایض) نامنده
 بر شیطان لعین اختلاس فرصتله سوامع مشرکینه (تلك الغرائق)
 العلی وان شفاعتھن لترتبی) کلامی ایصال ایلدیکندن بو کلام
 بی نظامک زبان عذب البیان رسالتدن صدورینه ذهابله (بزم پوتلریمزی
 مدح ایدیوری) دیه رک فوق مای تصور ممنون اوله رقی سوره نک
 اخرنده سجده وقوعنه مبنی مؤمنلرله برابر سجده ایلدی • جبرائیل علیه
 السلام در عقب نازل اولوب کیفیتی نزد عالی رسالتنهای ده عرض و بیان
 ایتسی • و خاطر سید الانبیا بویوزدن مکدر اولمسی • اوزرینه تسلیت

خاطر لیجون حق تعالی حضر تلری (وما ارسلنا من قبلك) آیت
 مسرت اشتمالن انزال وتلك الغرائق فقره سنی ایات قرآنیه دن ظن ایدن
 کفره نک ظن خیالترین نسخ وابطال بیوردی • انلرک زعم کریمه و ظن
 سخیفه لری باطل اولدیغی کبی ایت مذکورده واقع نسخ قضیه سیدخی
 نسخ لغوی اولوب یوقسه نسخ شرعی دکلدر • (الله اعلم بحقیقه)
 انتها • کفارک ایضای سجده ایله ستایش نبویه بی شامل کلمات سویلدکلری
 دیار حبشه ده بولتان مهاجرین اسلامه واصل اولمغله (حب الوطن
 من الايمان) منطوقجه بیت الحرامه عودت و مقام مراده مواصلته
 رهین مسار اولوب لکن معاندین کفره نک ثبات اوزره اولدقلرینه و سجده
 قضیه سنک وقوعی سهوا اولدیغنه عارف اوله رقی (جعفر طیار بن
 ابی طالب) و دیکر بر طاق اصحاب و بر چوق نسوان سنیه
 المأب سائرہ بی بالا مستصحاب ینہ ممالک حبشه معاودت ایلدی •

﴿مقاله﴾ (۱۶) ﴿

﴿مهاجرینی استرداد ایچون قریشلرک ملک نجاشی به کوندر دکلری
 هدا یا وسفرانک قبول اولمیب اعاده قلدیغی بیانده در﴾

حبشه بادشاهی نجاشینک مهاجرین حقنده در کار اولان توقیر و احترامی ممالک
 حجازه منعکس اولمسیله مهاجرین مؤمنین استرداد اید ملک و ملک مشارالیه ایله
 و کلا ی هیئت حبشیه به ویر ملک اوزره بر طاق هدایای عالی بهای حجازیه
 ترتیب و عقلا ی حیله بیما ی عربدن عمرو بن العاصله عماره بن الولیدی
 تسریب ایلدی • سفرای مر قومه پای تحت نجاشی به واصل و هدایای
 مستصحبه لری بی اهل مناصب و و کلا ی سنی المناقب حبشیه به بر طریقه
 تقدیم املنه نائل اوله رقی چند کون مر ورنده شیرین مذاق رشوت اولان
 مصاحبین ملک مشارالیه و ساططیله مهاجرین اسلامک بلاد حبشیه دن
 طرد و تبعید اولمق خصوصنی خاک پای خالی نجاشی به عرض ایتدیرلش
 ایسه ده (حصار همتهم تحصن ایدن کسانک واقف احوالی اولدیقه
 دشمنرینه تسلیم ایتک ناموس دولتمی اخلا ل ایده جکی در کارو) النار
 ولا العار) قضیه سی اشکار اولدیغندن انلری وهله ایادی دشمنه

تسلیم ایده م • ابتدای امر ده استیضاح حال ایچون اعظم علماء و اکابر
وکلادن مرکب بر مجلس عمومی تشکیل اولسون • واشبو مجلس بنم تحت
ریاستده بولسون (جوابی اعطا و ایرتسی کونی اولوجهله بر مجلس
شور اتشکیلده اعتنا بیورد قلرندن عقد اولسان مجلسه سفرای وارده
ومهاجرین صحابه جلب و دعوت ایلدی • ودرایت و فطانت
ذاتیه سی غیر منکر و طلاقت لسانله معروف و مشهور اولان جعفر بن
ابی طالب (رضی الله عنه) مجلس مز کوره دخول ایلد کده اداب رسیمه
و ثنای پادشاهی بی بالا جرا اصول عرب اوزره خطبه اتی الذکری ایراد ایلد
هیئت مجلسی دریای حیرته القا ایلدی • صورت خطبه * اول پادشاه
بی انبازه حدو ثنای بی اندازه ایدرز که ظلمت جهالت صحرا سنده
کز رایکن مشعل (لا اله الا الله محمد رسول الله) ایلد بزی شهره هدایت
ایصال و لاجل الرفاقه قرآن کریمی احسانله عنایت زوالجلالیه سنی
اکمال بیور مشدر • انجیق معنیدن قریش امم سالفه انبیاسنی تکذیب ایدن
دینسزلر کی (خواجه عالم) صلی الله علیه وسلم حضر تلیرنه اذیت
و صحابه اهل ایمانه فوق العاده و حددن زیاده حقارت ایدیورلر •
اشبو حرکات نامر صیه لری ملة نصرانیه یه معاونت صورتنده اولوبوب
محض اغوای شیطانیه یه موافقت و هوای جهالت متابعندن عبارتدر •
یوقسه بو طاش یور کلی کفره نک کوردیکی معجزات باهره اگر چه
احجار صحاریه نک مشهودی اولسد ایدی خشیت الهیه دن صو کسیلوردی
• انتها) اشبو خطبه ده تعصب و عناد کفره بی تفصیل و ملک مشار الیهک
اشارتیه سوره شریفه مریمی ترتیل ایدرک (اول خر مادن اکل ایلد
اول صودن ایچ و اوغلاک ایلد چشمک روشن اولسون) معناسنده اولان
(فیکلی واشربی و قری عینا) ایت کریمه سنه کلد کده نجاشینک
کوزلرندن قطرات خونین روان و سائر رها بین انجیل خوان دخی تأثر
کلام الله ایلد نالان و کریان اولدیلر • بو حال رقت اشتمال عمرو و عماره بی
غریق لجة خجالت ایتسی و ملک مشار الیهک (اشته بوایت جلیله عیسی
و موسی علی نبینا و علیهما السلام حضرتنه نزول ایدن آیتله برآمدده در)

دیوب یمین ایلمسی اوزرینه حضار مجلس (ان هذا هو الحق) صدای
فلک اثیریه کلیانک تحسین چکدیلر • بونک اوزرینه نجاشی مشار الیه
عمرو و عماره یه «حضرت واجب الوجود تقدست ذاته عن الوالد
و المولود حقیچون بو طائفه عالییه یی سزه ویرمک دکل بلکه کندولرینه
متضاعفا کرام ایلک واجبه عهد ذمدر» یولنده خطاب ومهاجرین
مشار الیهی تلطیفات متنوعه ایلد محل اقا متلرینه سوق واسراب
ایلدی • فقط سفرای مر قومه حیلد ساز روز کار اولد قلرندن یته
بر طریقه جبهه سوده خاکای نجاشی اولوب «ای پادشاه معدلت اکتناه
بو طائفه عیسی علیه السلامی عبد یته تحقیر ایلکده در» دید کلرندن
ملک مشار الیه یته بر مجلس مکمل عقد یله حضرت جعفر دن (رضی الله
عنه) روح الله علیه السلامی استجواب و انلر دخی «ای تاجدار
غریبنواز (روح الله اکرم عیسی بن مریم علیه السلامی جناب خالق
العباد حضرتلری «انما المسیح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته القاها
الی مریم و روح منه» آیه کریمه سی ایلد توصیف بیور مشدر) طرزنده
اعطای جواب بیوردیلر که معناسی «بلکه مریمک اوغلی مسیح عیسی
الله تعالینک رسولی و (کن) کلمه سیله مریمه القا اولمش مخلوق قیدر
والله تعالیدن سائر روح کی بر روحدر» دیمکدر • بو کلام عجز نظام
نجاشینک سامعه ادراکنه تأثیر ایلد یکنندن «ای جعفر اشبو کلام بدیع
الانجام بزم اعتقاد مزه تمامیه مطابق اولد یغنه الله تعالی شاهد
اولوب حقا که شرف مقدمه مکرله مما لکمزی تسعیده سبب اولان صلی الله
علیه وسلمک رسول رب العالمین و سید صادق الوعد الامین اولد یغنی تصدیق
ایتدم • اگر چه بودبدیه سلطنت دولتم سکان در کاهی خدمته مبدل
اولیدی آوازه اشتهارم شوکت و اجلال دارینی استلزام ایلدی» دیوب
(بیت • جهانک عزوجاهن شویله اذعان ایلدم بن کیم • اشیکنده قول
اولق دهره سلطان اولدن یکدر • مألنی زیور زبان و برآه عالمسوز ایلد
حضاری کریان ومهاجرین کرامه ایتار نقود فراوان ایدرک سفرای
قریشدن الثان رشوتک اعاده سنی بعد الاراده آتی الذکر حکایه بی ایما

صد دیله (حضرت مالک الملک جل شانہ بنی بر عبد سیہ کارایکن رشوات سزجہ
بویله بر ملک جسیہ فرما نفر ما ایلدی • بناء علیه امور واقعہ مدہ
نه رشوات الورونه ده بوطائفه حق پرستی ایادی دشمنه ویررم)
مقاله سنی بالا یراد عمرو و عماره بی جانب حجازه ابعاد ایلدی کی جهته
مهاجرین اسلام رهین سرور و شادی اوله رق بلاد حبشه ده اقامت
و آرام ایتدیلر • (استطراد) نجاشینک پدری ممالک حبشه ده ملک
و حضرت نجاشی کی صاحب فطانت و درایت برتک اولاده مالک اولوب
لکن برادرینک تمام اون بر نفر اوغلی و ارادی • ارکان حبشه (بر اوغلاو
پاد شاهی نهایت عمرینه دکن تحت سلطنتده ابقا ایتک سیل اوکنده
مخانه انشا ایلک کبیر • نجاشینک کیسه وجود پدری نقد حیاتدن تهی
قالوبده زمان حکومت ایادی عادی به حکمکن ایه مشارالیهی جالس
تحت الحدایدوب بر چوق اولادی اولان برادرینی سریر حکومتده اقعاد
آیده لم) مشاوره سیله بچاره نک نام وجودینی صحیفه حیاتدن حک و سالف
الذکر برادرینی پیرایه زیب اورنک ایلدیلر • نجاشی اولوقت غایت
کوچک اولوب رفته رفته بیومکه و ناصیه حائده آثار نجابت یوز کوسترمه
باشلد یغندن پدرینی قتل ایدنلر (بو چوقق اگر بر حیات اولوبده ایلروده
پاد شاه اولور ایه جله مزی بر کشته تیغ قصاص ایده جکی وارسته قید
اشباهدر • لایق اولان کیفیت بر طریقله پاد شاه عصره عرضله چاره
جوی قتلی اوله لم) مطالعه سی اوزرینه استیدان کیفیت اجتناس و مشار
الیهی دست و کردن بسته حضور شاهی به احضار ایلدیلر • مشارالیه
برادرزاده سنک تیغ غدر ایله اهلک و اتلافی تجویز ایتیموب بر محل بعیده
نفی و اجلاسنی امر ایلدی • فقط اول دولت خائنلری بوضعه بی فرصت
یلوب مشارالیهی بر تاجر هندی به فروخت ایلدیلر • مقراض اجل پادشاه
لاحقک رشته عمرینی قطع ایتسی و اولاد لرنده قاعد سریر حکومت اولمغه
قابل بر شخصک ظهور ایتامسی اوزرینه نجاشی به ایلد کلری غدردن
نادم و پشیمان اوله رق تاجر مر قومدن استرداد و پدرینک قاتلری جله دن
اول استقبال واریکه حکمرانی به اجلاسده استعجال ایلدیلر • (حکمت)

جناب حق اراده از لسیه سی اگر چه بر ذاتک اعزازی خصوصنه تعلق
ایده عبد مملوکی بلا واسطه پادشاه عالم ایدر • (تعز من تشاء)
و مشیت بی علت حضرت ذوالجلالیه سی کذلک بر پادشاهک ذل
و حقارتی اقتضا ایلسه آسوده نشین سریر حکمرانی ایکن طرفه العین
ایچره صخره نورد ذل و هوان ایلر • (وتذل من تشاء) مشارالیه اورنک
آرای خلافت و متصدی اجرای عدل و حقانیت اولدقده تاجر سالف الذکر
و یرمش اولدیخی ایچیه بی امید استرداد ایله تحتکاه حبشه به عزیمت و بایع لرندن
مطالبه اثمنا نه مبادرت ایلوبده نائل مطلب اوله مد یغندن (قولکنز
اقد مجه و کلای سلطنت دولتکنزدن بر غلام اشترا ایتلشیدم • اشبو غلامی
بوکره استرداد و ایچیه می و یرمیوب چاکر لرینی مجبور فریاد ایلد کلری
قولکنز چه موجب پریشانی و معذورت و فی نفس الامر منافی عدل
و حقانیت اولمغه بنم یا ایچیه می و یرسونلر و یا خود استرداد ایلد کلری غلامی
اعاده ایلسونلر) مألنده بر عرضحال تنظیم و ملک نجاشی به تقدیم ایلدی •
ملک مشارالیه هیئت مجلسه خطابا (بو تاجرک استدعاسی مقارن صحتدر •
ایچیه سنی و یرملی • یا خود غلامنی اعاده ایلیدر) دیدیکندن حضار و کلا
سر بزمین حیرت و مستغرق عرق بحالت اوله رق الدقلری مبالغی اعطا
ایلدیلر • تم الاستطراد (کتب سیرده تفصیل اولندیخی اوزره مهاجرین
حبشه سکساندن متجاوز ارایله اون سکر عورت اولوب نسوانک اون بری
کرایم قریشیده دن ویدیسی قبائل سائرده دن ایدی • بعد زمان اوتوز اوج
مهاجر ایله سکر مهاجره عودت و داخل حرم محترم اولملریله ایکسی
رحلت ایدوب یدیسی اسیر دست کفار و یکر می دردی بدر الکبری
وقعه سنده شرف مشول ذات رسالتیناهی به مظهر یتله کامکار اولدیلر •
و حضرت جعفر بن ابی طالب مهاجرین متبایه ایله یدیسی سنه هجریه ده
مدینه منوره به عودت ایلدیکندن سنه مر قومه ده واقع اولان خیر
غزاسی غنیمته مشرک اوله رق حتی جناب (سید البشر) مشارالیهک
مقدم سرور توأمندن فوق العاده ممنون اولوب (ما ادری
انا ابفتح خیر افرح ام بقدم جعفر) یسوردیلر •

مؤلفین کتب سیر بو وجهله رقش خبر اولشردر که ید نبی سنه بعثت
خلالنده اول نخل بند مهر و وفا (صلی الله تعالی علیه وسلم) بر کون صفا جاننده
عزیمتله اثنای راهده عنده خاسرین و فسدۀ کافرینک فوق مایه تصور
دشنام و تعرض لرینه تصادف بیور مشر ایدی • ابو جهل لعین کافه سندن
زیاده هرزه کولاق ایدرک اهانت طاقت شکنله خاطر سید المرسلینی
شکست ایلدی یکی حالده حناب نبوت مأب سامییری رضای حق تحصیل
ایچون اختیار سکوت بیور دیلر • بو ائنده حناب حزبه نک شمشیر و کان
واسلحه سائرۀ زمانله مسلح اولدیغنی و قهر مانی برزفتار ایلله
صید کاهدن عودت ایتش بولدیغنی حق همایونده اولنان جور و اذادن
وادی نشین حزن و ملال اولان عبدالله بن جدعانک جاریه سی کوروب
«ای حزبه یازق اول اسلحه نادرالامثاله که حامل اولوب آرزوی شکار
ایله بادیه بیمای هوا اولور سین • سن صید شکار ایله مشغول ایکن ابو جهل
ختریری قرندا شکک اوغلی (محمد الامین) صلی الله علیه وسلم
حضر تدرینه بیانی غیر قابل جور و اذای ایلشدر • مشار الیه مر بوط
اولان رشتۀ جور و حقانی بوینو که طاقد یغک قلنجله قطع ایده مد یکانک
تقدیرده اول سیفک عصای عجوز ایله بر فرقی اوله ییلور می • اگر چه مشار
الیه سلاله پاک عبد منافدن اولسه • و سنک کی یکانۀ روز کار برعی
بولنسه ایدی • عجبا کفرۀ قریش بو قدر اذیت ایتکه جرأت
ایده ییلور میدی • دیمشدر • موی الیهانک اشبو تعیرات متجاسرانه سی
مشار الیه تا ثیر و عرق حیت و غیرتنی تهیججه کسمسته تار اختیارینی قطع
ایلد یکنندن موی وجودی مزراقلر کی خلعت ز راندوزندن رونما
وبر معتاد سابق بیت الیهی طوافله جمعیت قریش طرفه عزیمته قادمه
حنبان اعتنا اولدی • ابو جهل مشار الیهک بشره سنده اولان اثر
خشم و انتقامی کور و بده (ای معاشر قریش حزبه نک بو کلیشی برصاعقه
بلاباره بکنر • صقین ابراز مقاومت داعیه سنده اولیه سکنر که اگر چه اودخی

دائرة تبعیت محمدی به (علیه السلام) داخل اولورسه آرتق جماعت
اسلامیه به ایصال دست خسار و زیان قابل تصور و امکان اوله من • ع
بنی دو کسون بنی سو کسون قو بنی اولدر سین) مألنی تقریر ایدرکن
قضای ناکهانی کی مشار الیه نازل اولوب «جناب معلا القاب محمد علیه
السلامه اذیت ایتکه جرأت ایدن و کلبرک خاطرینی پریشان و مکدر
ایلین خاش بی دین کیمدر» دیوب ابو جهلدن (انا یا ابا عماره) جوابنی
المسی انسلاب شعورینی بادی اولمغله قلنجنی چکوب اول لعین بی دینک
یدی یرندن باشنی زده لیه رک وجود خباثت آلودینی یوزی اوستنه
دوشوردی • و اوزرینه چیقوب اصول ضربات اجرا سنه باشلدی • اول
لعین بی دین وضع ناکه ظهور مشار الیهدن نجیل اولوب (یا معشر الناس
ابا عماره به مداخله ایتکه یونکه بازولرینه قوت اولسون • بنی بود رجه
دو کک دکل اگر چه خاک هلاک ایتسه بیله حتی واردر • زیرا
برادر زاده سنه پک آشوری جفا ایلدم ایدی) دیه رک فریاد شرک
اعتیادی عیوقۀ فلک الافلاک ایشدردی • و بر صورت لایقده حدیثی
ییلدی • یونک اوزرینه مشار الیه «ای خاسرین مکه بتلش اوله سکنر که
برادر زاده مک تکلیفی قبول ایله اسلام اولدم • و خدای بی زوالک
لایق عبادت اولدیغنی ییلوب آلهه باطله کزه طامعندن خلاص اولدم •
یوند نصکره اول سید البشر (عیه الصلوة الاوفر) حضر تدرینه تسلط
ایدن اولور ایسه اشته بو تیغ سر تیغ مله هلاک ایده حکمدر» خطاب
صلابت ایجابیله ملاعین بی دین قریشک بازوی امانیلرینی شکست
ایلدی • و سفهای مکه دخی سیف مشار الیه اوغرا مامق اوزره
«امان اسلامه اعتراضدن صاقینه لم» دیه رک یکدیگرینی تخویفه
باشلایلر • دیگر بر روایت مفادینه باقلنججه مشار الیه اثنای مجادله ده
اظهار ایمان ایتوب برادر زاده سنه اولان جانبدار لغنی ییلدر مک اوزره
بیت الله عزیمت و اول شهباز بلند پروازی (صلی الله علیه وسلم)
بر کوشه ده آسوده نشین و کمال حزنه اندوه کین کوروب پیشگاه جلالت
اکتناه سامییرینه کیدرک اعطای سلامه جرأت ایلدی • خواجه عالم

(صلی الله علیه وسلم) اظهار التفات بیور مدیلر • دفعه ثانیه ده (السلام علیک یا ابن اخی وقره عینی) دید کده (جهانده افکاریمه محرم وبنله همغم و ما موراجراسی اولدیغیم کیفیتی سو یلیه جک برهمدم یو قدر) مفادینی متضمن اولان (آه اندر زمانه محرم نیست • هیچ کسراز حال من غم نیست • قصه غصه که من دارم • با که کویم که هیچ همدم نیست) قطعه سی پرده زنده کز نالد کد نصرکه «یا حزه بویتم دلریش و بویکس و بی خویشه معاونت ایتمه • زیرانم نه بویتم ونه ده عم و برادرم اولدیغندن بکا جناب حق مدد و نصرتی کا فیدر» سیاقنده اعطای جواب بیورلدی • بونک اوزرینه جناب حزه نک لات و عزى به آند ایدرک (ای برادرزاده رو جبرایم ذات سامیکزه یاردم ایچون کلدیم • هر نه امریکزوارایسه بیورک) زمینیه بیان طرفداری ایلمسی اوزرینه (یا حزه برایکی معندک هدردمیه دکل بالجه مشرکینی هلاکله غوطه خوار بحر خون اولسه ک بیله ینه برشتی مفید اولمز اگر مرادک بکا معاونت ایتک ایسه دین حق قبول ایدوب (لااله الا الله محمد رسول الله) عبارۀ منجیه سنی زیور زبان ایتلیسین که همدنیاده صاحب جاه علیا اولور و همده عقبا ده آتش دوزخدن قورتلورسین) سیاقنده کل افسان خطاب اولدقه مشار الیه جوهر ایمانله سیف زبانی تزین ایدرک جمعیتکاه قریشه خرامان و کلبانک توحید ایله عقول کفاری پریشان ایلدی • ودائرة اهل ایمانه داخل اولدیغنی بعد التقریر فیما بعد سید المرسلین (علیه الصلوة والسلام) حضر تلرینه دخل و تعرض اید نلری سرکشته تیغ خون اشام ایده جکندن بختله معندین بی دینی تحریر ایلدیکندن کفره فجره نک جور و اذیت اسلامیا ندن قصرید ایلمش اولد قلری اکلا شلمش اولور • فله الحمد والممنه

﴿ ١٨ ﴾ (مقاله)

﴿ جناب عمر بن الخطاب رضی الله عنہک خلافت ایمانله کامیاب ﴿ اولدیغنی بیاننده در ﴾ ﴾

حضر خزه نک (رضی الله عنه) وقوع اسلامیتدن اوچکون

صکره اشرای کفره بریره اجتماعیه (اهل خسران و خذلانه نظراصحاب محمد (علیه السلام) اگرچه برقطره ناچیز کی کورینورایسه ده بریره کلدکری زمان دریای عمان اوله جفنده شهید یو قدر • (ع) قطره قطره میچکد کر عاقبت دریا شود • امدی سر چشمه ذلال اهل ایمان اولان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) طریق انعدامنه بربول بولالم (دیه رک) (ع) علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد • مالی کار کاهنده نسج کالای استشاره ایلدیلر • بوجعیتده ابو جهل (محمد الامین) صلی الله علیه و آله العالمینی حاشا قتل ایدن بولنور ایسه یوزدوه ایله بیک و قیه کموش و یرمکی تعهد ایلدی ایدی • عمر بن الخطاب «یا اباالحکم مطلوبک حاصل اولورسه انجاز وعد ایده جک و بویابده بنی تأمین ایلله جکمسین • یوقسه بو افکار ایله عرق حیت قریشی تحریریکمی ایده جکسین) طریقله استجواب و (بو خدمت مهمی ایفا ایدنه لات و عزى (بین القریش ایکی معتبر یوت اسمیدر) حقیچون مال موعودک تأدیه سنی متعهد اولورم) زمیننده اخذ جواب ایتکله کفار مکه عنندنه عزیز و محترم اولان هبلک (بیوک بریوت اسمیدر) مواجهه سنده ابو جهله یمین ایتد یرمش و بویولده در کار اولان ثباتی کورمش اولمسی اوزرینه شمشیر بند عزیمت و (ای معاشر قریش اگر سر سعادت افسر محمدی (علیه السلام) وجود شریفلر ندن جدا ایتیز ایسه م لات و عزای انکار ایدهرم) دیه رک صاحب سعادت (علیه التسلیم و التحیه) افند یمزک بولند یغنی محله متوجه قادمه جنبان نهضت اولدی • واثنا ی راهده (نعیم بن عبدالله الحام) نام شخصه راست کلدی شخص مر قوم ابن الخطابک بشره سنده نمایان اولان علامت غضبدن (صلی الله علیه وسلم) حضر تلرینه سوء قصد افکا زنده اولدیغنی اکلا یوب (یا عمر نریه کیدرسین) دید کده (حضرت محمدی (علیه الصلوة والسلام) منصب حیاتندن عزل ایتکله کدیورم) جوانی و یرمکه (یا عمر فرض محال ایدرسین • اکر بوایشه جسارت و فرض محال اوله رق ایصال دست خسارت ایلرایسه ک عبد المطلب ارسلانلری پنجه سندن

نه صورت له نجات بوله بیلورسین) دیدیکندن عمرک دیک حدتی غلیان
و خاطر نده نعیمکدخی مسلمان اوله جغی خاطره دوران ایتمکله (غالبا
سند مسلمان اولدک • اوله ایسه اول امرده سنی بعده مشار الیهی دیار
عدمه ارسال ایدیم) لقلقه سیله نعیمک اوزرینه هجوم ایلدی •
نعیم هر قوم یا قه بی اله ویرما مک دسیسه سیله «یا عمر ابتدا همشیره ک
فاطمه بنت الخطاب وانشته ک سعد بن زید (رضی الله عنهما) اصلاح
ایدوب بعده سائرله مسلط اول • زیرا مشار الیهما اسلام اولشلردر»
دیدیکندن و مشار الیه ایشک صحتنه دلالت ایده جک بینه طلب ایش
اولدیغندن (همشیره کک خانه سنه عزیمت و برقیون ذبحنه مسار عتله
برمقدارینی پشورتدکد نصرکه مشار الیهما به تکلیف تناول ایله • اگرچه
اول ذبحه بی سنکله برابر اکل ایدرلر ایسه هنوز اسلام اولدقلری و رغبت
بیورمدقلری حالده دائرة ایمانه دخالت ایش بولندقلری اکلا شیلور)
یوانده ارایه طریق ایدرک عمر بن الخطابی سعاد تخانه فاطمه به اعزام
ایلدی • مشار الیهما زوجی اتفاقیه صحابه دن حباب بن الارت (رضی الله
عنهی) جلبله اوارالق شرفبخش نزول اولان سوره معجز نمای «طه
ما ازلنا» بی تعلیم ایدر و آوازه قرائتلی خارج خانه به انعکاس
ایلرایدی • مشار الیه دولخانه مشار الیهما به عزیمت و آوازه سعد
و فاطمه بی (رضی الله عنهما) استماع ایله برمقدار توقف ایدرک
کمال حدت و تلاشه دق بابه مسارعت ایلدی • قیونک حدتلی چالیشنی
عمرک و رودینه عطفله در دست تعلیم اولان صحیفه قرآنی به بر محل تعظیمه
اعلا و جناب حباب (رضی عنه الوهاب) کورلمز بریده اخفا اولنوب
«قیونی دق ایدن کیمدر» سوالیله استجواب و (ابن الخطاب) دینجه فتح
باب ایلدیلر • مشار الیه متقلد سیف بولندیغی و بشیره سنده علامت
حدت و غضب نمایان اولدیغی حالده درون خانه به داخل اوله رق
طیشرودن استماع ایلدیکی آوازک سببندن سؤال و معلومات اله مدیغندن
نعیمک قوی اوزره برقیون ذبح و طبخ ایلدکد نصرکه مشار الیهما به تکلیف
تناول ایلدی • ایکسنگدخی برر عذر بیانیله اکل ایتمد کلرینی کورنجه

«سری گرفته سحر محمدی (علیه السلام) دیرلرایدی کرچک ایش»
دیه رک جناب سعدی (رضی الله عنه) بیره اوروب اوزینه حقیقه سیله
اصول ضرباتی اجرا و زوجی قور تارمق املنده اولان فاطمه بنت
الخطابک (رضی الله عنها) مرأت جبهه سنی سیله جورایله شکست
و وجه منیره سنی مجلای خون جفا ایلدی) مشار الیهما «یا عمر اللهم دن
نیچون اوتا نرسین • و سنی یوقدن وارایدن خلاق بی بهانه نک آیات
بینا تله کوندردیکی انس و جن پیغمبرینه ندن اینا نرسین بتلش اولکله
بوضیفه اخلاص اعتیاد و زوجم سعد پاک نهاد اسلامیتی قبول ایتدک •
و رسول الله کوستردیکی طریق مستقیمدن منزله کاه سعادتیه بتدک • باشمده
اولان جریحه به و ملالت کفره به تحمل ایده میوبده دامن نجات
پیرامن سید المرسلین (صلی الله علیه و سلم) دن ال چکرمی ظن ایدرسین •
سزدن ابراز جور و جفا بزدن (لا اله الا الله محمد رسول الله) عهدینه
اظهار و فاء) مقاله سیله بیان صلابت دیانت ایلدی • مشار الیه همشیره سنک
اخلاصنه استغراب و سعد بیکناهی ترکله برکوشه به چکلوب کمال نجات
و شرمساری ایله اختیار جلسه توقف و تصور دن صکره (اولجه
او قود یغکز و کتاب آسمانی در اعتقادنده بولندیغکز صحیفه قرآنی به
کتور کتوره یم) یولیه عرض رجایه مسارعت ایلدی • فاطمه مشار
الیه (لایمسه الا المطهر و ن) مفاد کریمی اوزره (آلوده چرکاب
شرک و انلر و سخی کفردن تطهیر و وجود ایلک اوزره شرائط غسلی ایفا
ایتمد کجه کلام قدیمی طوته من) جوابی و یرد کده کوسریلان وجه
اوزره غسل ایدوب مارالذکر صحیفه بی اله رق حاوی اولدیغی سوره
مبارکده عطف نظر مطالعه و (اول رحمن جل شانہ عرش اوزره استیلا
ایلدی یعنی غالب اولدی) معنا سنده اولان (الرحمن علی العرش استوی)
آیت جلیله سنی مشاهده ایلدی • بوصره ده نور قرآن کریم
وجودینی تنویر و ناصیه حالی تغییر ایلدیکندن (سموات ارضه و انلرک
بیننده و ثری و تحتیه اولان جمیع الله تعالی نک ملکیدر) مفهومی
بولنان (ما فی السموات و ما فی الارض و ما بینهما و ما تحت الثری) مفاد

منیفته کسب اطلاع ابتدی . و (یا فاطمه روئمای مرأت کائنات
اولان تصاویر ایشانک جمله سی خلاق جهان آفرین اولان معبودیکز نمیدر)
دیدى . و (بلى الله تعالی نکدر) جوابی الدی . «فائده» (ثری)
طبقات ارضك ! التذره موضع اولوب صخره سماك اوستنده در .
«استطرد» منقولدر که یدى قات یربر ملک اوموزى اوزرنده اولوب
اول فرشتهك ایاقلری صخره (بیوك برقیادر) نك اوزرنده در . مذکور
صخره دخی براو کوزك بوینوزی اوزنده اولوب ذکر اولنان اوکوزایسه
بر بالقی اوزرنده در . اشوبالغك باشی وقویر بغی عرشك التذره بر برینه
ملاقی اولمشدر که سالف الذکر (ثری) بوجه نك تمستنده اولوب انجق
(ثری) نك نه اولد یغنی وانك التذره نه بولند یغنی الله تعالی دن غیرى بیلن
یوقدر . انتها) ابن الخطاب همشیره سندن الد یغنی جواب اوزرینه
«بزم حرم بیت الحرامده بولنان (۱۵۰۰) قدر مکلف و مزین
آلهه مز هیچ بر شیشه مالک اولیوب بلکه بز انلره اعانه ایدرز»
دیه رک سر بچیب فکرت و بر مقدار صکره (سبحان الله آینه خاطر مدیه محبت
اسلام صورتها اولغله باشلدى) عباره سیله رطب اللسان حیرت اولدیغی
اثنا ده (الله تعالی یه شریک ونظیریو قدر . انجق معبود بالحق اولدر .
اسماء حسنی انکیچوندر) مفهومی منده بولنان (الله لا اله الا هو له الاسماء
الحسنی) سطر شریفی کوزینه ایلشدی . و در عقب اختیارى منساب
اولوب (هذالرب اهل ان یعبد اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا
رسول الله) مقالیه و حمدانیت خدای بی زوالی اعتراف ایلدی . و جناب
حبابك (رضی الله عنه) اولدیغی محله نغمه ساز تکبیر اولوب (یا عمر
«رضی الله عنه») سکابشارت اولسونکه اول مقبول درگاه خدا صلی الله تعالی
علیه وسلم) بوندن بر کون اول ذاتک زک یا خودابو جهلك عرض ایمان
ایلمسنی حضرت معطی العطایا اولان جناب حق دن التماس پیور مشیدی
• بحمده تعالی دعای اجابت پیالری ذات سامیکزی مالک نصاب سعادت
ا کتساب ایمان ابتدی) دیو تقریر ما هو الواقع ایلمسی اوزرینه
(ای حباب عالی جناب (رضی الله عنه) اول سلطان انس و جان

(صلی الله علیه وسلم) حضرت نلری قنخی دولخانه یه نور افشان اولدیغنی
بیلورایسه ک بنی اول محله کتور مرکزی رجا ایدرم . زیرادر دفراقتنه
تاب آور تحمل دکلم) دیدیکندن مشارالیه رفاقت سعدا لجنابله
رهبر این الخطاب اولوب دولخانه (جزه) یا خود (ارقم بن ارقه نك)
خانه سعادت آشیانه سنه متوجه اولمشدر . رضی الله عنهم بواثنا ده
حبیب رب العالمین (صلی الله علیه وسلم) اصحاب اخلاص آیین ایله
مصاحبت ایتک اوزره داخل خلوت سرای خاص اولوب اعدای دین
واقف اسرار لری اولماق مطالعه سی اوزرینه قیویه برنو بچی
براقش لردی داخل دائره صحبت اولنلرک (یا رسول الله هر بریز بر پهلوان
نادر الاقران ایکن کفار دن خوفله اختیار کوشه خلوت اتمک عهد
غیرتمزه الویرمز . اگرچه تصویب پیوریلورایسه الیریمزده شمشیر دللریمزده
سیف تکبیر اولدیغی حالده صف اعدایه هجوم ایده لم . مظفر
اولورایسه ک فیهما والامید ان غزاده شربت شهادتی نوش ایدرک
نائل دولت سرمدی اوله لم) دیملری رهین تجویز و قبول اولیوب
(ای مردان خدا جدم ابراهیم) علیه التیحه والتسلیم (حضرت نلرینه
اتش نمرودی کلشن و جناب موسی علیه صلوة الاو فی جنابنه دریای
فرعونی برضرای بیدامن ایدن قادر ذوالجلال والجمال حضرت نلرندن
رجا ایلدم . انشاء الله تعالی یقینده بزی دخی مشرک لردن بر ذات قوی
الاقتدار معاونتیه اعتراض اعدادن رها و خلاص پیورر) زمینیه کلاب
افشان پیورلدى . متعاقبا حضرت جبریل نازل اولوب عمر بن الخطابك
(رضی الله عنه) داخل حصار ایمان اولمق آرزو سیله کلمکده اولدیغنی
بیان ایتسیله برابر بولند قلری دولخانه نك قیوسی چالغنه باشلدى .
نوبته بولنان صحابه دق باب ایده نك عمر بن الخطاب اولدیغنی ولونی متغیر
بولند یغنی کوروب حلقه نشین مجلس نبوت اولان اصحاب جلالت
ا کتسابه اخطار ایلدی . جناب جزه (رضی الله عنه) یرندن
صحرا یوب (اگر عمر قبول ایمان نیتیه کلش ایسه اهلا وسهلا یوق
اگر بومأموک خلافتی متصورایسه اتی طعمه شیر شمشیر ایده یم) دیه رک

فتح باب . و مشار الیهی متقلد سیف حدت کورد کده (یا عمر شیران خون افشان عبد المطلب بو مجلس کرما کرده حلقه بند جمعیت اولوب اول شمع ملکوت افروز رسالتی اسر یادن اسر کر ز . اگر چه خاطر انور زینه زره قدر طوقه جق اولو رایسه ک قبضه اقتدار عزم دن رها اولمق غیر ممکندر) یولنده خطاب ایلمسنی متعاقب شهنشاه اقلیم رسالت کمال عظمت و شوکتله تشریف . و عمر ک حالنی بالمشاهده نهایت اقبال ایله تلطیف پیوردیلر . لکن مشار الیه نالان و کریان وحسب الحاله باشنی قالد یروب ایفای مافی الضمیر بی تاب و توان اولد یغندن اول (قهرمان دین مبین علیه صلوة المعین) حضرت تلی ید صلابت مؤید سامینر یله مشار الیهک بلندن بر صورتله صار صمددر که کمری قیر یلوب بیره دوشدی . حتی زمان خلافتلرنده بو حالی یاد و «رابطه مفاصل اعضا اولان سکرلرم بتون بتون شکست اولدی ظن ایلدم ایدی» مقالنی ایراد ایلدی یکی منقولدر . مشار الیه صلابت کوه انداز حضرت سید الانبیایی (صلی الله علیه وسلم) کور نجه (شهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله) دیدی . علیه الصلوة والسلام مشار الیهک اظهار ایمانندن مسرور اولغله بلندن قوچا قلیوب اصحابله برابر کلبانک توحیدی پیوسته فلاء الاثر . و دهشت آوازه ایله حرم محترمه متحشد اولان اشرفی کفاری رعشه کیریو یکدی بکره اسلامیت مشار الیهی تبریک ایلدیلر . و مشار الیه یوزندن برقع نجالتی رفعله سابقه حالنه اشکر زندامت و (صاحب) رسالت افتدیم قرین العین بحجت اولد قلنندن احوالده بر مجلس شوکت انیس ظهوره کلدیکه تعریفی قابل امکان دکلدر . مشار الیه حضرت تلی بالآخره صحابه نک عددی کندوسیله برابر اربعینه واصل اولد یغنه مطلع اولوب «یا رسول الله اربعین تمام اولدی ارتق ترک خلوت ایده لم . زیرا سایه حکمتوایه حضرت نبوتینا هیلرنده اهل شرکدن اختفایتمک . ولات و عزی کبی پت بی محاله علنا پرستش اولنور کن اون سکر بیک عالمک خالق و عزت و کبریا صاحبی اولان جناب (ذوالجلال) حضرت تلی زینه کیرلو عبادت ایدلمک .

لا یق دکلدر . دونکی کون علمکشیده کفر و ضلال اولد یغم کبی بو کون رأیت افراز «لا اله الا الله محمد رسول الله» اولوب دین احمدیه بی کون کبی آشکارا یتک استرم) مقاله سیله اظهار صلابت و صداقت و بوحال ایله عرق عزم نبوی بی تحریکه غیرت ایلدی . بناء علیه اول ماه آسمان رسالت (علیه افضل التحیه) حضرت تلی قلبکاه اصحابه نور افشان اوله رق (ابوبکر الصدیق) صاغ طرفه و (حنه بن عبدالمطلب) صول جانبیه و اصحاب متباقیه بی ارقه جهته و (علی ابن ابی طالبی) او کداله رق (وابن الخطابی) بدرقه طریق ایلدیلر بیت الحرامه عزیمت پیوردیلر . «رضوان الله تعالی علیهم اجمعین» قدوم (عمر رضی الله عنه) انتظار یله حرم محترمه تجمع ایلمش اولان فرقه مشرکین مشار الیهک رفاقتنده اولان اصحاب کرامی کور ملر یله «سیرایدک ابن الخطابی که قربا نلق قیون کبی جماعت اسلام سوروسنی سوروب کتوریوری» دیه رک عرض افتخار و مباہات ایلدیلر رایسه ده ابو جهل بی دین سکونت اسلامیانن پکده تحسین ایده مدیکندن «ماوراک یا ابن الخطاب» دیوبده مشار الیهدن «شهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله» جواب با صوابنی الیدی . و برآه سرد چکه رک شراب اضطرار یله بیهوش و قفادر لر یله برابر مدهوش اولوب برکوشه یه چکلدی . بعده حضرت فاروق (رضی الله عنه) سل سیفله «انلر که بنی پیاور لایدی بیلور لر . وانلر که بلزلر بیلسونلر که بن عمر بن الخطابیم (رضی الله عنه) الحمد لله تعالی مسلمان اولوب چرکاب کفر و شرکدن تطهیر دامن ایلدم . اگر شرف اسلامی قبول ایدر رایسه کن . هر حبا بکم والاجله کزی رهین خاک هلاک ایتسم کر کدر» نطق جگر خراشی ایراد ایلد یکنندن بالجمله کفار فرار و اهل ایمان (امام الانبیا علیه افضل التحایایه) بالاقتدا نماز قیلمغه ابتدار ایلدی . و نمازی بعد الکمال کلبنک توحیدی عیوقه فلکه ایصال ایلدی .

«مقاله» (۱۹)

کفارک حضرت ابوطالبی طرفدار محمدی علیه السلام اولمقدن منع (ایلدکلری و بناء علیه مشار الیهک بویابده اولان همی تزیاید ایلدیکی بیاننده در)

معاندین گروه اهل ضلال فرقه منجیه اسلامک کونیکون تزايد ومنسوب
اولد قلری عنده صنفك رفته رفته تناقص ایلمسندن وادی نشین ملال
اولوب حتی (ابو جهل بن هشام . وشبهه . وعقبه بن ربیعہ . ونضر بن
الخارث . وعاص بن وائل . وعقبه بن ابی معیطه . کبی برطاقم رؤسای
صنادید کفره) عقد اتفاق وحضرت سید المرسلین (صلی الله علیه
وسلم) افتدیمزك حاشا هلاک نه قدر یورومك خصوصنه تشمیر ساق ایدرك
ابو جهلی برای رسالت نزد ابی طالبه ارساله مسارعت ایلدیار . ابو جهل
نزد مشارالیه موصلت و اتفاق مشرکینی نقل و حکایت ایدوب (محمد
علیه السلام) اقوام عرب پیشده یکی بر ملت احدائیلہ آلهه قریشہ
طعن و دشنام ایتمکه باشلادی . لایق اولان بزه اتی تسلیم ایلمک . یا خود
کشد یکرزی بهادران قریشله جنک وصواشه مهیا ایلمکدر (دیدي .
مشارالیه برادرزاده سنی دعوت و (ای برادرزاده روحبرایم اگر چه
حسد کفارک آلهه باطله لینه طعن و لعن ایلمکدن صرف نظر یوریلور
ایسه دست تعرض مشرکین دن رها اولورز) زمینده ایفای نصیح
بدرانه مسارعت ایلدی . جناب رسالتیناه (صلی علیه الاله) حضرت تلی
ابو طالبک جبل متین همتی مقطوع تیغ فتور اولدیغنه ذهابله (ای عم
مهربانم بنم هرايشم اراده حکمتاده سبحانیه ایجابندن اولمغله اعتراض
مشرکیندن منکسر خاطر اولمام . فقط بواحر معتاده بکا معاونت
ایدرایسه کینه کندی فائده کی منج اولور . اگر چه مخالفین دین
احمدی یه باقوبده دریغ همت ایدرایسک جناب قادر (ذوالجلال)
تنزهت ذاته عن الزوال والاشکال حضرت تلی بکایارومدد کاردر) یولنده
نفخه پاش جواب اولوب قیام ایلدیار . ابو طالب تأثیر کلام سعادت انجام
علیه الصلوة والسلامه سیاه فشان دموع رقت . وایاغه قالقه رق
آخر عمرینه دکین الندن کلدیکی قدر معاوتنده بولنه جغنی بالیان {شعر
عربی} واللہ لن یصلوا الیک یجمعهم . حتی اوسد فی التراب دفینا (فاصدع
بامرک ما علیک غضاضة . وابشر بذاک وقرمک عیونا) ایاتنی انشاده
خامه کش مسارعت اولدی . وبنی هاشمله عبد المطلب وجوهنی جعله

(صلی الله علیه وسلم) اعتراض اعدادن وقایه وحایه سی خصوصنده
بنجله متفق اولمکزی استرم) دیدي . واپولهدن غیري کافه ذکور وانا ثدن
مکر بسته خدمت جهان قیمت اوله جقلرینه دائر تأمینات قویه اخذ ایلدی .

﴿مقاله﴾ (۲۰)

﴿کفارک بنی هاشم وبنو عبد المطلبه قطع رشتہ مخالست ضمنده﴾
﴿بر وثیقه قلمه الدقلری واپو طالبک دار بقایه رحلت ایلدیکی بیاننده در﴾

ابو طالبک بهادران قوم وقبیله سیله سید ولد آدم (صلی الله علیه وسلم)
افتدیمزی محافظه یه سعی وکوشش وهر حالده یارومدد کار اولمق
اوغرنده ابراز آرزو وخواهش ایدرك دولتخانه سنی ذات مقدس سمات
نبویه یه تخصیص ایلدیکی رهین ثبوت اولد قده ابو جهل بدیچی سنه
بعثت محرمنده حشرات مشرکینی جعله فیما بعد بنو هاشم وبنو عبد
المطلبه الفت ایتماک . ویکدیگره فی الزوب ویرمامک . ومشارالیه صورت
دائمه ده ایصال دست خسار ومضرت ایلمک . اوزره عقد مقاوله یه ابتدار
واستد کلری کبی برقطعه عهد نامه بالتمیق بیت الله تعلیق ایدوب
تضییق اهل ایمان حقنده مکر بند اهتمام ولمصلحه چارشویه حیقان اسلامه
جور وجفا ابرازینه رونمای قیام اولدیار . ولیدبن مغیره واپو جهل بن
هشام اسلامه ایدیلان جفادن فوق التعریف بکام اولوب حتی مواسم حجه
بموجب الظاهر اذیت ایتماک اصول مرعیه دن ایکن قافله تجار لیه مکه
بازار جیلرندن بیع وشرایط درمنز اولدیار . ابو طالب ایسه وسع
بشریه سی مرتبه دولتخانه سی اطرافنده نوبت کذار اولوب
صنوف اهل ایمانی مضرت اعدادن محافظه یه صرف یارای
اقتدار ایدردی . ائمه سیرک بیانی اوزره بو حال کفر اعتیاد اوج سنه قدر
امتداد ایلدی . بومدت ختامنده سالف الذکر عهد نامه کاتبی
منصور بن عکرمه نک الی (ع) قوریدی قالدی نهال بدنی (مفادینه
مظهر وزمان جور وجفا متحول ذوق ووصفا اولمق صورتلری آیینده
تیسرده جلوه کراولمغله بافرمان خداضعیف برکووه قوردد جغزی پیدا اولوب
معلق اولان کاغذده مسطور لفظه جلالی قلمتراش دندائیله حک و قول

دیگرده یالکز کلمات شرک آیات ورقه بی محو ایلده فقط اسم اللهی ترک
ایلدی • بواننده (هشام بن عمرو العامری و زهیر بن امیه الخزومی و مطعم
بن عدی بن نوفل بن عبد مناف و ابوالختری بن هشام و زمعه بن الاسود
بن عبد العزی) حال یأس اشتغال اسلامیا نه مرحمت و مد هوش شراب
کفر اولد قلمی حالده ورقه مجوئه معلقه بی شق ایدرک کافی السابق اهل
ایمانله اختلاط اولمسنی تکلیف ایچون اکابر قریشک بر معتاد مجتمع اولد قلمی
محلّه عزیمت ایلدی • مجلس قریش مواصات ایلد ککرنده هشام العامری
ورقه مجوئه نک حاوی اولدیغی مآلی یاد و ایندیرلدیکی تقدیرده وقوعی
ملفوظ اولان محسناتی تعداد ایلدی • بو کامقابلة ابو جهل لعین رفقای
سفاهت اتیماسیله اشخاص متواردهیه اجرای خصوصت خصوصته قیام
و صورت متهوره ده اداره کلام ایتمکه باشلیدی • اوارالق
جناب ابوطالب رونمای ظهور اولوب ورقه معلقه نک لفظه
جلالدن غیری حروفنی و یا خودیالکز اسم اللهک خلق اولنان بر قور دجغزک
کذلک دندانیله حک و احما قلند یعنی کاغد مذکورده مسطور
مقاله نک اسم جلالدن غیر یسی یا خودیالکز اسم جلالی ابقا و ترک اولندیغی
جناب رسالتیناه علیه صلوٰه الاله حضر تدرینه واسطه وحی ایلده اخطار
اولند یغندن بحثله جناب محمد (علیه السلام) صادق الوعد الامین
حضر تدرینک اگر بود عواده صدق ظهور ایدر ایه ترک عناد کفر
اعتیاد ایدلمسنی و شاید کیفیت خلاف ادعا واقع اولور ایه اجرای
مافی الضمیر ایدلمک اوزره صلی الله علیه وسلم حضر تدرینی اللرینه تسایم
ایده جکنی سویلدی • ساده دلان قریش اول صادق الوعد الامینک
صدق و کذبیکلا شلسون ایچون ورقه معلقه بی تنزیل ایدوب
ابوطالبک افاده سنه مطابقی بولدی • اشبو (معجزه) باهره نک وقوعی
قریشیلره ایراث انفعال و ابو جهلک کانون عناد و اصرارینی اشغال
ایتدی ایه ده سالف الذکر بش نفرسل سیقله ورقه مذکور شق ایدرک
اباطالبک رهگذارینه طوروب سیلاب کید اعدایه برسد آهین اولد قلمی
جهتله خورشید آسمان رسالت علیه اکمل التحیه حضر تدری آفتاب عالم

آراکبی برج شوکتسرای سعادت لرینه سایه افکن و بونی متعاقب یعنی
طقوزنجی سنه بعثت خلاننده جناب ابوطالب دخی تارک دار المحن
اولدی • (استطراد) سندات قویه ایلده نقل اولور صکه متوفای
مشار ایلده مزاجی منحرف اولد قده بنوهاشم و بنو عبد المطلب اولورینی
جلبله تعظیم بیت اللهه غیرت وصله رحمه اعانت و ادای امانت و طوغریلغه
مداومت و حضرت صادق الوعد الامینه معاونت اولمق و صایاسنی
بیان ایلده ذات عالی رسالتینا هینک بر امر خطیر اجر اسنه مأمور و افعال
واقواننده صادق و غیر اولدیغی بعد الاتیان پنچکانه توبت محمدیه نک
طنین انداز معقرر بع مسکون و مأمورین احمدیه سنک غالب سلاطین
جهان اولوب اقطار عالمده علم افزاز کلکون اوله جغندن بنوهاشم
مال و جان ایلده کربند خدمت و تحصیل رضای همایون لرینه غیرت ایلده
ایکی عالمده ارتفاع قدر و شان ایتمکه همت ایلدرینی امر و تنبیه ایلشدر •
تم الاستطراد محمد بن اسحق یسار قولی اوزره (صلی الله علیه وسلم)
حضر تدری نهایت مرض موتنده ابوطالبک اولدیغی اوطه یه عزیمت
وسر بالین فراشته قعوده اظهار رغبت ایلده «ای عم مهربانم شعار جاهلیتی
ترک و لمچاره لسانکی کلمه توحید ایلده متبرک ایده جک زماندر (لااله الا الله)
کلمه منجیه سنی ایراد ایلده که روز مشرک سوز جزاده مستحق شفاعت
اوله سین» پیور دیلر • لیکن ابو جهل «یا ابا طالب ملت عبد المطلبی
ترک ایده حکمیسین» ولوله سیله فریاد نفرین ایلد یکندن مشار ایلده
سکوت ایلدی • و اول شفیع روز قیامت علیه التسلیم و التحیه
حضر تدرینک ابرامنه تحمل ایده میوب (یا محمد صلی الله علیه وسلم)
قریشیلرک ابوطالب خوف موتله مسلمان اولدی (دیلمرندن محبوب
اولسم البته اول کلمه مبارکه بی ایراد و سنی بو صورتله دخی دلشاد ایدردم •
یولنده اعطای جواب ایلدی که بوضره ده علایم نزع ظاهر اولدی •
بو حالده یواشجه یواشجه بر عباره او قومغه باشلیدیغی برادری عباس
(رضی الله عنه) مشاهده و کوش جانله دکلیوب ابوطالبک کلمه توحید
ایلده رطب اللسان اولدیغی عرض و افاده ایلدی • ائمه اهل بیت بناء

عليه مشارا اليك ايمانه قائل اولوب فقط علمای اهل سنت بور وایتك
خلافته ملا بس اولد قلمی وجوهله مثبتدر. «الله اعلم بحقیقه الحال»
علی ابن ابی طالب (رضی الله عنه) پدرینك و فاتنی یلدرمك اوزره
«ان عمك الشيخ الضال» عباره سیله عرض ماجرا ایلد كده (صلی الله
عليه وسلم) برخیلی زمان سیاله فشان دموع اولوب بالاخره حضرت
مرتضی بی (رضی الله عنه) پدرینك امر تجهیزینه مأمور و فقط
مشارا لیه مخالفت كوستردیكندن «سنگ باباك بزم سرآده یارم
وضرآده مونس غمكسارم ایدی. جناب حق بحر رحمتی پیدریغ
بیورسون» مقالیه بی اختیار سحاب دیده لرینی لؤلؤبار و سالف الذكر
اراده بی تکرار ایدرك مشارا الیه ایفای ماوجبه خدمت تجهیزه مجبور
بیوردیلر. آخر برروایت مفادینه با قیلدیغی حالده جناب حیدر
(رضی الله عنه) بر موجب اراده هما یون پدرینی دفن ایلد عودت
ایلد كده حقیقه اولئان دعالك اثری رونمون اولدی. ابوطالبك بر برندن
اوزریاش كوچك اولمق اوزره (طالب عقیل جعفر علی المرتضا) نامنده
درت اوغلی و (امهانی) كنیه سیله مشهوره (فاخته) اسمنده
بركریمه عقیله سی اولدیغی كتب سیرده محرر و مقید در. متوفای مشار
اليك مدت عمری {۸۷} سنه اولوب بعثت نبویه نك اونجی سنه سنده
انفاس معدوده سنی بالا کمال متعازم شهرستان بقا و اوچكون صكره
خدیجه الكبرى «رضی الله عنها» حضرت تلمی دخی خرامان حریم
حرمسرای فردوس اعلا اولدی. بو حال یأس اشتغال مرآت تابناك
خاطر سید المرسلین «صلی الله علیه وسلم» باعث انكسار و ملال
اولدیغندن سنه مر قومه (عام الحزن) اطلاق بیورلدی.

﴿مقاله﴾ (۲۱) طائفه عزیمت و اثنای عودتده طائفه جنبه ملاقی اولوب
دینه دعوت بیوردیغی پیا ننده در

ابو طالبك رحلتدن صكره اشرا ی مشرکین ابراز علایم شهر آیین ایدوب
انواع جفا و اذیتله كلبرك خاطر سید المرسلین از رده ایلد كلری جهته

جناب سید البشر (صلی الله علیه وسلم) معیت سعادت لارنده
زید بن حارثه (رضی الله عنه) اولدیغی و علی قول منفرد بولندیغی
حالده طائف بلده سنه تشریف بخش عزیمت اولدیلر. عمرو بن
عمیر اولدندن عبد یالیل ایلد مسعود و حبیب نامونی شخصلار اول صره ده
ثقیف قوم واجب اللومك رؤ ساسی اولدیغنه و شاید بونلر مسلمان
اولور ایسه ضعفای مسلمینك جفای مشرکین دن مصون الساحه
اوله جقلری ملحوظ بولندیغنه مبنی مر قومونی دینه دعوت بیورمق
اوزره میانه كفارده اون کون قدر اقامت بیورلدی. انجق كفره
سالف الذكر شرف اسلامی قبوله غیر مستعدا و لمق و ایام مذکوره ظرفنده
ساحه نمای ظهور اولان معجزات عالی قرین انظار هدایتلری اولما مق
حسبیه ایچلرندن بری (یا محمد «صلی الله علیه وسلم») جناب حق
سندن بشقه پیغمبر ایلده جك کیمسه بوله مدعی (ودیکری) (بزوبله
«حاشا» ترهات دكله میز. اگر سن مبعوث بالحق پیغمبر مطلق اولسهك
ایدی. بزه بو تکلیفی ایتمزایدك) و اول بریسیدخی (سن پیغمبر ایسهك
بن کسوه کعبه اللهی سرقت ایدرم) بولنده هذیان پاش استهزا اوله رق
اول مخدوم برکزیده عالم «صلی الله علیه وسلم» حضرت تلمی نك
كلبرك خاطر سامیلرینی مکدر ایتدكدن صكره سفهای قوم مشوم
مر قومی جعله کذرگاه همایونه سوق ایدرك سنك انداز جور و جفا
اولمیرینی تنبیه ایلدیلر ایدی. سفهای مر قوم الدقلری تعلیمات اوزره
ایفای امره قیام ایلد {ع} آتزل طاشی البته درخت میوه دار اوزره.
مدلوانجه روح عالم (صلی الله علیه وسلم سلمك) قدم عرش پیماسن
وزید بن حارثه نك سر سعادت پیراسن زده ایلر. الحاصل طائف
بلده سنده جور و جفای دشمندن ماعداد برشی مشا هده بیورلدیغی حالده
عودت و (بطن نخله) موقعنه مواصلت ایدرك او کیجه اوراده
یتوت بیوردیلر. بو محله اواز بلند ایلد نماز قیلر لریکن نصیبین شهری
جنلرندن یدی یا خود طقوز نفر جین ظاهر و تلاوت اولئان ایاقی استماعله
جله سی بردن مسلوب خاطر اولوب کندولرینی انسان شکلنده

اظهار ایدرک شرفیاب مشول و اسلام اولدقدنصره منسوب اولدقلری قوم و قبیله لرینی دعوت ایتک التفاتیه مشمول اولدیلر • وهر برلری برجم غفیری دائره ایمانه ادخال ایلدیلر • و بناء علیه علیه الصلاة والسلام حضرتلری (رسول الثقلین) عنوانیه مجمل بیورلدی • (استطراد) جمال ملک فریب محبوب خدای کورمدکلری حالده مأموردعوت اولدلدن اوصاف (سید کائنات علیه التسلیم والتحیات) حضرتلرینی بالاستماع عشق راحت سوز محمدی (علیه السلام) ایلدلسوز اولان برچوق اجنی بیعت آنفة الذکر دن اوج ماه صکره مکرمه قبرستانده (شعب جون) نام موضعه اجتماع ایلد داخل سلاک اهل ایمان اولدیلر • واشبو کیجه معیت معالی منقبت پیغمبری (صلی الله علیه وسلم) ده بولنان عبداللہ بن مسعود حوصله بشر دن خارج اثار غریبه کورمش اولدیغنی نقل و حکایه ایلشلدرد • تم الاستطراد) بیعت جنی و قو عنک صبا حسی (بطن نخله) دن حرکت و حرم محترم بیت معظم نشانگاه عزیمت قلنوب فقط سفهای طائف کی حسده قریشک دخی ابراز اذراء و جفا تصمیمنده اولدقلرینه کسب اطلاعه جبل خرایه شر فبخش نزول اوله رق اصول عرب اوزره قو مشولری طرفندن استقبال ایدلمسنی فرمان بیوردیلر • اشبو التماس عالی رؤسای مکرمه عندد رهین قبول اولمدی ایسه ده (مطعم بن عدی) حقوق جوار یتہ رعایت واقارب عشائرن تجهیز اسلحه به مسارعت ایدرک صاحب سعادت افند یمزی کمال دبده و احتشامه استقبال و منزلکاه علیا سنه ایصال ایلدی • اول سلطان الثقلین (صلی الله علیه وسلم حضرتلری) اشبو سال فرخفال خلانده سیده النساء (عایشه) صدیقه بنت الصدیق وام المؤمنین (سوده) بنت زمعه (رضی الله عنهما) بی دائره معاشرت شرعی به قبول بیوردیلر • فقط صدیقه مشارالیه (رضی الله عنهما) رسیده آوان ازدواج اولماغله یالکز سوده (بنت زمعه) رضی الله عنها محرم جامه خواب زفاف اولوب حضرت صدیقه (رضی الله عنها) برنجی سنه هجرتده مدینه منوره منصد زبیت السرور زفاف اولمشدر •

﴿مقاله﴾ (۲۲)

﴿اول مهمانخانه علین صلی الله علیه وسلم کیفیت وقوع معراجلری﴾
﴿بیاننده در﴾

قضیه غریبه معراج برعجزه کبرای باهر الا بهاج بولندیغی واول یکه سوار آتش عنان عرش برین (صلی الله علیه وسلم) او یانق اوله رق جسد مطهره لر یله راکب براق اولوب و صحاری آسمانی طی ایدوب قدم نهاده عرصه گاه عالم لاهوت اولدیغی جهته فلاسفه معترضین طرفلردن اولبا بده ایراد اولشان کلمات و محققین علوم دین مبین جانبندن و یریلان اجوبه مستلزم الاسکات قال وقله کتور لمیه رک همان بیان اجمالیسیله اکتفا اولمشدر • امام بغوی معالم التنزیل نام کتابنده کشیده سلاک سطور ایلدیکی نقل صحیح اوزره اول سلطان اقلیم العرب والعجم (صلی الله علیه وسلم) هجرت همایون وقوع عندن برسنه مقدم یعنی اون اوچنجی سنه بعثت ربیع الاولک یدبحی بازار ایتسی کیجه سی دیوانخانه ملکوته وقوع بولان دعوت حضرت سبحانیه به اجابت وینه اول کیجه عودت بیوردیلر که اول کیجه ذات سامیلری ابوطالبک دائره کفالترنده سایه نشین اولماغله امهانی بنت ابوطالبک بهجت خانه سنده (ع) او یومش مش سربالین سعادتده او یار • مفادی اوزره مشغول خواب ایکن قائد المقر بین جناب جبریل امین خوابگاه بهجت پیرای سعادت لرینی بالتشریف بیدار ودعوت ذوالجلالیه بی عرض و اخطار ایلدی • واول شاه نولسخریر ملک ملکوت در عقب قیامله حرم مکرمه مهیا اولان براق برق رفتار را کب اوله رق مهمیز زن حرکت و برنجی خطوه ده حرم بیت مقدسه مواصلت ایتدی • واورادن منازل آسمانه عطف عنان عروج ایتکله صفحه وجه قره براقک ایاغی توزی اصابت ایلدیکه غبار نعلکون هلال حال بودقیقه غریبه به دال اولدیغنی حکمای اهل سنت نقل و حکایت ایدرلر • تعریف هیئت شکل براق چایکسوران مضمار سیر طرفندن و یریلان تفصیلات مبسوطه به کوره اول براق برق رفتارک جثه سی خردن بیوجک واستردن کوچو جک اولوب یوزی

لهیچہ انسانہ واقدامی او کوز ایاقلرینه و کوکسی قرمزی یاقوته وارقه سی دره بیضایه مشابہ اولغله خورشید رخشان کبی درخشان کورینور .
 انتہا) اول نور دیدہ کائنات علیہ التسلیم والتحیات حضرتلری دبدبه سطوت وشوکتله سالف الذکر براقه راکب اوله رق جبرائیل ومیکائیل عزودولت کبی یمین ویسارنده ونیچه یوز بیک ملک جهة اربعه سنده اولدیغی وکعبه معظم لابس لباس ماتم اولوب (دولت وعزت ایکی بیک دوانک اولسون . قنده عزم ایلر ایسه ک دولت ایله عزت ایله) زمزمه سیله پیرایه زیب دم اوله رق دست برآورده دما بولندیغی حالده حرمسرای بیت الحرامدن حرکت وآن واحده بیت مقدسه مواصلتله زمام براقی انبیای کرامک ربط سلسله مطایا ایدہ کلدکری صخره (بیوک قیادیمکدر) شریفه حلقه لرینه باغلیوب مقصوره مسجد الاقصی به داخل اولدیلر وصخره مبارکه مذکور ده الان موجود اولان دلیکدر بومد عالی اثبات ایدر . ارواح مشاهیر انبیا لاجل الاستقبال مسجد اقصی دروننده حاضر ومهیا اولغله جناب سید البشر (صلی الله علیه وسلم) خوش خوان مخفل وحی اولان جبریل امین اشارتیه متوجه کوشه محراب ویشوای ارواح اولوالالباب اوله رق ایکی رکعت نماز قلد قد نصره صخره مذکوره نزدینه عودت بیور دیلر . وبوراده براوجی صخره به موضوع ودیکراوجی کنکره فلک الدنیا به مرفوع اولوب هر برقدمه سی یاقوت حرا وسنک زمره ونقره بیضادن معمول ومرصع اوله رق نمایان اولان نردبان نور افشان ومعراج رصین الارکاندن جبریل امین رفاقتیه عروج وکیدرک فلک الاوله ولوج بیورلدی . حضرت بیک جلیلک فلک الدنیا قیوسی اولان باب الحفظه یی دق ایله ایچرودن (کیمدراو) دنیلسته مشارالیه (بیک جلیلد) جوابنی ویرمکله (یانکده کیم واردر) سؤالی ورود وبونک جوابنده (طیب خسته دلان امت وشفیع روز قیامت اولان (محمد عربی صلی الله علیه وسلم) واردر) سلیقه سیله اثبات وجود ایلد کده باب الحفظه مأموری فتح باب وایفای مراسم استقباله شتاب ایله نائل التفات عالی اولدی . صلی الله علیه وسلم

حضرتلری بالاخره فلک دنیادن چیقارق طقوزقات آسمانی کذران ایله هر برفلکده بر پیغمبر رفیع القدره ونیچه نیچه عجایبات اثاره تصادف ایدوب عالم ملکوتیه واصل اولنجیه قدر مشاهده بیور دقلری ملائکه کرام نظر التفاتله مشمول وذات همایونلری مع الممنونیه استقبال وقبول بیورلدیلر . اشته بوطریق ایله فلک اولاده جناب ابوالبشر آدم (علیه السلامه) وایکنجی فلکده یحیی وعیسی (علیهما السلامه) واونجی فلکده یوسف (علیه السلامه) ودرنجی فلکده ادریس (علیه السلامه) و بشنجی فلکده هارون (علیه السلامه) والتنجی فلکده (موسی علیه السلامه) ویدنجی فلکده ابراهیم (علیه السلامه) ملاقی اوله رق هر بریله اجرای مراسم سلامه نائل وسرا دقات آسمانی طی ایله مقام سدره المنتهایه واصل اولدیلر . * تعریف سدره المنتها * سدره المنتهی برشجره رفیع القامه در (که بوداقلری غایت چوق ونخلستان جهانه مائندی یوقدر . میوه سنک هیئت سبوی هجری (یعنی یاخود مدینه یه یقین برقریه در که انده تحف برنوع دستی اعمال اولنور) وپیراقلرینک رسمی فیل قولانغی کبی اولوب جوانب اربعه سی ملائکه کرام صفلریله مالا مال وکولک سنک وسعتی تمام یتش سنه کامله ده طی اولنق محال وتپه سی حضرت جبریل مقام عال العادر . تم التعریف) اول مهمان بالا خانه ملکوت علیه افضل الصلوه حضرتلری شجره سدره المنتهایه محیط اولوب ایکیسی مجرای نهاندن ودیکر ایکیسی دخی طریق عیاندن جریان ایدر . درت نهر عظیم مشاهده واشبودره لک اولصورته جریانلرینک سبب حکمتی حضرت روح الامین دن استجواب بیورلدیغی جهته مشارالیه باطن الجریان اولان ایکی دره نک جنانه جاری وظاهر المجرا اولنلرک نیل وفرات پیکاری اولدیغنی جوابا عرض وافاده بیورلدیلر . بعده بری (عسل) دیکری (نخر) وبریسی دخی (سود) ایله مملو اوج قطعه کاسه ظاهر اولوب بونلردن سود ایله مملو اولانی نوش بیورلدیلر . جناب جبریل (احسنتم یا محمد) (علیه السلام) اسلامی تأیید ایلدک . اگر نخر قدحنه التفات بیورمش اولیدک . طریق

اسلامه پانهاده اولان ضعیفای امت سرمست شراب ضلالت اولوردی •
 ویاخود بال شربتنی ایچمش اولسه ایدک • امتکز مکسی الطبع اولوب
 (الکسل احلی من العسل) مطا بقجه اوامر و نواهی خدایه مداومت
 و مجانبیت ایتمز لردی • فله الحمد که سوده التفات ایله امت مر حومه کلک
 انجمنی خیره دلالت بیوردک (خطابیل کلاب افشان تحسین اولدی •
 «استطرد» دقایق الاخبار نام کتاب موثوق الآثار صاحبی سند صحیح
 ایله نقل ایدر که جناب ختمی پناه (صلی الله علیه و آله) حضر تلی
 معراج کجه سی جنتده مشاهده بیوردق لی انهار اربعه نك منبعی
 جبریل علیه السلامدن استجواب وانلردخی (حوض کوثره جاری
 اولدق لینه معلوماتم واردن امامنعلری معلوم دکلدن) دیوا عطای
 جواب بیوردیلر ایدی • او اراق بر ملک صفوت آیین ظاهر اولوب
 «یا محمد (صلی الله علیه و سلم) کوزیکی یوم» دیدی • موجبجه چشم
 پوش اولوب ینه رأی مشار الیه ایلده کشا اولدقده بیوک براغاج سایه سنده
 بنا اولمش مربع الشکل برقبه مشاهده بیوردیلر (که دروننه دنیا و مافیها
 وضع اولنسه جبل عظیم اوزرینه بر قو شجفر قو نمش کی کورینور
 دینلمسی مقوله تواتراوله ماز) مذکور قبده نك بناسی غایتله بیاض انجودن
 معمول و یا قوت حرادن بر قیوسی موجود اولوب اوزرنده التوندن
 بر کلید اورلمش اولمغله قبه نك ایچنه دخالت ایده مدیلر • سالف الذکر
 فرشته بوراده ینه نمایان اوله رق «یا رسول الله بو کلیدک آجیلسمی
 (بسم الله الرحمن الرحیم) اناختار ینه وابسته در» دید کده مفتاح
 مارالذکر ایله کلیدی فتح ایدرک حریم فسحتسرای قبه یه داخل و اطراف
 اربعه سنه احاله نظر ایدرک انهار اربعه نك بورادن تفجیر ایلدیکنه
 معلومات صحیحجه اکتسابنه نائل اولدیلر • مذکور ملک بوراده ینه
 اظهار وجود ایله «یا رسول الله اطرافکه بردها ناظر اول» دیدیکندن
 دفعه ثانیه ده اطراف اربعه قبه یه عطف چشم دقت وار کان قبه ده
 مشهود اولان غایت جلی بر بسملة شریفه تماشا سنه رغبت بیوردیلر که
 (بسم) لفظ شریفنک مجرای یمندن (نهر الماء) و لفظه جلالی

هاسی کوزندن (نهر اللبن) ورحن کله سنک لوله یمندن (نهر الحمر)
 واسم رحیمک عین یمندن (نهر العسل) جاری اولوردی • انهار اربعه
 سالفه نك منبعی معدن بسملة شریف اولدیغی رونما اولدقده و رای
 پرده خفادن «یا محمد (علیه السلام) هر کیم خلوص قلبه
 (بسم الله الرحمن الرحیم) دیر ایسه انهار اربعه مشهوده دن
 ضوارسه کر کدر» ندای موجب الصفا یها تفسی • استماع بیوردیلر •
 تم الاستطرد» بعده اول یکه سوار افاق اعلا ییک سلطان کبریا ایله
 چنستان جنانه خرامان و عجایبات عالم فردوسه نکران اولوب حورعین
 و غلمان علین صفلرینه اطاره مرغ تماشا ایدرک و درکات جهنمی
 برق خاطف کی کجه رک جمال و جلال خلاق عالمی مشاهده ایلد کد نصرکه
 سایه نشین سدره المنتها اولدیلر • اشبو محل بی مماثل موقع وداع جبرائیل
 (علیه السلام) اولمغله مشار الیه «اگر چه بوندن ایلر و خطوه انداز
 تجاوز اولور ایسه هم هلاک اولمقلغم مقرر در» مقالة متأسفه سنی ایراد ایله
 اختیار توقف ایلدی (صدای لاحرقق اسمان سوزیله جبرائیل • چکوب
 بر آه حسرت یاندی شمع بال سوزانی) روایت دیگر مفادینه کوره
 ییک جلیل کبریا سدره المنتها ده پیرو پیشوای انبیاء علیه افضل الوری اولوب
 کیدرک بر حجاب مواصلت ایلدیلر (که بوراده بر ملک نورانی شکاف حجاب
 نور اتصافدن پنجه خورشیده مانند اولان دستنی اوزادارق و اول غنچه
 ناز پرور دین علیه (صلوة اله العالمین) حضر تلی رینی الی اوزرینه اله رق
 الدن اله نقل ایله کاشنسر ای خاص الخا صه القا و حضرت جبریل حجاب
 مذکور آتنده و براقی دخی یمش بیک عدد حجاب دیگر وراسنده ترک ایله اول
 رفر فسوار ملکوتی دامن عرش الرحمن اعلا ایلدکلر ندن بوراده خارج
 از حوصلة بشر الطاف خدایه نائل و مظهر اولدیلر • اشبو شب
 بوا العجبه مر حمت بی علت احدیت اقتضای جلیله سنجه بیواسطه
 ناموس اکبر جناب خاتم الانبیاء علیه اجل التحایا حضر تلی ینه ختم
 (سوره بقره) احسان و عنایت بیوریلوب یکرمی درت ساعت ظرفنده
 ادا اولمق اوزره امت مر حومه محمدیه (صلی الله علیه و سلم)

اللی وقت نماز اداسی فرض اولندی . و حضرت احدایله جناب احمد
آره سنده بیانی حوصله قلند بیرون هر تبه نازون ساز و قو عبودی .
(بیت) (بلا صوت و حروف و لفظ و معنی ایلدی صحبت) (بوسرک قالب
الفاظه نا کنجیده بیانی) اثنای عودت همایونده اورنک
زبرجد رنگ فلک ساد سده پیرایه زیب اقامت اولان حضرت موسی به
(علیه السلام) بالتصادف عطایای الهیه دن امت محمد ایچون الی
وقت نماز فرض اولندیغنی بیان یور دیلر . جناب کلیم (علیه
الحمیه و التسلیم) «یا حبیب الله طبعه انسانی بی بن سزدن
اول تجربه ایتدم . بنی اسرائیل طائفه سی ایسه بر مقتضای وجود حل
ثقیل طاعاته تحمل ایده بیلاری ممکن کورینور ایکن انلر کثرت عباداته
تاب آور تحمل اوله مد یلر ایدی . ذات سعادت مأب سا میکره منسوب
اولان امت مقبوله بوبار ثقیله نو جهله تحمل اوله بیلور . اگر چه
تخفیف نماز خصوصنی درگاه الهیه دن القاس بیورر ایسه کز . امت
عالیه کز حقنده بیوک بر لطف اولور» دیمی و رسول کبریائک کلفت نیازی
قبول بیورمسی اوزرینه اوقات مذ کورک اون وقتی اسقاط بیورادی .
و علی هذا القیاس جناب کریمک وقوع اخطاری حسبله تخفیف نماز
ایچون نیجه دفعه درگاه پرورد کاره مراجعت و آخر الامر بش وقت
نماز اداسنه موافقت بیورلدی . جناب موسی (صلوة الله علی نبینا
وعلیه السلام) حضرت تلی بونکدخی تخفیفی الحاح بیوردی ایسه ده
«ارتق بوبش وقتک تخفیفی رجایه حیا ایدرم» جوابنی بعد الا عطایا
روی زمینه آیت رحمت کبی نزول و جامه خواب راحتینه قفول (عودت
دیمکدر) ایدرک فراش سعادت لرنده اثر کر میت مشاهده بیورلدی . اشته
بولیل بوالعجب مبارکده بلاصوت و حروف جریان ایدن مذاکرات ناز
و نیازک یک از هزاری نقل اولنق غیر ممکندر . شو قدر تعریف
اولنه بیاور که کان خاطر همایوندن انداخت اولنان بالجمله تیر ناز و نیاز
ورجابلا تخلف هدف رس اجابت و قبول اولمشدر . حتی اول شفیع
روز جزا امت احمدیه سی حقنده لب کشای شفاعت اولوب «ای خداوند

خطا پوش . وی خدای عطا پاش . روز محشرده اسرافیل (علیه
السلام) نفخه زن صور اولدقده و یوم تبلی السراثر مجلس مهابت انیسی
تشکیل اولدقده اتمک محاسبه اعمال و معامله احوال ملالت اشتغال لرینی
بنم رد و قبوله احاله و دفتر سیئات لرینی رضای مر احم ارتضای غفار یلر یله
خط کشیده بطلان قلمسنگ قلم رأیمه حواله بیورلسنی و اتمک فضایح اعمال
و قبایح آمال لرینه هیچ کسسه نک مطلع اولماسنی رجایا لرم» مألنده بسط
بساط نیاز و استرحام بیورد قلری صره ده «یا محمد (علیه الصلوة
و السلام) سن استرسین که دامن لطفکله معایبات امت محمدیه کی اورته سین .
لکن بن اول پادشاه کریمکه سیهکاران اتمک خطا لرینه سنک دخی
واقف اولوب مضطرب اولما مقلعکی استرم . زیر اصفی عالی ستار یتیم
عجزه اتمک عیوبک کسه یه کوستر مامک و سایه حایه غفار یتیم
حصار رحمته التجایدن مجرمان اهل ایمانی سیاستگاه دوزخه کوندر مامک
اقتضایدر» خطاب عنایت مأبی وارد اولدی . الحمد لله ثم و ثم الحمد لله (بیت) .
لایق شفقت دکاسه کده رجای عفوایله . رحمت عام خدادن ایتمه بز قطع امید

﴿مقاله﴾ (۲۳)

﴿آفتاب آسمان رسالت علیه افضل التحیتک مواسم حج حلونده اشراف﴾
﴿قبائل اعرابی سفره دینه دعوت بیورد قلری و سادات انصارک﴾
﴿شرفیاب ایمانله مشرف اولد قلری بیاننده در﴾

اول خورشید جهان کبر رسالت کبرا (صلی الله علیه وسلم) حضرت تلی
مواسم حج حلونده اشراف عربیه تصادف بیورد قفه عرض جمال ایله
ایفای مراسم رسالت و ضیافتخانه دین اسلامه دعوت بیورلدی .
تاریخ بعثتک اون بر نبی سنه سی خلانده مدینه منوره اهل بسندن اولوب
مستعد قبول ایمان اولان (اسعد بن زراره و عوف بن حارث ابن عفر
ورافع بن عجلان و قطبه بن عامر بن جدید و عقبه بن عامر بن نابی
و جابر بن عبد الله) رضی الله عنهم حضرت انی بر عقبه ده مشاهده و بعض
آیات جلیله قرائتیه خارستان وادی کفرده پویان اولمقدن صحن کلزار
ایمانده بولنق اولابا طریق اولدیغنی افاده بیور دیلر . مشار الیهم نبی

آخر الزمانك وقت ظهوری متقرب الحول اولد یغنی اجله علمای یهود دن
نیجه دفعه لر اشتمش و ناصیه منوره جناب رسالتیناهی بی خورشید رخشان
کبی درخشان کورمش اولد قلری جهته بربرینه خطابا (مشکل کشایان
طوائف یهودك خبر و یر مکده اولد قلری پیغمبر بو ذات جسته منظر اولسی
مقرر در) دیه رك حصارا سلامیه د خالت ایلدیلر • سید الثقلین
(صلی الله علیه وسلم) حضرت لری کفره قریشدن مغیر اولمغله مدینه
منوره یه هجرت املنده و بوبایدہ خاطر مشارالیه لایح اوله جق خاطره نك
اظهاری طلبنده اولد یغنی ذکر و اتیان بیوردیلر • لکن مدینه اهالیسی
(اوس و خزرج) قبیله تیشدن عبارت اولوب میانه لرنده تعریفی غیر قابل
بر عداوت مستمره اولق و مشارالیه (خزرج) قبیله سنه منسوب بولمق
حسبیه (اگر چه بر لکده تشریف بیوریلور ایسه وجوه اوسك عدم
موافقتی مظنون اولد یغندن شمد یلك قوللری عودت ایدوبده اهالی
مدینه یه بیان کیفیت و سامعه نواز انتبا همز اولان آیتلری قرائت ایدرك
انلری ملت بیضای اسلامه ترغیب ایلر ایسه ك عنایت حقله كله جك سنه
بالجمله علمای اوس و خزرجك رومال حضور و قبیله تین مذ کوره افرادی
یکدیگر یله عرض مودت و وفاق ایتمکه مجبور اولور قیاس ایدرن (دیملری
اوزرینه با اراده همایون عودت ایله مستعد سعادت قبول اولان ذواتی
بعثت نبویه یه آگاه و محاسن اخلاق رسول اللهی تعداد ایدرك جمله سنی
بردن مشتاق جمال حبیب الله ایلد کلر ندن سنه آتیه ده اعظم قبیله
خزرجدن (اسعد بن زرارہ و عوف و معاذ بن پسران غفرا و رافع بن مالک
و سعد بن عبادہ و منذر بن عمر و عبادہ بن صامت و یزید بن ثعلبه و عقبه
بن عامر بن نابی و قطبه بن جدیره) و اکابر اوسدن (ابو الهیثم بن التیهان
و عویم بن ساعده بی) داعیه هدایت سفر مبارک حجازه دلالت ایتدی • مشار
الیه رهمنونی تو فیکله نائل عز ملازمت همایون اوله رق اللهم
و رسول اللهم خلاف اراده سنده بولنما مق اوزره اخذ بیعت ایلدیلر که
اشبو بیعتی علمای فن سیر (بیعت عقبه اولی) نامیله ثبت صحایف اثر
ایلدیلر • بالاخره اشارت خواجه کائنات علیه اکمل التحیات له صلحای

اصحابدن (مصعب بن عمیر) رضی الله عنہله مدینه منوره یه عودت و علوم
محمدیه استحصالنه تشریف ساق غیرت ایلدیلر ایدی • بر سنه صکره متوجه
حرم محترم اولان اهالی مدینه دن علی روایه (یتش) و علی قول
(یتش اوج) ارایله (ایکی) عورت مکة مکرمه یه و رود لرینک ایکنجی
کیجه سی رکاب قرتاب رسالته رومال و دائرة تبعیت نبوی یه د خالت
ایدوب، فارغ البال اولدیلر که اشبو بیعت (بیعت عقبه ثانیه) اسمی
و یرلدی • قدمای اوس و خزرج سعادت سرمدیه ایمانه نائل اولوب
شهره اتفاقه کیرد کلری جهته امور ملت بیضای اسلامیه یه تمشیت
و یرلک اوزره حضرت جبریل علیه السلام رک رأی و اشارتیه (اسعد
ابن زرارہ و یراء بن معذر و رافع بن مالک بن عجلان و سعد بن عبادہ و سعد
ابن حشیم و سعد بن الربیع و عبادہ بن الصامت و عبد الله بن رواحه
و عبد الله بن عمرو بن خرام و منذر بن عمرو بن حنیس الخزرجی) و
(ابو الهیثم بن التیهان و اسید بن حضیره الاوسی) رضی الله
تعالی علیهم اجمعین حضراتنه نقابت رتبه جلیله سی اعطا
بیورلدی • شیطان لعین مشارالیه نقابتلری اجرا بیورلدیغی
اثنا ده شاهقه عقبه یه صعود ایلر (یا معشر القریش آگاه
اولوک که اهالی مدینه ابوطالبک برادر زاده سنه عرض بیعت شتاب
وسرکله اشغال ناره قتال ایچون تهیه اسباب ایلدیلر) نداسنی ایصال
ایتدی • کفره قریش بو خبرله آتش خوف و تلاشه دوچار و ایرته سی
کونی مدینه لورک قافله کاهنه بالعزیمه (ای قبیله اوس و خزرج
وجوهی بوآنه د کین ارا مزده اثر عداوت و رقابت یوق ایدی • شمدی
حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) کردنداده بیعت اولوب بزمه
آماده جنگ وجدال اولد یغکز استماع اولندی • بو کیفیت عجبا مقارن
صحفید رد کلیدر) زمیننده استکنه حاله درکار اولدیلر • مشرکین
مدینه دن بریسی (بزم بو خبردن معلوما تمز یوقدر • اگر بوماده ده بزم
علمز و ارایسه لات و عزى آتشنه یانه لم) جوابیه تسلیت بخش خاطر
مخالفین اولدی ایسه ده قافله انصارک مدینه منوره یه متوجه اولدیغی

خلاصه بیعت انصار مقارن صحت اولدینگی اقطار عالمه شایع اولمسیله حسده
قریشی داغدار ایلدیکندن بالافتاق زمرة اهل ایمانه ایصال
مضرت و خسار ایچون دیده دوز فرصت اولدقلرندن اصحاب
کرام بلاد اطرافه هجرت و آخر الامر مدینه منوره ده تشکیل
جمعیت ایلدیلر • (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین)
«استطرد» (اصح اقوال و ارجح مقال ابراز یله قویا نقل اولد یغنه
کوره مهاجرین کرامدن مدینه منوره یه ال اول هجرت ایدن (ابوسلمه
ابن عبد الاسد) در • رضی الله عنه مشارالیه بیعت عقبه دن برسنه اول
ممالک حبشه داخل اولوب سابقون انصارک حصار استوار اسلامیه دخالت
ایلد کلرینه معلومات المسیله برابر مکه مکرمه یه عودت ایدوب فقط
اعتراضات مشرکینه تاب آور تحمل اوله مد یغندن بعد الاستیذان شهر
شهر مدینه یه کتشددر • بالاخره (عامر بن ربیع) و زوجه سی (لیلی)
رضی الله عنهما ودها صکره جه (عبد الله بن جحش) رضی الله عنه دخ
شهر مذکوره عزیمت و مشارالیهی متعاقب اصحابک جمله سی فوجا فوج
هجرت ایلد کلرندن یکرمی نفر صحابه که (عمر بن الخطاب و برادری زید
وعیاش بن ربیع) رضی الله عنهم برابر ایدی مکه دن نهضت و متعاقبا
(عثمان بن عفان) رضی الله عنه دخ حرکت ایدرک مدینه منوره
مضافا تندن اولان (عوالی) قریه زنده ضرب خیام آرام و اقامت
ایتمش و الحاصل نزد عالی نبویه ده (ابوبکر و علی بن ابی طالب)
رضی الله عنهما دن غیر صحابه قالمشدر • تم الاستطرد»

«مقاله» (۲۴)

یکه سوار عرصه آسمان علیه صلوة المنان حضر تکرینک مدینه
منوره یه هجرت بیور دقلری بیاننده در

سواد مبارکه مدینه دلاوران اسلام ایچون برما منکاه متین اولدینگی جهته
هجرت نبویه نک و قوعی امر مسلم و هر حالده خاطر گذار (صلی الله علیه و سلم)
اولدینگی نزد کفره ده رهین نبوت اولد یغندن اول شمع جهان افروز ایمانی
سوند رمک زعم باطلیه دار الندوة (داخل شهر مکه ده برخانه ایدیکه

کبرای قریش امور مهمه یی اوراده تذکر و مطالعه ایدر لر دی) مکه ده اجتماع
ایلدیلر که اول روز را حت سوزه (یوم الزحی) دینشدر • اول یوم مشؤمده
شیطان لعین بر پیر سال خورده هیئتله قریشیارک داخل دائره جمعیتلری
اوله رق اداره کلمات مشاوره یه ابتدار ایلدی • هیئت مجلس اول پیر
ضلالت اسیرک یا ننده حقیقت حالی بیانندن احتراز ایتد کلری جهته بن
دنیا نک کرم و سر دینی کورمش • و حوادث ایا مک پاشنسی دادمش
اولد یغ ایلدن کوجم یتدیکی مرتبه سزه معاونت ایلک ایچون
جبل نجد کی بر محل بعیده دن کلوب بلا استیذان مجلسکزه داخل اولدم
دیددی • (فائده) خاک نجد ایکی قسمه منقسم اولوب بری نجد حجاز و دیگر
نجد عارض ممالکیدر • نجد حجاز اراضی مقدسه حجازک جهت شرقیسنده
واقع (القی) ناحیه دن عبارت و مثبت فتن و نفاق و معرکه شقاء
و شقاق بر ولایت اولغله شیخ نجدی اطلاق اولنان ابلیس لعین بو بلده یه
نسبت اولنور • جناب رسالتپناه (صلی علیه اله) حضر تکرینک خاک
مذکور دن نشأت ایتکله معجزه اولق اوزره اصحاب شرو شقوتی اشعار
بیور دیلر • بلاد مذکور دن بادی امر ده شیخ نجدی صورتنده ابلیس
لعین ظهور ایدوب بعده ادعای نبوت ایدن مسیله الکذاب و سائر کلاب
صحرانو رد ارتداد و بعده قرامطه طائفه سی ودها صکره لری و هابیون
دنیلان خوارج زمرة سی خروج و زروه بغی و شقایه عروج ایلدی •
(انتها) خنازرة کفار شیخ نجدینک دخ ظهور نور نبوتدن مضطرب
اولد یغنی کورنجه (مرحبابک ای پدر مشفق) دیه رک مذاکره یه
باشلدیلر • ابوالنختری بن هشام بد فرجام جمله دن اول دهن مر دارین
آچوب علیه الصلوة والسلامک بر زندان محبسه القبا و لیس حقتنده
بیان رأی ایلدی • پیر نجدی بو رأیه احاله سمع اعتبار و التفات ایتیوب
وجه ناپاککن ابواسود بن ربیع بن عمر بن لوی جابنسه
جویر دیکندن بو دخ ذات همایونک بعد ز خاک حجازه قبول
اولنماق شرطیله حدود حجازیه دن طرد و تبعیدینی رأی ایلدی • شیخ
نجدی بو کا دخ اعتراضله «سز محمدک (صلی الله علیه و سلم) نه ذات

عالمی قدر اولدیغنی بیلماش سکن • و بلغای عالم و سحر آفرینان عرب و عجم
جمله خاطر فریبی اوله جغین ا کلیه مامش سکن • اول محبوب بی همتا
هر قنخی قبیله بی تشریف یور رایسه اول قبیله نك اعلا واد ناسدن
جمال ملک فریبی کورنلر البته پروانه شمع حسنی اولوب پانهاده خلقه
تبعیت اوله جغندن (ع) قطره قطره ابر بار د عاقبت دریا شود • مفادی
مفهومی مجده برقاق قطره مثابه سنده اولان اهل ایمان کیدرک بر دریای
عمان اولور) دیوب ابو جهله متوجه اولدی • ابو جهل لئیم دهنکشی
خبثت اولوب « بکا قانور ایسه هر بر قبیله دن بر آدم انتخاب اولوب
بونلرک واسطه سیله محمدک (صلی الله علیه وسلم) روحی بدندن
جدا ایدیلور ایسه قبائل مذکوره حصه سینه برر قطره قان اصابت
ایده جکی و بهادران عبد مناف قبائل عربک جمله سیله مقاتله ایده میه جکی
جهتله ایشک اوکی آلمش اولور ظن ایدرم) دیمسی و شیخ نجدینکدخی
افکاری رأی ابو جهلی تأیید ایلمسی اوزرینه کیفیت هیئت شورا نزدنده
رهین تحسین و قبول اولغله جمعیت مجلس متفرق اولدی • بوقراری
متعاقب جبریل امین نزول ایدوب « یار سول الله جناب (علام الغیوب)
تنزهت ذاته عن التقایص والعیوب حضرتلری بو کیجه جامه خواب
نبویه کزده یاتمیوب علی السحر مدینه منوره یه عزیمت بیورمکزی اراده
بیور دیلر) سیاقیله ایفای رسالت ایلد یکنندن صلی الله علیه وسلم
جناب مرتضای کرم الله وجهه فراش سامی لرنده جانشین و مکاید اعدادن
تأمین بیوردی • و اول شیر خدا (رضی الله تعالی) بر موجب اراده
عالی برده خضرای سعادت ته صاریلوب اغور نبویه مراسم فداکاری بی
بحق ایفا ایلدی • هوار قرار دقده (ابو جهل ایله ابولهب و ابی بن خلف
و بنیه و منیه ابن حجاج و نضر بن الحارث و عقبه ابن ابی معیطه و حکیم
بن العاص و طلحه بن عدا) و اشقیای عربدن ده بر نیجه لعین بی حیا و اسجه
بر محله جمع اولوب اجرای مافی الضمیره قیام و متوجه شو کتشرای
رسول انام اولد قلری صره ده ابولهبک رأیله اتفاق اقوام عربی بهادران
(بنی هاشم و بنی عبد المطلبه) ایما یملک و (صلی الله علیه وسلم) قاچر مامق

اوزره دائره همایون اطرافنده کشت و کذار و صباحه قدر قاعده
تحفظکاری یه متبصرانه بر صورتله صرف یارای اقتدار ایلدی لر •
(صلی الله علیه وسلم) ایسه کمال عظمت و اجلال ایله باب سعادتخانه لرندن
خروج ایدرک (یس) سوره منیقه سنی قرائت ویردن بر آوج طپراق
الوب ملاعین متحشده اوزرینه انداخت ایتمسیله بحکمة الله تعالی اعین
ملاعینه بر پرده ادبار چکلد یکنندن روح روان کبی ارالزندن بکیدی •
واشبو صاچیلان طپراق هر کیمک باشنه اصابت ایلدی ایسه غزوه بدر
الکبراده انداخته سچین هلاک اولدی • جناب (مرتضی) کمال اخلاصه
نائب مناب رسول کبری اولوب خوابگاه همایونده استراحت اوزره ایکن
حق (جل و علا) حضرتلری (جبرائیل و میکائیل) علیهما السلامه « تقدیر
الهییه م اقتضا سنجه اگر چه ایکی کزی برقرنداش کبی خلق ایدوب
بریکرک عمرینی چوق و بریکرک عمرینی از خلق ایتمس ایدی • از عمره
راضی اولوبده چوق عمری برادرینه ترکله طریق اخوتده قنغیکر
فدا کارلق ایدردی) مألنده خطاب و « الهامغیب دانا بزکندی
اختیار منزه بر نفس عمر منزی ترک ایده میه جکمز معلومدر) یولنده اخذ
جواب بیوردی • و دفعه ثانیه ده « سزلر نیچون علی المرتضا (رضی الله عنه)
کبی اوله مد یکر که اغور محمدیده (صلی الله علیه وسلم) فدای جان
ایدوب مشار الیهک خیانتی اختیار ایلدی • ایدمی ایکی کز بردن روی
زمینه نزول و نفسکزی اول ورد باغ ولایتی مضرت خار اعدادن
وقایه ایله مشغول ایدک) خطاب عزتی واقع اولسی اوزرینه
جناب (جبریل) سر بالین مشار الیه و ارد و حضرت (میکائیل)
دخی ایاقلری او جنبه قاعده اوله ورق تابصباح ایفای ما وجهه مأ موریت
ایلدیلر (که حضرت روح الامین حق عالی حیدریده « یا علی
(رضی الله عنه) خلاق عالم ملاء اعلاده سنکله افتخار ایلمکده در)
ستایشیله از دیاد عمرینه دعا و حضرت میکائیل صیت آمینی پیوسته
بارگاه خدا ایلدی • صباح تقرب ایلد کده شیطان لعین انسان صورتنه
کیروب سبب اجتماع مشرکینی سؤ آل و جواب سکوت الدیغندن برآه

سرد چکوب ده (ایوا به با شکره سر پلش اولان طوبرا غه با قیلور ایسه
(محمد) صلی الله علیه وسلم سزی چیکنه یه رک چکمش کتشدن) سیاقنده
بسط مقال ایتسیله هر بری باشنی یو قلیوب غبار آلود بولدیلر •
لکن باب سعادت ارا لغندن دو لخانه نبوی به ایصال جاسوس نظر ایدرک
بر ذاتک جامه خواب رسالت پنا هیده یشیل خر قه یه بورونوب آسوده نشین
خواب اولدیغنی بالمشاهده حضرت (مسند آرای نبوت علیه التسلیم)
والحیتر ظنیله دائره هما یونه دخالته پای انداز جرأت اولدیلر •
جناب مرتضا (رضی الله عنه) بونلرک متجسس سردخول اولدقلرینه
واقف اوله رق قیام ایلدکده ملاعین قریش کمال اضطراب وتلا شله
(صلی الله علیه وسلم) سؤال ایدوبده « صباحه قدر دائره هما یون
اطرافنی بکله دیکر • شیدی اول حضرتی ینه بندنی صورار سکر »
جوابی الدقلرندن مشار الیهی بر ساعت قدر تو قیف ایدوب بالا خره
ابولهبک رأیله اطلاق و جستجوی ذات رسالت پناهی به تشمیر ساق
اتفاق ایلدیلر • (روایت) جناب عایشه صدیقہ (رضی الله عنها)
بیوررلر (که اول سایه رحمت اله) (صلی الله علیه وسلم) حضرت تبری
بر کون معتاد سعادت اعتیاد لری خلا فنده اوله رق افتاب عالمتاب
کبی مبارک سرهما یونلرینی ردای شریفلریله اور توب غایت صیجق
بر وقتده یعنی شمسک وقت استواسنده خانه مزنی تشریفله رشک فرمای
فردوس جنان و کمال سرور و انبساط موفور ایله استقبال ایلش
اولان پدرم صدیقہ (رضی الله عنه) منتهی هجرت اولدقلرینی
بیان بیوردیلر • پدرم ایسه اوتنه دنبر و دیده دوز خدمت اولمق
ومعیت عالی هما یونده بولمق آرز و سنده اولغله (یارسول الله الصبحه)
دیواستیضاح حال ایلدکده (الصبحه یا ابابکر) جوابیله تبسم بیوردیلر •
پدرم تیر دعا سنک هد فرس قبول اولدیغنه اظهار مسار ایله اشک ریز
سرور اولدی • حتی بن اول آنه کلنجه یه قدر یعنی پدرم اساله دموع
شادی ایدنجه یه دکن کثرت سرورک باعث بکای موفور اولدیغنی
بیلز ایدم • انتها) (علاوه) مشار الیهانک کثرت سرورک

بادی کر به ایدوکنه متعجب اولسی حدیث سنی اجادن ایدی • انتها)
صدیق اکبر (رضی الله عنه) چوقدنبر و هجرت ارز و سنده اولدیغندن
طویله بند تملک ایلش اولدیغنی ایکی رأس دوه نک برینی اول قافله سالار
قطار انبیا (علیه افضل التحایا) به تخصیص ایلدیکندن تحسین بیوریلان
دوه نک قبولی حقنده وقوعبولان التماسی اوزرینه بهاسنی آلمایسه دوه نک
قبول بیورلیه جنی جوابی ویرلش و بعد القبول (جدما) اسمیله تبسم بیورلشدر •
جبل ثور مغاره سنده اوج کون قدر اقامت اولمق اقتضا ایده چکندن
(دول) قبیله سی افرادندن (عبد الله بن اریقطک) قلاغوزلق ایتسی
مقاوله اولنوب صدیق اکبرک عبدملوک ایکن ازاد اولنان (عمر بن فهری)
بهر کیمجه قرانلقده برر مقدار سود کتورمک و سطوت جلالت ذاتیه سی
جهتله (عبد الله بن ابی بکری) دخی کوندز لری مجامع کفاره واروب
سامعه تحقیقنده حفظ ایده بیله جکی وقوعات لیلا اخبار ایلک خدمت
مهمه لرینه مأمور ایدرک و سائر لوازمات طریق هجرتی ترتیب و مهیا ایلره رک
رفاقت صدیق ایله غار ثوره متوجه اولدیلر • بو صره ده لسان حال
بیت معظم (بیت • قنده عزم ایلر ایسک عون خدا یارک اوله • حضرت
خضر نبی قافله سالارک اوله • مألنی کویا و زبان حیرت بیان بترزمزم (ع)
هر قنده ایسک پادشهم صاغ اول • دعا سیله زمزمه پیرا اولدیغنی و مشار
الیههم اشکریز وداع بولندیغنی حانده شهره مدینه یه روان و او کیمجه غار
(ثوره) بالمواصله چشم اعدادن پنهان اولدیلر • غار مذکور قبو سنده
(راء) نامیله موسوم بر شجر بلند قامه سر نمای ساحه ظهور اولدیغنی
کبی ایکی کوکرجین دخی خلق اولنه رق مدخل غار اولان محله لانه
سازو برقچ عددیمورطه پیدا ایلرلیله نفخه پرداز اولوب اعدای دینک داخل
غار اولمچون باب غاره بریده مما نعت چکمش و بونی متعاقب سلطان
سرپرده ملکوت (صلی الله علیه وسلم) پرده دارلق خدمت
عالیسیله مجل اولان برعنه کبوت اصغر الجثه شکاف غار اوزرینه چشم
اعدایه حصار اهنیه کورینورجه سنه بریده اختفادخی تعلیق ایلشدر •
خذه قریش بووقعه نک صبا حسی ایزسورمک فتنده مشهور و متعارف

اولان (کرزبن علقمه بی) استصحاب و جستجوی مشارالیه
 شتاب ایلدیلر ایسه ده خورشید آسمان رسالتک آفتاب برج زمین اولان
 قدم سعادت توأم لری خورشید شب پره چشمان اعدا اولوب (کرزبن
 علقمه) دن غیر ی سنه کوره مدیلر • حتی (کرزبن علقمه) یه تبعیت ایللری
 بر اثر مشاهده ایتارندن اولوب عرقومک ایز سورمکده افاقکیر
 اولان شهر تنه مبنی ایدی • کرزبن علقمه کیده رک غار (ثوره) ایریشوب
 «یامعشر العرب مطلوبکراشبو مغاره دن ایلرو یکمامشدر • اگر واصل
 آمال اولق داعیه سنده ایسه کز مغاره یه دخول ایدک» دیدکده مغاره
 مواجهه سنده پیدا اولوب انفا ذکر ی سبقت ایدن شجر و عنکبوت
 و کوکرجین قصه غریبه سی اذهان قریشیه بی تحدیش ایتکله (کرزبن
 علقمه) نک افاده سنه حواله سمع اعتبار ایتوب اطراف غاری جستجویه
 مواظبت و مؤخر اکابر قریشیه دن امیه بن خلفک «یا قوم نافله یه
 اختیار کلفه زحمتله مغاره یه کیرمیک • زیرا میلاد محمد (صلی الله علیه
 وسلم) دن قرق سنه اول قیوسنده عناکب پرده ساز اولدیغی مغاره نک
 ایچنده انسان بولمق عدیم الامکاندر» دیمسی اوزرینه مایوسا عودت
 ایلدیلر • اول (آفتاب اوج نبوت علیه التسلیم والتحیة) کبوترلک معاودت
 مشرکینی لسان حال ایله اخطار ایدنبجه یعنی خورشید عالم آرا اوج دفعه
 نوبت د کشدر نبجه یه قدر غار ثور دروننده اقامت و بعده سالف الذکر
 دوه لری کتورده رک ماهتابان کبی خارج باب غاره نور انداز و جوانب
 اربعه سنندن «علیک عون الله» صدای ها تفسی سامعه نواز اولغله
 جناب صدیق (رضی الله عنه) ایله بردوه یه و عبدالله ایله رفیق عامر
 دخی بردوه یه بنوب جهت ساحل دن مدینه منوره یه طوغری ارخای عنان
 ایدوب وقت زوال حلونده تصادف اولسان بر سنک کیر سایه سنده
 بر مقدار جلسه استراحتد نصرکه تحریک قادمه شتاب پیوردیلر •
 وبعد زمان «قد بره» نام محله شرفبخش وصول وام سعید اولان
 (عاتکه) نک خانه سنه رغبت نمای نزول اولدیلر • مشارالیه ایفای
 مر اسم مهمانداری یه مسارعت ایدوب فقط قیونلری رعی اولمق اوزره

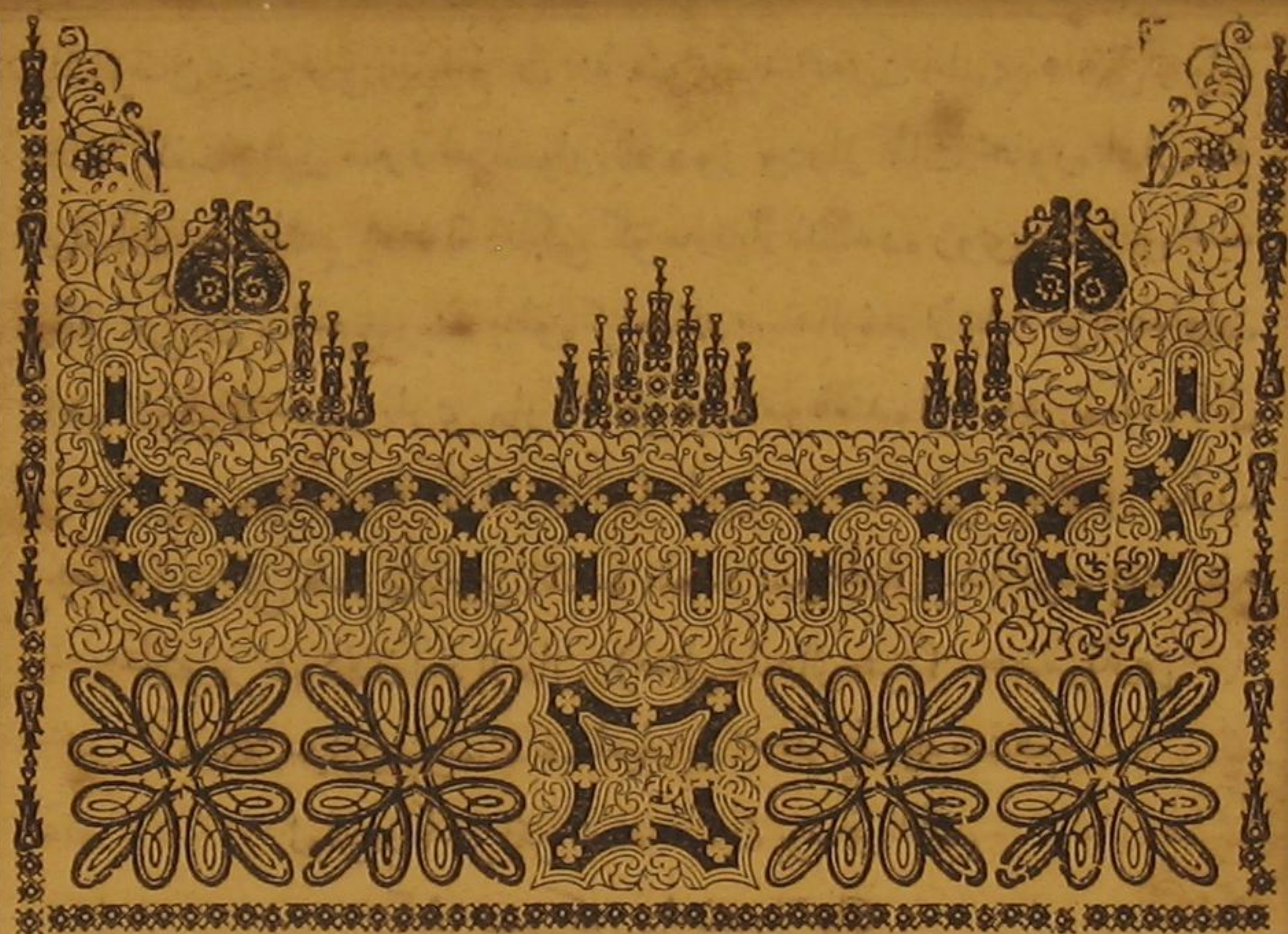
اوزاجقه بریده بولمسنندن طولای طعماک تأخر احضار و تهیه سندن
 عرقریز بحالت و شرمساری اولدی • «عجزه» اول سرور عجزه پرور
 عاتکه نک خانه سی اطرافنه احاله جاسوس نظر ایدرک هجوم علل متعده
 ایله مغبون اوله رق برکوشه ده ییقلوب قالمش اولان غایتله ضعیف وزبون
 برقیون بالمشاهده اذن مالکله سیله حیات تازه افاضه پیوردیلر • واول
 کوسفند ناتوان فی الحال یرندن صحرا یه رق حضور حضرت عالی
 شوکته رومال اولغله ارقه سنی صفادیلر ایدی • اول قیونجغز اشبو
 التفاتله حیات ترس تازه اولوب و دوچار اولدیغی اسقام و علل دن افاقت بولوب
 مملزندن سودا قمتغه باشلیدی • واولقدر کثرت اوزره سودو یردیکه بالجمله
 حضار دفع غائله جوع ایلد کدن صکره آوانی موجوده طوادرلیدی •
 «استطرد» ذکر اولثان قیون بو حال ایله تمام اون سکر سنه دهامر عای
 حیاتده اوتلیوب «عمر الفاروق» رضی الله عنک زمان خلافتده
 متوجه چراگاه عدم اولدی • تم الاستطرد» اشبو سفر مشاق آور
 هجرتده رونما اولان وقایع مستحجنه نک بری بودر که کلاب صحرا پیمای
 مشرکین کمال ندامت و خسرانله عودت ایلد کیری اثناده ابو جهلک
 «محمدی (علیه السلام) یاخود (ابن ابی قحافه بی) هر کیم بولوب
 کتورر ایسه یاخود اختفا ایتد کیری موقعی استخبار ایلر ایسه یوزدوه
 احسان ایده حکمدر» بولنده اظهار وعد ایلسی اوزرینه (سراقه بن
 مالک المدلجی) حضرت سید البشری (صلی الله علیه وسلم) بولمق
 آرزو سیله یوله چیقارق رفته رفته بوی نفس نفیس نبویه بی استشمام
 ایتک و آخر الامر موکب «سلطان الثقلین» صلی الله علیه وسلمی کورمک
 حسبیلله داعیه شوق و غیرتی تزاید ایلد یکنندن اصول جاهلیت اوزره
 قرعه انداز تفأل و اقتضای فالنه کوره نائل امل اوله جغنی تخیل ایله
 مهمیز زن استعجال اولوب عاقبت الامر (هلل علیه الصلوة والسلامک) صدای
 مبارک کنی حس ایتدی • یعنی بر قور شون منزلی تقرب ایلدی • و جناب
 صدیق (رضی الله عنه) سراقه نک تقرب ایلد یکنه واقف اوله رق
 «یا رسول الله قد لحقنا هذا الطلب» دیو عرض خشیت ایلد کده (لا تحزن

ان الله معنا) کلام معجز نظامیه تسلیم بخش پیورلدی ایسه ده مشار
 اليك بكا ايلسي واول اشفق عالم جانب ساميسندن بكانك سبي سوال
 ايدلسی اوزرینه «يارسول الله کندی حالمی دوشتم • فقط افندیك
 بر موی ناچیزینه خطا کلامین استرم» دیمکله «اللهم اکفنا بما شئت»
 دهرک دعا پیورد قلرندن سراقه نک ایا قلمی دیزینه قدر بیره باطدی •
 سراقه بو حالک اثر دعای حبیب ذوالجلال اولدیغنی دلالت امثالیه
 استدل لال ایدرک (یا محمد «صلی الله علیه وسلم») خلاصم حتمده دعا
 پیورک که بوردن عودت و معاودت خنازره کفاره غیرت ایدیم (زمینده
 عرض رجائتمش و اثر دعای نبوی اوله رق دوچار اولدیغنی ورطه دن
 تخلص کریبان ایش اولدیغندن دبد به سلطنت اسلامیة نک کیدرک
 جهانگیر اوله جغنی بالتفکر برقطعه امان نامه احسان و عنایت پیورلمسی
 تمنا تمکله (عامر بن فھر) کتا بتیله نامه مسترحه سراقه املا و اعطا
 پیورلمسی اوزرینه مع الممنونیه عودت و کلاب صحرا پیماي شرک وضلالی
 اعاده یه صرف مقدرت ایلدی • طریق هجرتک برغاله میده سیدخی
 (بریره بن الحضیب الاسلمینک) تصادف ایلیدر که مر قوم ابو جهل
 طرفندن موعوددوه لری طویله بندتک ایتک هواسیله قبیله سندن ضرب
 و حربیه قادر یتش نفر بهادر تدارک «وصلی الله علیه وسلم» افندیزه
 رهن تک ایلدی • نقل صحیح اوزره بریده سالف الذکر (صلی الله علیه
 وسلم) ایرشدیکی کجه «علیه الصلوة والسلام» حضرت تلمیسی اسمی
 سوال و (بریده در) جوابی النجه «ایشمن تمام اولدی» یولنده بسط مقال
 ایلد کد نصرکه قنغی قبیله یه منسوب اولدیغنی صور وب (اسلم
 قبیله سندنم) جوابی ویرد کده علی طریق البشاره «سلمنا» کلام
 معجز نظامی سانشه زیب صدور اولدیغنی متعاقب رشته نسبیک کیمه
 منتهی اولدیغنی استفسار پیور دیلر • (من بنی سهم) دید کده
 «یا ابا بکر خرج سهمک یعنی خرج نصیبک بالفتح والظفر» جوابیله سوزی
 اکمال پیور دیلر • بریده بو مرتبه بلاغت و فصاحت نبویه کوزنجیه
 و جبین مبارک لارنده لمعان ایدن نوری مشاهده ایدنجیه رفقای موجوده سیله

برابر اسلام اوله رق «صلی الله علیه وسلم» کلاب صحرا پیماي
 بطحا تعرضندن مصون الساحة ایلدی • (استطراد) بریده اسلمی
 (رضی الله عنه) بالجملة رفقا سیله اسلام اولدقد نصرکه اول سلطان
 علم افراز (صلی الله علیه وسلم) رخصت سعادت لریله دستار سفیدی
 برمز راغه با غلیوب علم افراز اولدی • و طبل و نای کبی بر طاقم ادوات
 مهتریه جمع و ترتیب ایلدیکندن مهتر عالم «صلی الله علیه وسلم»
 حضر تلمیسیک نوبت زن سلطنت ظهوری اولغله کردنکشان کفاری
 پریشان و تار و مار ایلدی • تم الاستطراد» اول مهدی طریق اولان
 (امام صف آخر الزمان علیه صلوۃ الملك المنان) حضر تلمیسیک شایعه هجرت
 سعادت لری سامعه نواز سکنه مدینه منوره اولدقده لاجل الاستقبال هر صباح
 اول قبله اقباله متوجه اوله رق (حره) نام موقعه عزیمت و زوال وقتنده
 حرارت افتابه تحمل ایده میوب عودت ایدر لردی • برنجی سنه هجریه
 ربیع الاول نک اون ایکنجی بازار ایرتسی کونی مر اسم اقبالی کما جرایه
 مسارعت و حلول وقت زوالده (یولرده قالدی کوز لری کلمدی خبر *
 خاک جناب سده دولتمآبدن) دهرک عودت ایدوب داخل داره
 استراحت اولدقلمی وقت مسعودده مدینه خارچنده بولسان بریهودی
 موکب همایون ظهورینی کوروب «یا معشر الکرام • منتظر اولدیغکز
 ذات • بیت) اویدر وب لشکر عشاقنی اول شاه جهان • نازله
 صالنی صالینی علم کبی کلور) مطا بقمجه رونمای تشریف اولدی»
 سلیقه سنده شکر ریز بشارت اولدیغندن اخیار انصار اشکر یز مسارا اوله رق
 وجهه سی بردن سلا حله رق علی طریق الاستعجال جبهه فرسای خاک پای
 حضرت محمدی «صلی الله علیه وسلم» اولق اوزره موقع • (حره) • یه
 قادمه جنبان عزیمت و قدمبوسی نبویه یه مظهر یتله مقبول درگاه
 احدیت اولدیلر • و کافه وجوه اهالی اول (سید العرب والعجم)
 صلی الله علیه وسلم افندیک خاک پای سعادت لری یوز سوره رک
 انواع تحیات و سلامله عرض کلدسته اخلاص و انقیاد ایلدیلر • مدینه
 منوره اهالیسنه مهربوت علیه افضل التحیتک خبر طلوعی بر توانداز شیوع

اولسيله زمره فیض نمره مؤمنین ممنون و گروه شقاوت ابنوه مشرکین
محزون اولدقلری حالده علی الاتفاق متوجه سمت استقبال و مشغول سیر
و تماشای نور جمال اولدیلر • مقام اشنایان اسلام و خوش نوایان موحدین
گرام ایفای مراسم خوش آمدی اثناسنده (بیت • مر حبای غنجه نورس
نهال اعتدال • خیر مقدم ای کل نوخیز فردوس جهان • مأثنه
بر طاق ایات شوق انگیز و اشعار ذوق آمیز نغمات اندیشه سوزیله رهن غم
و بنات حوری سمات اناام لاجل التماشا ایستاده • موقع احترام اولوب
{شعر} طلع البدر من ثنایات الوداع • وجب الشکر علینا ما دعی الله داع •
ایها المبعوث فینا جئت بالامر المطاع • جئت غشی هیناء مر حبایا خیر داع •
و علی یثرب فخر اسر مد کل البقاع • وهب الرسم و قامت شرعت الدین
المطاع • ایاتیله پرده برانداز نغم اولدقده و جود دلکش خرام همایونه
عارض اولان تمایل حبور و سرور ملا بسه سیه قامت سدره المنتها
رقص آور میدان مسار و صفا اولدیغدن هر کسک اختیاری سلب اولوب
گروه حبشه اجرای زمزمه و فرقه زنجیه صیت آورد مدمه اولدیلر •
و هر کس دریای شماع ذوق التماع شوقه طاهر ق دیلاری دوندیکی
و عقلماری ایردیکی مرتبه مدیحه پرداز اولدقلرینه عرض معذرت
و استیفای وضع کستارخی به مسارعت ایلدیلر • واقع الاول روز
سعادت فروز بر یوم عنایت توأمدر (که فلاك اعلاى اطلس فرط
نشاط و مسار ایله دائره جرخه کیر مش و سیاره دائره آسمان شدت
انبساط و افتخار ایله عرصه کاه رقصه حقیقه مشیدی • بالآخره موکب
همایون (قبا) نام موقعه سوق اولنوب (بنی عمر بن عوف) متزللری
صره سنده کائن (ام کلثوم بنت هدم) یاخود (سعد بن خنجه نك)
خانه بی بهانه سنه شرفبخش نزول اوله رق برقاج کون اقامت و شرفساغ
اولان اراده الهیه اوزرینه مسجد قبا تأسیسنه مسارعت بیوردیلر •
اول قافله سالارانیا علیه افضل التحایا حضرتلری حرم مکه مکرمه دن
هجرت بیورد قد نصره امیر المؤمنین • علی (کرم الله وجهه) مکه ده
اوچکون ده اقامت و حضرت صادق الوعد الامین جانب سامیسندن

ترك اولنان اما نلری بالتبلیغ مدینه منوره به هجرت ایلدی • علی روایه
خذله کفار اول شیردل لیسوار ایله دور و دراز کلمات محاوره اداره سنه
آغاز ایله بیوجک بر مجادله رنگنی کوستردیلر ایسه ده روی دلارای غلبه
وظفر مرأت تیغ حیدریده جلوه کراولغله سید البشر (علیه من الصلوات
ما هو الا و فر) حضرتلری مارالذ کر قبا موقعه ده اولدیغی حالده نائل
عز ملازمت اوادی • (استطراد) اول شیر خدا طی بوادی یثرب
و بطحا ایدرکن قدم عالیلری التده متعدد سیویلجیلر پیدا اولد یغنه بناء
مسیح مرده دلان آخر الزمان (صلی علیه الرحمن) حضرتلری
دست حیات پیوست سامیلر یله مسح ایتسیله مندفع
اولوب آخر عمرینه دکن بردخی ایاق
آغریسی کور ما مشدر انتها
تم جلد المکی من کتاب
مجمود السیر



✽ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ✽

سریه مقدمه الجیش تحمیدات بقیاس • وتعبیه واسطه العقد کاتب
سیاس • اول نظام ارای اس الیاس • وانتظام بخشای صفوف
جن وناس • تقدست ذاته عن طرق شوائب الالباس • حضرتلرینه
اولسونکه قلم شکسته رقم جا کرانه می وقوعات مکیده دن عبارت اولان
برنجی جلدک اتمامیله ایکنجی جلد مدینه بدائنه موفق بیوردی •
سردار سریر آرای اصطفی و سالار سرایای کروه اصفیا اولان مقدمه
سلسله نامه رسالت وخاتمہ قبالة نبوت علیه وعلى اله التسليم والتحية
افندیمرک آب روی رسالت وخاتمیت جلیله سی حرمته بوا امر خیرک
دخی تیسراختامنی الطاف ما لانهایه الهیه دن تمنا و نیاز ایلرم

{ ۲ } { فصل در بیان وقایع } { ۱ } ✽ سنه هجریه ✽
(بقیه وقعه هجرت همایون)

صلی الله علیه وسلم حضرتلری سالف الذکر (قبا) ده درت کون
قدر دعوت خلقله مشغول اولوب بشنجی کون علی الصباح مدینه
شهرینه داخل اولدیلر • اقربای سید الابرا یعنی اشراف بنی التجار
تقلید سیوف و ترتیبصنوف ایله اول سلطان نوسکه کیتی مطاعک رکاب

قرتابنده یور و یهرک بنی سالم بن عوف منزللری اوکندن کذران ایدرکن
جمعه نمازی وقتی حلولته بناء (رائونا) نامیله هر سوم خریطه تواتر
اولان محله واقع مسجد محله اجتماع ایلمش اولان یوز نفر اسلامه
امام اوله رق اداء صلاة ایلد کلری صره ده ایراد بیوردقلری
خطبه بلیغه مسیحا پسندی نزد اهالی ملاء اعلا ده بیله رهین سپاس
وتحسین اولنور راده ده اولد یغندن حقنده کلبانک آفرین جکیلوب
(رضی الله عنه) دینلدی • (فائده) عباد مسلمینک بالاتفاق جمع اولوب
جمعه نمازینی ادایه موفق اولدقلری ایچون اول روز فیروزه (یوم جمعه)
تسمیه قلمش و چونکه وقت جاهلیته یوم مذکوره یوم العروبه دینوب
فقط (اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة) ایت جلیله سی نزول ایتسی
اوز زینه اسمی تبدیل اولمشدر • اگرچه بوماده ده اختلافات کثیره
وارایسه ده اجداد پاک نهاد (سلطان الانبیا) علیه افضل التحایا
سلسله سنده ذکر سیبقت ایدن (کعب بن لوی) اریکه زیب ریاست
قبیله اولدیغی (یوم العروبه) یه تصادف ایدرک قوم و قبیله سنک
علی الاجتماع اجرای مراسم تبریک وتهنیت ایلدقلری اجلدن ذکر اولتان
کونه (یوم الجمعة) دینمشدر • و علی روایة نقبای خزرجیه دن
(سعد بن زراره) رضی الله عنه مدینه اسلامینه تعلیم قرآن ایلک
اوزره یکر می اوچنجی مقاله ده تفصیل قلندیغی وجهله اصحاب کرامدن
(مصعب بن عمیر) رضی الله عنه دارالسکنة مدینه یه کتور دیکی
آوان سعد اقترانده بر کون اتقیای وجوه انصار سعد مشار الیه نز دنده
تجمع اوله رق دین ومذهبه دائر «کریک یهود و کریک نصارانک عبادت
ایلمرینه مخصوص بر کونلری اولوب اول کون امور تجارتی طاعات
وعباداته تحویل ایله نیاز خدا ومناجات جناب کبریایه مواظبت ایدرلر •
بزدخی بر منوال محرز بر روز فیروزی طاعات و عباداته تخصیص ایلسه ک
مناسب اولور ظن ایدرر » یولنده عرض مطالعه ومذاکره ایلملری
اوزرینه جلوه کرسر اوقات ظهور اولان الهام حضرت علام
ملا بسه سیله یوم عروبه یه (یوم الجمعة) دیدیلر • مذکور کونده

نواحی مدینه دن (نقیع الحضعات) سمتده (حره بنی بیاضه) اسمیله زبازد نام اولان قریه ده (هرم النبیت) جبلنده جمع اولان قرق نفر اسلام ادای صلوة جمعه یه قیام ایلدیلر • اشته بوجعه ایام اسلامیتک ربیجی جمعه سی اولدی • و بوجعه نمازینک خطیبی حقینده اختلاف اولوب بر روایتده (سعد بن زراره یه) و روایت صحیحه آخرده (مصعب بن عمیر) رضی الله عنهما یه اسناد قلندیغی کبی روز مسعود مذکور ی اختیار ایلش لری رضای حکمت احتوای حضرت پروردگار توافقی ایتکله جمعه سوره جلیله سی نزول ایلدی • انتها • امام صف انبیا (علیه اکل التحایا) حضرت تلی جمعه نمازینی بعد الادایوله روان اولوب اشراف انصار خانه لری اوکندن گذارواشراف مدینه بی تمنای نزول ایله یقرار ایدرک مسافرت سعادت تلینی نیاز ایدنلره «بنم دوه مک زماحی دست تقدیره تسلیم اولغله مأمور اولدیغی محلدن برخطوه ایلر و کیده مز • بونکچون کندوکری استدغای نزولله دوچار زجت ایتهدیک» پیور رردی • بو ائنده (جدعا) نام چل سعادت فرجام بر محله آرام و بر مقدار توقف ایدوب براردها کتد کدنصکره قرار ایلدی • و اول محله مسجد نبوی بنا اولوب دوه نک دفعه ثابته ده کی جای قراری موضع محراب و منبر اتخا ذ پیورادی • (جدعا) ی سالف الذکر بالاخره اورادن دخی حرکت و منزل اوله غودت ایدرک اصول اوزره قعوده مشابرت ایلد کده هودج طراز ناز (صلی الله علیه وسلم) حضرت تلی آیت رحمن کبی اوزرندن نزول ایدوب «هذا المنزل ان شاء الله» پیور دیلر • اشبو محل (معاذ بن غفران) انصارینک تربیت کرده سی اولان بنو مالک بن النجار دن (سهل و سهیل) نامان بیملره بابا لری عمرو دن موروث مرید «مدینه ده بر موضع اسمیدر» ایدی • جذع ابو محله قرار ایلدی کی جهته (معاذ) سالف البیان حضور سعاده یو زسوروب (یارسول الله) • اشبو مریدک صاحب لری هر تقدیر یتیم بی پدر ایسه لده بن انلری ارضاء واقناع ایتکی تعهد ایدرم • همان دلخواه همایونکر اوزره مسجد عالی تأسیسنی فرمان پیورک) دیمسی و اول بانی

مبانی اسلام (علیه الصلوة والسلام) حضرت تلی اول محل مبارکی تملک ایلسی اوزرینه جناب ابا ایوب الانصاری (رضی الله عنه) رونمای ظمهور اولوب «یارسول الله خانه ویرانه لایق ذات همایونک دکسه ده بنای مسجد عالی ختام پذیر اولنجده د کین جا کر خانه کزده اختیار اقامت پیوریلور ایسه قولکر زجه باعث فخر و مباهات اولور» زمینده عرض التماس ایلدی • ورجاسی قرین قبول اولوب برکوشه نک تهیه قلنسی فرمان پیورلدی • مشار الیه الدیغی امر واراده اوزرینه دو آتخانه سنک آلت قاتنده بولنان اشیاسنی اوست قاته نقل ایله مسجد همایون ختامنه د کین بالانشین خانه نبوت (علیه اجل التحیه) حضرت تلینک اوراده اسکاننی تنسیب ایلدی • و اول یکه سوار عرصه افلاک (صلی الله علیه وسلم) یدی ماه قدر زینت سرای مشار الیهده آرام و اقامت پیوردی ایدی • حضرت ابا ایوب انصاری (رضی عنه الباری) برکون حضور همایونده قاتمنای النجا اولوب «یارسول الله ذات والای نبویه لری آلت قاتده اولوبده قوللری یو قاریده اولق حد کمتری دکدر • مطالعه سیله بوشب تاب سحر خواب و راحت کوره مدم» نمجنده تبدیل محل پیورلسنی التماس ایتکله ایجابی اجرا قلندی • اول مؤسس اساس دین (صلی علیه اله العالمین) حضرت تلی سرعت ختام مسجد شریفی مراد و صحابه کرامی ترغیب ایچون بالذات کلفت عمل زجتی اعتیاد پیور دقلری بالجمله سادات مهاجرین و انصاره تازیانه شوق و غیرت اولد یغندن کیمی کرییح دوکوب کتور مک و کیسی ألوب اقتضا ایدن برلره وضعله اعمال ایلک خصوصاته غیرت و بو خدمتی موجب فخر و مباهات بیله رک اظهار شوق و همت ایدرلر و هر کس برر کرییح کتور دکلی حالده جناب عمار بن یاسر (رضی الله عنه) ایکیشرا یکیشریو کلنوب برینی حصه رسول خدایه عطف ایلردی • برکون تحملندن فضله کرییح یو کلنوب حضور نبویدن کیچر ایکن «یارسول الله قتلونی یحماون علی ما لا یحملونه» دیدی • و اول دقیقه شناس رایچه تقدیر (صلی علیه رب القدیر) حضرت تلی دست کرملریله

عمارك روى منيرى سيلوب وصاحلر ينى سيلكوب (ويح به سميح ليسوا
بما لذين يقتلونك انما تقتلك الفئة الباغية) ما ليلا قرق اوج سنه
صكره دهشماي حدوث اولان صفين وقعه سنه مشار اليك
واصل رتبة شهادت اوله جغنى ايمايور ديلر (كه فى الواقع
جانبدار حيدر كرار اولديغى حالده حائز مرتبة شهادت اولمشدر.

❖ مقاله ❖ { ۱ } ❖
❖ عبد الله بن سلامك شرف ايمانله مشرف اولديغى بياننده در ❖

برنجى سنه هجرية ده تاج خورشيد ابتهاج اسلامله سرافراز اولانلرك
برى عبدالله بن سلامدر كه مشار اليه وجوه يهود ايله مقدم سعادت توأم
نبوى به منتظر اولان ذواته التحاقله سيد القوم (صلى الله عليه وسلم)
افنديزى استقبال ايتمش ووجه همايونى كور مسيله منسلب الشعور
اولوب (هذه الوجه ليس بوجه كذب) ديمشيدى . بو حال سعادت
فال دلا لتيه خاك قدم سيد الانبياء عليه من الصلوة اوفاها) جبهة
فرساي مثول اولوب «يارسول الله (آيينه جمال حقيقتما يوزك) . آب
ذلال چشمه صدق و صفا سوزك) مطا بقبحه پيغمبر اخر الزمان اولديغك
وارسته برهان ايسه ده مطمئن خاطر اولق ايچون (علامت قيامت
اولان اشرا طك مقدمه سى نه اولديغى وجنته الك اول تناول
ايديله جك طعام نه ايدوكنى ورحم مادر دن طلوع ايدن اطفالك كيمي اناسنه
وكيسى بابا سنه مشابه اولق نه حكمته مبنى بولند يغنى) سؤاله جرأت ايدر
وبو سؤالره جواب ويرلك مجرد خصائص شريفة نبويه دن اولديغى
قويا بلورم) ديدى . خواجه مشكل كشاي عالم (صلى الله عليه وسلم)
حضر تلرى سر آغا ز جواب اولوب «يا عبدالله ايراد ايلد يكك اسئله نك
حقيقتنه واقف دكل ايدم . فقط شمذى جبريل امين نازل اولوب اسئله
مذكوره حقايقنه بنى واقف ايلدى (برنجى سؤال كه «علامت قيامت
اولان اشارتك اولكيسيدر) شرق طرفندن ظهور ايديله جك برآشدر كه
اولاد نوع بنى آدمى سوروب جهت غربه جمع ايلسه كر كدر . ايكنجى
سؤال كه «ضيا فتنانه جناتده الك اول ينيله جك يمكدر) بربالغك فضله

جكريدر ❖ «لايحه) اشبو فضله جكر دينلان ماده اصل جكرده اصلمش
ايروجه برلچپاره اولوب حضرت روزى رسان آنى غايت لذيد خلق ايتمش
وذكر اولنان بالق دخی حامل كره زمين اولان ماهى معظم اولديغى
مولانا جمال الدين محدث كتاب «روضة الاحبابده) تصریح ايلمشدر .
اوچنجى سؤالكه «پدر و مادر لینه اولادك وجه مشابهتى ماده سيدر)
پدر و مادر ك جمع اولد قلرى صروده مسابقت انزال اكر چه پدر جهتندن
وقوع بولور ايسه چو چوغل با با سنه بكره مسى وشايد مادر طرفندن
واقع اولور ايسه صورت پدر اوله جق طفلك والده سنه مشابه اولمى
حكمت بالغه شجانه اقتضا سندن بولمشدر) اجوبه صحیحه سيله
عبدالله بن سلامك عقده اشكالنى حل ايلدى . مشار اليه اجوبه مذكوره ايله رفع
ملال و (اشهد ان لا اله الا الله واشهد انك رسول الله) عبارته منجيه سيله
عرض جواهر ايمانه استعجال ايدوب فقط يهود زمره سنك بهتان
وافتراسندن برى الساحة اولق ملاحظه سيله «يارسول الله الحمد لله تعالى
دلات توفيقله صحراى ضلالتدن دامن سلامت پيرامن اسلاميته داخل
اولدم . انجق نزد سعادت تكزده غير مجهول اولديغى اوزره يهود
طائفه سى مفترى بر قوم بد بود اولديغندن داخل دائرة اسلام اولديغى
سامعه تحقيق لرينه ايصال اولمز دن اول دين اوغرنده دركار اولان صلابت
ومراسم اخلاق وعادت كترانه مك رؤساي طائفة دن استفسار
بيورلسنى رجا ايدرم . زيرا بالاخره دامن ناموسى چركاب بهتانله تلويث
ايدرلر) سياقنده عرض نياز ايلسى اوزرينه سلطان الانبيا (عليه افضل
الانبياء) حضر تلرى كندوسنى بر محله اخفاوا كابر يهودى احضار حضور
عليا ايدرلر ❖ يامعشر اليهود بنم پيغمبر موعود اولديغى تورات ده مسطور
ايكن نيچون ايمان ايتيور سكر ❖ مألنى سؤال ويهودك بر قاچ دفعه وقوع
انكار لرى اوزرينه «ايچيكر ده عبدالله بن سلام دينلان شخص كيدر .
ونه حالده آدمدر) سبيله تحقيق احوال مشار اليه استعجال ايدوبده
(سيدنا وابن سيدنا اعلمنا وابن اعلمنا) جوابى النجيه «اكر اول آدم شرف
اسلامله مشرف اولور ايسه سز دخی مسلمان اولور ميسكر) نهجيله

بالاستجواب (الله انی مسلمان اولمقدن حفظ ایدہ) زمیننده اخذ جواب
ایدرک واشبو سؤالی دفعا تله تکرار ایلده رکینه اولکی جوابی الدی •
یهودیله جواب سالف الذکری اعطادن اوصانوبده (نیچون یهوده
کلامله امرار وقت ایدرسین اگر عبد الله بن سلام اسلام اولور ایسه
بز دخی مسلمان اولور) دید کلرندن (یا ابن السلام اخرج الیه) طریقه
بسط مقال و مشارالیه (اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انک رسول الله) دیرک
میدانه چیقوب (ای قوم شوم اللهدن نیچون قورقز و قیامت کونی
دوشمز سکن • یوخسه بو ذات اقدس سمانک آخر زمان پیغمبری اولد یغنه
تورات آیتلرینک شاهد اولدیغی جله کنک معلومی دکلیدر) دیوب
سوزی اکل ایلدیلر • لکن خنازره یهود تعند ایدوب (انت ارازل ارازلنا
• و اشراشرنا و ابن اشراشرنا واجهلنا • و ابن اجهلنا) دید کلرندن
مجلس ملائک انیس نبویدن طرد و تبعید قلندیلر • مشارالیهک وقت
جاهلیتده اسمی (حصین) اولوب دائره اسلامه داخل اولدقده (عبدالله)
تسمیه یورلمشدر (رضی الله عنه) بوسال فرخنده فالدہ (زید بن حارثه
و ابورافع) رضی الله عنهما حسب المأموریه مکرمه یه عزیمت و (سیده النساء
فاطمه الزهرا و ام کلثوم) و امهات مؤمنیندن (سوده بنت زمعه بی)
رضی الله عنهن اله رق هجر تسرای مدینه منوره یه عودت ایلدیلر •

مقاله { ۲ }
سلمان فارسی رضی الله عنہک سرگذشتی بیاننده در

برنجی سنه هجرتده جلوه کرمنصه وقوع اولان لطایف جلیله دن بریدخی
سلمان فارسینک اسلام اولسیدر که مشارالیهک نهاده اسم پدریسی
(یهود بن بدخشان) و رابطه نسبی (ایرج بن فریدونک) اوغلی و یا خود
حفیدی منوجهره مربوطیتله رفیع العنوان اولوب اشبو سال مبارک فالدہ
داخل دائره اسلام وسید جهان (علیه صلوات المنانک) سلسله خدای
سلاکنه التحاقله رسیده زروه توقیر و احترام اولمشدر • علمای فن سیر
مشارالیهک بیان سرگذشتی دائره سنده اقوال کثیره ایراد ایتش • واشبو
مبحثک تفصیلی خصوصنده اختیار اطنا ب ایلمشرایسه ده اشبو مجله •

مختصره نک او قدر تفصیلاته تحمیلی اولمد یغندن بوندن زیاده ایضا حات
استیانلرک استیفای مراملری مبسوطات کتب سیره حواله اولنه رق
(عبدالله بن عباسک) رضی الله عنهما لسان مشارالیهدن نقل ایادیکی
روایت صحیحله ایلہ اکتفا قلندی • مشارالیه شویله یورمشدر که
بن اصفهانده کائن (جی) نام قریه ده آتش پرست برحقچینک
اوغلی ایدم • ابوینم کیجه و کوندن پرستش ایلد کلری آتشی یا قق
خدمتله بنی مشغول ایدرلردی • برکون پدرم بنی برخدمته
کوندرد یکندن اثنای طریقه بر کلیسای نصارا یا نندن کچمش و دروننده
بر آواز شوق اهتر از طویمش اولد یغمدن منسلب الشعور اولوب کمال
حیرتله کلیسایه داخل اوله رق عبادات خدا ایلہ مشغول بر جمعیت کوردیم •
وبونلرک اصول عبادت و آیین طاعتلرین تحسین ایدرک ابونک کرامتله
طاقد کلری آتشدن بوزکی صوغودیم • و ملت مسیحیه بی قبول ایدرک
اخشامه قدر اول عباد تخانه ده مر اسم آیین مسیحیه بی تعلیم و ابونک مانع
اوله جقلرندن بختله آخر بر محله کوندرد لکلکم ایچون عباد تکاه مذکور
مأمورینه رجار تقدیم ایلدم • فقط آب حیات دین مسیحک منبع ظهوری
شام اقلیمی اولمغله اول مملکتک کاروانی حرکت ایلدیکی زمان اورده
بولنان اسقف مر تاضک خدمته کوندریله جکمه دائر اخذ جوابله عودت
ایدوب پدریمک وادی نشین حیرت واضطراب اولدیغی کوردیم •
غیا بمدن تفتیشلر کوندردمش واضطراب مفارقتله فوت اولق درجه سته
کلمش اولد یغندن بنی کور مسیله حیات تازه و سرور بی اندازه بولوب
ونا صیه حاملده آثار انفعال مشاهده ایلوب حقیقت حالی بکا
سویلتدی • وفرط محبتی اکلا یوب الذدن قاچر مامق زعم
خیالیه محکم برزنجیره بند ایدی ایدی • برکیجه کاروان شاملک
منه حرکت اولدیغی استماعله برتقریب زنجیردن قورتیلوب مر افقتلریله
متوجه جانب مرام و کیدرک واصل سواد معظمه شام اولوب بر کوشه یه
قعود ایلدیکمدن کاروان خلقی بنی پیشوای مله مسیحیه نک جای آرام
واقامت اولان کلیسای مشهوره ایصال و خواهشکردن مسیح اولدیغی

بیان ایلہ قدریمی اجمال ایلدکری اجلدن مظهر شرف قبول و یاران دین
زمرہ سنہ التحاقہ مشمول اولدم • وخیلو جه مدت لازمه اسباب ملیه یی
او کر نک داعیه سنده بولونوب فقط قسیس مر قوم اغنیای نصاری
صدقه ویر مک طریقہ سوقله محتاجین طلابه ویرنک اوزره کوندریلان
مبالغی کند یی یا ننده بریکدیروب هیچ فردہ بر اچہ ویرمدیکنه مطلع اولہرق
قلبا کند و سنہ بغض ایتکده ایدم • بعد مدہ وفات ایتکده وجوه نصارا
اجرای تجهیز و تکفین مر قومہ قیام ایلدکده محتاجین طلاب ایچون
کوندریلان مبلغدن فرد آفریده به بر اچہ ویرمیه رک دفینه کبی زرخاکه
دفن ایلک متوفای مر قوم مک جبلت مذمومہ سی اولدیغنی وجوه
متوارده به بیان ایلدیکمی اکابرترسابنم کستاخلغمه عطفله روکردان التفات
اولدقلرندن مبالغ محفوظه محلی بولوب تصدیق مدعا ایلدم • بو کیفیت
وجوه حضاره بیوجک بر عبرت اولدیغندن ایفای مر اسم تکفین ایچون
کلنر متوفای مر قومی بالتکفیر اجرای تحقیر مبادرت وجسد مر دارینی
ستون عبرته تعلیقله سنک اندازی رجم و شتم اولغنه مسارعته ریتہ کمال
فضل ایلہ آراسته وفرط ورع و زهد ایلہ پیراسته بر مرد مر تاضی اقعاد
ایلدیلم • مشار الیه رک بوده چنکال مجتی اولوب خیلو جه وقت خدمت
کلیساده استخدام اولنہرق جکدیکم جور و جفای غربتی نعمت عظما
عدا ایلدم • بونکدخی مزاجی منحرف اولوب بشره سنده علامت موت
ظاهر اولدقده قنغی متقینک تربیتہ حواله اولنہ جغمی سؤال ایلدیکمدن
رهر و جاده تقوا اولان وسواد موصلده کوشه نشین کلیسای عزلت
و ریاضت بولنان ذاتک مر بی کامل اولدیغنه دائر بسط مقال و نام و نشانی
بعد التعریف ارتحال ایلدی • بعده مدینه موصله عزیمت ویاوری توفیقله
تعریف اولنان قسیسک صومعه سنہ موصلت ایدرک متوفای مشار الیه رک
وصیتی ایفاود تشنه ذلال علوم دین اولدیغنی عرض و انہا ایلدیکمدن
مع التسمی قبول و دائره خدا منه الحاقه نظر تربیت و کرامتیه مشمول
بیوردیلر • اشبو ذات عالی صلاح حال و وفرت کمال ایلہ مشهور اولغنه
دائره خدمتده برخیلی زمان استخدام اولنوب حالت نز عند رسم

سابق اوزره قنغی مر دمر تاضک کر بند ملازمتی اولوق مناسب اولہ جغنی
استجواب و نصیبین شهر نده خلوت کزین اولان زاهد ریادل زندنه
بولوق لازمه عبودیت اولدیغنه دائر اخذ جواب ایدوب بعد وفاته مدینه
نصیبینه عزیمت و اول مر دتقوا نبرده موصلت ایدرک متوفای مشار الیه رک
ابلاغ سلامیه حلقه بکوش خدمتی اولوق امیدنده بولدیغنی عرض
و اتیان ایلہ رک اشارت قبولیلہ لاحق سلاک خدام و رفته رفته اوراده
بولنانره تقدمله قاعد اوزنک مرام اولدم • انکدخی اماره وفاتی
چهره نما اولدقده کیمک دامن رس تربیتی اولوق لازم ایدوکنی سؤال
ایدوب و دیر معمریه نامیلہ شهرتیکر اولان صومعه کوشه نشین
خانقاه تجرید و انزوا بولنان زاهد صاف مشرب اولدیغنی آکلایوب
ارتحالندن صکره دیر معمریه به کیدرک و حضور پیر روشن ضمیر کیرہ رک
نصیبین راهبنک ایفای وصیتیلہ برابر مشتاق خدمتی اولدیغنی عرض
و شرف قبولیلہ بر مدت مدیده استفاضه حیات فیض ایتدم • اخر الامر
انکدخی وفات ایتسی تقرر ایلدیکندن بر وجه معتاد بر مر بی کمال
ارائه بیورلمسی مر ادا ایلدکده «ای سلمان معلومک اولسونکده فانوس
ضیاء مانوس دین مسیحیه سوندی • وایکی جهان کونشی آخر زمان
پیغمبرینک وقت ظهوری تقرب ایتدی • وشاه مجمل سوار عدنانی مستعد
قبول ایمان اولنلرک مر ده دلرینی احیایده جک زمان یا قلاشدی •
سکا تبشیر ایلر مکہ سن اول معدن سعادت و اصل اولوب جمال ملک فریدی
کوره جکسین • اول شاه نو ظهور نسب عالی عربدن علم افرازدعوت
اولوب مکہ مکرمه ده ابراز لازمه دین اسلامیت ایتسه • وحسده قریشک جفای
انکارلرینه تحمل ایدہ میوب مدینه منوره به هجرت ایلسه • و هجر تسرای
سعادتلری ایکی جبل اره سنده و بر خر مالق وادیسندہ واقع اولسه کر کدر •
ذات خجسته سمات سامیلرینه دلالت ایدن علایمدن بری صدقه نیتیلہ
تقدیم قلنان اطعمه یی تناول ایتیب هدیہ طرزیلہ عرض اولنان اشیادن
شایان اکل اولنلری تناول بیورسه و کتفین شریفین نبویهلری اره سنده
مهر منشور رسالتلری المعه فروز اولسه کر کدر • فیما بعد اول آفتاب

نو طلوع نبوتك مشتاق دیداری اولوب زره واری خاك عزت مدار
خند منده دامن در میان غیرت و همت اولغه ابتدار ایده سین (زمیننده
لؤلؤ پاش نصیحت اولدی • مشار الیهک وفاتند نصکره بر قاجکون
دها معموریه شهرنده ارام و (الکاسب حبیب الله) و فتحجه بر یکدیره
بیلد یکیم اچیه ایله بر طاقم اغنام و سائره اشتراسیله سمت عالی عجزه توجیه
مطیة مرام ایلدم • بر مدت صکره منتهی حرکت اولان (بنی کلب)
قبیله سی کاروانی رئیسین بالمشاهده بنی ایصال حرم محترم ایدر ایشه
مار الذکر اغنام و حیوانات سائره بی ویره جگمی افاده ایلد یکمدن
اول صورتله متعهد حایه و متکفل وقایه اوله رق ردیف قافله ایدوب لکن
صحرای ام القرایه وارد قدده (عثمان الاشها ل) اسمنده بر یهودی یه
صاند یغندن اول یهودی ضلالت نموده بر چوق وقت کمر بند خدمت
اولدم • مؤخر عثمان الاشها لک قریظه قبیله سنه منسوب غمی زاد سنه
فر وخت اولنه رق انکله برابر مدینه یه وارد یغم و شهر شهر مذکور ک
اطرافنه احاله نظر دقت ایدر ک دیر معموریه راهبک تمامی تعریفنه موافق
بولد یغم اجلدن هجر تسرای سلطان الانبیا (علیه افضل التحایا)
اولدیغنی تفرس ایدوب ظهور موکب (سلطان الثقلین) انتظار یله
بویهودینک دخی مدت مدیده خند منده بولندم • بو اثناده اول (مهتر
دار الملک اقبال علیه و علی اله صلوة المتعال) افندیمن نوبت زن بعثت
اولوب دبده کوس نبوتی طنین انداز طاس زمین و آسمان اولمش •
وهجرت سرای مدینه منوره یه شرفبخش هجرت اولد قلری خبر یله
سوامع سکنه ربع مسکون طولمش ایمش (یت • چقمش سپهره ولوله
عرصة زمین • اینش زمینه زمزمه آسمان یان) لکن بنم سامعه شعورم
نبیه مملو کیتله طیقانمش • و وفرت خدمتدن کوش ادراکم آخر لاشمش
اولغه دولت نو ظهور اسلامیه صداسنی طویه مدم ایدی • بر کون
بکچیسینی بولندیغم خرما لقمه مالکم اولان یهودینک امر یله تازه خرما
قوپر مقدمه ایکن بر کسنه کلوب مالکمه «اوس و خزرج قبیله لرینی الله
قتل ایتسونکه قبانام محله تجمع و دست کشای تضرع اولوب یکی کلان

ذاتک یغمبر لکنی ادعا ایدیور لر) دیدی • بن بو بشارتی طوینجه وجود
شوق آلود مده رعشه سرور واقع وشجره دست و پایمدن ثمره حرکت
ساقط اولغه بیره دوشدم • و هیچ بر طرفه باقیه رق اول خبر بخت
اثری نقل ایدن ادمدن (سید المرسلین علیه صلوة رب العالمین)
حضرت لرینک جای اقامت لرینی صوردم • بنم بو وضع مالکمه کمران
کادیکندن النده کی تازیانه غدر ایله یوزیمه بر مرتبه اوردیکه کوزلرمدن
یاش یرینه آتش کی قان سیلاب ایلدی • آغلیه رق ینه مشغول خدمت
اولوب اخشام اوزری بر صالقم تازه خرما آله رق اول سلطان الانبیا
صلی الله تعالینک حضور لامع النور لری شرفنه نائل اوله رق لاجل التجربه
صدقه نامیله تقدیم ایلدم • ذات عالی نبویه لری روگردان تناول اولوب
اصحاب کرامک اکل و تناول ایتسنی فرمان و ایرتسی کونی هدیه
صورت یله کتوردیکیم بر مقدار تازه خرما نیک قبول و تناول یله بو غریب
الدیاری شادان بیوردیلر • {معجزه} شوراسی غریبدر که تقدیم
اولسان خرما (۲۰) عدد اولدیغنی و نفوس مهاجرین خرما عددنده
بولندیغنی حالده بعد المتناول بیک عدد چکر دک ظهور ایتدی • دفعه
ثالثه ده کمر بند خدمت همایون اولد قدده (ع) عاشقک بر بلندک نه سی وار •
نشیده سی اوزره دلر بوده جمال بی مثال اولدیغیمه واقف اولوب دوش
سعادت پوش نبویه لرندن برده (عربلر بیننده مستعمل بر نوع ثوبدر)
شریف لرینی چیقاردیلر • مهر نبوت قرین نظر دقت جا کرانه م اولنجه
یورنمی و کوزیمی سوره رک اشکر یز سرور اولوب «لا اله الا الله محمد
رسول الله» دید کدن صکره بیان سرگذشته اغاز ایتدم ایدی • بر
قاج کون صکره (ای سلمان کنندیکی یهودیدن خلاص ایله) بیوردیلر •
بندخی مالکمدن آزاد اید لمکله کمی رجایلدم ایشه ده مدینه نک بر مناسب
محلنده اوچ یوز عدد خرما فدائی دیکوب ایچلرندن نشو و نما بولاناری
میوه ویرنجیه دکی تریبه ایتدیکم و قرق و قیه زر خالص العیار دخی
تدارک ایله کندوسنه و یردیکم حالده آذاد ایده جگنی مقام جوابده ایراد
وبو فرضیاتک ممتنع الحصول اولدیغنی مراد ایلدی • کیفیتی خلطراز

باع بلاع صلی الله علیه وسلم عرض ایلدم ❖ لطفا قبول واصحاب کرامی
(اعینوا احاکم بالنخل) التفاتیه مشمول بیوردقلری جهته علی طریق
الاعانه احسان بیوریلان اوچیوز عدد خرما فدانلری اشارت والا
ورفاقت علیای نبویه لر یله بر محل واسعه غرس اولندی ❖ وجهه سی
بردن سنه مر قومه داخلده خرما ویرمکه باشلدی {معجزه} اول ماه نو طلوع
برکون پیشوای نبوم اصحاب اوله رق سابق الذکر نخلستان نو دمیده
یانندن کدر و غرس اولنسان فدانلردن برینک میوه ویرمد یکنه عطف
نظر ایله مذکور فدانی کیم دیدیکنی استجواب و عمر بن الخطاب (رضی الله
عنه) «بن غرس ایلدم» مأ لیله اعطای جواب ایلد یکندن
مبارک لید مؤید یله سوکوب تکرار دیکمسیله فی الحال میوه ویردی ❖
بعده اشو نخلستانی مالکم اولان یهودی به تقدیم ایله احسانی موعود اولان
قرق و قیه التونک انجازه عینیت بیور لمسی املته دوشد یکندن اول
اثاده غزاة دینک اموال غنایمکن کتور مش اولدقلری بر بارچه زر خالص
العیاری احسانله یهودی به ویر لمسی اراده بیوردیلر {معجزه} بو حالدن
اشکریز سرور اولوب «یارسول الله اشبو التون قرق و قیه کلز دیدم»
تکرارید سعادت لرینه اخذ ایله مشمول نظر کیمیا اثر بیوردقد نصره
(ای سلمان بوالنونی یهودی به کتوران شاء الله وفا ایدر) بیوردیلر ❖
بندخی اول زر ناچیزی الوب بر محله وزن ایلدم تمام قرق و قیه کلدیکی
جهته یهودی به تسلیم ایدرک ازاد و حلقه بکوش استانه اهل بیت
اولمق شرفنه مظهر یتله دلشاد اولدم ❖ (انتها) فی الواقع
حق عالیرنده (سلمان منا ومن اهل البیت) بیور لمشدر ❖ مشارالیهک
آزاد اولیشی بشجی سنه هجریه ده واقع اولمخله (بدر) و (احد) غزالی
فضا لته نائل اوله مامشدر ❖ رضی الله عنه وعن سائر الصحابة اجمعین

❖ مقاله { ۳ } ❖
❖ سلمان رضی الله عنک اسلام اولمق اوزره رومال حضور اولدیغی ❖
❖ بیاننده در ❖

شواهد النبوة کاتبه تعریف و تفصیل اولندیغنه کوره حضرت

سلمان (رضی الله عنه) داخل دائرة ایمان اولمق ایچون جبهه سایی
خاکهای همایون اولوب چونکه لسان عربیه لایقینه واقف اولمدیغندن
برتر جانک جلب واحضارینه لزوم کور نمکله طائفه یهود
تاجرلردن فارسی لسانی بیور بر شخص احضارا ولوب فقط
مشار ایله کور دیکی جور و جفایی تعداد ایله مالکی حقمنه زباندراز
شتم و نفرین اولمسی تر جان مذکور ناملایم کله یکندن
(یا محمد) (صلی الله علیه وسلم) بو شخص حقکرده کلام ناسزا سوبلیور
دیددی ❖ لکن سفیر الغیب عالم لاهوت یعنی (جبریل) امین صور تمثالی
آینه ناسوت اولوب خلاصه تقریر و خلوص ضمیر سلمانی مرآت
مجله صفات نبوته القا ایلد یکندن (خواجه) عالم صلی الله
علیه وسلم حضرتلری شرائط اسلامی تلقین ایله جناب سلمانی
تسریر و یهود کاذب القولی تعزیر بیور دیلر ❖ و یهودینک (یا محمد
(صلی الله علیه وسلم) مادامکه سن فارسی بیور ایدک ❖
نیچون بنی جلیله ایشمکن آلی قویدک) دیمسنه «بن لسان
فارسیه بیلز ایدم ❖ فقط شیو یجک جبریل امین نازل اولوب تعلیم ایتدی»
جواب سامیسی ویر لمسنه بنائتر جهان مر قوم فی الحال متغیرالاحوال
اوله رق (یا محمد) (علیه الصلوة والسلام) و یارسول السماء والارض
شیمدی به دکن پیغمبر اخر الزمانک و رودینه اعتقاد و فقط رسالت
سعادتکنک انکارنده عناد اوزره ایدم ❖ جدا للهادی ذات نجسته
سماتکنک پیغمبر منتظر اولدیغنه مطلع اولدم ❖ ایددی بکا دخی اصون
دین اسلامی تلقین بیور) سلیقه سنه بسط بساط نیاز ایله نائل شرف
ایمان اولدی ❖ بعده اول فرمان فرمای نقیلین (صلی الله علیه وسلم)
حضرتلری جناب (سلمانه) رضی الله عنه لسان عذب البیان عربیه
تعلیم ایدلمسنی معلم شدید القوی یعنی پیک جلیل کبریایه تکلیف و حضرت
جبرائیل سلمانی رضی الله عنه دیده پوش و دهن کشا اولمسنی تعریف ایلدی ❖
مشار ایله اول صورتله حرکت و حضرت روح الامین نفخ نفسه همت
ایلد یکندن باذن الله تعالی لسان عربی تکلمی ملکه سنه مالک اولمشدر ❖

مقاله { ۴ }
مقیم و مسافر حقنده نماز ایچون تعیین رکعت بیورلدیغی بیاننده در *

ائمه دین رحیم الله تعالی علیهم اجمعین صلوة مفروضه نك تعیین و تحدید رکعاتی حقنده اختلاف ایدرک بر طاقی جناب ابن عباس (رضی الله عنهما) روایتنه استنادا صباح و اخشام نماز لرندن غیری اوقات ثلثه نمازی مقیم حقنده دور در و مسافر حقننده ایکیشر رکعت در دیمش و بر طائفه آخر دخی اشبو اوج وقتک اصل فرضیه تری دور در رکعت اولوب خلال سفرده ملحوظ اولان مشقته مکافات اولوق اوزره ایکیشر رکعتی تنزیل قلندیغی ادعا ایلمش لر ایدیه سیده امهات المؤمنین عایشه صدیقہ (رضی الله عنهما) دن روایت صحیحہ ایلہ نقل اولندیغنه کوره امام الانبیا (علیه افضل التحایا) حضر تری شرف بخش مسجد قبا اولد قدن بر ماه اون کون صکره ایکیشر رکعتله اداسی اراده بیورلمش اولان ایکندی و اویله ایلہ یاتسو نمازری فرضیه مقیم حقنده ایکیشر رکعت ده علاوه اولوب تحمل بار ثقیل سفرا و لیل حقنده اولکی تقدیر اوزره ابقا و صباح نمازی اوز و نجه سوره رک قرائت زحمتی متضمن اولوق و اخشام نمازیدیخی و تر نهاری عد اولمق حسبیه علی حاله ترک و ابقا بیورادی *

مقاله { ۵ }
اوقات مفروضه ایچون اذان او قوغده بدایورلدیغی بیاننده در *

برنجی سنه هجریه اعظم و قوعاتک بریدخی اذاندن عبارت اولان نوبت زنی بیچکانه دولت اسلام در که جناب بلال (رضی الله عنه) اول منصب بلند پایه ایلہ ابجال بیورلدی * اشبو خصوصک جلوه نمای منار و قوع اولمی شو و جهله روایت اولمشدر که شمیر جهانگیر اجتهاد لر یله داخل مدینه اطمینان اولان فرقه غریبت زده اهل ایمان جما عتله نماز قیلمق اوزره بی محابا عازم مسجد امام الانبیا اولمغه باشلد قلندن صلوة مفروضه اوقاتک اعلان حلولی ایچون بر علامت واضحیه اخترا عنه محتاج اولدی لر ایدی * اصحاب سعادت اکتساب اولبایده مشاوره ایلک اوزره عقد انجمن ایدرک بر طاقی چاک چالمنی و بر فرقه سی بر نوع دودک ایجاد

ایدلمسنی بالتصویب عرض و افاده یه شتاب ایلدی لر ایدیه ده بو قرارک ایکی جهتیدخی آیین نصارا و یهوده متعلق ایدو کندن مع الکراهه چاک چالمنی اختیار قلندی ایدی (اشبو محاسن انعقاد ایلدیکی کیجه نك صباحیسی (عبدالله بن زید بن ثعلبه بن عبد ربه) درگاه رأفت پناه سلطان الانبیایه رومال اولوب «یا رسول الله بو کیجه عالم معناده اخضر اللباس و منور الوجه بر کسه نك الله بر نوع چاک کو روب صاتون المی استد کده نه محله استعمال اولنه جغنی سؤال ایدو بدیه «نماز وقتی حلولی اعلان ایچون مسجد شریفده استعمال ایدیه جکر (جوابی الدقه * یا عبدالله چاک دینلان آلت علامت شعار نصرانیتدر * فقط سکا بادی * فلاح اوله جق بر اثر خیر خبر و یریم * دیوب اذان شریفی قرائت و بر مقدار توقفدن صکره اقامت نمازی تلاوت ایلدی * دیدی * خواجه عالم صلی الله علیه وسلم افتدیمز * (ان الرؤیا حق ان شاء الله) مقالیه جواهر پاش تحسین اولوب اول پیر روشن ضمیردن او کردند یکی اذانک بلال (رضی الله عنه) تعلیم اولمنی فرمان و مشار الیه او کردند کد نصکره موجبجه بر اذان او قویوب بتون اهل ایمانی مسرور و شادان بیوردی لر * اشبو اذان سامعه عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) واصل اولد قدیه علی الاستحجال خاک پای عرش فرسای همایونه رومال اولوب * «بو کیجه کوردیکم رؤیا نك عرض و افاده سی خصوصنده عبدالله بن زید (رضی الله عنه) قولکزی سبقت ایتشد (یولنده مشار الیه عبدالله بن زیدک واقعه سالف الذکر عینیه کند و سنه دخی واقع اولدیغنی تفصیل ایلدی * رضوان الله تعالی علیهم اجمعین

مقاله { ۶ }
اصحاب کرامک قرن د شلق اولد قلری بیاننده در *

برنجی سنه هجریه نك و سابط العقد و قایع عظما سندن بر سیده اول عقدیه کشای امور جمهور (علیه صلوة الموفور) حضر تری نك اصحاب کزین اراسنده نطق بند مواخات اولدیغیدر که اشبو قرن د شلق معا هده مقبوله سی بر قاج دفعه و قوعبولوب قبل الهجرة بالکزمهاجرین کرام

برنجی دفعه اوله رق کربند برادری اولد قلرندن اشبو مو وا خا نده اعزه
انصار بی نصیب اولد یلر ایدی • سکر آیی صکره دفعه ثانیه اولق اوزره
انصار ویمها جرین دن قرق بشر ذات نجسته سمات دواتسرای انس
ابن مالک ده (رضی الله عنه) اجتماعه درگاه عزتیناه احدیته دستکشای
نیاز و تضرع اولوب فی مابعد توجه ایده جک بلایای دهره بالا تفاق
مقاومت اید لمسی ضمنده تحریر وثیقه اخوت و بربرینک وفاتنده وارث
مترو کاتی اولق شرطیه عقد رابطه معاهده ایدوب غزوه بدر کبراده
(واولوا الارحام بعضهم اولى ببعض فی کتاب الله) آیت جلیله سی نزولنه
دکین حجت مبسوطه نک احکامی ایله عمل و حرکت ایلدیلر که آیت سالف
الذکرک معنای منیفه سی (مؤمنلردن و مهاجرلردن اقرباری وراثتده
قرآنده اولدیغی اوزره بعضیلری بعضیلرندن اولی و اقربدر) دیمکدر •
(استطراد) نقل اوانور که معاهده اولاده (بیت • بابای شفیع هر دو عالم
• فرزند خلفترین آدم) صلی الله علیه وسلم حضرتلری ابو بکر ایله عمر
ابن الخطاب (رضی الله عنهما) نک و طلمحه ایله زییر بن العوام (رضی الله
عنهما) نک و عثمان ایله عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنهما) نک قرنداش
اوللرینی تنسیب بیوردیلر ایدی • یکه سوار غالب علی بن ابی طالب
(رضی الله عنه) «یا رسول الله قولکزی محزون بیوردیکز» اعتراضیه
ترتیب مذکور حقنده اظهارا غبرار ایلد کده «اما رضی ان اکون
اخاک» و دیگر قولده «انت اخي فی الدنیا والاخرة» جوابی
ویرلشدر که حق مشار الیهده بو صورتله اظهار التفات بیورلمسی
کوته نظران مالی وادی رفض و اغراقه دوشورمشدر •

مقاله { ۷ }
و حشی بر قوردک لسان عذب البیان عربیه ایله متکلم اولدیغی بیاننده در •

برنجی سنه هجریه رسته وقوعاتنه منتظم اولان فراید • عجز اتدن بریدخی
کرک سخن کو عجزه سیدر که برکون مدینه منوره مرعالزنده رعی اولتان
قیون سورولرندن بریسته بر قورد تصادف ایتمکله علی الاستعمال
سمیرجه بر قیونی ربوده چنکال ایدرک صحرایه متوجه اولد یغنی قیونلرک

چوبانی کورمش و با تعقیب بیچاره کوسفندی قورترمشدر • لکن
قورد چوبانک اشبو وضع نابرجا سندن صحرانورد یأس و حرمان و افتان
وخیزان برتپه اوزرینه خرامان اولوب «ای چوبان جناب حقندن
قور قیوبده شکاریمی اغزمدن المقلایق انسانیت دکلدرد» دیدی •
بو حال عجایب مال چوبانجه موجب استغراب و انفعال اولد یغندن
(سبحان الله بوندن عجیب برشی دها کورمدم) دیه رک کندی کندینه
سویلمکله باشلدقده قوردینه سرآغاز کلام اولوب • (مدینه یه شرف بخش
قدوم اولان حبیب رحمان کچمش و کله جکی خبر ویرمکده ایکن انی
تصدیق ایتمک بنم زبان فصاحت بیان ایله متکلم اولمقغندن دهاا عجب
دکلیدر) دیمسیله چوبان همان حضور لامع النور جناب رسالتینا هییه
عزیمت و بر تلاش فوق العاده ایله وقعه بوالعجی عرض و افاده یه مسارعت
ایدرک منسلک سلاک یاران و اهل ایمان ایچنده مشار بالبنان اولدی •

مقاله { ۸ }
جناب فاطمه رضی الله عنهما نک الای والای عروسیتی بیاننده در •

ائمه سیر جکر گوشه سید الابرار (صلی الله علیه وسلم) حضرتلرینک
الای والای عروسی حقنده اقوال کثیره در میانیه اعطای خبر ایلمشدر
ایسه ده امام ابو الفرج جوزینک نای طرفه نوای قلمی روایت صحیح آتی
الذکری بیانله زمزمه ساز مجلس تحقیق اولد یغندن انک تفصیلیله اکتفا
قلنددی • شویله که ام المؤمنین ام سلمه و سلمان فارسی (رضی الله عنهما) دن
منقول اولان روایت صحیحیه نظر ا جکر گوشه مصطفی یعنی فاطمه الزهرا
(رضی الله عنها) حضرتلری رسیده آوان ازدواج اولدیغی اثناده
اکابر قریشک طالب ازدواجی اولد قلری و حتی بالانشین مسند الخلافه
ابو بکر بن ابی قحافه وزره شیرمنع الالقاب عمر بن الخطاب (رضی الله
عنهما) نک بیله بوداعیه ده بولند قلری سامعه همایون ایصال قلمغله
(بوماده نک اجراسی وحی ذوالجلالیه یه متوقفدر) جوابی اعطا
بیورلمشیدی • برکون ابو بکر و عمر و سعد و معاذ (رضی الله عنهم)
مسجد نبویه نک برکوشه سنده حلقه بند مشورت اولوب (اکابر مهاجرینک

فاطمه الزهرا (رضی الله عنها) حقنده اولان تمناری قبول اولمندیغنی
جناب علی بن ابی طالب رضی الله عنه یلوب طورر کن مشار الیهانک
طالب ازدواجی اولماسی تعجب اولنه جق شیدر) مألنده اداره کلام
ایلدیلر . جناب صدیقک (رضی الله عنه) (مشار الیهانک طاب لبرینه
جواب ویرلمسی البته جناب مر تضایه (رضی الله عنه) تخصیص قلندیغنی
ومشار الیهک قامت نمای مطالبه اولماسی ایسه قلت دستمایه ثروتندن
اولدیغنی خاطر فاتره متبادر اولوب اگر چه بویایده بخله برابر خطوه زن
مراقت بیوریلور ایسه نزد مشار الیه عزیمت وکندوستی حضور
مکارم نشور همایونه اعزامه غیرت ایده لم . اگر پاره سزلکدن بختله
روغمای امتناع اولور ایسه حاملزه کوره مناسب وجهله نقدینه بخش
اعانت اوله لم) زمینده ایراد ایلدیکی نطقی نزد سعد (رضی الله
عنه) ده قرین تحسین و آفرین اولدیغندن حضاری بالتشویق نزد
عالی مر تضایه (رضی الله عنه) عزیمت واثنا ی راهده تصادف
ایدرک بیان کیفیت ایلدیلر . مشار الیه برآه سرد چکوب «یا ابن ابی
خفافه چوق و قد نبو بو آرزو ایله اندیشناک ایدم . نچاره که تنکدستی
ثروت اول شب چراغ کنجینه عصمتی اله کتورمکه مانع اولور بر کیفیتدر»
نهجنده عرض اعتذار ایلدکده حضرت صدیق (رضی الله عنه) اول
خواجه عالم صلی الله علیه وسلم حضرت تیرینک پیشگاه اعتبارنده ایقه نک
قدری اولمندیغنی بیان ودر عقب کیدوب طالب اولمستی ذکر واثان ایلوسی
جناب شیر خدا (کرم الله وجهه) نک عرق غیرتی تحریک ایتمش وخواجه
عالم صلی الله علیه وسلم ام المؤمنین ام سلمه (رضی الله عنها) نک عصمتخانه
دولتیرینه پرتو انداز ظل مسعدت اولد قلری خبر ویرلمش اولدیغندن
عصمتخانه مشار الیهایه عزیمت وندق باب مکرمت ایلدی . مشار الیه قتح
باب املیه قیام ایلدکده زبان معجز بیان نبوی (یا ام سلمه استعجال ایتکه
خارج بابده اولان مشفق جانم وزاده عم مهربانم (علی بن ابی طالب) در که
کندوسی حضرت الله ورسول اللهی سور وکذ لک جناب اللهله
رسولی دخی انی سور) مقالیه شکر افشان اولدی . ومشار الیه

بو خدمتی سرمایه سعادت یلوب مستعجلا قتح باب ایلدی . جناب
حیدر (رضی الله عنه) جبین سایی خاکی حضرت سید البشر (علیه
الصلوة ما هو الا وفر) اوله رق عرض سلام وایفای مر اسم احترامه
اهتمام ایتسیله سرور ستوده سیر «علیه الصلوة والسلام» (وعلیک
السلام یا ابا الحسن ورحمة الله وبرکاته) التفاتیه پیشگاه سامیلرینه اجلاس
بیوردیلر . حضرت کرار افاده مافی الضمیردن شرمسار اولمق حسبله
رهین حیرت اولوب سکوت ایلدیکندن «یا علی ناصیه حالکدن
اکلاشیلدیغنه کوره بندن بر نیازک واردر . ایدم رخساره نمای عروس
مرام اول . یعنی بیان حال ایله که هر نه سویلیه جک اولور ایسه ک قبول
ایتمکی وعد ایدرم» بیورلمسی اوزرینه هزار شرم و حیا ایله قره العین
حبیب کبریا جناب فاطمه الزهرا نک (رضی الله عنها)
طالب ازدواجی اولدیغنی عرض و افاده ایلدی . «علاوه» اشبو
افاده سرور افزای حیدری صفا بخشای سامعه پیغمبری اولمغله مبارک
جبین مبین انور لرندن لامعه انشراح نمایان اولدیغنی جناب ام سلمه
(رضی الله عنها) شکاف پرده حرمدن مشاهده و بالآخره نقل و حکایه
ایلدیکی سند صحیح ایله منقولدر . انتها) مشار الیهک امور مهمه تأهل
ایچون صرف واستهلاک ایلک اوزره ایقه سی اولوب اولدیغنی استجواب
و برززه پولادی ایله بر شمشیر هندی و بردوه به مالک بولند قلرینه دار
اخذ جواب بیورلدیغندن (قلنج ایله دوه سکا لازم اولوب فقط زر هک
بها سیله اتمام لازمه مرام ایده یلورز . سکا مرده اولسونکه جناب حق
ملا اعلاده سنی قره العینم فاطمه (رضی الله عنها) ایله رابطه بند ازدواج
بیورمشدر . زیرا سندن اول محافظین عرش الرحاندن . «شیطانیل»
اسمنده بر ملک بو العجب ظاهر اولوب (ع) بشرک یا کعبه الاقبال بشراکا .
(وابشیر یا محمد (علیه السلام) مجمع الشمیل و طهارة النسل) مألیه ایمای
بشارت ایلدکد نصکره (سألت ربی ان یؤذن لی فی بشارتک وهذا جبرائیل
فی اثری یخبرک عن ربک عز وجل) عباره سیله حقیقت حالی بیان ایلدی .
واوارالق الله حریردن معمول برکا غد اوله رق حضرت جبریل نازل

اولد يکه مذکور کا غدک وسطنده لؤلؤ مشوره ايله منقوش ايکي سطر
يازي وار ایدی • اعطای سلام و (یا رسول الله جناب حق یار و فادارک
و برادر غمکسارک علی بن ابی طالبه (رضی الله عنه) جکر کوشه کز
فاطمه الزهرا بی • (رضی الله عنها) • تزویج ايله موجبنجه عمل ایتمکزی
اراده یوردیلر • حتی ساکنان عالی مکان آسمان ذکر آتی
وجهله پیرایه بند عقد ازدواج اولدیلر • شویله که جناب فرمان
فرمای کاف نون تعالی ذاته عن الشک والظنون حضرت تری شهرستان
جنانک دیور آرای شهرابین اولسی وطبقات آسمانک تزین اولنسی و شجره
متنها جواهر کرانبهای فردوسله مالا مال اولوب ایشاره مهیا و اهالی
آسمانک دردنجی فلکده واقع بیت المعمورک ساحه پرنورنده صف آرا
بولنسی خصوص لرینی امر و اراده یوردیلر • و حضرت ابوالبشر
(علیه السلام) اولبایده ایراد خطبه ایلدیکی (منبر الکرامه) بی
ساحه مذکوره وضع ایلدیلر • بوندن صکره ملائکه کرامدن کمال حسن
بی بها وصیت خوش الحان غم فرسا صفت مقبوله لريله موصوف اولان
(راحیل) نامنده بر ملک بی معادل سالف الذکر (منبره) صعود ایدرک
بر خطبه بلیغه قرائت و اهالی آسمانی رهین حیرت ایلدی • بالآخره
(یا جبرائیل فاطمه (رضی الله عنها) بنت خاتم المرسلین علی بن ابی طالبه
(رضی الله عنه) تزویج ایتدم • سندخی ملاء اعلاده علی طریق
الاشهاد عقد رابطه نکاح ايله • خطاب عزت نصابی شرف سانح
یورلد یغندن موجب عالسی اوزره ایفای مأموریت و اشبو وثیقه
نکاحی بالتحریر لاجل المطالعه تقدیمله عرض مخالفت ایلد مکه
بعد المطالعه خازن جنان اولان (رضوانه) تسلیم ایلک واجبه زمت
مأموریتدر) دیهرک وقوع حالی اعلام ایلدیکنی و سدره المنتهانک
ایشار ایلش اولدیغی حل فخر بی حور و غلمانان جنانک یغما ایلد کلرینی
برتفصیل حکایه ایلد کدن صکره عودت ایتدیکنی متعاقب سندخی
حلقه زن باب اولدک • یا ابا الحسن فرمان ذوالجلاله ایجابی اوزره
اصحاب اراستنده بزسخی تزین صحیفه ازدواج ایده لم) کلمات معجزایاتيله

مشار الیهی تلطف یوردیلر • جناب یکه سوار دلدل بوسرور شوق
افزایله عودت ایدوب اثنای راهده تصادف ایلدیکی ابابکر و عمر (رضی الله
عنهما) ايله برلکده مسجد نبویه به متوجه اولدیلر • مشار الیهیم
مسجد شریفه داخل اولمزدن اول آفتاب عالم تاب نبوت (علیه افضل
التحیه) دخی پرتوانداز ظهور اوله رق اجتماع اصحابی فرمان و بعد
حد و ثنای جناب وهاب اصحاب متواردهیه توجیه وجهه خطاب ايله
جناب حقک فاطمه (رضی الله عنها) بی (علی) ابن ابی طالبه
(رضی الله عنه) تزویج یوردیغنی لاجل البیان (جبریل) امینک نزول
ایلدیکنی و حسب الاستطاعه کیفیت کمال ممنونیتله قبول ایلدیکنی اعلان
یوردقدن صکره اصول محاسن شمول حرمین اوزره قرائت یوردقلری
خطبه بلیغه مقابلنده حیدر (رضی الله عنه) طرفندن ایراد اولتان
• «ای مجاهدین دین معلومکز اولسونکه {پادشاه انبیا محبوب درگاه
خدا • مظهر اسرار اسرار حق مصطفی { صلی الله تعالی علیه
وسلم حضرت تری مہیاره مهد عصمت و شجره خاواده نبوت اولان
کریمه محترمه لر سیده النساء فاطمه الزهرا (رضی الله عنها) بی بنده
دیرینه لر علی بن ابی طالبه (رضی الله عنه) اراده مولا و نهج شریعت
غرا اوزره (۴۰۰) درهم فضه مهر مؤجل ايله تزویج یوردیلر • بندخی
کمال محظوظیتله قبول ایتدم • فقط اشبو ماده بی فم محسن همایوندن
استماعله شاهد اولمکزی رجا ایلرم • مقاله سنی تصدیق یوردیلر •
واصحاب سعادت استصحاب حضراتی ایفای مراسم تبریک
و تهنیه ته شتاب ایلدیلر • بو حال نشاط اشتغال باعث انبساط
عال العال اولدیغندن «جمع شملکما • واعز جد کما • وبارک
علیکما • و اخرج منکما • کثیرا طیباً • دعا سنی ایصال بارگاه حدیث
واعلان نکاح ضمنده بر طباق تازه خرما ایشار اولنسی امر و اشارت
یور دقلرندن موجبنجه عمل و حرکت اولمشدر (که اشبو خرما ی تبرره
اصحاب طرفندن یغما و انتهاب اولند قدن صکره عودت همایون
شر فوقو عبولمشدر • بعده جناب شیر خدا (رضی الله عنه) پادشاه

انبیا (علیه افضل التحایا) دن الدیغی امر واراده اوزرینه سالف الذکر زرهی غمخوار سید الثقلین عثمان ذوالنورین (رضی الله عنهما) (۴۸۰) درهم فضه به فروخته دراهم مذکوری کاملاً اخذ ایلدی • لکن حضرت (ذوالنورین) شیردل سوارک ارقه سندن زرهی آلمی لایق کوره مدیکندن علاطریق الهدایه اعاده و مشارالیه مع الممنونیه قبول ایلد کلرینی ذات عالی نبویه به عرض و افاده ایلش اولد قلرندن کیفیت رهین تحسین و آفرین اولوب حقنده و قایه الحفظ افات اوله جق مرتبه دعا بیورلدی • و بعده دراهم مارالبیانک لا علی التعداد (۳۰۰) درهمی «ابابکره» (رضی الله عنه) ویریلوب الله جق اشیایی کتورمک اوزره بلال حبشی و سلمان فارسی (رضی الله عنهما) ترفیق بیوریلوب لوازمات عروسیه نیک تدارک ایدلمسی امر و تفهیم و مبالغ متباقیه ضروریات زفافیه به صرف و استهلاک قلمق اوزره ام المؤمنین ام سلمه (رضی الله عنها) به تسایم قلندی • حضرت صدیق رضی الله عنه جهاز اولقی اوزره آتی الذکر اشیایی بالبا یعده و مال حضور عال العال اولدقده اول (سید ستوده سیرعلیه و علی اله من الصلوة ما هو الا و فرافندیم) اشکر یز رقت اولوب «ای بنم خالقم برکت و خیر ویر اول جماعته کی انلرک مقبول اولان کاسه و باردقلری ظروف سفالیه (یعنی چاموردن معمول) اوله» زمزمه سیله دعا بیوردیلر •

جهاز فاطمه رضی الله عنها

سختیاندن معمول و خرما لیفندن طولدرلش مندر (۱) و كذلك سختیاندن معمول و خرما لیفندن مملو یا صدق (۱) و خیش «اوستوبیدن منسوج بر نوع کتان بزی دیمکدر» مصریدن مصنوع دوشک (۱) و یونندن معمول پرده (۱) و عبای حیدری (۱) و چاموردن معمول صودستیزی (۲) و كذلك مشروب (۱) و قیص (۲) و دوه (۱) و خرما لیفندن معمول قالیچه (۱) و كذلك سختیاندن معمول قالیچه (۱) • «استطراد» امام سیف الدین سندالجامع نام کتاب متینده مستند اوله رق نقل ایدر که

مناقین مدینه دن بری جناب مر تضایه (رضی الله عنه) (یاعلی سن و حید اقران و فریدزمان ایکن برکسه ایله زیورآرای اتصال اولدک که اخشام بیه جکی یوقدر • اگر چه بنم اتصاله رغبت ایتسه ک ایدی جا کر خان مله سرای دولتکزک آره سنی جهاز قطاریله تزین ایلر • و هر حالده سنک امر معیشکی تکفل ایدردم) زمینده هزیان پاش مقال اولدی • مشارالیه زره قدر متأسف اولیه رق (بواش بنم مداخله تدبیرمله اولیوب محضاً تقدیر جناب رب القدیر ایلدر) نهجنده اعطای جواب بیوردیلر • و بواشاده • یاعلی (رضی الله عنه) متوجه آسمان اول • ندای هاتقیسی ظهور ایلدیکندن دیده کشای جانب آسمان اولوب عرش و فرش آره سی در و جوهر و مسک و عنبر و کلو دوه لرله طولش و هر بدوه نیک زمامی بر غلام نازک اندام الله اوله رق و اوزر لرنده برر جاریه حوری سیما بولنه رق «هنا جهاز فاطمة» (رضی الله عنها) بنت رسول الله • نداسیله اهالی ملائعالی رهین شادی و سرور ایلش اولد قلرینی مشاهده ایدرک کمال مسار و انبساطله عصمت سرای مشارالیه به متوجه اولدیلر • مشارالیه فرط شوقله استقبال ایدوب «یاعلی اگر بکا عرض اولتان ذات ولایتینا هکزه دخی رونما اولدی ایسه جهاز خالصانه مک مقدار و کیتی معلوم دولتکز اولمشدر الحمد لله» بیوردیلر • انتها • مشارالیه بانک عقد نکاهندن بش ماه صکره ام المؤمنین ام ایمن (رضی الله عنها) تمنا سیله ترتیب سور زفافه رغبت وام سلمه (رضی الله عنها) به اقد مجه اعطای بیوریلان مبالغ متباقیه دن و لیمه طعامنه صرف ایدلک اوزره اون درهمی شاه دلد لسواره ویریلرک باقیسنک مالز مه زفافه صرف و استهلاک ایدلمسنه اعطای رخصت بیورلد یغندن مشار الیه دراهم مذکوره ایله حیص (چکردکی چیقارلش خرما ایله صافی یاغ و کش تعبیر اولنور شیله و یاخود سویق ایله پشوریلان طعام دیمکدر) نام طعامی بالترتیب نزد عالی همایونه احضار و بر موجب ارا ده اصحاب سعادت استصحاب دعوتنه ابتدار ایلدی • و خارج از تصور مسافر

توارد اتد بکندن تهیه قلنان طعامک اداره به غیر کافی اوله جفته ذاهب
و کمال تلاشه رو مال حضور اعلى المطالب اولوب قلت طعام و کثرت
انام ملاحظه سندن ایلرو کلان دغدغه طاقت فرسائی عرضله «یا علی
(رضی الله عنه) لطف بخشنده ارزاقه توسل ایدوب مسافرک اوننی
بر سفره ده اطعام و علی مراتبهم خدمت احترامله مشغول اول» جواب
عجزه ایجابنی الدیغندن فرموده حکمت نموده هما یونی ایفایه مسارعت
ایلدی . {عجزه} اشبو جمعیت و لیمه کریمه ده الطاف مالانهایه
الهیة اثر علنیسی اولوق اوزره درکار اولان اهمیت طعامی علی الاتفاق
اصحاب نفاق دخی تحسین و پسند ایله اکارم عرب و لیمه زنده بودرجه
مکلف و منظم جمعیت کورمد کلرینی یکدیگره نقل و حکایت و منظور
نظر استعجابلری اولان و علی زعم المخالفین خلاف مأمول بر صورتده
ظهور ایلش بولنان برکت طعامی محافل اعالی و اسافله تعریف و بیانه
مسارعت ایلدیلر . و جمعیت مشارالیه سعد بن معاذ (رضی الله عنه)
بر قویون و اکارم انصاردن بعضیلری بر ایکی صاع (اوپلک دیمکدر)
برنج کتوردیلر . (سلطان الانبیا علیه و علی اله من الصلوة ماهو الاوفی)
حضر تلری زفاف کیمجسی یاتسو نمازینی بعد الادا بجلکاه نوراکتاه
عروس مشارالیه تشریف بخش رغبت اولوب صوایله مملو برکاسه به
مغبوط عین الحیات و عین رشاشه کلقتند نبات اولان رقیق (اغز دن
اقان صو) سکرین لرندن بر رشحه روح بخش سپید کدن و آخر سور
قرآندن بر ایکی سوره ایله بر چوق ادعیه مأثوره قرائت ایلد کدنصرکه
آبرو آبرو مشارالیهما نک اوزر لرینه سریره رک قبله به متوجهها (اللهم
انهمانی وانا منهم اللهم کما اذهب منی الرجس و طهرتنی فطهرهما)
دعاسنی بعد القرائه عودت پیوردیلر . و درت کون صکره عزت سرای
مشارالیهایی تشریفله تلطیف پیوردقندن اول کل پرده نشین
عصمت هزار شرمساری و جمالته شکریز رجا اولوب
«یا رسول الله خدمات بیتیه ده درکار اولان عدم اقتدارم مالاکلام
اولدیغندن غنائم غزا خستندن تفریق اولنان جواریدن بریسک بوجاریه کزه

احسان پیورلمسنی تمنی ایدرم) نیازنده عرض مافی الضمیر ایلد کده
* یا فاطمه (رضی الله عنها) جاریه نک اعلا سنی استن میسین *
نخستنده شرف صدور ایدن مقاله استفهامیه اوزرینه اشارت جناب
مرتضا (رضی الله عنه) ایله «مطلوب جاریانه م جاریه نک اعلا سنی
اولدیغنی ذات رسالتنا هکزه معلومدر» جوابنی اعطا پیوردقلری
اوزرینه * اوله ایسه کل یوم {۳۳} کره سبحان الله و {۳۳} کره
{الحمد لله} و {۳۳} کره دخی {الله اکبر} ایله {کلمه شهادتی} ورد
ایدن میسین * پیوردیلر که جناب جلیل المناقب حضرت علی بن ابی طالب
(رضی الله عنه) معمر اولدجه تسبیح شریف سالف الذکری ترک
ایلامش اولدقلری منقولدر . القصه شیر خدا یکریمی بش یاشنی بش ماه
یکدیگی و حضرت سیده النساء اون بش یاشنی بش و علی قول الی ماه
تجارت ایلد یکی حالده ایکنجی سنه هجریه رجب الفردنده رسم نکاحلری
ایفا و سنه مر قومه ذی الحجه سننده اصول زفافلری اجرا قلندی .

مقاله {۹}

کفار ایله قتاله اراده الهیه نک صادر اولدیغنی بیاننده در *

حکمت بالغه خدا کفار ایله حرب و قتالی اقتضا ایتکله ایکنجی سنه هجرت
علیه خلانده رخصت مبارزتی متضمن صاعقه الماسوز آیات قتال نزول و اول
یکه سوار میدان جاه و جلال حضرت تلرینی مقاتله مشرکین ایله مشغول ایلدی

مقاله {۱۰}

* غزوه و سریه نیه اطلاق اولدیغنی وزمان نبویه بمقدار غزا *
* وقاج عدد سریه و قوعبولدیغنی بیاننده در *

خواجه عالم (صلی الله علیه وسلم) افندیمر روح روان کی جانشین قلب
عساکری اولدقلری یعنی سایه بخش اقبال پیوردقلری سفره {غزوه}
و ذات کرامیلری بولنیمه رقیق بالوکاله کوندردقلری ذوات کرام محاربه لرینه
{سریه} اطلاق اولمشدر . ذات نجسته سمات همایونلری یکریمی دفعه
لواکشای غزا اولوب قرق یدی کره علم افراز سریه اولدیلر . یعنی یکریمی
یدی دفعه بالذات اندام نمای عرصه رزم اولوب {۴۷} کره دخی بر ذات

قوما نده سنده اصحاب سعادت استصحابی میدان معر که به سوق ایلدیلر •
و گروه مهاجرین فرقه انصار دین ایلر برابر اولد قلری حالده (بدر الکبرا
واحد و مر یسیع و خندق و بنی قریظه و خیبر و فتح مکة و حنین و طائف)
سفر لنده اشغال نأره قتال ایدوب {۱۸} غزاده مظفر و مغتتم اولدیلر •
علمای فن سیر فاتحه غزوات و سرایا بخشنده اقوال کثیره تصریحکنه
کر شمشلر و هربری بر روایت اختیار یله علی الاختلاف و جوه عیدیه
ذکر و اتیان ایلشرایسه ده ائمه متأخرینک اقوال و ارجح مقال
ایله تصحیح کیفیت ایلد کلرینه کوره غزوات مذکور ه نک
برنجیسی (ودان) نامیله متعارف اولان (ابواء) سفری اولدیغی
و فاتحه سرایای (هردوسرا) دخی حضرت (حزبه) بن عبد
المطلب (رضی الله عنه) سریه سی بولندیغی متفق علیه در •

﴿مقاله﴾ {۱۱} ﴿حزبه رضی الله عنہک سریه سی بیاندده در﴾

شهر ربیع الاولک (۱۲) بجی کونی اهالی هجر تسرای مدینه غبار
پای کرسی فرسای سردار الانبیا (علیه افضل التحایا) ایلر تنویر
عیون ایتش و اشجار سدره اعتبار اسلامک اول خاک تابناک عالیده ریشه
کیر استقرار اولسی اوزرینه (۲) فصلک (۹) بجی مقاله سنده نکار
شبذیر بیان اولدیغی اوزره کفار ایلر اشغال نأره جدال اید ملک ضمننده
رخصت الهیه شرف صدور ایلش اولد یغندن اول فرمانفرمای اقلیم
نبوت علیه افضل التحیه افندیملک اول امرده ترتیب بیورد قلری
﴿طلیعة الاسلام﴾ اشبو صد د تعریفنده بولندیغی سریه جلیله در •
سبل الرشاد مؤلفی (ابوعبدالله) محمد الصالحینک روایت صحیحیه سی اوزره
خطه شامدن قریش قافله سنک عودت ایلک اوزره اولدیغنه کسب
اطلاع بیوریلوب برنجی سنه هجریه رمضان شریفنده که هجرت ختمی
پناه (صلی علیه الاله) افندیملک یدنجی ماهیدر صنف مهاجریندن
(۳۰) نفر غضنفر تفریق و صاحب قران عرب یعنی حزبه (رضی الله
عنه) برکزیده نسبک معیت لیاقت منقبتنه ترفیق اولنه رقی مبارک دست

نصرت پیوست همایونله اعمال بیورلمش اولان بیاض سنجاغ ابو مرثد
الغوثینک (رضی الله عنه) ید صلابت مؤید لرینه بالتفویض ﴿اللهم
بارک لامتی فی بکورها﴾ دعا سی ایصال بارگاه رفیع و عقبه وداعه دکن
تشییع بیورلدی • و حضرت حمزه بی (رضی الله عنه) جلیله غزاته
خطابا ﴿محمدک (صلی الله علیه وسلم) وجهه افراد آفریده نک خالق
اولان جناب جهان آفرین حقیچون اگر بوسریه به عزیمته مقتدر
اولیان مجاهدین دین غیا بمدن مبتلای علت مشاق اولسه لرایدی •
جهاد مسلمینک هیچ برندن محروم اولزدم • نچاره که نه انلرده عازم میدان
غزا اوله جق قدرت وارد و نه ده بیت المال مسلمین انلره معاونت ایده جک
نصابه مالکدر ﴿مقاله معذرت اشتمالیله﴾ والذی نفسی بیده لوان اغزو
فی سبیل الله فاقتل ثم احی ثم اقتل ثم احی ثم اقتل ثم احی ثم اقتل ثم احی
ثم اقتل ثم احی ثم اقتل ثم احی ﴿حدیث شریفی ایراد و هر بر سریه
عقبنده بر وجه مشروح وصایا ایلر حدیث سعادت توریت مذکور
ایرادی بی اعتیاد بیوردیلر • جناب حمزه (رضی الله عنه) عقبه وداعدن
قیام و (ناحیه العیصک) جهت ساحلی مقام ایدوب بعد زمان قریش
کاروانی یاننه براوق منزلی تقرب ایلدی • واشبو کاروانک ابو جهل لئیمک
تحت اداره سنده اولدیغی بالاستخبار اخذ و عطای حرب و ضربه
ابتدار ایده جکی صره ده (محمد بن عمر الجهمی) ارایه کیروب سرد
ایلدیکی تسویلات حکیمانه و تعییرات ظریفانه سیله بورون قنای مقسزین
طرفینی شیرین مذاق شربت صلح ایلد یکنندن هر ایکی فرقه جانب
مقصوده روکردان و جناب حمزه (رضی الله عنه) رومال حضور بی
ذیشان (صلی الله علیه وسلم) اولوب عرض ماجرا ایلدی • محمدینک اشبو
وضع مستحسنه سی افکار و حی آثار همایونه تمامیله موافقت ایتکانه با لآخره
لاجل المصلحه مدینه به توار دایدن محمدی قبیله سی افرادینه انعام و اکرام
بیورلدی • اشبوسریه ده (۳۰) مجاهد اسلام اولدیغی کبی قافله کفارده
(۳۰۰) پلید بولندیغی نقل صحیح ایلر مشندر • (علاوه) اعظم انصار
نطاق بند اسلام اولد قلری اثناده سلطان الانبیا (علیه اکمل التحایا)

افندیمن پانهاده هجر تسرای مدینه منوره اولور ایسه وجود لازم الوجود
همایونلرینی جور و اذای مخالفین دن و قایه ایتمک و بر موی نا چیز لری
اوغرنده فدای جان و سر ایلمک خصوص لرینی متعهد اولدقلری جهته
غزوه (بدر الکبرایه) دکن کند و لرینه کلفه مشقت سفریه تکلیف
بیورلدیغندن (حزه) رضی الله عنہک سریه سنده بولنه مدیله ایدی • لکن
بدر الکبرا وقعه سی حد و ثنده ارزوی مال و غنیمت جهاد هر برینه باعث
داعیه اجتهاد اولدیغندن استحصال ایلدکلری اراده همایون اوزرینه
غزاة بدر الکبری عدادی سلکنه ملحق اولوب اند نصرکه و قو عبولان
غزالک جمله سنده نائل غزو مر افقت اولدیله • فرقه مسلمین ایچون
ابتدا احداث و اختراع بیوریلان لوای شریف بوسریه لطیفده یدعالی
نبوی ایله اعمال اولنان لوای نصرت احتوادر • و اوتنه دنبر و قبائل
عرب پیئنده هر سنجاغنه (لوا) اطلاق اولنه کلور کن خیر غزا سنده
(رایت) تسمیه ایدیلر رک رفته رفته رایت ولوا تعدد ایلدیکندن
جمله سنه (علم) اطلاق اولندی (لایحه) امیر و سر عسکر سنجاقلرینه
(لوا) و سائر سر کرده لرک نشانی اولان بایراغنه (رایت) تسمیه اولوب
علامت معنا سنده اولان علم لفظنک ایسه بونلرک ایکیسنه دخی شمولی
اوله بیلور بوضورتله (رایت) رؤیتدن اولمغله مطلق (کوزکک)
معنا سنه اوله رق خیر غزا سندن اول واقع اولان غزالده یالکز دست عالی
نبویه ایله اعمال بیورلمش اولان سنجاغ شریف کونده ریلور ایدی •
غزای سالف الذکرده ایادی آخر ایله اعمال اولنان بایراقلردخی کتورلمش
اولدیغندن سنجاغ شریفه تعظیما ماعدا سنه رایت دینلیدی • بونکته
دخی معلوم اصحاب فطنتدر که (علم ایله لوا و رایت) بینلرنده عموم
و خصوص مطلق او اوب چونکه هر لوا یه علم اطلاق جائز اوله
بیلور ایسه ده (لواء الحمد) علم الحمد تسمیه اولنه میه جغی
کبی هر بر علمه دخی لوا اطلاق نخل اصول و قاعده در •

مقاله { ۱۲ }

عبیده بن الحارث رضی الله عنہک سریه سی بیاننده در

برنجی سنه هجریه نک سکرنجی شهر شوالنده برکون (بیت • اول آفتاب
ضیا بخش آسمان هم • نه ماهتاب هم آفتاب لطف و کرم • افندیمن
ماه عالمتاب کبی مجلس اصحاب کرامه پرتو بخش تشریف اولوب اداره
کلام لطف انجامه باشلدیلر ایدی • ناکهان بر قاصد صبار رفتار ابوسفیان
بن جهنمک تحت اداره سنده (۲۰۰) نفر کفره قریشیه نک مکة
مکرمه دن خر و جله مصره عزیمت ایتمکده اولدقلرینی ذکر و اتیان
ایلدیکندن سانحه بروز اولان فرمان جهان مطاع ایجابی اوزره مبارزین
مهاجرین دن (۶۰) مجاهد هممتن (مجنده مشهور بر پهلوانک
اسمیدر) نبرد ایله شیخ المهاجرین عبیده بن الحارث (رضی الله
عنهم) مهیا اولدقلرندن لوای شریف نبوی (مسطح) بن اسامه یه (رضی الله
عنہ) اعطا و مقاله سابقه ده ذکر اولنان وصایا ایفا بیورلمسی اوزرینه
مجااهدین مشارالیه مدینه دن حرکت و مواضع مجازیه دن
بطن رابع وادیسنده اولوب (احیا) نامیله معروف اولان صوا و زرنده
قافله مشرکینه بالتصادف اشغال نأره حربه مسارعت ایدوب لکن
قلنج قلنججه کله رک یکدیگره مهاجمه ایدمه مدکلرندن (سعد بن) ابی وقاص
(رضی الله عنہ) تیرانداز اولمغله سراغاز اولوب ترکشنده اولان (۲۰)
عدد تیر جکرائیری تکمیل و هر بر تیر دلدوزی صف اعدادن بر شخص
دوزخی یه اصابت ایتدر مسیله قهر و تکمیل ایلدی • (علاوه) ظهور
دبدبه اسلامیه ده کفار بر کشته اطواره الک ابتدا اوق اتان (سعد) مشارالیه
اولدیغنه و سینه اعدای ابتدای دولت محمدیه ده هدف تیر جکر سوزایدن
ینه مشارالیه بولندیغنه ائمه سیر اتفاق ایلشدر در • انتها جنود نصرت
موجود اسلامک اوج مثلنده بولنان فرقه اعدانک وجود شقاوت نمودلرینه
ر عشه خوف و اضطراب مستولی اوله رق جمله سی بردن فرار و بولنری
تعقیب ایلمک ایسه محل شان و شکوه مردانکی و مخالف اصول محاسن
شمول دین محمدی اولمق حسبیه کوج بر حال ایله تخلص حیات ایدرک
هر بری بر جبلده قرار ایلشدر • زمره مسلمین دن اولوب ده داعیه
تجارتله ذکر اولنان قریش کارواننده بولنان (مقداد بن الاسود)

ایله (عنه بن غزوان) رضی الله عنهما کفره کاروانک کرزان
وادی خذلان اولدقلرینی متعاقب کروه سعادت ابنوه مؤمنین طرفنه
عطف عنان خرام و سالما متعازم هجر تسرای سیدالانام اولدیله
الحمد لله ثم الحمد لله

مقاله { ۱۳ }
سعد بن ابی وقاص رضی الله عنهما سریه سی پساننده در

خواجه معالی علم (صلی الله علیه وسلم) حضرت تری دلیران مهاجریندن
(۲۰) نفر تفریق و سعد بن وقاص (رضی الله عنه) معیت سامیسنه
تر فیک ایدرک لوای آنفة البیانی مقداد بن الاسوده احسان و مر اسم و صایای
نبویه لرینی بعد التبلیغ «حراز» (قرای حجازیه دن «جغه»
قریه سی قربنده بر چولدر) وادیسنه کیدرک کوندزاری کوشه کیر
اختفا و کیجه لر تها کذار جبال و صحرا اولق و قریش کاروانتی
تسخیر غیرت اولمق خصوص لرینی فرمان بیوردیلر • و مشارالیه
مدینه دن حرکت و بشی کون علی الصبح محل مذ کوره مواصلت ایدوب
قافله مطلوبه نک او جکون اول کچمش اولدیغنی بالاستخبار عودت ایلدیله

{ ۳ } { فصل در بیان وقایع } { ۲ } سنه هجریه
مقاله { ۱ }
غزوة الابواء وقعه سی پساننده در

ماه خجسته نور و شهنشاه نوظهور (علیه صلوٰة الله الغیور) حضرت تری
نقباء خزرجدن (سعد بن عباده) رضی الله عنهما بی جانشین خلافت ایدوب
کفار قریشله بنو ضمیره بی اخافه ایتمک املیه صفر الحیرک داخلنده
(۶۰) مر درستم نبرد مهاجرین ایله مدینه منوره دن حرکت و یاورئ
توفیق نعم الرفیقله «ابواء» مر حله سنه مواصلت بیوردیلر که
اشبو غزاده حمزه بن عبدالمطلب «رضی الله عنه» علمدار
نبوی ایدی • لیکن بنو ضمیره سیدی محمش بن عمرو الضمیری استقبال
و هزار نیاز ایله تقدیم مر اسم مصالحة به استعجال ایلدیکندن
تیر نیاز و تمنا سی هدفرس مساعفه و قبول اولدی • و التماسی اوزرینه

برقطعه مصالحه نامه اعطا بیوریلوب اون بش کون ظرفنده
عودت و اهل ایمان مکاید اعدادن حفظ و حمایت بیورلمشدر (که
اشبو غزایه (غزوة الودان) دخی اطلاق اولمشدر •

مقاله { ۲ }
بواط غزاسی وقعه سی پساننده در

پادشاه علم افراز (لااله الا الله) ولوایرای (محمد رسول الله) صلی الله
علیه الا له افندیمز حضرت تری سنه حال شهر ربیع الاولی خلاننده (سائب)
بن مطعون (رضی الله عنه) جانشین مقام حکومت ایدرک (سعد) بن
وقاص و روایت آخرده (سعد) بن معاذ (رضی الله عنهما) بی سنجقدار
نصبیه فرقه کزین مهاجرین دن آتش پاره حرب (۲۰۰) مر دهرام
ضرب اله رق امیه بن خلف جهینه نک تحت اداره سنده بولنان کاروانی
ضبط و تسخیر ایلک اوزره متوجه جانب مر ادو یوما من الایام نواحی
رضوی (فتح را ایله مدینه یه درت کون بعید بر محله کائن بر جبل
عظیمک اسمی) دن بوواط (ضمم با ایله جبال جهینه دن بر طاغ اسمی در)
نام موقعه پانهاد اولوب فقط فرقه کفریه ملاقی اوله میه رق عودت بیوردیلر

مقاله { ۳ }
غزوة العسیر وقعه سی پساننده در

سلطان سیاره جیش و مهپاره نور بخش قریش (صلی الله علیه وسلم)
افندیمز سال حال جهادی الاولاسنده (ابوسلمه) بن عبدالاسدی (رضی الله
عنه) قائم مقام حکومت ایدرک پیادگان غزاة ایچون (۳۰) دوه
تدار کلله (۱۵۰) بهادر صاعقه شمشیر و روایت آخرده (۲۰۰)
دلاور و دلیر مهاجرینی استصحابه ابوسفیانک رفاقتنده اوله رق شامدن
مکه یه عودت اوزره بولنان قریش قافله سنی تسخیر ایلک تصور عالیه
سمت مر امه متوجه مدینه دن حرکت و دلالت توفیقله ینبع ناحیه سنده
(عسیره) نامیه مر سوم اولان منزله واصل اولوب ورودی خبر ویریلان
کاروانک کذران ایلدیکنه کسب و قوفله معاودت بیورلمش واشبو

سفرهما یونده لوای شریف حمزه نك (رضی الله عنه) ید اقتدارنده بولمشد

مقاله { ۴ }

علی بن ابی طالبه (رضی الله عنه) ابوتراب پیورلدیغی بیاننده در

عمار بن یاسر رضی الله عنه حضر تلری پیورلر که (غزوه العشره) سفرنده موکب هما یون اسلامك اثنای توقفته جناب مر تضارضى الله عنهلہ علی طریق التفرج بنی مدلج خرما القلینک برینه کیدرک سایه نشین وشدت روز کارایله دستار والبسه من طوز و طیراق ایچنده قالدیغی حالده رهین خواب سکرین اولدق ایدی • ناکاه افتاب جهانتاب نبوت علیه اکمل التحیه حضر تلری پرتوانداز تشریف اولوب مشار الیهی مداخله قدمیله بیدار پیوردیلر • وجهه انور لرینی غبار آلود کورملری جهته «یا اباتراب» خطایله بعدا التلطیف «یا علی جهانتک شقی بد بختی ایکیدر • بری (صالح) علیه السلامك دوه سنی تلف ایدن (قدار بن سالف) و دیکری سنی شهید ایده جک و بوجود سینکی غریق بحر خون ایله جک اولان عبدالرحمن بن ملجم هر واندیر • دیوب ابتدا رأس شریف لرینه بعده وجه تابناکارینه اشارت پیوردیلر • بناء علیه اول شاه خیر کشا شقی مادر بخطای سالف الذکری کوردیکه سروحیه انور لرینی اشارتله «متی تخضب بهذه» دیرلرایدی که معناسی «شولیه مایله باشمی نوقت بویار سین» دیمکدر • (لایحه • طوائف خوارج مذمت مشار الیهی مراد ونام سعادت فرجام سامیلرینی (اباتراب) دیویاد ایدرلر و مشار الیه لقب مذکور دن فوق الحد منون اولدقلرینی بیان ایله (ابوتراب) دیانلره عرض محظوظیت ایلرلرایدی

مقاله { ۵ }

عبدالرحمن بن جش الاسدی رضی الله عنهلک سربیه سی بیاننده در

شاه مؤمنین سپاه و شهنشاه ظفر دستگاه افندیمن حضر تلری عبداللہ بن جش الاسدی (رضی الله عنه) ایله مکه طرف لرینه کوندر ملک اوزره مهاجر بن اصحابدن (۸) مرد میدان و غاودیکر روایتده (۱۲) شیر صحرای غوغا انتخابیله مشار الیه ایکی کون صکره آچوب او قومق

اوزره بریو کلمش امر نامه اعطا ایدرک منزل محدودده به حین مواصلته قتح وقرائت و موجبه عمل و حرکت ایدلسنی امر و اراده پیوردیلر • مشار الیه مک هر ایکسی پیور دوه به سوار اولوب سنه مر قومه جاذی الاخرنده مدینه دن شد راحله حرکت و دلالت قائد تو فیقله ایکجی منزله مواصلت ایلدکلرنده قائد السریه اولان عبداللہ بن جش (رضی الله عنه) حسب فرمان «بسم الرحمن الرحیم اما بعد فسر علی بركة الله تعالی بمن تبعک من اصحابک حتی تنزل بطن نخلة فترصد بها غیر قریش لعنک ان تأتینا منها بخیر و السلام» عبارات بدیع البراعاتی جامع اولان فرمان واجب المطاعی قتح وقرائتله (بطن نخله) نام موقعه متوجهها رو براه عزیمت اولمشد • اراده نامه مذکورک مال ترکیسی (بطن نخله) به واروب قریشدن کلان قافله بی بکلیه سین) دیمکدر «علاوه» بطن نخله مکه مکرمه به برقوناق بعید بر محله واقع ابن عامرک بوستاننه اطلاق اوانوب اشبو موقعه فرمان فرمای خافقین و رهنمای ثقلین (صلی الله علیه وسلم) افندیمن طائفه جندن بر فرقه به تلقین دین مبین پیورمشلردر • اثنای راهده سعد بن وقاص و عتبة بن غزوان (رضی الله عنهما) را کب اولدقلری دوه بی قافله مغله رئیس سربیه دن بالاسیدان بادیة تفقد و نجسه پویان اوله رق رفیق لرندن خیلوجه آیرلرلرایدی • جناب عبداللہ (رضی الله عنه) مأمورا وادیغی موقعه ابتدای رجیده مواصلته طائف طریقله وارد اولان قافله قریشه تصادف ایلدیکی اثناده عکاشه بن محض (رضی الله عنه) برتد بیر مصلیت پذیر اعمالیله فرقه ضلال اولان مشرکینی بالاغفال آرامگاه کفاره وقوع بولان مهاجره ناکه انیده واقدن عبداللہ (رضی الله عنه) صدمه دشمن شکن اولاده برتیر جکر سوزیله سر قافله قریش اولان عمر بن الحضرمی بی انداخته چاه نیران ایتدیکی • ورفیق لریدخی عثمان بن عبداللہ و حکیم بن کسائی بی حیا اسیرا یلدیکی جهته اهل قافله پراکنده و پریشان اولدیلر • و غزاة مشار الیه اهل قافله نک بالجمله مال و اشیا سنی ضبطله عودت و امین الساحة بر محله مواصلت ایدرک جناب جشک

(رضی الله عنه) قریحه سلیمه سی سوزقه اغتنام اولئان
اموالک سید الانبیا ایچون خسنی بالا فراز با قیسنی بین ازرقا
تقسیم وتوزیعه سر آغا زاولدیلر که غزاة دین بیئنده کاول
افراز اولئان خمس غنائیم وکذلک بادی امرده تقسیم قلئان اموال غزا
بوسفر ظفر اثرده وقوع بولمش ومقتول تیغ اسلام اولئرک برنجیسی عمرو
الحضرمی اولوب حیاالنن اسرای ضلالت یمانک دخی سردفتری عثمان
ابن عبد الله ایله حکیم بن کسائی اولدیغی مبسوطات کتب سیرده
تصحیح وتصریح قلمشدر. مشار الیهم شهر رجب حلوئی در خاطر
ایده میوب مقاتله نک آخر جهادی الاخراده واقع اولدیغنه ذهابله شهر الله
الحرامه رعایت ایده مدکری دقیقه اهل مکه واقف اوله رق سکنه
مدینه منوره بی هجوم مذمت وتصادف ایلدکری اهل ایمانه جور واذیت
ایتمکه باشلدیلر. سلطان الانبیا صلی الله تعالی علیه وسلم افندیمر
حضرتلری دخی مشار الیهم کتور دکری اسرا واموالی قبول
بیورمدقن بشقه «بن سزه شهر الله الحرامه قتال ایچون اعطای
رخصت ایتمدی» یولنده عتاب ایلدیکندن فرقه منجیه اسلام کروه
شرك انبوه مشرکین ایله برابر اصحاب سریه بی لوم وتوبیحه قیام ایلدیلر.
ومشار الیهم حاللری دیگر کون وهر برنده ترك جامعه حیات ایده جک
علامت لر ووعون اولدیغی حالده درگاه رأفتناه (ارحم الراحمین) دن کمال
اخلاص واستغفار ایله استدعای عفو ومرتحت ایلدیلر. بواسطه
مستیزان یهود دن برطائفه رومال حضور اولوب «یا محمد (علیه السلام)
هل یحل القتال فی الشهر الحرام» استغفار میله رجب الفردده مقاتله نک
حلال اولوب اولدیغنی علی طریق الکتابیه سؤال ایلدکلرندن اشبو شهر
حرامده قتال نه حکمده در. دیو سکا سؤال ایدر لر. سن انلره دیکه
اگرچه شهر حرامده مقاتله بیوک ایش ایسه ده کفر وانکار ایله ناسی
یولنده طاعتدن ومسجد حرامده طواف ونماز دن منع ایلک واول مسجد
اهلنی یعنی پیغمبری (علیه السلام) واصحابی مکه دن اخراج ایتمک عند الله
دها بیوک والله شرك قوشمق فتنه سیکه بونلر جله سی مسلمانلرک اشهر

حرامده ایتدکری قتلدن زیاده بیو کدر» ماننده اولان «یسئلونک
عن الشهر الحرام قتال فیہ قل قتال فیہ کبر وصد عن سبیل الله وکفر به
والمسجد الحرام واخراج اهله منه اکبر عند الله والفتنة اکبر من القتل»
الی آخره آیت جلیله سی ضیا بخش تاریک نشینان محنت اولغله مجاهدین
مشار الیهم رهین شادی ومسار اولدیلر. بعده عبد الله بن جشک
رضی الله عنه افراز ایلدیغی غنائیمک خسی قبول واهالی سریه نظر
لطف والتفاتله مشمول بیوریله رق اموال مضبوطک کیفیت تقسیم
وتوزیعی حقنده شرف صدور ایدن فرمان نبویه لری اوزرینه فخره
مشرکین حکیم بن کسائی ایله عثمان بن عبد الله قید اسارتدن قورترمق
داعیه سیله ارسال فدییه (برشی قورترمق اوزره دیکرشی ویرلک
معنا سنده در) ایلدیلر ایسه ده مفقود اولان سعد بن وقاصله عتبه بن
غزوان (رضی الله عنهما) ورود ایتمکجه فدییه نک قبول اولغله جغی وشاید
مشار الیهم اسیر دست کفار اولوبده علی رغم الاسلام شهید ایلدیلر ایسه لر
بونلرک حقنده اجرای قصاص ایدیله جکی جواب عالیسی ویرلدی.
ومشار الیهم عون حقله ایرتسی کونی وارد اولدکلرندن فدییه کفار
قبول اولوب تکلیف ایمان بیورلمشدر که (حکیم بن کسائی شرف
اسلامه مشرف اولوب (بثمعونه) غزاسنده صهای شهادتله
سرکردان وعثمان بن عبد الله اسلامیتی قبول ایتموب آلوده
چرکاب کفر وشرك اولدیغی حالده پالغزیده چاه نیران اولدی.

مقاله { ۶ }
تحویل قبله قضیه سی بیاننده در

قبل الهجرة بیت علیای معظم اوج سنه قدر قبله المؤمنین اولوب بالاخره
بیت مقدسه تحویل ودها صکره لری (فولوا وجوهکم شطر المسجد
الحرام) آیت جلیله سی شرف نزول ایلدیکندن نه بیت الله تبدیل
اولدیغی وحقی هجرت نبویه دن اولجه اعظم انصارک قبول ایمانله رفیع
الشان اولئرینک قبله سی بیت المقدس بولدیغی مرویدر. اصح اقوال
وارجم مقال اوزره نقل وروایت اولدیغنه کوره بیت اعظم (سید ولد عالم)

(صلى الله عليه وسلم) افتد يمزك جد اعلاسى ابراهيم (عليه التحية والتكريم) حضرت تارينك قبله سى اواق حسيله خاطر همايون هر آينه جهت كعبه به متمایل اولوب حتى بيت المقدسه توجه نماي نماز اولدجه بيت الحرامى جهة انورلى اراسنه الورلدى • بعد الهجره قدس شريفه استقبال ايلد كجه بيت العليابه ارقه ويرمك طبع نبويه لرينه كران كلوب وچونكه يهود بدبود طائفه سنك كيمى (محمد صلى الله عليه وسلم) قبله سنى بيله مدي) وكيمى (عجايب) محمد (عليه السلام) بزم قبله مزه استقبال ايدركن ينه اصول و آيين نامزى بكنز) ديه رك اعتراض ايلد كلرندن رنجيده خاطر بولنوب قبله حاضره نك (آل ابراهيم) قبله سنه تحويل اولمى حقنده درگاه عنایت پناه محول الاحواله عرض نیاز و مناجات ايتكه باشلدى • وحضرت جبرائيل تحويل قبله به دائر وعد كريم كتورديكندن هر حال ومحلده وخصوصيله اثناسى نمازده حصول امنيه اميديله جانب آسمانه احاطه جاسوس نظر بيورلردى • سنه ۱۰۰۰ رجب الفردى اواخريته مصادف اولان بر بازار ايرتسى كوفى (بنى سله) محله سنده كائن (ام بشرى) بن البراء بن مغرور (رضى الله عنه) زيارته تشریف عالى وقوعبولمى ومشاراليه ايله برلكده صلوة ظهر قلنق اوزره محله مذكوره مسجدينه عزيمت بيورلمى اوزرينه عليه الصلوة والسلام حضار اصحابه امام اولد قلرى حالده ادا بيوريلان اوكله نمازينك ايكيجى ركعتده (يا محمد صلى الله عليه وسلم) سنك وجهك جهت آسمانه تردد ينى بز كوررز • بواجلدن بز سنى راضى اولديغك قبله به تحويل ايدرز • ايمدى يوزيكى مسجد حرام سمته صرف ايله وبر و بحر و شرق و غرب هر نه طرفده اولور ايسه كز يوزيكى اول مسجد جانبنه چويرك تحقيق اول كندولره كتاب ويريلان كسنه ربوتحويل ربلى طرفدن حق اولديغى بيلورلر • وانلك بوتحويللى انكارلى محمدلرندن الله تعالى غافل دكلدر) مفهوم منيفنده اولان ﴿ قذرى قلب وجهك فى السماء فلتبولىنك قبله ترضيها قول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره وان الذين اوتوا الكتاب ليعلمون ان الحق من ربهم

وما الله بغافل عما يعملون ﴿ ايت جليله سى شرف بخش نزول اولغله بالجملة رجال ونسوان حرم بيت الحرامه توجهله شادان اوله رق نمازى اكمال ومسجد القبلتين تسميه سيله مذكور مسجدى انجال بيورديلر • (استطراد براء بن غازبك «رضى الله عنه») (كعبة اللهى استقبالا لاول قلنان نماز صلوة عصر در) يولنده اولان روايتى على وجه الاكمال ادا اولنسان نماز ديمك اولوب يوقسه صلوة ظهري انكار ايلك دكلدر • انها ﴿ تحويل قبله ششايه سى منتشر اقطار اولغله كرك مؤمنين وكرك مشركين و منافقين محفوظ محفظة استعداد لرى اولان اسرار آشكار اولد يغندن ياك الا اعتقاد اولان اهل ايمان (الله وايناوله فى ذلك حكمة يجب علينا الرضاء والتسليم وهو يهدى من يشاء الى صراط مستقيم) ديديلر • لكن بيت مقدسك قبله كاه اسلام اولد يغندن ممنون وتحويلى جهتدن محزون بولنسان يهود طائفه سنك كيمى (محمد صلى الله عليه وسلم) بزم قبله مزه استقبالدن دونديرن بزه اولان حسديدن) وكيمى (محمد صلى الله عليه وسلم) ابا و اجدادى دينى ارز و ايدر • اگرچه توراتك ناطق اولديغى بغير موعود اولسه ايدى قبله يهود ده ثابت اولوردى) سياقنده وفسده مشركين (چونكه محمدك صلى الله عليه وسلم) بزم قبله مزه استقبال ايتكه نيتى وارايدى • بر قاج كون قبله يهوده توجه وجهه صلوة ايتسى نه فائده ويردى • اگر سابق اوزره ثابت قدم اولسه يعنى مكه دن بيت مقدسه دو نيمه ايدى • البته بر حقوق فائده بولوردى) طر زنده وكروه منافقين (محمد صلى الله عليه وسلم) ديننده متخير اولوب كاه شرقه كاه غربه توجهه باشلدى) سليقه سنده اداره كلمات مذمته قيام ايله دريائى بي پايان رسالتى لعاب كلاب و نفاقه زيله بولاندر مقى خصوصنه اهتمام ايلد كلرندن ﴿ مدينه نك يهود و منافقلرندن سفيه و بى عقللى يقينده درلر كه مسلمانلر نه جهته اولد قلرى قبله لرندن يعنى بيت المقدس دن دونديلر ﴿ معناسنى حاوى ﴿ سيقول السفهاء من الناس ما ولاهم عن قبلتهم التى كانوا عليها ﴾ ايت كريمه سى شرف بخش نزول اولوب زمرة موحدىنى رهين شادى

و سرور ایلدی * وان کانت لکثیره الاعلی الذین هدی الله * مفهوم
 جلیله سی اوزره تحویل قبله شر فوقوعندن بالجمله عالم یعنی دوست و دشمن
 رسول اکرم دو چار تلاش اولوب اهل اسلامک معاذ الله برنججه سی ارتداد
 و وجوه یهود دن ابن اخطبله اتفاق اید رک دائره اسلامیه ثبات ایدنلره
 (بو آنه قدر بیت مقدسه استقبال ایله ادا اولنان نماز یکز قرین قبول
 و هدایتیدر * یوقسه رهین صحرای ضلالتیدر * اگر رهین قبول ایسه
 طریق قبولدن انحراف ایتک از غولاق دکلمدر * و شاید رهین وادی
 ضلالت ایسه بو قدر وقت ضلالتده قالمش اولدی بکرمی) مقالات مذمت
 ایاتیه اعتراض ایدوب ((انما الهدی ما امر الله به والضلالة ما نهی الله
 عنه)) جوابی آلدیلر * برکون یهود طائفه سی الحاحیه کبار اصحابدن
 بر طاق ساده دلان موحدین تحویل قبله دن اول رحلت ایدنلرک نمازلی
 قبول اولنوب اولندیغی تصویریه رومال حضور اولوب عرض مافی الضمیر
 ایلدکلرندن * و ما کان الله لیضع ایمانکم ان الله باناس لر وف رحیم *
 آیت جلیله سی نازل و مشار الیهیم بو صورتله کجینه سروره نازل اولدیلر *
 معناسی (الله تعالی سزک ایمانکزی (یعنی صلاتکزی) ضایع ایتیر *
 تحقیق الله تعالی ناسه مر حتلودر اجر لرینی ضایع ایتیر و کاهلرینی
 عفو ایدیتیدر) دیمکدر * (غریبه) نورات شریفده موجود
 و منظور اعین علمای یهود اولان (مصلی القبلتین) آیت جلیله
 صریحه سی اقتضا سنجه مذکور طائفه نک تحویل قبله وقوعنی تصدیق
 ایلملری لازمکلور کن بالعکس دریای اصرار و عنادلی تلاطمهای انکار
 و سفن و جودلری لیمان دوزخده لنگراندا ز قرار اولمشدر * و فیه
 حکمة بالغة) اتمها * تحویل قبله خصوصنده صورت نمای مرآت
 ظهور اولان حکم بالغة سبحانه نک تمامی بیانی غیر ممکن اولدیغندن وجوه
 آتی الذکر بیان و اتیانیه اکتفا قلندی * (شویله که جناب سید الثقلین
 (صلی الله علیه وسلم) افندیما سوده نشین حریم حرم اولدقلری
 زمان تألیف قلوب اعدا ایچون کعبه الهی قبله اتخاذ بیورمشلرایدی *
 کفره قریشک دعوی کفر و ضلالتلری امتداد ایلدیکندن قبول ایمانه

مستعد اولدقلری نمایان اولوب حق پرست اولنلر تمیز اولنلق اوزره
 اهل اسلامک قبله سی بیت مقدسه تحویل اولنلر رق بعد الهجرة تأییس
 قلوب یهود ایچون برحق سنه قدر بیت المقدس قبله الاسلام اولوب
 یهود بد نهادک دخی عناد لری متزاید اولنجه یعنی فلاح
 طرفته هدایت اولنملری مستحیل الامکان کور و لنجه عبده حق
 عنده مطلقدن آیرلق اوزره شطر المسجد الحرام بینه قبله الاسلام
 اولدی * بودخی رسیده سرحد صحت اولان روایتدن در که تحویل
 قبله وقوعبولدقه معمار کارخانه شریعت علیه اکل التحیه افندیما مسجد
 قبایی بالتشریف اصحابیه برابر نقل اچار و دیوار محرابی شطر المسجد الحرام
 جهته دوندر مکه ابتدار بیور دیلر که حاکم ثابت و برقرار اولدیغی
 و اول نازکنمهال آزاده مدت عمر لنده کاه سوار و کاه پیاده اوله رق هر ججه
 ایرته سی کونلری مسجد مذکوره غزیمت و نمازی قیلدقد نصرکه
 «هرکیم طهارت کامله ایله ابدست الوب بو مسجد ده ایکی رکعت نماز
 قیلر ایسه بر عمره ثوابنه نائل اولور» نطقنی بالا یراد
 عودت بیوردیغی سند صحیح ایله نقل و روایت اولمشدر *

مقاله { ۷ } * غزای بدر الا ولی وقعه سی بیاننده در *

سید وثیق العهد و مہپاره مدنی المهد (صلی الله علیه وسلم) افندیما
 حضرته لری (سفر العشره) وقوععددن بش یاخود الی کون صکره لری
 کرز بن جابر الفهرینک بر بلوک اشقیای قریشله مدینه اطرافده اولتلامقده
 اولان حیواناتی نهب و غارت ایلدیکنی استماعله زید بن حارثه بی
 رضی الله عنه قائم مقام خلافت کبر اولوای نصرت احتوای شریفی ید عالی
 مر تضایه (رضی الله عنه) اعطا ایدرک روپراه تعقیب اولوب
 سفوان (بدر طرفنده بر ناحیه وادیسیدر) نام موضعه مواصلت
 و مشهور اولان حیوان ایزلری دلالتیه کرز بن جابرک طولامجاج
 و حقیقهار یوللره صایدیغنی اکلیوب عودت بیوردیلر *

مقاله { ۸ }
 صیام رمضانك فرض و صلوٰة فطرك واجب پیورلدیغی بیاننده در

تحويل قبله وقوعندن برماه صكره ارجح مقان ايله (كتب عليكم الصيام) آيت جليله سی نازل اولوب كتب فقهيده مسطور اولدیغی اوزره رمضان شریف شهرنده اوروج طوتلسی فرض وعید الفطره ایکی کون قاله رق صدقه فطرا عطا سی واجب پیورلمش اولدیغندن حضرت رسول خدا علیه من الصلوٰة ازکیها افندیغی دفعه اوله رق صحرايه رو براه اولوب عید سعید نمازی بی قیلیق اوزره نزد همایونلرنده بولنان حربۀ اهنی سترۀ نمازگاه ایلدیله (استطردا شبو حربۀ ملك نجاشینك اسلحه مقبوله سندن اولوب اسمی (عزّة) ایدی زبیر بن العوام رضی الله عنهمک ممالك حبشه یه هجرت ایلدیکی زمان نجاشینك محارب بولمسی وجناب زبیر صفت بهادری ايله موصوف و مشهور اولمسی اوزرینه الله کی حربۀ سنی اعطا و میدان مبارزته سوق واسرا ایدرك مشهودی اولان مهاجۀ دلیرانه سنك جالب نصرت اولدیغنه مبنی کندوسنه فوق مایتصور اکرام و تبرک حربۀ مذکور ی دخی احسانله بکام ایلشیدی • زبیر مشار الیه (رضی الله عنه) (بدر • واحد • وخیر) غزالرنده اثبات دلیری و شجاعت و استحصال رضای همایونه هر وجهله سعی و غیرت ایلدیکنندن حضرت رسول پروردگار سالف الذکر حربۀ بی اخذ ايله حلول اعیاد شریفه و ظهور اسفار مبارکه ده سترۀ نماز پیورمغی اعتیاد ایلدیله • انتها

مقاله { ۹ }
 غزوة بدر الکبرا وقعه سی بیاننده در

اوچنجی فصلاک اوچنجی مقاله سنده تفصیلا بیان اولنان (غزوة العشرینك) بادی و قوعی اولان کاروانك شام طریقله عودت اوزره اولدیغی (بدر سپهر وفا و مهر آسمان صفا صلی الله علیه و علی اله الاصفیا) افندیغی عرصه و اخطار قلمنسی اوزرینه لاجل التحقیق (طلحه بن عبدالله و سعد بن زید) رضی الله عنهما شام طرفنه ارسال و اون کون صكره حسب الاراده مجتمع

اولان دلیران مهاجرین و دلاوران انصار دین (رضی الله عنهم) حضرتاته خطابا (ای اصحاب اموال متنوعه ايله مالامال اولوب شامدن متهمی عودت اولان کفار قافله سنی ضبط و تسخیر غیرت ایتکلکمز لازمکلور) نطق شوق افزا سنی ایراد ايله اصحاب کرامی متهمی جنگ وجدال و هر کس حالنجه سلاحتوب (ع) الدیلر اورتیه اول ماهی دخی هاله کبی • مفادی اوزره نزد همایونده اجتماعله اظهار مراسم فرمانبری یه اشتغال ایلدکری ایلدن ابن ام مکتومی (رضی الله عنه) کارفرمای مسند خلافت و رمضان شریفك اون ایکنجی کونی متوجه جانب مقصود اولوب (روحا) موقعنده کائن (عته) قیوسی حوالیسنه مواصلت پیوردیلر • اشبو منزلده نابالغ اولان و محارب به مقتدر اولمیا نلرله صدمات عوارضاتله مجروح بولنانلر و اظهار عذر شرعیه ایدنلر بالتفریق قریش کاروانك ضبط و تسخیری ضمننده مشرکین ايله ملاقات اولمق ملحوظ اولمق حسبيله اعتذار و اهیه ابراز یله رخصتیاب انصراف اولنلر منکننه لوم و تو بیخله تضییق ایدلد کدن صكره (۶۴) نفری مهاجرین و باقیسی انصار دین فرقه فحیه لرندن اولمق اوزره حرب و ضربۀ قادر تمام (۳۰۵) بهادر انتخاب و اثنای عودتده عذر شرعیه ايله معذور بولنان (۸) صحابه بی دخی حصۀ غنائمله کامیاب پیوردیلر • (استطردا معذور اولان صحابه نك اوجی سلك عالی مهاجرین دن اولوب بونلرک بری جناب امیر المؤمنین عثمان بن عفان (رضی الله عنه) در که خلیله مکرمه لری (رقیه) بنت رسول الله نامزاج اولدیغندن خرامان روضۀ جنان اولنجیه قدر باراده سید البشر خدمت علیه مشار الیهها ايله مفتخر اولمشدر • ایکسیدخی شام طرفنه کوندریلان (طلحه و سعد بن زید) در رضی الله عنهما • و دیگر بش نفری دخی انصار دن اولوب بونلرک بری ابن ام مکتومک (رضی الله عنه) یرینه مسند نشین و کالت اولمق اوزره روحان اعاده قلمش اولان (ابولسایه بن عبد المنذر) در • و دیگر حاکمک صفتیه قبای عالیه افراد ینه کوندریلان (عاصم بن عدی العجلانی) و بر سیدخی

امور نبوی تسویه سیچون بنو عمرو و عوف بن عوف طرفه اعزام قلنان
(حارث بن خاظم) رضی الله عنهم در • در دینی و بشجیسی دخی
را کب اولد قلری دوه نك سرکشکی جهته قضاء دوشوب
سقطند قلرندن کیرویه کوندریلان (حارث بن الصمه و خوات بن
خیر) رضی الله عنهما در • تم الاستطراد اشبو سفر حیرت اثرده مقدار
ابن اسود و ابی مرثد بن مرثد الغنوی وزیر بن العوام (رضی الله
عنهم) آتلا اولوب (۷۸) نفر جلسوار اولدیغی و ایچلرند (۶) نفر
زرهلوا یله (۸) سیف هندی صاحبی بولندیغی حالده (۳۰۵) صحابه
کرام (رضی الله عنهم) بولوب هر برده یه مناوبه طریقله اوچراوچر
راکب اولورلردی • حتی روحادن حرکت بیورلدیغی اثناده (علی المرتضا
وزید بن حارث) رضی الله عنهما شریک سواری یکنانه عالم صلی الله
علیه وسلم اولد قلرندن نوبت رکوب مشارالیهما یه انتقال ایلدیکی کون
شهو سوار عرصه لولاک صلی الله علیه وسلم افندیملک راکب اولسنی
استدعا ایلدیله • لکن (ما انما باقوی منی علی المشی و ما انا باغنی عن
الاجر منکما) جواب حکمت اقتضاسیله اظهار التفات بیورلدی • مرحله
روحادن قیام بیورلدیغی زمان لوای نصرت احتوای نبوی مصعب بن
عمیر (رضی الله عنه) اعطا و عساکر انصار ایچون دخی ایکی قطعه لواء
شیکون اعمالده اعتنا بیوریلوب بری صفدر غالب علی بن ابی طالب
ودیکری سید الخزرج سعد بن عبادہ (رضی الله عنهما) یه تسایم
اولد قد نصکره قیس بن ابی صعصعه بنی (رضی الله عنه) کیرویه
قالا نلری تشویق و تسویه طریق مأمورینه بالترتیب دشمن قافله سنک
ورود و عدم ورودینی تحقیق ضمیمه بسبس بن عمرو و عدی بن ابی
الغبا (رضی الله عنهما) بدر وادینه سوق و تسریب اقلندی •
مشار الیهما محل مأموریتلرینه مواصلت و صو ایچمک حمله سیله
اوجوارده بولنان قیو باشنه اینوب اواراق صوآ لمقدمه اولان ایکی عرب
قیزیک وقوع کفنگولرینه حواله جاسوس دقت ایدوب بربرینه
استرحام نوبتله ایدهما آخره (انشاء الله بوکون یا خود یارین ابوسفیان

قافله سنک ورودی ملحوظدر) دیمارینی و مجدی بن عمرو البهینی
حاضر بولوب بولرک مدعاسنی تصدیق ایلدیکنی استماع ایدرک بیان
کیفیت ضمیمه عودت ایلدیله • بولری متعاقب قریش قافله سی غبار
نمای ظهور و ذکر اولنان قیو باشنه ضرب خیامه مجبور اولوب فقط
ابوسفیان مجدی بن عمرو و روداسلا میاندن سؤال ایلدی • و (کسه بی
کورمدم ایسه ده برده یه راکب ایکی مرد محارب کلوب قریه لرینی املا
ایلدیله) یولنده بر جواب الدی • و بوجوابدن تلاشه دوشه رک و مشار
الیهما نك یولنی سؤال ایلهارقه لرندن کیدرک تصادف ایلدیکی بر طاق
دوه ترسلرینی پارچه لیوب ایچلرند خرمایچکردکی بولدیغندن (والله
بودوه تزه کی مدینه دوه لرینکدر) دیوب جهت ساحله اماله زمام
و مکهمکر مه یه طوغری توجیه مطیه مرآم ایلدی • (استطراد • ابوسفیان
شامدن چیقدیغی زمان موکب نبوی علیه صلاوات الله القوی نهضتی
استماعله پراکنده خاطر اولغله اجرت و فیره ایلده (ضمیم بن عمر الغفاری)
اسمیده بر مرد عیاری ام القریه اعزام واکا بر قریشیه دن امداد
کوندرلمسنی نیاز و استرحام ایتشیدی • انتها) ذکر اولنان (ضمیم)
مکه یه وارمز دن اوچکون اقدم (عاتکه) بنت عبد المطلب عالم رؤیاده
بر واقعه حیرت افزا کوروب علی خلاف العاده برادری عباسه افاده ایدرک
(ظن ایدرم اوچکوند نصکره قریش سرکشلرینه بیوجک بر زیان اصابت
ایده جکدر) دیمسی و مشارالیه استکشاف حال الیمسی اوزرینه (رؤیای
عاتکه) (بوکیجه آینه عجایب نمای واقعه ده کورد مکه صحرای مکه ده
دوه اوزرنده بر شخص ظاهر اولوب (۳) دفعه (ای قوم اوچکونه قدر
مملکتلیکزه امداد ایدک) دیوآجی بر آواز ایلده اهل مکه بی تو حیش
ایلمشدر • اها لی مکه شخص مر قومک یانه طویلنوب برلکده داخل
مسجد الحرام اولد قلرینی متعاقبینه اول شخص جلسوار بیت اعظم
اوزرنده اندا نمای حضار اولوب سابق و جهله فریاد و فغان ایلدی •
بعده جبل قیسک تپه سنه صعود ایلده آجی باغرد قدن صکره بالای
جبلدن بر طاش الوب محلات مکه اوزرینه فرلا تدی • اشبو طاش

طاغك دینه دوشمسيله هزار پاره اوله رق هر بر پارچه سی بنو هاشم و بنو زهره قبیله لری خانه لرندن غیر بیوت اهل مکة نك جله سنه اصابت ایتدی) یولنده وقعه واقعه سنی تفصیلا تقریر ایتدی • مشار الیه دخی همشیره سنك رؤیای مشهوده سنی یاروفادار ظن ایلدی کی ولید بن عتبه ابن ربیعہ یه بیان وکسه یه سویلا مسنی ذکر واتیان ایدوب فقط ولید کیفیت پدینسه افاده ایلد یکنندن عانکه نك رؤیای سی همان اول کون میدانه چیتدی • جناب (عباس) ایرتسی کونی بیت اعظمی بعد الطواف (ابو جهل بن هشام وشیه و برادری عتبه بن ربیعہ و امیه بن خلف و ابی بن خلف و زمعه بن الاسود و ابو البختری) و سائر نك تصدرا یلمش اولد قلری انجمن شورایه عزیمت ایلدی • ابو جهل لثیم (یا ابا الفضل همشیره کز عاتکه مرتبه نبوته نوقت واصل اولد یکه بویه بر رؤیای عجیبه کور مشدر • ارلر یکنزك دعوی نبوت ایتسنه قانع اولیوبده نسوانکز کدخی پیغمبر اولسنی مراد ایدرسکز اگر چه عاتکه نك روایتی اوزره اوج کونه قدر قریشه شراره آتش شر اصابت ایتنر ایسه جله نك اکذبی (بنو هاشم) قبیله سی اولدیغنی مبین براعلان نامه املا و صنادید قریش اسامیلر یله امضا ایدرك قبائل عربیه اشاعه ایده جکزدرد) مألده هذیان پاش مقال اولدیغندن مشار الیه متهور اوله رق اول لعین بی دینه سو کوب صاید قد نصکره «کاذبک صفت مقدوحه سی سکالایق و قفادارلر یکل اندامنه بچلمش بر خفتان موافقدرد) دیوب عودت ایلدی • لکن نسوان عبد المطلب سعادتخانه مشار الیه اجتماعله ابو جهلدن اخذ ثار انتقام ایتد یکنندن طولانی سرزنش ایتکه باشلد قلرندن ایرتسی کونیکه (رؤیای مسروده نك او جنجی کونی ایدی • کمال غضب و حدتله مسجد الحرامه عزیمت و اول لعین بی دینی خارج مسجدده کوروب فرار ایدر ظنیله ابراز علایم شادی و مسرت ایلدی • مکرک ابو سفیانك شامدن کوندر دیکی حریف بر هیئت مخوفه اوزره دامن صحرادن ظهور و شعار استمداد ایلده (ای وجوه قریش الغوث) «صدای چیتدیغنی قدر یاردم طایبله باغرمق معناسنه در) وای آل لوی

ابن الغالب النفیر النفیر (برجاعتی قتاله جمع ایتک دیمکدر) که محمد (علیه السلام) ابو سفیان قافله سنی ضبط و تسخیر قصد ایتشدر • اللطیبه اللطیبه (بر محله مشک کتوریر قافله مألده در) که ابو سفیان قطارنده بولنان لطیبه لریکزه مضرت ایرشمسی مقرر در • اگر بوقافله نك مدینه ایرمز ایسه کز کر و انك الدن کندیکی کوندر) فریادیلده کفاری بی شعور ایلش اولدیغندن صنادید قریش مالزمه سفریه تدارکنده مشغول اولمش ایلش) اول سرخوش شراب کین یعنی ابو جهل لعین عوعوه کلیه ایلده (عجبا محمد (علیه السلام) بوقافله بی ابن الحضرمی قافله سی کبی می ظن ایدر لاوالله ورب الکعبه) دیدکن صکره سهیل بن عمرو و ربیعہ بن الاسود در قافله امداد قافله ایچون کوشه بکوشه طولاشوب متعهد نصرت و ظفر اولدیغندن بالجمله کفار کز اولنان رایت ضلال علامت اطرافنده اجتماعدر کار اولدیله • امیه بن خلف واقعه مشروحه دن رهین خوف اوله رق شیخوختدن بختله اشبوسفر شامت اثره کتاملک داعیه سنده ایکن کبرای قریشدن ابو جهل بر مکمله سیم اندود (صرمه کوشیله اشلش کار کف قو طیسندن کنایتدر) و عتبه ابن ابی معیط دخی بر مجره عود آلود (عادت اوزره بر بخوردانندن عبارتدر) ایلده ظهور ایدرك (میدان حربه کتمکه احتراز ایدن لیره لایق اولان بونلردر) یولنده استهزا ایلد کلری جهتله (قبیح کم الله و قبیح ما جشم به) دیوب موافقت ایلدی • روایت اخر مفادینه کوره بو وقعه دن اقدام کبرای انصار دن سعد بن معاذ (رضی الله عنه) لاجل الزیاره مکه یه کیدرك امیه ایلده اولان معارفه لرینه بناء انك خانه سنده مسافر اولدیغنی و بر کون مر قومه دیز بدیز اوتور مش بولندیغنی حالد ابو جهل کوروب (سن بزم دوشمنمزی حفظ و حایه ایلین طائفه دن دکامیین • اکر صفوان بن امیه بن خلف مسافر ی اولمیدك البتد سنی هلاک ایدردم) دیمسنی مشار الیه عنقله رد ایلد کاه امیه (یا ابن معاذ بونلر ابو الحکم و سید الوادیدر • بونلره بو صورتله جواب و یرمک پیکده مناسب دکلدرد) دیدی

ایسه ده مشا ر الیه اعطای جوابه سر انا ز اولوب (یا امیه سن
 بونلری ترک ایت • زیرا بن زبان عجز بیان نبویدن ایسته مکه بونلره
 معاونت و طرفدارلق ایدنلر مقتول تیغ اسلام اوله جقدر) عجزنده بیان
 حال ایلد یکندن امیه نك وجودینه رعشه خوف کلوب (یا سعد
 رضی الله عنه) محمد (علیه السلام) قتل اوله جق موقعی تعیین
 بیوردیمی • و سن بو کلامی دهن سکر شکن همایوندن بلا واسطه
 طویدکی) زمینده استجواب ایله (والله بن دهن لؤلؤ پار سعادتن
 بالذات طویدم • فقط موقع قتلی تعیین بیورمدیلر) سیاقنده اخذ
 جواب ایلد کده (محمد (صلی الله علیه وسلم) یالان سویاز و کلامنک
 نتیجه بولم سنده شبهه اولمز) دیدیکی وقعه بدرک مبادی حدوشنده
 عقلنه کلدیکنه بناء حربه کتساک استیوب لکن ابو جهلک دام اغفال
 و احتیالنه دوشدیکی و دیار عدمه قدر اوزون بر سفر ایلد یکی اجلدن
 کلام عجز نظام نبوی ساحه نمای وقوع اولدینی اکلاشیلور • (صدق
 سید المرسلین الصادق الوعد الامین) • ابو سفیانک شامدن کوندردیکی
 حریفک ظهوری عاتکه نك واقعه سنه تمامیه توافق ایتسندن (حارث
 بن عاص و عتبه و شیبه و حکیم بن خرام و ابو البختری و عاص بن منیه)
 اندیشه دورادوره دوشوب (بو حرکت موجب و خامت و مستوجب
 پریشانی و بدا متدر) دیهرک بر دور لو اعتذار سر دیله حربه کتساک
 استیوب لکن ابو جهل و نضر بن الحارثک لوم و تو بیخارینه طیانهد قلرندن
 بالضروره موافقت کوستر دیلر • وقعه مشر و حه دن ابو لهبدخی
 متوهم اولوب (لات و عزی حقیقون بوسفره نه کتدم کیدرم و نه ده
 بدل کوندیریم) دیمش ایسه ده رسیده نظر تحقیق اولان روایات
 متواتریه با قیادیغی حالده (عاص بن هشام المغیره) نك ابو لهبه درت بیک
 درهم دینی اولمغه اشبوا قچه دن واز کچه رک عاص بن الهشامی بدل
 کوندرمش اولدینی اکلاشیلور • رؤسای کفره اشبو اختلافاتک
 اوکنی الد قد نصکره ترتیب صفوفله مکهدن بر مقدار آریلوب فقط بنو
 کانه قبیله سیله ارازلنده اولان بغض و عداوت خاطر لرینه القای دغدغه

رجعت ایلد یکندن ابلیس لعین کانه قبیله سی سیدی (سراقه بن
 مالک بن جعشم الشاعر) هیئت کبر رک وارقه سنه بر چوق عسا کر شیاطین
 اخذ یله قریش اردوسنه داخل اولوب (وقال لا غالب لکم اليوم
 من الناس وانی جار لکم) مصداق جلیله سی اوزره (قبائل عربده
 سزک کبی بهادر و بنی آدمده سزه غلبه ایده جک بر قبیله بسالت مأثر نادر
 اولد یغندن اگر بوسفره عزیمت ایدر ایسه کز قومشولغم حبسیله بندخی
 همرو قافله کز اولورم) دیمشدر • دشمن فرقه لری سراقه نك
 بوصورتله موافقت و مرافقت ایدیشینه مغرور و مخفه نشین مرافقتلری
 اولان غایبه لرک زمزمه عربانیه ایله مترنم اولمیرینه اعطای
 دستور ایدرک آلات اهو و طرب یوکلر اولان دوه لری سوروب مقتلکاه
 بدره عزیمت و میقات شامدن اولان (حقه) موضعی قرینه بر محله
 ضرب خیام مواصالت ایلدیلر • بو موقعده اولاد عبد منافدن جهیم
 بن الصلت اسرار داشلرینه توجیه و جهة خطابله (واقعه)
 (بو کجه عالم معناده برمر دسوار ی ظاهر اولوب یاننده
 اولان شتر عجیب الهیکل ایله قریش عسا کری اوزرینه طوغری کلدی •
 وعلنا) عتبه و شیبه و زمعه بن الاسود و امیه بن خلف و ابو الحکم بن
 هشام و ابو البختری و نوفل بن خویلد و فلان فلان) مقتلکاه بدرده
 هلاک اولدیلر • دیهرک وقعه بدرده تلف اولان اشقیانک اسامیسنی
 ذکر و اتیان ایلد کد نصکره اول شتر عجیب الهیکلک بو غازی کسوب
 قریش عسا کری اقامتکاهنه سور دی • واشبودوه بو غازی قانیله
 خیام قریشیه نك جمله سنی خونین نك ایلدی) دیو کوردیکی قورقیلور
 رؤیاسنی تقریره شتاب ایلدی • بو وقعه سامعه ابو جهله و اصل اولد قده
 (بنی عبد المطلبده بنه بر پیغمبر ظهور ایتدی • اما یارین میدان حربده
 رهین خاک فنا کیمر اوله جغی معلوم اولور) طر زنده عرض مباهاات
 ایتدی • ثنیة الوداع دینلان محلدن پکر لر ایکن (عتبه و برادری
 شیبه بن ربیع) نك کوله سی ایکن قبل الهجره طائفده مسلمان اولان
 (عداس) بر کاره چکیلر رک رسم یکید اجر اسنده اولان صفوف اشقیایه

احاله جاسوس نظر ایدوب بونلرک ایچنده سالف الذکر مالکری (عتبه و شیه) بی کورنجه فریاد نفرین ایلرکا بلرینه صاریلوب (روحی فداکا یاسیدای محمد (صلی الله علیه وسلم) پیغمبر امین • و رسول رب العالمین در • انک اوزرینه هجوم ایده نک هر حالده هلاک اولسی مقرر در • همان هوا دارلریله برابر عازم نیران اولان ابو جهله مر اففت ایتوب عاقلانه بر صورتله حرکت واشبو سفر شامت اثره کتاما که غیرت ایدک) دیدیکندن عتبه برادری شیه یه ای برادر عاتکه و جهیمک رویاری وعداسک فریاد و صیحه سی بوسفر شقاوت اثرک وخیم العاقبه اولدیغنه علامت و بزم ایچون عودت ایلک موجب سلامتدر) دیمسی شیه یه تأثیر ایدرک عودته قرار ویر دیلر • بو قرار ی متعاقب ابو جهل متوارد اولوب (سزک بشره کزده اثار مغایرت کوزو یورم • بونک وجهی ندر) یولنده استجواب و (ارتق بزور دن عودت ایده جکن) نهچنده اخذ جواب ایلدیکندن دسائس شیطنله بونلریدیخی قاندر وب داعیه رجعتی ترک ایتدر مشدر • کروان مکیه نک دارالامان مکیه سالما واصل اولدیغی و جناب محمد (علیه السلام) حضر تلرینه بدخواهلق ایدنلرک پراکنده اوله جققری مستغنی استبان بولندیغی جهتله بلا توقف عودت ایدلمسی لازمه دن اید وکنی مبین ابوسفیانک (قیس بن امر القیس) واسطه سیله اباجهله کوندر دیکی مکتوب بو محله وارد اولوب لکن مقتلکاه بدرده صهیایرینه زهر قاتل ایچه جکنه • و غایه لرینک سینه زن و مر سیه خوان اوله جققرینه • و عربان طائفه سنه اطعام طعام کیفیتنه بدل لاشه عربان و مغز استخوان مر دارلرندن جماعت مار و موره ضیافت ویره جکنه • غافل اولان مغرور سر بره وایغی ابو جهل اسک اقا زانوی تکبر اوزره کلوب و معبود بدبودی اولان لات و عزیزیه اند ایچوب «وادی بدره مواصلته اقامت و ترتیب مجالس عشرت ایتدیکه • و ساقیلریمز او جکون او جکیجه عسا کرمنی مست شراب سرور ایاحیجه • و دخترلریمرا و از دنا و از ایله مجلسارده زمزمه سازا قطار حجاز اولوب هر بریمزی مدهوش باده شوق ایلدیکه • و باشمزه جمع

اولان قبائل عربان اطعام طعام احترام ایدلمیجه • عودت ایلک امر محال اولوب چونکه بویله برنمایشه ابراز بسالت و شجاعت ایدرایسک دبدبه سطوت و وصولت دهشت انداز روی زمین و مال و منال و نسوان و رجالر تعرض محمدیاندن خلاص و امین اولور) جواب ندامت ایجابی اعطا ایلدی • کندن قیس بن امر القیس عودت و کیفیت ابوسفیانه نقل و حکایت ایلدی • ابوسفیان یاقه سنی چاک ایله (واقوماه هذا عمل عمرو بن هشام یعنی ابو جهل) دیوب ابو جهلی بوداعیه دن یکورمک تصور یله یوله روان و کیر و ده قالان بقیه قافله ایله همغان اولوب محاربه بدره ایرشد کده سیف سرتیز اسلامه وجودی بر قاج محاندن مجروح اولدیغی حالده بر تقرب جنسکدن صیریلوب مکه یه کریزان اولدی • نصیح و پند ابوسفیانه متأثر اولوب رفاقتنده (۳۰۰) مرد بهادر بولسان بنی زهره قبیله سی خلیفی (ابی بن شریق التقی) یاننده اولان سالف الذکر عسا کرله برابر مجبور عودت اولدیغندن قبیله سی سرکشیرینه (ارتکاب ایلدیکمز اشبو مشاق سفریه کروا غزی حایه افکار یله اولوب بحمد الله مالمر و رجالر دارالامان مکیه سالما ایصال قلمشدر • بزه لازم اولان سفهای قریشه عدم متابعت و محمده (علیه السلام) سل سیف خصوصندن محاببت در • چونکه مشار الیه سزک برادر زاده کز اولمغله اگرچه پیغمبر صادق القول ایسه سزه مباهات ایتک و شاید امر بالعکس ایسه محاربه دن احتراز ایلک کرکدر کلمات مقنعه مشفقانه سنی ایراد ایدرنک و علی طریق المواضعه نامزاج اولوب عقرب صومقش آدم کبی ایکی قات بو کوله رک بیرلره قیانون فریاد و فرط تلاشه افراد قبیله دن استمداد ایتدیکندن افراد قبیله سی (نامزاج اولان شخص اگرچه سردار قافله مزاولیوبده افراد قبیله دن بری اولسه یله ارتحال دار بقا و یا خود استحصال رتبه افاقت و شفا ایتدیکه براغوب کیده میز) مفادینی در میانله عودت ایلدیلر • «استطراد) شریق سالف الذکرک اشبو حیلله لطیفه سی بالاخره میدانیه جیمقش اولدیغندن کند و سته اخنس اطلاق اولوب فقط افراد قبیله وادی بدره کتدکری و بنی عدی

قبيله سى دخی فرقه قريشه متابعت ايتدکلى اجلدن بوايکى قبيله دن
مقتلگاه بدرده هلاک وتلف اولان بولمى • قبيلتين مذکورہ افرادندن
ماعددا اصح اقوال اوزره (۹۵۰) مبارز جنگ آور مرتب اولان ادوات
ساز ومهمات سفریه رعب انداز وزره کونا کون ودختران زهره آواز
وبرآلای غانیة دنواز ايله جغه موقعندن نهضت وسلخ خانه بدره عزیمت
ايلدیلر که بونلرک یوز نفرى جلسوار وديکریوزى آنلواولوب بونلرله
برابر پیاده لرینک دخی اکثریسی ز رهپوش ایدی • عساکر
مرقومه یی کل یوم اکابر قريشیدن برى اطعام ایتک جله مقاوله دن
اولمغله مکه دن حرکت ایلدکلى کون ابو جهل
طرفندن (۱۰) رأس وایرتسی کونی (عسفان) منزله صفوان بن امیه
طرفندن (۹) رأس و (قدیر) موقعنده سهیل بن عمرو جانندن (۱۰)
رأس وصباحیسی بیابان وادیده شیبه بن ربه طرفندن (۹) ودها
ایرتسی کونی (جهینه) مر حله سنده عتبہ بن ربه طرفندن (۱۰) رأس
وبر کون صکره (ابواء) موقعنده مقیس بن حبابه طرفندن (۹) رأس
والحاصل بدره وارد قلری کونه قدر اشبو ترتیب ايله عباس بن عبدالمطلب
والحرث بن نوفل وابوالبختری ايله سالف الذکر مقیس طرفلندن ایجابی
مقدار دوه ذبحیله اشقیای قريشه ضیافت ایلدکد نصره اشغال نأره
حرب ایلدیلر • سپهسالار اسلام علیه افضل التحية افندیمن دخی
وادی (صفراده) واقع (زفراف) نام موقعه ایرشدیکى کون حضرت
جبریل نزول ایدرک وقوعمالی بیان ایلدیکندن قريشیلرله حرب اولنوب
اولنماق خصوصنده (وشاورهم فی الامر) مصدوقی اوزره اجله
ایجابی جلدله استشاره ومشارالیهام زمام رأیلرینی حرب اولنماق
جاده سنه اماله ایلدیلر • اشبورأیدن سیمای حضرت سیدالبشر (صلی الله
عليه وسلم) مغبراوله رقی ابوسفیانک ساحل بحر دن عازم القرا وابو جهلاک
سفهای قريشه ايله منتهی غوغا اولدیغنی و دشمن محاربه سندن مجانبیت
مغایر شعار اسلامیت بولندیغنی ذکر واتیان ايله ویر دکلى رأیی مؤید
مأل اوزره بر جواب دخی الدیلر • بونک اوزرینه حضرت ابو بکر

الصدیق (رضی الله عنه) مرأت خاطر سید الابرارک اشبو جواب
نامأمولدن رهین انکسار اولدیغنی حسله مشرب پاکیزه همایونلرینه
موافق صورتله برنطق ایراد وفاروق معالی منقبت دخی حرب ایدلمک
خصوصنده اظهار موافقتله (صلی الله علیه وسلم) حضرتلرینی دلشاد
ايلدکلى رندن جانب سنی المناقب نبویدن ابراز مسارو کیفیت اجله انصاردن
بتکرار استخبار پیورلدى • بواثنا سادات مهاجرین دن مقداد بن
الاسود (رضی الله عنه) (یارسول الله بزسکا فرما نبر اولوب برموی
ناچیز یکر اوغرنده فدای جان وسر ایتک داعیه صحیحمنده یز) دیمه سى
خاطر فروز سید الثقلین اولمغله بشره منوره لرنده نور سرور پرتو افروز
اولوب • ابشر واعلی الناس • مقاليله افکار وجوه اصحابی استفسار
وايکنی فصلاک اون برنجی مقاله سنده محرر اولان معاهده انصاریه
حکمتک مدینه خارچنده دخی جاری اولوب اولدیغنی استطاقه ابتدار
پیوردیلر • وسعد بن معاذک (رضی الله عنه) حکمت استطاق همایونی
فهمله (والله لیکنک تریدنا یارسول الله) دیمسنى تدقیق ضمننده (یاسعد
اجل) دیوب (یارسول الله بزستک نبوتکى تصدیقله سرافراز جهان
اولد یغیز زمان تسطیر قلنان معاهده نامه احکامی هر حال ومحلده
اجرایه متعهد ز • اراده کنز نه مرکز ده ایسه علی الرأس والعین جناب
احدیت حقیچون قوم انصارک جله سى فرمان جهان مطاع همایونکزه
مطیع اولوب هر نیه مشايرت پیوراسه سایه رکا بکزدن ایرلزلر • همان
صفای قلبله مقاتله اعدایه اهتمام پیورک • انشاء الله تعالی اثنای محاربه ده
بیم جان وانديشه خانمان خاطریمزه کلز • زیرا مشعلفروز مقاتله ده
هر بریمز بر مر دآتشپاره نبرد اولدیغیز جهنم حین مضاربیه ده
مهاجمه دلیرانه مر دن رونما اوله حق شاهد دلارای فتح وظفر ايله
قریرالعین افتخار اولمغلى کزى ذات واجب المطلقدن مأمول وتمنا ایدرز
جواب صوابی الدیلر • سرور دین پرور صلی الله علیه وسلم افندیمن
جناب معاذ دن الدیغی جواب شوق ایجاب اوزرینه • سزه مرده
ایدر مکه حق تعالی حضرتلری قافله ابوسفیانک ویاخود منتهی جدال

اولان کفره خذ لائک یا یمان اهل ایمان اوله جغنی وسیف سـطوت
اسلامه اما ظم قریشک نه محله قتل و هلاک ایدیه جگنی جبریل امین
واسطه سیله بیان بیوردی) مقاله قسوت ازاله سنی بالا یراد هر حله
مذکور دن حر کتله مقلکاه بدره قریب بر برده ضرب خیام واقشام اوزری
بر قاج صحابه ریاستیه دلاور غالب علی بن ابی طالبی (رضی الله عنه)
اردوی کفاری تفتیشه اعزام بیوردیلر • مشارالیه اشارت اولنان محله
واروب (بنی الحجاج و بنی العاص بن سعدک) (اسلم) و (ابویسار) اسمنده
ایکی کوله لرینی درد ستله احضار ایلدی • سید عالم صلی الله علیه وسلم
افندیمن نماز ده بولند یغندن اصحاب کرام طوتیلان اسیر لری استنطاقه
قیام ایدوب کوله لریشک صحتنی ذکر و اتیان ایلد بکه (یالان سویلر سکن)
دیه رک اشکنجه یه قرار و بر دکلرینی کوروب (ابوسفیان خدمتکار لرندن)
دیه رک خلاص اولدیلر • علیه الصلوٰة والسلام افندیمن نمازی بالا کمال
(بواسیر لر ابتدا طوغری سویلیوب لکن صکره اشکنجه کزه تحمل
ایده مد کلرندن اختیار کذب ایلدیلر • یوللور فق و ملائمتله قرارگاه
قریش و مقدار جیش دقیقه لرینی سؤال و انلردخی (منزلگاه قریش
شو کورینان قوم تپه سئک ارقه سمند اولوب فقط مقدار لری بزجه
مجهول ایسه ده کلیتو عساکر لری وارد) مأثمه بسط مقال ایلد کلرندن
(عساکره یدرملک اوزره کونده قاج دوه ذبح اولنور) طرزنده اولنسان
سؤال همایونه (بر کون طقوز بر کون اون دوه کسلور) جوابی و یردیلر •
اشبوجواب مهملدن جنود قریشیه نک (۱۰۰۰) دن نقصان (۹۰۰) دن
زیاده اولد یغنه کسب اطلاع بیور لمغله رؤسای قبیله دن کیلرک
بولند یغنی صور ویده (عتبه بن ربیع و ابوالخنتری الی آخره برابر)
جوابی النجه (سیاهلر کیمش اولان کعبه خاتونی جکر کوشه لرینی سزه
کوند رمشدر) مألیله غزاة موحدینی تشجیع بیوردیلر • منزلگاه اسلام
حیوان صوار یله جق قویولره بعید و عساکرگاه کفار ایسه ذکر اولنان
قیولره قریب اولوب حتی هر کز مؤمنین یومشاق قوم دریاسی اوزرنده
بولنق حبسیله بالجمله اصحاب خواب راحتیه شتاب ایله بر چوغی احتلام

اولدیلر که هنوز آیت تیمم نزول ایتماش اولد یغندن ابلیس لعین القای
وسوسه شیطانیه یه قیام ایله (ای محمد صلی الله علیه وسلم) عاشقاری
کند و کزی مؤمن و مقبول درگاه مهممن صانوب آخر زمان پیغمبری
بزمله برابر دیرک مظفر اولمق امیدنده سکن • ای بیچاره لر نیچون
بر کره دوشمنز • ونه حالده اولد یغنه کسب و فوق ایلز سکن که شر یغنه
حدث اکبر و اصغر اولان غسله محتاج اولوب دینک زجه فرض بولنان
نماز دن محروم قالد یکن • بونکله برابر عدوی رب العالمین دید یکیکز
مشرکین صولری ضبط ایدرک سزه ازاله آتش عطش ایده جک قدر
صوو یرمه لری محال و بوسکید شله صوسز لقدن یتساب و توان
اولما کز بعید الا حتمال اولمغله لا محاله جمله کزی مکدیه سوره رک
بکند کلری کبی هلاک ایتسه لر کر کدر • چونکه انلرک قرارگاهلری
غایت دوز و هموار و سزک موقعکز قوم دریاسی اولمغله کیدوب کلک
کوج و دشوار اولسی حقکرده علامت ادبار اوله جغنی ازاده قید تعریفدر)
بولنده اغوا و یرمسی محزونیت اهل ایمانی موجب اولد یغندن سخاب
لؤلؤ نثار در عقب قطره بار اولوب چوق یکم دین بولند قلری موقع
نمونه نمای دریای موجد دار اولدی • عسکر اسلام بوحال وقوعندن
نائل مرام اوله رق تکبیر شکرانه کی ایفا و محتاج غسل اولنلری شرائط غسلی
بعدا لاجرا کافه سی بردن (الوضوء سلاح المؤمن) مصداقی اوزره
هم ایدست الدیلر و همده موجود اولان قریبه لرینی تولد یردیلر • بناء علیه
غایت سیجق و یومشاق اولان قوملق اثر رحمتله غایت متین و مستحکم و موقع
اعدافوق العاده چامور لئسیله جیوش اشقیاء مبتلای درد و غم اولشدر •
بعده اردوی همایون بدر صحرا سنده واقع برنجی قویو اطرافنه نقل
خیام ایتسنه فرمان عالی صادر اولوب انجیق حباب بن المنذرک (اگر بورادن
حرکت اولنوب ده صوبی چوق و طاتلو اولان و ساحه بدرک الک نهایتده
بولنسان قویویه قریب بر محله نزول اولنور و اوراده بیو جک بر حوض
قاز یلوب ده صوایله املا ایدلد کد نصکره سائر قیوز تولد یرلور ایسه
اعدای دینک صوسز قالمسی و جناب حقک مؤمن قول لرینی مظفریتله

منون و کفار خا کساری پرا کننده و سر نکون بیور می مقرر در
 دیش و بر ملک نورانی هیئت نمای جسمانی اولوب (یا محمد (علیه السلام)
 ربك یقرء علیك السلام یقول لك ان الرأى ما اثار به الحباب (دیور رأی
 مشار الیهی تأیید ایلش اولد یغندن ار دوی همایون حباب بن المنذر
 (رضی الله عنه) تعریف ایلدی کی قویو باشه نقل ایتدی ریلوب یانی باشنده
 حفر ایدیلان حوضه ماء لذیذ اجرا و سائر قیورلک جمله سی سنک و تر ابله
 املا قلندی • بعده سعد بن معاذک (رضی الله عنه) ارا مکاه نبوی
 اولق اوزره بالا ستیزان خر مادا لندن بر چار طاق اعمال و (عقنقن)
 جهتده بولتان کفار ضلالت نشان فوجا فوج نمایان اولوب اردوی
 همایون قرشو سنده ضرب خیامه اشتغال ایلد یکنندن خواجه عالم
 (صلی الله علیه وسلم) افندیز جبهه سوده سجده گاه نیاز اولوب
 من قبل الرحمن موعود اولان فتح و نصرت ظهورینه نکران ایکن
 مشرکین دن عتبه بن ربیعہ بن کوروب «ان بك من احد من القوم
 خیر فعدده صاحب الجمل الاحر ان تطيعوه یرشدوا» بیوردیلر •
 فی الحقیقه اولکون حوض مسلمین دن صوایچن مشرکین افتاده چاه
 سبجین اولوب بالکن (حکم بن خرام) قبول دین اسلامه (۶۰)
 سنده ها صفای عمر له بکام اولمشدر که مشار الیهک اشبو مدت داخلنده
 بر ماده ایچون عین ایتسی اقتضایتنه «مقتل گاه بدره دست
 اجلدن یاقه می خلاص ایدن خدای لایزال حقیچون» دیر ایدی
 • بور وایت دخی قرین نظر مطالعه اولمشدر که عسا کر کفار وادی
 بدره ضرب خیام قرار ایلدی کی زمان عسا کر اسلامک مقدار و کیتی
 او کرنگ اوزره عمیر بن الوهب الجهمی بی مقر گاه مؤمنینه کوند مشلر ایدی
 مرقوم عسا کر اسلامک (۳۰۰) نفر دن عبارت احتیاط سن بر فرقه
 بر مهابت اولدیغنی اکلیر قی عودت ایدوب (عسا کر اسلامی یوقله دم
 احتیاط لری یوقدر • فقط محمد (علیه السلام) او غرینه جان
 و سر فدا ایده جک ارسلان لری پک عجا بیدر • یعنی محمد یارک دوه لری
 معاشر عرب اجللرینی یو کلنش و محمولات انتقال لری کویا که لاشه کفره دن

بولمشدر که اشبو کورینان سقا دوه لری و جوه قریشه زهر قاتل سوق
 ایدرلر • ای معاشر عرب اول بهادرلر که بن کوردن میدان محار به دن
 قاجز • و بولنلک صوات دلیرانلرینه طیانلر • ای عرب نامدار لری
 عین ایدر مکه بو عسا کرک ال ادناسی سزدن برینی قتل ایتد کجه مقتول اولن
 مقاله جکر خراشیله کفارک جکر لری دلدی • اشبو افاده دن حکیم بن خرام
 متوحش اولوب غائله فتنه بی تسکین ایلک تصور یله عتبه بن ربیعہ یه
 «قبیله قریشیه ده سنک فرمانک مطاع و هر بر رأیک واجب الاتباع اولمغله
 بویکی فرقه نک آره سنی بولمق پک قولایدی» دیدی کی و عتبه استیضاح
 کیفیت ایلدی کی جهتله (اشبو فرقه لک بیننده اولان نزاع بطن (نخله) ده
 عمر الحضر مینک قتل اولمشدر که مقتول مذکور سنک آدمکز اولوب
 اگر چه بونک دیتی و ضبط ایدیلان اشیا سنک قیمتی طرف کزدن ویریلور ایسه
 اتش فتنه نک انطفا پذیر اوله جخی غیر بعید کورینور (دیه رک جهت
 صلحی التزامه ترغیب ایلدی • حکیمک افاده سی عتبه یه تأثیر ایتمکله
 اجر اللون اولان دوه سنه سنه رک متوجه لشکر گاه اولوب (ای وجوه کرام
 بنم سوزیمی جان قولاغیله اصغوا و ارا نه ایده حکم طریق سلا مته کیدرک
 محمد (علیه السلام) سل سیف انتقام ایتما مکه اعتنا یدک • چونکه
 محمد یار له ار اکرده علاقه قرابت اولوب فرض محال اوله رق اگر چه انلری
 هلاک ایده بیاسه کزا اولاد و احفاد لریله بغض و عداوت مشدوبو حال
 تابقیامت متمد اولور • خصوصاً که اهل ایمان سزه قتل اولنمیوب بلکه
 سزی بر حاله کتور لر که هیچ بروقت بلیکز طوغرلر • اگر محمد
 (علیه السلام) دعوا سنده کاذب (حاشا) ایسه بر مقتضای قرابت
 سکو تکز لازمکلور • بینکرده اولان نزاع ایسه عمر الحضر مینک خون
 بها سیله اشیا مضبوطه سی در • اگاه اولک که عمر الحضر مینک دیت
 لازمه سنی و مضبوط دست اسلام اولان اموال و اشیا سنک بهاء و قیمتی
 طرفدن ویرمکی متعهد اولوب حربدن صرف نظر اولمشنی خالصانه
 پسان ایدرم) دیدی • اشبو مقاله ملا حظة ابو جهله غیر موافق
 کلد یکنندن یعنی اگر چه عتبه نک بورأی جهان پسندی نزد عسا کریده

رهن قبول اولور ایسه صنادید قریشه تقدیم ایده چکنی درک ایلدیکندن
کفره متحشده به خطابا عتبه نك بو کلامی جکر گوشه می ابو خذافه نك
وعم زاده محمدك «صلی الله علیه وسلم» هلاک اولملری خوفندندر
دید کد نصره «ای عتبه بو جمعیتی نیچون طاغتمق استرسین محمد (علیه
السلام) ایله بزم ارامز حاکم سیف مداخله سیله فصل اولمخده بورادن
رجوع ایتک محال اولدیغنی یمین ایله سویلرم» دیمش وعتبه بو جوابدن
رنجیده خاطر اووب (رهن خاك هلاک اوله حق کیم اولدیغنی شیعی
کور رسین) دیه رک کیرویه حکمشدر • بو حکایه شور سمله دخی نقل
و افاده اولتور که حکیم سالف الذکر عتبه به صورت سابق اوزره رجا
واولدخی التماسنی قبول ایدوب کند و سنی ابو جهلی دعوت ایتکه
سوق واسرا ایتش ایدی • حکیم ایفای رسالت و علامت اجابت
کور مدیکندن عودت ایدوب لکن عتبه بی بنی غفار قبیله سی رؤساستدن
(ایمان رخست الغفاری) ایله مکالمه ده بولمسی اوزرینه بیان حال ایده مامش
وابو جهل دعوت واقعه به اجابتله بین العرب غایت مذموم اولان و حرب
ائتاسنده قورقق و اورکک اولملری تشجیع یولنده استعمال اولتان (انتفخ
سحرک) ضرب ملثنی بالایراد عتبه بی تخفیف ایلشدر که ضم سین
وقیح حاوسکون راء ایله (سحر) کله سی (دبه) معناسنه اولوب (بوینوکک
طمری قباردی) مال ترکیه سندن نکایه در • عتبه ابو جهلک بو ضرب
مثلی ایرادندن مضطرب اووب (سیعلم مصفر استه من انتفخ سحره انا ام هو)
جواب توریه ایجا ییله رد ایددی • چونکه مورخینک نقل و بیانه کوره
ابو جهلک موضع معهودنده (برص) علی اولغله دائم الاوقات
زغفرانله بو یاد یغندن و (مصفر است) کله سی (مقعدینی صرار دیجی)
دیمک اولد یغندن بو گونه اعتراضه تحمل ایده میه رک منسلب الشفور
اولوب کمال تهوور و غضبه سوار اولدیغنی آتک ایاغنی سیف زهرنا کیله
زخمدار و عتبه ایله اداره کلمات قیل و قال ایدرکن عمرو الخضره نیک
برادری عامری کوروب «ای عامر سیف غدر ایله مقتول اولان قرنداشک
(عمروک) انتقامنی المی امیدیه بو قدر مشقت سفریه اختیار یله وادی

بدره کلشکن (عتبه بن ربیع) محمدیلرایله بلاجنگ و غوغا عودت ایدلمسنی
تصویب ایتکده در • سن ایسه مقتولک ولسی اولد یغک حالدیه سکوت
ایلمککک شعاع برادری به مخالفدر) تشویقیله عامرک عرق غیرت
و حیثیتی تحریکه صرف یارای اقتدار ایلدی • عامر مقال سوزش مال
ابو جهلدن متأثر اولغله کلب عقور کبی یوزینی برره سوره رک عسا کر
اعدا آره سنه کیروب (واعمره و اعمره) فریادیه دریای شر و شروری
جوش و خروشه کتورمکه سبب مستقل اولمش و عتبه هراییکی طرفک
مستعد حرب و ضرب اولدیغنی مشاهده ایتسیله بالضروره موافقت
ایدوب لکن باشی بیوک اولد یغندن او یغونجه برززه بوله میوب زره برینه
بیوجک برصارق باغلدیغنی حالدیه جله دن اول میدان چیقدی •
ازین جانب مهاجرین دن (مصعب بن عمر) وانصاردن (حباب بن
المذخر الخزرجی) و (سعد بن معاذ اوسی) نك (رضی الله عنهم)
سنجقدار قلری ترتیب و دوست و دشمن بلتمک اوزره مهاجرین صنفه
(یا عبدالرحمن) و خزر جیلرله اوسیلره (یا بنی عبدالله) یا خود (یا منصور
امت امت عدوک) کلماتیله چاغرلمسی تصویب بیورادیغنی و بنی عبد
الداردن طلحه بن طلحه و ابو عزیز بن عمرو و نضر بن الحارث علمدار
فرقه دشمن بولندیغنی حالدیه ایستاده میدان مقاتله اولدیلر • «استطراد»
سپهکش انبیا علیه افضل التحایا حضرتلری صفوف فئین تقابل
ایلدیکی صره ده بیردن اخذ ایلدیکی بردکنکله ترتیب صفوفه مبادرت
و خط استقامتدن انحراف ایتش اولان (سواد بن غزیه) نك کو کسسه
طوقنوب «استو یا سواد» مألوسله برخذاده بولمسنی امر و اشارت
بیوردیلر • و سواد پاک اعتقاد سر آغاز فریاد اووب (یا رسول الله
کو کسمی آجتدک اصول قصاص اوزره احقاق حق اولمق استرم)
دیمش اولد یغندن سیننه بیکنه همایونلرینی کشاد و مشار ایله یوزینی
و کورینی سورمک استد کده «بوندن غرضک ندر» سؤالی ایراد ایدوبده
(آتش حرب قر شمعده و بو حریده نمدخی و فاتم مأمول اولمخده در •
افندیمک وجودینه سوریلن وجودی آتش جهنم مس ایده میه جکندن

صوتك نفسه و جودك سینه نبویه كزه سور لمسی استرم) جوابی
الد یغندن مشار الیهی اولصور تله شادان و اهل ایمانك بلار خست
حمله ایتماسنی امر و فرمان بیوردیلر • تم الاستطارد) ایکنیجی سینه
هجریه رمضانك اون یدنجی کونی علی الصباح عساكر اسلام ایستاده
میدان کارزار و عبده اصنام دخی مقابله مبارزته در کار اولغله
سالف الذکر (عتبه بن ربیعہ و برادری شبیه و اوغلی ولید بن عتبه)
محل مقاتله یه آت سور و مبارزان اسلامی دعوت و مطالبه مبارزت
ایلدیلر • بوناره مقابله اولوق اوزره (عوف) یاخود (معاذ) ایله (مسعود
بن الحارث) و (عبدالله بن رواحه انصاری) (رضی الله عنهم) کوندریلوب
فقط مشار الیهم فرقه فحیه انصاردن اولد قلری جهته «یا محمد
(علیه السلام) بزمله مقاتله یه اجدادی دینی ترک ایدن عم زاده لریمز
کوندر که بونار کفویمزد کلدی) هجیله مبارزین مهاجرین دعوت
ایدلر یکنیدن (علی بن ابی طالب و حمزه و اباعبیده بن الحارث) رضی الله
عنهم اعزام بیورلدی • مشار الیهم ز رهپوش اولد قلرندن عتبه کیم
اولد قلرینی ییله میوب (سز کیملسکر) دیمسنه جانب عالی حیدریدن
(علی و حمزه و ابوعبیده بن الحارث) جوابی ویرلش اولسنه (نعم
یا اکفاء الکرام) مقالیه ابراز مبارزت اولندی • حضرت (عبیده)
عتبه بن ربیعہ یه و جناب (حمزه) شبیه بن ربیعہ یه و (علی بن ابی طالب)
ولید بن عتبه یه تعیین اولنوب بربر یله مقاتله یه ابتدار ایلد کلرندن جناب
(علی) حمله اولاده ولیدی نابدید و کذلک حضرت (حمزه) شبیه نك
وجودینی اثر حیاتدن نومید ایلدی یلوا یسه ده حضرت (عبیده) عتبه یی
و عتبه دخی مشار الیهی فنا برحاله کتورمسی و ابو عبیده نك زیاده جه
مجرور اولش بولمسی اوز رینه عبیده بر طرفه کذلک عتبه دخی بر طرفه
دورلد کلری جهته حضرت (علی بن ابی طالب و حمزه بن عبد المطلب)
بریشوب عتبه یی عتبه حیمه ارسال و حضرت (عبیده یی) پیشگاه سید
المرسلین (صلی الله علیه وسلم) ایصال ایلدی لر • مشار الیه کوزینی
آچوب کندینی حضور همایونده کورد یکنه ممنون اوله رقی «یا رسول الله

بن شهید دگلم) دیوب (بلی یا عبیده سن سرافراز شهید او سر دفتر
سعداسین) جواب عالسنی الد یغنه غریق بلجه مسارا اولغله غزاه اسلامه
متوجهاند گری اتی شعری ایراد ایلدی • شعری فان تقطع ورجلی فانی مسلم •
وار جوبه عینا من الله غالباً) (فالبسنی الرحمن من فضله منه • لبنا سلا
من الاسلام غط المسامیه • نجاهه کذا الشمس اوج یاشمه شمس وهرم شیخوخی
اخر از ایتش بر پیر و شن خمیر اولد یغندن جزایح واقعیه تحمل ایده میهرک
دار بقایه ارتحال ایتمکله (صفرا) یاخود (روحا) دینلان محله دفن
اولندی • اشته بو اوج پلید و عیدک قتل و تلف ایله لمسی کرهیت جری
موجب وایکی طرف عساكری دخی حرب و قتاله حریص و طالب اولد یغندن
حضرت علی (رضی الله عنه) حمزه عتبه حیات کفاری یحکمه و حضرت
حمزه (رضی الله عنه) رؤس اعدا ایله صهیای خون ایحکمه و سایر
جنک آوران اسلام قصابلر کی کفار سور و سنه طالوب کینی هلاک و کینی
زحمتك ایتمکله باشلیدی لر • زور آوران کفره دخی اشغال نأره قتاله صیرف
یارای اقتصدار و بنی مخزوم قبیله سی افرادی مز راقلرینی دیکه رلر
ابو جهلی وقایه یه ابتدار ایلدی لر • اشبو قبیله یه منسوب اولان عبدالله
بن المنذر ابو جهلک زرهنی کیوب میدانه چیققدقه (علی بن ابی طالب)
آنی ابو جهل قیاسیله دیار عدمه کوندردی • مؤخر از ره مذکور قبیله
مذکوره بهادرلرندن ابی قیس بالا کتساء میدان حربه اندامها اولد قده
اسدالله المخلرب (حمزه) بن عبد المطلب انیدی تلف ایلدی • بعده خرملاو
بن عمرو اسمنده برهلوان مشهور کیه رلر ایستاده موقع کارزار و سیف
حیدریه ایله خاکسار اولد یغندن بهادران بنی مخزوم ارتق اول نزهی
اکتسایه اقبال ایده مد کلرندن خالد بن الاعلم نامنده برهلوان نامنده
ودها نیمه نیمه بهادران کفاره تکلیف اولنوب فقط هیچ کسه طرفندن
قبول اولنماسدر • نأره صواش بودر چه شعله باش اولد قده امام المرسلین
(علیه صاوة رب العالمین) حضرت لری متوجه محراب ملاکوت اوله رقی دعا
و تمنای قبول ایله ارقه لرندن خرقه منور لری دوشو نیمه یه قدر رفیع دو
دست رجایه غیرت بیورد قلرینی نامداران انصار ریا سینه محافط چار طاق

سعادۃت بوانسان صدیق اکبر (رضی الله عنه) شاهده ایتسیله
خرقه ده دسه همایونی رفعله مبارک آرقه لرینه وضع ایدرک دست اجابت
پیوستلرینی کو کسی طرفته چکوب «یا رسول الله دعاده اولان ابراهیم
حد اعتدالی چکدی • انشاء الله موعود اولان فتح عظیم یقینا رونمای
ظهور اولور» سیاقنده تسلیت بخش خاطر اولورکن زکس باغ ماناغ
عالیده علامت خواب نمایان اولدی • بالاخره چشم حقیقت بین نبویه لرینی
آچوب «یا ابا بکر بشارت اولسونکه فتح و ظفر سنجاقلری کوروندی یعنی
جناب (جبریل) امین بیک نفر ملائکه ایله معاونه کلدیکه عساکرینک هربری
الاجه آنلره سوار اولوب باشلرینی قرمز و صاری و بیاض صارقلرله
تزیین ایتمش • وارقه لرینه طلیس آنلر صارقدوب حیوانلرینک قویروقلریله
جبهه لرینه پاموق آصمشلردر» بیوردیلر • «استطراد» بدر غزاسنده
بربری اردنجه شدید بر روزگار اسوب بیوجک فورتنه لر وقوعبولدیغنی
واشبو فورتنه نک برنجی کونی (بیک) ملاک ایله حضرت (جبریل)
نازل اولوب عساکرموحدینک اوکونده وایکجی کونی کذلک
(بیک) ملاک زرهپوش ایله حضرت (میکائیل) نزول ایدرک اسلامک جهت
یمیننده و اوچنجی کونی حضرت (اسرافیل دخی) (بیک) ملاک بهادرله نازل
اوله رق او ردوگاه مؤمنینک ساحه یسارنده صف ارای قرار اولدیغنی
علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه) نقل وروایت ایلشدر •
تم الاستطارار ❖ غریبه ❖ سهیل بن عمر والغفاری ابن عمیله تماشای
کارزار وفته مغلوبه بی نهب و غارتته ابتدا رایچون مقتله کاه بد ره ناظر
بزطاع تپه سنه چیمه شیدی • ناکاه بر بولوت ظاهر اولوب اولدقلری یره یقین
بر محله طوقندیغنی و براز صکره ظهور ایدن (اقدام حیزوم) صدای
مهبی دهشتدن عمی زاده سنک تلف اولوب حتی کندوسنک هزار تعب
ومشقله قور تلدیغنی سهیل مذکور دن نقل ایله ابن عباس (رضی الله)
عنهمار وایت ایلشدر • فائده (حیزوم) جبرائیلک راکب اولدیغنی
آنک اسمی اولوب (اقدام حیزوم) عباره سی تقدیر اولندیغنی تقدیرده
زجر فرسده استعمال اولنان (اقدام یا حیزوم) عباره سی ظاهر اولور

❖ انتها (جیوش اسلام معاونه ملائک ایله حرب و ضربی شدتلندرد کده
(مهمترین و وحیدین وقهرمان میدان دین عایه الصاوة والسلام) افندیمن
چار طاقندن چیقوب (سیهزم الجمع) ایت کریمه سنی قرآنله اعدای دینی
محزون و احبای مؤمنینی ممنون ایلدی • ویردن بر آوج طاش دوکندیسی
آکوب صف اعدایه سرپدیکندن قوت بازوی اعدای شکست ایلدی که
اشبو سرپیلان طاش دوکندیسی اشرای اشقیانک کوزلرینی وقولاقلرینی
طوادردی • بو حالک وقوعی جنک اوران اسلامه تازیانه شوق وغیرت
اولدیغندن خواجه کائنات علیه اکمل التحیات حضرت تلی «اگر
بو کون برادم جناب حق ایچون مشرکین ایله مقابله وقلنجنه کوونه رک
مقاتله ایدرکن شهید اولورایسه روضه رضوان وکلشنسرای جنان
حله لر یله اکرام اولسنه جغنی وعد ایدرم» نهجنده بر نصیحت ایراد
بیوردیلر • عیبر ابن الحسام وعد عالی سالف الذکری اشیدنجه
(بنگله جنت ارسنده اولان واسطه یالک بر شهید اولیق ایسه نه بیوک دولندر)
دیوب النده بولنان خرما لری یره صا چسیله سل سیف ایدرک وعساکر
کفار ایچنه کیره رک برچوق کافری تپه لد کد نصکره نائل رتبه شهادت
اولدی • (رضی الله تعالی عنه) • «استطراد» (ملائکه عساکری سائر
غزالده دخی سطوت افزای نزول اولوب لکن توسیع دائره عساکری
خدمتیه رعب انداز قلوب دشمن اوله رق بدر وقعه سنندن غیری محله
جنک ایلد کلری سند صحیحله مر ویدر • تم الاستطراد» اشبو غزاده
نزول ایدن ملائکه جنک ایتکه غیر واقف اولدقلرندن (آنلرک بو غازلری
اوزرینه وجیع مفاصل ویرمقلرینه اورک) معناسنده اولان «فاضر بو
فوق الاعناق واضربوا منهم کل بنان» مضمون کریمی اوزره تعلیم
بیورلدیغنی وهلاک اولان کفره نک اعناق ومفاصللرندن زخمدار اولنلره
قتلای ملائکه نظریله با قیاوب قصورینک مقتول سیف اسلام اولدیغنه
حکم اولندیغنی ابوقاسم السهیلی روض الانف اسمنده اولان کابنده بیان
ایلشدر • ❖ حکمت ❖ فاضل باهره صاحبی مر اق ایدوب جناح
جبرائیلک بر موی ناجیزی نیجه یوز بیک عساکری هلاک ایتسی ممکن

ایکن مقتلگاه بدرالکبراده اوج عظیم الشان ملک ایله (۳۰۰۰) دن
مقبلاوز زره پوش ملائک، نزولی نه حکمته مبتنی اولدیغی مصر قاهره
علامه سی مولانا تقی الدین دن سؤال ایلدی • و مشارالیه (اعداى
دینک رسول رب العالمین طرفندن پراکنده و پریشان ایدلمسی
اراده ذوالجلاله اقتضا ایلدی) جوابی ویردی •

مقتل ابو جهل

سراقه بن مالک مدلی شکیلته کوروب کندوسنه مخصوص بر علم ترتیله
ابو جهل و سائر کبرای قریشه متعهد معاونت اولان شیطان لعین سطوت
وصولات جبرائیل علیه السلامی کورمسيله آتیده محرر اولدیغی و جهله
ساحل دریایه فرار ایلدی شویله که ابلیس لعین حارث بن هشام له الاله کلهرک
مصاحبت ایدرکن جنود ملائکه نزولی کوروب فرارایتک استدکده حارث
بونک بانه صاریلوب (ای سراقه وقتسز عودت ایدرک بزى پراکنده می
ایده جک سین) دیمسنه (بنم کوردکمی سز کورمز سکر بن اللهم دن قورقم
الله تعالی عقابنده شدیددر) مألنده اولان (انی اری مالا ترون انی اخاف
الله والله شدید العقاب) ایت جایله سی ماصدق اوزره اعطسای جواب
و کوکسنه بریو مروق اوروب هلاک ایلد کد نصکره فراره شتاب ایلدی •
شیطانک بوصورتله فرارایتسی وصفوف شیطین دخی ارقه سنه
دوشوب علی الاتفاق قاچش اولسی کفاره باعث انهزام و پریشانیت
اولدیغندن ابو جهل لعین تشجیع کفار غرضیله (ای برادران لوی بن
غالب صقین سراقه نک فرارندن محزون اولیه سکر که انک محمد (علیه
السلام) ایله کیز او براتفاق اولدیغی اکلا شل شدرد • لکن مکه یه
عودتمزده اکاهوادر (محمدی) اولغی اوکره دیرز • و برده عتبه ایله
شیه و ولیدک تلف او بلرندن دخی مضطرب اولیه سکر که نلر جنکه
مفرورانه چیققدارندن هلاک اولدیله • ای معشر قریش عزت لات
وعزی حقیچون محمدی (صلی الله علیه وسلم) اصحابیله اولدر میوب حیا
اسیرایتکه غیرت ایدک • تا کیم سور وکایه سور وکایه مکه یه کتوروب
و کوشه کوشه ز قاقلری کز دیروب دورلو دورلو اذیت و جفا لایده لم که

افراد بشیره موجب عبرت اولوب بوند نصکره هیچ بر شخص ترک دین
ایتمکه جسارت ایده مه سین) دیدی • آتش حرب بوصورتله دخی شدت لنوب
اشرار کفار یاغنه باشادیغی زمان نورسیدگان انصار دن (معاذ بن الجوح
ومعاذ بن عفرا) رضی الله عنه انک اره سنده بو ان عبدالرحمن ابن عوف
(رضی الله عنه) «شوچو چوقلرک اره سنده بولنمقدن ایسه ایکی بهادر
نادر الاقران اره سنده بولنسم ایدی» ملاحظه سنده ایکن اول جوانلردن
بری یکندن طوتوب (ای عم بزرگوار ابو جهلی بیلورمیسین) دیمسی و ابن
عوفک «بوندن مرادک ندر» سؤالی ایراد ایلسی اوزرینه (اول
ختریر دائما خاطر سیدالابراری رنجیده ایدر وهرآن افک وافترا ایلر
ایمش • اگر انک هیکل قبیحی معلوم اولسه و بو حالده کوزیمه کورنسه
خلاق جهنم آفرین حقیچون بریمز هلاک اولدجه یاقه سنی الدن
براقزدم) دیمش و متعاقبا رفیق دخی شکل ابو جهلی سؤال ایلش اولدیغندن
خاطر مشارالیه خطورایدن خاطره محو وازاله اولدی • بونک اوزرینه
ابو جهلک اسب سوار اوله رق میدان حربیه چیقدیغی کوروب (اشته
مطلوب بکر بودر) دیمسيله مشارالیهما ابو جهلی تلف واعدامه مسارعت
و فقط معاذ بن الجوح معاذ بن عفرا (رضی الله عنهما) سبقت ایدرک
برنجی حله ده بالدرینی ایکی شق ایدوب بیره دوشوردی • و عکرمه (که
اول آتشیاره جهانسوزک شراره کانون صلیدر) باباسنک جریحه دار
اولدیغی کورنجه مشارالیه مسلط اولوب بیله کنک برینی کسدردی
ایدی • مشارالیه دست مقطوعی اصلدیغی حالده ینه میدان حربدن
آیرلیوب برنجیه ختریریدهها سلخ خانه دارالحیمه کوندرد کد نصکره وجع
جراحی اشتداد ایلدیکندن ایاغیله دست مقطوعه باصوب قویارمش
ویاره سی مسیح مرده دلان امت علیه افضل النحیه افتدیمزک مرهم
لعا بیله پذیرفته التأم اولوب خلافت (ذی النورین) رضی الله عنه
دکین یا شامشدر • صاحب المواهبك شفاء شریف مؤلفی قاضی عیاضدن
اولدخی ابن وهبدن نقل ایله روایت ایلد کلرینه کوره معاذ مشارالیه اول
حالده (پیشگاه شفا بخش امت علیه افضل النحیه) افتدیمزک حضورینه

وارد کرده مرهم حیات افزای لعاب هما یونانی سوزملریله برابر سقط
اولان قولتک اولکیدن ساغلم اولدیغی اکلاشیلور • القصه ابو جهل
معاذ بن الجوحک (رضی الله عنه) صدمه سیفیه خاك مذلتہ دوشدیکى
آندہ معاذ بن عفرا (رضی الله عنه) دخی یریشوب اعضای و جود بنی
حرکتدن تعطیلہ غیرت و هلاک اولدی ظنیله عودت ایدوب «ابو جهلی
تلف ایلدم» دیه رک معاذ بن الجوحه ادعای مشارکت ایلدی •
بو بشارتدن (خواجہ عالم صلی الله علیه وسلم) افندی مکز رخساره کلبن
نبوتلری کلکونه نمای سرور اولمغله ایکسنگدخی قلنجلرینه احاله جاسوس
نظر ایدوب «ایکیزده ابو جهلک قاتلیسکز» دیه رک مشارالیهما بی
تلطیف بیوردیلر • فقط روایت دیگر مفادینه باقیلور ایسه (سرور ستوده
سیر علیه من الصلوة ما هو الا وفر افندیمن) ابو جهلک قاتل حقیقیسنی تحقیق
ضمنده اوغلی عکرمه یه بر آدم اعزام و بابا سی ابو جهلک قاتلی استعلام
بیورمش و عکرمه نک (پدرمک قاتلی مقطوع الید اولان یکیمدر)
دیمی معاذ بن الجوحک ادعاسنی تصدیق ایلش اولدیغی اکلاشیلور •
علمای فن سیر قاتل ابو جهل تصحیحمنده اختلاف ایدرک بر طاقلری معاذ
ابن عفرا یه و برادر ی معوزده اسناد و بونی دخی پدرینه نسبت ایلہ ابو الحارث
نامیلہ یاد ایلش و دیگر بر طاقیدخی والدہ سنہ عطفله ابن عفرا دیمشدر •
الحاصل فرقه اهل ایمان صفوف کفاری پراکنده و یریشان ایدرک میدان
حربده در دست ایدیلان اسرا و لاشه های مقتولین اشقیادن بشقه هیچ
فرد قالمدیغی و عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) جیفه مر دار ابو جهلی
بولوب کله بی دولتی کسمک افکار یله مقتولین دشمنی معاینه یه باشلدیغی
اثناده اول عدو دینک لاشه سنی بولوب کوکسی اوزرینه چیقدی •
و بر الیه لویه سنی و دیگر الیه سیف خونبارینی طوتوب «ای اللهم دشمنی
الحمد لله سنی بو حالده کوردم» دیدی ایسه ده اول لعین بی دین هنوز
در که نشین سچین اولما مش ایدو کندن چشم کشای حدت اولوب
(یا مسعود یک یوکسک یره چیقدک فقط بنم هلاکله سوغمه زیرا رئیس
القوم اولانلری افراد قوم و قبیله سی تلف ایتک اسکی بر عادتدر • انجق

قنغی طرف غالب اولدی) مقالیه استفسار حال ایلدیکندن یا عدو الله
جناب سید المرسلین مظفر اولوب خذله مشرکین یریشان اولدیلر • ای
خائن سن فرعون موسی (علی نبینا و علیه السلام) دن بدتر ایمش سین •
چونکه فرعون بی عون موسی دریای مرد مر بای قهر ذوالجلالیه
تمو جنی کور مسیله اظهار ندامت و همان (آمنت بالله الذی «آمنت به
بنوا اسرائیل وانا من المسلمین) مفهوم منیفنی قرائت ایلشدر • (که معنا سی
«بنی اسرائیلک ایمان کتوردیکى اللهم دن غیرى اله یوق ایدو کنی تصدیق
ایادم و بن دخی مسلمانلرد نم) دیمکدر • سن ایسه حالا مصر کفر و عناد
و معترف ضلال شرک اعتیاد سین دیدکده (بنده افندیسنی اولدرمک
عادت قدیمه دن ایسه ده بنی اولدیرن سن دکلسین • چونکه بنی اویله
برکسه قتل ایلدیکه بنم مز راغم انک ایتک یا غی طرنا غنه ایزدی) دیوب
ملائکه کرام طرفندن تلف اولدیغی ایما ایتدی • و فی الواقع انک قاتلی
حضرت (میکائیل) اولدیغی ینا بیع العلوم نام کلبده تصریح ایلشدر •
ابن مسعود رضی الله عنہک سیفی کسکین اولدیغی و بو ملا بسه ایلہ نائل
مطلب اوله مدیغی جهتله ابو جهل دیزی التمه اولان قلنجی کو ستروب
(باشمی بونکله کسده ایگمزدخی قورتولالم) دیدی • لیکن مشارالیه سیف
ابو جهلی غلافندن چیقارا مدیغندن قبضه سنی کندی و غلافنی دشمن
دینی طوته رق کوچ بر حال ایلہ اخراج ایلدکده (مادمکه باشمی کسه جکسین
باری بر مقدار اشاغیدن کسکیم محمد (علیه السلام) کتوردکده
اور کسین و هم ده شمدی یه قدر عداوتم شدید ایدی • ولکن من بعد
اشد اولدیغی مشارالیه سوپله) مقاله سیله ابراز عناده مجبور و غلبه غشی
(با یلمش دیمکدر) ایلہ پیشعور اولدی • و مشارالیه زرهنگ کلاهنی
رفعله باشنی کسیدی • اثبیق صاحب الینا بیع روایتنه باقیلور ایسه مشار
الیه سیف ابو جهلی غلافندن چیقاره مدیغی صرعه قبضه سنی ابو جهله
و یره رک غلافنی کندی طوتدیغندن قلنج چیقدیغی حالده دست نخوست
بیوست ابو جهله قالمش و جان آجیسیله ساق سعد ابن مسعودی
زیانسزجه بر صورتله یاره له مش و مشارالیه سیف مذکور ی اغتصابله

کله سنی کسه رڼ و برصا غلم ایه ربط ایدرک چکه چکه بارگاه رفیع الشان
سلطان انس وجان علیه صلوات الرحمن حضرت تلرینه کتورمش اولدیغی
اکلا شیلور • وقول اخر روایتنه کوره ابو جهلی حالت نزعه بولوب
شمشیر عریانن اطرافنه احاله ایدرکن بر قلنج اورمسیله ید ضلال مؤید
منحوسنی کسوب وکله سنی وجود بد بودندن اربوب وجه سابق اوزره
ر و مال حضور اوله رق (یا رسول الله هذا رأس ابو جهل) دیدکد نصره
وصیت کریمه سنی عرض ایلدی • وشه نشاه کرم فرمای اصحاب
کزین وقهرمان دشمن اندازوز کین صلی الله علیه اله العالمین
حضرت تلری بعد التکبیر « الحمد لله الذی اخزاک یا عدو الله » وفی روایة
« الحمد لله الذی صدق وعده ونصر عبده وهزم الاخراب وحده »
دعا سنی ایصال بارگاه رب القدر ایلدکد نصره (ای بنم امت اصحابم
عند الله بنم قدرم جملة انبیادن مکرم و اتمم دخی اکرم الامم اولدیغی کبی
اتمم فرعونى اولان ابو جهل دخی فراعنه ام سالفه دن اشددر)
نخنده جواهر پاش بیان اولدیله • کتر العباد روایتی اوزره ابو جهلک
کله سی منظور نظر معجزاتر همایون اولد قده مقام تشکر ده بش دفعه
سجده ایتشلر در • صاحب الخمیس نقل ایدر که جناب صدیق
(رضی الله عنه) اوغلی عبد الرحمانی میدان مبارزته دعوت ومقابله
ایلک ایچون سدره عرش عتبه همایون دن استدعاى اجازت ایلدکده
« منعنا بنفسک یا ابا بکر اما تعلم انک بمنزلة سمعی وبصری » مالی اوزره
اخذر خست ایده مدی • روایت اخراده عبد الرحمانله مقاتله به مجاز اولوب
حین تقابلده • (این مالی یا حیث) • دیمسنه (سنگ مالکدن برطاقم
اسلحه ایله اشوبندیکیم آت و برده سنی قتل ایده جک شوسیف قاطع قالدی)
جوابی المشر • اشبو غزاده بهادران مهاجرین وشجعان انصار دین
فرقه منزهه کفاری بالتعقیب قتل واعدام واله کپوره بلد کلرینی قید
اسارتته الملق خصوصنه غیرت وعون حقله یتش نفر صنادید کفره بی
سلسله بند اسارت ایلدیله • حنظله ابن عدی • ونوفل بن خویلد
وزمغه بن الاسود • وعمر بن عثمان • وعم طلحه • وابن سفیان •

وبرادر معاویه • وعاص بن سعد بن العاص • وطعیه •
وعثمان • ومالك • وبرادران طلحه • وولید • بن عتبه •
وده ابونلره مانند (یکرمی سکز) مشرکی جناب حیدر «رضی الله
عنه» و (شیه • بن ربه • وعقیل بن عبد المطلب •
وابوقیس بن الولید • ومنیه بن الحجاج • واسود بن الاسدی)
حضرت حمزه «رضی الله عنه» و (عاصم بن ابی عوف • ومعید
بن وهب دخی ابو دجانه انصاری رضی الله عنه اعدام ایتدیله •
«مقتل امیه بن خلف» امیه بن خلفک قتلی خصوصنده شو وجهله
روایت اولتور که عبد الرحمن بن عوف (رضی الله عنه)
حضرت تلری جنک یرندن بر قاج زره یعنی اغتنامه عودت ایلش و بولده
امیه بن خلفه اوغلی علی به راست کلمش ایدی • قبل الهجرة اهل رنده مستقر
اولان دوستلق حسبیه مشار الیهی یا عبد عمر (چونکه وقت جاهلیته
اسمی عبد عمر ایدی) دیو چاغردی ايسه ده جواب اله مدیغندن دفعه
ثابته ده (باباکک تسمیه سی اولان اسمی دکشد رمک ابو معناد کلدر)
مقاله سنی اعلام وفوق العاده محزون اولدیغی ایهام ایدوب ینه اخذ
جوابه دسترس اوله میجه دفعه ثالثه ده (یا عبدالله) دیدی • مشار
الیه اشبو اسم شریفه حرمة امیه نک یوزینه باقد قده ایشار جواهر دعا
وثناد نصره (اگر اول زره لری براغوبده بزی خلاصه بر چاره بولور
ایسک بیوک بر ایلک ایتش ودو ستلق حقوقی ایفا ایلش اولور سین) که
بندخی مقابله سنده سکا بر قاج زره بهاسی ویرمکی متعهد اولورم •
دیدیکندن حسب الحقوق زره لری براغوب بر الیه امیه نک و دیگر الیه
اوغلی علینک النی طوته رق متوجه حضور اولدی • اثنای راهده امیه
بن خلف (یا عبد الله الاله محمد یارده شو صفتله موصوف
اولان کیمدر) دیه رک حمزه بن عبد المطلبی استفسار ایتسنه «اول
پهلوان محارب حمزه بن عبد المطلبدر» جوابی ویردکده (اشته بزی
بو حاله کتورن اودر) دیدیکی صره ده جناب بلال «رضی الله عنه»
ظهور ایدوب (یا انصار الله هذا رأس الکفرة ورئیس الفجرة امیه

بن خلف لا نجوت ان كاد) ديه رك بعد التكبير نعره جان كدازاوردی
 • ونعره سنی استماع ایدنار نزد مشار الیهما یه بریکدی • (چونکه امیه
 بن خلف نا خلف اسواق مکه حرارت هوا ایله قیز دیغی وقتلرده جناب
 بلالی (رضی الله عنه) در دستله جسمی عریان و کوسنی قیز غین
 طاشلره سوزان ایدرک ترک دین ایتسنی اجبارود کری مستحجن سوزلر
 صر فیله جوروجفایه ابتدارایلردی) جناب عبدالرحمن بن عوف
 (رضی الله عنه) امیه بن خلف و اوغلی علیک محافظه سنه دقت
 و جناب بلال (رضی الله عنه) قتل و اعدام ایتکه صرف مساعی
 و غیرت ایتکه ایکن جناب بن المنذر (رضی الله عنه) برچالینه کتوروب
 امینه نک بورنی کسدر دیک و مر قوم حیانتدن قطع امید ایله
 (یا عبدا لاله ارتق بنی براق) دیدیکی جهته مشار الیه کیرویه چکلمسی
 اوزرینه معاذ بن غفرا و حارث بن زید و حبیب بن یساف الانصاری
 (رضی الله عنهم) علی الاتفاق سل سیفله امیه بی هلاک ایلدیلر •
 یو ائنا ده اوغلی علیک ایاغنه بر قلیخ اور لمغله بر درجه فریاد ایلدیکه
 او کونه کلنجه یه قدر او یله بر او از سامعه مشار الیهما کیر مامش و بعده
 عمار بن یاسر (رضی الله عنه) انیدخی لاشه های کفار الحاق
 ایلشدر • علاوه (اولیحه هولناک صدور ی نای کلوی امیه
 بن خلفه دخی اسناد اولدیغنی معتبرات کتب سیر بیان ایلشدر •
 انتها) ابن هشام نقل وروایت ایدر (که پیرایه دودمان عبد مناف علیه
 من الصلوة الاشراف افند من نوفل بن خویلد کفرقه کفره میاننده
 اولدیغنه کسب اطلاعه (اللهم اکفی نوفل بن خویلد) دعا سیله
 مشغول اولمقده و اول خائن بی دین ایسه خزله مشرکینی تشجیع ضمنتده
 صیحه اوز مقده ایدی • بالاخره انهمزام کفاری مشاهده و غزاة دینه
 (بزی اولدر مکه سزه نه فائده عائد اوله بیلور • اگر چه مر یو طرزنجیر
 اسارت ایدوبده ایلر وده فدیله ایله فروخت ایدر ایسه کزیالکز بنی المق
 اوزره بر چوق ایچه ویریلور) مآلنی افاده ایدرک جبار بن صخر الانصای یه
 (رضی الله عنه) کردن بسته اسارت اولمشیدی • جناب حیدر

مر قومك کردن بسته اسارت اولدیغنی کو رمسیله غیسای شجینه
 القوا و کیفیتی خاکای جناب رسالتنهای یه عرض و آنها ایلدیکندن
 (الحمد لله الذی اجاب دعوتی) بیورلدی • {معجزه} مقاتله انناسنده
 عکاشه بن محسن الاسدینک (رضی الله عنه) قلنجی شکست اولدیغنی
 منظور نظر همایون اولمسیله یردن بر دکنک الهرق دست مشار الیه
 و یروب (واربونکله کفاره مهاجمه ایله) بیور دیلر • مشار الیه
 ذکر اولسان دکنکی المسیله بحکمة الله تعالی شایان تعجب برسیف
 قاطع اولدیغندن اولکون شاهد ظفر عرض دیدار ایدنجیه قدر مقاتله
 واشبو قلنجه (سیف العون) تسمیه ایلدیکندن زمان سعد اقتران
 نبویده و قو عبولان غزالده بولنوب اول سیفله شجاعت فطریه سنی
 ابراز و عهد صدیق اکبرده (رضی الله عنه) ظهور ایدن ارتداد
 وقعه سنده رتبه عال العال شهادتی احراز ایلدی • {معجزه}
 سلمه بن اسلمک (رضی الله عنه) دخی سیفی قیرلدیغندن اکادخی برخما
 دالی و یریلر رک (بونکله غوغا و شجاعت فطریه کی اجرا ایله)
 بیور دیلر ایدی • مشار الیه ذکر اولسان چوب خر مای المسی و در عقب
 کسکین بر قلنج اولمسی اوزرینه یوم مذکورده اقشامه قدر
 ناموس شجاعتی اکمال و اخر عمرینه دکن اول سیف مسلولی استعمال
 ایدرک امیر المؤمنین عمر بن الخطابک (رضی الله عنه) زمان خلافتده
 وقو عبولان یوم جسر (ابو عبیده ایله جادوی بهمن محاربه سندن
 عبارتدر) وقعه سنده شهیدا ارتحال ایلدی • انتها (عباس بن
 عبد المطلب و عقیل بن ابی طالب و ابو العاص بن الربیع و ابی عزیز بن
 عمر و الجمهینی و سهیل بن عمرو و عقبه بن ابی معیط و نضر بن الحارث
 در دست ایدیلان اسرادن اولمغله صفرانام مرحله ده (نضر بن
 الحارثی) جناب حیدر و عروة الطیبه منزله (عقبه بن ابی معیطی)
 دخی عاصم بن ثابت (رضی الله عنهما) اعدام ایلدیلر • اشبو اسیرلردن
 (عباسله عقیل) شرف اسلام ایله مشرف وارقد شاری تیرچکرا اثر
 کفره هدف اولدیلر • اشته بو وقعه عظما ده مهاجرین دن التی

وانصار دین دن سکر نفرواصل رتبه شهادت اولوب تمام یتیمش نفر پلید و عنید
در که نشین سجن و بر او قدریده اسیر دست مسلمین اولدی . سید معل
علم صلی الله علیه وسلم افندی از انطفای ناره حرب عقبنده مقتولین
سکرین اجسادینی بر قویویه الله و فقط امیه بن خافک جیفه وجودی
تحریکه غیر قابل درجه زده یتیمش اولدیفندن اولدیغی محاده ابقا ایتدیروب
اوز لرینی اورتدرد کد نصرکه ساحه بدرده اوچگون قدر آرام و دردیچی
کونی مدینه منوره یه قیام ایدرک لاشه های کفار خطاباتنی الذکر
نطقی ایراد بیوردیلر . صورت نطق همایون ای عتبه بن ربیع
وای شیه بن ربیع وای ابو جهل بن هشام وای فلان و فلان
سز لر عشا بر یه نکه زیاده فنا سیسکر . زیرا بنم عشیرتم ایکن بنی
تکذیب ایلد یکن که سائر لری تصدیق ایلدیلر . سز بنی مملکتدن طرد
واخراج ایلد یکن و بخله جنک وجدال ایتد یکن . غیر یلر معاونت ایتدیلر .
ای قوم مشوم معبود یکن که اراده سنی حق بولد یکن می . بن هله وعد
خلاق جهان آفرینی حق بولدم) انتها . اشبو نطق همایون
ایرادی حکمتدن عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) انکشت بدهان
استعجاب اولوبده (یا رسول الله لاشه لره می خطاب بیور رسکر)
دید کده «یونلر بنم سوز لر می سز دن زیاده طویر لار امارد جوابه
اقتدار لری یوقدر» جوابنی ویرد کدن و (صفرا) وادی سنی کشت
و کذار له بر مقدار استراحت و قرار ایدلد کد نصرکه اموال غنایمک جمع
ایلداسنی اراده بیور دیلر . اصحاب کرام مال غنایم حقنده بر طاقم
دغدغه یه دوشوب بالاخره شرفستوح ایدن فرمان الهی اوزرینه
اغنام اولنان اشیا بالجمله غزاته تقسیم اولنوب منیه بن الجوحک ذوالفقار
ادلوقلنجیله ابو جهلک مشهور و مقبول اصحاب شعور اولان دوه سنی
ذات عالی نبویه یه ترک ایلله وقعه ظفری یلدرمک ایچون (زید بن حارثی)
جل رسول الله ارکاب . و (عبدالله بن رواحه) رفا قتیلله
مدینه یه اسر اب ایلدیلر . مشار الیهما یکدیگر کردند اول کتمکه
غیرت وزید مشار الیه (عقیق) مر حله سنده رفیقنی کجوب امر اولندیغی

موقعه مواصلتله بعد التکبیر عتبه و شبیه و ابو جهل و امیه بن خلف کبی
یتیمش قیدر وجوه کفره نک تلف اولندیغنی و بر او قدرده اسیر اندیغنی
اعلان ایلله اهل مدینه یی غریق بحر مسار و عقول مخالفینی بی قرار
ایلدی . بو بشارته تحمل ایده میان منافقین بر محله اجتماعله
مشار الیهی تکذیب و حقنده کلمات غیر لایقه تفوهیله تعیب ایدوب
حتی بریسی مشار الیهک اوغلی (اسامه یی) بولوب (حاشا
محمد «علیه الصلوٰه والسلام») ایلله بنهادران اسلامک جمله سی
هلاک اوله رق پدرک حارثه دن غیر یی یاقه یی قورترمش یوقدر (که محمدک
(صلی الله علیه وسلم) هلا کنندن صکره دوه سنی الوب ساحه امان
مدینه یه فرار ایتشدرد) دیدی . مشار الیه اول منافق دورویک سوزندن
متأثر اولغله کمال یأس و بکا ایلله عودت و پدرینی برخلوته دعوت ایدرک
سموعی اولان کفتکوی سامعه خراشی اسماع و پدریدخی
(او غلم یلور سین که بن یلان سویلکی سومم . ان شاء الله تعالی
یارین اردوی همایون ظهور ایدرک بنم سوز لر می تصدیق ایدر)
جوابیله مشار الیهی تطیب واقناع ایلدی . (رضی الله عنهم)

لایحه
ابو بکر و عمر (رضی الله عنهما) نک اسرای بدر حقنده اولان
اختلافاتی بیساننده در

غزاة اسلام اسیرلرک اعدام و آزاد اولملری حقنده اداره کلام ایلد کلری
اثنا ده حضرت صدیق اکبر (رضی الله عنه) فدیله آزاد ایدلک جهتی
و عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) قتل ایدلملری طرفنی تصویب ایلدیلر .
لکن (سردار انبیاء علیه اکل التحایا) افندی عزا یکسته دخی اعطای جواب
بیور میوب خیمه قدسی مطاف همایونلرینه عزیمت و بر مدت صکره عودت
ایدرک «حق جل و علا حضرتلری بعض قولنک خلقتنی سنکین خلق
ایلمشدر . یا ابا بکر (رضی الله عنه) سنک یاراد یلشک جناب (ابراهیم
خلیل الله و عیسی روح الله) علیهما السلامه و یاعمر (رضی الله عنه) سنکدخی
مشرک حضرت (نوح و موسی) علیهما السلامه مشابه واقع اولمشدر

مقاله سنی بالا یاد رأی ابابکر (رضی الله عنه) ایله عمل اید لمسی مراد
بیورملری اوزرینه اخذ فدیله ایله اسیرلر اعاده قلندی ایدی • بالاخره
جناب عمر (رضی الله عنه) رومال حضور اوله رق صاحب سعادت
افتدیمزی ابوبکر ایله برابر بکا ایلمکده اولدیغنی کوروب «باعث بکابی
یلسم ایدی بندخی اغلرایدم» دیکندن «یا عمر (رضی الله عنه) اگر
روی زمینه عذاب ذوالجلالیه نزول ایلش اولسه ایدی سندن غیر
خلاص اولان بولمز ایدی • زیرا اسرا حقنده واقع اولان رأی سائیک
صواب ایکن بزجهت خطایی استصواب ایلش در» جوابی بعد
الا عطا اولسا بده دهشت بخش نزول اولان * لولا کتاب من الله سبق
لمسکم فیما اخذتم عذاب عظیم * آیت جلیله سنی قرائت بیوردیلر که
معناسی (اگر لوح محفوظده اجتهاد نده خطا ایده نک عقاب اولنماسی
یازلمش اولیدی • الدیغکر فدا مقابله سنده سزه عذاب عظیم اولوردی)
دیمکدر • اشبو کیفیتک شأمتی یعنی اراده ذوالجلالیه تعلق ایتزدن اول
فدیله الله رق اسرائک آزاد ایدلمسی غزوه احد تفرقه سنی بادی واسرای
بدر عددی قدر صحابه نک وقوع شهادتیه در دانه دندان
نبویه نک شکست اولسنی مؤدی اولدی • * وقعه قتل ابولهب *
بدخواه جناب رسالتپناهی اولنلر که اکثریسی مقتلکه بدرده تلف
اولندیغنی حوادث بوالعجب سامعه خراش ابولهب اولدقده فنا بر حالده
منکسر وفوق العاده متأثر اولوب آخر الامر اول دردایله هلاک
اولدیغنان انکدخی تصور تله تلف اولندیغنی ذکر واتیانه وقعه بدرک
اکالی مناسب کورلمشدر • شویله که (عباس بن عبدالمطلب) اقدمجه غلامی
(ابورافع) وزوجه سی (ام الفضل) ایله (رضی الله عنهم) داخل
دائرة اسلام اولوب فقط مشار الیه مکة اهالیسیله کثرت اخذ وعطاسی
اولدیغندن اظهار شعار ایمان ایده میوب بالضروره سفهای بدره التحاق
ایتمشیدی • (ابورافع) ایسه زمزم شریف قوغا جیسی اولدیغندن
برکون حجره سنده قوغه اعمالیه مشغول ایکن سالف الذکر (ام الفضل)
ظهور و بدر وقعه سنده هلاک اولان کفره نک اسماعیلی یادایله اظهار

سرور ایلدی • بونی متعاقب ابولهب دخی وارد اوله رق بدر دن هنوز
کلمش اولان (ابوسفیان بن حربی) کوروب ماجرای بدری سؤال ایلدی •
وابوسفیان «محمدک (علیه الصلوة والسلام) عسا کر یله مقابل اولدیغمن
وقت سلاحتیمزی بیره براق دق بزدن استند کلری قدر قهر وتد میر
ودیلد کلری قدر اسیر ایلدیلر • بونکله برابر بهادران قریشی بده تعیب
ابده م • چونکه یوزلری منور والبسه لری بیاض وجله سی آلاجه
آتله سوار وهپسی نیره دار اوله رق آسمان دن نزول ایدن بر طاق عسا کرک
سطوت ومها بتلرینه تحمل ایده میوب پراکنده و پریشان اولدق» دیمش
وابورافع «والله تعریف ایتکده اولدیغک عسا کر ملائکه کرامدن
اولوب حضرت محمد * علیه الصلوة والسلام * معاونت ایچون نزول
ایتمشدر» جوابی ویرمش اولدیغندن ابولهب اظهار حدت ویرندن
صحرامسیله ابورافعک (رضی الله عنه) یوزینه بر توقاد ضرب ایدرک
وبعد بلندن قاپه رق بیره اوردیغنه قناعت ایده میوب ده کوکسی اوزرینه
صعود ایله دوککه جرأت ایلدی • بو وضع نا هنجار ام الفضل مشار
الیهابه آخر کادیکندن اول ملعون بی دینک باشنه بر سپور که صابی اورارق
لا بقی وجهله زده لمسی اوزرینه خانه سنه عودت ویدی کون صکره
مبتلا اولدیغنی (عدسه) مرض هائله سیله سمعت عدمه عزیمت ایتشدر •
(عدسه) قحاحات ثلثه ایله قاتل بر علت اسمی اولوب قبائل عرب بو علتک
ذکرندن متحاشی اولدیغنی اجلدن ابولهبک لاشه سنی اولاد واقرباسی
قالدر مغه جسارت ایده مدیلر ایدی • آخر الامر حرارت هوا ایله پیسدا
اولان عفونت قبیحه بلده طیبه اطرافنی احاطه ایتسی باعث کفتکو
اولغله اوزون اوزون کوندلر واسطه سیله خانه سی داخلنده یاخود
خارج بیت اللهده حفرا تیدیریلان چیقوره لقاقوطاش وطپراق انداختیه
حفره مذکوری املا ایلدیلر • برسنه صکره (عباس) بن عبدالمطلبک
(رضی الله عنه) رؤیا سنده کورینوب (بن دین خاک هلاک اوله لی
راحت یوزی کور مدم) • وزبانیلرک جور و اذاسندن
بر لحظه دخی خالی اوله مدم • فقط برادر زاده م محمدک

«عليه الصلوة والسلام» دنيایه تشریفی تبشیر ایدن جاریه می آزاد
ایلد یکمه حرمة هر بازار ايرتسی کجه لری عذابم نو عما خفیفتمکله
راحت ایدرم) دیواظهار ندامله فریادی فائده ایلشدر *

مقاله { ۱۰ }

اشقیای قریشیه دن عمیر بن وهب الجهمیك اسلامیتی بیاننده در *

بدر غائله سی بر طرف اولدیغی ائنده عمیر بن وهب الجهمی دینلان شخص
صفوان بن امیه نك حجره سنه کیدرك مر قومی رهین حزن و غم
کورد یکنندن (آه) کرچه مبتلای عیال و فقیر الحال اولمیدم *
بدر ده اسیر ایدیلوب مدینه یه کتوریلان اوغلم (وهبی) خلاص ايلك
دسیسه سیله مدینه یه عزیمت و هر نصل ایسه محمدی «عليه الصلوة
والسلام» (حاشا) قتل ایتکله جرأت ایدردم) دیمسندن صفوان منبسط
اولوب (یا عمیر بورجکی و یرمک و اولاد و عیالکی اداره ایتک بنم واجبه
ذمت اولسون) دیمسی اوزرینه «بو اسراری صقین افشا ایتمه کیم بن
اشته کیدی یورم» دیوب قلنجی زهر لیه رک مدینه یه متوجه اولدی *
وبعد زمان حضرت فاروق اعظم (رضی الله عنه) برقاج صحابه ايله
نوبت کذار بارگاه نبوی اولدیغی و بر کوشه ده غنایم بدرک تذکرنده
بولندیغی صرهد مسلمان مدینه یه دخول و مسجد نبوی یاننده دوه سندن
نزول ایلدی * مشار الیه بونک عمیر بن الوهب اولدیغی یاننده کی اولنره
بیان اور و مال حضور یاد شاه انس و جان اوله رق عمیرک تلف ایدلمسی
استیذان ایلدی ایسه ده (خواجه دقیقه شناس علیه سلام الله بعدد
الانفاس) افتدیمز عمیرک احضارینی فرمان بیوردیغندن بر الیه عمیرک
النن و دیگر الیه قبضه سیفندن طوتوب احضار حضور (سیدالابرار)
ایلد کده «یا عمر (رضی الله عنه) عمیری صالیور * و یا عمیر ایلر و کل»
بیوردیلر * عمیر بر ایکی خطوه ایلر و لیوب آیین جاهلیت
اوزره (عموا صبا ح) دید یکنندن «یا عمیر جناب واهب
العطا یا نك اهل جنته اکرام بیوردیغی (عموا صبا ح)
ترکیب اولیوب (السلام عليك) کله لیدر * فقط سن بورایه نه خد متله

کادک) سؤالی ایراد بیوردیلر * (یا رسول الله اوغلم (وهبی) ازاد ایتکزی
رجایه کلدیم) دید یکنندن «یا بونو کده کی قلنج ندر» بیورلغله (بزکویا
سیفله بر فائده کوردکی * یوقسه بر محله قزاندقی) جوابنی اعطا
ایلد یکنندن «یا عمیر کعبه الله حجره لرینک برنده صفوان بن امیه ايله
نه استساره ایلد کسه طوغریجه خبر ویر» بیوردیلر * و عمیر انکار
ایلد یکنندن صفوان ايله اولان مقاوله سی موضوع بحث ایدلمک
اوزره «بو خیال باطل ايله بنم بستمده جناب حق حائلدر» مقالیه
دسیسه متصوره عمیری میدان قودیلر * عمیر ایشی اکیوب (یا رسول الله
بو آنه قدر مبعوث بالحق بیغمیر مطلق اولدیغکزه اینانمه رق اصحابکزی
تکذیب ایدردم * اشته شمعی حقیقت حالی اکلدیم * زیرا صفوانله
جریان ایدن معاملات او هامیه یه هیچ برکسه واقف دکککن سزه معلوم
اولیشی علی طریق الوحی اولدیغنه شبهه م قالمدی) دیه رک مسلمان
اولدیغندن جناب عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) «یا عمیر بو آنه قدر
کوزیمه بیانی کراز دانه سی کی کورینور ایکن طرفه العین ایچره ثمره
فؤادم کی معزز کورندک» دیمشدر * عمیرک صدق ضمیری ظاهر
اولدقده شرفسنوح ایدن امر و اراده نبوی اوزرینه کندوسنه ادای
صلوة اصولی تعلیم و اوغلی وهب تسلیم قلنسيله برابر و مال حضور
اولوب (یا رسول الله شمعی یه دکین فانوس دین احديه نك اطفاسنه
غیرت و صحابه کرامه جفا و اذیت ایدردم * اذنک اولور ایسه بوندنبویه
متعصبان قریشی دین احمدی یه دعوت و قبول ایتیلری رهین وادی
خیبت ایده یم) زمینيله استحصال رخصت و عودت ایلدی *
ازین جانب صفوان بن امیه مکه زقاقلرنده کال شادی
و مسرتله کشت و کذار و چون مکه بدر وقعه سنی اونوتد بره جق
بر حادثه ظهوری مأمولنده اولدیغندن هر کورد یکی شخصه اخطار
ما فی الضمیر ايله مدینه طرفدن استفسار اخبار ایدردی * بالاخره
مدینه لی بریولجیدن عمیرک «رضی الله عنه» اسلام اولدیغی
طوبیسیله الی اخر العمر مشار الیه ايله مکالمه ایتماکه یمین ایلدی *

﴿ مقاله ﴾ { ۱۱ } ﴿ عصما بنت مروانك قتلى پسانده در ﴾

عصماي يهوديه كه برخائنه دين مبین ایدی • کچه کوندوز مسلمانلرك عیني جستجو ایتك و افراد اهل ایمانی تعیب ایتك افکارنده اولد یغندن بونك خار جفا سندن دیاجه دیوان رسالت و خواجه شهرستان بسالتك صلی الله علیه وسلم کلبرك خاطرلری رنجیده اولد یغنه و اسلام عساکرینك مقتلکاه بدره حرکتلری ائنده مزبور نهك صرف ابتدکی هزیان قدمای اهل ایمان دن عیراجمانك ﴿ رضی الله عنه ﴾ سامعه اخلاصنه ایصال قلند یغنه مبنی مشار الیه اردوی همایونك عودتنده مزبور هی هلاک ایتکی نذر ایلشیدی • اردوی اسلام بعون الله الملك العلام عودت ایلد کده ایفای نذر نمونده ایتکی سنه هجریه رمضان شریفك یکر می بشیچی کچه سی مزبور نهك خانه سنه عزیمت و چو چوغنی بر طرفه یاتیروب کندوسی مر ضعه سیله برابر سینه بسینه رهین خواب صفا اولدیغنی حس ایلیه رك بر طریقه کورک سندن مر ضعه سنی قالدردی • و قلنجك اوجیه هلاک ایلد کدنصرکه نماز صبحی ادا ایتك اوزره مسجد نبوی جماعته ایرشدی • (خواجه ضمیر شناس عالم صلی الله علیه وسلم) اقتدیمر (عیرك) وقعه مر غوبه سنی (اقتات ابنة مروان) نهجنده استکشافه (بلی یارسول الله عجبا خطامی ایلدم) جوابنی الدیغندن (لاینطرح فیه غزان) یعنی لایعارض فیه معارض ولا یسأل فیه سائل فانها هدر زمین براعت رهینیه جوهر نثارا فرین و تحسین اولدیلر • بومادهك نزد عالیده رهین ساپاش اولدیغنی عمر بن الخطاب ﴿ رضی الله عنه ﴾ استماعله (بارك الله بویه بر مرد ضریر بو کونا بر خدمت مهمده بولنشدر) دیدیکی واصل سمع همایون اولد قدّه ﴿ یا عمر ﴾ رضی الله عنه (عمره مر دضریر دیمك خطا و بلکه مر دبصیر عنوانی ویرك بحادر که عن ظهر الغیب الله ورسول الله معاونت ایلشدر) بیوردیلر

﴿ مقاله ﴾ { ۱۲ } ﴿ بنو قینقاع وقعه سی پسانده در ﴾

هجرت سنه جناب پیغمبری (علیه الصلوة والسلام) وقوعنده طائفه یهود دن بنی قینقاع قبیله سی اعمال دسایس الحیل مدا را وعقد مصالحه خصوصنی استدعا ایدرك اهل اسلام هر حالده موافقت واعدای دینه ابراز مخالفت ایتك مادهلری واسطه العقد شروط اولمق اوزره استحصال امل ایلشرایدی • لکن منصفه زیب ظهور اولان (بدر الکبرا) مظفر تنده کوبه دولت (مجدیه) نك افق کیر وسطوت دین (احمدیه) نك رسیده کره اثر اوله جغنی هر کسجه اعتراف اولمغه باشلد یغندن قبیله مذکور هفرادی ره نارفته حسد و غرضه دوشوب اوتده بروده (فرقه اسلام فن حربه جاهل بر طائفه ایله مقاتله ایدرك غالب اولدیلر • اگر بزمله جنك ایتش اولسهلر دی اصول مبارزت نه اولدیغنی او کر نور لردی) ترانه سیله بنیان رفیع الا رکان معاهده بی خراب ایلدیلر • وعلی قول بنی قینقاع چار شوسنده بر قویومچی یهودینك کناره نشین دکانی اولان مؤمنه بر خاتونی یهودی مذکور اغفال مجبور اوله رقی دا من عصمت پیرا منی ارقه سنه تعلیق ایتش • و بواشیدن معلومات اله میان بیچاره خاتون یغز اکیال خد متله قیام ایلد کده جای مستوری آچیلش اولد یغندن یهود حضار قهقهه ایله استهزایه ابتدر ایلدیلر • مشار الیهما کمال شرم و حجابندن فریاد و بوحالی مشاهده ایدن بر مؤمن پاک اعتقاد اول شق فتنه انگیزی بالاعدام مستوره مشار الیهامددا ایلدی • و طائفه یهود دخی اول خالص العیار ایمانی شهید ایتدی ایدی • (نکته بان خطه نبوت علیه اجل التحیه) اقتدیمر اشبو کیفیت و خیم العاقبتی استخبار و طائفه مذکوره و جوهنی جلب و احضار ایله مسلمان اولمق بی تکلیفه ابتداریور دیلر ایسه ده کوزلرینه چکلش اولان پرده جهالت معاینه طریق هدایت حیلولت ایتدیکندن دین اسلامی قبولدن اباء و عدم مطاوعت علایمی ایما ایدوب مجلس مقدسه همایوندن روبراه اولدیلر • بونك اوزرینه ﴿اگر سنکله معا هد بر قوم دن نقض عهده دائر خیانت علامت لری فهم ایدرسك مقاتله دن مقدم انلره نقض عهدی طرح و اعلام ایله که نقض عهد علمنده برابر اوله سنر﴾ مأئنده اولان

و اما تخافن من قوم خیانه فانبد الیهم علی سواء آیت کریمه سی سطوت
بخش نزول اولد یغندن (علیه الصلاة والسلام افندی عزاظم صحابه دن
ابولبابه بنی (رضی الله عنه) جانشین مقام و کالت و ایکنجی سنه هجرت سنیه
شوالی او اسطنده مقدار کافی صحابه استصحا بیله قبیله مذکوره حصار بنی
محاصره یه عزیمت بیوردیلر • سکنه حصار تضییقات متوالیه اسلامه تاب اور
تحمیل اوله مدقلرندن سنه مر قومه ذی القعدة سنه بالجملة ماللرینی تسلیم
ایملک شرطیله عرض استیمان ایدوب فقط و خامت نقض عهد اولق اوزره
رجاری رهین قبول و مساعفه اولمدیغی جهته انکشت خای تأسف
و دستکزی تلف او له رق جمله سی بردن تسلیم اولد قلرندن
کافه سنک قتل اولملری فرمان بیورلدی • ابجق رئیس قافله
اهل نفاق عبدالله بن سلول بد اخلاقك عرض رجا و اسرای
مر قومه جزالینک دیکر بر صورتله تربیتی تمنا ایلمسی و اظهار
چین جبین بیورلدجه اخاح و ابرامی حد مدافعه دن تجاوز ایتمسی اوزرینه
شام اراضیسنده واقع (ازرعان) سمتة نفی اولنوب اموال و اسلحه لری
بین الاصحاب تقسیم و حصه نبویه ایله فقرای غزات تلطیف
و تنعم بیورلدی • حکمت اشبو طائفه یدیوز نفر دن عبارت اولوب
یک آذرب و قنده جمله سنک در که نشین جیم اولد قلری مر و یدر •

مقاله { ۱۳ } غزوة السویق و قعه سی بیانده در

ابوسفیان معرکه قریش سوز بدر دن عودت ایلدیکی زمان فرقه فنجیه
اسلامیاندن اخذ ثار انتقام ایتمدکجه زوجه سنی استفراس ایتماک و عادت
عرب اوزره دستار مزینله باشی بزه ما مک خصوصنی نذر ایدرک خزله
مشرکین دن (۴۰) و یاخود (۲۰۰) شخصی بالتحریک اجرای مافی الضمیر
خیال محالیه مدینه منوره یه توجیه و جهة عزیمت ایلدی • (ع) زهی تصور
باطل زهی خیال محال • یولده کیدرکن (بنی النضیر) قبیله سندن
حی ابن اخطبک خانه سنه نزولی امل ایدوب فقط ابن اخطبک عدم
مساعده سی اوزرینه (سلام بن مشکم) اوینه بسط بساط مذلت

ایلدی • سلام بن مشکم ایله تابصباح عشرت و علی السحر اورادن
قالقوب مدینه منوره یه بر فرسخ بعدی اولان (عربضه) ناحیه سنه
مواصلت ایدرک خدمت ذراعتله مشغول بر مؤمن انصاری بی رهین
وادی جنان و (۲) خرما اغاچی یاقوب اول ره و بقایه مشعله آتش
فشان ایدوب ز غمجه اسقاط نذر ایله عودت ایلدیکی (شهباز اشیا نه
رسالت علیه افضل التحیه) افندی عزاظم عرض و اخطار اولمغله (ابولبابه بنی
(رضی الله عنه) مسند کذار حکومت و (۲۰۰) اسلامه تعقیب ابوسفیان
ارخای عنان عزیمت ایدوب لکن عساکر قریش عقبگیران اسلامدن
قور تلقی نو عما خفیظتمک اوزره زخیره لری اولان سویقی (بدوی
عربلرینه مخصوص بر نوع طعامدر) ترکله فرار ایلد کلری معلوم
اولد یغندن عودت عالی شرف و قوعبولمشدر (کد اشبو سویقک اهل ایمانه
نصیب اولیشی غزای مذکوره (غزوة السویق) تسمیه سنی اقتضایتمشدر •

فصل { ۴ } (در بیان وقایع) { ۳ } سنه هجریه
مقاله { ۱ } غزای قرقره الکدر و قعه سی بیانده در

اهل اسلامه ایصال دست خسار و زیان ایتک تصور بیله (بی سلیم و غطفان)
قبیله لری اهلایسنک (قرقره) نام محله تمشد و اجتماع ایلد کلری و اصل
سامعه همایون اولد یغندن مهاجرین و انصار دن مرکب بر فرقه شجیه
استصحا بیله موقع مارالذکره عزیمت بیوروب چونکه فرقه دشمنی
تعقیب میسر اولد یغندن تصادف اولنان (یسار) نام غلامه بردوه جی
چو چوغندن مجمع کفار استخبار اولنوب بونلرک خذله اعدای کورمد کلری
اکلا شلمش و اولکون قلنان صباح نمازی جماعته (یسار) سالف الذکر
کندی استیکله دخالت ایدرک صف ارای نماز اولمشدر که یسارک بلا
تکلیف مسلمان اولیشی خاطر فروز (امام صف انبیا علیه اجل التحایا)
اولد یغندن مر قومی التماس حضار ایله بعد التملیک ازاد ایلدیلر • بعده اغتنام
اولنان دوه لردن حصه همایون افراز اولمش و هر بر غازی ایکیشرو قول
اخرده اوچر رأس دوه الدیغی حالد عودت عالی شرف و قوعبولمشدر

مقاله { ۲ } غزوه انمار و قعه سی پاننده در

(ذی نام) شهرتیه مر سوم خریطه اشتهار اولان (انمار) موقعی اراضی
نجدیه دن بر موضع اسمیدر که بنی (ثعلبه) و بنی (محارب) قبیله لری
سیدی اولان غورث نام حریفک تحریک و تشویق قیله محل مذکور ده
تختد ایدن بر طاق اشقیانک هجر تسرای مدینه منوره یه هجوم ایلک زعمده
اولد قلری نکمبان خطه رسالت علیه اجل التحیتک سامعه رس انتباهی
اولد بغدن عثمان بن عفان (رضی الله عنہی) مسند نشین خلافت
و در تیوز الی اصحاب استحقاقیه موقع مذکور توجیه وجهه عزیمت ایدرک
محل مذکور یقین بر موضعه تصادف اولتان (جبار) نام شخصه
تلقین دین التفات جهان بهاسنه همت و جمعیت اشراک بیم جان ایل
متواری شواحق جبال اولد یغنی اکلا یوب عودت پیوردیلر • اول روز
رحمت فروزده فوق العاده بر رحمت نزول ایلد یکندن لباس مبلول
مقدس قورودلق ایچون بر شجر اوزرینه آصیله رقی ذکر اولتان اغاجه
پشت داده استراحت پیورلمشیدی • مترصدین کین ضلال رسول
ملک المتعال افندیملرک عسا کراسلامدن اوزاچه تک و تنها بر محله اولدیغنی
کوروب غورثی (اشته بو حال اختلاس فرصته دالدر • زیرا محمد
(علیه الصلوٰه والسلام) عسا کراسلامدن دور بر محله اوتورر)
سیاقیله تشجیع ایلدیلر • مر قوم جامه سنی بالتبذیل کین خفادن
ظهور (ومن یمتک الیوم منی) نعره سیله سحاب عنبر بار شفاعت علیه
اجل النحیه افتد بمر اوزرینه حواله شمشر شورایدوب (الله تعالی)
جوانی الدقه حضرت (جبریل) نازل اولوب غورثک کو کسنه
بریو مروقی آوردی • مر قومک عقلی باشند کیدرک کندینی یرنده
بوله مدقدن بشقه التدن سقوط ایدن قلنجی بدعالی نبویه کورمش
اولد بغدن مقابله بالثل قاعده سنجه ایراد پیورلمش اولان (من یمتک
الیوم منی) مقاله سنی طویله عقلی باشنه کله رک (یا رسول الله بنم هجمه
سیغدن سنی وقایه ایدن جناب حافظ الحقیقی اولد یغنه قطعا اشتباهم

قلمدی) دیه رک اسلام اولسی اوزرینه قلنجی ینه کندوسنه اعطا
پیورلمشدر • بونک اوزرینه غورث بی اختیار (والله سن بدن خیرایسین)
مقاله سنی تذکار ایلد قومنی طریق هدایته سوق ایلک اوزره استمدای
رخصت والد یغنی امر موجب سجه قرارگاه قومنه مواصلت ایدوب افاده
ما فی الضمیر مسارعت ایلدی • وقومی طرفندن (خصمی یا لکن جبه
وسلاح سزجه بولوب حواله سیف انتقام ایلش ایکن مغلوب اولمقلغک نه حکمت
منیدر) یولنده اولتان سؤاله (ارامزده بیاض یوزلو اوزون بویلو بر شخص
مهیپ الهیکل ظاهر اولوب یومر وغیله بنی میدان مذله دوشور دیکندن
بونک امداد آسمانی و محمدک (صلی الله علیه وسلم) پیغمبر یزدانی
اولدیغنی بیلوب اهل ایمان زمره سته داخل و منتهای اماله واصل اولدم •
اگر سزدخی عاقلانه حرکت ایدوب ده ماقبت خیرانی ارارایسه کز همان
کاسه قلوبکزی چرکاب شرک و کفر دن تطهیر غیرت ایدک) مأانده
اعطای جواب و اسلام اولمیرینی تکلیفه شتاب ایلدی • اشبو تکلیف
سعادت ردیفی بالجمله قومی نزدنده رهین قبول اولدیغندن علی الا نفرد
داخل عداد ایمان اعتیاد اولد قلرندن (ای مؤمنلر الله تعالینک سزک
اوز یکره اولان نعمتی ذکر ایدک که اولزمان اللربنی آچوب سزک قتلکنه
قصص ایتدیلردی • اول انلرک اللربنی سزدن دفع و صرف ایلدی)
مفهوم منیفنده اولان (یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمه الله علیکم
اذ هم قوم ان یسطوا الیکم ایدیهم فکف ایدیهم عنکم) آیت جلیله سی
نزول ایتش و اون برکون ظرفنده عودت عالی شرف وقوع بولمشدر •

مقاله { ۳ } وقعه سریه محمد بن مسلمه (رضی الله عنه) و قتل کعب بن اشرف
الیهودی پاننده در

بدر الکبری وقعه عظیمه سی سامعه خراش ساکنان ربع مسکون
و خبرله بالجمله مخالفین دین مبین دختون اولسی و کوشواره انام
اولان مناقب مدایح جنک آوران اسلامه طائفه یهود و منافقینک رهین
اضطراب بولمسی اوزرینه مدینه منوره اطرافنده متوطن اولان

واشرار یهودك رئیس ما به الافتخاری بولنان (کعب بن اشرف) کمال
انفعالن من مذمت اهل ایمانی اقدم امال عدیله بدر وقعه سنده رهن
وادی سچین اولان کفره نک اقرباء وتعلقا تنی تعزیت ایچون مکرمه به
عزیمت ایدوب مقتولین حقسنده تنظیم ایلدی یکی مرثیه لری واسلام
علیهننده ترتیب ایتدی یکی هجویه لری مجامع کفره ده قرائت وتشید بنیان
مخاصمته عودت ایلدی • اشبو خبر مرأت قلب همایونه ایراث کدر
ایلد یکنندن ﴿اللهم اکفنی ابن الاشرف بما شئت فی اعلانه الشر وقوله
الاشعار﴾ د عاسیله حضرت قاضی الحاجاته عرض اشتکاو ﴿عجبا بو خبیثک
وجودینی تیغ جلادتله صحیفه حیاتدن محو و نابود ایده جک بولنورمی﴾
سجیله اصحاب کرامدن استقصای اجترایوردیلر • و بکار انصار دن
محمد بن مسلمه دن (رضی الله عنه) (انعطاف توجهات نبویه کزله
مشمول بیور یلور ایسه بوایشک ایفاسنی متعهد اوله یلورم) جوابی
الوب مسرور اولدیلر • مشار الیه محظوظیت همایونی کور مسیله
خانه سنه عودت ایدرک متعهد اولدیغی کیفیتک اجراسی نه صورتله
ممکن اوله بیله جکی ملا حظله سیله اوچکون و اوچکیجه قدر بیوب
ایچمکدن منقطع اولوب نهایت الامر مجلس مقدس نبوی به جبهه
فرسای نیاز اوله رق بو بایده صحابه دن بریله اداره کلمات مشوره اولمق
تمنا سنه در کار اولد یغندن سعد بن معاذ (رضی الله عنه) ایله استشاره
ایلك امر بنی الوب کیفیتی تذکر و مطالعه به باشلدی • و مشار الیه طرفندن
﴿عرض افتقار ایله کعب سالف الذ کردن استقراض دینار و او ملا بسه
ایله ایشه ابتدار ایده لم﴾ یولنده بیان اولنان تدبیر کند نجه دخی رهن تقدیر
اولغله (ابونا ئله و عباد بن بشر و حارث بن اوس و ابو عیسی بن جیر)
الانصاری رضی الله عنهم ایله رابطه بند اتفاق اولوب (ابونا ئله) مشار
الیه سود برادری اولان کعب بن اشرف الیهوده ارسال واستقراض
ضمننده کندیلرینک دخی متهی عزیمت اولد قلمی خبرینی ایصال ایتدی •
کعب ایسه ایشدن غافل و ابونا ئله نک (رضی الله عنه) ورودیله
بر محظوظیت فوق العاده به نائل اوله رق لوازم مهمانداری به

اشتغال و بالاخره سبب ورودینی سؤال ایلدی • مشار الیه (مدینه به
هجرت مهاجرین حسبله شیرازه مجموعه انتظام مز پریشان و صدمات
محارباته جله مز سرکردان اولوب ثروت و یسار مز مبدل احتیاج
وافتقار اولغله بعض یاران صفانهادان قدیمکن اتفاقیه سزدن استقراض
دراهم ایتکه کلدک • اگرچه رهن قبول اولور ایسه علی الجملة سایه
محاورتکنه احتشاد ایلك تصورنده یز) یولنده بسط مقال و ترهین اسلمه
شرطیله اچقه المق اوزره سوزی اکمال ایله عودت ایتدی • و بعده
رفقاسیله برابر رومال حضور اولوب اعمال ایلد کلمی دام احتیالی در میانله
اجرای اقتضا سنی استیذان ایلد یکنندن اول تنهار و صحرای اسرا علیه
اکل التحایا حضرت لری اوچنخی سنه هجریه صفر الخیرینک اوندرد نجی
کیجه سی مشار الیهی بقیع شریفه دکن تشیع واوراده (انطلقوا
بسم الله عنه) د عاسیله وقایه الحفظ صمدانی به تودیع بیوردیلر •
مشار الیههم نقطه مطلب اولان حصاره مواضلت و دق دروازه حصینه
مسارعت و کعب بن اشرف الیهود فتح باب قصدیله قیامه حرکت ایلد کده
زوجه سی (یا کعب نره به کیدرسین) دیوبده (دق باب ایدن یاران
قدیمدن محمد بن مسلمه و ابونا ئله به (رضی الله عنهما) فتح باب ایچون
کیدرم) جوابی الدقه (بو قپوچالینشدن قان قوقوسی کلیوری) دهرک
دامنه یا شوب کوندر مامک استد یسه ده کعب قولاق آصموب فتح باب
و ایفای مر اسم خوش آمدی به شتاب ایلدی • ابونا ئله (رضی الله عنه)
اولجه بیان ایلدیکی استقراض ماده سنی در میانله همبزم
معاشرت اولد قلمی اثناده (یا کعب کا کلکدن شم اولنان
بوی دلونه بر خوش عطر در که دماغ جانمی تعطیر ایلدی)
دیدیکندن ﴿مر بوط عمود از د و اجم اولان اهوی مشکین نافه کرام
قبائل عربک الزیاده خوشبوسی اولغله انک صاحب لری نک را یحه اصلیه سی
سرایتید ریوقسه عطر عارضی دکادر﴾ جوابی ویر مسی اوزرینه
مشار الیه کعبک صاحب لرینی طو توب هم کند یسی استشمام و همده
رفقا سنه اشمام ایتشدر • بو اثناده محمد بن مسلمه نک (رضی الله عنه)

طرح انداز محبت و مرآت آسمانه عطف نظر دقت اولوب (لا هو انه كوزل
متهابدر • بویله بر وقت دلکشاده عجز تپه سی موقعه عزیمت
و اول جای فر حفزاده تمامشای صفای هوا ایله عریض و عمیق مصاحبت
اولنسی ممکن اوله بیلورمی) دیمسی جالب آرای موافقت اولمق حسبیه
بالا تفاسق موضع مارالبیانه عزیمت ایلدیلر • ابونا لله (رضی الله عنه)
بوراده دخی قصد استشمامله کعبک صاحبزینی اله آلوب (ای بها دران
اسلام سیف انتقامکزی دشمن خدا وعدو رسول کبریا اولان اشبو خبیثک
جسم مردارنده تجربه ایده جک وقت کلدی دیدیکندن جمله سی بردن سل سیقله
کعبی اعدا مه چالیشوب فقط حسب الحکمة حارث رضی الله عنہی سهوا
یاره لمش اولدیلر • اخر الامر محمد بن مسلمه (رضی الله عنه) اوفق
بر بجا غله کعبک کو کسندن کو بکنه د کین چاک و جان آجیسیله اوردیغی
نعره اهالی افلاکی تر سنک ایلدیکندن اهل حصار دهشت نعره ایله بیدار
و باروی حصار اوزرنده بالا اجتماع استطالع حاله کوش گذار اولدیلر ایسه ده
اصحاب جلادت استصحاب اول لعین بی دینک سر شقاوت اثرینی آلوب
عودت ایلدیلر • بیدار نشین خلوتخانه اسرا علیه من الصلوة
ماهوالا و فی افندیمن نصف اللیلده مظفریت واقعیه کسب اطلاع ایتش
و مشار الیهم از بر وقت صکره رومال حضور اوله رق کعبک باشنی میدان
مذله برا قش اولد قلدندن (افلحت الوجه) مقال بشارت
مألیله مشار الیهمی اسمان توقیره رفع و حارثک (رضی الله عنه)
جریحه واقعیه سنی مرهم لهابیه طرفه العین ایچره رفع بیوردیلر •

مقاله { • } { • }
تا جر فاجر ابورافعک قتل و قعه سی بیاننده در

مقاله سابقه ده بیان اولندی اوزره کعب بن اشرف الیهودی قتل
و تلف ایدن غازیلر سرامدان قبیله اوسدن بولمق و کعبک هلاکی
نزد همایونده موجب سباهش و تقدیر اولمق ملا بسه سیله مشار الیهم
اغور دین مبینده بویله بر خدمت مستلزم المفخرت ایفا سنه موفق اولد قلدینی
موضوع بحث ایدرک مجامع و مخافل مؤمنینده مباهات ایتکله با شلدیلر •

بو حال قبیله خزرج مسلمانلرینک تحریک عرق غیرتارینی موجب اولمغله
بونلر دخی کعب مقهوره مانند بر مشرکک طریق اعدام و هلاکته
مجبور اوله رق بو تصویرله (عبد الله بن عتیك وعبد الله ابن انیس
وابو قتاده) رضی الله عنهم خلقه بند مشاوره اولوب نواحی خیریه یه
جهت ارتباطی وزمین دلنشین حجازه یك مقارنتی اولان بر حصار متین ده
مکین اولوب همیشه مشرکین مکله یه اعطای مال و اطعام طعام ایله اشتغال ایدرک
اعدای اسلامیانی تشجیع املنده بوانان ابورافع نام تاجر فاجرک وجودینی
بازار فسادن رفع ایلکی قرارلشدیر دقد نصکره استحصال رخصت
وبر کیمه مدینه دن حرکتله غروب شمسده حصار مذکور دروازه سنه
واصل اولوب اختلاس فرصت دخول ضمنده (عبد الله بن عتیكی
(رضی الله عنه) حصار قیوسنده براقه رق کندولری بر محله اختفا
ایلدیلر • مشار الیه اهالی حصارک حقیقی وجوبانلری اراسنده حصاره
داخل اولوب قلعه قیوسی مفتاح حنک تعلیق اولندیغی محالی مشاهده
ایدرک شاید فرار ایتک لازم کلور ایسه یول بولمق احتیاطنه رعایت ایله
هوا قرار دقدیه مفتاح تعلیق اخذ ایله باب حصار ی آچوب بعده ابورافعک
خانه سنه عزیمت ایلدی • و ابورافعک بالا خانه غفلتده اکلنمکده و حکایه
سویلدوب کورک کورک کولمکده اولدیغی اکلا یوب سویلنیلان لقلقیاتک
تأثیرندن ایلر و کله جک حالات غشیه انتظار ایله بر کوشه یه اختفا ایدوب
چونکه قصه مسروده ییلان حکایه سی کبی اوزون اوزادی یالاندن
عبارت اولدیغندن مر قومه عارض اولان غلبه نوم اوزرینه قند یلک
سوندیرلسنی امر ایتش و مجلسنده بولنا نلرک جمله سی اسوده نشین خواب
اولمق اوزره اوطه لرینه خیمکشدیر • لکن قند یلک سوندیرلدیکی جهته
تعین خوابگاه ممکن اوله مدیغندن بر صدای رفیع ایله (یا ابارافع) دیوب
ابورافعک اشبو سسندن او یقوسی طاعنمغله (کیمدر او) دیه رک
قالقمسیله برابر سسنتک چیقدیغی یه حواله سیف ایلدی • و قلنجی
بوشه کتدیکنی حسله یاقه یی اله ویرمامک اوزره خانه ابورافعدن خروج
وبعد مدینه ولوج ایله اولکی سسینی دکشدیروب بر طاقم یا یغره لره

«یا ابا رافع! قولاً غم اوله برصدای عجیب واصل اولدی ایدی ائک سبی ندر» یولنده صدای سابقنی سؤال و ابورافعک (بلم مجهول بر شخص بکا بر قلنج حواله ایلدی اما هله اصابت ایتدیره مدی) جوابنی اعطایه تصدی ایلدیکی ائنده ینه سسک محل ظهورینه حواله سیغله اصابت ایتدیکنی اکلا یوب اوز رینه هجومه مسارعت واملنک پذیرای حصول اولدیغنه کسب اطلاعله عودت ایتدی • نه چاره که نردباندن دوشه رنه بر ایا غنک انجکنی سقطلمش و صا رغیله باغلیوب شکسته بسته خارج حصارده بولنان رفقا سنه ملاقی اوله رقی ابورافعک دکان جهانندن رفع کرباس وجود ایلد یکنه مطلع اولنجه یه دکین دروازه حصاره یقین بر محله توقف ایلشدر • بعده حصار داخلنده ظهور ایدن صدای بلند مائیانندن ابورافعک متاع جانی زیور ارای جارسوی نیرانی اولدیغنی اکیله رقی عودت و عرض کیفیت مسارعت ایلد کلرندن حقارنده نقدینه دعا ایثار بیورلمش • و لعاب همایونلریله غازی مشارالیه سقط اولان ایاغی پزیرای التیام اولشدر • اشبو ایکی وقعه مهیبه نك جلوه کرمنصه وقوع اولسندن مهابت شکوه رسول خدا قلوب قاسیه کفاری استیلا ایتد کله کافه سی بردن ترک خواب راحت ایلد یلر •

﴿مقاله﴾ { ۵ } عثمان بن عفان رضی الله عنہک کیفیت زفافی بیاننده در

حضرت عثمانک (رضی الله عنه) زوجة مطهره سی رقیه بنت محمد رضی الله عنها حضرت تلری کلزار بقایه خرامان اولدیغندن ام کلثوم بنت سید عالم رضی الله عنہایی ازواج و لقب عالی ذی النورین ایله رهین ابتهاج بیورلدی •

﴿مقاله﴾ { ۶ } حفصه رضی الله عنہا نک عقدی بیاننده در

عمر الفاروق (رضی الله عنه) حضرت تلری کریمه سی و شهدای بدردن حنیس بن حذافه سهمینک منکوحه سی حفصه (رضی الله عنها) بی جناب صدیقی و یاخود عثمان بن عفان (رضی الله عنہما) یه ویرمک مراد ایله

برردفعه تکلیف ایدوب رد و قبوله دائر جواب اله مدیغندن دو چار حزن و الم اولدیغنی صدد شکایتده (سید عالم صلی الله علیه وسلم) افندیمزه حکایت ایلد کده «جناب حق سنک کریمه که عثمان رضی الله عنه دن اعلا برزوج و مشارالیه دخی سنک کریمه کدن شریفه برزوجه تقدیر بیورمشدر» جوابیله ایمای مصاهرت و ایفای مقتضا سنه مسارعت بیور دیلر • قویا روایت اولدیغنه کوره مشارالیه انک مشربی سر تچه اولمق و نهال حدیقه خلق عظیم علیه التحیه و التسلیم افندیمز نهایت مرتبه ملایم سرشت بولمق حسبیه بالضروره مشارالیه انک ترک ایدلمسی لازم کلمش اولدیغندن جناب (جبریل) اجنحه بسط نزول اولوب «یا رسول الله جناب حق سلام و حفصه حقنده اولان افکار یکرک ترویجنه رضاسی اولدیغنی افهام و مشارالیه انک داراخرته دخی پرده پوشان حریم نبوتکزدن اوله جغنی اعلام ایلد یلر» دیمش و بوصورتله تمهید بنای الفت ایلش اولمغله الی اخر القیام دودمان افاروقیه پیرایه زیب احترام اولمشدر •

﴿مقاله﴾ { ۷ } زینب بنت خزیمه (رضی الله عنها) نک وقعه زفافی بیاننده در

شهدای بدریه دن عبیده بن حارثک (رضی الله عنه) منکوحه سی زینب بنت خزیمه (رضی الله عنها) اوچنجی سنه هجریه رمضان شریفنده داخل عداد ازواج نبوی اولمق رفعتنه نیل ایله سکن ماه صکره ترک عالم فنا و بقیع شریفده غرقه نشین سرای مأوی اولمشدر (که اطعام فقرا یه فوق العاده حریصه اولدیغنی اجلدن «ام المساکین» لقب عالیه سیله تلطیف بیورلمشدر •

﴿مقاله﴾ { ۸ } ولادت امام حسن بن علی المرتضی (رضی الله عنہما) بیاننده در

هلال انکشت نمای افق ولایت و قره العین علی بن ابی طالب اولوب (طیب و تقی و ذکی و ولی) القاب سامیتری تلقیب بیورلمش اولان امام حسن (رضی الله عنه) افندیمز افق مشیقه فاطمه الزهرا دن (رضی الله عنها) هلال شهر رمضانله برابر درخشان و کلشن سرای شهوده خرامان

اواندر که حین طاوعنده سرور کائنات علیه اجل الحیات افندی
دو تخته مشار الیهایی بالتشريف سمع عالی مشار الیه کلبانک اذان محمدیه بی
ایصال بیوردیلر • ویدنجی کونی سرنازین مشار الیه تراشله حاصل
اولان موی مبارکری اغر لغجه اچه تصدق ایتدکن ورسم عقیقه بی
اجرا ایلدکد نصره (حسن) نام یمن التسمیه بنام بیوردیلر •
• (استطراد) هارون عایه السلامک (شب پیر) و (شب پیر) استنده
ایکی اولادی اولق و بواسطه معنا جهتیه حسین اسملرینه مترادف بولمق
حسبیه مشار الیهایی (حسین) تسمیه بیورلمسنی حضرت
جبریل (علیه السلام) اشارت بیورمشلردن تم الاستطراد

مقاله { ۹ } غزوه احد و قعه مدینه سی بیانده در

بدر و قعه سنک با عث وقوئی اولان و بازار کرما کرم معرکه ده کیسه
وجود لری نقود حیاتدن تهی و بقیه السیوفی نشئه فرح و سروردن بری
قلنان قریش قافله سنک چوغی اهل تجارت کروهندن اولق و مقتلگاه
بدردن تخلص جوهر جان ایدن اعظم قریشیه نک اقرباء و تعلقا تلی
دخی مؤمنلردن اخذ تار انتقام صد دیله دلریش بولمق ملابسه سیله
مذکور قافله نک کتوردیکی اموال و اشیا محافطین (دارالندوه) به
تسلیم و برمدت صکره صاتوب رأس المال اموالی اصحابنه تقدیم ایدرک
حاصل اولان (۵۰۰۰۰) دینار تجارتک صرف و استهلا کیه
استحصال سرمایه انتقام زعمیه (ابو سفیان و اسد بن مطلب و حو یطبن
عبد العزی و صفوان بن امیه و عکرمه بن ابوجهل) کبی برطاقم رؤسای
قریش عقد انجمن اتفاق ایلدیلر • و اشو مجلس ضلال انیسک قراری
اوزره فنون لطائف الحیلله آشنا اولان (عمر بن عاص و هبیره بن ابی وهب
و ابن الریبع و ابو غره شاعر حمجی) دینلان ادملری عسکر طویلامق
اوزره اطراف و نواحیده متوطن قبائله سوق و اغرا ایلدکلرندن آز برمدت
ظرفنده یوزیدی زره و (۳۰۰۰) دوه لری اولق شرطیه اوجبیک نفر
شقاوت اثر احتشاد و حرب اناسنده مقتولین بدری یاد ایلله خزله کفار لری

تشجیع ایچون خیواجه جوار لری و نسوان خوش الحان تدارکنه
صرف مساعی ایدرک مککه اهالی سیله برابر تحریک قادمه
عناد ایلدیلر • اهل ایماندن اولوبده مککه مکرمه ده کوشه نشین
زمین فرصت و اختفا اولان عباس بن عبد المطلب (رضی الله عنه)
حرکات حشراته دأربنی غفاردن برقا صدصار قناریله کوندردیکی
نامه مفصله ابی بن کعب (رضی الله عنه) واسطه سیله ذات نجسته ات
همایونه تقدیم اولمغله سعد بن الربیع الانصارینک (رضی الله عنه)
خانه سنده مذکرات لازمه ایفا و ایشک مکتوم طو تلمق تبلیغاتی اجرا
بیورلدی • لکن (سعد) مشار الیهک زوجه سی دیوار ارقه سنده بولوب
مذکرات مکتومه جریانی استماع و کیفیتی رازدارینک برینه اسماع
ایتمسیه وقوع حال همان اولکون شیوعبو لدیغندن یهود و منافقین
طائفه لری (عجبا بونه حالدر که غفاری ساعیسنک قدومیه اسلامیان
رهین اضطراب بی پایان اولدیلر) یوللو حرف انداز اولغله باشلد قلرینه
بناء احوال مشرکینی اکلامق اوزره حباب بن المنذر (رضی الله عنه)
مککه سکره به کوندرلشدر • مشار الیه بر منزل بعدی اولان {عریص}
موقعنده دشمن عساکرینه مصادف و مقدار و کیتلرینه واقف اولوب
زرهلورینی و بالجمله دوه لریله جاریه لرینی کوزدن بکوردکد نصره
عودت و کوردیکی ذکر و اتیانه مسارعت ایلدی • مشار الیهک
افاده سی عباسک (رضی الله عنه) مکتوب مفصله سی مضمونه تمامیه
مطابقت ایلدیکندن نتیجه امور و قایه خدای غیوره تفویض قلوب
نقبای انصاردن (سعد بن معاذ و سعد بن عباد و اسید بن
حضیرک) برطاقم بهادران اهل ایمانک (کنجینه عرش افروز
محمدی) علیه السلامی لاجل المحافظه او کیجه صباحه قدر
سعاد تخته نبوی اطرافنده نوبتگذار اولملری امر و اراده بیورلدی •

رؤیای نبوی

ایله سید الایام اولان اول شب بو المعجده «چشم خوابده نبوی جسم
نازنین انور لرینک برززه قوی و محکم ایچنده اولدیغنی و ذوالفقار لری

یوزنده بر رخنه بولند یعنی و براو کوزایله برقیونک ذبح اولند یعنی علی
طریق الرویاه مشاهده و علی الصباح اصحاب کرامه افاده بیوردیلر • صحابه
حضرار بورو یادن تلاشه دوچار اولوب { تعبیر رؤیا } (زره محکم وجود
اسلامی محیط اولان حصار مدینه اولوب ذو الفقارک رخنه یاب اولسی دخی
بر مصیبت عظمی و وقوعه و ذبح بقرایسه اکابر اسلامیانندن بر ذات عالی قدرک
نائل رتبه شهادت اولسنه و قیونک بوغازلنسی وجوه قریشدن بر حریفک
وادی نشین هلاک اوله جفته علامتدر) بولنده تعبیر ایلدیلر • صلی الله علیه
وسلم افندیمن اشبورویای مسعوده مطابقه متحصن حصار توکل اولوب
درون مدینه ده حرب ایدلمسی تصویب ایله بیان افکار و کیفیتی لاجل التذکر
اصحاب کرامه اخطار بیوردیلر • بورایه مهاجرین و انصاردن بر چوغی رأی
ملائک پسند همایونه تبعیت و حتی عبدالله بن سلول منافق دخی تمسین
ایله (ایام جاهلیته استیلا ی اعادی وقوعنده حصار ایچنده ثبات
ایدلدیکه مظفر اولنوب مقابله اولندیکه مغلوب اولندیغی مسبق قدر)
افاده سیله خارج حصاره چیقلماق التماسه جرأت و فقط بدرمحاربه سنده
بولنمیانلرله (حزبه بن عبد المطلب و سعد بن عباد و نعمان بن مالک)
واوس و خزرج قبیله لرندن بولنله مقیس دها بر چوق ذوات سعادت
استصحابک طیشروده جنک و جدال ایدلمک طرفته رغبت ایدرک «مقاتله
ایتمامک اضطرار و عجز یزده حل اولنه جنی و بوملابسه ایله اعدای دینه
جسارت مستولی اوله جنی درکار و خصوصیه روز کافر سوز بدرده
قلت اسلام و کثرت عبده اصنامله رونما اولان مظفریت بودفعه دخی
دشمنه غلبه چاله جغمنه بیوجک بر علامت ایدوکی آشکار در • الحمد لله
بومحاربه ده عدد اسلام اهل بدردن زیاده و اغور همایونکرده جله من
فدای جان و سر ایتمکه حاضر و آماده اولوب او یله بر وقت فرصت
کوزدرز) کبی بر مقاله ایراد ایللری و (مالک بن سنانک) (ایکی جنت
بیننده اولد یغمدن هر قنغیسی مقدرایسه جانله قائلم) دیوقسم بخدا ایتسی
و نعمان بن مالکله بعض اصحابک تدبیر مقابله ده اصرار ایلش بولنسی
اوزرینه بالضروره خارج مدینه یه چیقلمق اختیار و زوال وقتی فضائل

جهاد و محاسن صبر و سدادی متضمن بر خطبه ایراد یله استحصال لوازمات
سفریه بی ایما و صلوة عصری بعد الادا حجره مقدسه نبویه شرف بخش
رغبت اولوب خلع فاخره حرب اولان زره مسعود لرینی اکتسا و سعد
ابن معاذ و اسید بن خضیرک (رضی الله عنهما) تشریف همایون انتظار نده
اولان و پیشگاه حجره مقدسه ده بولنسان وجوه اصحابی (ای اصحاب
رسول الله هر بر حرکت و استقرار پر بر کتده وحی آسمانی و اشارت یزدانی
ایله مؤید اولان خلاصه کارگاه آفرینشک (صلی الله علیه وسلم) رأی
مختارینی تحویل ایتدیکر) دیو سرزنش ایلدکری خلالده زرهپوش
اولدیغی و سیف قاطعلری میا نلرنده بولند یغی خالده ظهور ایدرک خارج
حصاره خروج ایده جکلرینی ایما بیوردیلر • حضار اصحاب خطای
واقع لرینی اعترافله مسبق اولان الحاح و ابرام لرینه اظهار ندامت و پریشانی
ایدوب رأی انف الذکر همایون موجب عالیسجه حرکت بیورلنسی رجا
ایلدیلر ایسه ده «ابرار ندامت منافی شان نبوت اوله جفتدن ساحه نمای
وقوع اوله جق فرمان خدایه اظهار انقیاد ایله مثاب • و اگر چه صبر
و تحمل کوسه تیلور ایسه ان شاء الله ظفر یاب اولورز» کبی بر جواب
اعطا سیله لوی نصرت التوای اوسیه (سعد بن عباد) و رأیت ظفرایت
خزرجیه (حباب بن المنذر) و سنجماغ فوز سراغ مهاجرین (مصعب
ابن عمیره) رضی الله عنهم تفویض اولندیغی (وعبدالله بن ام مکتوم)
رضی الله عنه قائم مقام مرکز خلافت بیورلدیغی خالده یوزی زرهپوش
اولمق و ایکی رأس دوه لری بولنمق اوزره بیک نفر صحابه استحباب
و جناب قادر المطلق (جل شان) حضرت لرینه متوکلا جیل (احد) طرفته
عزیمته شتاب بیورلدی • ذکر اولنسان دوه لک بری رکوب ظفر
محبوب سید براق (صلی الله علیه وسلم) افندیمنه مخصوص و دیگری
اجله اصحابدن (ابو برده) رضی الله عنهمک طویله بند عملکی اولمغه
زرهلی اولنلری نزد عالی و اصحاب سائر دخی اطراف اربعه نبویه ایکیشر
ایکیشر کیدلمسی ترتیب اولنوب اولکیمه مدینه ایله جبل احد وسطنده
اولوب جهتیته یا رمشر ساعت بعدی اولان (شیخین) موقعنده قالمق

تصور سامی سیله اطفال صحابه دن (عبدالله بن عمر و زید بن ثابت و اسامه بن زید و زید بن ارقم و براء بن عازب و اسید بن ظهیر و عرابه بن اوس و ابوسعید بن خضری و عمره بن جندب و رافع بن خدیج) رضوان الله تعالی علیهم کما اعاده سی اراده بیورادی ایسه ده (رافع بن خدیج) رضی الله عنه معیت همایوندن آیرلما منک چاره جوی حصولی ضمننده (ظهیر رضی الله) عنهدن التماس تربیت و مشار الیه تحریک لب شفاعت ایدرک یارسول الله رافعک صباوتی و ارایسه ده اوق آتمده مهارت کامله سی واردر • اگرچه برابر بولمنسی اراده بیوریلور ایسه حقنده لطف اولور • دیمسی و رافع مشار الیه ک سید بلند و پست علیه افضل التحیه افندی عزه اوزون کورمنک یعنی وارسته حد صباوت درجه سنده کوزکک اوزره انامل اقدامی اوزرینه قالقوب اطفال سائرده دن اوزون اولغه غیرت ایلمسی جالب محظوظیت همایون اولدیغندن تیررجاسی هدفرس قبول اولدی • شو حالک وقوعندن (سمرة بن جندب) رضی الله عنه دخی غیرته کله رک (مری بن سننک) توسط ایلمسی رجا و کورش علمنده رافعه غلبه ایده جکندن بحث ایدوب حین تجریده اثبات مدعا ایدرک رافعی یکمش اولدیغندن ایکسیدخی برلکده بولمغه فرمان عالی شرف صادر اولمشدر • بعده محمد بن مسلمه (رضی الله عنه) الی نفر رفاقتیله اردوی همایون محافظه سنه مأمور و طلوع شمس قدر ایفای ماوجه مأموریتیه مجبور اولدیغنی کبی اردوی حشرات محافظه سنه دخی عکرمه بن ابو جهل تعیین قلندی • و اشبو موقعده عبدالله بن ابی بن سلول منافق اوجیوز نفر عونه سیله عسا کراسلامی ترکله عودت ایلدی • و مر حله پیمای قاب قوسین صلی الله علیه وسلم حضر تلری مر حله شیخین دن حرکت و علی الصبح جبل احد کارینه مواصلت ایدوب چونکه جبل احد و رای لشکر گاه اولمق و کوه عینین صول طرفده قالمق اوزره ترتیب صف حربیه مسارعت بیوردقلری جهتله جبل عینین اورته سنده عسا کراعدا ایچون محل اختفایر اغلامق تصویریه الی نفر تیراندازز یاستیله (عبدالله بن جبیر) رضی الله عنهم محل

آنفه الذ کره تعیین قلنوب غلبه جیوش اسلام جلوه کر مرآت تیسرا ولد یغنی و یا خود بالعکس مغلوبیت فرقه مؤمنین مشاهده اواندیغنی حالده موقع مذکور ی براغوب مقلدکاهه متوجه اولمیه رق هر حالده اشارت همایونله حرکت ایتلری یعنی عسا کراسلام کرک مظفر اولسون و کرک منهرزم اولسون کندولرینه امر ویرلدکجه محافظه سنه مأمور اولدقلری یرده ثبات ایتلری ایچون اکیدا امر و تنبیه ویرلمش و بونلرک اعزافند نصکره ضاع باشه (عکاشه بن محسن اسد) وصول باشه (ابو مسلمه بن عبد الاسد مخزومی) و پیشگاه عسا کره (ابو عبیده بن جراحله) سعد بن وقاص و پیدر پی و رودی ملحوظ اولای عسا کری تشویقه (مقداد بن عمر) مأمور قلندرد (رضی الله عنهم) ازین جانب صاع طرفه خالد بن ولید و صول طرفه عکرمه بن ابو جهل النهرق و ابو سفیان دخی قلبکاهلرنده بولنه رق صفوان بن امیه ایله عمرو بن العاص رفاقتلرنده بولنان اعداد یاستیله کوه عینین ده کائن موقع مختفای سالف البیان مقابله سنی محافظه یه مأمور قلندیغنی و عبدالله بن ربیع امیر الجیش تعیین اواندیغنی حالده علم نحو ست و اولمربنی طلحه بن ابی طلحه بنی عبدالداره تفویضله مهبای قتال اولدیلر • بواثناده سپه کش انبیا علیه تحیات الورا یوزنده «فی الجبل عاروفی الاقبال مکرمة والمرء بالجبین لاینجو من القدر» عبارته سی محرراولان سیف خونباری اهل ایمانه بالارائه (بو قلنجک حقی ادا یه کیم متعهد اولور) دیوب ظهور ایدن طالبلره التفات بیورمدیلر • اخر الامر ابودجانه انصاری (رضی الله عنه) حق سیف نه اولدیغنی سؤال و «افنای وجود مستعار ایدنجیه قدر سعی ایدلمکدر» جوابی سامعه مشار الیه ایصال قلدیغندن ایفای مقتضای سنی متعهد اولمغه شمشیر شعاع ریز مذکور ی البوب طاقمش و مشهور آفاق اولان بهادر لغی جهتله رسم مألوفی اولان طور مفاخرته التفات همایون و قوعی علاوه شوق اولدیغندن مانند طاوس خرامان میدان و غا اوله رق «انها لمسیه یبغضها الله تعالی الا فی هذه المعطن» حدیثیه کندو سنه اشارت بیورلمشدر • ارجح اقوال واضح مقال ثقات اوزره قبل البعثة

قدوم عالی نبویه بی اخبار و بعد البعثه انکار ایلش اولان عامر بن فاسق
جمله دن اول الی نفر عونه سیله اسبران میدان مبارزت و نام بد فرجامی
ذکر ایله اهل ایمانه تیرانداز حقارت اولوب لکن سطوت کمانداران
مؤمنینه تاب آور مقاومت اوله میوب فرار ایلدی کی جهتله کمانداران
موحدینه مخاذی اولان هوازن قبیله باغیه سی رهین پریشان و معسکر
کفره و راسته نهان اولدیلر • یونی متعاقب هل من مبارز نعره مغرورانه سیله
خطوه جنبان مبادرت اولان و علمدار صف اعدا بولنان طلحه بی تلف ایدن
کزیده اصحاب و فاجناب علی المرتضا (رضی الله عنه) سرشقاوت افسر
مر قومی المق صد دنده ایکن عورت محلی منکشف اولغله عودت و مصعب
بن عمیر (رضی الله عنه) یریشه رک ایفای خدمت ایلدی • (طلحه
مقهور و مدمر بین العرب کبش کیتبه لقبیله معروف و مشتهر اولوب
بر طبق رؤیای همایون مذبو حاتلف اولندیغی موجب محظوظیت نبوی
اولغله تکبیر کتور لشدن) بعده رأیت نکونسا رکفار عثمان بن
ابی طلحه نک ید منحو سنده استقرار ایلدی کندن انیدخی
(حزبه) بن عبد المطلب رضی الله عنه تلف ایلدی • اند نصکره
ابو سعید بن ابی طلحه حامل رایت نکبت التوا اولغله (سعد) بن ابی وقاص
رضی الله عنه قنطره سیفندن کچوب دیار عدمه کندی • بالاخره رافع
بن طلحه رفع رایت کفرایت ایدرک (عاصم بن ثابت بن ابی افلح)
رضی الله عنه واسطه سیله دار بحیمه کوندردی • بوند نصکره اول علم
ضلالت توأمله حارث بن طلحه میدان مبارزته پانهاده وصول و (عاصم)
سالف الذکرک رضی الله عنه سیف جلا دتبله مقتول اولدیغندن اردنجه
برادری کلاب بن طلحه (زبیر بن عوامک) رضی الله عنه و او بر برادری
جلاس بن طلحه (طلحه بن عبد اللهک) رضی الله عنه مقتول سیفلری
اولوب اشبو مدت ظرفنده یعنی یارم ساعت ایچنده بهادران بنی عبدالداردن
یدی نفر شقاوت اثر رهیمای سقر اولدیغی و علم کفاری استصحاب
ایده جک پهلوان نامدار قالدیغی جهتله ارکان بن سرخیل علمدار دشمن
ذلیل اوله رق درآن ساعت (حیدرک) رضی الله عنه مقتول سیفی

اولش و بعده رخت شریح بن فارظ دخی منزل بحیمه نقل اولوب بنی
عبدالدار قبیله سندن علمدار لغه مقتدر یعنی بیهوده جان ویرمکه حاضر
کسه قالدیغندن صواب نامیله بر غلام رفع علم ایدرک قرمان منافق طرفندن
هلاک اولدی • (اشبو منافق اردوی اسلام حرکت ایلدی کی ائنده
نسوان قبیله سی طعننه تحمل ایده میه رک بالضروره عسا کر اسلامه
التحاقله برنجی صفده مستقر اوله رق دشمن اوزرینه جمله دن اول تیرانداز
اولوب اثنای مقاتله ده یدی مشرکی القای جاه بوار و برنجی سنی زخمدار
ایلدی کی و آخر الامر بر قاج محلدن جریحه یاب اولوب ده ییره دوشد کی
صرده قتاده بن نعمان (رضی الله عنه) (یا یا الغیداق شربت شهادت
حافیت اولسون نه حالده سین) دید کده (بنم غیرتم دین ایچون اولوب
قریشلره مدینه خرما لقلرینی جیکنتامک ایچوندر) دیدی • و کثرت
زخم ملا بسه سیله حیانتدن نومید اولغله قلنجی اوجیله کندی کندی
هلاک ایلدی • بناء علیه هر زمان که یاد اولسه سید الکونین علیه
الصلوة والسلام افندیمر مر قومک اهل جهنم اولدیغی تعریف بیورر لر
ایدی) شریح سالف الذکرک هلاک کندی نصکره جنک آوران اسلام جیوش
اعدا اوزرینه هجمه نمای اقتحام اولوب تعریفی غیر قابل درجه لده
اظهار دلیری و شجاعت و دشمنی رهین تفرقه و رجعت ایدوب جارسوی
مقاتله ده سرمایه شمشر لریله اخذ و عطای متاع حیات خصوصنه صرف
ماحصل سعی و غیرت ایتدیلر • مشار الیه من جناب (حیدر
و ابو دجانه) انصاری رضی الله عنه سادن صدور ایدن دلاور لکلر بحق
الانصاف خارق العاده مقوله سند ندرکه شیرازه اجزای کفار
روز کار صولت مشار الیه سادن تارومار اولوب علم شرک توأملری رهین
خاک حقارت و کریبان صفوف مرتبه لری چا کچاک دست خیت
اولسیله و نسیم دلکش هبوب فوز و ظفر خاشاک وجود دشمنی صفحه
میدان حربدن تطهیر ایلش بولنسیله دلیران اسلام یغمای اموال
و در دست اسرای نسوان و رجاله استعجال ایلدیلر • حکمت
(ذائقه داران نعم انبهاک معلوملری اولق لازمکله جکی اوزره غزاة

مشار اليهم ضياء فخانه عا غيبدين بوضرتله برنواله شیرین طعم نصرت
پیشنهاد قیلنوب لکن چاشنکیر تقدیرک هر براتمه سی ضمیمه بررسنک
وهر برنوش دامننده بررنیش بی درنک تعیبه ایلمش اولسی بدر کبرا
وقعه سنده الان اسرا عددی قدر ذواتک نائل رتبه شهادت اولسنه
سبیت ویرمشدر) چونکه جبل عینین محافظلری شاهد فوز وظفری
مشاهده ایدرک مأمور اولد قلری موقعی ترکله متوجه مقتله کاه اولدیله
رئیساری اولان (عبدالله بن جبر) رضی الله عنه مومی الیهی توفیقه
موفق اوله میوب فقط کندوسی قفسادارلری برابر دائره
ثبات ومحافظه دن حقیقه ماش اولدیغدن (سزدن بعضکزدنیایی
مراد ایدوب نهب وغارت کیدره وبعضکز اخرتی استیوب جنکده ثبات
ایدر) معناسنده اولان «ومنکم من یرید الدنیا ومنکم من یرید الاخره»
ایت جلیه سی سطوت بخش نزول اولوب ذکر آتی انهمزام رونما
واسرای بدرک فدیة التمسيله اعاده لری حقنده اراده الهیه سنوخی
سبقت ایدملکه اولمقدار اهل ایمان قادمه جنبان میدان بقا اولمشدر
شویله که اکابر اعدا دن خالد بن الولید وعکرمه بن ابوجهل (عبدالله
ابن جبرک) رضی الله عنه مأمور اولدیغی شکاف جبلک تک وتنها
قالدیغی واول مدخل خالیدن کلمک پک قولای بر راده یه کلدیکنی
مشاهده ویتقن ایدرک جله سی بردن موقع مذکور دن پایکذار
تجاوز اوله رق ثبات اوزره بولسان اصحاب کرامی القای
جویبار شهادت واسلام عسکرینی بالتعقیب متجلدانه رفتار ایل اشغال
نأره مبارزت وهرأت قضا طرفه العین ایجره صورت باز کونه ارائه سنه
موافقت ایلد یکنندن آفتاب فوز وظفردر یچه امال اعدایه پرتو انداز
وقوع اولغله جنک آوران موحدین رهین اضطراب اولوب دوست ودشمنی
فرق ایتیمه رک هرکیم راست کلور ایسه مضاربیه باشدیله بوکید شله
اهل ایمانک ینه غلبه ایده جکنی تفهیم ایدن شیطان لعین (اخویکم یا عبدالله)
نعره سیله مؤمنینه القای تلاش ایلد یکنندن اهل ایمان ایلروده بولنان کفاره
اسلام وکیروده اولان اسلامه دشمن بدفرجام نظریله باقوب یکدیگر یله

مقاله یه بادرت وغلبه حیرتدن هرکس جانندن عزیز احبابیله مبارزت
ایدرک «تری الناس سکاری وما هم بسکاری» مفهوم منیفی اظهار
ایادیلر که اشبوایت جلیله نک مال منیفی (اولکونک دهشتندن سن
ناسی سرخوش کوررسین حقیقه سرخوش دکلردر) دیمکدر
حتی (اسید بن خضیر) رضی الله عنه سیف اسلامه شهید اولدیغی کبی
حذیفه رضی الله عنه پدر عالی کهرلری (یمان) رضی الله عنهی اهل
ایماندن بری شهید ایلشددر جناب حذیفه پدرینی بیلدرمک اوزره
خیالوجه غیرت ایدوب لکن اس-تیلای حیرت افادات واقعه سنی تفهیمه
حیوات ایلدیکی وصولت دلیران اسلامه طیانته میهرق فرار ایدن کنره
دخی برطرفه بریکوب بردن بره هجوم ایتدیکی جهته نأره جنک وجدال
یکی باشدن اشتعال ایلدی شو حالک وقوعی فرقه منجیه اسلامی رهین
حیرت ورجعت ایلدیکی وسهی سروباغ بلاغ (علیه الصلوة والسلام)
افندیمن کززد سامیسنده کلبن حذیفه ولایت علی کرم الله وجهه دن غیری
کسنه قالدیغی اثناده «یا علی نیچون سنده برطرفه اختفایتمک» یولنده
اولسان سؤاله (یا رسول الله لا کفر بعد الايمان ان لی بک اسوة) جواب
حیدریه سنی ویرمش واول بالانشین مسند دعوت صلی الله علیه اکل التحیه
«یا ایها الناس انی رسول الله قد وعدنی النصر فالی این المفر» نهجیله
رفع قامت صدا بیورد جقه مسامع اصحابه القا اولنان پنبه دهشت مانع
استماع واجابت اولمشدر بوخلالده اعدا دن برفرقه مذمومه
اولکوه عالی اساس شفاعت اوزرینه هجوم ایلدیکی ودفع
مداخله لری جناب حیدره (رضی الله عنه) حواله ایلدیکی جهته فرقه
مقهوره مذکور نک رئیس بولنان هشام بن امیه مخزومی قتل اولندرق
عونه لری پریشان ایلدی بخاری شریفده نقل اولندیغی وجهله
یوم مذکورده محافظه مسلمین ضمیمه نزول ایدن ملائک کرامدن
(جبرائیل ومیکائیل) علیهما السلام هیئت نوع بنی آدمه تمثل والبسه
سپیده رنگ تلبس ایدرک اشرف موجودات علیه افضل الصلوات افندیمنک
عین ویسارنده رونمای ظهور و محافظه ذات هیون امر معتاسنه

مأمور اولاد قلری ائناده فورتنه دی ریای حیرتدن نکاره کیر سلامت اولان
 مهاجرین دن (صدیق اکبر و علی المرتضا و بد الرحمن بن عوف و سعد بن
 وقاص و زبیر بن العوام و طلحه بن عبدالله و ابو عبیده بن الجراح) و انصار دن
 حباب بن المنذر و ابو دجانہ و عاصم بن ثابت و حارث بن جحہ و سهل بن
 حنیف و اسید بن خضیر و سعد بن معاذ (رضی الله عنہم) مرکز محیط
 نبوت علیه التسلیم و التحیة افندیمرک اطرافنده عقد جمعیت ایلدی لر ♦
 مشار الیهم دن (حیدر و طلحه و زبیر و ابو دجانہ و حارث و حباب و عاصم
 و سهل) رضی الله عنہم پیشگاه رسالت دستگاه نبویده فدای جان
 ایلک اوزره دست داده بیعت اولد قلری (و ابو دجانہ ایلہ سهل
 ابن حنیف) رضی الله عنہما اللرنده سیف جلا دت اوله رق طلسم کنجینه
 نبوتک بالای سر سعادت مدار لری اوزره اجرای قاعده محافظه ده
 بولند قلری صره ده ینه برکروه مکروه جرأت نمای هجوم اولوب لکن
 هیبتش سنوح اولان فرمان قضا جریان همایون اوزرینه ال باشیلری
 اولان عمرو بن عبدالله حجیمی تیغ حیدریه ایلہ مقتول و بقیة السیوف عونہ سی
 پریشان و محزون اولدی ♦ حضرت جبریل بو حال دن ممنون اولوب
 (یا رسول الله حضرت کرارک بوفدا کاراغنی سا کان ملا اعلادخی بکنمشدر)
 دیدیکندن «انه منی و انامنه» جوابی ویرلمش و مشار الیه (و انامکنما)
 فریده سیله تلاحق سلسله اتحاد ایلشدر ♦ بونی متعاقب ینه اول میوه
 نهال رسالت علیه ابهی التحیة افندیمره ایصال دست خسار و مضرت
 خیال محالیه بر فرقه دیگر دخی نمایان و پیشقدم لری اولان بشر بن مالک
 عامری واسطه سیف حیدری ایلہر همیای نیران اولدیغندن جیوش
 نخوست بردوش کفرده سید انبیاء علیه افضل التحایا افندیمره هجوم ایده جک
 جسارت قالمیوب کافه سنی رعشه احتراز استیلا ایلدیکندن جمله سی بردن
 مأیوس مقابله و مهاجمه اولدی لر ♦ خلال مضاربہ ده سیف صارم کرار
 قیرلمش و داور خطه قاب قوسین جانب سامیسندن احسان بیوریلان
 ذوالفقار مشار الیهک دست تملک کنه کجمش اولمسیله
 اوزرینه اهالی زمین و اسمانه بکندی ره جک درجه ده ابراز شجاعت

ایلدیکندن غر فہ نشین طارم بالا اولان و (رضوان) اسمیله موسوم
 بولسان بر ملک خورشید لقا شرف سانح اولان اراده الهیه به امتثالا
 * لافتا الا علی لاسیف الا ذو الفقار * زمزمه سیله ایصال ندا بو نعره
 شوق افزا اول چله بی قعر و لایتک (رضی الله عنه) سامعه نواز جلا دتی
 اولغله صدق فطرتنده و دیعه رحمانی اولان لای شجاعتی میدان
 محاربه به ایثار و نثاره غیرت و اعتنا ایلشدر ♦ (استطرا د) قیس
 بن سعدیدرندن و اولدخی حضرت علی ابن ابی طالب دن (رضی الله
 عنہم) روایتله نقل ایدر که جناب حیدر حین مضاربہ ده اون التی
 یرندن مجروح اولوب درت دفعه بیره دوشمش و هر دو شد کجه
 احسن الوجه بر کسینه قالد یرمش اولدیغنی و هر دفعه سنده
 (یا علی اشبو غیر تکدن جناب حق و رسول مولای مطلق حضر تلری
 خوشنود اوله جقدر) صدای هاتفیزی واصل سامعه ممنونیتی
 اولدیغنی مشغله حرب بر طرف اولدقه صلی الله علیه وسلم افندی مره
 عرض و افاده ایلدی ♦ و معارفه سابقه لری اولوب اولدیغنه دائر اراد
 بیوریلان سؤال همایونه «کور دیکیم آدم اولیوب فقط دحیه الکلبی به
 بکزدی» دیدیکندن * یا علی جبرائیل امین ایلہ ملاقی
 اولمش سین * جوابی الیدی ♦ تم الاستطرا د

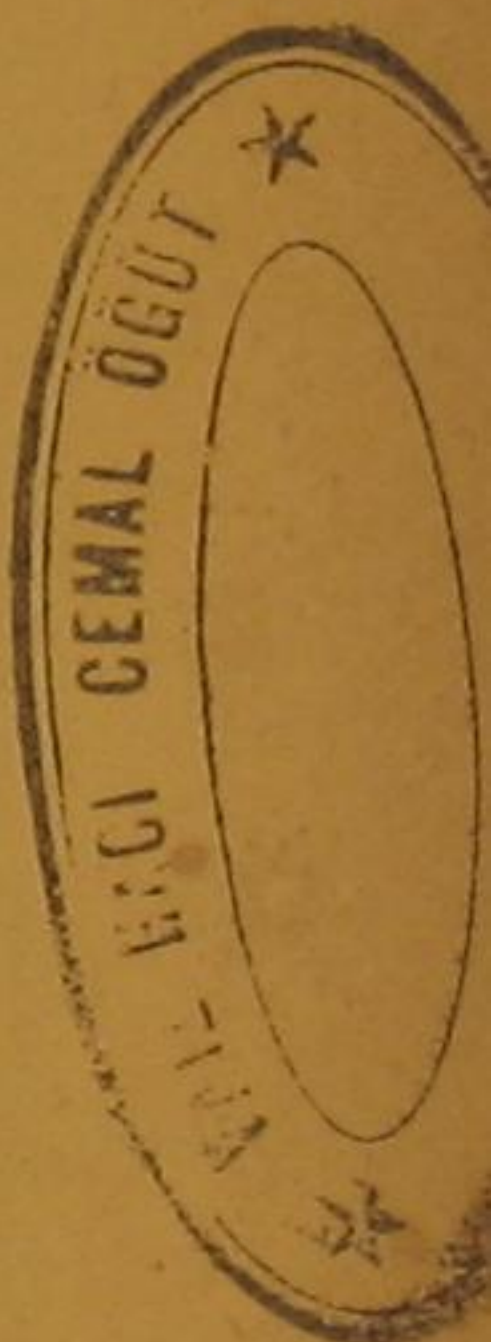
شهادت حمزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه

جناب حمزه (رضی الله عنه) جیوش موحدینک حین انهرام لرنده
 سباع بن عبد العزی بی قتل ایلہ عودت و ابو سفیانک منکوحه سی هند
 بنت عتبہ طرفندن مشار الیهی قتل ایدن حقنده موعود اولان اکرامه نائل
 اولمق سودا سنده بولنان غلام وحشی به مصادف اولغله زبرده محرر اولدیغنی
 اوزره احراز مرتبه شهادت ایلدی ♦ شویله که (وحشی مرقوم
 مشار الیهی شهید ایلک قصیده بیوجک برطاش ارقه سنه کزنمشیدی ♦
 مشار الیه کند و خدا سنه کلد کده حربه آهینی انداختله مخالف بر طرفنه
 اصابت ایتد ره سیله شهید ایلدیکندن جگرینی چیقاروب هند اکلہ
 الا کباده کتوردی ایدی ♦ مزبوره وحشینک سوزینه اینا نمیوب

شهادتگاه مشارالیه عزیمت و ببارك بوزنیله قولاً قلوبی قطعہ جرأت
ابتدی • و باباسی مقهور عتبه نك اخذ ثار انتقامی صد دنده شهید مشار
الیهك جگرینی مانند کباب اكل و تناول ایله فرحیاب اولغله اكله الاكباد
لقبیلہ اشتہار ایلدی • (استطرد) وهب بن قاموس حزنی و برادر زاده سی
حارث بن عقب (رضی الله عنہما) وقعة احد دن خبر لری اولدیغی حالده
مجرد زیارت سید الانام علیہ الصلوٰۃ والسلام قصدیلہ جبل حز نیدن
مدینہ یہ عزیمت وایشہ واقف و مطلع اولماریلہ حضور سید الافاقہ بال
کشیای اشتیاق اولوب انہزام مؤمنین زمانندہ نزد عالی محبوب القلوبہ
مواصلت ایلدیلر ایلدی • بوصرہ ده اول سلطان الکوین علیہ الصلوٰۃ والسلام
افتدیمزك اوزرینہ مهاجمہ ایدن بر قوم حز موم حقندہ «من لہذہ الفرقہ»
یولندہ ایراد بیوریلان سؤال نبوی یہ وهب مشارالیہ (انا یارسول اللہ)
جوابیلہ قوم مشنوم اعدای بریشان ایتش • ودفعہ ثانیدہ هجوم ایدنلرك
دفعی امر ندہ سانحہ بروز اولان «من لہذہ الکتیبہ» ارادہ سامیسنہ
کذلک (انا یارسول اللہ) جوابیلہ اثبات مدعا ایشدر کد دفعہ ثالثہ ده
اقتحام ایدن طائفہ مخوس مدافعہ سیچون «من یقوم لہؤلاء»
بیورلدقدہ (انا یارسول اللہ) جواب وھیبہ سیلہ اظهار شوق مقاتلہ
ایلدیکندن «قم و ابشر بالجنہ» جواب بشارت نصابی اعطا بیورلدیغندن
• مشارالیہ نہایت درجہ شوقہ کلہ رك و بوخواہشیلہ میدان حرب
و مبارزتہ سکیردہ رك خیلوجہ دشمنی القای خاک ہلاک ایلد کدن صکرہ
قبای کلکون شہادتلہ حلہ خانہ فردوسہ دامن بمان عزیمت اولمشدر •
(رضی الله عنہ) سید کائنات علیہ اثنی التحیات حضر تلری ختام محاربه ده
قابوس بن وھبک شہید اولدیغی موقع مسعودہ عزیمت واشبو «رضی الله
عنہک فانی عنک راض» دعا سیلہ روح مشار الیہی بعد الترویج عودت
بیوردیلر • حتی مشار الیہک ہرنہ زمان نام عالی لری یاد اولنسہ جناب
عمر بن الخطابک «رضی الله عنہ» (اولوجہلہ شہید اولغی ارزو ایدرم •
وسعد بن ابی وقاصک «رضی الله عنہ» (وھب حز نیدن ظہورہ
کلان جنک آورلکی ہیچ برغزادہ کور مدم) دیدکلری منقولدر •

تم الاستطرد) عمر بن ثابت وقشک (رضی الله عنہ) احد وقعدسنہ کلنجیہ
قدر اعتقادندہ ضحف و شہبہ سی اولوب فقط اولروز آتش فروز دہ
مرأت ضمیرندن غبار اشتباہ مندفع اولدیغندن کلبانک توحید ایلہ میدان
کارزارہ عزیمت و شہید اولنجیہ دکن ابراز دلیری و شجاعت ایلدیکی
وسیف دشمن اصابتیلہ شہید اولق علایمی ظہور ایتدیکی اثنادہ سابقہ
حالتہ واقف اولمردن بری مافی الضمیرندن استجواب و مشارالیہ بحمدہ تعالی
شہبہ سابقہ نك وقوع اندفاعنہ متشکرا ایشار نقد حیات ایدرم) نہجندہ
اعطای جوابیلہ ارتحال ایلدیکی سامعہ رس سید المرسلین صلی اللہ علیہ
وسلم اولدقدہ «انہ لمن اهل الجنۃ» بیوردیلر • بنی اسرائیل خاخا ملرندن
واصحاب ثروت و یساردن اولوب کتب سماویہ ده قدومی مصرح اولان
حضرت محمد المصطفی نك (صلی اللہ علیہ وسلم) خاتمہ سلسلہ انبیاء اولدیغنہ
اعتقادی اولہ رق فقط طائفہ یہود ایلہ دفعہ بوز شمامق اوزرہ اظهار
شعار ایمان ایتامش اولان (مخبرق) نام خاخام سعد انجام یہودی لہ
(بالجلہ کتب آسمانی مفادی اوزرہ حالا احد جنکنندہ بولتان شہریار
بلند آستان قدومی موعود اولان نبی آخر الزمان اولدیغی معلوم اولغله
اکامعاونت جہتندہ فدای جان ایلمک جلہ یہ لازمہ دیانتدر) دیوبدہ
(بوکون جمعہ ایرتسیدر عبادتدن اوز کہ برئی ایتک خلاف اصول
ایکن نیجہ محاربه ایدہ بیلورز) جوابنی الدیغندن (قدوم مشار الیہلہ
شریعتمزك احکامی فسخ اولدیغی کبی جمعہ ایرتسی کوننک شرفی دخی
منفسخ اولدی • ہمان بر نفس اقدم نور ایمانلہ منور القلوب اولق
کر کدر) مقالہ کفر ازالہ سنی بالایراد احد طرفنہ متوجہ اولوب سید عالم
صلی اللہ علیہ وسلمک پانہادہ صلابت واستقرار اولد قلری محلہ واصل
وعداد سلک اسلامیتہ داخل اولہ رق (حائر قصب السبق شہادت
اولور ایسہ اموال موجودہ سنک مالز مہمات غزایہ صرف واستہلاک
ایدلمسنی) بالاسندہ عا ایضای مراسم مبارزت و برخیلی دشمنی قتل
ایتد کد نصکرہ احراز مرتبہ شہادت ایلسیلہ اثبات مدعا ایلدیکندن
(مخبرق خیر یہود) ساپاشنہ مظهر اولدی • محب سید الابراہمدن

صلی الله علیه وسلم حنظله بن ابوعامر فاسق بوقعه حدوثندن اولجه
جمله بنت عبدالله ابن ابی سلول منافقه نکاح اولنوب فقط داخل زفاف
اولامشیدی • صباحیسی احد وقعه سی وقوعبولدیغی جعه ایرتسی
کیجه سی داخل سرپرده زفاف اولوب علی الصباح معرکه گاه احده
کیده جکی متحقق اولد قده زوجہ سی بکریک ازاله اولدیغنی اثبات
ایچون درت کمسنه احضار وکیفیتی صراحة عرض واطظار ایلدی •
وبو حرکت ناملایک حکمتی سؤال ایدنلره (بو کیجه عالم رؤیاده آسمان
آچیلوب حنظله داخل اوله رق نابید اولدیغنی کوردیکدن مشار الیهک
نائل مرتبه شهادت اوله جغیله تعبیر ایدرک دامن عصمتی چرکاب تهمتن
تطهیر ایچون بوامر معقولی ارتکاب ایلدم) جوابی ویردی که فی الواقع
زوج یکشبه سی حنظله صفوف اسلامه التحاقله شهید اولنجیه قدر
غیورانه بر صورتله حرکت ایلشدر که انطفای آتش حرب خلا لنده
ملائکه کرامک وجود مشار الیهی جو یبار فردوسله بین السماء والارض
غسل ایلد کیری سلطان بارگاه آسمان وزمینک (صلی الله علیه وسلم)
مشهودی اولوب سبب اغتسالی حکمتده متفکر اولدیغنی استماع ایدن
سید ساعدی (رضی الله عنه) شهید مشار الیهک سرزمین شهادتده
عزیمت و ماء بهشته غسل اولند یغندن یوزنده و کوزنده قطرات آب جنت
بولند یغنی بالمشاهده معرض معالی رسالته عرض وافاده ایلد یکنندن
مدینه منوره یه عودت عالی شرف وقوعنده کیفیت زوجه سی جمله دن
تحقیق اولنه رق غزایه درکار اولان شوق وغیرتدن غسل ایتمکسزین
مقتلگاه احده عزیمت ایلدیکی خبری الندی • صدمه مقاتله دن جمعیت
اسلامیان پراکنده و پریشان اولدیغنی حین حیرت رهینده (انس) بن
مالکک عمیسی اولوب غزای بدرده زخماک اولان (انس) بن النضیر
(رضی الله عنهما) محل حرب واصل اوله رق کتاره کیر حرب وضرب
اولان برطاق اصحابدن احوال سیدالابراری (علیه الصلوٰۃ والسلام)
سؤال ایدوب ده «شهید اولدیغنی طویدق» جوابی الدقه «یاسز
نیچون طورر سکزانک شمع وجودی شوند کدنصکره بساط عالمده راحت



ایمک ممکنیدر) دیهرک فراق سید انس و جانله متوجه میدان مبارزت
اولوب اثنای محاربه ده سعد بن معاذی (رضی الله عنه) مشاهده وبوی
بهشتی شم ایلد یکنی عین ایله افاده ایدوب سکسان یزدن جریحه دار
اولدیغنی خالده داخل باغ جنت اولدی • فقط کثرت زخندن ناشی
بین الشهدا نعش مبارکی فرق اولنه مدیغندن همسیره سی پرمغنده اولان
یوز و کنی کوروب برادری اولدیغنه حکم ایلدی • مشاهیر قریشدن
عبدالله بن قیه و عبدالله بن شهاب زهری و ابی بن خلف و عتبه بن
وقاص بر محله اجتماعله توسیع دائره شقاوت و ترویج مافی الضمیر خصوصت
خیال محالیله خسر و محالک لولاک (علیه الصلوٰۃ والسلام) افندیمرک
(حاشا) قصد هلاکیله هربری بر طرفه عزیمت و ابن قیه بد اختر اول
دوخته بهشت آرای رسالت علیه افضل التحیه حضرتلرینه بالتصادف
سینک اندازلغه جرأت ایلد یکنندن آتیلان طاشلرک اصصاریتله وجه
همایون کلکون و سر مبارک لرینی محافظه ایلکده اولان زره مقدسه
کلاهنک ایکی حلقه سی شکست اولوب پارچه لری مرآت رخسار
نبوی بی نمونه نمای دریای خون ایلدی • وجه تابناک سعادت غریق
خون اولد قچه ردای شریف لرله سیلوب (اکر روی زمینه دم عالی
مبرو که لرندن برقطره قان طمیه جق اولور سسه دریای غضب الهی تلاطم
خیز غیرت اولوب اهل زمینی مستغرق عذاب ایده جکین) سویلر لر
وبو حال ایله ینه قریشلرک اصصلا حیچون «اللهم اهد قومی فانهم
لا یعلمون» دعا سنی درگاه احدیته عرض ایلرلر ایدی • بو خلalde
عتبه بن ابی وقاص بی ادب اول (کوهرنه درج کائنات علیه اجل التحیات)
حضرتلرینه برطاش اتوب لب زیرین مبارکنه اصابت و دندان رباعیه
زیرین لرینی شکست ایتمکله کلبرک لب نازنین لرندن فوران ایدن قطرات
خون کردن بلور مسعودینی کلکون ایلش و ظهور ایدن قانده بیره
طمهلاق قابلیتی حصوله کلش اولدیغندن سیرغ سدره نشین یغنی
(جبریل) امین علیه السلام حضرتلری تحریک بال استعجال وموی
جنا حیلله وجه همایونی سیمکه اشتغال ایله «یا رسول الله قسم ایدر مکه

لب ناز پرور اسعاد تندن اگر چه روی زمینه بر قطره خون تقطر
ایلسه ایدی • الی آخر الایام یر یوزنده از هار و نباتات رونمای اندام
اولسی امر محال اولوردی • بناء علیه حوران جنته باعث ترین
اولق اوزره لب کلکونکدن ترشح ایدن قطرات خونینک خزانه بهشته
کتورلسی حقنده فرمان خدای غیور عاطفت بخش قرطاس صدور
اولشدر) دیدکد نصره دهن پادشاه انس وجندن (صلی الله علیه وسلم)
ساقط اولوب دست عالمکشای نبویده جلوه ساز اولان دتر کرانبهای
دندان سعادته نقد جانله خریدار اوله رق (ای برکزیده ملک ملکوت
غضب الیهیدن امین اولق و خرزالامان جان قلمق اوزره اول کوه
پاره کونین بها اولان دندانک لبو مخلصکزه احسان بیورلسنی رجایدرم)
نیاز یله دندان شکسته همایونی مطالبه ایلدی ایسه ده (بن بونی کنهکاران
امت ایچون حفظ ایدوب روز جزاده (یا محمد (صلی الله علیه وسلم) غریق
بحر عصیان اولان امتک بنم فرمانی شکست ایلدیلر) نهجنده واقع اولان
خطاب عزته (الها بن برعبد عاجز ایکن مشرکین عباد کدن اولوبده
بنم دیشیمی شکست ایدنلر حقنده عفو معامله سنی اختیار ایلدم • حالبو که
معامله عفو و احسان شایان شان جهان آفرین الوهیتکدر) جواب
معذرت نصابتی بالا عطا اشبو دندان شکسته می ذریعه شفاعت ایلسم
کر کدر) مألنده جوهر پاش جواب اولدیالر • سعد بن ابی وقاص
(رضی الله عنه) برادر سقر مقری اولان عتبه دن صدور ایدن فعل غیر
لایقه انتقامی المق اوزره النده کمان معرکه خونبار مبارزنده شیرزکی
پویان اولوب لکن تصادف ایده مدیکندن مع التأسف عودت ایلشدر •
متعاقبا بن قیه دید کلری خنزیر ویل مصیر واسطه کارگاه آفرینش
اولان عایه الصلوة والسلام افندیزه فرصتیاب مهاجیه اولوب برقلنج
اورمش وزره مقدسک اغراغی دخی ابن قیه نک صدمه سیفته یاردم ایلش
اولد یغندن ذات عالی نبویه لری برسنک خارا دیننده واقع چیقوره
دوشوب دوست و دشمن کوزندن نهان اولغله ابن قیه (محمدی) علیه
الصلوة والسلام) (حاشا) هلاک ایلدم) نعره سیله متصدی مباهات

اولدی • بو نعره مغرورانه ابوسفیانک واصل سامعه سی اولد قده
(یا ابن قیه ادعاسنده اولدیغک کیفیت اگر چه مقارن صحت ایسه
ساعدیکی اسکی عجم پادشاهلرینک پهلوانلری کبی زر خالص العیار ایله
ترین ایدرم) مقاله سیله هذیان پاش و کال بشاشته تارک دغدغه تلاش
اولش و ابلیس علیه ما یستحق دخی (الان محمد (صلی الله علیه وسلم)
قد قتل) صدای سامعه خراشنی اهل مدینه یه ایصال ایدوب حضرت
زهر اوسائر نسوان بنی هاشمیه یی (رضی الله عنهن) فریاد زنان
وسینه کویان زقا قلره دوشور مشدر • اشبو نعره متوحشه شیطانیه یی
استماع ایدن اصحاب پراکنده نک برفرقه سی شهید اولوب برفرقه دیگری
طاغاره لرنده مجتمع اوله رق مدینه منوره یه خطوه زن معاودت و برفرقه
آخری دخی سرکشته کرداب حیرت اولد قلری اثناده ابن قیه بدما یه
علمدار مهاجرین اولان مصعب بن عمیره (رضی الله عنه) بالتصادف
حامل لوی سعد احتوا اولان صاغ النی بریده تیغ ایلدی • مشارالیه
سبحاغ شریفی صول الیه ضبط ایدرنک (وما محمد الا رسول قد خلت
من قبله الرسل) فریده سیله سنی زیب زبان تذکار و اول خائن بی دین
دست یسارینی دخی قطع ایلدیکندن سبحاغ شریفی دودست مقطوعیه
قوجا قلیوب (وما محمد) عباره سنی تکرار و جوق یکمدن ارتحال
ایتمش و اول ذلال کریمه سبحانی قبل التزول زبان عذب الیاب مشار
الیهیدن جریان ایلشدر معناسی (محمد (علیه السلام) انجق اندن مقدم
یکن رسولر کی رسولدر) دیمکدر • مشار الیهک حائز مرتبه شهادت
اولدیغی اثناده کندی شکل و هیئته اوله رق بر ملک مهابت مساک رونمای
ظهور و لوی شریفی بیره دوشمکسزین ضبطله امر محافظه سنه اولان
مأموریتنی اجرایه مجبور اولغله نهایت وقعه ده (سپهسالار انبیا علیه
افضل التحایا) افندیمز (تقدم یا مصعب) بیورد قده (یا رسول الله بن مصعب
دکم • فقط مشار الیهک حین شهادتنده رفع لوی اسلام ایچون آسماندن
نزول ایتش بر ملکم) دیوب حامل اولدیغی سبحاغ شریفی شهید مشار الیهک
برادری (ابوالروم) رضی الله عنه تسلیم ایلدی • اول سلطان قرب ارای

خلو تخانه يزداني عليه الصلوة والسلام حضر تلري نيك متواری اولديغي
چيقور شهداييه مملوا ولمغله ذات عالي نبويه لري مورو عبور كوزندن مستور
اولمشيدي • كعب بن مالك رضي الله عنه حفرة مذكوره او كندن
كجر ايكن ذات عالي نبويه لريني كوروب (اي معشره مؤمنين •
مزده اولسونكه مشارق اسمان رسالت عليه التسليم والتحية افنديمرك
كوشه نشين حيات اولديغي كوردم) نعره حيات افزا سيله صورت
بيجان اولان قوالب اصحابه افاضه حيات تازه ايلديكندن هر كس
بري بريته تبشير كيفيت ونزد همايوننده اجتماعه غيرت ايلديلر •
لكن جسم نبويه لرنده ايكي عدد ذره ثقل الوزن اولديغي ووجود مسعود
نازين ساميلري يتش يرندن جريحه داربولنديغي جهته (طلحه) بن عبدالله
رضي الله عنه ارقه سني نرد بان قدم سعادت وحضرت حيدر رضي الله عنه
دست معجزه پيوست نبويه بي طو توب حفرة مذكور دن اخراجه
مسارعت ايلدكلر نندن طلحه مشار اليه اول نخل سايه دار شفاعته كندو
جسم وفاسر شتني سپر ايدوب (يارسو الله نفسي دون نفسك
وجعلني الله فداك) ديه رك فرقه اعدايه تيراندازا ولمغه باشلدي •
مشار اليهك تركشده موجود اولان اللي عدد اوق رسیده ختام اولدقده
سيد عالم صلى الله عليه وسلم افنديمرك اطرافنده بولسان دكنك لري
طوپليه رق «ارمي يا طلحه» ديويد مؤيد مشار اليه اعطا وجناب طلحه
رضي الله عنه خانه كسانه وضع ايتد كجه هر بري بر تير جكر دوزاوله رق
سينه دشمني غر بال مز رجه هلاك و فنا ايلديكي اثناده سلطان كونين
عليه الصلوة والسلام اوزرينه بر طاقم كفره دخی هجوم ايتكمكه تيغ
جلادت مشار اليهله پرا كنده وپريشان ايدلمش اولديغندن اول اصدق
موجودات عليه افضل التحيات «من احب ان ينظر الى رجل يمشي
في الدنيا وهو من اهل الجنة فليتنظر الى طلحة بن عبدالله» فريده سيله
مشار اليهك مبشر با الجنان اولديغي اعلان بيورديلر • بوصره ده
ناؤه جنك وجدال ينه فسا بر حالده اشتغال ايلديكندن زياد بن السكينة
رضي الله عنه حضر تلري اون درت صحابه انصاري ايله نردهمايوننه

ورود ايدرك اول شمع جهنم افروز رسالت عليه التسليم والتحية افنديمرك
اطرافنده پروانه لركي طولاشه رق «وجهي اوجهك الوفاء ونفسي
لنفسك الفداء و عليك سلام الله غير مودع ومودعك الجنة» شنیده سني
قرائت وبربريني متعا قبا احراز مراتب شهادت ايلديلر • جناب زياد
ابن السكينة رضي الله عنه آزرده سيف اعدا و حلول وقت شهادتي
اماره سي رونما اولدقده ياري اصحاب ذوي الاقتدار ايله اياي
اعدادن اخذ اولديغندن اول محبوب بارگاه اقدس عليه الصلوة والسلام
افنديمرك سر سعادت مند مشار اليه زانوي نوازش والتفات همايونلرينه
المش وحضرت زياد رضي الله عنه ناظر جمال خدا پسندی عليه السلام
اولديغي حالده مرغ روحی چترار سير شكوفه زار فردوسه طيران ايلشدر •
بو اثناده حيان ابن العرفه ومالك بن زهير خشمي نرذ عالي جناب
رسالتينا هي به فرصتيا ب مقارنت و تيراندازا ولمغه دست دراز جرأت
اولديلر • بوكيفيت موجب اغبر ر عالي اولمسيه ابي وقاص
رضي الله عنه «ياسعد ارمي فداك امي و ابي» خطايله تلطيف
بيورديلر (كه اشو صورتله التفات هيچ بر صحابه به ميسر اولماشدر •
حيان حيه نثرا دك انداخت ايتديكي او قلرك لري ساقى مجروحين اولان ام
ايمن رضي الله عنها به بالتصادف ييره دوشور مش وبومعامله غير لايقه
حيان بي حيايه قهقهه بخش استهزا اولديغندن كيفيت انكسار
خاطر همايونني استنزام ايلمش اولمغله سعد مشار اليه بر تير جكر اثير اعطا سيله
حيانه انداخت ايلمسني فرمان بيورديلر • مشار اليهك آلوب آتديغي
اوق سينه پر كينه حيا نه اصابتله ارقه سي اوزره زمين هلا كه دوشوروب
جاي معهو ديني پرده ناموسي كي چاچكالك ايلسيه «اجاب الله
دعوتك وسدد رميتك» دعا سته مظهر اوله رق الى اخر وفاته
مستجاب الدعوه اولشدر • «استطارد» (فديه اعطا سيله بدر الكبرا
اسارتندن قور تلمش وذاتا مجمع الاخلاق زمايم دينكه شايد بولمش اولان
ابي بن خلف ناخلف سلسله اسارتندن قور تولديغي كون حضور سلطان
هر دوسراده تحريك لب فضاحت ايدرك (يا محمد) عليه الصلوة

والسلام) مربوط طویلہ تملکم اولان اسب تیز رفتاره یومیہ بر او لحک
ارپہ تعین ایلدم • مطلوبم وجهله سمیر لندیکی کون او زرینه رکوبله
حرب ایتکه کلور • وسنی هلاکله بین العرب شهرت الورم) دیوب
(بلکه اول سمیر آتہ سوار اولدیغک حالدہ سنی بن هلاک ایلرم) جواب
صحیحی المیشیدی • تم الاستطراد) اول ماه منیر مملکت آرای طه وشاه
سریراعلای یسن عایه اجل التحایا افندی • (ابی بن خلفدن امین دکلیم
هر نه طرفدن جهه نمای ظهور اولور ایسه اخطار ایدک) مقالنی ایراد
یوردقلری اندہ اول لعین بی دین اسب معهودینه سوار اوله رق (یا محمد
(علیه السلام) ابی بن خلف نبیات بولمز • بو کون سن اگر انک
الندن خلاص اولور ایسک) نعره سیله بر طرفدن ظاهر اولوب شہسوار
عرش مسیر علیہ الصلوۃ والسلام افندی مزہ حوالہ حربہ ونیزہ ایلدیکی
واصحاب طرفندن معاملہ اندفا عیہ تصدی ایلدی کی منظور
نظر هما یون اولدقدہ مشار الیہمی منع ایدرک قوت بازوی اعجاز لیلہ ابن
خلف ناخلفک اندہ اولان مز راغی الوب ینہ کندوستہ انداخت ایلدی •
اشبو مز راق ابی بن خلفک کردنہ اصابت ایلدیکنندن (والله قتلتی
محمد) (علیه الصلوۃ والسلام) فریادیلہ عودت وبوغا زندن ظهور
ایدن صدای متفرہ سوامع کفریہ القای دہشت ایلدی • کہ حشرات
اعدا (ای ابی بن خلف بدنکده جریحہ مؤثرہ مفقود ووجود کده علایم
صحت موجود ایکن بو وجهله فریادیکہ باعث ندر) دیدکجه (آہ
نیزہ اعجاز محمدی (صلی اللہ علیہ وسلم) جکر کاہمہ تأثیر و بی بر
اضطراب فوق العادہیہ اسیر ایلدی • بو زخم ارتق بنی تلف ایتسہ کر کدر
دیوب (مر الظہران) مر حله سندہ پالغزیدہ چاہ غیا اولدی •
(استطراد) (ابن عمر رضی اللہ عنہ سفردن کلور کن براقشام اوزری
(بطن رابغ) نام موقعہ نزول ایلیشیدی • هوالر قرار دقدہ ہیئت
انسانیه اوزرہ بر آتش علو کش ظهور وکال حرارتلہ جوانب اربعہ یی
طولا شوب فریاد العطشله مشار الیہی بحضور ایدرک استدعای ماء
ایتش و بونی متعاقب شکل نورانیت انسانیه دہ دیگر بر شخص ملیح المنظر

ظاهر اولوب (یا ابن عمر اشبو آتش ایچندہ مشہودک اولان کسنہ مقتول
نیزہ صاحب رسالت اولان ابی بن خلف ناخلفدر کہ تا بقیا مت بو حال
ایله معذب اولسی ارادہ الہیہ اقتضاسندن اولغله صاقین صوویر میہ سین)
دیو تنبیہ ایلشدر • تم الاستطراد) ابی بن خلف تلف ایلدی کد نصکرہ
رفیق ابی بن قیہ حق سندنہ (اقامک الله واراذلک) دیو دعا یسورلش
اولد یغندن مکہ یہ عودتندن بر قاچ کون صکرہ آنیدی بر جانور بیابان
کدر در کہ نشین سقر ایلشدر • دیگر رفیق کہ مالک بن زہیردو زخ مصیردر
مقاتلہ اثناسندہ بر طاش ارہ سندہ بالا ختفا محافظین کنجینہ نبوت اولان
اصحاب اوزرینہ اوق آتہ رق بر طاقنی مجروح و برنجہ سنی بیروح ایلدی
ایسہ دہ اخر الامر (سعد) بن ابی وقاص رضی اللہ عنہک بر تیر جکر
دو زی کوزندن سقط لمغله ارقہ سی اوزرینہ دوشوب هلاک وعسا کر
اسلام انکدخی مضر تندن خلاص و بی باک اولدیلم • و بوند نصکرہ عثمان
بن المغیرہ المخزومی برآت اوزرنده اندامنا ی ظهور وسید العرب والعجم
صلی اللہ علیہ وسلم افندی مزہ هجومه مجبور اولوب فقط ابو عامر فاسقک
اسلامی دوشورمک اوزرہ قازدیغی چیقوره دوشدیکندن حارث بن صمہ
رضی اللہ عنہ یریشوب القای حفرہ نیران وراکب اولدیغی اسبیلہ اشیا ی
موجودہ سنی ضمیمہ غنائم اهل ایمان ایلشدر (کہ معرکہ احد دہ
بوئندن صکرہ اغتنام وقوعبو لما مشدر • عبید بن عامر دخی مشار الیہی
تعقیبلہ اعدامہ غیرت ایلدی ايسہ دہ ابو دجانہ انصاری رضی اللہ عنہ
سکیردوب آنیدی هلاک ایلدی • واشبو {۲} پلیدک یعنی عثمان
ابن مغیرہ المخزومی ایله عبید بن عامر ینک بربری اردنجہ هلاک وتلف
اولمسنندن غمکشان اسلام مستغرق لجنہ انشراح ومسار اولدیلم •
(استطراد) (نارہ حرب علو کیر اشتعال اولدیغی هنکامدہ نسبیہ بنت
کعب رضی اللہ عنہا اولاد لری عمارہ وعبد اللہ ایله زوجی غزیہ یی) (رضی اللہ
عنہم) او کونہ قاتہ رق دوست و دشمن بکنہ جک بر رادہ دہ ابراز
شجاعت و اون اوج یرندن جریحہ دار اولدیغی حالدہ زوجیلہ ثمرہ
فواد لری جنک وجدال ایچون تحریصہ صرف جل همت ایلوب اخر

الامر غایت کوجلو و قوتلو بر کافر دیونهادی در دست ایله
ایکی قوللرینی قسطع ایدرک غیای دوزخه اقایلدی •
بو حال موجب انبساط خاطر همایون اولغله حق مشارالیهاده ﴿اللهم
اجاعهم رفقائی فی الجنة﴾ بیورلشدرد • بیت (خوشا سعادت و دولت
زهی حضور و صفا • که سید دو جهان ایله بو گونه دعا • تم الاستطراد)
{عجزه} مقاتله اثناسنده عبدالله بن جحش رضی الله عنہک سیفی شکست
اولغله اول کنجینه خزانه اعجاز صلی الله علیه وسلم جانب سامیسندن
برخرمادالی احسان و استعمالی خصوصی امر و فرمان بیورلدیغندن مذکور
دکنک برسیف قاطع اولوب غائله حرب اند فاعنه دکن انکله مقاتله
و دولت عباسیده (عرجون) ناعیله مزایده اولوب امرای معتصمه دن
بقای ترک عهده سنده قالمشدر • {عجزه دیگر} حضرت قتاده
ابن النعمان رضی الله عنہک خلال مضاربده کوزینک بری سقطلمنشدی •
زوجه سنک کند و سنه اولان محبتی بو جهته تناقص
ایده جگنی بالملاحظه کیفیتی مردم دیده عالمیان علیه صلوٰۃ المنان
افتدیمزه عرض و افاده ایتسنی قوردیغندن ﴿یا رسول الله زوجهم جاریله
بر بریمزه بک اشوری محبتز اولوب شیمدی بنی عین واحد کور رسه محبتی زائل
اولور خاطره سندن بیزار اولیورم﴾ یوللو بیان مافی الضمیر ایتمش
و اول روشن ساز عیون دو جهان صلی الله علیه وسلم افتدیمزدست حیات
پیوست مسیحا پسندلرله دیده کج بین مشارالیهی جلاپذیر ایلشدرد • انتها
جناب صدیق رضی الله عنہ سید کائنات علیه اجل التحیاتک جمال
دلارارنده جایکیر اولان زره حلقه لرینی چیقارمق تلاشده ایکن عبیده
بن الجراح رضی الله عنہ ایفای خدمت جراح ایتسنی رجا و تمنا سی رهین
قبول اولدیغنی حضرت صدیق رضی الله عنہ ایما ایلد یکنندن دیشلر یله
یاپشوب ذکر اولتان حلقه لری چکمش و هر بر حلقه اخراجنده اوک دیشلرندن
بری سقوط ایتکله ﴿اهتم﴾ لقبی احراز ایلشدرد • اشبو حلقه لرک
چیقدیغنی محلدن قان روان اولمق اماره سی ظاهرا ولدقده مالک بن
سنان رضی الله عنہ دریچه جرایحه نهاده شفتین ایدرک کمال رغبت و شوقله

دم نبویه بی تبرع (صومرق معنا سنه در) ایلد یکنندن حرمت دم
و خصوصیه دم متبرک (صلی الله علیه وسلم) مسئله سی اذهان اصحابی
تحدیش ایتکله (خواجه مشککشنای مسائل کونین علیه الصلوٰۃ والسلام)
افتدیمز ﴿من احب ان ينظر الى من خالط دمه دمی فلينظر الى مالك
ابن سنان﴾ (رضی الله عنہ) ومن مس دمه دمی لم یصبه النار مشکواتیله
دفع ظلام اشتباه بیوردیلر • بوند نصکره اول (دباجه جریده ایجاد)
علیه الصلوٰۃ والسلام حضرتلری دریای موج آرای محاربده دن کاره
کیر اولمق اوزره بالای جبل احده قادمه جنبان تشریف اولوب لکن
وجع جرایح مانع صعود اولدیغندن بر محله استقرار وجماعت حضار
ایله صلوٰۃ ظهیری ادایه ابتدار بیوردیلر • میدان محاربده دلاوران
اسلامیانندن خالی قالدقده نسوان اعدا نغمات کونا کونا ایله اظهار انبساط
و ابراز سرور و نشاطه مواقع اجساد مبارکه شهدایه کیدرک ملائکه
کرام طرفندن غسل و لشمش اولان (حنظله) رضی الله عنہک جسدندن
غیری جمله سنک قوللاقلریله بورونلرینی قطع ایدرک و بطون نعوش
مشارالیهی شق ایله جکرلرینی اخراج ایله رک و شاح الصدر افتخار
ایلدیلر • {عجزه} رئیس فرقه دشمن اولان ابوسفیان اول ماه منیر آسمان
رسالت علیه التسلیم والتحیتک بر فرقه منجیه ایله جبل احد کارنده
بولند یغنی مشاهده ایتکله اونکلرینی کسیدره رک ایصال مضرت ایلک
زعم خیالیله دیگر بر بولدن جبل مذکور شاهقه سنه عروج ایده جکی
(سلطان آسمان رکاب علیه صلوٰۃ الوهاب) افتدیمزک مشهودی اولغله
﴿اللهم ليس لهم ان يعلونا﴾ نهجیله دعا بیوردقلری جهته هر بر سنک
جبل چشم ابوسفیانه بر رکوه آهنین کورینوب بر خطوه ایلرو کیده مدیکنه
واثر دغای نبوی اولمق اوزره آتش فتنه حرب همان اول ساعت انطفا
پذیر اولغله باشلد یغنه مبنی (خواجه عالم صلی الله علیه وسلم) ایله شیخین
مکرمین (ابابکر و عمر در) رضی الله عنهما نیک حیات و مماثلرینی استخبار
ایدوب لکن اراده نبوی مقتضای مالسی اوزره اعطای جوابده اوج
دفعه سکوت اولند یغندن مشارالیهک روضه نشین ممات اولد قلزیننه

ذاهب اولوبده (ای وجوه قریش مرده اولسونکه بروجہ مرام محمد
(علیه الصلوٰۃ والسلام) ایله ابوبکر و عمر و عثمان و حیدر (رضی الله عنہم)
رہین انعام اولمشلردر • اگر چه بر حیات اولسه لر ایدی • البتہ اثبات
وجود ایدر لر دی) ہذا بنیلہ اصلی یوق پرہ مباحات ایلدیکنہ فاروق
رفیع الجناب رضی الله عنہ تحمل ایدہ میوب رد جوابلہ پیمانہ نشاطنی لبریز
شراب اندوہ ایلدیکندن مشار الیہمک صفہ نشین کلشنسرای حیات
اولد قلربی اکلوب (اعل ہبل اعل ہبل) الفاظ بیفائدہ سیلہ مدح
اصنامہ مسارعت ایتکلہ اشارت خواجہ کائنات علیہ افضل التحیاتلہ
(اللہ اعلیٰ واجل) نہجندہ اعطای جواب وابوسفیانک (العزی لنا
ولا عزی لکم) دیمسنہ دخی (اللہ مولانا ولا مولالکم) سیاق عالیسیلہ
اظہار طریق صواب اولتوب (یوما بیوم والحرب سبحان وموعدکم البدر
فی العام القابل) دیمسنہ دہ «نعم یشا و بینکم» جوابی ویردیرلشدرد •
بومکملہ جریان ایتدکد نصرکہ فرقہ کفارده اولان جسارت مبدل
خوف و خذیت اولوب فرقہ فرقہ مجبور معاودت وبو حال غارت شہر
شہیر مدینہ یہ جل اولنملغہ اصحاب کرام رہین ملالت اولد قلرندن
و چونکہ دوه لری یو کلشنس ایسہ نیتلری مکہ اولہرق شاید امر بالعکس
ایسہ امللری قصد غارت اولہ جفی اجلدن جناب کرار تحقیق حال کفار
ضمنندہ معسکر اعدایہ تسیار قلشنس ومشارالیہ کفارک رھروجادہ حرم
اولد قلری خبرینی کتور مش اولسیلہ اصحاب عالی نصاب مسرور
وکامیاب اولدیلر • (استطراد) ابلیسک سالف الذکر صدای ماتم انکیزی
سکنہ دارالہجرہ مدینہ بی مضطر ایلدیکندن حضرت (زھرا) رضی الله
عنہا بعض پردہ پوشان حرمسرای رسالتلہ جبل احدہ عزیمت ومعاودت
اعدا خلائندہ مقتلکاه پرشورہ مواصلت ایدوب ذات عالی نبویہ بی
مسیرہ گاہ حیاتدہ بولد قدہ تعریف قبول ایتزدرجہ لردہ محظوظ اولوب
انجق بدن عالی مقدسده برچوق زخم خونین اولدیغنی کور مسیلہ تازہ
نہال ریاض رسالتہ صاریلوب بوی لطیف محمدی (علیہ الصلوٰۃ والسلام)
ایلہ بی شعور اولد یغندن حضرت سر چشمہ ولایت (رضی الله عنہ)

کاسہ سپریلہ کتوردیکی صوبی مرآت رخسار مشار الیہایہ سریمکله
عقلی باشنہ کلہ رک زخهای وجود ہمایوندن جریان ایدن خون وقفہ کبر
سکون اولدیغنی کورنجہ بریارجہ حصیر یاقوب کولیلہ سد منافذ جرایم
ایلمشدر • ❖ استعلام اجسام شہداء ❖ سلطان المرسلین علیہ الصلوٰۃ
والسلام افندیمز استفقاد اصحاب واستعلام اجسام شہدای جنت مآبہ
قیاملہ مفقود اولان (سعد بن الربیع) رضی الله عنہک موت وحیاتنی
استخبار ضمنندہ محمد بن مسلمہ رضی الله عنہی موقع حربہ اعزام
بیوردیلر • مشارالیہ اجساد شہدا آرہ سندہ سعد بن الربیع رضی الله عنہی
بولوب (یاسعد میانہ اصحابدہ عدم شہودک خاطر انور نبوی باعث کدر اولنملغہ
لاجل التحقیق بندہ کزی کوندردیلر) دیدکدہ (یا محمد) رضی الله عنہ
بحمدہ تعالی مراتب امنیہ مک نہایتی اولان شہادت رتبہ سنی احراز
ایلدم • بنم سلام فرقت انکیز می پیشکاه ہمایونلرینہ عرضلہ طرف
عاجزیدن (جزاک اللہ عنا خیرا ماجزاک بہ نبیاعن امتہ) دعاسنی تبلیغہ
بذل مروت • واکر اول سرور آخراز مائک خدمت کونین قیمندہ تکاسل
وقوعہ کتوریلور ایسہ حضور حضرت خدادادہ سرد اولنہ جق
اعذارک قبول اولنمہ جفی دخی قبائل انصارک سامعہ ادراکلرینہ ایصالہ
ہمت ایدہ سین) دیوب جوهر روحنی خزینہ دار ارواحہ تسلیم ومشارالیہ
عودت ایدوب وقوععالی عرض وتفہیم ایلدکدہ (اللهم ارض عن سعد
ابن الربیع) دعای اجابت یماسنی تکرار وعقبندہ شہادت (جزہ) رضی الله
عنہی استخبار بیوردیلر • مشار الیہک شہادتتہ واقف اولان (مرتضا)
رضی الله عنہ ہزار حزن و کدرلہ بیان ایلدکدہ بالذات جسد سید
الشہدائک اولدیغنی محلہ عزیمت ومبارک انف واذن مقطوعہ لرینہ
احالہ نظر دقت ایدوب آھندلان قریشہ ہر نوقت غلبہ اولتور ایسہ (۷۰)
نفر کافرک قوللا قلریلہ بور ونلرینی قطع ایتکی مع القسم نذر ایلدیلر
ایسہ دہ بالاخرہ (اگر برکسہ یہ عقاب ایدر ایسہ کز عقاب اولند یفکر
کبی عقاب ایدک • واکر صبر ایدوب مقابلہ بالمثلی ترک ایدر ایسہ کز
اول ترک صبر ایدیچی متقیلرہ خیرلودر) مفہومندہ اولان

«وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به ولئن صبرتم لهو خیر للصابرین»
 آیت جلیله سی نزول ایلد یکندن کفارت یمین ایفا سنه ابتدار و حق
 سید الشهدا ده یتیمش دفعه استغفار پیور دیلر • و نزد نبویه لرنده بولنان
 حضرت فاطمه الزهرا و صفیه بنت عبدالمطلب رضی الله عنهما یه
 * مرده اولسونکه عجم حزنه نک «رضی الله عنه» و صفنده
 الواح هفت رنگ آسمانه (اسدالله و اسد انرسول) یازلدیغنی
 جبریل امین کلوب تبشیر ایلدی * نهجمله تسلیه بخش اولدیله •
 اشبو غزاده دردی مهاجرین و التمش التیمی انصار دیندن اولمق
 اوزره یتیمش نفر صحابه مرتبه عال العال شهادته نائل اولوب اشقیای
 قریشیه دن قتل اولنان اوتوز پلیدک اون اوجی قنطره سیف مر تضادن
 رضی الله عنه بیابان کذا رهلا ک اولمشدر • * صلوات جنازه
 شهدای احد * شهید اولر ایچون ایر و ایر و نماز قلندیغنی و هر
 جنازه نک یا ننده نعش سید الشهدا بولندیغنی جهته مشار الیهک
 جنازه سنه یتیمش کمره نماز قلنمش و قول آخر مفادینه نظر اهر بر طقوز
 جنازه یه نعش مشار الیه دخی علا وه قلندیغندن جنازه سید الشدا یه
 یدی دفعه ایفای صلوة اولمشدر • اجساد مشار الیهیم ایکیشر اوچر
 بر قبره دفن اولندیغندن (سید الشهدا ایله همشیره زاده سی عبدالله
 ابن جحش) بر مر قده و (عبدالله بن خرامله خارجه بن زید و عمرو
 بن الجوح) بر قبره و نعمان بن المالحه عبدالله بن الشحاش و محمد بن زیاده)
 بر مر قده تصادف ایتشددر • رضی الله عنهم اجمعین • «استطرداد (جناب
 صدیقه رضی الله عنها بعض نسوان هاشمیه ایله استکشاف حال
 سید المرسلین ایچون مقتلگاه احده عزیمت پیور دقلری خلalde
 عمرو بن الجوحک زوجه سی (هند) بنت عبد الله بن عمر خرامی یه مصادف
 اولوب فقط هندک بر یو کلی دوه مهارینی چکهرک مدینه یه متعازم
 اولدیغنی کور و بده دوه سنک یوکی نه اولدیغنی سؤال ایلد کده (یا مائشه
 محمد الله تعالی حضرت بنی انس و جان بر حیات اولد یقه انک غیری
 هر نه مصیبت ایریشور سه قولایدن) دیمکله «یا ابو اجساد شهدا

کیملر در که الوب کید پیور سین» دیو و قوعبولان سؤال مشار الیهایه
 بری زوجم عمرو بن الجوح اولوب دیکری برادریم عبدالله و بریده او غلم
 خلا در که دفن الیک اوزره مدینه یه کتور و یورم) جوابنی و یرد کده
 مشار الیهانک محبت دین محمدیده «علیه السلام» در کار اولان
 صبر و ثبات علیه سنه متعجبه اولوب انکشت بدهان حیرت قالدی •
 بو اثنا ده هندک دوه سی اولدیغنی یه چو کوب ایلر و کتامک استد کده
 جناب عایشه رضی الله عنها نک (یا هند غا لبا دوکک یوکی اغرجه در که
 تحمل ایده مدی) دیمسنه (چو قدفعه بوندن زیاده یو کتور مش
 ایسه ده قعودی غیر مسبوقدر) جوابنی و یرد کده مذکور دوه
 صحیرایوب مهارینی هندک الندن قور تر مسیله جبل احده طوغری
 قادمه جنبان استجعال اولدی • مشار الیهاینه دوه بی طوتوب
 زما منی ضبطله مدینه یه اما له ایلدی • لکن دوه ینه قور تیلوب
 معر که گاه احده توجه ایلد یکندن بالضروره حضور سید الثقلینه
 عودت و افاده حاله مسارعت ایلد کده «ان الجمل لما مور» فریده سی
 ناطقه زیب تذکار و مشار الیهانک زوجی عمرک احوالی استخبار
 پیور لدیغندن (یار سول الله جهاده عزیمتی اثنا ده جناب جقدن
 «بو حال ایله لانه ساز جنان اولمق استم» دیوب * اللهم لاتردنی
 الی اهلی * دعا سنی تکرار ایلیمشیدی) دیمکله (یا هند زوج
 و برادر کله اوغلاک خلا ال اله کلوب کلزار جسته خرامان اولمقده درلر)
 مائله آتش درون هنده کوثر پاش تسلیت اولدیله • تم الاستطرداد)
 * عودت از جبل احد * اول ماه منیر آسمان رسالت (سلام علیکم
 بما صبرتم فنعیم عقبی الدار) آیت جلیله سیله شهدای احده وداع خوان
 اولوب کونش غروب ایتکسزین هجر تسرای مدینه یه مواصلت
 پیور دیلر که جبل احده له مدینه اره سنده متوطن اولان قبائلک رجال
 و نسوانی علی الاستجعال اول شهر یار ملک رسالت علیه التسلیم و التحیه
 افندیمنک ره گذار لرنده صف بسته سلام و استقبال اولوب (یار سول الله
 بو یولده شهید اولر قربان ذات قدسی الصفاتک اولسونر که وجود

به بود نبوت که ایراث مضرت ایتین مصیبت بزجه بعینه مسرتدر) یولنده
ایفای مراسم شکر گذاری ایدوب ❖ (اللهم اذهب حزن قلوبهم
واجبر مصیبتهم) دعاسنه مظهر اولدیله ❖ (استطرد) (فاطمه رضی الله
عنها که حضرت حمزه نک کریمه سیدر ❖ پدرینک دلیر نعم جنان اولدیغه
مطلع اوله مدیغندن لاجل الاستقبال بمقدار خرما ایله سودالهرق جاده
انتظاره چقه مش و مدینه به داخل اولان غزاة ایچنده پدرینک کوه رینی کوره
مامش اولغله جناب (صدیق) رضی الله عنه راست کله رک پدرینی سؤال
و فقط مشارالیه شمدی موکب همایون کلور) قلقلو (بر جواب اعطایه
ایلر و کتکه استجمال ایلش ایدی ❖ بالآخره موکب عالمتاب نبوی دخی
شر فبخش ورود اولوبده ینه شهید مشارالیه ظهور ایتد کده (یا رسول الله
پدرم زده قالدی) دهرک فریاده باشلیوب (یا فاطمه بوند نصکره سنک
پدرک بن اولیم) التفات همایوننه مظهر دوشنبه (یا رسول الله بومقاله دن
قان قوقوسی کلیوری) دهرک دودست افتراقیله کریبان چاک صبر
و ثبات اولغله حضرت سیدالابرار علیه الصلوة والسلام و غزاة حضار
تحمل ایده میوب اغلغه باشلدیلر ❖ بواثناده صلی الله علیه وسلم افتدیمزک
سامعه همایونلرینه برصدای آسمانی واصل اولغله متوجه آسمان اولوب
(ارض و سماءینده حضرت سیدالشهدای هیئت انسانیه شککنده اولهرق
(یا رسول الله بنم فاطمه یتیمه می التفات مکرمتکن دورایتمه) دیو تحریک
زبان نیاز ایلدیکنی کوروب ❖ ای بنم عم عالیقدرم مرآت خاطر یکی
غبار دغدغه ایله مغبرایتمه که کریمه کن فاطمه بی بالذات دخترلکه قبول
و نظر صحابت و تربیتله مشمول ایتدم ❖ جوابی اعطایه یوردقده
ورای پرده غیبدن (یا محمد ❖ علیه السلام) مادامکه سن حمزه نک
(رضی الله عنه) کریمه سنی دخترلکه قبول و نظر التفاتکله مشمول
ایتدک بز دخی امتکی دریای عفو و رحمتده غرق ایلدک) صدای بشارت
افزاسی طنین انداز ظهور اولمشدر ❖ تم الاستطرد) حضرت فخر
الرسال صلی الله علیه وسلم افتدیمز منزل معلا جناب سعادت لرینی بالتشریف
سید الشهدایک دولخانه شدن غیری بالجملة شهدای انصار خانه لرنده

اولان فریاد ماتممانی استماعله رهین ملال اولوب و (لکن حمزه
لابوای له) پیوردیلر ❖ بومقاله بی استماع ایلش اولان (سعد بن معاذ
ایله اسید بن خضیر) دیگر برطاقم برره انصار رضی الله عنهم حضراتی
حرملرینی خانه سیدالشهدایه کوندروب نوحه و افغانله اشغال ایلدیلر
کیجه یارسی بونلرک صدای طاقت فرسای ماتملری سامعه خراش
خواجه جهان اولدقده (رضی الله عنک و عن اولاد کن و عن اولاد
اولاد کن) دعای اجابت پیماسنی پیرایه زیب صحایف مناجات ایلدیلر ❖
و ایرته سی کونی مخفل هدایت اندوز رسالت لرنده تجتمع اولان جریمه داران
انکساره (معرکه کاه احده واقع اولان وقعه دخراش ککه نیجه
بیک حکم غامضه الهیه بی منضم در ❖ بحمد الله تعالی رسیده ختام
اولوب فیما بعد قریشلرک اهل اسلامه ظفر بولملری امر محال اولدیغندن
عن قریب فتح مکه مکرمه و نیجه نیجه فتوحات کثیره البرکات علیه متوالی
الظهور میسر اوله جغنی حسب الرساله تبشیر ایلرم) نطق حیات
افزا سیله مرهم سالی التفات اولدیلر ❖ و بعده (طبور ارواح شهداء
ققس ابدانن پرکشای چنزار بقا اولد قلری آنده حضرت کریم بنده
نواز هر برینی بریشیل قوش صورتنده خلق ایدرک کلزار جنانده لانه ساز
ایلش اولسیله کاه انهار بهشت کارنده انواع ماکل و اثمار فردوسی و کاه
مشارب سلسبیل رحیق یوب ایچوب و کاه منازل دارالقراری سیروتماش
ایلیوب مسیره کاه جنانه بال انکیز اولهرق سایه عرش الرحانه تعلیق
قلمش اولان قنادیل ایچنده قرار ایدرلر ❖ و بونعم و مراتب فردوسی بی
کورونجه (عجبا بزه احسان بیوریلان مراتب علیایی دنیاده کی
احبابمه کیم خبر و پر که انلر دخی اوقات کرائمایه عمر لرینی غنیمت بیلوب
کفار ایله اجتهاده غیرت ایتسدر) دیو واقع اولان استرحا ملرینه
جناب کریم شامل العطایا عز اسمه حضرت لری (بن سزک مراتب رفعت
و درجا تکرزی بالذات اعلام ایدیم) خطاب عزیزله ارواح مشار الیه
ایچال و بناء علیه ❖ ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء
عند ربهم یرزقون فرحین بما اتاهم الله من فضله ❖ آیت جلیله سنی

انزال بیور مشدر) بحیله مراتب شهادتی تعریف و توصیف ایلدیلر که
اشبو آیت کریمه نك معناسی (صدق نبیته فی سبیل الله قتل اولنلری سز
اموات ظن ایتیک • بلکه انلر ر بلری عندنده دیر یلردر • والله تعالی
فضل و کرمندن انلره و یردیکی شرف و نعمندن فرح و مسرتده اوله رق
جنت میوه لر یله رزق لنور لر • و قتل اولنلیوب کندولر دنصکره قالان
اخوانلرینه کندولر نك نائل اولدقلری دولتلر نده قطعاً خوف و حزن
اولدیغنی تبشیر و تعریف ایتک استرلر دیمکدر) قول آخر مفادی اوزره
جناب مخبر صادق صلی الله علیه وسلم افندیمر جابر بن عبدالله الانصاری
رضی الله عنهی مخاطب ایدوب «حضرت خدای بی همتا عز شانه
ورای پرده غیبندن کافه ارواح شهادیه عنایت بخش التفات اولدیغنی
اثناده پدرك عبد الله پرده عجاب کبریا رفع اولنه رق • عبدی سنی
اعطیک • بیورلمش و چونکه مشار الیه سرمست نشوه التفات بولمسی
اوزرینه (الهی طریق محبتکده بردخی فدای جان ایتک ایچونینه
حیات بولمخی رجا ایلرم) دیمش اولدیغندن «مرغ روحک بردخی
لانه ساز قفس بدن اولمسی امر محال اولمغه بودیله کک درجه استحاله دهر
ایمدی دیکر بر مطلبک حصولی التزام ایله یا عبد الله» خطاب
عزتی شرف سانح اولسنه بناء (بو قوللری حقنده احسان بیورلمش اولان
نعم کونا کونک بر حیات بولنسان اخوان دینره بیلدیرلمسنی نیاز ایلرم)
دیمکله آیت سالف الذکر نزول ایتشدردر • کخلیله چشم خونین ماتمکشان
اسلام جلا ساز تسلیت بیورلمشدر • اشبو وقعه متوحشه ده وقوعبولان
مغلوبیت موحدین حقنده علامه قسطلانی رحمه الله حضرت تارینک رشته
کش حریر تحریر اولدیغنی بر طاقم فوائد حکم عوائدک چند عددی تبرکا
اشبو محله تدبیلی مناسب مطالعه اولند یغندن بروجّه اتی ثبت و تسطیر
قلندی • حکمت • جبل عینین محافظه سنه مأمور اولان صحابه
کرامک اراده نبوی خلافتنده حرکت ایلد کلری شأ متی اوله رق
باعث انتباه موحدین اولمق اوزره هم کندیلری و همده سائر لری رهین
انعدام اولمشدر • حکمت • بلایه مبتلا اولمق انبیاء کرام صلوة الله

علیهم اجمعین حضرتانک عا د تلری اولمغه حضرت (سید الانبیا)
علیه اجل النبیایا حق سامیسنده دخی اوله بر حال دهشت مآلک وجود
بولسنی اراده ازلیه ذوالجلاله اقتضا ایتشدردر • حکمت • آفتاب ظفر
اگر چه هر زمان کستان مؤمنین تربیه سنه متعلق اولسه کلی دیکندن
فرق غیر ممکن اولوب وشاید حال انکسار دائماً فائوس صفوت مأنوس
مسلینه متوجه اولسه شعله شمع رسالتدن استفاده ایدیه میه جکندن
حکمت ازلیه سبحانی اشبوابکی امرک اجتماعنی اقتضا ایتشدردر • حکمت •
اول وقعه نك حدوثنه د کین گروه منافقین اضمار نفاق و علی طریق
الدسیسه اظهار وفا قله اسرار مؤمنینه کسب اطلاع ایدرلردی • وقتا که
مغلوبیت اسلام واقع اولدی • افشای سرار و فرقه فحیه اسلامدن
ایرملق اوزره ابراز ضمائر ایلدیلر • حکمت • ریاض آمال مؤمنین هر دم
هبوب نسیم فتح و ظفر تعاقبیه طراوتیاب اولسه نور سیدکان اسلامه
ذائقه غفلت مستولی اولوب محافظه اسباب صوریده تکاسل ایده جکلری
اجلدن سیلاب نصر نك هضمائنفسه بعض کره ده مجرای خلافه جریان
ایلمسی لازمکشدردر • حکمت • جناب حکیم بی علت (جلت عظمته)
حضرت تلری محافظین ناموس اسلام اولان قوللرینه فرادیس جنانده
ترتیب ساز اولدیغنی نعم لا تحصایه وسیله اعمال ایله مظهر اولمق ممکن
اوله میه جغندن بال خون آمیز شهادت پرواز وصوله ذریعه بیورلمشدر •
حکمت • رتبه شهادت نهایت مراتب ولایت اولدیغندن (حبیب اکرم)
صلی الله علیه وسلم افندیمر نك اوغر نده فدای جان ایدن اصحابک اول مراتب
عظمتایی احرازده غیر یلره مسابقت ایچون اشبو وقعه نك حدوثنی لابد
اولمشدر • حکمت • حضرت رب العالمینک اراده ازلیه سی مشرکینک
انلافه تعلق ایلد یکنندن همیشه طغیان و ثباتده اصرار و اولیاء الاهی
اضرار ایله کندولرینی اهلا که کسب استحقاق ایتدرمک ایچون اشبو
حالت و قوعی لازمکشدردر • والله اعلم بمقایق الامور •

کفره بداندیش قریش مکه مکرمه جابنه معاودتله بر قاج منزل قطع
مسافه ایتد کد نصکره عکرمه بن ابی جهل موروث پدری اولدیغی اوزره
نأثره فتنه ایتادینه مسارعت ایدرک (مرآت روزگار مطلق بمن اوزره
بزه عرض صورت موافقت یلایشکن دشمنیه لایق له حقندن کلاکسزین
عودت ایلک لایق دکلدر • ایدی بوحالی غنیمت عد ایلوب جمعیتگاه
(محمد) یانه تکرار ایصال دست تفرقه وخسار ایلک اوزره عودت ایدم
مقال هذیان اشتغالیه کندینه هوادار اولنلری هوالبیره رک اجرای
اقتضاسینه مشبث اولدی • لکن صفوان بن امیه بو اتفاق
بیکنه مدیکندن (اقارب و غاطالب محمدیان (علیه الصلوٰه والسلام)
آتش ماعله شعله ریز غضب اولوبده اوس وخزرج قبيله لرندن معرکه
احده بولنیا نلرله بالاتفاق مقابله ایدم جک اولور لر ايسه بهمه حال
مغلوب اولورن) دیدی ايسه ده اول سرمست صهیای غرور کاسه
عقل وشعور ندن ملاحظه انهمزام ورجعتی دور ایلدیکندن حشرات
قریشیه بالضروره مدینه منوره یه عودت ایلد یلر • بو خبر رسیده
سامعه (سید البشر) علیه الصلوٰه والسلام اولسیله برابر صیانت ناموس
دین مبین ضمننده احد و قعه سی عودتندن برکون صکره اصحابک جمع
ایلمسنی جناب (بلال) رضی الله عنهم فرمان ومشار الیه بر موجب اراده
کیفیتی اشاعه واعلان ایلدیکندن مجروحین اصحاب سایه لوائی (سلطان
رسالت علیه التسلیم والتحمیده) اجتماعه شتاب ایدوب حتی تدارک
حوایج عیال و پدراعذر یله احد غراستنده بولنه میان (جابر) بن عبدالله
الانصاری رضی الله عنه دخی شایان بیوریلان مساعده مرحت عاده
نبوی اوزرینه نائل عز رفاقت اولمشدر • یوم مذکورده مدینه دن
نهضت واقعا میسی سکر میل ایلروده بولنیا (جرء الاسد) مر حله سنه
مواصلت اولنه رق شرف سانح اولان اراده حضرت (کاشف الدجاء)
اقتضای حکمت احتواسی اوزره بشیوز محله آتش یا قدر لدی •
(معبد بن معبد خزاعیکه) اول زمانه دکن کاسه خمیری نور ایماندن تهی
وروضه درونی ضیای مهتاب محبت (محمدی) علیه الصلوٰه والسلام دن

منجلی ایدی • اول اثتاده بر مصطلحه مکه یه متعازم اولد یغندن موضع
مذکورده قدم (سلطان کونین) صلی الله علیه وسلم یوز سوروب تعزیه
اصحاب مر اسمنی ایضا ایدرک جانب حرم الله عزیمت وعسا کر قریشیه
(روحاً) دینلان منزله مصادفت ایدوب ابوسفیانک واقع اولان سؤالی
اوزرینه (حضرت محمد (علیه الصلوٰه والسلام) احد وقعه سنه
بولنیا اصحابندن غیر بقیه قبائل متکاثره ایل بر اشد رک برجم غفیر
اولسیله برابر سزدن اخذ ثار انتقام ایلک اوزره مدینه دن حرکت
(وجراء الاسد) نام موقعه مواصلت ایلدیکی جهته حسب التصادف
جادرلری اره سندن بکدم • وحقی مهابت ازد حاملرندن فنا بر حالده
اورکدم) دیدی • کار کذران قریش مر قومک افاده سنی تصدیق
ایتموب (انلر حرکت قدرت ومجالیری یوق ایکن قوت واستقامت لری
بیان ایتکز غریبدر) دیدکلرندن (رب الکعبه خلا ف یوقدر) جوابی
وبرمشدر • بوجوابدن جمله سی متأثر اولغله غرور لری مبدل فتور
وابن امیه (کور دیکزمی بنم افکارم تمامیه ظهوره کلدی • انبج شیشه
ناموسمن شکست اولدین وادی سلامت یو یان اولق مقوله غنیمدر)
دیدیکندن کافه سی بردن فراره مجبور اولدی • ومعبد سالف الذکر
بو کیفیتی (سلطان الرسل) صلی الله علیه وسلم افتد بمنزه عرض واشعار
ایتمکه موضع (جرء الاسد) بر کیمه استراحتله عودت عالی شرفوقوع
بولمش واشبو منزله دردست اولنیا ابو غره شاعرله معاویه بن مغیره قتل
واعدام اولمشدر • چونکه شاعر ابو غره مذکور بدر الکبرا
وقعه سنه اسیر اولدیغی وقت کثرت اولاد و عیال جهتندن بمشله مرحت
عالمشول عالی یه واقع اولان التجاسی اوزرینه فیما بعد محاربات اسلامیه ده
بولنماق شر طیله مجانا عفو بیورلش واحد وقعه سنه نقض عهد
ایلدیکندن بشقه قبائل کفار دن سوق لشکر ضمننده کونا کون مضمونلر
اختراعیه محسنات حربی بیان ایلدیکی طوبولیشیدی • (جرء الاسد)
موقعه وقوع اسارتی موجب انشراح اولغله هلا کفه اشارت
اولنوب استدعای عفو و مرحت ایلدیکه «ممکن ومتصور دکلدر که

عفو و اتوب مکيه کوندرلد کده سفهای قریشه (ایکی دفعه در محمدی
(علیه الصلاة والسلام) الداتم) سیا قنده نشر مباحات ایده سین)
جوابی اعطا • و (عاصم) بن ثابت رضی الله عنه طر فندن اقتضای عملیات
قتلی اجر اقلندی • رفیق معاویه بن مغیر ایه حضرت (ذی النورین)
رضی الله عنک دامن شفاعتته توسل ایلدیکندن دار الهجرة مدینه ده
اوج کونندن زیاده اقامت ایدر ایه هلاک ایدلک شرطیه
ازاداید لمشیکن درد نبی کون دخی عودت ایده مملکه (عمار) بن یاسرو
(زید) بن حارث رضی الله عنهم و ساططیه تلف اولندی •

فصل { ۵ } (در بیان) { ۴ } سنه هجره
مقاله { ۱ }
(سربیه رجیع وقعه سی پسانده در)

قریشلرک احد وقعه سنه وقو عبولان ظفر لری تبریک ضمتده عقل
و غفاره قبیله لرندن بر طاقم کسان شرک بنیان ایله مکيه کیمش اولان
سقیان بن خالد هزلی طلحه بن ابی طلحه نک زوجة سی سلافه بنت سعدک
وقعه مذکوره ده ایکی اوغلانی بردن قتل ایدن (عاصم) بن ثابتک رأس
سعادتنی کیم کتور رایسه یوز رأس دوه ویره جگنی استماعله مقرگاه
قومنه رجوع و تدا بیر احتیال دسیسه سی ترتیبده شروع ایدرلر قبیله سی
افرا دندن یددی کسنه آروپ دار الهجرة هما یونه اعزام و (نابت) مشار الیهک
مسافر خانه سنه اقامت ایتلرینی امر و افهام ایلدی • اشخاص مر قومنه
آلدق لری تعلیمات اوزره مدینه ده واصل اولار یله برابر حضرت (عاصم)
رضی الله عنک پدری نابتک خانه سنه بسط حصیر پاره ثقلت و بالاخره
نزد عالی نبوی به عزیمت ایله (یارسو الله منسوب اولدیغمنز قبیله
افرا دندن بر خیل کسنه اسلام اولمق ارزو سنه اولوب فقط
احکام شرایعه واقف اولدق لرنندن تعلیم قرآن و تفهیم مر اسم آیین اسلام
ایچون صحابه کرامدن بر طاقم ذواتک مأور یور لمسنی و بوجه
مستوفی المعارفه اولان (عاصم) بن ثابتک رضی الله عنه بو خدمته بولمسنی
رجا ایدرز) دیدیلر • علیه الصلوة والسلام افندیخ دخی (مر ثد بن

ابی مر ثد و حبیب بن عدی وزید بن الدثنه و عبد الله بن الطارق و خالد بن
ابی البکیر و معقب ابن عبید رضی الله عنهمی (عاصم) بن ثابت رضی الله عنه
حضر لرینه ترفیقا کوندر مشلردز • مشار الیهم کیمجه لری قطع مسافه ده غیرت
و کوندر لری جبال آره لرنده تعطیل رکاب عزیمت ایدرک (هد) نام موقعه
ر فاکت لرنده بولسان کفره دن بری فرار و قدوم مشار الیهی سقیان شقاوت
بنیان هزلی به اخطار ایلش اولدیغندن اول سک جهنمی سرشت
ایکیوز قدر کلاب عقور ملعت مجبور ایله مشار الیهی رجیع (بلده هزبل
دره لرندن بر نهر عظیمک اسیدر) موضعنده تعقیب و اجرای
مافی الضمیر ی تصویب ایلدی • مشار الیهم دسیسه اعدایه کسب اطلعه
قطع مراتب شهادته مهیا و مقابله بالنیل اجرا سنه مکر بند اعتا
اولدق لری سقیان سالف البیان بالمشاهده (یا عاصم اضاعه نفوسه
مؤدی اوله کیم سرزه ایصال زیان ایلک نیتده دکلز) افاده سیله کندولرینی
حیا اسیر ایتکی تصور ایلدی ایه ده مشار الیه مقاله سقیانی اصغای تبوب
همان رفقای صداقت پیاسیله برا بر شرزمه کفاره تیراند ازوتر کت لرنده
بولنان او قلری تمام اولوب حتی مز راقلری شکت و التی نفر رفیق
جام کلکون شهادتله سر مست اولونجه یهد کین شمشیر خونریز لریله
مقاتله ده سر آغا زوله رق نوبت شهادت (عاصم) بن ثابت رضی الله عنه
کلد کده (خدایا ابتدای اسلام مدبر و دین مبین حایه سنه مجبور قصور
ایتدم • سندخی نهایت حیاتم اولان اشبو کونده جسد ناچیز می ایلدی •
اعادی به یکمکدن صیانت ایله) یولنده عرض مناجات و عقبنده شهیدا
وفات ایلدی • فرقه اعدا موعود اولان یوز رأس دوه ده دسترس اولمق
خولیا سیله سر مبارک مشار الیهی الموق اوزره جناب عاصمک کاسه نوش
عسل مصفا ی شهادت اولدیغنی محله ارخای عنان ایدوب لیکن مشار
الیهک اثر قبول دعای اوله رق ظهور ایلش اولان بال آریلری صفت بسته
محافظه اولدیغندن نعش مشار الیه مسلط اولان اعدایه نیش زن خسار
اولار یله جسد عالی مشار الیه حضرت دشمندن برنی الساحه قالمشدر •
جیوش کفره سر سعادت افسر مشار الیهی المقدن نو مید اولد قده

(اشبو آر یلر حسب العاده طاعنه قدہ یعنی اقشام اولدقدہ نائل امل اولورن) دیو بر طرفه چکلد کلرینی متعاقب بامر الله تعالی جوانباربعه مقلکاهه نزول ایدن کثرت باران حسبيله حاصل اولان امواج سیلاب جسم مسعود مشارالیهی چشم بی نور اعدادن نهان ایلدی • بالآخره (حبیب) بن عدی و (زید) بن الدثنه رضی الله عنهما بی اسیرایدنلک قریشیلر فروخته نائل آمال و بدبختان قریش ایهه اقتضای شهر حرامد نصکره حرم محترم خارجنده واقع (تعمیم) دینلان محله ایکی دیرلر کزیه مشارالیهایی احضاره استعجال ایلدیله • جناب (حبیب) رضی الله عنه استحصا ایلدیکی رخصت اوزرینه ایکی رکعت نماز قلد قد نصکره • عربی • (ولست ابالی حین اقتل مسلما • علی ای شق کان الله مصرعی • وذلك فی ذات الاله وان یشاء • یبارک علی اوصال شلومزع) قطعہ سنی قرائت واول ظلمه بی مرحت حقارنده بددما ایتکه مسارعت ایدوب بر طاقم وعدو عیدایله ارایه اولنان طریق نجاتی قبول ایتیه رک (اگر بتون جهانک حکو متنی بکا ویره جک اولسه کزیه اسلامیتی ترک ایدهم) جواب اخلاص نصابی بالاعطا (الهی دشمن دین ایچنده قادم • (سلطان رسالت) علیه التسلیم والنحیه حضرتلرینه سلام کوندره جک کمنه یوقدر • همان عظمت وقدر تکه بنم سلامی ابلاغ ایله) دیدی • بونک اوزرینه ایکی بازولندن ریطله آلی متوجه سمت مدینه اولدیغی حالده صلب و قرق قدر مرد مردم آزارینزه دارجلایله اعدامنه ایتدار ایلدیله • مشار الیه آخر نصدقه قبله دن یوزینک چورلمسی اوزرینه (غایمما تولوا فثم وجه الله) کریمه جلیله سنی در خاطر ایدوب انجیق تصادم رما حله (سونکی دیمکدر) ینه دلخواهی اوزره بیت الحرامه توجه میسر اولدقدہ (الحمد لله الذی جعل وجهی نحو القبلة الذی رضی لنفسه ولنبيه وللوثنين) دیه رک وفات وعزم کلشنسرای جنات ایتشدر که اشبو فجیعہ نک قبائل اطرافه اعلا نیچون نعش شریفلری دارا غاچنده مصلوب بارا غلش وارد نیجه (زید) بن دثنه رضی الله عنه دخی صفوان بن امیه نک غلامی بسطاسک سیف غدریله شهید ایدلش اولدیغی جهته

موقع مذکورده بولسان کفره نک جمله سی بر مصیته دوچار اوله رقی یک از بروقت ایچنده هلاک اولوب هیچ بریسی یاقه بی قورتاره مامشدر • (استطراد) زید) ابن اسلم رضی الله عنه بیورلر که بر کون بره اصحابله حضور نبویده حلقه بند مصاحبت اولمشیدک • ناکاه بشره مبشره (سید البشر) ده انوار وحی لمعان ایتش وفم محسنلرندن (وعلیه السلام ورحمة الله) فراندی تلاء لئو ایلشدر که سبی سؤال اولدقدہ (حبیب) بن عدی رضی الله عنه (تعمیم) موقعنده جفای قریشله شهید اولق اوزره بولندیغندن حضرت (خدای) بی همتایی بزه سلام کوندرمکه توکیل ایتکه حضرت (جبریل) امین ایچنده بسط نزول اولوب ایضای سفارت ایلدی) نهچنده درپاش جواب اولشدر • تم الاستطراد) جناب (فخر الرسل علیه النحیه والتسلیم) حضرتلری میوه شجره رحمت اولان حبیبک نهالی دار اوزره ابقا اولندیغنی کشفله (نعش حبیبی نهال داردن المنی هرکیم متعهد اولوب اقتضاسنی اجرا ایلرا یسه آلی جنتله تبشیر ایلرم) سیاقنده کلیاش خطاب اولدیغندن حضاردن مقداد بن اسود وزیر بن العوام رضی الله عنهما اندامای قیام اولوب شرفسانح اولان اراده سنیه مطابقتجه حرم محترم جانبده روان اوله رقی کوندزلری جبال اره لنده پنهان و کیجه لری سمت مقصوده متوجها قادمه جناب اولدقلری ودارا غاچی محافظه سنده بولسان کفار خاکساری سرمست خواب غفلت بولدقلری حالده مشار الیهک وقوع شهادتک قرقیبی کونی موقع مذکوره واصل اولوب بدن مطراسی تازه و ترو منافذ جرایمندن قائلر اقرار ایکن بالای داردن تزیل و حیوانلرینک اولدیغی محله مطیه زبیره تحمیل ایدرک دار الهجرة مدینه عینتاب عودت اولدیله • خزله کفار نعش مشار الیهک اسلام طرفندن استراق اولندیغنی حسله لاجل التفقد مدینه جانبده سوق و تسریب ایلدکلری یتش نفر سواری مشار الیهایی تعقیب ایلدیله ایهده مشار الیهما اجرای مقابله و مقاتله ده بدن متین حبیب رضی الله عنه ودیعه صحن زمین ایلد کلرندن وحسب الحکمه سیننه خالص صدر

عاشق کبی چاک اوله رق اول جوهر معالی کوهری خزینه قلبنده
نهان ایلد یکندن محل مذکوره * بلع الارض * تسمیه اولندی *
بعده حضرت (زیر) رضی الله عنه دستار شریفه سنی مواجهه
عقبکیران اعدایه انداختله «بن صفیه بنت عبد المطلبک اوغلی زیر
بن العوام ورفیقیم (مقداد) بن الاسود اولوب ایمرک دخی بهادران نادر
الاقران اولدیغی معلوم جهانیاندر * بزمله جنک وجدال اولمز *
قنغی نوع آلت حربله مقاتله ایتمک استرایسه کز حاضر و آماده بز * بزمله
اوغر شفق سزجه اضاعه بضاعه حیاتدن بشقه فایده بی مفید اولماز *
مآلیله اظهار بسالت ومطالبه مبارزت ایلشد رکه اعدای حضار خوف
وهراسه دوچار اوله رق بالضروره اختیار عودت و مشار الیهما دخی
هجرت سرای همایونه متوجهاتوجیه مطیعه معاودت ایتدیله رکه * بواثناده
حضور خیر البشر علیه الصلوة الا وفرد بولنان (جبریل) امین «یا رسول الله
کافه ملائکه کرام مشار الیهما ایله عرض مباهاات خصوصنه قیام
ایدوب مجامع قدسده ستایش ایلدیله * بشارتیه سرافتخار مشار الیهما بی
موادی فک اعلایلشد * (رضی الله عنهما وعن کافة الصحابة اجمعین)

مقاله { ۲ }

عبدالله بن انیس رضی الله عنک سربیه سی بیانده در *

سفیان بن خالد هزلی آنف الذکر دسیسه ایله اصحاب عشره بی شهید
ایلدیکنه قناعت ایده مدیکندن مدینه حصارینی دخی محاصره
ایتمک سودای خامیله برچوق عسا کر جمع وترتیبی تدبیرنده اولدیغی مرآت
شعور همایونه منعکس اولمغله (عبدالله) بن انیس رضی الله عنیه اول کافر
بدنه سادک خدمت قتلنه مأمور یور دیلر * مشار الیه سیمای سک لقای
سفیانی بیله مدیکندن اول شقی جهنمیک شکل و هیئتنی سؤال ایتمکله
(خواججه کونین علیه التحیه والتسلیم) حضرتلری «ایته کور دیکک
وقت ابلیس علیه اللعنه نک درونک القایده جکی وسوسه اغراسیله
ضمیریکه برخوف طاری اولور» یولنده تعریف علامت و تعیین شکل
وهیئت یور مشلدر * مشار الیه دارالهجرة همایوندن حرکت و رهبری

روحانیت سید الابرار ایله (علیه الصلوة والسلام) «بطن عرنه»
دنیلان محله مواصالت اید رک بزقاج کسنه ایچنده بر شخصک رؤیتدن
دروننده حاصل اولان رعشه خوف واضطراب اشارت واقعه هما یونی
اشراب ایلدیکندن اول شخص منخوسه حواله جاسوس دقت ایدوب
قبل نبویدن تعیین یوریلان علایمی تمامیله مشاهده ایتسیله «صدق الله
و صدق رسول الله» دیمش و سفیان دخی مشار الیهی کور نیجه
کیم اولدیغی ونه محلدن کلدیکنی سؤال ایلشد * مشار الیهک
(بن خزاعه قبیله سته منسوب بریکه سوار میدان جنک و و غا اولدیغمدن
اسلام علیهنده اوله رق تجهیز عسا کر ایلمکده اولدیغکزی طویوب
سودای التحاقله کلدیم) مآلنده اعطا ایلدیکی جواب اعدا فرب سفیان
مذکوره انشراح بخش خاطر اولمغله قدوم مشار الیهدن منبسط اولوب
کندی خیمه سی کنارنده بر محل منتظمده اسکان ایتسنی امر ایلدی *
مشار الیه مأمور اولدیغی مصلحتک تمشیقی ضمیمه سفیانک ستایش
شجاعت و مکرمتنی متضمن اشعار لرا نشاد و تقدیمیه موارد اشتباه
دروننی سدو بند ایلدیکندن بر کیمجه هر کس چادرینه خطوه انداز غریمت
وجله سیده سفیان بد پیمان کبی سرمست شراب خواب غفلت اولدقلری
زمان فرصت اقترانده اول کافر سک نهادی قتل و اعدا مله جانب
مقصوده عودت و اثنای راهده بر مغاره یه ککیرلنهرک حضرت
خیر الحافظینک دائره حایتنه دخالت ایلدی * اهالی قبیله سی
علی الصباح حادثه لیل حیلادن خبر دار و تعقیب مشار الیه درکار اولوب
انجق جناب صانع بیجوتک اراده حکمت عاده سیله غار مذکور قپوسنده
ظاهر اولان بر طاق عناکب پرده بافک باب غار اوزره تعلیق ایلش اولدقلری
دام دانافرب سینین مدیده دتبر و مغاره یه دخول و خروج احتمالی و اهمه سنی
سترو اخفا ایلدیکی جهتله متفقدین اعدا کمال یأس و حرمانله رجوع
ایلدیله * بونلر طاغلد قد نصکره جناب (عبدالله) رضی الله عنه
مغاره دن خروجله دارالهجرة مدینه یه واصل و مسجد شریفده
(سید الکونین) صلی الله علیه وسلم افندیمرک عز حضور لینه نائل اولوب

اول دشمن دینک باشی نهاده میدان مذات و حضرت فخر عالم (صلی الله علیه وسلم) افتدیمزایله بالجمله اصحابی غریقی بحرمسرت ایتکله تبرکا کند و سنه بر عصای شریف احسان واشبو (تخضربه فی الجنة) کلام بدیع النظامی زیور زبان بیور مشلردر که عصای شریفه مذ کوره مشارالیهک وصیتی اوزره حین ارتحالرنده مزار برانورلرینه دفن ایدلدی

مقاله { ۳ }
بئر معونه و قعه هائله سی پانده در

نجد قبیله سندن اولوب (ملاعب الاسنه) لقبیله مشهور اولان (ابو براء عامر بن مالک) درد نبی سنه هجریه صفر اخیریه غره سنده حضور هدایت موفور همایونه شرفیافته دخول اوله رقی (نجد و عامره) قبیله لرنده اسلامی قبیله مستعد ادملر اولدیغنی و بهادران اسلامدن کند و سنه بر قاج کسنه ترفیق اولنور ایسه قبیلتین مذ کور تین افرادینک صحرا ی عفونت نمای شرک و ضلالدن مسیره کاه سلیم الهوای اسلامه انتقال ایتلری ملحوظ بولندیغنی بئانه کیفیتک اجرای اقتضاسنی رجا ایلدی • خواجه سیره شناس عالم (صلی الله علیه وسلم) افتدیمز «نجد قبیله سی افرادینک ادعایرینه پکده اعتماد اولنه مز» جوابنی اعطا بیوردیلر ایسه ده تأکید استدعای نیازایله (یارسول الله نجد و بنی عامره قبیله لری بکا مطیع و منقاد اولد قلمری جهته ترفیق بیورلمسنی رجا ایلدیکم اصحابی انلرک شرنندن حایه ایتکی تعهد ایدرم) کبی سوز لرله یمین و تقدیر ممتنع التغیر قضا دخی (صلی الله علیه وسلم) افتدیمز تأمین ایلدیکندن قبیلتین مذ کوره افرادینه خطابا دین مبین تکلیفنی متضمن بر قطعه نامه نبوت تسطیر و قراء امتدن تفریق اولنان (۷۰) و یاخود (۴۰) و بر روایت قولنجه (۳۰) نفر صحابه یه تسایما ممالک نجد یه یه سوق و تسیر بیوردیلر • مشار الیه مدينه منوره دن حرکت و درت مرحله ایلر و ده بولنان بئر (معونه) یه مواصلت ایتلر یله برابر آرای اتفاق ایلر عمرو بن امیه ضمیری و حارث بن صعه (رضی الله عنهما) بی رعای جماله تعیین ایلد کد نصکره نامه (سید انام) علیه الصلوة والسلامی (خرام

ابن ملکان) رضی الله عنه سفارثیله نجد قبیله سی رئیس و (ابو براء) عامر بن مالک برادر زاده سی اولان (عامر بن الطفیل) یه ارسال و عامر بن مالکی دخی قبیله سنده بولنان مستعدان قبول ایمان اولنلری تشویق ایچون اصحاب محمدیه نک شرف قد و ملرینی اخطار ضمتنده مقررگاه قبیله سنه اسال ایلدیلر • خرام بن ملکان (رضی الله عنه) عامر بن طفیلک مجلسنه داخل اوله رقی نامه همایونی تقدیم ایلد کده عامر مر قوم اظهار خدت ایدرک قبیله سی اهالیسنی اصحاب متوارده ایلر جنک ایتکه تشویق ایدوب فقط افراد قبیله سی اصحاب کرامک (ابو براء) عامری التزامنده اولد قلمرینه واقف اولملر یله تحریکات واقعه یه قولاق آصمد قلمردن جوارنده بولنان (سلم و عصبه و رعل و زکوان) قبیله لرینه مأمورین متعدده ارسالله برچوق عونته فراغت جمع ایدوب مقاتله یه کوندردی • صحابه کرام بو وقعه یه کسب معلومات ایده میوب کوندردکری ذواتک قدومنه حصر باصره انتظارایله بئر (معونه) اطرافنده فارغ نشین اولد قلمری حالده بردن بره حشرات مشرکین ایچنده قالد قلمرینی کورملر یله نیه اوغراد قلمرینی آکلیوب «الهی بزم حال ماتم انکیز و سلام رقت آمیز یمز جناب (رحمة للعالمین) افتدیمز ابلاغ ایلر» نچنده مناجات ایتکه اهتمام ایدرک بر صورت فوق العاده ابراز شجاعت و برر بر احراز مراتب عال العال شهادت ایتش و مناجات واقعه لری (جبریل) امین واسطه سیله (سلطان کونین) علیه الصلوة والسلام افتدیمز اخبار اولندیغندن حقلرنده رحمت و مغفرتله دعا و بر خیلوجه زمان بکا بیورلمسدر • اشبو ورطه هولناک بلادن ساحلرس سلامت اولان واقده محه رعای جماله تعیین قلنان عمرو بن امیه ضمیرینک (رضی الله عنه) رفیق (حارث) رضی الله عنه فراق طاقت فرسای رفقا سنه تحمل ایده مدیکندن میدان مبارزته مهاجمه و خیلوجه بر مدت مصادمه ایدرک درت نفر کافری قتل و اعدام ایلد کد نصکره شهیدا وفات و عمرو بن امیه ضمیری (رضی الله عنه) کوچ بر حال ایلر مدينه منوره یه نقل رخت حیات

ایتمش و حدوث وقعه به مؤدی اولان (عامر بن مالک) برادر زاده سنی
(عامر بن الطفیلینک) وقوعه کتوردیکی وضع نا هنجار تأثیر یله
اسیر فراش ندامت اولوب بر قاچ کون ظرفنده وفات ایلمش اولد یغندن
(فخر عالم) صلی الله علیه وسلم افندیمر قبائل مذ کوره علیهنده
قرق صباح قدر (اللهم اکفی عامرا) دعا سند مواظبت بیوردیلر که
اره سی پک چوق یکمسن بن عامر مارالذکر (سلولیه) اسمنده بر فاجره نک
چادرنده علت طاعونه طوتیله رق دوچار بلا اولقبائل مذ کوره اهالیسی
دخی قحط و غلای مفرطیه مبتلا اولوب بالمله تلف اولدیلر • عمرو
ابن امیه ضمیری (رضی الله عنه) ذکر اولتان بلای هائله دن قور تیلوب
مدینه منوره به عودت ایلدیک صره ده عامر قبیله سندن اسلام اولمش
ایکی کسنه به راست کلد یکنه و بونلرک اسلام اولد قلرندن خبری
اولد یغنه مبنی رفقاسی اولان اصحاب جنت مأبک اخذ ثار انتقامی
صد دیله ایکیستی بردن اعدام و کیفیتی (سید الانبیا علیه
نحیات الوری) افندیمره عرض و اعلام ایلد یکنندن مقتولین
مذ کورین وار ثلرینه دیت شرعیه اعطاسنی امر و فرمان بیوردیلر •

مقاله { ۴ } غزوه بنی النضیر یساننده در

مدینه منوره حوالیسنده متوطن اولوب (سلطان اریکه نشین نبوت
علیه افضل التحیه) افندیمرک سایه نشین بنیان مصالحه سی اولان
(بنی النضیر) قبیله سی یهودیلرینک بنی عامر یلرله در کار اولان اتفاقلرینه
بناء کندوسندن سهوا صادر اولان فعل قتل اوزرینه دیت شرعیه
اعطاسی حقنده سانحه بر وز اولان اراده حضرت (صاحب شریعت)
علیه اکمل التحیتی انفاذ ایچون سالف الذکر عمر و بن امیه ضمیری
(رضی الله عنه) بنی النضیر قبیله سی اغنیاسندن استدانه ایتمکی تصور
ایتمش و بواشک تسویه پذیر اولسی دخی اقدام آمال همایون بولمش
اولد یغندن بکار اصحابله بر کون (بنی النضیر) قبیله سی مقرر کاهی
تشریف بیورلسندن • افراد قبیله قریر العین ابتهاج اولوب بر خانه

مر تفعه سایه سنده قرش فراش مهمانداری به قیام و اجرای مراسم
ضیافته اهتمام ایلشیر ایدی • لکن (حی بن اخطب) نامنده بر لعین دنی
مشرب (ای معشر یهود وقت فرصتی فوت ایتمک اوزره طام اوزرندن
هرکیم بر طاش اتوب محمدی (علیه الصلوٰه والسلام) (حاشا) هلاک
ایلر ایلسه جهانی هجوم اسلامیه دن خلاص ایلش اولور) سیاقیله افراد
قبیله بنی نحر یکه چالیشوبده اعیان قبیله دن (عمرو بن حشاش و سلام بن
مشکم) دن (ای حی بن اخطب اگر بودسیسه کز قلب نبوی به الهام
اولور ایلسه نقض عهد ایله متهم اوله رق خانمان را حتمزی خراب ایلش
اولور سین) نهجنده الدیغی جوابی قبول ایتمد یکنندن بالضروره
اجزای مافی الضمیره قرار و یردیلر • بواشاده جناب (جبریل) اجنحه
بسط نزول اولوب کیفیتی عرض و اخطار ایلد یکنندن
در عقب عودت و مدینه منوره ده کیفیتی اصحاب کرامه دخی
نقل و حکایت بیوردیلر • بنی النضیر قبیله سی افرادی بو حالک وقوعندن
مضطرب اولوب ایشک حدوثنه بادی اولنلری تکدیروحتی خاخا مان
قبیله دن (کانه) نام شخص (بو کیفیت جانب آسمانندن اخطار
ایلد یکنه شبه اولمنسون) مآئنده بر نطق ایراد یله حضار یهودی
تخذیر ایلدی • بونک اوزرینه (سید عالم صلی الله علیه وسلم) افندیمر
محمد بن مسلمه بنی (رضی الله عنه) مذکور قبیله اعیاننه اعزام و بعد
الیوم بولندقلری یورده اقامتلری اویه میه جغندن اون کونه قدر دیار
اخیره نقل ایله اجلائی وطن ایتملر بنی اعلام بیوردیلر • افراد (بنی
النضیر) بو ماده نک مجازات سوء اعماللری اولد یغنی بیلوب در آن
ساعت فرمان جهان مطاع همایونه ارایه روی مطاوعت ایدوب فقط
(عبدالله بن ابی بن سلول) منافق اجلائی وطن اندیشه سندن صرف
ذهنله حصارلرنده متحصن اولدقلری حالده (۲۰۰۰) جنک آورله
امداد ایده جکئی و بوندن بشقه (بنی قریظه و غطفان) قبیله لرینک
دخی متعهد معاونت بولندقلر بنی خفیا بیلدرمش و بو خبر غرور حی ابن
اخطبی آرترمش اولد یغندن اراده همایونه چهره نمای مخالفت اولوب

(بزبون صکره صاحب رسالت علیه التسلیم والتحیتک دائره
اطاعتدن چیدق . اگر قادر اوله بیلورسه عرض مقابله و مقابله
ایتسون) زمینده برخبر کوندردیلر . بو خبر شقاوت اثر (سلطان
ستوده فعال صلی علیه التعلال) افتدیمزه ایصال قلندقدده بعد التکبیر
اصحاب کرامک تهیه اسباب غزا ایلمرینی اشارت و (ابن ام مکتوم)
رضی الله عنہی قائم مقام مقام خلافت ایدوب (بنی النضیر) حصارینی
تضییق و محاصره یه عزیمت و اعمال فنون جنگ آوری یه مشابرت
یور دیلر . واقشام اولنج یه دکن طاش و اوق ایله محارب یه ایدوب
یاتسونمازینی بعد الادا (صدیق اکبر) و قول اخرده جناب (مرتضا) بی
رضی الله عنہما سپه سالار عساکر تعیینیه اون نفر صحابه رفاقتلرنده
اولدیغی حالده دارالکجره عالی یه معاودت و علی الصباح بنه معرکه کاهه
عزیمت ایله اشغال نأره مبارزت ایلدیلر . و (غرورا) نام تیراندازک
بر اوق خیمه سلطان رسالته اصابت ایلدیکندن بارگاه سعادت اکتاه
همایون اخر بر محله نقل اولوب غروب شمس قدر ایکی طرفدن اوق و طاش
انداخته اقدام اولندی . و بوضعه ده جناب (مرتضی) رضی الله
عنه بر ساعت قدر غیوبت ایلدیکندن صحابه کرام رهین یأس
اولوب تحری یه باشلدیلر . بالاخره مشارالیه بر سر بی دولتی احضار
و خیمه سعادت اوق ایرشدیرن غروراتک باشی اولدیغی بالا خطار
(یارسول الله) (غرورا) نک اوق آتشدن نهادنده شجاعت اولدیغی
حس ایلدیکیم واشبو شجاعت کندوسنی کیجه یاریسی حصاردن اخراج
وغزاة مؤمنینه ایصال دست خسار زعمیه معسکر اسلامه انهاج ایده جکن
تیقن ایتدیکیم اجلدن مظنه خروج اولان رخنه حصاره مقارن بر محله
بوصویه کیرمش و بر طبق تصور (غرورا) بی طقوز نفر شجاعتله
قلنج لرلنده قلعه دن چیقاراق هجوم ایلدیکنی کورمش اولدیغمدن
حمله اولاده (غرورا) نک باشی کسدم . اگر چه بر قاج صحابه ترفیق
یوریلور ایه فرار ایدن رفقا سنی دخی قنطره سیفدن کچوره بیلورن
طن ایدرم) دیدیکندن مشارالیه ترفیق یوریلان (ابو دجانہ

وسهل بن حنیف) ایله دیگر سکن نفر صحابه غضنفر فر رضی الله عنهم
ذکر اولان یهودیلری بالتعقیب اعدام ایلدیلر . بعده رؤس مقطوعه
اعدا حصارک خارجنده کائن (بنی ختمه) خانه لری صحبا قلوبنه
تعطیق اولانه رق قل اولندقلری اعلام و تخلیات (بنی النضیر) ی
خراب ایتک اوزره (ابولیلای) مازمانی ایله (عبدالله بن سلام)
رضی الله عنہما تخلیات مذکوره سمته اعزام یورلدی . ابولیلای
مازمانی فرقه اعدایه اضطراب و یرمک تصور یله خرما و یرمکه بین
العرب مشهور اولان و (عجو) تسمیه قلنش بولسان اشجار ی
کو کندن دویرمکه و رفیق عبدالله بن سلام (رضی الله عنہما) ایه
نخلستان مارا ایوانک یقینه دست تصرف اسلامیه کیجه جکنی
بالملاحظه لرلنده بولان قور و اعتبار سزلی قطع ایتکه مشغول اولوب
چونکه بو کیفیت ساده دلان اصحاب نظر نده موجب اضطراب
و خلیان اولدیغدن « خرما اغاجنک هر جنسند نکه سزانی قطع
اید رسز یا خود قطع ایتوب اصلری اوزره ترک ایدرسز . اول الله
تعالینک اذنیله در که یهودلرک قهر و ذلتلری نقض عهد لریله فسقلری
جزاسیدر) مفهومی مندم اولان * ماقطعتم من لینه اوتر کتموها
قائمة علی اصولها فباذن الله و لیخزی الفاسقین * ایت کریمه سی
نزول ایتکه هم قطع اشجاره مأمور اولوبده بر ملاحظه ایله ایقای مأموریت
ایتکه اولان ایکی صحابه نک ملاحظه لری بولنده اولدیغی و همده قطع
اشجار ماده سنی تسمیح ایدنلره جواب مسکت بولندیغی بدیدار اولدی .
نهایت (بنی النضیر) قبیله سی (عبدالله بن ابی بن سلولک) معاونت
ایده میه جکنی و اخر بر محلدن باب امداد منسد اولدیغنی تیقن ایله انکشت
بدهان ندامت و لا علاج ترک وطن خصوص صمنه طالب اجازت اولوب
کافه اسلحه لرینی ترکله دوه لرینک کتوره بیله جکی قدر اشبادن ماعداد
برشی کتور ما مک شرط یله اجلا ی وطنه رخصت الدقلرندن
(۶۰۰) دوه ایله دفع بار ثقلت ایدرک کیمی نواحی شامدن اولان
(ازرعان) نام محله و کیمی نواحی (خیبریه) یه و بر نیجه سی ده

مواطن سارویه عزیمت ایلد کلری جهته (سلطان الانبیا علیه افضل
التحایا) افندیزه تخصیص قلنان اموال و عقار مترو که دن حرمسرای
همایون اها لیسنگ برسنه لك نفقه لری افراز اولند قد نصره قصوری
فقرای اصحابه هبه و تمليك بیورلدی و (۵۰) عدد زره و (۴۰)
باشلق و (۳۴۰) سیفدن عبارت اولان اسلحه مضبوطه نك برطاقی
اهل نیازه اعطا و متباقیه سی محفظه خانه همایونه القا اولند قد نصره
اهالی انصاره خطابا ای اهل محبت و اصحاب حیت مهاجرین بیچارگان
حقارنده ابراز ایلدیکیز معامله وفاکاری هیچ بروقت اونود لمیه جغندن
بونك ادائی شگری غیر ممکندر • خصوصیه درت سنه دبر و مساکن
واما کنکرده وقت یکور مکده یز • اگر مناسب کور رایسه کز اموال
واسلحه متباقیه (بنی النضیری) علی الانقسام سزه تمليك ایله بر طریق
سابق مهاجرین کرامی مساکنکرده اسکان و یا خود بونلری مشارالیه
بالتوزیع تبدیل مقام ایتلرینی فرمان ایده یم (نطق نبویه سی ایراد
بیورلد یغندن (سعد بن معاذ و سعد بن عباد) رضی الله عنهما طرفندن
(یا رسول الله اول اسلحه و اموالی دارود یار لری نی ترک ایدن مهاجرین
کرامه (رضی الله عنهم) تقسیمه کافی السابق بیوت کترانه مزده اقامت
بیورملری خصوصنك امر و اراده بیورلسنی التماس ایدرز) جوابی اعطا
و کاغه انصار (رضی الله عنهم) طرفندن تصدیق مدعا اولندیغندن حقلرنده
اللهم ارحم الانصار • و ابناء الانصار • و ابناء ابناء الانصار • مآلیله
دعا و اسلحه معهوده مهاجرین کرامه (رضی الله عنهم) توزیع و اعطا
بیورلمش • وجهه محتاجین انصار دن (رضی الله عنهم) اولان
سهل بن حنیفله ابو دجانه انصاری (رضی الله عنهما) دخی اول اسلحه دن
حصه دار و سعد بن معاذ (رضی الله عنه) ابی الحقیقک
(برق لامع) نامیله موسوم اولان سیفیه وایه دار مسار قلنشدر.

وقوعات

اشبوسالده سبط رسول (عبدالله بن عثمان ذی النورین) و ازواج مطهراتدن
(زینب بنت خزیمه) و والدۀ شیر خدا (فاطمه بنت اسد) و (ابوسلمه

ابن عبد الاسد) مخزومی ترک دیار جهان و عزم کاشنسرای جنان
بیورمش و ابوسلمه نك زوجه سی * ام سلمه * داخل عداد
امهات مؤمنین اولمشدر • (رضی الله عنهم و عنهن اجمعین)

مقاله { ۵ }

غزوه بدر الموعود و قعه سی بیانده در

احد معر که سنده آتش جنگ و غوغا رسیده حد آنطفاف اولوب جیوش
فریقین رجوع ایلد کلری خلا لده سنه آتیه ده ساحه بدره اجتماع
مضارب و اولمق اوزره عقد معاهده اولمشیدی • وقت اجتماع
تقرب ایلد کجه ابوسفیان رنجیده زبان اعتراض اولماق اوزره
تدارکات حربیه اشتغال صورتن کوستروب فقط درونته طاری اولان
خوف و هراس حسبیلله طرف اسلامیان خلف و عدا اولمق خصوصنی
انتظار ایلردی • اول اثناده دار الهجرة مدینه اها لیسندن داخل داثره
اسلامیت اولما نلردن (نعم بن مسعود) اشجعی مکه مکر مهیه
کتمش اولدیغندن (قافله سالار انبیا علیه اجل التحایا) افندیز شوکت
و عظمتله انجاز و عدا یچون (بدر الموعوده) مهبای عزیمت اولدیغنی
مسمع قریشه ابلاغله (ابوسفیان و صنادید قریشی) رهین اضطراب
ایلدی • ابوسفیان نعمی بولوب (ای نعم واقعا معر که کا، احده او یله
برمذا کره جریان ایدوب لکن بوسنه استیلا یقط و غلا حسبیلله کرک
حیواناتک و کرک اها لی مکه نك مقاتله خصوصنه یارای اقتداری
قالدیغندن و بو حالی انلره بیلدیر مک اظهار عجز اولوب بو دخی
غیر جائز بولندیغندن بو خصوصه بسط باز یچه احتیاله صرف مقدرت
و اسلامیان بوعزیمتدن تحویله غیرت ایدرک خلف و عدا یتدیره بیلورایسه ک
سکا و چریا شنده اولمق اوزره (۲۰) رأس دوه ویریرم دید یکنندن
(سهیل بن عمرو) ی کفیل کوسترد یکنندن نعم مذکور عودت ایدوب
کفره قریشک اطرافدن جلب و جمع ایلد کلری قبائل ایله بر سیل دریا
خروشه دونوب مکه دن آقن آقن تلاطم نمای خروج اولد قلرینی

در میانله راست کلد یکی صحابه به صورت حقندن کورینه رك (اویله بر طائفه آتش هجومه مهاجمه تقابلدن احتراز اوزره اولکیزی حسب الموده سزه اخطار ایدرم) کبی سوزرله تشویفه غیرت ایدرك خیلوجه کسه لری مقاله احتیالنه دوشوروب مدینه ده استقرار طریقنی اختیار ایتدردی • مرآت خاطر همایون بو حالک وقوعندن منکسر اولدیغی و تفرقه اصحاب صدیق اکبرک (رضی الله عنه) مشهود چشم شهودی بولندیغی جهته رومال حضور اولوب خصوصات جاریه دن بکثله بهر حال عزیمت بیورلمسنی ذکر و اتیان ایلدی • خواجه کونین (علیه تحیات الثقلین) افندیمن صدق مقال صدقندن (رضی الله عنه) منشرح اوله رقی «الحمد لله تعالی نیر عالمتاب اسلام کوندن کونه زروه اقتدره ارتقا اوزره ایکن شعله آفاق کیر انوارک مستور سخاب عجز کوسترلمسی لایق اولیوب اگر چه هیچ فرد موافقت ایتسه دخی منفردا کیمک منوی ضمیر مدر» بیوردیلر • اشبو کلمات حیت انکیز قلوب اصحابدن ازاله غبار خشیت ایلدیکندن جله سی بردن آماده عزیمت و بر چوق متاع تجارت استصحابه (۱۵۰۰) صحابه اولدقلری حالد مدینه دن حرکت وغره (ذی القعدة) ده فضای بدره مواصلت بیوردیلر • لیکن نواحی بدری خالی عن الحشرات بولدقلرندن برهفته قدر اقامت و کتوردکلری اموالی صا توب عودت ایلدیلر • که هر بر دینار مقابله سنده برر دینار استفاده ایلدکلرندن (اول محلدن بر ضرر مس ایتکسزین الله تعالیدن سلامت نعمتی و تجارت ربحیله دوندیلر • و جرأتله رضاء الله تابع اولدیلر) مفهومنده اولان {فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء و اتبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم} آیت نعمت غایت جلیله سی التفات بخش چارسوی نزول اولمشدر • ازین جانب ابوسفیان (۲۰۰۰) قدر اشخاص شقاق بنیان ایله مکه دن «مر الظهران» مر خله سنه قدر آیریلوب قافله اسلامک بدر ساحه سنده اولد یغنه دائرالدیغی معلومات اوزرینه قلت آب و علف و ضعف حیوانات بهانه سنی در میانله معاودت ایلشدر •

مقاله ۶ { ۶ }
تحریم خرو قعه سی بیاننده در

در دخی سنه هجریه شوالی غایه سنه دکین شرب شراب حرام اولماق و (خرما و اوزوم انجلرینک میوه سندن دخی سرتازه سندن سیرکدوشیره و انلری قوریدوب رزق حسن اخذ ایدرسر • و بونده عقللرینی قدره اللهه صرف و تأمل ایدن قوم ایچون دلیل وارد ر) مألنده نزول ایدن {ومن ثمرات النخيل و الاغصاب تتخذوا منه سکر و اوزر قاحسنان فی ذلك لایة لقوم یعقلون} آیت جلیله سی دخی حرمت شرابی اشرا بدن خالی بولنمق حبسیله ساده دلان اصحاب بنت العنبه (باده دیمکدر) دست بدست اولوب فاما عقلای دوراندیش • بیت «زوال عقله خلط نطقه شغل فسقه باعشر • می تلخ کنه زادن صغین ام الخبائشر» مطابقه شرابک نتیجه جبلتی ملاحظه ایله استعمالدن احتراز ایدرلری • بر کون اجله اصحاب (طیب دارو خانه شفاعت علیه اجل الحیة) افندیمن دن کیفیت شرابه دائر بعض شیرسؤال ایلدکلرندن صدق جوابده «یا محمد (صلی الله علیه و سلم) سکا خرو میسر (قار او یونی دیمکدر) دن سؤال ایدر لر • سن دیکه ایکیسندندخی کاه کیر و ناس ایچون منفعت وار در • (خرده تشجیع و سخاوت و هضم طعام و قارده بلا تعب مال و مصداقه فقیان (دلو قانلورک دوستلشمسی) و ایکیسنگده کاهی نفعلرندن زیاده یو کدر) خوا سنده اولان {و یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما} آیت جلیله سی مجلس افروز نزول اولوب فقط مضمون حکمت مشحوننده بینه حرمت شرابه ایهام اولد یغندن رنجور خمار اولر منفعت نشاط سوداسیله مضرت کاهدن دیده پوش مسامحه اولدقلری و اکثر صحابه • بیت «نه جام کل نه کل جامه قویدی رغبتز • برنده فکر زکام و برنده رنج خار» نسته سی اوزره خروک مضرت مشهوده سنی منفعت معهوده سنه ترجیحله ترک عشرت ایلش بولدقلری جهته کرسی نشین مخفل رسالت (علیه التسلیم

والحمية) افندي من سالف الذكر آيت جليله نك تحريم خمره بر مقدمه بديعه اولديغنى بياله نياز مندر رفع نشاط صهييا اولنلره نشوه بخش تسليت اولش وجناب فاروق رفيع الجنب (رضى الله عنه) دخی { اللهم بين لنا بينا شافيا في الخمر } دعا سنده مداومته باشلا ميشيدي * يوما من الايام (عبد الرحمن بن عوف) رضى الله عنه بعض يارانيه ترتيب ساز مجلس عشرت اولوب حال سكر ايله اقشام نمازي ادا سنده امام واحبابي اكا اتباعا صف بسته قيام اولديغى ائشاده بالجملة { لاء } نافيد لري نفى ايدرك يعنى { لا اعبد } ديه چكى برده (اعبد) ديه رك { قل يا ايها الكافرون } سورة جليله سنى قرائت ايلديكندن (اي مؤمنلر نوم يا خرمثلندن سرخوش اولديغى حالده نمازده سويلد يكيكزي بيلنجه يه دك نمازه قريب وقام اوليك) مألده اولان { يا ايها الذين امنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون } آيت جليله سى نازل اولوب سرخوش ايكن نماز قيلمىسنى نهى ايتديكندن حليه داران تقوانك اكثر سى بتون بتون ترك عشرت ايدوب فقط نوهوسان نوشا نوش اولنلر سرخوش اولد قلري حالده كمال شعور ايله نماز كذار اولورلردى * بعدمده (عتبان بن مالك) انصارى (رضى الله عنه) بر كجه (سعد) بن ابى وقاصله بعض اصحابي (رضى الله عنهم) دعوت وبر (دوه) باشى بريانيه ترتيب ضيافت ايدوب مجلس جمعيتى شراب كوناكون ايله طولديرمش اولديغى نندن مدعوين متوارده نك جمله سى مشغول عشرت ورفته رفته شعور لري سلب ونهايت درجه سرمست اولوب طرفيندن اوقنان ابيات تفاخر منتج تشاجر اولغله (سعد) بن ابى وقاص رضى الله عنه نقيصه انصار ومديحه مهاجرين ابرارى (رضى الله عنهم) متضمن بر قصيده انشاد و ايراد ايلديكندن حضار انصاردن برى سفره اوزرنده بولنان دوه باشك آلت چكه كوكنى آلوب اول اشتر سرمستك باشنه اوردى * مشار اليه باشندن قانلر آقه ررق رومال حضور و رفع رقع شكايت مجبور اولديغنى و مجلس عالي نبويده بولنان جناب فاروقك (رضى الله عنه) { اللهم خمر حقنه بزه اولان

حكمى بيان ايله) زمينده عرض نياز ايلش بولنديغنى متعاقب * اي مؤمنلر خمر ك تناولى وقار اوينامسى و عبادت ايجون نصب اولنان يتلر و جاهليتده استعمال ايتد كلرى تقسيم اوقلرى شيطانك خبيث و مر دار عملندندر * اندن اجتناب ايدك كه فلاح بوله سكرن * معنای منيفنده اولان { يا ايها الذين امنوا اتقوا الخمر والميسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون } آيت كريمه سى تحريمه بند نزول اولوب حرمت خمرى توضيح ايتديكندن (شاهنشاه انس و جان عليه صلوة الرحمن) افندي من از قه مدينه يه كوشه بكوشه مناديلر اعزام و { الان الخمر قد حرمت } ندا سيله شرابك استعمالى حرام بيورلديغنى اعلام ايلديكندن ساغر بكف ميخانه معاشرت اولان سرمستان اصحاب اللرنده اولان قد حلى سرنگون و بقيه سراخيلريني بيره صاچه ررق رخساره زمينى كلكون ايلش و هر كس خانه سنده اولان شرابنى دو كوب دشمن قانى كبي زقا قلره آقتمشدر *

{ فصل { ۶ } (در بيان) { ۵ } { سنه هجرية } { مقاله { ۱ } { ذات الرقاع غزوه سى بيانده در } {

{ لا يسه } ذات الرقاع بر جبل مرتفع القامه نك اسمى اولوب زروه شاهقه سنه دكين پارچه پارچه ترلا لره تزيين قلمش و على قول بيانى صددنده اولديغى سفر همايون ده بولنان (رايات) ظفر آيات نبوى بر قاج لونه همرك مر قع بولنش اولديغى جهته { ذات الرقاع } تسميه اولنديغى رسا مان آثار نبوى كابلرنده مسطور و مقيددر) سنه مذكوره هلال شهر محرمى صولت نماي عرصه افق اولديغى كونا باده نشين غنم فروشاندن برى بازار مدينه ده (بنى اثمار و ثعلبه) قبيله لرينك قصد مدينه زعم خياليه تهيه عسكر و جمع حشرات شرابليكده اولد قلريني بالواسطه درگاه بلند اكنش رساله عرض و اخبار ايلديكندن (۴۰۰) و على قول (۷۰۰) صحابه ايله جبل مذكوره متوجه رايه كشاي اقبال و جناب ذى النورين (رضى الله عنه) قائم مقام مسند اجلال بيورلشيدى *

قبیلین مذکوره افرادی ایسه موکب همايونك جبل مذکوره مواصلتی
استخبا رايله پیر و بیقدرت اولئرندن بشقه سی افرار و طاغرا ایچنده قرار
ایلدلرندن خدعه مکر و دشمن مطالعه عالیسیله اغتنام غنایه چشمکشی
التفات اولیوب صلاوة مفروضه بی خوفله ادا و اون بشیجی کونی روح
روان کبی قالب هجر تخانه همايونه افاضه حیات معاودت پیورلش در که
(ابتدا ادا اولنان صلاوة خوف ذکر اولنان نماز ایدوکی متفق علیهدر)

مقاله { ۲ }
دومة الجندل غزاسی بیاننده در

دمشقه کوفه یه اونر میل بعدی اولان (دومة الجندل) حاکمی اولوب
قیصر رومد تابع (اکیدر بن عبد الملك) نصرانینک موحدین ایله
مقاتله ضمیمه تدارکات عسکریه یه قالدیدیغی سده سنیه نبوی یه
عرض اولندیغندن شهر ربیع الاولاده (شبا ع بن غر نطه غفاری
رضی الله عنه) اجلاس سریر و کالت و (۱۰۰) صحابه ایله
مدینه دن حرکت پیوریلوب موضع معهوده بر منزل قالدقه تصادف
اولنان حیوانات اعدا ضبط و اغتنام اولندی • حیوانات مذکوره نك
رعینه مأمور اولان چوبانلر فرار و قدوم موکب اسلامی اعدای
تحشده یه اخطار ایلدکلری جهته فرقه متجمعه دشمن پراکنده و پریشان
و مهابت سطوت اسلامیه دن ترک و طئه رهیمای بیابان اولدقلری
لاجل التعقیب آرقه لرندن کوندریلان سرایا جمله سندن (محمد بن مسلمه)
رضی الله عنهم دستگیری اولان بر نفر اسیرک فذلکه استنطاقندن
اکلا شلمش و اسیر مذکور دین اسلامی قبول و غزاة دین زمره سنه التحاق
ایلمش اولدیغندن موطن سعادتدن حرکت پیورلدیغی کونی
بر ماه تباه و زایلسیله برابر مدینه منوره یه اقبال بخش
تشریف و مشتاقان سکنه بی تلطیف پیور دیلر •

مقاله { ۳ }
مر یسبع نام دیگر بنی مصطلق غزوه سی بیاننده در

بین الحرمین ینبوعله لب دریا اره سنده کائن (قدید) ناحیه سنده متوطن

اولان (بنی خزاعه) قبیله سی رئیس (حارث) بن ضرارک قبائل
اطرافدن جمع و جلب ایلدیکی عساکر بیشمار ایله مذرعه نوخیز
اسلامیانه ایصال سیلاب خسار داعیه سنده اولدیغی سمع (باغبان شفاعت
علیه اثنی التحیه) افندیمرک سامعه رس اطلا علری اولدقه (بریده)
بن الحصیب رضی الله عنه واسطه سیله بعد التحقیق هلال شعبان شریفده
ترتیب جنک و جدال اولنوب لوای بیضای مهاجرین (علی المرتضا)
ورایت نصرت آیت انصار (سعد بن عباد) رضی الله عنهما یه تفویض
ایدیلرک (عمر الفاروق) رضی الله عنه لشکر کشلکه و (زید بن حارث)
ایله (عکاشه بن محصن) رضی الله عنهما صاغ وصول جناح لرق و ماندنلق
خدمت مهمنه تعیین پیور دیلر که (اشبو سفر ظفر اثرده) (۱۰) رئیس
مهاجرینک و کذلک (۲۰) رئیس دخی انصارک طویل به بند تملکی اولمق
اوزره (۳۰) اسب صبار رفتار بولنوب امهات مؤمنین دن حضرت
• صدیقه • و • ام سلمه • رضی الله عنهما برلکده و برچوق منافقین دخی
آرزوی اموال غنایم ایله اردوی اسلام میاننده بولندقلری مر ویدر
(بنی خزاعه) جاسوسلرندن اولوب اثنای حرکتده (فاروق) عالی جنابک
رضی الله عنه در دست ایلدیکی براسیرک خلاصه افاده سندن احوال اعدا
تمامیله اوکرندل کد نصرکه اسلامی قبول ایتمدیکی جهته قتل و اعدام
اولندی • بوخبر دهشت فزا سامعه خراش فرقه اعدا اولسیله حشرات
متحشده نك قلوبی مترزل اضطراب و هر کس کلدیکی یره عودت ایتمکه
عنانتاب شتاب اولوب فقط (حارث) سالف الذکر پابرجای عناد و عداوت
اوله رق (عزیز مصر رسالت علیه اجل التحیه) افندیمر خورشید
جهانتاب کبی طی صحاری و بوادی ایدرک (بنی المصطلق) قویوسی
اطرافنه سطوت اندازنول اولدیغی خلالده افراد قبیله سیله برابر غبار
نمای ظهور اولدی • ایکی طرفدن ترتیب صفوف قتال اولند قده شرف
تعلق ایدن اراده عالی اوزرینه جناب فاروق اعظم (رضی الله عنه)
بر نعره جانکذار ایله ایلرویه آت سوروب حشرات اشراره تکلیف ایمان
ایلدی • لکن ایچلرنده مسلمان اولغه مستعد برکسه اولماق حسبیه

اولئان تکلیفی ردو جرحله عبا کر اسلام اوزرینه هججه نمای اقمحام
اولد قلرندن درآن ساعت جنود مجنده ملائکه نزول ایلشدرکه
«انطفای ناره و غاد نصرکه اعدا طرفنده بولنازلردن بری اسلام اولوب
ملائکه کرامی کوردیکنی ادما ایلدی» بونک اوزرینه ایکی طرفدن
مهاججه اولوب فرقه فحیه اسلامدن (بر) صحابه شهید و گروه شرک
انبوه دشمندن (۱۰) نفر عنیدنا بدید ایدلسیله طرف مخالفین کردنداده
مطاعت اولدیغندن (۲۰۰۰) دوه ایله (۵۰۰۰) قیون و حد و احصادن
خارج ده برطاق اموال و اشیا وارد دست غنیمت و (ایکیوز) دن زیاده
نسوان پری و شان داخل سرایده اسارت اولمشدر • نسوان اسرانک
اک مشهوره سی و کرام قبیله (خرزاعیه) نک کزیده و مختاره سی پیشوای
مشرکین (حارث) بن ضرارک دختری اولان جویریہ * نام دختر
پری اندام (ثابت بن قیس) رضی الله عنہک دام قسمته دوشمش و مشار الیه
در عقب غالی بر بهاء مقابله سنده رسم کاتبه قطع ایلش اولدیغندن مشار
الیها حیمه آسمان نظر از رسالت جان اندا زو شرف ایمانله سرافراز اولوب
«یا رسول الله بوجاریه کز سیده نسوان قبیله (جویریہ) بنت (حارث)
اولوب (ثابت) بن قیس رضی الله عنہ الله اسیر اولدیغندن و آزاد اولمقلغم
آخرجه بر کاتبه تعلیق قلندیغندن بوبابده و هر حالده معاونت جهان قیمت
نبویه کزی رجا ایدرم» دیمکله (صلی الله علیه وسلم) افندیمر رسم
کتابت ثابتی (رضی الله عنہ) اعطا و مشار الیهایی آسوده نشین ازدواج
ایدرك سر سعادت افسر لرینی مواذی فلك اعلا بیوردیار •
* روایت * جناب * صدیقه * رضی الله عنہا بیورلر که * جویریہ *
رضی الله عنہا جبهه سوده خاکای همایون اولدیغنی ائاده کلزار رخسارینه
تعلیق با صره توجه ایتش و نسخه نفیسه جمال بیهمتاسنی نظر
استحسانله مطالع ایلش اولدیغندن (سرور عالمیان) صلی الله علیه
وسلمک دل بوده چنکال محبتی اوله جغنی در خاطر ایدرك ناره خاطر مدیه
شراره جانسوز غیرت اشتعال ایلدی • انتها * بو کیفیت مسامع غزاته
واصل اولد قده اقریای حرم سید المرسلینک سلسله بند اسارت اولمیرینی تجویز

ایتمه رک (بنی المصطلق) اسراسنک کافه سنی قید اسارتدن اطلاق
ایلدیلر • بناء علیه (بنی خزاعه) قبیله سی * جویریہ * رضی الله عنہا دن
کوردکلری خیر و برکت مستغنی برهان و جتدر • (استطراد) جویریہ
رضی الله عنہا قبل الایمان بر کجه واقعہ سنده افق مدینه دن طالع
اولان بر کونشک داخل فراش اولدیغنی مشاهده ایدوب زوجة (سید
البشر) علیه من الصلوة ما هو الا و فراولق اوزره تعبیر ایلش اولدیغندن
واقعہ سنی هیچ کسه یه افاده ایتیبوب (ثابت بن قیس) رضی الله عنہک
اسیری اولدیغنی زمان دخی فراش (خواجہ کائنات علیه اکمل
التحیات) ایله مشرف اولمق امیدینی کسمامشدر • تم الاستطراد

مخاصعه سنان و جهجاه

(خرزج) انصاری قبیله سی تبعه سندن (سنان بن وبرة جهنی) ختام
غوغاده (فاروق اعظم) رضی الله عنہک سقاسی (جهجاه بن سعید
غفاری) ایله (بنی المصطلق) قویوسندن صو چکرلر ایکن اره لرنده
واقع اولان محاوره مبدل مجادله و مشاجره اولغله (جهجاه) مذکور
(سنان) سالف البیانک یوزینه بریومرق اورمسيله اغزندن بورنندن
قان ابقعه باشلیدی • مضروب مر قوم بوخال ایله قبائل انصاردن
استنصار و (جهجاه) دخی مهاجرین کرامه عرض ماهو الوقوعه
ابتدار ایلد کلرنده انصار و مهاجرین مسلحا معارضه موقعه عزیمت
ویکدیکره اظهار مختاصمت ایلد کلری جهته بیوجک برفساد تولد
ایده یازدی • لکن صحابه مهاجرین ایش یلور اولد قلرندن اقتضای
حاله موافق و سنانک یاره سنه یارار سوزلر ایراد یله مرهم پاش تسلیت
اولوب انصار و مهاجرین پیئنده واقع اولان آتش فتنه یی سوندردیلر
ایسه ده اوتہ دنبرو نهفته اولان خیانت جبلتنی اظهاره فرصت ارامقده
اولان عبدالله ابن ابی بن سلول منافق بووقعه یی ذریعه فرصت اتخاذ یله
مجلسنده بولئان مؤمنین و منافقین (مهاجرین بی دار و دیار بزم معا و تمزله
نائل قدرت و اقتدار اولوبده شمدی بزیدخی تحقیر و تذلیل قیام ایلدیلر •
مدینه یه وارلد قده زیاده عزیز اولان انصار یلر جله دن ذلیل اولان

مهاجر لری مدینه دن طرد و تبعید ایلک اقتضای حاله ندر) مقاله سنی
ایراد وز عم باطنجه کندیك عزیز تر و (باعث ایجاد انام) علیه الصلوة
والسلام افندیك (حاشا) ذلیل ترا ولد یغنی مراد ایتدی • بو ترهات ناطقه
سوز مجلس بد آیین مذکورده بولنان (زید بن ارقم) انصاری رضی الله
عنه آغر کله رك حتی اعضای وجودینه رعشه اضطراب مستولی
اولد یغندن اول بد بخته لغت و دشنام ایلد کد نصره رو مال حضور
وسامعه خراشی اولان کلمات تحمیل سوزی عرض و افاده یه مجبور اولدی •
اول (کوه کران تمکین صلح و وقار) صلی الله علیه وسلم افندیك (ابی بن سلول)
بد کویك رئیس اهل نفاق اولد یغنه و بو مقوله هذیان صرف و استعمال
ایلمکه مجبور بولند یغنه واقف ایکن مشار الیهك افاده سنی کاه عرض
صباوتنه و کاه یا کاش اکلدیغنه جل ایدرك زره قدر مغیر اولدیغنی و مشار
الیه افاده سنی اوج دفعه تکرار ایلد ادعای واقعه سی اصرارنده بولندیغنی
جهتله جناب (فاروق) رفیع الجناب رضی الله عنه ابی بن سلولک قتلنی
استیجازه ایلدی • لکن (سید الرسل) صلی الله علیه وسلم افندیك سادات
مدینه نك جمله سی رهین خوف و هراس اوله جقارینی بالمطالع افاده
فاروقیه یه احاله سمع اعتبار بیور مدیلر ایدی • مشار الیه دفعه ثانیه ده
ماده قتلک نقبای انصار واسطه سیله اجرا ایدلمسنی اخطار ایلدیکنندن
(یا عمر) رضی الله عنه عوام ناس ابی بن سلولک دروننده اولان نفاقه
واقف اولماق و (رسول الله کندی اصحابی دخی قتل ایتکه باشلدی)
دیه جکاری ملحوظ بولمق حسبیه ایقاد فتنه دن اتقا اولمیلدر) جواب
حکمت نصایله مشار الیهی مضطروابی بن سلولک قتل کیفتندن صرف
نظر بیور دیلر • مجلس اقدس همایونده جریان ایدن سوز رسامعه خراش
ابی بن سلول اولد قاه خوف جائله و مال حضور اولوب اغزندن چیقان
ترهاتی بتون بتون انکار و حضرت زیدك (رضی الله عنه) افاده سنی
تکذیبیه ابتدار ایدرك اصحاب کرامی مشار الیه کاذب نظریه با قدرمش
و حتی بعض ساده دلان صحابه (زید) ک حدیث سنندن ناشی کیفیتی
سمو و خطا و اغراض طفلانه تا بر جاسنه عطفله (یا رسول الله بویه

بر چو چو غك كلام خطا انجامن اوله بر بیر جهاندیده حقیقه
تصدیق ایلک لایق دکلدر) دیهرك (ع) «جهاندیده بسیار کویدر و غ»
مألندن اظهار غفلت ایلد کلرندن (زید بن ارقم) رضی الله عنه کندی
هلاک ایده جك مرتبه یه کلدی • بو حال مشار الیهی رهین حیرت واردوی
همایون ذکر اولنان مرحله دن حرکت ایلد یکی خلا لده (چاپکسوار
مضمار علین) علیه صلوات الله المعین افندیك (یا زید بن ارقم) (رضی الله عنه)
جناب جهان آفرین (عز شانه) حضرت لری سنی تصدیق و منافقین کروهنی
تکذیب بیورمق اوزره • یقولون لئن رجعنا الی المدینه لیخرجن الاعز
منها الاذل • آیت جلیله سنی انزال بیور مشدر • سیاقنده کل افشان
التفات اولد کلرندن مشار الیه عارض اولان حزن و ملال مبدل نشاط
شوق اشتغال اولمشدر که «کریمه مذکورک معنای منیف (اول منافقار
دیرلر که مدینه یه رجوع عمده مدینه نك اعز اها لسی اذلنی مدینه دن چیقار لر)
دیملدر • اشبو آیت جلیله مفاد کریمندن ابی بن سلولک ایمان کاذبه سی
ظاهر اولمغله کندوسنه بالجمله اصحاب طعن و ملامت و قرق الی سنه لك
احباب سی بیله یولده راست کلدیکه سلام آلوب ویرمکدن حذر و محاببت
ایلدیلر • حتی (عباده بن الصامت) و (اوس) رضی الله عنهما
حضور اشرف المرسلین ده ابی بن سلولی علی طریق النصیحه عرض اعتذار
و استغفار ایتکه ترغیب ایلدیکه حسب الغرور کردنکش اغراض اولوب
(عباده) نك رضی الله عنه (یا ابی بن سلول بو غرورکی مبین بر آیتدخی
صحیفه زیب نزول اولمق احتمالنندن احتراز اتملیسین) دیسنه بیله
صورتمای استکبار اولدیغندن «منافقله کلک اعتذار ایدک • رسول الله
سز کچون الله تعالیدن مغفرت طلب ایتسون • دینسه کور رسنکه
باشلرنی اکوب استکبار الیه اغراض ایدرلر» مأل عالیه سننده اولان
{واذا قیل لهم تعالو ایستغفر لکم رسول الله او واورؤسهم و رأیتهم
یصدون وهم مستکبرون} آیت جلیله سی پیرایه زیب نزول اولوب
(عباده بن الصامت) رضی الله عنه تصدیق ایلمشدر • (استطرد)
مرویدر که ابی بن سلولک (عبدالله) اسمنده اولان او غلی ایمان

صحیح الیه اسلام اولمغله بابا سندن صادر اولان ترهاتک استماعندن
رهین ملال و مجلس (سیدالانبیا) به صلی الله علیه وسلم رومال اوله رق
پدرینک قتلنی استیذان ایدوب فقط روی مساعده مشاهده ایده مدیکندن
مکدر اولمغله تأسفی متضمن بر طاقم ایات انشاد و مدینه به خلال معاودته
منافق مذکورک زمام ناقه سنی ضبطله (ای بی ادب بد اخلاق عین
ایدر مکه) (سید انس و جان) علیه صلوات المنان حضرت تری جانب
سامیسندن رخصت ویرلدیکجه سنی هجراتسرای علیه به قویم * زیرا
سن اذل اولاد بنی آدم سین و اول سلطان (تحت نشین رسالت علیه التسلیم
والتحیه) افندیمن اعز اهل عالمدر) کبی سو زلله ابی بن سلوله خیلوجه
اذیت وجفا ایدی * ابی بن سلول اوغلتک جفاسته تحمل ایده مدیکندن
ایسترایستمر (لانا اذل من الصبیان ولانا اذل من النسوان و اشهدان
العزة لله و لرسوله و للمؤمنین) فریادیه هرور و عبور دن استمداده
باشلدیغی ائنده موکب (شهنشاه رسالت علیه التسلیم و التحیه) عزو
اقبال ایله سایه بخشش تشریف و عاطفت اولدیغندن (عبد اللهک)
رضی الله عنه حرکتیه تبسم ریز سرور اولوب (سریا عبدالله جزاک الله
عن رسوله و عن المؤمنین خیرا) جواهریله اول بی ادب بد اخلاق
مخدومی عبد اللهک (رضی الله عنه) لندن تخلص و مدینه به
دخوله ترخیص یسوردیلر * تم الاستطرا د

مقاله { ۴ }

حضرت عایشه صدیقہ رضی الله عنہایه اولنان افترا بیانده در
بنی مصطلق غزاسندن عودت و مدینه به قریب بر منزلده تعطیل رکاب
عزیمت بیورلیدیشیدی * منزل مذکور دن اثنای رحلتده چراغ دوده
عصمت جناب (صدیقہ) عالی منقبت رضی الله عنہا قضای حاجت
ایچون خیمه علیه سندن خروجله صحرا طرفنه عزیمت و اندفاع غائله
ضروریه دن صکره عودت ایدوب جزع یمانی (عین السهر دینیلور
ذیت برطاشدرکه حیوان کوزینه مشابه اولوب اورطه سنده
اولان نقطه نکل اطرافنده برقاچ زنگدن مرکب حلقه لری اولور)

جوهرندن مصنوع کردنلکنک فائب اولدیغنه واقف اولسیله علاقه
نسوانیده سی ایجابی اوله رق سینه بند مفقودینی بولمق ایچون ینه صحرا
طرفنه کتمش و اوارالق قافله اسلام حرکت ایلش اولدیغندن مخفه حرم
همایون خادم لری مشار الیهایی هودج ایچنده در ظنیله مخفدی جل
مخصوصه سنه بالتحمیل متوجه سمت مرام اولدیله * مشار الیه سینه
بند مفقودی بولوب رجوع ایلدکده رحلت قافله به متأسفارهین
ضجرت و خیمه خورشید طناب همایون موقعنه اقبال بخش عفت اولدیغی
واطرافنه عطف نگاه حیرت ایدوب او یویه قالدیغی ائنده کبروده قالان
عساکری سوق ایلک مأموریتنده بولنان (صفوان بن معطل)
سلمی رضی الله عنه رحلتکاه اسلامی معاینه و خیمه کاه مشار الیهایه کلدکده
حضرت عایشه رضی الله عنہایک او یویه قالمش بولندیغی بالمشاهده
{ انا لله و انا الیه راجعون } عبارته سینه خوابدن بیدار و دوه سنی
احضار ایدوب (ارکبی رحمتک الله) مقالنی ایراده ابتدار ایلد کدنصکره
تأدبا اوزاجق بر محله چمکدی * و مشار الیهایه مذکور ناقه به رکوب ایلسیله
برابر زماندن حکمرک و موکب اسلام سایبان زده آرام اولدیغی محله
مواصلت ایدرک حسب التصادف ابی بن سلول منافقک چادری کارندن
یکدی اول منافق بد اخلاق کویا بوضره ده افک و افترایه فرصت بولوب
بر طاقم لا یقسم سوز لر سولمش و منافقین زمره سی دخی اکا اتباعا
هرزه کواق ایلش اولدقلرندن ساده دلان اسلامدن (حسان بن ثابت
و مسطح بن اثاثه و خیمه بنت جحش) دخی متصدی قیل و قال
اولملر در * بو حادثه اکذوبه نما ظهورندن (سید الثقلین) علیه الصلو
و السلام افندیمن رنجیده خاطرو * بیت (ندکلو اولسه قوی هم اساس
و هم ارکان * بنای خاطر اولور راه کوشدن ویران) مدعا سنجه مرآت
ضمیر منیر لنده غبار اشتباه ظاهر اولمغه باشادی * مدینه منوره به موصلات
بیورلیدیغی ائنده مشار الیهایه تا مزاج اولوب حادثه متواتره دن بی خبر
و التفات عالی سیدالورای (علیه افضل التحایا) رسم معتادندن
دون کوردیکجه خسته لکری مشدد اولوب اشبو معامله ناماً مولدن

مضطرب و متحیر و دلایل ایدى • بر کون حادثه متواتره بیام مسطح شدن
استخبا روار تحال ایده جک درجه یه کلمکله استحصال رخصت ایله
والدینى خانه سنه عزیمت ایدوب مادر مشفقه سیله باش باشه و بره رک اغلغه
ابتدار ایدى • حضرت (صدیق) رضی الله عنه دیکر بر جهره ده بولمق
وحادثه متواتره دن انکدخی خبری اولماق حسبیه سبب بکایه واقف اولوب
مشار الیهما یه بالاتباع خیال وجه وقت بکایا ایدى • وبالآخره
(یا عایشه) رضی الله عنها سنک زخم ناسورک مرهم خانه الهیه یه قالمدر •
همان سجاد صبر و توکل اوزره تسبیح خوان نیاز اول • مقالیه
دهن کشای تسلیت اولوب لیکن مشار الیهما کمال اضطرار بدن اوچکون
اوچکیمه قدر یوب ایچمه مدیکندن و او یقوا و یوبوب راحت
ایده مدیکندن حقیقت حالک ظاهره اخراجی ضمنده جناب حقندن
استغاثه یه باشلدى • حضرت (اشرف المرسلین) صلی الله علیه وسلم
افندی عزیسه بو وقعه دن فوق العاده ملول اولمغه برکون جناب
(مرتضی) و (اسامه بن زید) رضی الله عنهما دن استکشاف
کیفیت پیور دیلر ایدى • جناب (اسامه) رضی الله عنه «یا رسول الله
خاندان رفیع الشان نبویه کزده بو حادثه نك ظهوری غیر صحیح اولوب
بو خصوصده زبانزد منافقین اولان مفتیانک محض اکاذیب و اراجیف
ایدوکی جای اشتباه دکلدرد» مقالنی و حضرت (حیدر) رضی الله عنه
دخی «یا رسول الله بو بایده و هر حالده جناب (حق) سزى اسرکه مشدر •
و بو ترها تکه و قوعه کلمکله در • افترای مطلق اولدیغی غیر
خفی ایسه ده مادمکه مرآت ضمیر منیر کزده غبار اشتباه واقع اولمشدر •
مشار الیهما دن غیری محدرات شبستان عصمت واردر • فقط رأی
همایونکزه توافق ایلدیکی تقدیرده بواشی اولامر ده مشار الیهما نك
کیچمه کوندز خد متنده بولنان و هر بر اسرارینه واقفه اولان جاریه سی
(بریره) دن سوال اولمسی مناسب کبی کورینور» مألنی زبور زبان
ایلد کلرندن (بریره) سالف الذکری جلیله حرکات مشار الیهما دن سوال
پیور دیلر • (بریره) «یا رسول الله مدت مدیده دنبرودر» عایشه

رضی الله عنه ایه خدمت ایدرم • بردفعه طبع ایچون یوغور دیغی خبری
حداثت سنلر ندناشی او یقویه و اروبده قویونه قاپدر دقلرندن بشته
بر نقیصه لری منظورم اولمدیغندن نیم محک اعتقا دمه زرک
زر خالص العیار ندن معدن عصمت مشار الیهما نك عیارى دهاخالصدر
مقالیه (سیدالانبا علیه اجل التحایا) حضرت لرینی تأمین و بویابده
جناب حقه عین ایلدیگندن (فاروق اعظم) و (عثمان ذی النورین)
رضی الله عنهما بی دخی خلوتسرای همایونه دعوت و انلر دن دخی
استکشاف کیفیت پیور دیلر • حضرت فاروق رضی الله عنه «یا رسول الله
مشار الیهما حقنده اضطراری موجب اولمق اوزره سو یانیلان سوزلرک
یا لان اولدیغنده قطعیا شهم یوقدر» دیدیکی و جناب (ذی النورین)
رضی الله عنه «یا رسول الله مشار الیهما نك مزاج عصمت امتراج علیه لری
مرض افترا دن سالم ایدوکی محسوس انامل یقیندر» جوابنی و بردیکی
جهتله ایکسندن دخی بر ردلیل استدیلر • (فاروق اعظم) رضی الله
عنه «یا رسول الله جناب حق سنک اوزریکه سینک قوندردن ایکن دامن
عصمت طراز عرض شریفکزی بو مثلوا قبح افترا دن پاک ایلده جکی محتاج
بیان دکلدرد» بولنده و (ذی النورین) رضی الله عنه «یا رسول الله
کواکه کزه ایاق با صلماق اوزره جناب حق سایه کزى بیر
دوشور ما مشکن حرم محترمه کزى کار نامشروعدن صیانت ایده جکی
وارسته قید اشتباهدر» طرزنده اثبات مدعا ایلش اولدقلرندن کیفیت
باعث انشراح خاطر (سیدالانام) علیه الصلوة والسلام اولمغه جناب
(مرتضا) رضی الله عنهدن دخی طالب دلیل وسند اولدیلر • مشار الیه
«یا رسول الله برکون نماز قیلارکن نعلین همایونکز اوچنده بولنان
نجس جزویه بی اخبار ایلک اوزره قبل الهیه دن (جبریل) امین مأمور
پیور لمشدر • نعلینکزی قدره جزویه آلا یشدن صیانت ایدن خدای
غیور خاندان عفتکزه اول مقوله تهمتی لایق کورمیه جکی مستغنی
عن البیاندر • فرضا بویله بر حال و قوعبولسه ایدى جناب (جبریل)
آیت مخصوصه تنزیل ایده جکندنه شبهه یوقی ایدى» جوابنی و پردی •

بوجواب بردن (سلطان سر بر آرای نبوت علیه اجل التحية) افند عز
منبسط و مرآت ضمیر همایون زدن غبار شک و اشتباه ممدفع اولمغه دولتمخانه
(صدیق) رضی الله عنهما سایه بخشش تشریف و سر بالین * صدیقه *
رضی الله عنهما قعود و استغفار خاطر عصمت نمود التفات تله مشارالیهایی
تلطیف پیورد قد نصکره «یا عایشه» (رضی الله عنهما) حق کده نار و اسوزل
صرف اولنه یوری * اگر چه متهم دکل ایسک چرکاب مفتریه دن تطمیر
اولمق اوزره جناب حقه التجا ایله که یقینا نائل آمال اوله سین * والاداما
استغفاره مواظبت ایله که لایق قبول خداوندی (جل شانہ) اوله سین *
مفتاحیله قفل کشای باب مکالمه اولدیله * مشارالیه بو کلمات جانکدازی
طوید قده کوزلندن قانلو یا شلردو که رک اقتضاییدن جوابک اعطاسنی
پدر عالی کهرزی (صدیق) رضی الله عنهما حواله ایلدی * مشار الیه
«یا رسول الله معلومدر که بزم رابطه نسیم کمال فضل ایله معروف اولان
عمود عدنانه مر بوطدر * زمان فترت و جاهلیتده (که چرک آلود شرک
ایدک) خاندانم بو مقوله شنیعه تهمتن و اناء عرض و ناموسم زبان مفتریه دن
مصون ایدی * شمدی الحمد لله تعالی سرای قلوبم شمع ایمانله روشن
ایکن فانوس ناموسم سنک طعن ایله شکست و بنیان عرض و شانم
سیلاب تهمت تطرقیله پست اولمغین حضور سعادت نشور عالی کزده تیریک
زبان ایتمک نیجه ممکن اوله یلور» دیوب سر کشیده خبیث
و شر مساری اولدی * مشار الیه والدہ مشفقہ لرینه دخی عطف
نظر استمداد ایدوبده پدری کی اعطای جوابدن عاجزه کور مسیله
«یا رسول الله بنم مرآت عفت و آینه عصمت تواتر بولان غبار ترهات
مفتریه دن پاک و مصفا اولدیغی جناب (عالم السر و الخفایا) حضرت لرینه
غیر خفی اولوب لکن اثبات طهارت خصوصنده هر نقدر ابراز مدعا
ایتسم دخی یینه مظهر تصدیق اولسی ممکن اولیوب حاشا بو امر
نامشروعی اعتراف ایاسم بیهوده بره کندی می اتهام ایتمش اوله جنمندن
ذورق عفتک کرداب افترا دن کاره کیر سلامت اولسی هر حالده شرطه
عنایت جناب (مرسل الیاح) هبونه متوقف اولدیغندن (یوسف)

علی نبینا وعلیه السلام پدری کی { فضر جیل والله المستعان
علی ما تصفون } طریقته تشبیدن بشقه چاره م یوقدر «دیوب
دو شکرینک دیکر جانبنده منقلبه اولدیله * فقط کمال خجالتدن پدر
(یوسف) لفظنی برقاچ کره تکرار لیوب نام (یعقوب) علیه السلامی تضر
ایده مدیله * مشار الیه انک افاده سی تمام اولقسزین بشره مبشره
همایونده آثار و حی ظاهر اولوب حضار طرفندن مشاهده اولند قده
صدیق اکبرک خلیله محترمه سی (ام رومان) رضی الله عنهما (سرور انبیا
علیه افضل التحایا) نک مبارک رأس شریف لری الته بر یصدق وضعیله
وجه سعادت لرینی اور تدیله * بر مدت صکره کلبرک جمال فروز همایون لری
عرق ریز انبساط اولدیغی حالده سر سعادت لرینی قالدیروب «یا عایشه
(رضی الله عنهما) سکامزده اولسونکه جناب چاره ساز بی انباز (جل شانہ)
حضرت لری طهارت دامنکی شهادت ایچون اشبو * شونلر که کذب
صریح ایله عایشه یه (رضی الله عنهما) افترا ایتدیله * انلر سزدن
بر جماعتدر (عبدالله بن ابی وزید بن رفاعه و حسان بن ثابت و مسطح
بن اثاثه و حننه بنت جحش کی) سز بو کذب و افترا بی کیندو کره
شرطن ایتمک * سز چون خیر لودر * معناسنده اولان { ان الذین جاؤا
بالافک عصبه منکم لا تحسبوه شمرا لکم بل هو خیر لکم } آیت
کریمه سنی انزال پیوردیله دید کد نصکره «خبیث سوز سوزیلک
خبیث آدم لره لایقدر * و خبیث آدم لره خبیث کلامه سزادره و طیب
کلام طیب آدم لره شایاندر * و طیب آدم لره طیب سوز سوزیلک یا قیشور
پیغمبر (علیه السلام) و عایشه و صفوان (رضی الله عنهما) اول مفتریلرک
افترا سندن مبرالردر * انلر ایچون مغفرت و جنتده نعمت و کرامت واردر
مفهومنده اولان { الخبیثات للخیثین و الخبیثون للخیثات و الطیبات
للطیبین و الطیبون للطیبات اولک مبرؤن مما یقولون لهم مغفرت و رزق
کریم } آیت جلیله سنی قرائت پیوردیله * بونک اوزرینه حضرت
(صدیق) رضی الله عنهما کریمه محترمه لرینک آلتدن او یوب تبریک و (ام)
رومان رضی الله عنهما «یا عایشه» (رضی الله عنهما) نه طور رسین ند سعادت

مؤید سلطان الرسلی (علیه الصلوٰۃ والسلام) بوس ایلہ دیو تشویق و تحریک ایلش و مشار الیہا دوچار اولدیغی عللدن بردن بره برء تام و شفای تمام بوله رق کال فخر و ابتها جندن «لا والله بوامر ده» (خدای) بی انبازدن غیر یه سرفروی نیاز اولم «منجندہ استغنا ی رسول پسندی اظهارینه متصدی اولمشدر» بو کیفیت شو طریقله دخی بیان و روایت اولنور که ذکر اولنان آیت جلیله نزولندن برکون اولجه (ابی ایوب) انصاری رضی الله عنہ زوجه سی «یا ابا ایوب (رضی الله عنہ) صدیقہ (رضی الله عنہا) حقنہ متواتر اولان مفتریات سنک دخی سامعه که واصل اولدیغی» دیوبده (بلی او یله ترهاتی استماعله معذب اولدم ایسه ده محض کذب اولدیغی و مشار الیهانک برکل بی خار بولندیغی شبهه دن بریدر) جوابی الدقه «لا والله بلکه اول مقوله خیال فاسده حاسه متفکر مه دخی رهیاب دخول اولمق محالدر» دیدیکندن (جناب ابا ایوب (رضی الله عنہ) * یكون ما لسان تتکلم بهذا سبحانک هذا بهتان عظیم * دید کدن صکره «جناب صدیقہ (رضی الله عنہا) سندن و بالجمله نسوان عالمدن اطهر و افضل و عرض شریفاری کذلک جمله کزدن اقوی و اکملدر» زیرا (افضل الانبیا علیه تحية الوری) حقنہ بومقوله امر ناججا لایق کور یله مز «دیمش و تلفظ ایلدیکی کلمات جواهر آیات من عند الله شایان قبول اولمغه حقه دهنرندن صدور ایدن منظومه گفتاری {اولولا اذ سمعوه قلتم ما یكون لسان تتکلم بهذا سبحانک هذا بهتان عظیم} نص جلیله سیله تضمین یور یله رق قدر و الاری ترفیع اولمشدر که معناسی (بوسوزی ایشند یکیکر نه نیچون دیمد یکر که * بویله کلام سوبلک بزه لایق دکلدرد * یارب سنی تنزیه ایدرز * بو کلام حرم نبوی یه منافقاردن بهتان عظیمدر) دیمکدر * والحاصل آیت مخصوصه نزول یله وقعه افترا تکذیب یور لدیغی جهته (خطیب معلایه علیین علیه الصلوٰۃ والسلام افندیمز مسجد شریفی بالتشریف آیت منزله مذکور ی قرائت و قلوب اصحابه عارض اولان شک و ارتیابی دفع و رفعه همت

پیور دقدن صکره اب آلوده قذف اولان درت نفر کستاخه ایجاب شرعی اولمق اوزره حد قذف اجرا سنی فرمان پیور دیلر * جناب صدیقک نعم پرو رده سی و تیزه زاده سی اوغلی (مسطح بن اثانه) دخی حد قذفله مضروب اولنلردن اولمغه مشار الیه فیما بعد مسطحه اما نه ایتما مکه یمین ایلدی اما جناب اکرم الاکرمین (جل شانہ) حضرت تلمی «سزدن دینده فضل و حالده وسعت صاحبلمی (که مراد ابوبکر رضی الله عنہدر) اقربا سنه و فقرایه و فی سبیل الله هجرت ایدنلره انفاق و احسان ایتمکه یمین ایتمسون * بلکه انلردن صادر اولان جرمی عفو و انتقامدن اغماض ایتمسونلر * آیاسمز سومز میسکز که (الله) تعالی سزی مغفرت ایده * الله تعالی مغفرت و رحمت ایدیجیدر» مفاد کریمنده اولان {ولا یأتل اولوا الفضل منکم والسعة ان یؤتوا اولی القربی والمساکین والمهاجرین فی سبیل الله ولیعفوا ولیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم والله غفور رحیم} آیت جلیله سی انزال پیور لد یغسندن (والله العظیم مغفرت ربانی اقدم آما لدر) دیوب ینه معامله متخذه سنی اجرایه باشلدی *

مقاله { ۵ } * آیت تیم نزولی بیاننده در *

بنی مصطلق غزاسندن عودت و (صلصل) دنیلان منزله یکشبه اقامت پیور لمیشیدی * اشبو کیجه نک ثلث اخیرنده قیام اولمق اقتضای حالدن ایکن * صدیقہ * رضی الله عنہانک کردانلغی ینه ضایع اولدیغندن لاجل التفقد توقف اولندی * و بوملا بسه ایلہ صباح نمازینک وقتی فوت اولمق علایمی ظهور ایلدی ایدی * بونک اوزرینه نزد عالی (ابابکر) ده رضی الله عنہ بولنان برطاقم اصحاب (غائب اولان کردانلغی ارامق اوزره بو قدر کسنه نک بویله بر صوسز وادیده بکلندیرلمسی لایق دکلدرد) کبی سوزلره حق عالی * صدیقہ * ده رضی الله عنہا شکایتہ شتاب و جناب (صدیق) رضی الله عنہی رهین اضطراب ایلدکلر یچون مشار الیه کریمه محترمه سنی تکدیر ایلک صدیده خیمه زرطباب صدیقہ یه (رضی الله عنہا) عزیمت و دیزی اوزرنده (شاهنش

اورنگ رسالت علیه اجل الحیة) افتدیمزک او یویه قالمش اولدیغنی
کو روب فقط تسکین غضب ایده ما مکله (ای بنم قیر چیغزم سن هر
سفرده ناس اوزرینه مشقت و بلا اولو یورسین) دیره رک بوش بو کرینه
بر یومزوق اورددن صکره عودت ایتش و مشار الیه (سلطان الانبیا
علیه اکمل الحایا) افتدیمزی او یاند رماق ملاحظه سیله سستی
چقار ما مشدر (سلطان الثقلین صلی الله علیه وسلم) افتدیمز
مؤخر اخوا بدن بیدار اولوب اولبا بده مرحت بخش نزول
اولان {وان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم
من النسا تط اولامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیموا ضعیفا طیباً}
آیت جلیله سنی قرائت و اصحاب کرام موجب عالینجه عمل و حرکت
ایدرک صباح نمازینی ادا ایلدیله که اشبو جلیله نک معنای منیف
(اگر سز مرضی اولوب صوامستعمالدن قور قر سکر) یا خود سفرده
اولوب صوبوله من سکر (یا خود سبیلیندن تغوط و بول و ریج
و سائر ناقض الوضوء برشی کسه (یا خود نسوانک بدنه بد نکزله
طوقنسکر (و ابدست المغه صوبوله سکر (ایندی پاک طوپرا غه
قصد ایدک یعنی تیم ایدک) دیمک اولور (اشبوعطیه الهیه سئو حندن
حدت جناب (صدیق) رضی الله عنه مبدل ملایمت اولغله کریمه
ساقیه القدر عالیه یینی (انک لمبارک) ستایش سیله نوازش و
(اسیدین خضیر) رضی الله عنه (ماهی باول برکاتکم یا آل ابابکر)
سیاقنده خاندان مشار الیهی مدح و ستایش ایتش و منزل مذکوردن
حرکت اولندیغنی اثناده مفقود اولان (سینه بند) بر دوه آلتده بولمشدر

مقاله { ۶ }

خندق نام دیگر احزاب غزای غراسی بیاننده در

نقض عهد ایلدکاری جهته وطن اصلیه لرندن طردو تبعید قلئان
(بنی النضیر) یهودیلرینک خیلو جه سی خیر ناحیه لنده متوطن اولوب
بعد زمان (حیی ابن اخطب و کانه بن الربیع و سلام ابن ابی الحقیق و بونله)
مماثل (۲۰) قدر اشخاص شقاوت اختصاصی بهادران اسلامه

تفرقه دوشورمک تصویر یله (ابوعامر فاسق) ایله برلکده مکله
کیدرک (ابو سفیان و سائر کار کذران قریش) مواجهه سنده
(ای صناید قریش اسلام طرفندن بزه اولئان حقارت معلومکن اولوب
اگرچه انتقام النبی خصوصنده براز وقت دهامساحه اولور ایسه سزنی
دخی خانه خراب فلاکت ایده جکری وارسته قید اشتباهدر (اگرچه
اتفاق قریش منضم اولور ایسه ممالک اسلامیه یی یاقوب یعقوب خراب ایتک
سرلوحه تعالیمات ضمیر من اولدیغنی و بوفساد ایچنده بالجه نواحی
خیبریه اها لیسندکخی مایه اتحادی بولندیغنی معلومکن اولسون) دیدیلر
(ابو سفیان) بونله تو جیه وجهه خطابله (ای اساطین ملت موسویه
• بیت) غرقه خون اولدق بردی وارد اها نمز • درد و محنت جکمدک
ساعتی وارد رجا نمز • افاده سی اوزره بزی بودرد جانکداز دن
بریمی ظن ایدر سکر که بزدا عا اسلامیاندن اخذ انتقام ایچون بوسیله
انتظار نده یز • اگرچه بوبایده سزده موافقت ایدر ایسه کز بر آن اقدم
ترتیب ساز مقساتله اوله لم (دید کدن و (۵۰) قدر وجوه قریشله
بیت اعظمه تو جیه سینه ایلد کدن صکره جانلری حقیقجه یه قدر محاربه
اسلامیه دن دو تمامک اوزره یهود بد بود ایله عقد معاهده ایتدی • بعده
(بنی النضیر) یهودیلری عودت ایدرک نواحی خیبریه نک
(۱) سنه لک حرما محصور لا تنی و یرمک و حرکات عسکریه
مصر فی نامیه دیکر بر طاقم شیلردها و یرمک اوزره (بنی غطفان و بنی اسلم
و اشجع و بنی مره و کانه و حرازه) قبائل باغیه سنی اسلام علیهنده
تجهیز و تحریکه موفق اولدیله • ازین جانب ابو سفیان دخی اجتماع ایده
بادیک (۴۰۰۰) قدر حشراتله ام القراءدن حرکت و حسب المعاهده
(مر الظهران) مرحله سنده تحشد ایدن قبائل سائف الذکر اردوسنه
دخالت برله توسیع دائره مفسدت ایلدیکندن جمعیت دشمن (۱۰۰۰)
نفری سواری و قصوری پیاده اوله رق (۱۰۰۰۰) و قول اخرده
(۱۲۰۰۰) نفره بالغ اولوب قبائل مذکور نک اشبوحملده اجتماع
ایلمسی اوزرینه بیانی صددنده اولدیغمز وقعه یه غزوه (احزاب)

تسمیه بیورلمشدر • اول ماه آسمان رسالت (علیه التسلیم والتحیة) افندیمن اعدانک تدارکات واقعه سنه واقف اولدقده اصحاب ثریا جنابله عقد انجمن استشاره ایدوب مدینه منوره اطرافنه استحکام ویرلسی وطائفه نسوانله اطفال واموالک مرتفع برمحله تعبیه ایدلسی خصوصنه آرای اتحاد ایله قرار ویردکلرندن سال حالک سکرنجی ذالقعه کونی (عبدالله ابن ام مکتوم) رضی الله عنه قائم مقام مسند خلافت و (۳۰۰۰) صحابه ایله حقیقلوب جبل (سالم) ایله مدینه منوره بیننده تعطیل رکاب عزیمت بیوردیلر • و (سلمان) فارسینک (رضی الله عنه) بوائنده شرفیاب عزمشول اولوب «یا رسول الله عجم ممالککندن برینه مقابله اولمز بر درجه ده دشمن هجوم ایتسه اول بلده نک اطرافنه خندق حفر اولمسی عادت مستره در» دیدیکنی قبول ایدوب اجرای ایجابی ضمننده عرض وعتی (بشر) زراع حسابله هر (قرق) ارشون محاک قازلمسی (۱۰) نفر صحابه به بعد التوزیع مهاجرین وانصارک (رضی الله عنهم) حصه لری ارائه و سایه نشین حصار مصالحه اولان بنی قریظه یهود یلرندن برطاق ادوات حفریه استعاره ایدیلرک امر حفره قیام واصح نقول اوزره (۶) کون ظرفنده اتمام قلندی • که واسطه ایجاد ماء وطن (علیه الصلوة والسلام) افندیمن اصحاب سعادت استصحابی تلطیف بیورمق اوزره گاه خندق قازمغه تبشه زن همت وگاه آینه سینهلری غبارآلود اولونجیه قدرنقل تراب ضمننده التزام مشقت ایدوب رضای (حق) ایچون چالیشان مؤمنله {اللهم لا عیش الا عیش الاخره فاغفر للانصار والمهاجره} دیودعا بیوررلر • و بوباده التفاتدن سرکرم شوق اولنلر (نظم) «نحن الذین بايعوا محمدا • علی الجهاد ما بقینا ابدا» دیه رک ابراز مر اسم فداکاری به چالیشورلردی • حکمت • اوصره ده غایت سرد برشمال روز کاری وزان و خدمت حفریه ده بولنانلرک اللرنده ویاقلرنده طوکق علایمی نمایان اولدیغی وقحط وغلای مفرطه ملابسه سیله اکثر اصحاب ایکی اوج کون قدر آج قالمش بولندیغی حالده هیچ کسه نک

مرأت شوق وخواهشنه غبارخلل وکسل تطرق ایتماشدر • انتها حضرت (سلمان) رضی الله عنه دقایق اصول حفره عارف اولدیغندن وفی حد ذاته قوی الاعضا اولوب کونده (۱۰) کشینک حفرینه فرض اولنان محلی بالکزجه قازمقده بولندیغندن مهاجرین وانصار رضی الله عنهم «سلمان منا ونحن احق به» مناقشه سیله استمداده ابتدار ایلدیلر • کیفیت سمع اشرف نبوی به واصل اولدقده طرفینک رابطه استمدادی «سلمان رجل من اهل البيت» مقراضیله قطع ایدیلر رک سرمباهات مشارالیه موازی فلک اعلا بیورلمشدر • {عجزه} خندق حفر اولندیغی خلالده برکون یرندن قیلداد لمز درجه بیوک بر صخره قوت شکن سرغمای ظهور اولدیغندن (سلطان بالادست دستگاه رسالت علیه التسلیم والتحیة) افندیمن اوچکونلک آج اولدق قلمری حالده تبشه فرهادی نرئاد (سلمان) ایله اول سنک قوت شکنه ضرب ایلدیلر • طاشک ثانی منشق اولوب برشعله عالمتاب آتش نما ظهور و اثر ضیا سیله چشم مازاغ همایونه بیوت حراء (شام) منظور اولمغله موافقت اصحابله کلبانک تکبیر چکدیلر • ضربیه ثانیه ده طاشک ثلث دیکری دخی متفرق اولوب ینه برشعله جهان فروز برق افزای بروز اولدیغندن ممالک (کسرا) پیوده اندازه نظر (سید الورا) اولمغله تکرار تکبیر کتوردیلر • اوچنجی اورشده بقیه حجر بتون بتون طاغیلوبده ینه برشعله عجیبه پیدا وممالک اقلیم (یمن) رومعا اولدقده کافی السابق تکبیر کتورد کدنصرکه علیه الصلوة والسلام افندیمن «ائسای ضرباتده شعله بروز اولان ضیالر (که منظور یکر اولمشدر • اول خلالده خزانه عنایت الهیه دن بالجمله (یمن وفارس وشام) ممالکی ابوابنک مفاتیح فتح ونصرتلری دست ممالک کشای ائمه مسلم اولمغله هر برضریه ده براقلیم منظور نظر یقینیم اولدی • وجناب (جبریل) ذکر اولنان ممالکک آرامکه اهل ایمان اوله جغنی تبشیر ایلدی • مقاله سیله سبب تکبری بیان وممالک کسرانک بالجمله بیوت وقصورینک طرز و رسملری وعجایبات نقوشلری تعریفاتی برر برزکرواتیان بیوردیلر که جناب (سلمان) رضی الله

عنه * یارسول الله منظور نظر اعجاز کر اولان رسول الله بوعبد کتر لیک
مرسوم خرید طه حافظه سی بوانان نقوشک ایکسی بر رتک و بر اورنک
اوزرینه واقع اولغله جناب اعجاز نصاب همایونک مبعوث بالحق
پیغمبر مطلق اولدیغنه بتکرار شهادت ایلرم * سیاقنده امضا نویس
حجت تصدیق اولمشدر * انتها) فرقه مؤمنین بوفتوحات غیبیه
مسرت تعبیه ایله غریق مسار اولوب فقط کوره منافقین (بونه
حماقتدر که دشمنلری خوفندن خندق قازرلر ایکن ممالک فارس
وشام فتوحاتیله مبشر اولان اسلام یکدیگره عرض مباهات ایدرلر)
ترهاتیله زباندراز استهزا اولدقلری جهته حقارنده « منافقاردن
(ابن قشیر و سائر کبی) قلمارنده ضعف اعتقاد مرضی اولملر دیدیلر که
(الله تعالی و رسولک بزه) قحشام و یمن و سائر) وعدی انجیق وعد باطل
وغروردن) مفهومنده اولان * واذ یقول المنافقون والذین فی قلوبهم
مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا * آیت جلیله سی نزول ایتیش *
و صحیح روایت اولندیغنه کوره جناب (سلمان) رضی الله عنه بر حیات اولوب
ممالک مذکور کوره نک ضمیمه بلاد اسلام اولدیغنی کور مشدر * الی کون
ظرفنده خندک حفری تمام یعنی مدینه منوره لوٹ اقدام اعدا ایله ملوث
اولدیغنی حالده رسیده ختام اولوب و (احزاب) هزیمت نصاب دشمن
دخی خندک رسیده حد اختتام اولدیغنی کونی دار السعاده
مدینه یه بر مسافه بعدی اولان برمر حله یه موصلت ایلوب (حی) ابن
اخطبی آسوده نشین حصار مصاحه اولان یهود (بنی قریظه) بی
نقض عهد ایتدر مک خد متنه کوندر مشارددر که (بنی قریظه)
اولوسی (کعب بن اسد) بالای حصاردن حی ابن اخطبک کلب عقور کبی
حصاره طوغری کلکده اولدیغنی مشاهده و دربان حصاره قلعه
قیوسنک سدوبند ایدلمسنی امر واقاده ایلدی * حی ابن اخطب باب
حصاری منسد کورنجه کعبک احضارینی رجا ایلدیکندن (کعب)
برج حصاردن « یا حی » سبب ورودک ندر * سن بر شخص مشنوم
القد مسین * ایا غلک هرزه یه با صر سبه اوراسی خراب اولور * اگر بزه

نقض عهد ایتدر مک املیه کلکدک ایه * او مثالو امنیه بی خاطر کدن
طرح ایلد * زیرا بزاهل ایمانله رابطه بند معاهده اولدیغمز کوند نبو
آنلرک حب و وفا و صدق و صفادن غیری بروضع لرینی کور مدک)
دیه رک استیضاح حال ایلدکده « آفرین ای (کعب) مسافر لره
سفره چیقاروب اطعام اتمامک یوانی بولمش سین * و کلان مسافرینه
طعام ویرمکدن اجتناب ایتکه محافطه معاهده اسمنی ویرمش سین *
بن سنک نه مرتبه زده خسیس آدم اولدیغنی اولدن پیلورم * لکن
بورایه بن دفع جوع ایچون کلدم که بکا بر لقمه نان اطعامدن
احتراسد باب ایلدک) جواب هجو ایجابی ویردی * صفت بخل ایله
متصف اولمق بین العرب یک مذموم برنی ایدو کندن (کعب بن اسد)
باب حصاری کشاده موافقت و مراعات خوش آمدی مرا سمنی ایفایه
مبادرت ایلدیکی ائنده (حی) افعی سیرت (ای کعب نه درلو
عزت ابدی خبری کتوردیکمه مطلع اولایدک قلعه قیوسنی کشاد
ایلمک دکل بلکه پرده سینیه کی چاک ایدوب خلوتخانه درونکه بنی اقعاد
ایدردک * چونکه بالجمله اعظم قریشله رؤسای قبائل سائر صفحه عالمدن
وجود (محمد) یانی حک ایتک اوزره عقد اتفاق و عهد میثاق ایلدکلرندن
سز کدخی بوسفره نعمتدن حصه یاب تناول اولکزی ابلاغ ایچون بنی
کوندر دیلر) دیدکده یا (حی) سنک بیانک بزم پریشانیت و نکبت
قبیله مزنی موجبدر * قریش و قبائل سائر نک اجتماعنده دخی ثبات
اولیه جخی درکار اولدیغندن بزم خرمن امن و اماننه برق زن زیان اولمه کیم
رشته معاهده اسلامه شیرازه کیر استراحت اولان اجزای مجموعه
اوقاتمزی ید اختیار بمنزله پراکنده و پریشان ایلش اولورز) مألده محافظه
معاهده یه ابراز ثبات ایلشیدی * بالاخره اول حیل کاکرک دسیسه سنه
الدانوب نقض عهده موافقت ایدرک « اگر چه یاننده بولندیغک
حشرات متحشده اتش (محمد) یانه تاب آور تحمل اوله میوبده هربری موطن
اصلیه لرینه رجوع ایدرلر ایه اولوقت بزم قبیله مزک افرا دی پنجه
اسلامیاندن نه صورتله قورتلله پیلور) دیدکده حی بی ادب قهقهه کش

مغروانه اولوب (ای کعب خاطر یکه تبا در ایدن خیال محال نه عجب بر حالدر • واسلامیان ایچون اشبوطوفان بلادن کاره کیر سلامت اولوق نه احتملدر • بالفرض او یله بر امر معکوس ظهور ایتسه بیه بزده سز کله بر ابر زانوزده استقرا اولوب توجه ایده جک حادثاته سینه کش اولورز) دید کد نصکره حسب الایحساب معاونت ایده جکنه کتاب توراته عین و (کعب) بی هدایتی اولصورته نأ مین ایلد یکندن اول کشتی • بد اخلاق عهدنامه سلطان رسالتی (علیه الصلوة والسلام) چاک چاک ایله نقض عهد ایتد کندن و (حی) ابن اخطب مع الممنونیه مجمع کفار رجعت ایلد کد نصکره معیتده بوالنسان رؤسای (بنی قریظه) دن (زیر بن باطا و نیاس بن قسیس و عتبه بن زیدی) جلبله وقوعحالی بیان ایلدی • رؤسای هر قومه حییک شامت قد مندن قطع نظر نقض معاهده جهتله ترتب ایده جک فنا لغی ملاحظه دن تعریفی غیر قابل بر تلاشه دوشه رک ناله و فریاده با شادیلر • (اماچه فائده) از این جانب وقوعبولان شایعه اوزرینه (بنی قریظه) نک تحقیق احوالی ضمننده قبل عالی (سید البشر) صلی الله علیه وسلمدن خفیا اعزام قلثان (زیر بن العوام) رضی الله عنه مقرکاه هر قومونه عزیمت و عودت ایدوب «یا رسول الله طائفة» (بنی قریظه) اسباب حرب به متشبت اولد قلری و حیوانا تلرینی جمعه حصار لرینک ایحساب ایدن محاررینی تعمیر و ترمیم ایلکده بولند قلری جهتله ایمانه معاهده بی شکست ایلد کلری اکلا شیلدی) دیدی • مؤخر (سعد بن معاذ) ایله (سعد بن عباد) و (عبد الله بن رواحه) و (خوات بن خیر) رضی الله عنهم واسطه لر یله تبلیغ بیوریلان نصیح و پندی قبول ایتد کلرندن ﴿حسبنا الله ونعم الوکیل﴾ بیورلدی • بونلرک شایعه نقض عهدندن قلوب اصحابه خوف و خشیت طاری اولوب رشته اصطبار لری منقطع اولدیغی حالده (مالک بن عوف و عیینه بن حصین) بنی اسد و بنی غطفان و فزاره قبائل باغیه لری افراد یله دار الهجرة مدینه نک جهت شر قیسندن و کلاب قریشله (بنی کانه) عساکری جانب غربی

مدینه دن رونمای ظهور اولدیغندن قلوب ضعفا ی اسلام متزلزل اوله رق ذورق ثباتلری فورتنه دن قور تلمش کمی کبی رعشه کیر خوف و هراس اولدی • کما قال الله تعالی عز وجل ﴿اذ جاؤکم من فوقکم ومن اسفل منکم واذ زاغت الابصار وبلغت القلوب لدی الخناجر و تظنون بالله الظنونا هنالك ابتلی المؤمنون وزلزلوا زلا لا شدیداً﴾ یعنی (ذکر ایله شونیکه (بنو غطفان) و ادینک فوقی اولان شرق طرفندن (قریش) اسفلی اولان غرب طرفندن کلدیله • بریره جمع اولوب (محمدی ارادن قالدره لم) دیدیلر • مسلمانلرک کثرت اعدادن کوزلری خیره لنوب قلبری حلقومه بالغ اولدی • والله تعالی به انواع ظنلر ایتدیله • (مخلص حق تعالی مؤمنلره نصرت و یرر دیدیلر) منافقلر (لشکر اسلام طاقت کتوره میوب منهرم اولور) دیدیلر • بو محله تبحر به ایله مؤمن و ثاب قدملر ترلندن تمیز اولنوب بی ثباتلر شدت حرکتله یرلرندن قوبارلدیله • بو اشناده امداد قریشله (بنی قریظه) افرادینک لیا لا مدینه منوره بی باصه جقلری خبر آرامسوزی دخی بین الاصحاب لهیب افروز شیوع اولدیغندن (حامی) خطه نبوت علیه افضل التحية) افتدیمز (۲۰۰) صحابه ایله (سلمه بن اسلمی) و (۳۰۰) صحابه ایله (زید بن حارثه) رضی الله عنهمی محلات مدینه یه کیروب چیقیلاجق محاررک امر محافظه سنه مأمور بیور دیله • هر آن وزمان فرصت کوز تمکده اولان اهل نفاقدن (اوس بن قبطی) بی اعتقاد بعض هوادار لر یله «مال و عیال و اطفال کز یغما اولمقده ایکن بویله برداره مضیقه ده اتلاف مال و جان ایلک کار عاقل دکلدر» کبی سوز لر له ساده دلان مسلمینی تحذیر در کار اولد کلرندن ﴿وانیدخی یاد ایله که منافقلردن (اوس بن قبطی) و ابو غزابه و ابن ابی کبی) بر طائفه دیدیلر که (ای اهل یثرت یعنی اهل مدینه سز کچون بواقامت محلی دکلدر همان یرلر یکره فرار و رجوع) ایدک وانلردن بفرقه سی دخی (انلر بنو حارثه و بنو سلمه در) پیغمبر (علیه السلام) دن اذن استدیله که (بزم خانلر یمز خالی و استحکامز اولمغله دشمن و سارقدن قور قیلور) دیدیلر • حالبو که انلرک خانه لری تمام مستحکم اولوب هر ادلری

چنانکه فرار ایدی * مفهومش شامل اولان { واذ قالت طائفة منهم يا اهل یثرب لا مقام لکم فارجعوا ویستأذن فریق منهم یقولون ان یتوتنا عورة وماهی بعورة ان یریدون الافرار } آیت جلیله سنده اشارت یورلدیغی وجهله بر طاق صحابه خانه لرینک یالکز لغی بهانه استرجاع ایدرک (سید انس و جان علیه صلوة المنان) حضرتلرندن بعد الاستیذان رجوع ایلد کلرندن پریشانی مؤمنین هر یوزدن مجتمع وقلوب اسلامده آتش رعب وهراس وتلاش ملتئم اولغله هر بر صحابه کردابه دو شمش سفینه طائفه سی کبی مستغرق بحر حیرت واضطراب اولملر ایدی * ازین جانب جیوش اعدا فرقه منجیه اسلامی نظر استحقاره آلوب بر حمله ده نائل آمال اولق زعمه دوشد رک وجهله سی بردن هجوم یولنده یورویه رک فقط خندق استحکاماتی ایلر ویکه مد کلرندن بالضروره توقفه مجبور اولدیلر * چونکه دیار عربده اویله بر اصول غیر مسبوق اولغله درون مدینه به فرصت یاب دخول اوله مد کلرندن قرشوقرشو مقاتله به اهتمام وخیمه خورشید طناب رسالته (صلی الله علیه وسلم) ایصال مضرت خصوصنه اقدام تام ایدوب انجق حفره خندقدن مرور ایدلمسی غیر ممکن اولدیغی وهرنه طرفدن هجوم کوستر دیلر ایسه تیر و سنک ایله ابراز مدافعه اولندیغی اجلدن مدینه شهرینه داخل اوله میوب اعمال دسایس الخیله قالشیدیلر * خندق بر طرفی لایقیله خفر اولما مش اولدیغندن جیوش اعدا اول محلدن پای کذار تجاوز اولق احتمالی دغدغه انکیز خاطر سید الوری (صلی الله علیه وسلم) اولغله اکثر لیا لده بالذات اولطرفک محافظه سنه قیام وشدت سرمدان بدن مقدسه نبویه لر متاثر اولدیه فراش عالی * صدیقه * رضی الله عنہاده تسکین برودت ایدوب ینه محل مذکورک حفظ وحرانته معاودت ایله امر محافظه به اهتمام یوررلر ایدی * بو محاربده واقع اولان ازدحام اعدا وخوف وخشیت وقتل وغارت وغلبه فقط وغلا وبرودت بی اعتدال هوا هیچ برغزاده صورتمای مرآت ظهور اولدیغی اجلدن اول غمکسار شکسته دلان امت (علیه افضل التحیه) افتدیمز شیرازه مجموعه اعدای طاغتمق

واصحاب سعادت استحابه بویوزدن تقویه بخش اولق تصور صلیسیه مدینه منوره (خرما حاصلاتک) ثلثی (بنی غطفان وفزاره) قبیله لر افرادینه ویرلک اوزره عقد مصالحه اولمسنی بالملاحظه رؤسای قبیلتیندن (عینه بن حصین) ایله (حارث بن عوفی) احضار ایله عقد معاهده به ایتدار ایدوب اعطاسی اقتضا ایدن معاهده نامه نک خدمت تحریریه سنی (عثمان ذی النورین) رضی الله عنہه اشارت وشاهد لرینی قبل التحریر (سعد بن معاذ) ایله (سعد بن عباد) رضی الله عنہما به بیان کیفیت یور دیلر * مشار الیهما مر اسم لازمه بی بعد الایفا «یا رسول الله حضور عالی رسالت لرنده لب جنبان رأی اولق هر حالده خارج حدود ادب وشر فسانح اولان سؤال نبویه کره جواب ویرلما سی ایسه محض عیب اوله جفندن مع الخشوع ذکر آتی وجهله عرض ما فی الضمیر ایدرز * شویله کنه (بو مصالحه خصوصی بر مقتضای وحی (الهی) ایسه تأخیری غیر جائز اولوب شاید استراحت کترانه مز ملاحظه سامیسنه مبنی ایسه اشبو مصالحه دن صرف نظر یورلما سی تمنا ایدرز * چونکه ایام جاهلیته بو طائفه کرک مسافرت وکرک اجرت طریقله بزم برتک خرما مزی بیله آله مامش لر ایکن متحصن حصار ایمان اولدیغمز حالده اموال مزه شریک اولملرینه مساعده اولنق لایق دکلر * خصوصاً بو طائفه باغیه بوند نصکره بو معامله به وظیفه دائمه نظریله یاقوب علی التمدادی اموال مزه ایصال دست مشارکت ایلک داعیه سنه دوشرار * الحمد لله تعالی قوت اسلامیه ده آثار شکسته کی هنوز ظهور ایتدیکندن جمعیت قریشیه نک اول کلاب هزیمت نصایه انضمام ایلدیکنه یکده تأسف ایتدیز * نهمنده بر مقاله ایراد ایلدیکندن صلحه راضی اولدقلری اکلا شیلوب { بو بایده اثر وحی ظهور ایتوب فقط ضعفای اهل ایمانی جمعیت احزاب اعدادن مضطرب کوروب انطفای آتش حربی بو آب تدبیر ایله مطالعه ایلدم ایدی * ماد مکه سزک هجوم اعدادن عجز واضطر ابکز اولیو بده مقابله طرفی اختیاره میلکز واردر * یزمدخی بو رایه رضامن درکاردر { جواب نصیح امیر یله (سعد بن معاذ

İSTANBUL	Y. İslam E. Kütüphanesi
Kayıt No.	Konu No.

رضی الله عنه اشارت ابرو یوردیلر • مشارالیه جناب (ذی النورین)
رضی الله عنہک النذن معاهده نامه نامما می آلوب شق ایلدکده (عینه)
نومید آمال اولوب «اگرچه رضا داده مصالحه اولسیدیکز • حقنژده
مسئلزم انتفاع اولوردی • زیرا نه مقابله به طاقت مقاومتکز ونه ده
مقاله ده قوت مصابر تکز اولمدیغندن اسیر ضجرت اولور سکر» دیدکده
حضاردن (اسید بن خضیر) رضی الله عنه حد تلنوب بر آتش خرمن
سوز اولسیده «ای غیرت دین قویم اوغرنده فداکارانه حرکت ایدن
طائفه اسلامی سیف کفرایله تحذیر چالیشان (دلکویا و روسی کوزلی)
حریف نسیم عنایت ربانی ایله قنخی طرف غالب وقنخی طرف مغلوب
اوله جمنی یقینا کور رسین • اگرچه مجلس مقدس نبوی رعایتی
مانع اولسه ایدی سنی قومکه سلامتله ارجاع ایتزایدیم» دهرک شرفساح
اولان اراده اوزرینه آنی ورفیقی حارثی حضور معالی نشور نبویه دن
طرد و حدود مدینه دن ابعاد ایلدی • احزاب اعدا انصارک اغور
همایونده درکار اولان ثبات و اتحاد لرینی بالاستماع متلف و اثرندامت
و پریشانی اظهاریله فوق العاده متأسف اولوب فقط وفور جلا دتله
فرید بهادران قبائل اولان و بین العرب (۱۰۰۰) مرد جنگ آور
مقابل طوتیلان (عمر بن عبدود) مردود (عکرمه) بن ابی جهل
و (همیره) بن ابی وهب و (نوفل) بن عبد الله و (ضرار) بن
الخطاب و (مرداث) بن المحارب ایله برابر خندق کارینه عزیمت
و هر ناصیه خندکی بعد التجاوز اسپران مفتخرت و (ابو سفیانله خالد
بن ولید) دخی بقیه مشرکین ایله خارج خندقده صف بسته خصومت
اولدی • (عمر بن عبدود) مردودک (۱۰۰۰) آدمه بدل اولدیغی
و بر قافله ایله تجارت کیدرکن ظهور ایدن (۱۰۰۰) نفر قطاع طریق
جمله اولاده پراکنده و پریشان ایلش بولندیغی قافله مذکور ده
موجود بولنان (عمر بن الخطاب) رضی الله عنہک منظور و مشهودی
اولق و بناء علی ذلک اهل ایماندن هیچ بر فرد جرأت نمای مقابله اوله مامق
حسبیله {بودشمن خدائک دفع شرینه قنخی دوست همت ایده جکدر}

بولنده ایراد بیوریلان سؤال نبوی به صحابه نک جمله سی بردن سکوت ایلسی
اوزرینه جناب (علی ابن ابی طالب) رضی الله عنه «انا ابارزه» جوابی
اعطا ایلشدر • جواب سطوت مأب (مرتضا) رضی الله عنه رهین اصغا
اولیه رق دفعه ثانیه وثالثه ده شرف صدور ایدن سؤال همایونه صاحب
قران منصه ولایت (کرم الله وجهه) دن غیرهی هیچ برکسه اعطای جوابه
جسارت ایده مامش اولسیده حضرت شهنشه اریکه نبوت (علیه افضل
التحیة) افندیمز کندی زره مقدسه لريله بدن متین مشارالیهی تزیین
وسیف صارم ذو الفقار ایله میانلرینی تحصین ایدوب و کندی عمامه
دولت لرینی بالذات رأس عالیترینه پیچیده ایلوب {اللهم اعنه} دعای اجابت
پیماسیده (عمر بن عبدود) ک مقابله سنه کوندردیلر که عساکر فریقین بو حالک
مشاهده سیله انکشت بدهان استعجاب اولوب بر بر لرینه «عجبا
اول صخره کبیر (بیوک و سرت قیادیمکدر) ایله بو قدح بلاورین نه وجهله
مصادمه ایده بیلور» دهرک دیده کشای میدان مبارزت اولدقلرندن
حضرت سید الانبیا (علیه تحیات الوری) افندیمز دودست اجابت
پیوست همایونلرینی رفع بارگاه خدا ایدوب «الهی وقعه بدرده اقربا
تعلقا تمدن (عبیده بن الحارث) واحد محاربه سنده عم (سید الشهداءک)
فراقلری هنوز باقیدر • خدایا معلومک اولدیغی اوزره (عمر بن عبدود)
مقابله سنه اعزام ایلدیکم عبدکینه ک (علی) در که هم ابن عم و همده
برادر جان برابر مدر • الها اول شمع سراچه ولایتی فانوس حفظ
وحایتکده مأمون و ضیاء روز حیاتنی پفکرده روز کار کدر اولمقدن
مصون ایله» دید کدنصرکه {رب لاتذرني فردا وانت خير الوارثين}
زمنه سیله متوسل مناجات اولدیلر • بیت) بردعا کا وله زبان نبویدن
صادر • قدسیان دیر لر ایه نوله سراسر امین * جناب (شیر خدا) شیرانه
بر روشله میدان مبارزته خرام وسیل موج انکیز کبی اول آتش علو خیرک
شراره شرک وجود دینی سوندرمکه اهتمام ایدوب لکن اول امر ده
شریعت غرایبجایی اوزره مسلمان اولسی حقنده اولان تکلیف حیدرانه سندن
(عمر بن عبدود بدسرشت حدته کله رک جواب امتناع و بر مسنه «چونکه

سندہ اسلام اولغہ استعداد یوقدر • باری سنکله جنک ایدہ لم •
مقاله سنی ایراد ایلدی • اول پلید شریک تأیید مقاله مشارالیه خنده کش
استهزا اولوب (قبائل عرب بهادر زنده بنجله مقابله ایدہ جنک ار یوقدر
ظن ایدرم • سنک کبی طفل نوری و کودک سال تازہ هوسک جسوران
قبائل ایلہ مقاتله به طاقتی اولدیغی کبی بندهخی سنک کبی اطفال نو هوس ایلہ
مصادمه ایتک نقیصه ناموس شجاعتمدر • خصوصاً پدرک (ابو طالب)
ایلہ بنمزدہ مصادقت سابقه اولد یغندن سنک قانک بنم المله دوکلدیکنی
استم) جوابنی ویردکده (بن سنک قانکی دوکوب جانوران سحرایه شراب
ایلمک و لجم مر دارکله کلاب بادیه پیمایه کباب ضیافتی و یرمک خصوصنی مراد
ایدرم) دیدکده کمال حدت و تهورله آتندن اینوب یالین قلنج ایلہ (ساقی
کوثر) رضی الله عنه حضر تارینه حواله سیف مهاجمه ایلدی
که اول ماه آسمان امامت کرم الله وجهه (عمرو) کاشبو حمله سنی هاله سپرلینه
المغله دست عالی کرار یلرنده اولان قانقلانلری ایکی پاره اولوب حتی
سر منورلری جز و ییجه زده لند یکی ونوبت حمله طرف ذیشرف مشار
الیه کلدیکی جهته اول صاحب ذیل الفخار بر نعره دشمن کذار ایلہ
وجود خباثت آلود عمروه حواله ذوالفقار ایدرک سرمر دارینی هندوانه
(فار یوزدیمکدر) ابو جهل کبی میدان مذلتہ القا و صوت بلند تکبیری موازی
فلک اعلا ایلدی • دوست و دشمن بو حالک وقوعه کلمسندن حیران و انتقام
عمروی الملق صد دیله (ضرار بن الخطاب ایلہ هییره بن وهب) شیر خدائک
اوزرینه اسبران هجوم اولوب لکن مهابت جناب کراره تحمل ایدہ مد کلرندن
(ضرار بی ثبات معسکر اعدایه فرار ایتکی وسیله نجات عدا ایدرک
قاچش و رفیق اولان (وهب) دخی جامه حیاته بدل زرهنی میدانده
براغوب تیمور قفسدن قور تلمش زاغ سیه کبی سمعت سلامته طوغری
اجنحه جنبان معاودت اولمشد • (نوفل بن عبدالله المخزومی) ایسه
بو حال شعور سوزی کورو بده جانب کفساره فرار ایلک اوزره ایکن
خندق ایچنه دو شدیکندن وغزاة اسلام بر او غور دن سنک انداز لغه
قیام ایلد کلرنده آتیلان طاشلرک آجیسنه طیانہ میوب

(امان بنی دیگر وجهله هلاک ایدک) یولنده فریاد ایلد یکنندن جناب
(مرتضا) رضی الله عنه خندق ایچنه اینه رک انیدخی ایکی پاره ایتکله
(عکرمه) ایلہ (مر وای) کوچ بر حال ایلہ یاقه بی قوتره بلشدر • اول نخل
نورس حدیقه ولایت کرم الله وجهه حضور (سید البشر) صلی الله علیه
وسلمه رومال اولوب ایات او قویه رقی کله بی دولت عمروی میدانه بر اقد قدہ
شیخین مکرمین (رضی الله عنهما) یلرندن صحرایوب مشار الیهک یوزینی
کوزینی بوس ایتکله شتابان و (سید الانبیاء علیه تحیات الوری) افندیمز دخی
(مبارزه علی بن ابی طالب یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القيامة)
فریده سیله کل افشان التفات اولد کلرندن (عبدالله ابن مسعود)
رضی الله عنه (و کفی الله المؤمنین القتال بعلی و کان الله قویا عزیزا)
مدیحہ سنی ایراد ایلشدر • (استطرد) اول نکمیان خطه ولایت کرم الله
وجهه) عمرو بن عبدودی هلاک ایلدیکی صروده اوزرنده بولنان اسلحه
مقبوله و اشیا نفیسه لرینی جسم مر داری اوزرنده براقیشیدی •
همشیره سی برادرینک تلف اولدیغی محله کیدوب اشیا و اسلحه سنی
اوزرنده کورنجه (عربی) ماقتله الا کفو کریم • یعنی (انی کندی
اقرانی اولان بر کریم اولدرمشدر) دیدکده نصرکه (عربی) لوکان قاتل عمرو
غیر قاتله • لکننت ابکی علیه اخر الابد • لکن قاتله من لا یعاب به • من
کان یدعی قدیمایضه البلد • ایاتنی انشا و قاتلک جناب مرتضا (رضی الله
عنه) اولدیغنی ایما ایلدی • تم الاستطرد) مؤخرار رؤسای اعدا مقتولین
لاشه لرینی آلق و دیت نامیلہ برچوق مبلغ اعطاسنی متعهد اولمق اوزره
ایصال سفیر صدا ایلد کلرندن (سلطان مستغنی الطبع اریکه عطا علیه
اکمل التحایا) افندیمز • انلرک نه جسد مر دارلینه ونه ده قیمت ناپاکلرینه
احتیاج جز یوقدر) دیوب لاشه متعفن لرینک اعاده و لیمسنی اراده ایلدیلمر •
قوت الظهر اعدا اولان (عمرو بن) عبدودک هلاکی سفهای احزاب
داغ درون و باطنلری سلخ خانه خنازیر کبی پر خون اولد یغندن ایرتسی
کونی طلوع شمسله برابر (بنی قریظه) یهود یلری اتفاقله هجوم
واقتمامه قیام و منع آب حیات اطرافنی نار ظلمت احاطه ایدرک محاصره

اسلامیانه اهتمام و طلوع فلقدن غروب شفق قدر مقاتله ایتمکه غیرت
 و اقدام تام ایلدیلر • حتی غزاة اسلام کوز قالدایمغه و آیاتی دکندر مکه
 یله وقت بوله مد قلدن (اوکله) و (ایکندی) ایله (اقشام) نمازلی
 و علی قول یا انکر صلوٰة (عصر) فوت اولمغه طوفان مقاتله سکونت
 پذیر اولدقده اقامت واحده ایله علی الترتیب اوقات ثلثه بی قضا ایلدیلر •
 یوم مذکورده مهاجته اعدادن احوال مؤمنین فنا لشدیغی جهته
 اگر چه اقشام اولوب هوار قرار ما مش اولسه ایدی جیوش مسلمین
 منہزم اولماق بعید الاحتمال ایدی • چونکه جهت اسلامیانه ضیق
 معاش و غلبه درد و محنت و تلاش درکار و قحط و غلا و استیلا ی اعدا
 ایسه خارج از تحمل و اضطراب اولدیغندن هر کس بنفسه کبی سر برانوی
 حیرت و بناء علیه لطیفه آتی الذکر ساحه نمای ظهور و غیرت اولمشدر •
 ﴿لطیفه﴾ ﴿غوطه خوار دریای شرک اولان و مکرو حیل و دسایس
 فتونده شیطانک خواجه سی عد اولنان (نعیم بن مسعود) غطفانی
 هوار قرار دیغی ائنده سائق هدایتله خندق کارینه ورود و استحصال
 رخصت ایدرک مجلس منیر شمع رساننده رونمود اولوب اظهار شعار
 ایمان ایتد کد نصکره ﴿یا رسول الله کفار هنوز بنم اسلام اولدیغمی
 بیلزلر • اگر چه ارزانی رخصت بیور یلور ایسه بر نوع حیلہ اعمالله
 جمعیت احزابی پریشان ایلمک ممکندر﴾ دیوب {یا نعیم بیلدیلمک حیلہ بی
 اجراده اہمال ایتمه کہ (الحرب خد عتہ} نهجندہ اخذ جواب و نصف
 اللیلده (بنی قریظہ) رئیس بولنان (کعب) بن اسدک خیمہ سنہ توجیه
 وجہ شتاب ایلدی • و قدومیلہ کعبک فوق العاده مسرور و کذلک
 وجوه بنی (قریظہ) نک مر اسم تو قیریہ ایفا سنہ مجبور اولد قلربی
 کورہ سیله اجرای مافی الضمیرہ مسارعت ایدوب ﴿ای وجوه بنی (قریظہ)
 سزکله اوتہ دیور اولان دوستلرمن اقتضاسی اوزره حقوق جانبدارتہ می
 ابرازہ ابتدار ایلمک استرم • شویله کہ سفهای قریظہ قبائل سائرہ
 حشر ایلمه اسلامیانک تما شای حاللری سزنی انجام حالی ملاحظہ دن اغفال
 و بو کیفیت حسب المحبہ بنی رھین یأس و حرمان و ملال الیش اولسی اشته

بویله بر وقت سز بوله حقیقه قلمغه ذریعہ جرأت اولدی ﴿دیورک یهودیلری
 بتون بتون تلاشه دوشورمش و کیفیتک توضیحی رجا ایتد رمش
 اولدیغندن (جمعیت قریظہ قبائل سائرہ هر قدر استیصال اسلامه
 اقدام وسعی و کوشش و اهتمام ایتمکده ایسه لده خصوص مدافعه
 و مقابله ده روی مساهله و مسامحه کورہ مدکلرندن و قریش طائفہ سی
 بودر چه مدافعه به تاب آور تحمل اوله مدقدن بشقه ارزاقلری دخی ازالمش
 بولندیغندن عهد قریبہ رجوع ایدجکلری شہد دن بریدر • اگر چه
 رجوع واقع اولوبده هر کس کندی مقرندہ متوطن اولق مقرر اولور
 ایسه نوبت استیلا جهت اسلامیانه انتقیال ایدہ جکی و سزک نقض عهد
 ایلدیکیکزدخی غیر خفی ایدو کندن اوله بر حال وقوعنده حالکرنیه
 منجر اوله جخی مواد واضحه دن اولمغه همان شمیدن جستجوی تدبیر
 اولماکز کار عاقل دکلر ظن ایدہ رم (دید کده بنی (قریظہ) یهودیلرینک
 کار گذار لری شراب غفلتن هشیار و خواب حیرتن بیدار اولوب
 دو کونمکه قیام و بواشک چاره سنی ینہ (نعیم) مشار الیهدن استعلام
 ایلمدکلرندن ﴿اگر چه علی طریق المراهنه اشراف (قریظہ) رؤسای
 (بنی غطفاندن) بر قاج کسنہ استحضار ایدرک حصار یکن ایچنده
 بولندی رایسه کز بلا فتور آنلره امداد ایتسه کز لا بئسدر • زیرا اوله
 بر حال رجوع ظهور ایلدیکی تقدیرده آنلر دخی سزنی ایدای اسلامه
 بر اقیوب معاونت ایدرلر﴾ زمیننده واقع اولان رأی دشمن پسندی
 رھین قبول اولمغه اورادندخی قیامله مجمع قریظہ عودت ایدوب
 (ای وجوه العشرہ و اصل سامعہ تحقیق اولان خبره نظرا (بنی قریظہ)
 یهودیلری محاصره خصوصندہ بزدن مساهله و اسلام طرفندن معامله
 ثبات و مدافعه کورمکده اولد قلرندن بزمه اتفاق ایلدکلرینه پشیان اولوب
 اشراف (قریش) (بنی غطفاندن) بر حقوق ذواتی دام تزویر ایلمه
 اولوب مسلمانلره کوند رمکی نقض عهد قباحتک عفوینہ ذریعہ
 عدیلہ انلری اسلامه اقدام ایتدیرد کد نصکره بالاتفاق بزم طرفہ هجوم
 ایدلمک شروط مضرة سیله تجدید معاہدہ ایلمشدر • اگر چه بو خبرک

کذبه دخی شمولى وارايسه ده شايدانلردن بومثللو برحر کتک وقوعى خس
اولنور وياخود صورت مکر ايله محبت کاذبه ابرازينه دلالت ايدر بر حال
کوريلور ايسه موافقتدن حذر ايتلير که (معتمد به قبائل اولان ذوات
کرامى دست اختيار يکزه دشمن الله و ير مش اولور سکزدیدی) ابو
سفيان وسائر کار کذران دشمنان بو خبر مدهشه دن متحير اولوب تدقيق
حال ضمنده (عکرمه) بن ابى جهلى بنى (قريظه) خيمه کاهنه اعزام
واشبو (بورالده زياده جه اقامت اولنسى زخيره نك ازالسنى بادی
وفقدانى قوت مقابله يي مؤدى اوله جعندن بعد از ين بوراده بر مدت
دها توقف اولنور ايسه دوچار ضعف اولينيله جغى قرائن حالدن
درکار اولغله يارين على الصباح بالا تفاق هجومه سواد نام اسلامى
صحيفه عالمدن نابود ايدلم) قرارينى اعلام ايدوب (يارين جعه ايرتسى
اولغله شريعت موسويه احکام بجه تعطيل امور اولنقى مر اسم دينيه مزدن
اولديغندن قطع نظر اشراف (قريش) واعيان (بنى غطفان) دن
برقاج کسنه حصار استقرار يوزه کوند رلديكى حالده بازار کونى دخی
بزدن استمداد اولنسه حصول مراد يکز غير ممکن اولوب مطلوب بزم اولان
ذواتى ارسال ايتد بجه بزدن معاونت مأمول ايتيه سکر • زيراسزدن
روى رجوع اراده اولنور ايسه بزم جمله مز مقبول تبغ اسلام اوله جغمن
محتاج برهان اولديغندن ذوات مطلوبه يي همان شمديدن ارسال
وايجابى تقديرده بزي ميدان مبارزه سوق وايصال ايدک) جوابى
اله رقى رهين يأس و حرمان اولديلر • افراد (احزاب) بو خبر استماعندن
رهين اضطراب اولوب على الانفراد مقاله (نعيمى) رضى الله عنه
تصديق ايدر کيهوديلره (خاطر يکزه تبادرايدن كيفيت قبول اولنور
بر تکليف اولديغندن نه سزلردن استمداد کارزار ونه ده طالب اولديغکن
کسانى پايد دامگاه حصار ايدر ز • فقط بزم رجوع ايديه حکم متصور
ومملکتلر يمزده تنها نشين گوشه راحت اوله جغمن مقرر اولغله سزلر
اشکجه اسلاميانه گرفتار اولوب جزای سزا کزى بولوک) خبر ينى ارسال
ايلد کلرندن يهوديلر نقض عهد ايلد کلر يچون کريسان چاک ندامت

و افاده (نعيم) رضى الله عنه تصديق ايله رهين حيرت اولديلر • انتها)
حسب الحکمة تدبير دلپذير نعيم (رضى الله عنه) موافق تقدير
(خدای) کریم اولديغندن اشراى کفار بر قاچکون دها امر محاربه
ومحاصره به ابتدار ايدوب ولکن مدافعه مؤمنينه تاب آور تحمل واقتدار
اوله مدقلرندن شيرازه نظام ثبات وانتظاملری پريشان وتار و مار
اولدى • اثنای محاربه ده (حيان) بن العرفه (سعد بن معاذ)
رضى الله عنهم الحله (انسانك ييله کننده بر طمردر که اکرياره لنور سه
صاحبى وفات ايتد بجه قانى منقطع اولماز) طمرينه براوق اصابت
ايتد ير ديکندن بلا انقطاع قان افعه باشلديغى ومشار اليه بوجريحه سبيله
ترك حيات مستعار ايديه جکنى اکلا ديغى جهته (الهى ايام جاهليتده
بمله هم لحم ودم مثابه سنده ايکن شيدى بنى حبيب محترمک حضورنده
ججیل ايدن (بنى قريظه) قبيله سنک دلخواهم اوزره تربيه اولد قلربنى
کور بجه رحلت ايتما مک خصوصى در کاه عز تکدن نياز ايلرم)
سياقنده واقع اولان دعاسى تمام اولقسز ين جريحه ساعدندن جريان ايدن
دم منقطع اولوب وجود زخم آلودينه حيات تازه کلمشدر • مدت محاصره
يکماهه مقرب اولد قده جناب (فخر الرسل عليه الصلوة والسلام) افنديم
او جکون او جکجه مسجد فتحده { اللهم منزل الكتاب سريع الحساب
اهزم الاحزاب اللهم اهزمهم وزلزلهم وانصرنا عليهم } دعا سنده مشغول
اولوب او ججى چهارشنبه کونى بين الصلواتين بشره منوره لرى کلکون
نماى بشاشت اوله رقى مسجد شريفدن خروج ايله (اى اصحاب اتم
اشته بو حرکت کفسارک نهايت بر کونيدر که بوندن صکره ممالک اسلامى
استيلا ايتلری غير ميسر واهل ايمانک ممالک مشريکنى تسخير ايديه جکلرى
امر مقرر در) يولنده شکر پاس بشارت اولمسيله لطيفه آتیه الذکر سرزده
ظهور اولمشدر • لطيفه • اقشام ايله ايکندى اره سنده بر فورتنه
دهشت نما ظاهر اولوب خيام کفارى در آن ساعت بر هو ايتدى • حتى هبوب
ايدن قصر عه روز کارنک شدتندن عيون مشر کين بر يرنى کور مامک
راده سنه کلد يکنه وکاسه اميدلر ينى اوانى شيرک نمونلری کي سر نکون

ایلدیکنه بناء { نصرت بالصبا واهلکت عاد بالدور } حدیث شریفی
 شرفسوح ایتش وروز کار مشروحک غلبه تأثری عرق واعصاب
 کفاری حلیه ماسکه دن مهجور ایلشدر • انتها) بوخلالده عساکر احزاب
 جنود مجنده رو حانی وعلایم هولناک آسمانی صدالرینی استماعدن
 رعشه باب اضطراب اوله رق هریری جان قورقوسیلله بر طرفه
 صاوشدیغندن جهیت دشمن تار وماروا جنحه جنود علویه مصادمه سیله
 بین السماء والارض حاصل اولان صدا و تکا بیر ملا اعلادن روی زمین
 دوچار تزلزل و حرکت اولمشدر • کما قال الله تعالی { یا ایها الذین آمنوا
 اذکروا نعمه الله علیکم اذ جاء تکم جنود فارسنا علیهم ریحما و جنودا
 لم تروها وکان الله بما تعملون بصیرا } اشبو آیت جلیله نک معنای منیفه سی
 «ای مؤمنلر یوم احزابده دشمنکزک کلی عساکری کلد کده الله تعالی
 انلری اوزریکزدن دفع ایلدیکی نعمتی ذکر ایدک • بزاول کافرلر
 اوزره روز کار و ملائکه عساکری کوندردک (که انلریاسزملا نکه بی
 کورمز ایدی) الله تعالی سزک خندق قازمه کزی و مشرکک هجوم
 و محاربه سنی کور یجیدر) دیمک اولور * لایحه * اگر چه بو حالک
 وقوعی حضرت (رحمة للعالمین صلی الله علیه وسلم) افندیمرک عصر
 شریفلرینه تصادف ایتمامش اولسه ایدی • اجزای ارضینک منجمدر
 اوله جنی غیر مستور و اشبوغزاده (۱۰۰۰) نفر ملائکه نک اجنحه بسط
 نزول اولدیغی مبسوطات کتب سیرده مقید و مسطوردر • انتها) آنف
 البیان قارغشه لقدم آوازه هولناک آسمانیدن دشمن حیوانلری زمام
 و پیوندلرینی شکستله طاغله طاغله قلزندن و علی زعم الکفار
 وقوعی نامتصور اولان حال متوحشه مذکوره ظهوریله افراد احزاب
 بردقیقه بیله توقفه تاب آور تحمل اوله مدقلزندن سفائن وجودلرینی
 ساحل سلامته ایصال ایتک هواسیله فراره قرار و بر دیلر • حتی سر قافله
 دشمن اولان (ابوسفیان) دوه سنک کوستکنی حل ایتکسزین
 اوزرینه بنه رک دوشه قالقه رهیمیای وادی کریز اولمشدر • اول شب
 دشمن سوزده جناب (کاشف الدجاء علیه تسلیات الوری) افندیمر

سجاده نشین طاعت و عبادت بولندقلزندن محافظه خیمه نبوی
 نو بنده بولنلر تأثیر برودت و شدت مجاهده و ضجرت ایله بی مجال اولوب
 هریری بر طرفه چوکوب قالمشرایدی • (فخر الانبیاء صلی الله علیه وسلم)
 افندیمر بر مقدار نماز قیلد قدنصرکه «ایچیکز ده عجبای کیمدر اول
 کسنه که جمعیت احزاب مقر کاهنه کیدرک مطلع اوله بیلدیکی احوال
 اعدایی بکا اخطار و بوکا مکافات اولمق اوزره روز حشرده بنم ایله
 برابر کلزار نغمده کشت کنار ایده) خطایله نوبت کنار اولان اصحابه
 ایصال سفیرندایوردیلر • انجق تأثیر سرما و توافر جوع طاقت فرسادن
 رد جوابه مقتدر اوله مدقلری جهته تکرار نمازه باشلیوب بر چوق
 رکعت ادا سنندنصرکه بنه سابق و جهله خطاب ایدوب جواب اله منجه
 اسملرینی ذکر ایله اوج دورت صحابه چاغردیلر (که بودعوتی استماع ایدنلر
 «خدا و رسولنه اعتصام ایدرز که دنیائک الصوغوق و قرا کلق
 وزیاده سیله مشقتلی اولان کیجه سنده بریمزدن بزی دپرمه سین) اعتذاریله
 اجا بتدن تغافل ایلدیلر • بالاخره بالکز (حذیفه الیمانی) رضی الله
 عنهی چاغردقلزندن «ایک یارسول الله) دیه رک حضور همایونه
 داخل اولدقده «یا حذیفه) رضی الله عنه) دعوتی استماع
 ایدر اولدیغک حالده اجا بنده تغافل و امتناع ایتکه سبب ندر) نهجنده
 ایرا دیوریلان سؤال همایونه مشار الیهک «یارسول الله غلبه سرما ایله
 آجلق طاقتسزلکندن اثنای مکالمده وجودیمک طمرلری ایله سیکرلری
 لرزان اولوب دیشلرمک صدای تضاربی طویلولور درجه ده اولسی مانع
 اجابت اولمشدر) بولنده و بریدیکی جواب موجب تبسم اولسیله
 اللهم احفظه من بین یدی و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه
 و من تحته { دعاسیله رأس و سینة مشر الیهی مس پیوردیلر • که ظاهر
 و باطنلرنده غلبه سرمادن خوف و خشیت و شدت جوعدن فقدانی طاقت
 اثری قالمدیغی متبیین اولغله «یا حذیفه) رضی الله عنه) استخبار حال ایچون
 جمعیت احزاب حیه کاهنه کیدوب فقط هیچ برینه زباند رازلق ایتمایسین)
 اراده حکمتعاده سی شرفصادر اولدیغندن مشار الیه مجمع اعدایه غریمت

و افراد دشمنی غریق بحر حیرت کوروب بر آماج التده اختیار جلسه
توقف و احوال کفریه کسب و قوف ایدرک (عکرمه) نک (یا اباسفیان •
سن رئیس القوم ایکن عسا کری میدان حیرتده برا غوبده دوه نک
دیزندن پای بندینی چوز مکسزین بنوب فرار ایدر سنین) دیمسینی
و ابوسفیانک هزار شرم و حجابله دوه دن اینوب حل پیوند ایلد کد نصکره
(ای قوم ارتق بو محله اقامته قدر تمز قالمدی • بر آن اقدام جانکزی
قور ترک • زیرا بنم بردقیقه ده اکلمکه محالم قالمشدر) دیوبده قاچسینی
و دشمن عسا کری نک یکسره فرار ایلسینی و اثنای عودتده تصادف
ایلدی یکی بر طاقم اجسام غریب الهیا کل نورانیه نک (یا حذیفه الیمانی
(رضی الله عنه) خلاصه الکوین (علیه الصلوة والسلام) حضرت تدرینه
معلومات ویر (که حضرت حق (جل شانہ) اعدای دینک شیرازه
مجموعه جمعیتی پریشان و تار و مار ایلشدر) دید کلرینی کلوب حضور
(سید البشر) ده صلی الله علیه وسلم تقریر ایلد کده ذات عالی نبوی
مبارک دیشاری کورینور جه سنه تبسم بیورمش و دندان مبارکری
اره سندن بر نور ساطع الظهور نمایان اولمشدر • بیت) بلا طوفانه صبر
ایلین مانند نوح آخر • چقر دریای غمدن بر کاره روزگار ایله) اشبو
سفر مسعدت اثرده اصح روایات اوزره (۶) شهید ویریلوب (۴) نفر
مشرك تلف و هلاک ایلشدر • {عجزه} خندق حفرینه باشلا ایلدیغی
اثناده جناب (جابر) رضی الله عنه (سید الافاق) علیه الصلوة
والسلامک زیر نطق سعادتلرنده اوج عدد طاش کورد کده و بونی اوج
کوندنبر و پرشی تناول بیورلمدیغیله استدلال ایدرک بر مدت اشکریز
اضطراب اولدقد نصکره خانه سنه عزیمت ایدوب مالک اولدیغی کوجک
بریکی اوغلاغنی ذبحله انبارنده بولنان برصاع (اولجک دیمکدر)
ارپه اوننی یوغورده رق زوجه سیله بالمقاوله ذات عالی نبویه نک تشریفنی
استرحام و اخضار ایلدیکی اطعمه بی اعلام ایلد کده (یا جابر)
رضی الله عنه بو طعام کثیر و طیب اولوب فقط بزکجهیه قدر تجره نک
آتشده و نافع زک فرونده براغلمسینی صاحبه البیتکره امر و تنبیه ایله

بیور دقد نصکره خندق اها ایسنک کافه سنی بردن آلوب ضیافتخانه
مشار الیهی تشریف و مبارک لعاب سعادتلریله نان و بریانی مزج ایتد کدن
و درگاه الهیه دن استدعای فیض و برکت ایلد کد نصکره صحابه
کرامک (۱۰) نفری بر سفره ده اوله رق اطعام اولمشینی امر و تکلیف
بیور دقلرندن خندق اها ایسی جمله اطعام و فضله سندن همسایه له
دخی انعام و اکرام اولمشدر • {عجزه دیگر} (بشیر بن سعدک)
زوجه سی (که بنت رواحه در) خندق حفرنده بولنان زوج
و برادرینه ویرملک اوزره کریمه سیله کوندرمش اولدیغی بر آوج تاز
خرمای جناب (فخر الرسل صلی الله علیه وسلم) افندیمن مخزن بر واحسان
اولان ید عالی اسعدلریله بر مندیله آتته وضع ایدرک بالجمله غزاة مسلمینی
اطعام بیور دقلری حالدینه ذکر اولنان بر آوج خرمای ترباقی قالمشدر •

مقاله {۶} ❦

❦ بنی قریظه غزاسی بیانده در ❦

اهل ایمان خندق وقعه سنده بولنان جمعیت اعدای عون و عنایت
حقله پراکنده و پریشان ایتلمری اوزرینه هربری دولخانه لرینه
چکیلرک کوشه کیر استراحت و (خواجه هر دو سرا علیه افضل
التحایا) افندیمن دخی خلوتخانه ❦ صدیقہ ❦ رضی الله عنهایه
تشریف بخش رغبت اولوب بدن متین مسعودلرندن لباس ظفر التباس
سفریه سنی بالاخراج تطهیر غبار معرکه به مشغول اولدقلری خلalde
(جبریل امین) اجنحه بسط نزول اولوب «یا رسول الله خندق
غزاسنده معاونت اسلام ایچون نزول ایدن ملائکه کرام هنوز آسمانه
صعود ایتما مشلر ایکن سزک لباس سفریه بی اخراج بیور مرکز غیر
لایقدر • زیرا جناب (حق) سزک یهود (بنی قریظه) ایله
مقاتله ایتکزی • و بنمدخی قلوب اعدایه القای خوف و هراس ایتک لکمی
امر و فرمان بیورمشدر) دیوب حصار بنی (قریظه به) متوجهها
تحریک جناح استعجال ایلش اولدیغندن شهریار سریر آرای نبوت
(علیه افضل التحیه) افندیمن مطیع فرمان خدا اولنلرک ایکندی نماز بنی

حصار بنی (قریظه) ده ادا ایتمی لازمکدیکنی اعلان و سنجاع
 شریفی جناب (حیدر) رضی الله عنیه احسان ایدرک و بدن
 مطهره بن اسلمه اخلاص و توکل ایله تزیین ایله رک اسب (حلیف)
 صبارفتاره سوار و پیشرو غزاة ابرار اوله رق سمت مقصود طرفته
 توجه ایلدیلر • و بولده کیدر ایکن قبیله (بنی النجار) ک الحاقیله
 (۳۰۰۰) کشیدن مرکب بر آوردو تشکل ایتمش و حصار مذکوره
 مواجهه سنده بر محله مواصات ایدوب صلوة (عشا) و قته دکن عسکرک
 کاملاً آرقه سی انمشدر • (که عسا کرک برفرقه سی) (ایکندی) نمازی
 حقنده شرف تعلق ایدن امر و اراده نبویه بی مبالغه یه جل ایله وقتک
 حلول ایلدیکی موقعده ادا و برفرقه دیگری دخی رعایت نهی ایله (بنی
 قریظه) حصاری ساحه سنده قضاء ایلمش اولد قلرندن ایکی طرفک
 دخی اجتهاد لری رهین قبول اولمشدر • یهودیلر ایسه جله دن اول
 (حامل لوای ظفر التوای سعادت) اولان پیشرو قافله ولایت
 (کرم الله وجهه) بی کور و ب اغز لینه کلان چرکاب شتم و ترهات
 ایله سوکوب صاعمش اولد قلرندن مشار الیه (صلی الله علیه وسلم)
 افندی می بالاستقبال « یارسول الله جانلرندن نومید اولان فجرة
 یهود اهل ایمانندن کورد کلرینه شتم ایده یورلر • یانلرینه تقرب
 یورمایکنر که شاید ترهات واقعه لزندن رنجیده خاطر اولور سکر»
 دید کده « یا علی کوکبه نبوت انلرک اغز لینی باغلیوب قاعده آداب
 مخالف بر حرف سویلمز» جوابی بالایراد مقابله حصاره شتابله
 {یا اخوة القردة والخنازیر اخراکم الله وانزل بکم نعمة انزلوا علی حکم الله
 ورسوله} نهجیله خطاب یوردیلر • (که اشبو خطاب سطوت
 مآلدن یهودیلرک دیلیری طوتولوب «یا ابا القاسم ما کنت جهولا
 ولا فحاشا) جوابندن غیری برسوز سویلکه قادر اوله مدقلرندن کلبرک
 خاطر همایون عرقریز حجاب انفعال واضطراب اولغله دست مبارک لرنده
 اولان مزراق و دوش سعادت لرنده بولنان ردای شریفه لری سقوط
 ایلشدر • لکن (سعد بن) وقاص رضی الله عنه بوحالی مشاهده

ایتمسیه تیر انداز لغه مبادرت و اشغال نأره مبارزت ایلدیکندن موحدین
 سائر دخی درکار مشاجره و محاصره اولدیلر • مدت محاصره
 (۲۰) کونه وارد قده یهودیلر کندولرنده قدرت مدافعه و مقاومت
 کوره مامکله نقض عهد ایلد کلر یچون تمامی جزای سزازی اجرا اولنمده
 شکنجة موحدین دن خلاص اوله میه جقلرینی اکلا یوب بر رمقدار جزوی
 اشیا ایله محال بعیده نفی ایلد لری نی رؤسای قبیله دن (قیس) بن نباشی
 واسطه سیله سده سنیه (سید الانبیا علیه افضل التحایا) یه عرض
 ایدوب مشاهده روی قبول و مساعفه ایده مدیکندن ماللرینک بتون
 بتون توقیف سیله یا لکز اولاد و عیال لری اولق و کذلک اوزاچه بر بلده یه
 طرد و تبعید قلمق نیازینی (قیس) سالف الذکر ایله اعلام ایلدیلر
 ایسه ده { لا الا ان تنزلوا علی حکمی } جوابی ویرلش اولدیغندن
 جله سی رهین یئس و حرمان اولوب رئیس فساد اولان و اولکی
 معاهده ایجابی اوزره کندی استکیله (بنی قریظه) حصارنده مکین بولنان
 حی بن اخطب قبیله مذکوره افرادینی جلیله حلقه بند استشاره
 اولد قده کعب بن اسد برآه سرد چکوب « ای معشر یهود بودام
 بلادن تخلص مرغ حیات ایلک اوج امرک برینی قبوله متوققدر که
 بونک بری نبوت محمدیه بی (علیه الصلوة والسلام) تصدیق ایتمکدر •
 زیرا (تورات) شریف آیتلرنده تشریف اشارت بیوریلان (بنی) ذیشان
 بو ذات حقایق بیان اولدیغنه شبهه قالمشدر • چونکه قدمای
 اخباردن ابن (جواس) اخر زمان نبیسنک مدینه منوره بی تشریف
 بیوره جقلرینی بعد التبشیر اکا متابعت خصوصنه سرعت اولنمسی
 اسلافزه امر و تنبیه ایله « اکر وفات ایدوب زمان سعادت لرنه ایرشمک
 دولتندن محروم اولور سم پیشگاه سامیلرینه بنم سلامی ابلاغ
 ایده سکر » دیومن سلف الی خلف سپارش ایلدیکی جله کزک
 مضبوط جزدان حافظه سیدر « دیدی • اشرا ی یهود (ای
 کعب بونه خام بر تکلیفدر که بزی دین اخره رغیب ایدرسین) جوابله
 نبوت (محمدیه) علیه الصلوة والسلامی تصدیقندن امتناع ایلد کلری

جهنمه « باری اطفال و عیالمزی کندی قلنجلری مزله قتل ایدرک
بلافتور مدافعه به غیرت ایدلم • اگر مقتول تیغ اسلام اولور ایسه ک
اولاد و عیالمزی اسیر نیجه مسلمان ایتماش اولور ز » دیوده
(بز هلاک اولد قد نص کره ناموس جاهلانه مزنی ملاحظه ایله
کندی اولاد و عیالمزی قتل ایتماش و اگر چه کماکان حیاته قالور ایسه ک
اولاد و عیالمزی قتل ایلدی کمز جهنمه دنیایی کوزیمزه زندان ایلش
اولور ز) جوانی الدقه « بو کیجه جعه ایرتسی کیجه سی اولق
مناسبتیه اسلام عسکری بزنی محکوم (تورات) یلوب آسوده نشین فراغ
وراحت و غافل مهاجته اهل عداوت و خصومت اوله جقارندن نصف
الیلده بالمهاجته جمعیتلری پریشان ایدرک دغدغه مخصوصه دن امین
الساحه اوله لم « دیشدر • کعب بن اسدک اشبوا و خبی رأبی دخی
رهین تحسین و قبول اولماغله (یا کعب زمان سلفده جعه ایرتسی
کونی توقیر ایتماش ک تبذیل صورتله رزیل اولد قلری معلوم کز ایکن
یوم سبتی نه جرأته تحقیر ایده یلور ز) دیوب زمان جاهلیته رفیق
صدیق لری ایکن مسلمان اولان (ابولبابه) انصاری رضی الله عنہی
جلبله طریق بجانبک اندن استفسار ایدلمسه قرار ویرلمسیه عتبه سنیه
پیغمبریدن مشار الیه کوندرلمسی نیاز مند اولد قلرندن استند غاری
رهین مساعفه اولوب مشار الیه کوندرلمشدر • (کد بالجمله رجال
ونسوان و اطفال اهل حصار مشار الیه اتکلیتیه صار یلوب ناخن
حیرت واضطر ابله صاچلری بی یوله رق یا ابالبابه (رضی الله عنه)
معارفه سابقه حقوقی اضاعه ایتماک اوزره یو طوفان هولناک قضادن
ذورتی حیاتمزی قنخی یوصله تدبیر ایله ساحلرس سلامت ایده یلور ز »
دیدیلر • و خیلوجه یالواروب یا قاردیلر • مسالیه « فرمان جهان
مطاع همایونه تسلیم اولق اوزره انکرا انداز لجه اطاعت اولمقدن بشقه
چاره سی اوله ماز » جواب قطعیمسنی اعطا و پریشانی حالربنه
مرحمة من غیر قصد پر مقلریله بوغازینی ایما ایدوب صحرای اطاعته
نزول ایلد ک لری حالدیه ییله مقتول تیغ انتقام اوله جقارینی تصریح

ایلمشدر • بالاخره سهوا صدور ایدن خطا سنه مطلع اولد یغندن
شعوری منسلب اولوب « ایواه خدا ور سولنه خیانت ایلدم »
دیه رک و حسب الحجاله حضور اقدس نبوی به دخی اوغرایا میوب دست
ندامتله سینته دو کدرک مدینه به واروب مسجد نبویه الیوم لم هذه
اسطوانه ابی لبابه { عباره سیله مشار بالبنان اولان ستونه آغری
زنجیر آهنین ایله باغلنوب مشغول استغفار اوله رقی عنایت خداوند
ذوالجلاله سرنمای منصف ظهور اولد قه زنجیرینه کشایش ویرمدی •
حتی نماز و قتلری حلولنده زوجة عفیفه سنه زنجیرینی جوز دیروب
بعد ادای صلوة مر یو طستون استغفار اولغی معتاد ایلد یکندن زخم زنجیر
ایله قول قلری ایشتمز و کوزلری کورمز اولدی • بو کیفیت حضرت (اشرف
الرسل صلی الله علیه وسلم) افتدیمزه عرض و افاده اولند قده « اگر بزدن
استشفاع ایتسه لری ایدی • خطای واقعه لر یچون عفو الهی خصوصنده
استغفار اولنوردی • لکن فیما بعد عفو اولنسی روزگار عنایت سبحانیه
وزانته وابسته در یوردیلر • بیت » کشاد کاری اولور لطف حقه
وابسته • اوکسه کیم اوله سر بیج آستانندن) بر قوله (۶) جی و قول
آخرده (۱۵) جی کونی توبه سی درگاه عزتده قبول و عفو کاه التفات
عالیه سیله مشغول بیورلد یغی حضرت (جبریل امین) واسطه سیله
خبر ویر ایدکنندن دست مرحت پیوست نبویه ایله زنجیری حل اولندی •
الحاصل افراد (بنی قریظه) مدت مدیده محاصره ده قاله رق
و طریق نجاتی بوله میهرق استراسترباب حصاری کشاد و جله سی
بردن سینته صحرا به دو کولوب عرض شعار تسلیمی و انقیاد ایلد کلرندن
کوجلو و قوتلو اولنلرینک اللری ارقه لرینه باغلند یرلمش و نسوان
و اطفال و اشیا و اموال لری نک امر محافظه سی (عبدالله بن سلام)
رضی الله عنہ تفویض قنوب مستعد حرب اولق اوزره (۴۰۰) و علی روایه
(۷۰۰) و بر قوله (۹۰۰) یهودی اسیر ایلد یکی کبی (۱۵۰۰)
قلنجله (۲۵۰۰) سپر و (۳۰۰) زرهله (۲۰۰۰) مزراق و حد و حسابدن
و مخازن او هام استیعابندن خارج اشیای بیوتیه ایله امتعه سائر و حیوانات

کثیره متوجه اغتنام اولمشدر دست بسته اولانلرک اجرای ایجابی
تصور بیوریلور ایکن (اوس) قبیله اسلامیه سی «یارسول الله» بنی
قینقاع طائفه سی ابن سلولک رجاسیله عفو اولنوب ننی ایله مجازات
بیورلدقلری کبی یونلرکدخی اولوجهله تربیه ایدلملرینی رجا ایدرن
یوللوحده مبالغه بی تجاور ایدرجه سنه استرحام ایلدکلرندن «ای وجوه
العشیره بودعوانک فصلی یعنی اسرای بنی (قریظه) حقنده ایجاب ایدن
مجازاتک ترتیبی ایچیکزدن برذات حق شناس عهده سنه حواله اولنسه
راضی اولور میسکن» نمکنده صادر اولان اراده وحضار طرفندن قبول
اولنسی اوزرینه اول ذات راستکونک سعد بن معاذ (رضی الله عنه)
اولدیفنی بیان وجلب واحضاری خصوصنی امر وفرمان بیوردیلر
مشارالیه سالف الذکر خندق غزاسنده ابن عرقه نک زخمدار تیری اولوق
وبناء علیه حربه اقتداری اولماق حسبیه غزای (بنی قریظه)
شرفندن محروم قالمش وکیفیت ارتحال حسب الحکمه مشاهده
زوال (بنی قریظه) یه معلق بولمشیدی شرفصا در اولان امر
وارد همایون اوزرینه اوسیلردن برقاچ صحابه مدینه یه عزیمت ومشار
الیهی بر حیوانه ارکابا عودت ایدوب حضور سعادت نشور رسالته دخول
ایلدکلری ائنده (سلطان چاکر نواز) افندیمن اوسیلره خطابا {قوموا
لسیدکم} بیورمش اولدیفندن (بنی عبد الاشهل) مشارالیهی استقبال
وکیل توقیر واحترامله دیوانخانه محمدی یه (علیه الصلوٰه والسلام)
ایصال ایلمشدر بوا ائنده اوسیلرک «یا سعد (رضی الله عنه) داور
اریکه نشین رسالت (علیه اکمل الخیمه) افندیمن بنی (قریظه) یهودیلرینک
مستحق اولدقلری جزاتک صورت ترتیب وتحدیدی خصوصنده
ذاتکزی توکیل بیوردقلرندن افراد مر قومه ایله درکار اولان معارفه
سابقه مزی اضاعه ایتماکزی نیاز ایلرز» دیماری ومشارالیه صدد
جوابده (بنم تنسیخه سزدخی راضی اولوب هیچ بر وجهله اعتراض
ایتماکه عین بالله ایدر میسکن) سؤالی ایراد ایلنسی اوزرینه طائفه اوس
اولصورته قبول ایلدکده آداب رعایه (یابوطرفده اولنلر نه بیوررلر)

دیوب استیجازه رخصت همایون نظریله جانب سنی الجوانب (سلطان
رسالته) عطف نظر ایلمشدر (بالا نشین سریر علین) صلی الله
علیه وسلم افندیمن (یا سعد سنک رأیک بنم نزد مدده دخی قبول اولنور)
سیاقیله اعطای اجازت بیوردقده «بو حکمی مادامکه بوفقیه حواله
ایلدیکز بنسده بلا تا خیر اسرای سلسله بندک ذ کوری قتل اولنق
ونسوان واطفاللری اسیر قلمق واموال واشیالری بین المسلمین تقسیم
بیورلمق خصوصنی حکم ایلرم» دیدکده (داور اورنک شریعت علیه
اسنی التیمه) حضرتلری «یا سعد اشیوا جهادک حکم تقدیره توافق
ایلدی» مقاله سیله جواهر پاش تحسین اولدقد نصرکه مدینه منوره یه
عودت و ذکور اسرای (اسامه) بن زید رضی الله عنهم خانه سنده
ونسوان واطفال (رمله) بنت حارث رضی الله عنهم منزله حفظ
واسکان و ذ کوری (حی) بن الخطبه برابر اولدیغی حالده بر کون بر کبجه
ظرفنده جناب (مرتضی) و (زید بن العوام) رضی الله عنهما وساطتیه
اعدام و بی جان ایتدیریلوب لاشه لرینی حفر ایدیلان خندق مخصوصه
انداخته دفع ثقلت اولمشدر «استطراد» کعب بن اسد قتل اولنق
اوزره جلب اولندقده یا (کعب) ابن جواسک سزه (نبی باحق جنابنی
تصدیق مسارعت و حکمه متابعت ایتکی اقصای سعادت بیلوب
بنم سلامی اکاتبلیغ ایدک) یولنده اولان نصیح و پندندن تعجدرکه
(متصح اولمیوبده بیابان ضلالتده قالدیکز) سیاقنده ایراد بیوریلان
سؤالا عالی یه «یا ابا القاسم (صلی الله علیه وسلم) اگر کعب (خوف جانله
دین موسویه بی ترک ایددی) دیوبیهودک اعتراضی مانع اولسه ایدی بحق
(تورات) شمدی مسلمان اولوردم نچاره کدبوملاحظه مانع قبول اولمشدر»
دیدیکندن انکدخی قتلی اراده بیورلمشدر «تم الاستطراد» بونلرک
خدمت اعدا ملری رسیده حد ختام اولدقده اطفال ونسوان وامواللری
غیر از خمس پیاده لره (برر) و آنلور (ایکشر) ویرلمک اوزره تقسیم اولنلر
عقار و املاک دأر اولنلری رضای انصار ایله مهاجرینه توزیع وتملیک
بیورلمش ومملو که حریم نبوت اولان حریم خانه بنت عمرو عصمتسرای

مناحه به الحاق بیورلیق مراد یله آزاد اولوب لکن مشار الیه اختیار
ملوکیت ایتد یکندن تیر رجاسی هدف رس اجابت و قبول اولمشدر •

﴿مقاله﴾ {۷} ﴿﴾

﴿ابن معاذ﴾ رضی الله عنہک وقعة ارتحالی بیاننده در •

حضرت (سعد) رضی الله عنہک ارتحالی حقننده اولان دعاسی رهین قبول
وزوال (بنی قریظه) مشاهده سی التفات عالیسیله مشمول اولمق
ود لحواه سامیسی اوزره آفتاب حیاتلری زوالرس ممت بولمق حسبله
بیله کنده اولوب التیامپذیر اولان جریحه سی تازه لته رکینه اولکی
یرندن قان آغقه باشلیوب وجه شریفلر نده اماره ارتحال رونما اولدقده
سروخوش خرام باغ بلاغ (صلی الله علیه وسلم) حضرتلری دولتحانه
مشار الیهی تشریف و سر مسعود مبارک لری زانوی التفاته وضعله
تلطیف بیوردیلر • تشریف عالی هما یوندن مشار الیهک ضعیفی مبدل
خفت و بوی نفس نفیس محمدیه بی (صلی الله علیه وسلم) استشمامله
مظهر حیات تازه وقوت اولوب وجه سعادت نبوی به امرار دیده
حیرت و یواشجه یواشجه ﴿السلام علیک یارسول الله انی اشهد انک
رسول الله بلغت الرسالة ونصحت الامة﴾ عباره سنی قراءت ایدرک
باشنی تأدبا زانوی سعادتدن ایندیرمشدر • اول چاره ساز بیچارگان
امت (علیه افضل التحیه) حضرتلری حال سعدی (رضی الله عنه)
مشاهده و دودست مبارک لری کشاده بیوروب ﴿الهی ذات احدیتیکی
ورسولکی تصدیق ایدن وهر بر سوزنده کذبی اختیار ایتمین (سعد)
قولک دین مبین اوغرنده نوجهله فداکارلق ایلدیکی محاط
علم شریفک اولمغله روحنک دولتسرای فردوسه ایصال
بیورلمسنی رجا ایدرم ﴿دعاسنه مشغول اولدیغی و مشار
الیه جمال (محمدی) به (علیه الصلوة والسلام ناظر) بولندیغی
حالده رحلت ایلشدر • ﴿استطرد﴾ (سعد بن معاذ) رضی الله عنہک
مرغ روحی آشیانه وجودندن پرکشای کلزار نعیم اولدقده حضرت
روح الامین مجلس ملائک انیس همایونه اجنحه بسط نزول اولوب

﴿یارسول الله﴾ (سعدک) رضی الله عنه مرغ روحی سمت جنانه
متراهی اولدیغی اثناده ابواب سموات آچیلوب کمال احترام و توقیر ایله
سمای عرش الرحمانه ایصال و تابوتنده بولتوب نمازینی قلیق اوزره
روی زمین (۷۰۰۰۰) ملک انزال بیورلدی ﴿دیمشدر • تم الاستطرد﴾
بوندن صکره داور خطه هر دوسرا (علیه افضل التحایا) حضرتلری
(سعد) رضی الله عنہک امر تبیهیز و تکفیننی دست رحمت پیوست
کریمانه لریله ایفا و مرکب تابوته بالارکاب کافه صحابه کرامله
(رضی الله عنهم) بقیع شریفه قدر تشییع ایدرک جنازه سی
نمازینی ادادن صکره مطموره خاک عطرناکه القا بیودیلر •

﴿مقاله﴾ {۸} ﴿﴾

﴿بلال بن حارث مزنی﴾ رضی الله عنہک اسلامیتی بیاننده در •

اشبوسال سعادت فالده (حارث ابن مزنی) قبیله سی ذکورندن
(۴۰۰۰) نفر هدایت رهبرله خواجه مکتب ما اوحی (علیه افضل
التحایا) افتدیمزک حضورینه یوز سورهرک داخل دائرة اسلام
اولوب مدینه منوره به هجرتله سلاک عالی مهاجرینه منسلک اولمقلغی
استرحام ایلدیکندن ﴿هرنه محله بولنسه کزینه جریده مهاجرینه
قید اولنور سکر﴾ جواب عالیسیله وطن قیدملرینه اعاده قلمشدر •

﴿فصل﴾ {۶} ﴿﴾ (در بیان وقایع) {۴} سنه هجریه •

﴿مقاله﴾ {۱} ﴿﴾

﴿محمد بن مسلمه﴾ رضی الله عنہک سربیه سی بیاننده در •

سنه مر قومه شهر محرمنده مدینه به یدی قوناق بعدی اولان (ضریه)
نام موقعه ضرب خیمه نزول ایدن (بنی کلابی) پراکنده ایلک اوزره
(محمد بن مسلمه) رضی الله عنہله اوتوز نفر صحابه اعزام بیورلمشدر •
مشار الیهم برکیجه یاریسی مقررگاه اشقیایه هجومله کیسنی القای جاه
بوارو کیسنی مجبور بیابان فرار ایدرک (۱۵۰) دوه ایل (۳۰۰۰)
قویون اغتنامیله معاودت ایلدکلری خللده مکه به کتمکده ایکن
دردست اولسان (بنی نضیر) سر قبیله سی (ثمامه بن اثاله) بی

مر بوطا احضار حضور ایلدک کردن مشار الیه داخل عداد اهل ایمان اولوب قید اسارتدن رها اولمشدر * حکمت * اراضی مکرمه مکده استعداد زراعت مفقود اولمق و اهالی حرم محترم هر حالده نواحی نجدیه محصولاته محتاج بولمق حسبیلہ سالف الذکر ثمامه (رضی الله عنه) ارامگاهنه عودت وتضییق قریش ایچون مکده زخیره کوندر مامک خصوصنه حصر نفس اقدام وغیرت ایلشیدی * اهالی مکده ورود زخیره دن محروم اولوب سده سنیه نبویه وضع بجای ثمامه (رضی الله عنه) دن باعر ضحال اشتکا و مشار الیهک منع مدخله سنی استدعا ایلدک کردن رجاری رهین مساعفه اولغله ایجابی اجرا قلمشدر *

مقاله { ۲ } عکمل و عربن وقعه عجیبه سی بیاننده در *

(عربین) قبیلہ سندن اسلام اولان بر طاقم ادب سز لک مایه اصیلہ لری ایجابی اوله رق مدینه نک هواسی مزاج شرک امتزاجلرینه توافق ایتمد یکنندن تبدیل آب و هوا ضمیمه چراگاه حیوانات همایون اولان و (قبا) توابعانندن بولنان (ذوالجدر) نام موقع هوادارده تصحیح مزاج ایللری امر و اراده بیوریشیدی * محل مر قومده برقاج کون ظرفنده افاقت بولوب خیانت جبلتلی اقتضاسنجہ جلہ سی بردن مرتد اوله رق صلی الله علیه وسلم (۱۵) رأس صاغیلور دوه سنی سرقتله فرار ایلدک لری حیوانات محافظه سنه مأمور اولان (یسار) نام غلام فداکار آکلایوب استرداد جلاله غیرت ایلدی ایسه ده مشار الیهک اللرینی وایاقلرینی قطع ایدرک و خانه چشماننه دیکن طولدیره رق شهید ایلدک لری سامعه خراش (سیدالاکخیار) اولدقده (کرز بن جابر فهری) رضی الله عنه معیتله کوندریلان (۲۰) نفر سواری ایلہ اول خائن بی دینلر همان دردست ایدرلمش واولبابده سطوت بخش نزول اولان * انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا ویصلبوا و تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف * آیت جليلة سی مفاد کریمی اوزره (یسار) مشار الیه قصاصا جلہ سی

بردن قتل واعدام ایدلمشدر که معنای منیفی (شول کسه لکه الله تعالی ورسولک دوستلریله محاربه ویریوزنده قطع طریق و غارتله فساد ایدرلر انلرک جزالری) (اگر آدم قتل ایدوب مال اخذ ایتدیلر ایسه یالکز قتل اولمقدردر) اگر (قتل و اخذ مال دخی ایتدیلر ایسه هم قتل هم صلب اولمقدردر) اگر (یالکز اخذ مال ایدوب قتل ایتما مشلر ایسه صاغلر لریله صول ایاقلری قطع اولمقدردر) دیک اولور *

مقاله { ۳ } وقعه غزای صلح آرای حدیده بیاننده در *

اول دست کیزنده جسم ناسوت و چشم بیننده ملک ملکوت (علیه الصلوة والسلام) افتدیمز حضرتلری سنه مر قومده او آخری خلا لنده بر کیمجه علی طریق الرؤیا * واقعه * (مکه مکرمه بی بالتشریف ادای عمره ایلدکدن صکره مفتاح حرم بیت الحرامی بدعا لیلرینه المش واصحاب کرامک بر طاقی باشلرین تراش ایدرک دیگر طاقی صاچلرین قرقرش) اولدیغنی کوروب علی السحر اسباب سفریه نک تدارک اولمق امرینی ویرمش اولد یغندن و چونکه نیت همایونلرنده داعیه جتک و حرب اولد یغندن یالکز برر سیف الدقلری واصلح نقول اوزره (۱۵۰۰) نفر دن عبارت بولند قلری حالده سنه مر قومده غره شهر ذی القعدة سنده مدینه دن نهضت وازواج مطهراتدن * ام سلمه * رضی الله عنہای پیراهه زیب خیمه رفاقت بیوردیلر * مرحله (ذی الحلیفه) ده (بدر) غزاستده اغتنام اولوب سالار قافله انبیا (علیه اکمل التحایا) افتدیمزک حصه سنه اصابت ایدن ابو جهلک دوه سی برابر اولمق اوزره تفریق و صحابه کرام قربانلری سوروسنه ترفیق اولنان (۷۰) رأس دوه نک امر محافظه سی (ناجیه) بن جندب اسلمی رضی الله عنہک عهده نظارتنه تفویض ایلدکدن واحوال قریشیه بی تدقیق و تبسلسل ضمیمه (بشیر بن سفیان) خراعی (رضی الله عنه) ایلرو کوندردک نصرکه جلہ سی بردن احرام بند نیت اولوب منزل مذکور دن حرکت و (ذی الاشطا ط) وادیسنه ضرب خیام مواصلت ایلدیلر * اشبو منزلده (بشیر بن سفیان) نمایان اولوب قریشک

سودای ممانعت اوز ره اولد قلرین و قبائل سائر امداد یله (ذی طوی)
مرحله سنده صف بسته مقابله اولوب (۲۰۰) نفر ریاست یله خالد
ابن ولید یله عکرمه بن ابی جهلی طلیعه صور تیه (کراع النعیم)
موقعه کوندرد کلرین عرض و افاده ایلمش و بونک اوز رینه بولند قلری
یولک صاغ جهته اماله زمام مطایا اید لمشدر • (خالد) بن ولید حجاج
مسلمینک غبار صلابت آثار لرین کور مسیله رفاقتنده بولنان ملاعین ایل
فرار و کورد کلری هیبت موکب اسلامیانی ذکر و اتیان ایل فرقه مشرکینی
رهین حیرت واضطرار ایلد یلر • اردوی اسلام (ثنية المرار)
مرحله سندن گذار ایدر کن تنها سوار میدان لامکان (علیه صلوٰة
الرحمن) حضرت لرینک رکوبنه مخصوص اولان دوه چوکوب و تحریک
واقامه سنه اقدام و الحاح اولند بجه بر لشوب برندن قلداد لمسی درجه
امکانی تجاوز ایلد یکنندن و رکاب قرتاب رسالت خدمه سی (غالباً
قصوائک یوریمکه محالی قالمشدر) دید کلرندن رمز آشنای مسئله
حقیقت (علیه افضل التحية) حضرت لری {قصوا رکوب خاصه
نبوی به مخصوص اولان دوه نک اسمیدر} ذاهب اولد یفکر درجه
ضعیف اولوب لکن اصحاب فیل طیور ابا بیل ممانعت یله حرم محترمه
دخوله مانع اولان جناب (رب العالمین) حکمة قصوائک دخی کعبه
معظمه جانبته عزیمته اعطای رخصت یور مامشدر {جواب حکمت
ایجابی بالا یراد (حدیدیه) ده کائنات قلیل الما بر (قیو) کارنده تعطیل
رکاب عزیمت یور لمشدر • {عجزه} بوقیونک آب موجودی حیوانات
مسلمینی اسقا و اروایه غیر کافی اولسی و صوسزلق ملا یسه سیله سده
سدره سای رساله عرض اشتکا اولمسی اوز رینه سرور اصفیا (علیه
ازکی التحایا) حضرت لری تیر کشلرندن بر اوقی چیقروب (ناجیه) بن
جند به (رضی الله عنه) احسان و اول بر بی آبه القا اولمسی فرمان
یور دیلر • خد نک سرور عالم صلی الله علیه وسلمک صفای صفوت
وصلت یله بر مذکور قعرندن بر ذلال صافتهاد انفجار ایدرک کافه مؤمنین
وخیول غزاة دین مبینی رحلت اردوی همایون کونه د کین اسقا وریان

ایلمش • دیگر • بونیه بوسفر مسعدت اثرده لوله اعجاز و مقسم جو بیار رحمت
(خدای) بی انباز اولان انا مل نبوتنهایلرندن بر نوع آب لذیذ دخی
صفوتنمای مجرای ظهور اولمشدر • انتها) بعده حسب الاراده (خراس
بن خزاعی) رضی الله عنه مجمع قریشه عزیمت و نیت همایونده حرب
ایتمک داعیه سی اولوب یالکز زیارت بیت علیا قصد یله اختیار
سفر یورلد یغنی بیاتله ایفای سفارت ایلوب لکن سفهای
قریشه مشارالیهک سفارتنی قبول ایتمه رک بلا موجب اذیت
ایلد کلری جهته بر تقرب اللرندن قورتیلوب رومال حضور
و بونلره حرب اولند بجه مکه یه دخوله چاره بوانسه میه جغنی افاده یه
مجبور اولمشدر • فخر عالم (صلی الله علیه وسلم) حضرت تاری نیت
زیارتله کلدیکی جهته اهل مکه نک مانع دخول اولما لرینی حکیمانه
بر صورتله اشراب ایچون جناب (عمر بن الخطاب) رضی الله عنهمک ایفای
سفارت ایلمسی تصور یوروب فقط مشار الیه «یا رسول الله اغور
همایونکرده جان و یرمک جائمه منت اولوب انجق اعلائی کلمه (الله) ضمننده
کفره قریشه مقاتله ایتمکده اولدیغم انلرجه دخی معلوم و بونلرک هر بریسی
بنم دشمن جانم ایدوی امر مجزوم اولغله مراد وحی اعتیاد عالیر لری
حرب اولنمقسزین زیارت ایکن سفارت چاکرانه تم تصویب یورلد یغنی
تقدیرده انلر طرفندن ارئه اولنه جق بی ادبک عرق حیت فاروقیه می
تحریک ایده جکی و آتش خصومت یکی باشند علو کبر اولوب حد اعتدالی
تجاوز ایلیه جکی متبادر خاطر اولسنه مبنی بوامرک برغیری قولکره
حواله یورلمسی رجا ایدهرم «دیمش و اعذار صحیحه سی قرین قبول
اولوب اهالی مکه ایله قرابت و الفت کامله سی اولان (عثمان ابن) عفانک
(رضی الله عنه) خدمت سفارتله مجمع قریشه عزیمت ایلمسی امر و اراده
یورلمشدر • مشارالیه آلدیغی امر اوز رینه حرم محترم دائرة عالسنه
عزیمت ایلد کده اهل حریمک بیوی و کوچکی شرف یمن قدومندن
ممنون اولوب لکن ایفای سفارته شروع یورددقه «یا عثمان بیانی
صددنده اولدیغک کیفیت اوزونجه بر مسئله اولدیغندن وانک حل

وتمیزی ایسه خیلوجه برمنازعه به محتاج ایدو کندن آتی برغیری
 وقته تأخیر بیورک (که غریض و عمیق محبت ایدلم • چونکه ذاتکرله
 رابطه قرابتدن بشقه حقوق الفت وموالاتمز دخی اولمغه کوزیمز جمالکه
 وقولا غمز کلامکه مشتاق اولدیغی ومدت مدیده دنبرو روی دلارای
 بیت علیایه آرزو حکمکه اولدیغک ظاهرا غیرخنی بولند یغی جهته
 هله برکرة طواف کعبه بی سعی ایله صفایاب فیض زیارت اول) کبی برطاقم
 سوزارله ایفای مراسم مهمان نوازی به درکار اولدیلم •
 مشار الیه قصد زیارت کعبه ایله ارتکاب مشاق سفرایدن قافله
 سالارنورهدایعنی جناب خیرالوری (علیه افضل التحایا) افتدیمز حضرت تدرندن
 اول نائل مرام اولمقدن تأدب ایتمکله • بیت (بن کم تا ایله یم سبقت
 او عالی جاهه کیم • کیمسه یوقدر سبقت ایتمش آکه مخلوقاتدن)
 مفادی اوزره اعطای جواب ایلدیکندن هرله قریش خجیل وشرمسار
 وکوستردکلری معامله خوش آمدیدن بیزار اولوب جناب (ذی النورین)
 رضی الله عنہی برقاج کون قدر کوز حبسیله تضییق ایلشاردرد • مشار
 الیهک مظنون اولان مدت ظرفنده عودت ایده مامسی وقوع شهادته
 دائر برطاقم اراجیف شیوعنی مستلزم اولدیغندن * بیعت الرضوان *
 وقوعبولش یعنی اراجیف متواتره مرآت قلب همایونه ایراث غبار
 انکسار ایتمکله مرحله مذکوره ده کائن (سدره) یاخود (سمره)
 اغاجنک سایه سنده تسلیم جان ایدنبجه به دکین مقاتله اولمق شر طیله
 بیعت ایدیلرله اقوای اقوال اوزره اشوبیعتی جله دن اول (ابوسنان) اسدی
 (رضی الله عنه) اجراو (جد) بن قیس قبول بیعت کیفیتندن ابا ایتشدر •
 حضرت دستکیریکسان امت (علیه افضل النحیة) افتدیمز حصول اللرینی ذات
 والای رسالتینا هیلری طرفندن وصاغ اللرینی (ابن عفان) رضی الله عنه
 طرفندن اولق اشارتیه «بودخی افتاده دام مشرکین اولان (عثمان)
 رضی الله عنہک بیعتدر» دهرک مشار الیه جاندندن بالوکاله ذات سامیلری
 طرف واضح الشرفندن بالاصاله اجرای بیعت بیوردیلر • بوصورتله
 وقوعیافته اولان بیعت ابرار سامعه خراش فرقه کفار اولدقده جله سی

بردن رهین خوف وهراس اولوب جناب (عثمان) رضی الله عنہی
 حرمت ورعایت فوق العاده ایله اعاده حضور سید الناس (علیه الصلوة
 والسلام) ایلشاردرد • خزاعی قبیله سنک داخل حصار ایمان اولیا نلری
 دخی طرفدار سید الارار (صلی الله علیه وسلم) اولمغه حرکات
 قریشیه بی همه آن سده همایونه عرض و بیان ایدرلردی • برکون قبیله
 مرقومه افرادندن (بدیل بن ورقاء) ایله برقاج کسنه مظهر شرف
 مثول اولوب صورت دوستی اوزره قصد وامل جناب رسالت پناهیه بی
 استفسار ایدرک جانب (قائد کتیبه هدی) (علیه الصلوة والتحایا)
 حضرت تدرندن «یابدیل آرزوی زیارتله اختیار سفر اولمشیکن اظهار
 خصوصت ایتمکده اولان خذله قریش بزى اشغال ناره قتال ایتمکله تحریکه
 غیرت وبوجهته کندی راحتسز لقلرینی دعوت ایلدیلم • یوقسه بزم المنز
 بر مدت استراحت اولمق اوزره سزکله عقد مصالحه ایدرک قبائل سائر
 ایله محارب اولق ایدی • معاذ (الله) تعالی مغلوب اولورایسه ک قریشیلر
 بلا کلفت نائل امل اولور • واکر غالب اولورایسه ک قریشیلر دخی اسلام
 اولور • یاخود کفر و عناد اوزره قالب زمان صلحده مسترح بولنورلر
 ایدی • لکن اگر اسلام اولیوبده کفر اوزره مصر قالورلرایسه (خدای
 بیزوال) حقیچون جله سنی تلف ایتمکجه کوشه نشین فراغ اولم
 جوابی آلدقد نصکره رخصت سید الوراء ایله عودت ومحفوظ جزدان
 حافظه سی اولان کلمات حکمت آیات همایونی ذکر واتیانه مشابرت ایله
 فریقین بیننده اولان ظلام مخاصمه مشعل کش مصالحه اولمغه غیرت
 ایدوب فقط «ای بدیل» سن جانبداری (محمدی) علیه الصلوة والسلامه
 مشهور اولان برطاقفه دن اولدیغک جهته هر نه کی سویلر ایسه ک
 خالی عن الغرض دکلدرد • زیرا (حرب املنده دکلدرد) دیدیکک (محمد) یلر
 (صلی الله علیه وسلم) بزى الدائمق املنده اولمقدقاری ندن معلومدر •
 اگر چه صحیحاً حرب ایتمه جک اولسه لر ایدی • یوقدر ازدحامه ام
 القرایه طالب دخول اولمازلردی • بزجه ممانعت اولنما مقده بین القبائل
 ناموسسز لقلدن غیرى نه فائده حاصل اوله یلور • کبی سوزل اداره سیله

افاده (بدیل) بن ورقایی رد و تکذیب ایلد کد نصکره تدقیق حال
ضمتمده رؤسای قبائل مجاوره دن (حلیس) بن هلقمه بی درگاه نبوت
پناهی به ارسال ایلدیلر • حلیس مذکور خیمه سعادت متقرب اولوب لکن
خیام اصحاب کرام اطرافنده بولتان قربانلق دوهلک مشاهده سیله ایستی
اکلایوب خاکیای سعادت یوز سورمکسزین عودت و منظوری اولان حالی
بیانه مسارعت ایلدی ایسه ده سفهای قریش قانع اولیوب (سن عاقبت
اموری فهم ایتمز اعرابی سین • زیرا اماره جنک و اشاره حیلی فرق
و تمیزه قدر تک یوقدر) که کلمات نا مجربکه اعتماد اولسون • سنک رأی
و تدبیردن خیر مأمول ایدن کسه لر حقنده و خامت عاقبتدن بشقه بر فائده
امید اولمز) دیلمرینه حلیس طرفندن «ای سفهای بی اندیش قریش
کعبه علیایی زیارت آرزو سیله کلمش اولان زوآره ممانعت ایلمک اوزره
سزه متعهد دکل ایدک • بوند نصکره اگر محمدیلره (صلی الله علیه وسلم)
مانع اولور ایسه کز معلوم کز اولسونکه بزده انلره معاونت ایدرز» جوابی
ویرلد یکنندن سفهای قریش سویلدکلرینه نادم اولوب طریق مدارایه
دو کوله رک «ای حلیس آتش عارایله شعوریمز محترق اوله رق نه درجه
پریشان اولد یغمزی ییلور سنک ز حال یأسده صادر اولان جنحه
جزویه دن مغیر اولوب بزنی برقا تدها دغدغه اضطرابه دوشورمه •
بلنکه برایکی کونه قدر موافق امل بر حال ظهور ایدر» صنیعه سیله
حلیسک کوکلنی آلوب بروجه سفارت (عروه بن مسعود) ثقیفی
درگاه والای رسالت پناهی به ارسال ایلدیلر • (عروه بن مسعود
رومال حضور اولوب «یا محمد (صلی الله علیه وسلم) بر طاقم بی دار
ودیار کسه لری باشکه جمع ایلد کندی قبیله کلک او جاقلرینی سوندلر می
مراد ایدر سین • قبائل عربده کیمی کوروب و کیمی طویدک (که قومندن
آریلوب وطن قدیمی اها لسنی هلاک و اتلاف ایتمک داعیه سنده اوله
یوخسه (ذی طوی) منزلده تمجشد اولوب مکده د خولیکنه مانع
اولان (بنی عدنان) پهلوانلرینی قولایلقله دوزاغه دوشرمی ظن ایلدک •
حالا باشکده بولتان درمه چاته کیمسه لردن سکا بر فائده حاصل اولماز •

زیرا حربه مبادرت اولنسه بولنرک هر بری بر جانیبه فرار ایدوب سنی دشمن
النده تک و تنها براغورلر (دیمسی حضرت (صدیق) رضی الله عنه
آغز کلد یکنندن بین العرب غایت مذموم اولان {امصص بظرامک} ضرب
مثلتک لاجل المبالغه (امک) لفظنی (لاته تغیر ایدرک) (امصص بظ
اللات) یعنی (لات دیدکلری بوتک فرجنتک کوچک دیلنی ام) ای بی ادب
بزم بوآنه قدر اغور هما یونده درکار اولان فداکار لغمز ظاهر و فیما بعد
دخی جمله من جان سپارلغه مهیا و حاضر ایکن بزنی فرار ایدر می ظن
ایدرسن) جوابی ویردی • واشبو مقالة سینه سوزایله (عروه بن) مسعودک
جکر کاهنی دلدی ایسه ده ایام جاهلیته (۱۰) رأس دوه اعطاسیله
(عروه) بی پروادی هولنلک دیندن قورترمش اولدیغندن بالضروره
هضم ایلد «یا بن ابی قحافه بولایقسن سوزلری اقد مجله اولان ایلوکیکه
متابله ایدلم» کبی بر جواب بر اضطراب اعطاسیله مجمع قریشه عودت
ایدوب «اگر بکا اینانورسکز (محمد) ک (صلی الله علیه وسلم) لندن
قورتللق اوزره برآن اول عقد معاهده و مصالحه به مسارعت ایدک •
چونکه اغور سعادتنده جان و یرمک اصحاب کرامی نزدنده عین نعمت
اولدیغنی اکلام زیرا (محمد) علیه السلامه اولتان انقیاد و اطاعتی سطوت
واجلال و شوکتلری مشهور افاق اولان کسر اوقیصر کبی اعظم
سلاطینده کورمدم که اصحاب کرامی فم محسن عالیلرندن صدور
ایدن امری در عقب اجرا و حضورنده صوت خفیفله مکالمه به اعتنا
ایدوب حتی ابریق وضوسندن تقاطر ایدن قطراتی آب حیواندن عزیز
تریلورلر • و بر موی ناچیزی اوغرینه جان و یرمکی ارز و ایدرلر
دیدیکندن اسلوب حکیمانه اوزره ازاله خصومت و تصحیح مزاج
مصلحت مصالحت ایلمک ضمتمده (سهیل بن عمرو) طیب خسته
دلان عالم (صلی الله علیه وسلم) حضرت تلرینک درگاه فلک اکتاه
سامیلرینه اعزام ایلدیلر • (سهیل) مذکور بارگاه اسمان سان خواجه
جهانیانه دخول و کمال نیاز و استرحامله افاده مافی الضمیر شروع
ایدوب «سنه آتیه ده قضا اولنلق اوزره سفر حدیده ده ایفای حج

اولنماق • وائناي حجه قريشيلر بر طرفه چكيلوب اوچگون اوچكجه
زوآر اسلام طرفندن زيارت • واشبو مصالحه به (۱۰) سنه قدر رعایت
اولنق و قريشيلردن اسلامه و كذلك اسلامياندن قريشيله مراجعت
ايدنلر قبول قلمق شروطينه عقد مصالحه به قرار و يرلمشدر • دز بوده
محبت (سيد المرسلين) اولان قبيله (بنی خزاعه) افرادی شرط
اخيري فرصت عدايدرك (بنی بكر) قبيله سی افراديله برابر همان
مجلس مذكوره قريشيلردن رو كردان و داخل عداد اهل ايمان
اولديلر • شروط مصالحه نك بريدخي قريشيله و ليلرينك اذني
اولدجه تلقين ايمان اولميوب بالعكس اسلامدن اولوبده معاذ الله ارتداد
ايدجك اولنره ممانعت اولنماق و بوشروطيالكز قريشه مخصوص اولغله
شرط معهوده اخيره دن قبائل سائر مستثنا طوتمق ماده لری اولوب
شرطين مذكوره تينك شق اخيري طرف سهيلدن مطلوب و حسب الحكمة
نزد عالي طيب القلوبده مرعي و مرغوب اولديغي جهته جناب فاروقك
(رضي الله عنه) «يا رسول الله سن مبعوث بالحق بنی مطلق دكيسين •
ونبوتكي تصديق ايدنلر طريق حق و صواب اوزره اولوب دشمنلر بمن
بطلان يولنده دكيدر» • بچنده تجاسر ايراد اولديغي سؤاله
{بلي يا عمر} بيورادقده «اويله ايسه قريشيله بودرجه مساعده
بيورلقد حكمة ندر» ديككه {يا عمر} بن (خدای) جهان آفرينك
بربنده فرمانبري يم • و بنم هر بر ايشيم مقتضاي وحي ايله دركه
بومصالحه ده نيجه نيجه فوائد حكمت عوائد مضمر اولديغندن بوصورتله
قرار كير اولان مصالحه دن ملول اوله كيم هر برسوزم نيجه مقصودي
مستوجب اولغله ان شاء (الله) تعالى يقينا واصل كعبه آمال اولورز •
جواب حكمت نصابي اعطا و مشاراليه بوجوابدن متسلي اولوب رنك
اعتراضيده ايراد ايلديكي اسله و خامتدن خوفله بر نيجه مدت
استغفار و تضرعه دوام و ملازمت ايتكه اعتنا ايلديلر •

لا يجه

حديثه مصالحه سنك افكار قريشه اوزره منعقد اولسي اگرچه اذهان

اهل غفلي تخديش ايدر بر صورتده واقع اولوب لكن سالف الذكر خندق
غزاسي اختلاط و آميزش طرفينه پرده كش ممانعت اولديغندن عيون اهل
مكه بيدري ساحه نماي وقوع اولان (عجرات) باهرات و خوارق عادات
نبويه و نونو مسعدت بخش صحايف نزول اولان (ايات) بينات قرآنيه بي
مشاهده ايدمه مز لردی • فقط مهندس (كارگاه حكمت) اسلام
ايله قريش ميانه سنده اساس افكن قنطره صلح و مسالمت اولوب آمد
شد طرفينه برجاده مستقيم آچدقده بوي اخلاق (محمدی) (عليه الصلوة
والسلام) مشام ادراك قريشيه بي تعطير و نور عجرات نبوي ديدمه كج
بين لريني تنوير ايتككه پياي كلوب اسلامه مشرف اولغله باشلديلر
كه بعد الصلح فتح مكه تاريخه كنجه قدر (كه برسنه كامله در) بومدت
ايچنده اسلام اولنلر ابتدای بعثتدن وقوع صلحه دكين كذران ايدن
(۱۹) سنه ظرفنده شرف اسلامه مشرف اولنلردن ازيد اولوب
مدت مذكوره اثنا سنده داخل عداد اهل ايمان اولان ذواتك كيت مقداري
غير معلوم و فتح عظمای (مكه) دن صكره ايسه حرم محترم اهالي سني على
الانفراد دلبر نعم ايمان اولدقلى تاريخ آشتايان زمان عندنده برامر
مجزومدر • انتها) بالاده نكاشته تفصيل اولان شروط اوزره قرار كير
اولان معاهده اقتضا سنجه تسطيري لازمكلان صلحنامه نك خدمت
كاتبته مأمور بيوريلان (على المرتضا) رضي الله عنه لفظ شريف
(بسمه) ايله بدأ اولنسي امر و اراده بيوريلوب انبجق (سهيل بن عمرو)
بوصورتله بدأ اولنسنه زباند راز اعتراض اولوب «بزم عند مزده
بو تعبيرا ته اعتبار اولنما مغلّه من القديم مستعمل اولان (بسمك
اللهم) عبارة سيله ابتدا اولسون» ديد يكدن و اولبا بده نزاع
اولنق بي فائده ايدو كندن او لوجهله ياز ديرلد قدن صكره
{هذا ما صالح محمد رسول الله} مقاله شريفه سنك تسطيري
تصويب كرده طبع همايون اولوب فقط سهيلك بوكادخي لب كشاي
اعتراض اوله رق «يا محمد (صلى الله عليه وسلم) اكر سنك رسالتكي
اعتراف ايتاش اولايدي بومصالحه به حاجت يوغيدي» ديمسنه جناب

فائمه طومار خلقت وخاتمه كتاب نبوت (عليه اجل التحية) حضرت تلي
 {ياسهيل بنم آينه رسالتمده رونما اولان صورت حقيقت اهل هدايته نمايان
 اولديغندن سرك انكار يكر برشي مفيد اوله من} مقاله سني افاده وصحيفه
 مباركه صلحنا مده دن رسول الله لفظ شريفك حكيكه يرينه مجله
 اوصاف نبويه لرندن اولان رسول الله اسم مباركنك تحريريني اراده
 بيورديلر • علاوه اهل مطالعه عندنده غير خفي اولديغي
 اوزره اول پادشاه سرير آراي {وما ارسلناك} وشهنشاه ديهيم افزاي
 {لما خلقت الافلاك} (عليه وعلى آله الصلوة والسلام) افنديمر
 حضرت تليينك بين الانام معروف ومشهور اولان تام نامي سعادت
 اتساملري (محمد) وكنيه سينه نبويه لري ابو القاسم اولديغي كبي
 لقب سامي عالي لري شمس الدين وسرلوحه رساله اوصاف
 جناب رسالتناهيلري عبد الله ابن عبد اللهدر (كما قال الشيخ
 عبد الكريم الجيلي قدس سره الجلي في الباب الموفي ستون من كتاب
 المسمى بالانسان الكامل في معرفة الاواخر والاوائل اعلم حفظك الله
 ان الانسان الكامل هو القطب الذي تدور عليه افلاك الوجود من اوله
 الى آخره وهو واحد منذ كان الوجود الى الابد الابد بن فاسمه الا صلي
 الذي له (محمد) وكنيته (ابو القاسم) ووصفه (عبد الله)
 ولقبه (شمس الدين) صلى الله عليه وسلم • معنا سي انسان الكامل
 في معرفة الاواخر والاوائل نام كتاب صحت نصابك مؤلفي اولان
 شيخ (عبد الكريم) الجيلي قدس سره الجلي حضرت تلي كتاب
 مذكورك تمام التمشجي ببنده بيورركه (انسان كامل اوليه
 برقطبدر كه وجود افلاك اولندن آخريته دكين انك اوزرينه دوران
 ايدر كه انك اسم اصليسي (محمد) وكنيه سي ابو القاسم) ووصفي
 (عبد الله) ولقب (شمس الدين در صلى الله عليه وسلم) ديمك اولور
 {عجزه} خليفه دبیرستان ولايت (كرم الله وجهه) حضرت تلي
 (يارسول الله قبل الهيه دن تخصيص بيورلمش اولان عنوان عالیشان
 رسالتكزي تغيير ايلك بنم حدم دكلدر) نهجيله ابراز مر اسم آدابكاري

اتمكله هيچ بروقتده مبارك يد عالي نبويه لرينه قلم المامش اولان خواجه
 مكتبخانه ماوحي (عليه افضل التحايا) حضرت تلي دست مر تضادن
 (رضي الله عنه) لوله عجزه ريز قلمي آلوب بالذات رسول الله
 لفظني محوايله يرينه عبد الله لقب شريفني ترقيم ومشار اليه
 «يا علي بومقوله محو واثبات قريبا سنكدي صحيفه احوالكده
 وقوعبولسه كر كدر» سياقيه وقعه (صفيني) ايما وتفهم بيورديلر •
 • بيت نهادنده جلي كون ومكانك سر مستوري • ضميرنده عيان لوح
 قضائك راز پنهاني • وجه مذكور اوزره صلحنامه تحريرو ذيلنه
 اشراف انصار ومهاجرين ايله اعظم قريش اساميلري تسطير اولنوب
 ايكي طرفك محافظه شروط ومعاهديه دقت ورعايت ايتسي التزام
 قلمسيله برابر سهيلاك اوغلي ابو جندل (كه اقدحجه اسلام اولمق جهتيه
 مرتد ايلك اوزره پدري برطاقم ذكرى ناروا اشكنجه طاقت فرسايله
 زنجيره با غليب داخل مكده مستحكم بر محبسه القايلشيدى • ايادي
 مشركين دن ياقه سني قورترمق اوزره محبسدن فرار • و (بيت)
 يا مال اولمش سر كويك هواسيله كوكل • يولده زنجيرين سورر ديوانه
 شكلن كوستر) مفاديني ناطقه زيب تكرر ايدرك معسكر مسلمينه
 عرض دخالت ايلديكندن معاهده نك شرط اخيري احكامي اوزره
 پدري سهيل مشار اليه ضبط وربطه جانب (ام القرايه) كنورمش
 وخلال عودتمده مشار اليه «اي اهل ايمان بحمد الله تعالى داخل
 عداد اسلاميان اولوب وبو روز فيروزي غنيمت يلوب دست
 مشركين دن قور تليشيك بن يينه ايادي كفاره اعاده ايتكزرواميدر»
 مأليله صحابه كرامدن استمداد ايلديسه ده ملتجاي دلسوخته كان
 عالم (صلى الله عليه وسلم) حضرت تلي «اي ابو جندل مصالحه به
 هنوز قرار ويريلوب طرفين دن نقض عهد اولنماق ضميرنده مقاوله
 وعهده وفا ايتماك بزر ايچون اويه ميه جغندن محبت دين قويم
 اوغرنده برقاچكون دها جفاي مشركينه تحمل ايله (كه عن قريب
 نائل امال اولور سين) سليفه سيله مر همپاش تسليت اولديلر • وغالنه

جنگ وجدالی بر طرف قیلد قدن وتیمنا تراش اولد قدن صکره
سر سعادتلرینک هر بر موی عنبر بویینی عموم اصحاب تمامی اقبال ایله
استصحاب و پیرایه کلهکوشه رغبت وانتخاب ایلدیلر. اشبو مصالحه نیک
خلاف مأمول بر صورتله ظهوری حکمتدن متخیر بولنان موحدین
وجه مستون اوزره تراش اولمسی و قربان کسلسی حقنده متعاقبا اوج
دفعه سائحه بروز اولان امر و فرمان جناب رسالتینا هی به امثال
ایده مدیلر. کیفیت سر جریده انبیا (علیه اجل التحایا) افندیمر
* ام المؤمنین * ام سلمه رضی الله عنهایه بیان ونهایت مرتبه متأسف
اولد قلیرینی ذکر و اتیان پیوردیلر. مشارالیها «یا رسول الله اصحاب
سعادت استصحاب بکرتک دائره اطاعتدن تجاوز ایتلمی غیر ممکن اولوب
فقطه مموللری خلافتده اوله رق رونمای وقوع اولان صلح ماده سی
جمله سنک شعورینی سلب ایتلشدر. چونکه بونجه زماندر حسرتکش
وصالی اولد قلی عروس نازنین لقای حرم محترم هنوز عرض رخساره
وصلت ایتلشکن آره لرینه بر دیوار مصالحه چکدیکجی جهته ثمره
نهال حیرتلی اولق اوزره صادر اولان میوه حرکات ناپخته لرندن
تلخ دماغ اولیوب ده اجرای مرامه مبادرت پیوریلور یعنی بالذات
تراش اولوب ذبح قربان ایدیلور ایسه صحابه کرامک بالتابعه موافقت
ایده چکلی محتاج تعریف دکلدرد. دیه رک مرآت تابناک قلب
همایونی غبار یأس و کدردن تصفیه ایتلش اولدیغندن علی الصباح
کون طوغد قده اول شکافنده قریعنی جناب (سید البشر) حضرتتلی
بالذات ذبح قربانه وضع سکین شروع پیوردق لرندن کافه اصحاب
بالاتباع ذبح قرابین و یکدیگرینی تراش ایتلکه شتاب ایلدیلر.
* حکمت * بر مقتضای شیوه حکم اکهیه اول اثناده وزان ایدن
روز کار رؤس شریفه صحابه دن (رضی الله عنهم) تراش اولنان
قیللی حرم محترم (بیت اللهه) سوقله غزاة دینک عمره لرینک قبول
پیورادیغنی ایما و اشعار ایتلسی موجب محظوظیت اولغله منزل
مذکورده (۲۰) کون قدر بعد الاقامه عودت پیورلشدر. انتها

اشبو منزلده اقامت پیورلدیغنی اثناده نسوان قریشیده دن (ابن کلثوم)
عقبه بن ابی معیطده اسلام اولق داعیه سی ظاهر اولغله قلوبی
شرك و کفردن وارسته اولان برینجه نساء صحیحه الاعتقاد ایله نازل
عز حضور (سید الانام) و اظهار حلیه اسلامیتله بکام اولد قلیرینی
مشار الیهانک برادری (عمار و ولید ابن ابی معیط استماع و بر موجب
معاهده استرداد لری املیه مجلس اقدس عالی به رومال اولوب
شرط اخیر مصالحه بی (صلی الله علیه و سلمه) بیان و اسماع ایلدی.
لکن «ای مؤمنلر دارالخریدن مؤمنه اوله رق هجرتله سزده نسوان کله
آنلری یمین و تجربه ایله امتحان ایدک (که هجرتلی مطلق اسلامه
رغبته لر یله میدر. یوقسه زو جندن کراحت یا برغیری غرض دنیویه
ایله میدر) آنلرک ایماننه الله تعالی سزدن اعلمدر. اگر سز آنلرک یمینلری
یا خود سائر اماراتله مؤمنه اولد قلیرینی پیورایسه کز آنلری کفاره
رد ایتلکز مفاد منیفی حاوی اولوب اولباید شرف نزول ایدن
{یا ایها الذین آمنوا اذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتنوهن الله اعلم
بایمانهن فان علمنوهن فلا ترجعهن الی الکفار} آیت جلیله سی
مفهوم کریمه توفیقا (ابن کلثومه) رقیقه لری (رضی الله عنهن) اعاده
پیورلما مشدر. (عمر الفاروق) رضی الله عنه سید البشر (علیه
صلوة الاوفر) افندیمرک (سهیل) ایله مکالمه لری وقوعه بولدیغنی اثناده
(سهیل) طرفدن اولنان تکلیف زد عالیده رهین قبول اولدیغنه دائر
بعض مرتبه اعتراض ایتلشدری. خلال عودتده بر کجه مشار الیه
اول صورتله مصالحه به قرار ویرلنک حکمتدن (۳) دفعه سائل
اولوبده جواب آله مامسنی حین مکالمه ده واقع اولان حرکات نابرجاسی
بادی اغبرار خاطر عالی اولدیغنه حل ایدوب کندی کندینه
(یا عمر) رضی الله عنه اثنای مکالمه ده اعتراض ایدیشک اشته بوه عامله بی
اقتضا ایتلشدر) یا خود (سندن صادر اولان وضع خام عذاب (ذوالجلالیه) بی
استلزام ایتلشدر که حقکده آیت مخصوص نازل اولدی) کی سوزلر
سویلیوب بی شعور اولدیغنی جهته ناقه سی بولدن صابدی ایدی.

ناگاه (یا عمر اجب رسول الله) صداسی واصل سامعه سی اولغله بلا توقف
 نائل شرف مشول ومظهر عز التفات وقبول اولد قده (یا عمر بندن
 حکمت مصالحه بی سوال ایلدیکک وقت بن اخذ وحی ایله مشغول ایدم.
 زیرا حضرت (جبریل) خزانه دنیا وما فیها بر تار کقدری بها سنه
 مقابل اوله میه جق درلو بر متاع نو ظهور اعلام وتنزیل ایلدی (دیوب
 سوره مبارکه) (فتح) شریفی تلاوت و ختامنده فتح (مکه) مکرمه بی
 بالتبشیر حضاره بخش تسلیت بیوردیلر. وحضار صحابه دخی ایفای رسم
 تبریک و تهنیه مسارعت ایلدیلر. سوره مبارکه فتحک سر لوحه سی
 اولان { انا فتحنا لک فتحا مبینا } آیت جلیله سنی مفاد میفندن بلده
 طیبه نک فتحی مراد بیور لدیغنی و صیفه ماضی اوزره وارد اولد یغنی
 جناب (انس بن مالک) رضی الله عنه روایت ایدوب فقط مفسرین عظام
 (رحمهم الله) اشبو سوره شریفه نک امور نافعه و فتوحات خفیه بی
 متضمن بولمسی حسبیه سر لوحه سندن صلح (حدیبه) { و مغنم کثیره
 تأخذونها } آیت کریمه منیفه سندن فتح قلاع (خیبره) بشارات
 خفیه لری اکلا شلد یغنی استخراج بیور مشلر. ومو کب همایون مدینه
 منوره واصل اولد قده اهالی مکه بر بر درگاه رأفت پناه رسالته یوز
 سوره رک اسلام اولغله مسارعت ایلشدر. (یت) عاشقان ناشکیبان
 بر دم آرام ایلز. کوی یارک سرفراز نده وطن ساز اولسه. ازان جمله
 (ابو بصیر عتبه بن اسید) ک بیت قلبی انوار خورشید هدایتله منور اولغله
 بر کون متوجه سمت مدینه اولوب اسلام اولد یغنه و بوا یسه مخالف شروط
 معاهده بولند یغنه بناء زهر بن عوف (احنس بن شریق و کوثر) نام ایکی
 غلامی (بنی عامر) قبیله سندن بر الخنی به ترفیقاً درگاه عالی صادق
 القوله (علیه التحیه والتسلیم) اعزام و بر مقتضای معاهده مشار الیهک
 کبرو کوندر لمسی عرض واعلام ایلش اولد یغندن ابو بصیرک (رضی الله
 عنه) بلا تردد اعاده سی اراده بیور لمش و مشار الیه (یا رسول الله بحمد الله
 تعالی نور ایمانله مشرف اولد یغم حالده ایادی مشرکینه تسلیم قلمقلغم
 لایه میدر) بولنده عرض نیاز ایلد کده (یا ابابصیر) (رضی الله عنه) بزم

قریشله نه صورتله مصالحه ایلد یکمزی بیلور سین. حالبو که نقض عهد
 ایله بیو فالق بزه غیر مناسب اولغله لازم اولان برقاج کونجکزد هاجفای
 مشرکینه صبر و تحمل ایدرک کفار ایچنده بولنان مسلمین سائر ایله عهد
 قریبه نائل آمال اولمندر) نهچنده بر جواب ویرلشدر. مشار الیه
 خواه و ناخواه ذکر اولنان کوله ره رفاقت و حرمین بیتنه واقع اولوب
 مدینه به جهت قریبتی اولان (ذی الحلیفه) مرحله سنه مواصلت
 ایلد کده بر دیو ارسایه سنه قعود ایله تناول طعامه مشغول اولوب
 اعمال ایلد یکی لطایف الحیل واسطه سیله الخنی عامر ینک سیفنی اخذ
 ایدرک بو غازیسه اوردیغندن الخنی مر قوم بو غازندن قانلر آقه رق
 درگاه معلا به عودت و بیان حال ایله عرض شکایت ایلدیک صره ده
 ابو بصیر (رضی الله عنه) دخی ظاهر اولوب (یا رسول الله عهده وفا
 ایدرک بنی انلره تسلیم ایتدک. فقط حق جل و علا حضرت لری بنی انلرک
 النده قومیوب بو صورتله آزاد بیور مشدر) دیمسیله حقنده (عجب حرب
 آتشی اشغال اید یچی کشیدره اگر امداد اولنسه) معناسنده اولان { و یله
 مسعر حرب لوکان معه رجال } حدیث شریفی پیرایه زیب بیان
 بیورلشدر. مشار الیه مقاله نبویه هم فرار ایتک و همده مکه ده اولان
 مؤمنلرک کندوسنه التحاق الیک اشارتی تفرس ایلسنه بناء در عقب فرار
 و ساحل دریاده واقع (عیص) موقعنده بالاختفا قرار ایلشدر.
 بو کیفیتک شیوعی (مکه) مکرمه ده بولنان اسلامک واصل سامعه لری
 اولد قده آز بر وقت ظرفنده ابو جندل ایله (۳۰۰) قدر اسلام ابو بصیرک
 باشنه طویلنوب آمد شد ایدن کاروان قریشی اوروب اهل کاروانی قتل
 و اعدام و اموال و اشیارینی یغما و اغتنام ایتککه قیام ایلدیلر. بو وقعه دن
 قریشلر مضطرب اولوب (ابوسفیان) بن حربی علی طریق السفاره درگاه
 عالی نبوی به ارسال و صورتی ز یرده محرر عرضحالی تقدیمه استعجال ایلدیلر.

✽ صورت عرضحال ✽

بعد الالقاب (اقد مجه کندی اقدام و ابرامزله مصالحه نامه به علاوه
 قلنان شرطلردن بری) که اسلامه التجا ایدنلری اعاده ایلک ماده سیدر.

شمدی بوماده نك معاهده نامه دن محو و تریلی رجا و موقع (عیص) ده
تجمع ایتمش اولان طائفة اسلامی جلبله دار الهجرة عالیارنده بالا قامه
اهالی (مکه) بی آنلرک دست تسلط و استیلا لرندن خلاص و تأمین بیورلسنی
ذات عالی مکار مکار یارندن نیاز و تمنا ایدر زو بعدا زین بز دن اولوبده
اسلام اوله جقلری منع و مداخله ایتیه حکمزی دخی نام (خدا) و صله رجه
یمین ایله عرض و افاده ایلرز • انتها • بالا نشین سریر عطا (علیه
الصلوة و التحایا) حضرتلری قریشک التماس واقعه سنی قبول ایدرک
محل مذکورده متحشد اولان اهل ایمانک بلده طیبه مدینه به عودت لری
امرنده برامر عالی تسطیر و ابوبصیر (رضی الله عنه) جانبته سوق
و تسیر بیوردیلر • مشارالیه حالت نزعه بولندیغی حالده نامه
همایون و اصل اولدیغی و اشبونا مة شریفی یوزینه و کوزینه سوره رک
تسلیم روح الیش بولندیغی جهته ابو جندل سائر مسالین ایله مراسم
تجهیز و تکفینی بعد الا یفا قبر منور لری قرینه بر مسجد عالی بنا سته
مسارعت و ختامنده جلله سی بردن دار الهجرة همایونه عودت ایلدیلر •

مقاله { ۴ }
ملوک اطرافه ارسال بیوریلان مکاتب بیاننده در

لا یحه • حرمین محترمین اطراف و نواحیستنده و اقالم بعیده سارده
فرمان فرمای حکومت اولان ملوک کوندلرملک اوزره صحیفه زیب
سطور اولان مکاتب علیه (بنمبر) به نك تصدیق بیورلدیغی وقت و تاریخی
بیان صدنده بالجمله ائمه سیر (رحمهم الله) اختلاف ایدرک بعضیاری
(۶) جی و بعضیاری (۷) جی سنه هجریه ده شرفوقوعنی روایت
ایلشدر • لکن مدققین ثقاتک روایات صحیحه لرینه نظرا اشبو مکاتب
شریفه محرره (۶) جی سنه هجریه او آخرنده قلمه آتیه رفق فقط (۷) جی
سنه هجریه اوائلنده کوندلرملش و یا خود دفعه کوندلرملیه رک ایجاب
ایلد بکه تحریر اولوب بعضیسی او اخر سنه سادسه ده و بر طاقی دخی
اوائل سنه سابعه ده یازیلوب محال لازمه به سوق و تسیر ایدلشدر
والله اعلم بحقیقه المال • انتها • چونکه پادشاه انبیا (علیه اکمل التحایا)

حضرتلری بالجمله انا می دعوت ایتک اوزره مبعوث اولد یغندن اطراف
و نواحیده صندلی نشین حکومت اولان ملوکک قلوبنی نور خورشید
ایمانله تنویر ایتک نیت همایونیه (۶) قطعه مکتوب دعوت اسلوب املا
و هر برینک برملکه سوق و اسرا اولمسنی مراد بیورمش و ملوک
عصرک مهر سز مکتوبه اعتبار ایتیه جکلری اصول متخذه لری ایجابندن
اولدیغی مراسم قوانین ملوکیه واقف و مطلع اولان صحابه طرفندن
عرض و اخطار قلنش اولغله زر خالص العیاردن بر مهر اعمال ایتدیر یله رک
زیور انکشت قر شکاف بیورلد یغنه مبنی مالک نصاب ثروت اولان صحابه لر
دخی علی طریق المتابعه بر آلتون مهر اید نمشدر • ایتسی کونی
حضرت (جبریل) نزول ایدرک امت محمدک (صلی الله علیه و سلم)
ذکورینه آلتون مهر طاقق حرام اولدیغی تبلیغ ایلد یکنندن حضرت
سید الا تقیا (علیه اشرف التحایا) مبارک پر مقلندن مهرینی اخرا جلله
انداخته بیابان بیورد یغندن اصحاب کرام دخی اولصورتله مهر استعمال
ایتمز و دست رغبه لرینه زردن معمول خاتم طاقمزل اولدیلر • مؤخرا
حضرت سید ستوده نسب (علیه صلوة الرب) کومشدن معمول
بر خاتم اوزره (محمد رسول الله) عباره شریفه سنک حکنی فرمان
واوامر محرره سالف البیانک تمهید قلنسنی ذکر و اتیان بیورد قلرندن
حبشه ملکی (نجاشی اصمحه) حقنده اولان امر عالی بی (عمر و بن امیه)
ضمیری به (رضی الله عنه) و (اسکندر) پادشاهی (مقوقسه) خطابا
تحریر قلشان دعوتنامه بی (خاطب) بن ابی بلتعہ الحمی به (رضی الله عنه)
(وروم) ملکی (هرقله) کوند ر یله جک فرمان همایونی (دحیه) بن خلیفه
کلبی به (رضی الله عنه) و اقلیم (کسرا) ملکی (خسرو) پرویز ایچون
قبله آلتان امر عالیسانی (عبدالله) بن خذافه سهمی به (رضی الله عنه)
و دمشق (شام) حاکمی (حارث بن ابی شمر) غسانی به مخصوص
اولان خطا بنامه نبوتی (شجاع بن وهب) اسدی به (رضی الله
عنه) و (یمامه) رئیس (هوزه بن علی) ضفیه یازیلان مکتوب
دعوت اسلوبی (سلیط بن عمرو) عامری به (رضی الله

عنه) تسليم بيوديلر {عجزه} (اشبو ملوكك خدمت سفارته
مأمور بيوريلان ذواته نامه جناب اشرف الوري (عليه
اسنى التحايا) تسليم بيورلديغى ساعت مكتبخانه اعجاز اولان
خواجه عرب والعجم (صلى الله عليه وسلم) حضرت لرندن انعكاس
ايدن فيض اقدسى ملا بسه سيله هر برنده مأمور بيورلقلرى طائفه نك
لسانى ايله مكالمه به ملكه اقتدار حصوله كمشدر *

مقاله { ٥ } *

(حبش ملكى) نجاشى) به كوندرلمش اولان نامه (سلطان الانبيا)

بيانده در *

(عمر) بن الضميرى (رضى الله عنه) حامل نامه نبوت اولديغى
حالده خطه حبشه عزيمت وپاى تخت مشار اليه موصلت ايدرك
نامه سلطان الانبيا (عليه اكل التحايا) بي رسوم ملوكانه اوزره
تقديمه مهيا اولديغى واركان دولت وملت مسيحية وعلمائى انجيل آشنائى
طريق عيسويه وسائر وجوه ديوان حبشه جمع اولنديغى حالده اول
(پادشاه) جيل خصال يعنى (نجاشى) صاحب كمال نهايت ابتهاج وابتهاج
وتماميت توقير واجلال ايله تحت حكو متدن زمين تواضع ومسكنه
نزول واللى سینه سنده اولديغى وقيام اوزره بولنديغى حالده نامه
فخر جهاني نهاده دست تعظيم ولب ادب تليم وقبول ايدرك يوزينه
وكوزينه سورروب بعد القرائه ترجمه اولنمه سنى فرمان ايتش ونامه
همايونك مال دلشيني واسطه ترجمانه ذكر واثيان قلمشدر *

صورت مکتوب شریف *

بسم الله الرحمن الرحيم • من (محمد) رسول الله • الى النجاشى • ملك
الحبشه • اما بعد فاني احمد اليك الله الذى لاله الا هو الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن واشهد ان عيسى بن مريم روح الله و كلمته
القاها الى مريم البتول الطيبة الخصينة فحملت بعيسى فحملته من روحه
ونفخه كما خلق آدم بيده واني ادعوك الى الله وحده لا شريك له والمولاة
على طاعته وان تبغى وتؤمن بالذى جاءنى فاني رسول الله واني

ادعوك *

ادعوك وجنودك الى الله تعالى وقد بلغت ونصحت فاقبلوا نصيحتي وقد بعثت
اليك ابن عمى جعفر معه نفر من المسلمين والسلام على من اتبع الهدى •
* * * * * انتها * * * * *

مشار اليه حسب الاستعداد كاشانه قلبك نور خورشيد ايمانله تنوير
وكلمه شهادتي تقرير ايدرك « واقعا (موسى وعيسى) عليهما
السلامك تشريف قدومنى تبشير بيوردقلرى خاتم الانبيا (عليه افضل
التحايا) نك بوذات والا اولد يغنده شبهه قائما مشدر • وبنده شهادت
ايلدم « مايله ناله و فرياد ايدرك وكوز لرندن اشك تأسف و حيرت
دو كدرك « اگرچه محافظه نظام عباد وبلادى مستلزم اولان دغدغه
سلطنت مانع اولمسه ايدى روى سياهمى خاكپاى جناب رسالتپناهى لرينه
سورمكى جائمه منت وآستان عرش آسازنده خدمت كذار اولمقلغى
اعز مراتب دولت وسعادت بيلوردم • بيت (رفت وروب ايتك سرمر كانه
خاك درين • باكه خوشدر پادشاه هفت اقليم اولمدن) ديوب زيرده محرر
جواب نامه بي نحر و خاكپاى حضرت نبوتپناهى به سوق وتسير ايلمشدر •

صورت جواب *

« بسم الله الرحمن الرحيم • الى محمد رسول الله من النجاشى • اصفحه •
سلام عليك يا رسول الله • ورحمة الله وبركاته • الله الذى لا اله الا هو
هدانى الى الاسلام • اما بعد فقد باغتنى كتابك يا رسول الله فاذا كرت
من امر (عيسى) عليه السلام فور رب السماء ورب الارض ان (عيسى)
عليه السلام لا يزيد على ما ذكرت انه كما قلت وقد عرفنا ما بعثت به
الينا وقدم ابن عمك واصحابه واشهد انك رسول الله واسلمت على يديه لله
رب العالمين وقد بعثت اليك ابني (ارهي) فان شئت ان آتيك بنفسى فعلت
يا رسول الله فاني اشهد على ان ما تقول حق السلام عليك يا رسول الله
وبركاته « اشبو جواب صوابى (عمر) بن اميه (رضى الله عنه) اعطا
(مهاجر بن) حبشه ايله برسفينه مخصوصه به اركا با درگاه سيد الابراه
اسبال واو لا دصايسى (ارهي) دخی (٦٠) نفر حبشى ايله ديكر
برسفينه به قويه رقى خدمت جهانيقيم همايونه ارسال ايدوب نامه

سعادتی (موجب فیض برکندر) دیه رک فیل دیشندن معمول برحقه یه
وضعه خزانه خاصنده حفظ ایتش در که اشبوامانت عالی الان خزانه ملوک
جشنه ده موجود اولوب کمال فخر و مباها تله توقیر اولمقده ایدوکی
کتب سیرده مسطور و مقید در * وقوعات * (ارهی) بن اصمحه نک را کب
اولدیغی سفینه بادبانکشای نهضت اولدیغی اثناده بر فورتنه سامان ربا ظهور
ایدوب و بر مدت مدیده سوروب سفینه مذکور غرق و تلف ایتکله دروننده
بولنان مشتاقین دیدار (محمد) یه نک جمله سی بردن غریق بحر فنا اولمشر *

مقاله { ۶ }
هرقل رومه بعث اولنان نامه (شهنشاه رسل) بیاننده در *

هرقل (ارکلیس) لفظ رومیسندن معربدر که قیصره رومدن
برقیصرک اسمیدر * ابتدا آلتون سکه ضرب ایدن و کلیسا و مناسرت
احداث ایدن بودر که زمان سعادت معاصر اولمغله کند و سنه
ذکری آتی نامه همایون کوند رملشدر * علاوه * بحر سیاه
اناطولی سواحلنده (ارکلی) بونک بنا کرده سی اولدیغی
وهرقله دن معرب بولندیغی قاموس مترجمی بیان ایلشدر * انتها *
جناب (دحیه) بن خلیفه الکلبی (رضی الله عنه) متهمی عزیمت
اولدیغی خلalde بادی امرده (بصری) حاکمی (حارث) بن اباشمره ملاقی
اولوب انک واسطه سیله جانب (هرقله) کتمی حقنده اراده همایون
شرفسایح اولمشیدی * مکر اول تاریخدن اولجه عساکر عجمله رومیلرک
مقاتله سی وقوعبولوب هرقل اگر عجمه غلبه ایدر ایسه یالین ایاق اوله رق
قسطنطین شهرندن خروجله بیت مقدسی زیارت ایدوب ایاقلرینه
بعده پاپوش کیمک اوزره یمین ایتش و محوسیلره مرادی وجهله غلبه
چالمش اولسی اوزرینه ایقای نذر قیام ایدرک وایاقلری زخمتک اولماق
ایچون یوللری بساط حریر و یا حین متوعده ایله دوشه یه رک بیت مقدسه
واصل واقصای مر امی اولان کیفیت زیارته نائل اولدیغی
اثناده بر صباح کمال غضب و تلافی و نهایت انفعال و ناسفله حکومتکاهنه
عزیمت ایتش وارکان دولت مسیحیه ایله علمای ملت عیسویه هرقلک

بشره سنده نمایان اولان علایم اضطراب کیفیتندن سؤال ایلشدر *
هرقل ایسه اجرام علویه آثارندن قواعد نجومیه مقتضا سنجه اجسام
سفلیه احکامی استخراجه مقتدر اولدیغندن * بو کیجه احکام نجوم
حسابنه احاله نظر ایلدیگندن سنتلو طائفه دن عن قریب بر بیک ظهور
ایدوب کافه ممالکی ضبط و تسخیر ایده جک و آفتاب دولت و سلطنتی
رفته رفته کسب ارتفاع ایلجه جک اولدیغنه مطلع اولدم * عجب سنتلو
اولان طائفه کیمدر * دید کده حضار و کلا وند ماسی «طائفه یهوددن
غیری سنت اولور بر طائفه اولدیغی بیله میز * و بودغد غه راحت
فرسادن بری اولمق ایچون قبضه تصرفکرده اولان بلاد و امصارده
متوطن یهودک قتلنی مشعر برر قطعه اوامر مخصوصه اسطار و ازبازینی
فرمان ایدک * یولنده ویردکری جوابی متعاقب (بصرای) شام حاکمی
طرفندن ترفیق اولنان (عدی) بن خاتم ایله (دحیه) مشار ایله
رونمای ظهور وهرقلی کوره جکلی افاده یه مجبور اولدی * مشار
ایهک سنتلو اولوب اولدیغی خصوصتک سؤال و معاینه سنه دائر
ویریلان امرک ایجابی بالا جراجنسب دحیه نک (رضی الله عنه)
مسنون اولدیغی اکلاشماش و استخراجتک صحت وقوعنه یقین حاصل
اولمغله مشار ایهک احضارینی امر ایلش اولدیغندن هرقلک خدامی
مشار ایله آداب دخولی تعلیم واک اول سجده تعظیمی بیان ایله قعودینی
اشارت ایلدیکه اوتور مامسنی تعریف و تفهیم ایلدیلا رایسه ده «اللهدن
غیری یه سجده اولمز» دیوب پیشگاه هرقله بلافتور عزیمت و صورتی زبرده
محرر اولان سعادتنامه نبویه بی ید توقیر ایله یوزینه و کوزینه
سورد کدنصکره دست هرقله تسلیم برله ایقای خدمت سفارت ایلشدر *
هرقل مر قوم نامه عنبرین جامه سلطان الثقلینی (علیه التحیه والتسلیم)
پیرایه دست رغبت و اسلوب عربیه سنی طرز رومی عبارته سنه تبدیله
مسارعتله مال دلشین منیفه سنه مطلع اولمشر *

صورت مکتوب شریف

بسم الله الرحمن الرحيم • من محمد رسول الله الى قیصر

صاحب الروم • سلام علی من اتبع الهدی • اما بعد فانی ادعوك بدعاية الاسلام اسلم تسلم اسلم يؤتک الله اجرک مرتین فان تولیت فعلیک اثم الیریسین ویا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شیئا ولا یأخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون فی آیات من کتاب الله یدعوه الی الله ویزهده فی ملکة ویرغبه فیما رغبه الله ویبذره بطش الله ویأسه

هرقل روم نامه خیر الورانک من ایای بدایع احتواسنه مطلع اولوب لکن رد و قبوله دائر جواب و یرمیه رک ارکان دولته «عجبا بولدوده صاحب رسالت (علیه افضل التحیه) نکت همشهریسی بولنه بیلورمی که استکنه حال ایدلم» دیدی و علی طریق التجاره شامده بولنان (ابوسفیا) بن امیه بی جلب ایلله آتی الذکر اسئلہ بی بالا یراد جواب و یرلمسنی مراد ایلدی • «سؤال» (۱) قبائل عرب نسباری میاننده حضرت (محمد) ک (علیه الصلوة والسلام) نسب عالیسی نه وجهله متصفدر • «جواب» (ذات والا قدری اب الانبیاء) (ابراهیم) خلیل الله منتهی اولان نسل کریم (عدنان) نسب عالیستدن اولمغه بین العرب شریف النسبدر • «توجیه هرقل» (واقعا نبی ذیشان اوله حق ذات عالی بویه بر شریف النسب اولمغه محتاجدر) (که کردنداده مطاوعتی اولان اشراف و اعالی عالمه محبوب اوله • «س» (۲) بوندن اول طائفه قریشدن ادعای نبوت ایدن ظهور ایتشمیدر • «ج» بوانه قدر دعوی نبوت ایدن ظهور ایتماشددر • «توجیه هرقل» (اگرچه سابقا قریشیلردن بری دعوی نبوت ایلش اولسه ایدی بودخی اکا متابعت و تقلید ایتک داعیه سنه ذاهب اولدی دینه بیلوردی • «س» (۳) آباء واجداد سامیاری سلسله سنده سریر آرای حکومت اولان وارمیدر • «ج» (جناب (خلیل) الله منتهی اولنجیه قدر سلسله آل (ابراهیم) مضبوط شجره محافظه اولوب لکن ایچلرنده وساده نشین حکومت و سلطنت اولان یوقدر • «توجیه هرقل» (اگرچه اجداد عظامندن بریسی پادشا هلق ایلش اولسه ایدی انکدخی

افکار سامیسی دعوی سلطنت دن عبارتدر • دینه بیلوردی • «س» (۴) کردنداده مطاوعت و متابعتی اولانلر مره فقر و ضعفاد نمیدر یوقسه اغنیای زماند نمیدر • «ج» (چونخی ضعیف الحال و محتاج نوال اولانلردر • «توجیه هرقل» (انبیای سالفهیه متابعت ایدنلر دخی بو حالده ایدی • چونکه انبیای عظامه مطاوعت و متابعت ایدن ذوات کرام ظاهرا زخارف دنیا ایلله متهم اولوب دایما فقر و قنا عتله متهم کراولمق شان عالیرننددر • «س» (۵) اتباع ایدنلر کون بکون تکثر و تزیاید ایتمکده میدر • یوقسه آن بان آزا لمقده میدر • «ج» (هر لحظه دترقی اولوب زیاده لشمکده درلر • «توجیه هرقل» (حقیقت حالده مقتضای دین بو اسلوب اوزره در) که آفتاب عالمتاب ایمان درجه کماله ارتفاع و اعتلا ایدنجیه قدر کون بکون ترقی ایدرک صورتمای اتحاد و ازدیاد اوله • «س» (۶) ایمان ایدنلردن نادم اولوب مرتدا اولان وارمیدر • «ج» (مرتدا اولان دکل اوافکارده بولنان بیل طویلش دکلدر • «توجیه هرقل» (حقا که بواعتقاد دین اسلامک حق اولدیغنه بر دلیل واضحدر • «س» (۷) قبل البعثه یالان سویلدیکی مسبو قیدر • «ج» (صباوت حالندن مأمور دعوت اولونجیه قدر صدق و راستیدن غیری کلام سویلدیکی ادعا ایدن یوقدر • «توجیه هرقل» (شایان مرتبه نبوت اولان مرتکب کذب و دروغ اولما مقدر • «س» (۸) (غدر ایتک عادت و وارمیدر • «ج» (بوانه قدر هیچ فرد غدر ایلدیکنی بیان یوقدر • «توجیه هرقل» (الحق صفات حمیده انبیا بودر) که هیچ کسنه نک غدرینی تجویز بیورمیه • بواثناده (ابوسفیان) متصدی کلام اولوب «ای رونق فروز مسند قیصری بر قاجاه مقدم میانه مزده بر مصالحه و قوعبولدی • نقض عهد ایلله بعد ازین غدر ایدرایسه بلعم» دیوب بعض افترا لر عزواید جکنی ایهام ایلدی ایسه ده روی التفات کوره ممکنه سکوت ایتدی • «س» (۹) (اراکزده حرب و قوعبولدی • و شاید واقع اولدی ایسه قنخی طرف غالب و قنخی طرف مغلوب اولدی • «ج» (چوق دفعه لر حرب واقع اولور بعض آنلر غالب اولور و بعض بزم

طرف مظفر بولنور) (توجیه هر قل) (اوت شان معالی نشان انبیاء کرام اولیه در) که بعض غالب و بعضی ده مغلوب اولوب اثر عنایت ذوالجلالیه ایله غلبه ایتلری بعید دکلدر) «س» (۱۰) (نزول ایدن آیات بیتانده اوامرو نواهی به دائر توجیهله تکلیفات واردر) «ج» (اولا توحید حق امر ایدوب اصنامه طایمقدن منع ایدرک {صلوة . زکات . صدق . عفاف . صله رحم} تکالیفی واردر) «توجیه هر قل» (بوتکلیفات انبیای ذیشانک جمله سنده وقوع عیوالمشدر . اگر شو بیانده اولدیغ کلمات مقارن صحت ایه یقینا مالک (شام) و (رومی) ضبط و تسخیر ایده جکنده شبهه یوقدر . واقعا بر نبی ذیشانک جلوه ککر منصفه ظهور اوله جفی کتب آسمانیده مشهود با صره یقینم اولمش ایه ده مکده دن ظهور ایلر ظننده دکل ایدم . اگر سائق قدر ملاقات و آلاسنی بکاده مقدر ایدر ایه اشک چشمه مبارک قدم محترملرینی شست و شو ایدرک پروانه شمع محاس عبودیتی اولورم) دیمش و هر قلک سؤال و توجیهله ابوسفیانک و یردیکي جواب بوراده نهایت بولمشدر . هر قلک حق عالی (محمد) یده (صلی الله علیه وسلم) در کار اولان محبتی سفیانی رهین اضطراب ایتکلله کیسه وجودندن نفود اخلاصی تخلیه ایلک زعمیه «ای ملک روم بیان ایلدیکم کلماتک جمله سی مقارن صحت اولوب لکن بعض محال الوقوع خبر نشر ایدر که ماورای عقلمده اولغله وقوعی هیچ فرد تصدیق ایده مز . اگر چه رخصت بیوریلور ایه عرض ایدهیم) دیمسنه «سویه بقالم نه مقوله خبردر» مقالیه رخصت و یرلش اولدیغندن «بر کجه ده مسجد الحرامدن مسجد اقصی به عزیمت و اورادن آسمانه عروجه مبادرتله هنوز صباح اولمدن ینه کعبه علیا به عودت ایلدیکنی ادا اید بیوری طریق آسمانی ادرا که نردبان عقلن هر نقدر مساعد دکلسه ده بیت مقدسه (مکه) مکرمه پیشنده اولان مسافه به اطلاع شام اولمق حسبیه اولقدر بر مدت جزویه ده یعنی یارم کجه ده کیدوب کلمک غیر ممکندر» دیدیکندن حضاردن بر ذات نصف آیین جوابه سر آغاز اولوب «اول شب مبارکک کیفیتنی بندن سؤال بیورک» که بوجه عمیق عرض و تدقیق و (بر معجزه) کبرا

اولدیغنی تصدیق ایدهیم) دیمسی واستکنانه کیفیت ایدلسی اوزرینه «هر کجه ابواب حرم اقصایی قیامتی عادت اولوب اول لیله عبرت اندوزده بر معتاد قیواری قیامغه مبادرت اولمشیدی . کافه ابواب قیانو بده (مدخل انبیاء کرام) دینلان باب معلا جناب قیامدیغندن و قدس اهالیسی کلوب باب مذکور ی غلق ایده مد کلرندن بونده بر علامت نهانی واردر) دیوب علی حاله ترک ایدلمشیدی . قولکر بو کیفیتک حقیقتی ظهورینه انتظارا تابصاح او یغواو یومیبوب علی السحر حرم اقصایه عزیمت واستطلاع وقوعات لیلی به حواله نظر دقت ایدرک حرم مذکور ی غریق بحر نور و رواج طیه ایله رهین حبور کوردم . وزاویه مسجدده اولان صخره بی ایدی کر و بیان اثرندن دلیک دلیک بولوب باب مذکوره نک قریب بر محله حیوانات با غلامش کبی بر طاقم علایم کوروب اوراده بولنانلره دخی ارائه ایلدم) سیاقنده بیان و تفصیل ماهو الوقوع ایلمشدر . اشبو مقاله عبرت آمیز هر قلک اعتقادینه برقات ده تقویت و یرمسیله حضاره «ای ملت روم جناب عیسی (علیه السلام) کندوسیه قیامت پیشنده بر نبی عالیقدرک تشریفلرینی تبشیر بیورد قلری جهته اول ذات نبوت سماءک معاشر نصارادن تشریفی مأموالنده دکلیدک) دیمسی وجهه طرفندن (بلی ای ملک روم) دینلسی اوزرینه «علایم صوری و معنوی به عطف نکار دقت اولنور ایه اول (پیغمبر) مبشرک بو ذات کریم الشان اولدیغنده اصلاشک و اشتباه قالماز . جناب (حق) عددیوزنده سزندن از وقوت جهتیله سزندن اقوی بر قومدن بعث ایلش اولغله بو بر رحمت الهی در (که اراده لم یزلیه سی قنغی محله تعلق ایدر ایه اول محلدن اظهار ایدر) دیدیکدن صکره نامه سعادتنی تکرار الله الوب بر صیحه ناکهانی ایله کوزلرندن قانلو یاش دو کدیکند کافه اعیان وارکان دولت و ملتی های وهوی فریادینه متابعت و ابوسفیانی رفقا سیله برای سرای هر قلدن طرد و تبعیده مسارعت ایلدیلر . ابوسفیان بو حالدن رهین حیرت اولوب رفیقارینه «جناب محمدک (علیه الصلوة والسلام) ایشینه مرتبه عظیم اولمشدر (که ملک بنی اصفردخی سطوت نبوتندن

رهین خوف و هراس اولمقده در) دیمشدر • (استطراد) ابوسفیان
نقل ایدر که قریش تبحار لزدن برقاج کسه ایله علی طریق التجاره (غزه)
نام محله کیدر کن بیت مقدس نوا حیسنده تصادف اولان (هرقل) روم
جاسوسلری بزی دردستله سرای هرقله احضار ایلدیلر • بالجه کبرای
ملت عیسویه و کافه وزرا وندماء دولت نصرانیه ووجوه علماء و اساقفه
رها بین و بطارقه قبیسیه جمع اولوب سامعه کشای انتظار اولد قلمری
حالده بزی ایستاده حضور ایلد کلرندن هرقل رومک بالای سر بر حکم رانیدن
ترجمان واسطه سیله «ای خاک حجاز اسرارینه مطلع اولان کسنلر
حضرت (محمد) (علیه الصلوة والسلام) ایچکزه قرابتی اولان وارمیدر»
زمیننده ایراد ایلد یکی سؤالنه «نسب جهتیله بدن یقین کسه یوقدر»
دیدمسه ده مرتبه قرابتی دخی سؤال ایلد یکنندن «بنم عم زاده مدر»
جوابی ویرمکلکم اوزرینه پیشگاهنده قعوده رخصت ویروب رفیقلمری
ارقه طرفه اجلاس ایله «اگر چه ایراد ایده حکم اسئله یه بوشخص
خلافی واقع بر جواب ویره جک اولوبده سزک تکذیب ایتدیککهزه مطلع
اولورسم حقکزه معامله غیر لایقه اجرا سندن کیر و طورم» بوللو
برنطق ایراد ایله هم بنی و همده انتری تحذیر ایلدی • برب الکعبه ارقداشلمک
اگر چه بنی تکذیب ایده جکلری واهمه سی مانع اولسه ایدی • اوارالق
مشار الیه حقنده درکار اولان شدت خصوصتم ایجابی اوله رقی بتون
بتون جواب خلاف اعطاسیله افتزال ایدردم • لکن خوف جانله
طوغریجه سویلبوب هرقلک محبتندن ناشی اولکوندن زمان اسلامته
کانهجه یه قدر متاع اسلامک تغاپنذ بر رواج اوله جفین ادا عایلمکده ایدم
• تم الاستطراد) علمای فن سیر (رحمهم الله تعالی) هرقل رومک اسلام
اولسنده اختلاف ایدوب بعضیلری (دحیه) رضی الله عنهی مجلس خلوتنه
آلوب «یاد حیه (رضی الله عنه) رومیلرک اگر بنی هلاک ایده جکلری
واهمه مانع اولسه ایدی شمدی اسلام اولوردم» دیدیکنه و بعضیلری
«ای دحیه (رضی الله عنه) روما شهرنده صومعه نشین ریاضت و مجاهده
اولان (ضغاطر) نام عابدک خاطری بین الروم بنم صلابت سیفمدن مؤثر

اولدیغندن لطفاشو نامه مبارکی اول پیر روشن ضمیره کتور) دیومشار
الیهی روما شهرینه ارسال ایلد یکنه ذاهب اولمشلردر • روایت اخیریه
ذاهب اولنلرک بیان وادعاسنه باقیلور ایسه مکتوب عالی فخر الانبیا
(علیه افضل التحایا) شرفبخش دست (ضغاطر) اولسیله یوزینه و کوزینه
سوره رک {والله العظيم} (تورات) و (انجیل) ده تشریف موعود
اولان (نبی) ذیشان بوذات کریم الشاندر {دیه رک وبلا توقف اظهار
ایمان ایدرک خانه سنه متوجه اولوب مدت عمرینی ایچکنده نکورمش
اولدیغی سیاه البسه نصرانیتدن صوینوب برقات صافی بیاض صوف
البسه اسلامیتی بالا کتسا انده بر عصا ایله مجمع کبرای نصارا اولان محله
متعازم اولوب داخل حلقه جمعیت اوله رقی صوت بلند ایله «یامعشر
الروم (تورات) و (انجیل) ک شهادت لریله تشریف درجه نبوته واصل اولان
(احمد) عربی (علیه الصلوة والسلام) بعث اولدیغی جهته طرفه
دعوت دینی مشعر برنامه رحمت مدار تسلیو رمشدر • سز ل شاهد
اولک (که بن انک نبوتی تصدیق و حضرت (مولای) متعالی توحید
ایدرک دین اسلامیتی قبول ایتدم • سز ل دخی فرصت الکرده ایکن
برساعت اول داخل عداد اهل ایمان اولغه غیرت ایدک» دیمسیله
عنده کفره اوزرینه هجومله مشار الیهی شهید ایلشلردر • حضرت
دحیه (رضی الله عنه) بو خبر عجیب الیله معاودت ووقوعالی پیشگاه
(هرقل) ده تقریر و افاده یه مبادرت ایلد کده «بنم نفوذم (ضغاطردن)
دون اید و کنی آکلادک • اگر چه اظهار شعاع ایمان اید رسم
متواری خاک هلاک اولمقدن بشقه فائدهی منج اوله من» زمیننده
عرض اعتذار ایدوب ابراز اسلامیت ایده مامشدر • (استطراد)
برکون سلطان روم یعنی هرقل معلوم عسکرینی اسلام اولغه
ترغیب ایلک اوزره بیوجک رضیافت کشیده ایدرک رفیق و ملا یمتله بیان
حال و روی موافقت کوره مدیکندن تحویل مقال ایدوب «بنم
مقصودم دین مسیحیاده اولان ثباتکزی تیر به ایلک ایدی • یوقسه
آیین عیسویه بی ترک ایتک قابل امکان دکلدن» صنیعه سیله صورتغای

مرأت وقوع اولان فتنه نك اوكنى كسدر مشدر • تم الاستطراد
قول اخر مفادينه نظرا هر قل روم بعض وجوه نصارانك اسلام اولسنى
وبعض استيلاى اسلامياندن قور تلىق اوزره جزيه و يرلسنى و بعضيده
مصالحه ايدلسنى تكليفه تبليغات مقتضيه ي اجرا ايلد كجه نصاراي
رومك قوت وشوكت و دبده سلطنتلى مانع قبول اولوب بالضروره
حال نصراننده قالمشدر • و يا خود هر قل مذكور حقيقت دين (احمدى) به
مطلع اولديغى حالده دولت فانيه دنيايه سعادت سرمدية اخراي
دكشمش وحتى (مؤته) جنكنده صف مؤمنينه هجوم و مقاتله ايدرك
وجوه مؤمنين دن برنجه ذوات عالى قدرك موجب شهادتى اولمشدر •
لكن بو كيفيتى بعض مدققين سير توجيه ايدرك غزاي مذكورده اسلامه
مقاتله ايتسى منافى ايمان خفي اوليوب انجق ناموس دولتى حياه ايجون
معاصي جنك وجدالى مرتكب اولدى ديمش لر • فقط امام احمد بن
حنبل (رحمهم الله) مسندنده حضرت حواجه عالم (صلى الله
عليه وسلم) افنديمرك هر قللك اسلام اولديغى متضمن كوندر ديكي
مكتوبنه جواب اوله رق * يالان سويلر الا آن نصرانيت اوزره در *
بيور دقلى دليل ايله قول سابقى تكذيب ايلشدر •

مقاله { ۷ } * * *

* خسرو پرويزه خطابا اشعار بيور يلان سعادتنامه بياننده در *

(عبدالله) بن خذافه السهمي (رضي الله عنه) صورتى زيرده محرر
اولان نامه مشكين نقاب حضرت (خيرالورا) بي (خسرو) پرويزه
تقديم ايلد كده خسرو مذكور نامه سعادتك دقايق خلاصه مآلنى
عبارة فرسى به نقل و ترجمه و تبديل ايتد بر مشدر •

صورت مكتوب * * *

{بسم الله الرحمن الرحيم • من محمد رسول الله الى كسرى • عظيم فارس •
سلامى على من اتبع الهدى • وآمن بالله ورسوله واشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله وادعوك بدعاية الله عز وجل فاني
رسول الله الى الناس كافة لانذر من كان حيا ويحق القول على

الكافرين اسم تسلم فان ايت فعليك اثم المجوسى * * *

(فرماننامه هميونى خسرو بي ادب بعد المطالعه عرق جهل و غرورى
حرکت و (نه ديمك اولسون • زير تصرفده اولان ممالك و نواحيده
كسب تجارتله امرار عمر ايدنلر بنم سطوت شو كتمدن قور قيو بده
منسوب اولديغى دينه بنده دعوت ايدر) كى ترهات تفوهيله
اظهار حدت ايدرك ايكي پهلوان بي امان كوندر يلوب پهلوان انبيا (عليه
الكل التحايا) افنديمركى (حاشا) دست بسته تحتكاه كسرايه كوندر لسنى
متضمن يمن حكمدارى ملك (بازانه) برقطعه نامه كوندر مش و كلكرك نامه
خلاصه الكونينى چاك چاك ايتمشدر) كه اشبو معامله نامقبوله سى سربر آراي
سلطان طه ومارسلنا (عليه اجل التحايا) افنديمرك عرض اولند قده
{مذق كتابى مذق الله ملكه} بيورلشدر • ملك مشارايله خسروك
اراده سى اوزره بر مكتوب تحرير و كندوسنه خطابا وارد اولان امرى
لف ايدرك كندى پهلوانلرندن دقيقه شناس اصول كتابت و سر آمدان
اصحاب شجاعت اولان (بانويه) نام كمنه يي (خرخره) اسمنده
اولان وديوان كسراي عجمدن كوندر لمش بولنان حريفه توديعا رسال
و نسخه نفيسه ايجاد (عليه الصلوة والسلام) افنديمرك تدقيق احواللى
توصيه سنى سامعه ادراكلى نه ايصال ايتمشدر (كه بو پهلوانلرك هر برى
نادر الاقران و قهرمان قهر آيين زمان ايديلر • مر قوملر يمتدن
نهضت و (طائف) نام بلديه مواصلى ايدرك اوراده مشاهير
قريشدين (ابوسفيان و صفوان بن اميه) وسائر بر طاقم اشخاصه
بالنصادف حضرت فخر الانامى استعلام وانلر دخی مدينه طيبه ده
وساده نشين اقامت ايدو كنى اعلام ايدوب لكن عواقب امورى
ملاحظه ايد مدكلرندن بربرينه باقيشوب «شهنشاه عرب و عجم
و ملك الملو ك عالم اولان خسرو پرويزكى بر شهر يار معظم خصوصت
(محمد) ي به (صلى الله عليه وسلم) قيام ايتش بولند يغى جهنله سايه
نشين سرور اوله لم كه مشار اليهك سفينه حياتى بعد از بن ساحلرس مر ساي
نجات اوله مر» ديديلر • (بيت) بر تازه چراغى كه فروزان ايدمه مولا •

اطفایه نه قادر نفسی سرد ایله اعدا • اشوپهلوانلر کیده رک (کرسی)
مملکت ایمان) یعنی هجر تسرای رفیع الارکان مدینه یه واصل و مجلس
ملائک انیس نبویه التفات جلوسه نائل اولوب وقوعحالی بعدالایمان
«ترسناک اولیه سکز که (ملک بازان) بر شفاعت نامه یازوب عفویکزی
التماس ایلرایسه البته عفواید • یوقسه (خسرو) پرویز عجمک قوت
قاهره شوکت و اقتداری جله نک معلومیدر • اگر بر اشارت ایتسه ممالک
عربک صحیفه عالمدن رفع اولسی بر نقطه حکمندن دهاقولایدن» دیوب
ملک بازانک نامه سنی تقدیم ایلایدن • حضرت سید العرب والجمع
(صلی الله تعالی علیه وسلم) ذکر اولنان نامداری بعدالمطالعہ متبسم اولوب
ای وادی کذار غفلات اولان ادمار (خسرو) ایله ملک (بازان) دینیلان
ملکک انجسام کارلری کار تقدیره حواله اولندی • امدی سزر که
ضیافتخانه سعادتیه واصل اولدیکز تناول طعام شهادت ایدوب آتش
جهنمدن کندیکزی خلاص ایتک مناسب دکلمیدر» همچنین بونلری
بعض مرتبه ترهیب و تبشیر ایله سفره حیات بخش ایمانه دعوت پیوردیلر •
قول دیکرده مارالذکر پهلوانلر اصول عجم اوزره قوللرنده التوندن
معمول بلازکالر • ارقه لرنده دیباکاری لباسلر • بللرنده سیم قوشاقلر •
اولدیغی وصقه اللری مطروش اولوب یقاری غایت اوزون بولندیغی
حالده داخل حضور اولدیلر که یقارندن اغزلی کورنمایدی • حضرت
خیر البشر (صلی الله علیه وسلم) بوقیافت و هیئت مستکرمه دن اکره
ایدک {ویلکما من امر کابهاذا} یعنی «بوقلق و قیافله لایق جهنم
اولمشسیکز • سزک بورسم البسه کیمکزی کیم امر و تنبیه ایدر» پیورمنه
«پرور دکاریمز ملک کسرانک امر و اراده سی بومر کزده در» جوابی
ویرملری اوزرینه «بنم پروردگارمک بو مقوله هیئتله کریمکه رضاسی
یوقدر پیوردیلر • بو کفتکوده ایکن ذکر اولنان پهلوانلر کوییا اظهار دلیری
و شجاعت هواستنده اولوب انجیق مجلس مهابت انیس مقدسدن رعشه کیر
اضطراب اولوب تراند کلری حضار طرفندن مشاهده اولنوردی نهایت
الامر باری بمن حکمداری ملک (بازان) ک مکتوبنه اولسون بر جواب

عالینک صحیفه زیب سطور پیورلسنه مساعدیه بیورک که تنهی دست عودت
ایتمه لم) یولنده واقع اولان رجاری جهتله جواب مطلوبک اعطاسی
ایرتسی کونه تعلیق پیورلمشیدی • مجلس سید الکونین دن
دور اولوب کیدرلر ایکن بریسی دیکرینه «نه دیر سین بوزر و کوهر
و بساط هیئت کسرتدن خالی کورینان اشوب مجلس عالیده درکار اولان
مهابت معنویه سلاطین عظامدن هیچ برینک مجلسنده مشهود دکلدن»
دیمش و او بریدیخی «اوت اسکر بر لحظه دهار خست خروج واقع
اولسه ایدی • بنم ایچون فوت اولق امر بعید دکل ایدی» جوابی
ویرمشدر • حکمت • شرفعلق ایدن اراده حکمتعاده نبوی به
امثالایرتسی کونی حضور همایونده ایستاده موقع توقیر و احترام
اولدقلرنده خواجه علم خوان اولین و آخرین (علیه الصلوٰة والسلام)
حضرتلری (دون کیجه که (۶) جی سنه هجریه جادی الاولاسنک
اونجی صالی کیجه سی ایدی • ساعت (۷) بی مرور ایلدیکی انده
جناب قهار منتقم (جل شانہ) حضرتلری (خسرو) پرویز اوزرینه
اوغلی (شیروبه) بی مسلط ایتکله باباسنک جکرینی خنجر یله پاره
ایتمش و بوماده ایسه حسب الحکمہ ظهوره کلشدر • اشته بووقوعاتی
تمامیله ملک بازانک سامعه انتباهنه ایصال ایدک • و بنم مرغ شریعتک
کافه ممالک فارسده اجنحه جنبان اوله جفی امر آشکار ایدوکنی سویله یک
اگر سعادت حال آخرت استرایسه لانه قلبندن خس و خاشاک شرک
وضالای برطرف ایلسونکه انک تصرفنده اولان ممالک یمکدخی
برینجه سی تسخیر اولسه کرکدر» دیوب زرو سیمله مزین اولوب
هدیه رسمنده بعض ملوک طرفندن موردکری (خرخسره) بهبالاعطا
رخصت داده معاودت اولدیلر • علاوه • (اشوبکرک براسمنه) (مفخره)
دخی دیمکله عطیه سلطان الکونین (صلی الله علیه وسلم) برکاتیله
(خرخسره) به ذوالمفخره • اطلاق اولمش و اولاد و احفادی بو شهرتله
متعارف بولمشدر) • اقوای اقوال اوزره سالف الذکر پهلوانلر
پای تحت ملک بازانه واصل اولوب امر و فرمان حضرت سلطان

الثقلین (علیه الصلوٰۃ والسلام) تقدیم وذات اقدس سمات همایونده
کورمش اولدقلری علامات و خوارق عاداتی عرض و تفهیم ایلدیلر • ملک
بازان انصاف ایدوب « سزک بو افاده کن صحیح اولدیغی شبهه دن وارسته
اولوب لکن اگر چه پرویز (خسرو) قضیه سی دخی مقارن صحت ایسه
ذات نبوتلرینه بوندن بیوک { بحجزه } اولماز • و تشنکان آب حیات ایمان
اولدلی بوزلال خارقه دن غیری برشی قاندر مز • اگر چه حجت ادعای
واقع لری سبجل محکمه تقدیر ه موافقت ایدرایسه ملوک عالمه مسابقت
ایچون داخل دائره اهل ایمان اولق اوزره پیشکا همایونلرینه عزیمت
ایلمکده بر دقیقه توقف ایتم) سیاقنده اعطای جوابله کیفیت (خسرو) ی
استطلاع ه سامعه کشای انتظار اولدی • اوچکون صکره جالس تحت
حکومت کسری اولان (شیرویه) طرفدن بر تاتار صبارفتار
وارد اولوب « پدرم (خسرو) ایله اعظم و کلای عجم آره سنده حس
ایتدیکم منافرت ماده سی قلبه زوال ملک و سوسه سنی القا ایلدیکندن
پدرمی قتل ایلک خصوصنی بقای شوکت سلطنت کسراییه به مدار
اولور ملاحظه سیله جمادی الاولانک اونجی صالی کجه سی شکم مر دارینی
کندی الله و خنجر سرتیز مله پاره پاره ایلوب سریر حکومت ه جلوس
ایلدیم • سندخی کافی السابق بمن ممالکی امور انضباطیه سنده ثابت
قدم اولوب حجاز طرفنده ظهور ایدن * نبی * کریمه ایصال دست
خسار و تعرض ایتیه سین » مضموننده بر فرمان کتور ووب ملک
بازانه تقدیم ایتیش و مشار الیه بو حال مشاهده ایدنجیه بلا تردد
اسلام اواندیغندن بمن اقامنده اقامه ایتدیرلمکده اولان لشکر
فارسک جله سی بردن حصار اسلامیه عرض دخالت ایلشدر •

مقاله { ۸ }
مصر ملکی مقوقسه ارسال یوریلان نامه سعادت بیاننده در *

(خاطب) ابن ابی بلتعہ (رضی الله عنه) مقوقسه خطا باشرفریز
سعود یوریلان نامه * اشرف الورا * بی حامل مصره و مقوقسک
اسکندریه ده اولدیغنی خبر الد قد نصکره اورایه عزیمت ایدوب

ملک سالف الذکرک پرده دار یله ملاقات ایتدیکه (پرده داره شار الیه
کندوسنی تلطیف و رفع پرده ممانعت ایدوب حضور مقوقسه دخولنی
تکلیف ایلدی • و سلطان مصر مع التسم قعود (خاطب) فردان
و مشار الیه دخی حامل اولوب ز پرده صورتی محرر مکتوب قدسی اسلوب
فخر المرسلینی * کمال آداب و تظئله بعد التقدیم مأموریتنی بیان ایتدی •

• صورت مکتوب شریف •

{ بسم الله الرحمن الرحيم من محمد بن (عبدالله) رسول الله الى مقوقس
عظيم القبط سلام على من اتبع الهدى • اما بعد ادعوك بدعابة الاسلام
اسلم تسلم اسلم يؤئك الله اجرک مرتين فان توليت فعليك اثم القبط يا اهل
الكتاب تعالوا الى كلمة سواء يتناوبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئا
ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا
فقولوا اشهدوا بانا مسلمون

(مقوقس) اشبو مکتوب دعوت اسلوب نبوتی عریض و عمیق مطالعه
وفیل دیشندن معمول بر (حقه) به وضعله طلسم خزینه سی اولق اوزره
خزینه خاصنده محافظه ایدرک (دلدل) نامنده براسب صبارفتار ایله
(غفرا) یا خود (یعفور) اسمنده (بر) حمار پسندیده اطوارو (بر) سونکی
و (۲۰) قطعه لباس زرین تار و (۱۰۰۰) مثقال زر خالص عیار
و (ماریه) قبطی ایله همشیره سی (شیرین) و بونلره مشابه دیگر (۲)
جاریه نادره الاقران تهیه و احضار ایله رک صورتی ز پرده محرر جوابنامه
ایله خاکای حضرت (محمد) ی به صلی الله علیه وسلم سوق و اسرا
و سفیر مشار الیه البسه لک (۵) قطعه قاشله (۱۰۰) مثقال التون اهدا
ایتمشدر (که بعض معتبرات کتب سیرده جاریه نک ایکسیله سونکو
و حمارک اولدیغنی ادعا اولوب فقط تاریخ خیس صاحبی براسبه
برقاج دستی بال اولدیغنی علاوه تحقیق و حکایه ایلشدر •

• صورت جوابنامه •

{ بسم الله الرحمن الرحيم من مقوقس عظيم القبط سلام عليك اما

بعد فقد قرأت كتابك وفهمت ما ذكرته فيه وما تدعوا اليه وقد علمت ان ننيا قد بقي وكنت اظن ان يخرج من الشام وقد اكرمت رسولك وبعثت اليك بجاريتين لهما مكان في القبط عظيم يكتبوه واهديت لك بغلة لتركبها والسلام عليك) هداياي مذكوره رهن قبول و (ماريه) قبطيه اسلام اولد قد نصرته او طه لى شرفيله مشمول بيوريلوب همشيره سى دخی (حسان) بن ثابت (رضى الله) عنه تزويج و تنكح قلنمش و (حمار) خوش رفتار دخی اصطلح على رسالته ربط اولته رق (دلدار) سالف الذکر جناب (حيدر) رضى الله عنه حسان بيوريلشدر • ائمه سير مقوقسك كيسه ضميرى نفودايمانندن تهى قالدیغنى ادعايدوب حتى حضرت (خاطب) (رضى الله عنه) وقو على عرض حضور لامع النور (نبوى) ايلد كده { خيى كندى ملكنه بخل ايتدى • وانك ملكك بقاسى بوقدر } بيور لى دىغنى بيان ايتشدر • وعهد خلافت فاروقيه ده نصرانيت اوزره فوت اولد یغنى ذكر واتيان ايتشدر •

مقاله { ۹ }
دمشق حاكم حارث بن ابى شمر القانى به كوندربلان نامه سعادت
پيائنده در

دمشق حاكمه خطابا يازيلان نامه نامى سلطان تهاى (عليه الصلوة والسلام) حاكمه شام طرفته عزيمت ايدن (شجاع) بن وهب (رضى الله عنه) حاكم سالف البيانك بيت مقدسه بولنان (هرقل) رومى استقبال ايلك اوزره (غوطه شام) ديلان مقام دلازامده اولديغنى او كرتوب محل مذكوره عزيمت ومواصلت ايدرك اثنای اقامتى اولان ايكي كون ظرفنده حكمدار مومى اليه ملاقات بولنى بوله مديغندن (هري) اسمنده بر پرده دار روميسيله كسب معارفه ومأموريت مهمه سنى عرض وافاده ايلدى •

صوره مکتوب شريف

{ بسم الله الرحمن الرحيم • من (محمد) رسول الله • الى الحارث بن ابى شمر • سلام على من اتبع الهدى • وانى ادعوك الى ان تؤمن بالله وحده لا شريك له ببق لك ملكك

برده دار مشار اليه مستعد هدايت اولديغندن « يا شجاع (خدای) بى زوال حقيقچون اول ذات كريمك جانب بطحادن ظهورايدنه جكنى (انجيل) شريفندن استخراج ايتشيدم • الحمد لله (تعالى نائل اقصى المطالب اولدم) سياقيه نبوت (محمد) به بى تصديقه مبادرت وجناب شجاعى حضور حارثه ايصاله مسارعت ايلد يکندن نامه سعادتى بالذات تقديم ايتمه موفق اوله بيشدر • لكن اول خان بى ادب نامه (سيدالورا) بى يدنا مبارکندن زمينه القا و كمال نخوت وكبرندن استيصال مدينه ضممنده تجهيز عساكر ايد ملك امر بى بعد الا عطا مکتوب شريفك ورودى جهته متصور اولان تدبير نا بر جاسنى بارگاه (هرقل) رومه عرض وانها ايدوب عدم رضايي مشعر جواب المغله (شجاع) مشار اليه بالضروره (۱۰۰) مثقال التون هديه اليه آستانه سعاده اعاده ايلد يکندن برده دار سالف الذکر زاد راه مشار اليه بالتدارك سده سنیه جناب (نبوى) به اعزام و داخل حصار ايمان اولد یغنى عرض واعلام ايلدى • حضرت (شجاع) رضى الله عنه هجرتسراى عليه به موصلت ايدوب عرض كيفيت ايلد كده « هلاك ملكه » معناسنده اولان { بار ملكه } بيوريلش اولديغندن بر سنده صكره هلاك اولوب برينه (جبلة بن ايهم غسانى) قاعد سر بر حكومت اولشدر •

مقاله { ۱۰ }
ممالك يمامه حاكمى (هوزه) بن على حنفى به تسطير بيوريلان كتاب
فخر المرسلين پيائنده در

صوره ميمنه سى زيرده محرر اولان فرمان جهان مطاع رسالتى حامل اولان (سليط بن عمرو عامر) رضى الله عنه ممالك يمامه رئيسى (هوزه) به تقديم ايلدى • لكن (هوزه) عقلاى ملوك زمانه دن اولمغله ناعه هممايونى بعد المطالعه (سليطى) كمال توقير ايله بر منزل عاليده مهمان ايدرك جواب آتى الذكرى بالتحرير خاكاى على نبوى به تسير ايتشدر •

صوره مکتوب شريف

{ بسم الله الرحمن الرحيم • من محمد رسول الله • الى هوزه بن على • سلام على من اتبع الهدى • واعلم ان دينى سيظهر الى منتهى الخلف

والخافر فاسلم تسلم واجعل لك ماتحت يدك • انتها

ر صورت مترجم جواب

یا محمد انصاف اولدیغنی تقدیرده ادعا ایلدیکن نبوت حقدر • انبئ بن هم شاعر ماهر همده بر سلطان نادر اولدیغمدن ملوک سائر به نظر از بر قبضه تصر فده اولان ممالکده اعتبارم ازید و فرمان قضا جریانک تأثیری سلاطین عظامک جهله سندن اشد اولغله اگر تسخیرینه موفق اولدیغک بلادک نصفی قبضه تصر فده احاله ایدر ایسه ک بندخی سکا تابع اولورم • انتها

اشبو مکتوب سقامت اسلوب واصل دست همایون اولدقد • اگر بندن بیره دوشمش بر خرما قوروغی قدر محل دخی طلب ایسه ایدی •

دعوای مر دیت اوزره اولدیغمدن مساعده ایتمدم • هم کندوشی و همده الله اولان مضمحل و هلاک اولسون • پیوردیلر • (استطراد)

منقولدر که (مکه) مکرمه فتحمدن عودت بیورلدیغی اثناده حضرت جبریل (علیه السلام) هوزه نک هلاک اولدیغنی اخطار ایلدکه (صلی الله علیه وسلم) حضرت نبری خلافت (صدیق) اکبرده ظهور ایدوب مقتول تیغ انتقام اولان مسیله کذاب اشارت اولق اوزره (فیما بعد ارض یمامه دن بری الانبی ظهور و دعوای کاذبه ایلد ادعای نبوت ایدرک عاقبت الامر قنطره سیف اسلامیه دن شهره جهنمه هر و رایله جکدر) پیوردیلر

مقاله { ۱۱ }

ابو هریره رضی الله عنک قدومی بیانده در

قول اصح اوزره جناب ابی هریره (رضی الله عنه) علی طریق المهاجره خاکای فخر المرسلین رومال و شرف اسلامیه مظهر یتله عال العال اولدیلر • علمای فن حدیث مشار الیهک اولکی اسمنده علی الاختلاف (۱۸) وجهله روایت ایلشیر ایسه ده اک مشهور اولان اسم قدیمی (عبد شمس بن عامر) اولوب عداد اهل ایمانه داخل اولدقلرنده (عبد الله) اسم شریفی و برلمش و برمد تبکزی بر کدی یاوریسنی بسلکه مشغول اولسی (ابو هریره) دنپسنه سبب مستقل اولغله ذات سامیرینه کینه مخصوصه اولمشدر • مشار الیه مشغله

دنویه دن ال ائک چکدرک و خدمت جناب فخر المرسلین جاننه منت بیلرک علی الدوام اصحاب صفه ایلد اقامت و آرام ایلشدر •

فصل { ۸ } (در بیان وقایع) { ۷ } سنه هجریه

مقاله { ۱ }

غزای غرای خیر و قعه سی بیانده در

(لایحه) (خیر) سواد معظمه سی (شام) جهتنده واقع و غایت چوق خرما فدائرینی شامل و اراضی منبته کثیره بی جامع بر شهر شهیرک اسمیدر که (۱۲) قطعه قلاع و حصوندن عبارتدر • اشبو حصون و قلاعک هر بری واضع اساسی اولان ذاتک اسمیه سر کشیده برج اشتهار و بهرنده اساس افکن اولان ذاتک اولاد و احفاد و اتباعی متوطن ایکن صورت فتنی میسر کرده جناب (کردگار) اولمشدر (که زبرده محرر اساسی ایلد متواتر درلر • (۱) حصار نطاة (۲) حصار الشق (۳) حصار کتیبه (۴) حصار قوص (۵) حصار صعب (۶) حصن ابی • حصن وطیح (۷) حصن رنابله (۸) حصن قلعة الزبیر (۹) حصن سلام (۱۰) حصن البرا (۱۱) حصن سطیح (۱۲) حصن فزار • انتها) وقتاکه (حدیبیه) سفری عودتک بکرمچی کونی اولوب شهنشاه معلالوای خطه بعثت (علیه افضل التحیه) افندیمرک مرأت قلب انور لرنده { و مغنم کثیره تأخذونها } آیت کریمه سی معنای بشارت انتماسی عرض جمال قتال ایلدی •

قلاع خیبریه نک چرکاب شرک و کفردن آب سیوفله تطهیر اولنمسیچون اصحاب کرامک (رضی الله عنهم) تهیه اسباب سفر ایللری فرمان و حطام دنیا به عدم التفاتله مجرد جهاد فی سبیل الله راغب اولنلردن ماعداهیچ فردک و کوزلری آغریلقی بولنان حضرت (حیدرک) (رضی الله عنه) بوسفرده بولنامسی ذکر و اتیان بیورلدقدن و (سباع بن) غر فطه غفاری (رضی الله عنه) جانشین سجاد خرافت قشقدن صکره (۲۰۰) اسب سوار و (۱۲۰۰) پیاده صبا رفتار ایلد جانب مقصوده عزیمت بیورلدی • اشبو سفرین اثرده تاج

المخدرات * ام سلمه * رضی الله عنها دخی پیرایه زیب هودج رفاقت اولوب
حتی مجروحین اصحابک امر تداو یسنده استخدام اولنق اوزره (۲۰)
قدر طبیعت شناس اختیاره قدین دخی کتوزلشدرد * نفس (مدینه) ده
متوطن اولان فخره یهود و خصوصیه منافقین بد نمود کروهی عساکر
اسلامک وقوع نهضت لرندن تلاشه دوشه رک راست کلدکلری اسلامی
یهود خیبرک قوت وشو کت لرندن بختله تخذیر ایتکه ووعدۀ استدانه سی
حلول ایتماش مدیونین مؤمنین دن آلا جقلرینی مطالبه هواسیله
ابراز معامله ناجا ایدرک بوجهتله اولسون جمعیت اهل ایمانه تفرقه
و پریشانی دوشورمکه قیام ایدوب حتی منافق لرک سرداری یعنی ابی بن
سلول منافق مرداری خیبریلره برتا تار تیز رفتار اعزام و حرکت
اسلامیانی اعلام ایدوب «محمدیانک (۱۰) مثلی عساکر یکر
اولدیغی و سزده موجود اولان اسلحه و ادوات سائرۀ حرب بونلرده
نادر بولدیغی جله نک معلومی اولغله حصارلریکزه قیانونب کندی
ایا قلیریکزه کرفتار دام عجز اوله رق اسلامیانی جسات لرندیرمیه سکر *
و خارج حصونه چقوب میدان مبارزته ثابت قدم اوله سکر» مألنده
برشقه ایله تأکید نصایحه اهتمام ایلدی * بو اخطار نامه خیبر یهودیلرینی
تلاشه دوشوردیکندن (کنان ابن ابی الحقیق) و (هوزه بن قیس وائل) بی
لاجل الاستمداد (بنی غطفان) قبیله سنه ارسال و محصولات
سنویه خیبریه نک نصفی اعطایه متعهد اوله جقلرینی افاده به استعجال
ایلدیلر * (بنی غطفان) قبیله سی وهله اولاده مواعید خیبریه به
الدانه رق مهبای معاونت اولوب فقط بالاخره لایق تربیه تیغ اسلام
اوله جقلرینی درپیش ملاحظه و امداد ایده میه جکلرینی افاده ایتدیلر *
یهود خیبر بو خبردن دخی بر اضطراب فوق العاده به دوچار اولوب
(سلام بن مشکم) خانه سنده خلقه بند استشاره اولغله قرار ویردکلرندن
(سلام بن مشکم) حسب المعلویه بی صبر و آرام اولدیغی حالده وجع
هائله واقعدهن غیرته کله رک «ابن سلولک رشید الامر و متین
الوجود اولدیغی و باخچه افکارنده برورد مطرا بولمیدیغی معلوم ایهده

بو باده سزه طریق نجاتی طوغریجه کوسترمشدر * اگر قاعده لریکزدن
خروج وانک صحرای رأینه ولوج ایله میدان مقاتله ده صف بسته مقابله
اولور ایسه کز اسلامیانک مجاسر مهاجمه اوله میه جقلری ملحوظ
اولوب شاید هر کس حصارنده متحصن اولوبده مقابله بالثل قضیه سی
اجرا ایدلر ایسه میدان جسات (محمد) یانه براغلمش اوله جفی متبادر
خاطر در «دیه رک خارج قلاعده بوانوب محاربه ایدلسنی اصرار
ایلدی * فقط فرمان قضا جریان (الهی) حصون اشراک مشکون سالف
البیانک خراب اولسنی اقتضا ایتش و وقت مرهون فتح و تسخیری
متقرب الخلول بولنش اولدیغندن شعور یهود منسلب و مفقود اوله رق
متحصن حصون اولغله قرار ویردیلر * ازیل جانب سرخیل انبیا
(علیه اکمل التحایا) حضرت لری مدینه دن نهضت وایکندی وقتی موقع
(صهییا) به مواصلت ایدوب یا تسو نمازندن صکره اسب نازک اندامه راکب
اوله رق برابر کتوریلان قولاغوزلرک دالتیله متوجه سمت مرام اولدیلر *
کیدرک طریقک تعدد ایتسی وهر برینک ساحه (خیبر) ه منتهی اوله جفته
کسب اطلاع ایدلسنی اوزرینه قلاغوزلر جلب اوانوب طرق مذکور نک
اسملری استفسار و تفاوت قرب و بعدلر یله قنغی یولک سهو تلی اولدیغی
سؤال و استخبار بیورلدی * قلاغوزلر قده مهارت کامله سی اولان
(حسیل) نام د لیلک «شو یولک اسمی (احزن در) دیمسیله او یولدن اعراض
اوانوب «شو طریق (شاش) دینور» دیمسنه دخی التفات بیورایوب
«بو یول (حاطبله) تعبیر اولنور» دیمکله او طریقندن دخی عزیمتی
اختیار بیورمدیلر * «استطراد» (فاروق اعظم) (رضی الله عنه)
بیور شلدر که (بالاده اسملری بیان اولنان یوللرک اسامی غریبه سی
کی اغرب بر اسم مسموع اولماشد که رگانه سنک معناسی فناغی متضمندر)
* تم الاستطراد» نهایت الامر بر طریقندن غیر یول قالمیوب انک اسمی
دخی حضرت فاروقک سؤال ایلسی و (حسیل) طرفندن «آنک اسمی
(مر حیدر) دیمسی اوزرینه بر کزیده انام (علیه الصلوة والسلام)
حضرت لری {یا حسیل اشته بو یوله کیدرز} متاله سیله طریق

(مرحبه) اشارت بيور مش وفاروق اعظم (رضي الله عنه) حسيك
 او لا اسمي كوزل اولان يولي اخطار ايتيويده طرق كرهه الالسماني خبر
 ويرديكنه حد تلتوب «يا حسيل بويله اسمي متين يول طور ركن
 نيچون اول امرده بوني ذكر ايتيويده بر طاق اسمي كرهه يوللري تعداد
 ايدر سين» يولنده تكدير ايلشدر • بعده طريق مر جبدن متراهي جانب
 مرام و چند صحابه ايله (عباد بن بشري) طليعه رسمي اوزره ايلرويه اعزام
 بيور ديلر • مشار اليه (خير) جاسوسلرندن بريني دردستله احوال خيبري
 سؤال ايلد كده «قول كن بردوه جي اولوب ضايع ايلش اولديغم (دوه) بي
 آره مقده يم • فقط مدينه منافقاري بو حر كتن (خير) اهل السني خبردار
 وعساكر واسلحه جهتيه دركار اولان ضمهف وقتل كزي اشعار
 ايله قلعه لره قياتمقن تحذير ومقابله بالمثل اجرا سيچون خارج حصونده
 بولملر يني توصيه و تحري ايتمش وانلردخي (بنی غطفان دن) بالاسم تعداد
 (۱۰۰۰۰) نفر غطفاني جلبله قدوم كزه چشم كشاي انتظار بولمش
 اولد قلري مسموعم اولشدر • صنيعه سنده مشار اليه تخويف ايدوب
 لكن مشار اليه بو افاده دن بوي حيله استشمام وقتل ايلك صنيعه سيله
 يهودي بي ييره اوروب لوازم استنطاق وتحذيره اجرا سنه اهتمام
 ايلديكندن «اكر قتلي عفو ايدرايه كز حقيقت حالي بيان ايتكمده
 ارتكاب كذب ايتم» ديمسي وقتلي عفو ايدلمسي اوزرينه «ورو ديكر كز
 خبري بتون اهالي قلاع (خير) ي خوف وتلاشه دوشوردى • و (بنی
 النضير) ايله (بنی قريظه) قبيله لري حقنده وقوعيا فته اولان مجازات
 سياسي (محمد) به كز بونلر كحقنده دخي واقع اولور و اهمه سيله نه قلعه لره
 استقرار ونه ده ميدان مقابله ده پايدار اولغه قرار ويره ميوب
 عساكر اسلامك كيت ومقدارينه تحصيل اطلاع ايچون بني جاسوسلغه
 كوندرديلر • ديو بيان ماهو الواقع ايلدى • مشار اليه اشبو جاسوسي
 بالاستصحاب داخل حضور عاليجناب اولد قده اسير مذكور ك واقعه بي
 وجه سابق اوزره بيان ايلد يكندن امر محافظه سني نيه مشار اليه
 احاله بيور ديلر • و جاسوس مر قوم عساكر اسلامه زمين (خير) ه

واصل وآب هدايته قلعه قلبي ظلمت شر كدن شست وشو ايدرك
 حصار اسلاميه داخل اولدى • اول (ماه مه شكاف افق حرم) يعنى
 حضرت سيد العرب والعجم (صلى الله عليه وسلم) حضرت تلي غايله
 آيدن ومهتاب بر كجه ده وادى (خرضه) ناميله مر سوم خريطه
 تعين اولان محله واصل اولوب قلاع (خير) به بي مشاهده بيورد قده
 { اللهم رب السموات السبع وما اظلان ورب الارضين السبع وما اظلان
 ورب الشياطين وما اظلان ورب الرياح وما ذرين ورب البحار وما جرين
 انا نسألك خير هذه القرية وخير ما فيها ونعوذ بك من شرها ومن شر
 ما فيها } دعاسي زيور زبان وعساكر موحد ينكدخي دعاي مذكوري
 قرائت ايتلر يني فرمان بيورد قد نصكره { ادخلوا على بركة الله } حديثه
 اول محلدن حر كته (منزله) دينلان منزله تعطيل ركاب مواصلت
 ايتسيله در عقب بر (مسجد) شريف تعين ايدرك نماز (تجدي) ادا وعلى
 الصباح فريضة صبحي ايفا بيورد يلر (كه اشبو مسجد شريف) مسجد
 المنزله اسميله متعارف اولوب (خير) يلر (بيرام) نازريني اليوم مذكور
 مسجد ده ادا ايدلر • قول ديكر مفادينه نظرا ركوب ميان من مصحوب
 رسالته مخصوص اولان دوه اول كجه يرندن صحرابوب زما مني
 سور و كله به رك بر محله متوجه اولديغي واصحاب كرام طرفندن دوه بي
 دردست ايچون قيام اولنديغي خلalde { دعوها فانها مأمورة } مقال
 حكمت مآيله منع اولمسي و (دوه) ايلرويه رك بر طاش كولكه سنده زانو
 زده استقرار اولمسي اوزرينه باني مباني شريعت غرا (عليه افضل التحايا)
 حضرت تلي اول محله دخي اساس افكن (مسجد) اولغه صلوة صبح اشبو
 مسجد عالیده ادا بيورلد يغي و (خير) يلر عندنه اليوم اعظم مساجد
 عد اولان مسجد اول معبد مقدس اولديغي اكلا شيلور • اشبو ليله
 مبار كه ده بحكمة (الله) تعالى اهالي (خير) كوزلرينه بر پرده غفلت
 چكلوب سائر كجه لره تابصباح حصار لك اطرافنده نوبت كذار
 دوري اولان يهوديلر اول كجه رهين خواب غفلت اولوب اسلاميانك
 قدومندن خبراله ميهرق حتى خروسلر يله سائر دايه لري ترنم ومعتاد

سحریه لرینی اجرا ایدمه مدکلرندن اهالی حصون بعد طلوع الشمس
 او یقودن قالقوب هربری سرسم حامل ادوات بیل وزنبیل
 اولوب ترلارینه کتک اوزره ابواب قلاعدن خروج ایله جیوش مسلمینی
 مشاهده ایلدکلرندن «والله و محمد و الخمیس معه» مقالیه سینه
 دو کهرک عودت و هرکس حصارینه کوروب ابواب حصونی غلق و سد
 ایتکه مسارعت ایلدیلمر * فائده * (لفظ خیسک معنای اصطلاحیسی
 بش قطعده دن کایه اولغله بین العرب (مقدمه) و (ساقه) و (عین) و (یسار)
 و (قلب) خطلرینی حاوی اولان بیوک اردویه اطلاق اولنور که (مقدمه)
 اردونک اک ایلروسنده کیدن قره اول فرقه سیدر که بوکا (چرخه جی)
 دخی دینور * (ساقه) كذلك اردونک اک کیروسنده بولنان خطدر که
 اکا (مؤخر الجیش دخی تعبیر اولنور * (عین) اردونک صاغ طرفنده بولنان
 فرقه یه تسمیه اولنوب کذلک بونک مقابلی اولوب صول طرفده یوریدیلان
 فرقه یه دخی (یسار) تعبیر اولغله اردونک وسطی واک کیتلوفرقه سنه
 (قلب) دینور * انتها) خیر اهالیسی بل وقازمه آلا تیه ابواب حصوندن
 خروج ایلدکلری مشهود چشم حقایق بین همایون اولدقده علی طریق
 التفأل {الله اکبر خربت خیر انا اذ انزلنا بساحة قوم فساء صباح
 المنذرين} بیوردیلر * خیر یلرایسه خیام اسلامیان کوروب رهین
 خوف و دهشت اولدکلرندن (سلام) بن مشکمک تدبیر یله اموال
 و اولاد و عیال لرینی و اطعمه ایله ذخائر مقوله لرینی (صعب) و (ناعم)
 حصار لرینه وضعله قابل حرب و پیکار اولنلری (نطات) حصارنده بالاجتماع
 مقاتله یه درکار اولدکلری و (سلام) بن مشکمک خسته لکی مشد اولوب
 جان خبیثی خروجه سد رمق قالمیشکن هزار تعب و مشقتله (نطات)
 حصارینه کیدرک «ای معشر یهود میدان حربه مقتول اولق ایادی»
 اسلامده اسیر اولدن ایودر» یولنده ایراد ایلدیکی نطقله محاربه یه
 تشویق ایدیشنه قایلد کلری جهته متصدی مقابله اولدیلمر * و سالار
 منصور اللوائ نبوت (علیه اجل التحایا) حضرتلری بونلرک امر
 مدافعه و محاربه ده درکار اولان تعصبلرینی کوروب فضائل جهادی

بیانله غزاة اسلامی امر جهاده ترغیب بیوردیلر * بواشاده جناب
 حباب بن المنذر (رضی الله عنه) «یا رسول الله عسا کرک اکر بو محله
 اقامت ایتسی مقتضای وحی ایله دکلسه ملاحظات عاجزانه می بیان ایلک
 استرم» دیمسی و «یا حباب مقتضای وحی ایله دکدر» جوابی ویرلمسی
 اوزرینه «یا رسول الله بوراسی (نطات) حصارینک غایت یقیننده
 اولغله اهالی حصار بزم مقدار یزیه واقف اولورلر * لکن بزم انلرک حالنه
 مطلع اولقلغیر غیر ممکندر * خصوصیه جمله پهلوانلرایله حصار مذکوره
 مجتمع اولوب آماده جنگ وجدال اولدیلمر * انلراوق آندجه بزه اصابت ایتک
 امر مجزوم و لکن بزدن آتیلان او قلره انلرک قلعه لری دیوار کش ممانعت
 اوله جغی بدیهی و معلومدر حتی لیالا اردومزی باصه جقلریدیخی
 مأمول اولنه بیلور * و بونلردن قطع نظر بولندیغیز محل هوا جهتیه
 وخیم و کرمناک اولغله عسکرک آزرده مزاج اولملری محتاج تعریف دکدر *
 اگرچه تصویب بیور یلورایسه محذورات مسرووده دن بری الساحه
 برعسکر کاهک تدارکی مطالعه بنده کانه مه مناسب کلور» دیدیکنه
 و تصورات دور اندیشانه سی رهین تصدیق و قبول اولدیغنه مبنی
 محاذیر مذکوره دن خالی اولق اوزره مناسب برعسکر کاهک تدارکی ضمیمه
 محمد بن مسلمه (رضی الله عنه) اعزام بیورلیدی * و مشارالیه (رجیع)
 نام محلی کشف و معاینه و مطلوب عالییه موافق اولدیغنی عرض
 و افاده ایلدیکنندن اقشام اولنجه محل مذکوره عزیمته قرار ویرلوب
 اولکون اهالی (نطات) ایله اجرای مراسم مبارزت و یهودیلرک
 حصار ایچندن آندکلری آهنین او قلری اخذ ایله ینه کندیلرینه
 اعاده یه مسارعت ایلدیلمر * اولکون (محمد بن مسلمه) نک برادری
 (محمود) بن مسلمه رضی الله عنهما اظهار دلیری و شجاعت ایتکله یورلمش
 و هوا غایت سیجق اولغله ثقلت اسلحه و البسه سی ضعف وجودینی
 استلزام ایلش اولدیغندن لاجل الاستراحه (ناعم) حصارینک دیواری
 کولکه سنده زانورده خواب راحت اولدیغنی مشاهده ایدن (مرحب)
 یاخود (کانه ابن ابی الحقیق) نام یهودینک بالای حصاردن انداخت

ایلدیکی دکرمن طاشیله مشار الیهک بیضه رأسی ازمش و آلتنک درسی
یوزینه ایندرمش و مشار الیه اول حال ایله حضور همایونه ایصال قلمش
اولدیغندن یوزینک درسی ید عالی رسالت ایله رفع ایدیلر رک برخرقه
پارچه سیله صارلمش ایسه ده چند کون صکره ارتحال ایلشدر • (رضی الله
عنه) اقشام اولدقده تهیه ایدیلان عسکر کاهه نهضت وایرته سی
کونی جناب (ذی النورین) رضی الله عنه خیمه کاه اسلام محافظه سنه
مأمور قلوب بالذات حصار (نطاته) عزیمت یوردی • علاوه
اشیو غزای غراده ایکی (سجیغ) شریف بولنوب برسی • صدیقه
رضی الله عنهماک باب عصمتخانه لری پرده سندن معمول بر علم سیهفام
ودیکری خورشید عالم کبی بیاض اندام اولوب «یا منصور امت
امت» عنوان ظفر نشانی علامت فارقه اسلام اتخاذ یورلمشدر
• انتها» حضرت فاروق (رضی الله عنه) محافظ خیام مؤمنین
اولدیغی لیالک برنده (نطات) قلعه سی اطرافنده بریهودی بریشان
حالی در دستله قتل ایدیه جکی صروده مر قومک رجا و برطاق اخبار
مسرت اخبار ایدیه جکی بیان و انبا ایتسی اوزرینه حضور همایونه احضار
و خبر مسرت دیدیکی کیفیت طرف واضح الشرف عالیدن استفسار
یورلدقده «یا ابا القاسم مهابت صلابتک ز قاه نطات ایچنده اولنلرک
قلوبنه القای خوف و هراس و حصار شعور لری اساسی متزلزل و شرف
اندراس ایتمکله بویجه اولدقلری حصار ی با تخلیه (شق) قلعه سنه
فرار و ممکن اوله بیلورایسه اوراده قرار ایدیه جکلرینی حرکات واقعه لرندن
استدلال ایلد میده بو حالک کذب و صدق مرآت سحرده صورتی
ظهور اولور» دیمش و فی الواقع علی الصباح (نطات حصار ی)
فتح ایلشدر بعده (شق) قلعه سی اوزرینه مهاجمه و اشغال
ناره جنگ و مصادمه اولنوب اقشام اوزری بر معتاد متار که اولندی •
و یهودیلر اول کیجه بو حصار دن دخی فرار ایلد کلرندن علی الصباح
قلعه مذکور ی ضبط طله (صعب) حصار ی محاصره سنه اهتمام
یورلدی • غزاة اسلام اشبو محاصره ده اوچ کون قدر آج قالمش

(بنی اسلم) قبیله سی طاقنک نهایت جوعدن حرکت مجالری قالمش
اولدیغی جهته (۲۰) و قول آخرد (۳۰) رأس جمارک حصار
اصعبدن خروجله چراگاه صحراده اوتلامغه باشلاقلری منظور بعض
موحدین اولدیغندن ذکر اولتان جمار لری ذبحله لاجل التناول طبخ
ایتدکلری ائنده اول (شهرسوار شوارع هدا) یعنی جناب فخر
الانبیا (علیه افضل التحایا) حضر تلی اوزرینه اوغرایوب بومر تبه
مضایقه ده اولقدر اطعمه طبخ ایدلمش اولسنه استغراب و وقعه واقعه دن
استجواب و حضار اصحاب اعطای جوابه شتاب ایلد کلرندن
منادیلر ایله {الان لجم الحمار الانس و لجم کل حیوان ذی ناب من السباع
و ذی مخلب من الطیور و نکاح متعة حرام} مقاله سنی اعلان و لجم
جمارک حرمتی بیان یوردیلر • بنی اسلم قبیله سی فیما بعد آجلغه تحمل
ایده میه جکلری جهته ایچلرندن برینی ولی النعم عالم سید الام
(صلی الله علیه وسلم) حضر تلینک درگاه عاطفت مدار لرینه اعزام
ایله استدعای نوال ایلدیلر ایسه ده دستارای شهنشین اولالک حضر تلینک
دخی نزد عالی همایونلرنده غزاة مسلمینی اداره ایدیه چک نواله اولد یغندن
{اللهم اقبح للمسلمین اعظم الحصون و اکثرها طعاما} دعای زیب
زبان و حباب بن المنذر (رضی الله عنه) بر سجیغ شریف اعطا سیله
حصار (اصعب) اوزرینه هجوم ایدلمسی فرمان یورلد یغندن
قبیله مذکوره اهالیسی خطوط سائر اسلامدن اقدام هجومه برمدت
مدیده مقاتله و مشاجره دن صکره فتح حصار میسر کرده رب کردکار
اولغله لایعد و لایخصی متاع اقشه و ذخائر کثیره اغتنام و احراز
کنجینه مراد و مرام ایلدیلر سائر قلعه رک فتحی ایسه کافه سندن
متین اولان (قوص) قلعه سنده برآورده ضبط و تسخیر اولسنه
موقوف و حصار مذکور کور کرسی ممالک یهود مور شمار اولغله بونک فتح
و تسخیری بر قوه جسمیه سوقنه معطوف بولمنسه بناء قلاع سائر نک
ضبط و تسخیر یله اوغرا شلقدن ایسه ابتدای امر ده (قوص)
حصارینک تسخیری بولنه صرف یارای اقتدار یوردیلر • اول ائنده

سرآمده کائنات و خلاصه موجودات (علیه افضل الصلوة) افندیمر
برنوع باش آغریسته مبتلا اولدیغندن کل یوم (سجماغ) شریقی بهادران
صحابه دن برینه تسلیمه معرکه به سوق ایلمر • و مشار الیهم غروب شمس
قدر ایفای امر مبارزت و مظهر فتح اوله میوب عودت ایدرلردی •
برکون (سجماغ) شریف (عمر بن الخطاب) رضی الله عنہک یدظفر
مؤیدینه و یراش و مشار الیه طاقت بشریه خارجنده اوله رق برنوع
مبارزت ایفاسیله دامن حصاره تقرب ایدوب آنجق قلعه نک فتح و ضبطی
وقت آخره مرهون اولدیغنی اکلا یوب مایوسا عودت ایلشدر •
ایرته سی کونی کذلک حضرت صدیق (رضی الله عنہ) کوندر یابوب
انلردخی نزد ملائکه کرامده بیله رهین تحسین و آفرین اولورجه سنه
اظهار دلیری و ابراز معامله شجاعت و بهادری ایدوب فقط جناب
رب قدیر شاهد دلارام نازنین اندام فتح و ظفرک عرض وصال ایلسنی
اول کون دخی عوق و تأخیر یورمشدر • اوچنجی کونی جناب غیرت
مأب عمر بن الخطاب (رضی الله عنہ) ینه سالار عساکر اختیار اوله رق
اقشام اولنجیه قدر حصارک دیواری کنارنده اشغال نأره جنک وجدال
و ابتدای کوندن زیاده سل شمشیر صلابت و بسالته اشتغال
ایلدی ایسه ده ینه باب حصار اوزره ایقاد قنادیل فتح و ظفر ایلکه
موفق اوله مامشدر • (قوص) حصاری اهلینک امر مدافعه ده
بودرجه ابراز ثبات ایتلری بعض کیمسه ره وسیله یأس اولوب قلعه
مذکوره فتحندن قطع امید ایلدیلر ایدی که اول کیمسه ره مایوسیت
طیران ایلدیکی اقشام فم محسن نبویدن «والله لا عطین الزایه غذا
رجلا یفتح الله علی یدیه یحب الله ورسوله و یحب الله ورسوله» حدیث
عجاز طرازی و (محمد) بن مسلمه رضی الله عنہک قاتلی اولان
(مرحبک) تلف اولنه جغنی مژده سی صدور ایلشدر • بو کیت اصحابک
جمله سنی رهین امید و حیرت ایلدیکندن «عجبا اول مرغ همای شوکت
قنخی اهل سعاده سایه کستر دولت اوله جقدر» تصویر یله کافه
غزاه موحدین ترک خواب راحت ایلدیلر • بعضیلری (علی) المرتضایک

(رضی الله عنہ) بو اوصافه شایان اولدیغنی اعتراف ایدوب فقط کوزلرینک
معلول و بو جهته اشبو غزا شرف مرافقتدن محروم اولدیغنه بناء
اول صورتله تأویلدن صرف افکار ایلدیلردی • جناب (حیدر) کرم الله
وجهه ایسه «کوزلرم دوچار اولدیغم وجع عین ملا بسه سیله دیدار
حبیب کبریا مشاهده سندن محروم اولوب باری سامعه م اولسون
استماع کفتار لردن محروم اولسون» دهرک مدینه دن حرکت و اول
کیجه معسکرگاه اسلامه مواصلت ایتش و کلمات (سید الاولین و الاخرین)
کوش محظوظیتله استماع ایدرک اول دولت سرمدی شرفنه مظهر
اولق اوزره {اللهم لا معطى لما منعت ولا مانع لما اعطيت} مقال
توکل التمالیه دست کشای دعا و مربع نشین سجاده تسلیم و رضا •
اولشیدی • علی السحر بالجملة اصحاب خیمه خورشید طنب همایون
اطرافنده مجتمع اوله رق امید التفاتله دوچار رعشه اضطراب اولوب حتی
(سعد ابن ابی وقاص) رضی الله عنہ اول کون خدمت موعوده نائل
اولق اوزره (نظر سید البشر) خدا سنده حلقه بند مجالست اولان
برطام صحابه میانه سنده برمدت دیز اوزره طورمش و بو طوروشه قانع
اوله میوب مشهود با صره عالی اولق آرزو سیله ایاغه قالمشدر •
واولکونه کلنجیه قدر خاطرینه سودای امارت کتورمین (فاروق)
اعظم (رضی الله عنہ) اول کون ابراز آرزوی امارت ایلشدر • والحاصل
خورشید عالم آرای منیر شش جهات عالمی تنویر ایلدیکنی
متعاقب مهرمنور طلعت رسالت (علیه افضل التحیه) حضرتلری
مشرق خیمه سعادت لردن خروجله اصحاب کرامه پرتوانداز نکه
اولدیلر که بواثاده اصحاب کرامک طائر ارواح آرزو سی مظهر خطاب
سید عالمجناب (صلی الله علیه وسلم) اولق هوا سیله لانه ساز آشیانه افواه
اولوب مهبای پرواز اولشلا ایدی • ناکاه صلی الله علیه وسلم «علی
ابن ابی طالب زده در» نهجنده استجواب و اطرافدن «یا رسول الله
کوزلری اغر» بولنده اخذ جواب ایلدیکندن اول توتیا پاش عیون
امم و روشن ساز دیده عالم (صلی الله علیه وسلم) حضرتلری مشار الیهی

بالاحضار مبارك باشلرینی زاتوی التفات سعادتہ الوب لعاب شفا انکیزلرینی
دودیده مشار الیہ سورملریلہ برابر عارضہ مرضی مسندفع واثار
نور کوزلرنده ملتئم اولدیغندن حضار اصحاب پراوغوردن تکیر کتور مکہ
شتاب ایلدیلر بعدہ {اللهم اذهب عنه الحر والقر} کلمات اعجاز
نماسیلہ دعا بیوردقن صکرہ بدن اقدس همایونلرینہ مخصوص اولان
زره مقدسی ومیانلرینہ سیف قاطع ذولفقاری بالتعلیق «یا علی مضاربہ
خصوصنہ عجلہ ایتوب اول امرده اهل حصارى من قبل الرحمن کشیده
قلنس اولان ضیافت اسلامیه به دعوت ایللیسن. اگرچه موافقت ایتزلر
ایسه مقاتله اولتمق آساندر. چونکہ برکافری اسلام ایتکک سبب اولمق
طریق حقدہ برچوق قیرمزی دوه تصدق ایلکدن اولادر»
وصایاسنی بالا یفایدعالی حیدر یلرینہ (سجخاغ) شریفی تفویض وتسلیم
میدان محاربہ به سوق واسرا بیوردیلر. مشار الیه شیرانه بر رفتار
ایله قلعه (قوص) اوزرینہ خطوه جنبان عزیمت و (سجخاغ) شریفی باب
حصاره یقین برطاش اوزرینہ رکز ایله آماده مبارزت اولدقده اهالی
قلعه دن بری صورتی ظهور اولوب سردار اسلام کیم اولدیغنی
استجواب و «علی ابن ابی طالبدر» یولده اخذ جواب ایلد یکندن عودت
ایدوب «ای معشر موسویان بصیرت اوزره حرکت ایدک» کد بو کون
حصار یمزک ضبط ایدلمسی اغلب مأمولدر» دیمش وفی الواقع مشار
الیهک مهاجہ شیرانه سندن اولکون قلعه نک فتحی میسر اولمشدر.

مقتل حارث برادر مر حب

یوم مذکورده یهودیلر اولانجه قوت وقدرت لرینی اظهاره غیرت
وحصار ایچنده اولدقلری حالدہ مقابله بالمثل ما نوره سنی ایفادن عاجز
قالملری اوزرینہ (مر حب) نام یهودینک قرنداشی (حارث) برطاقم هواداری
ایله خارج حصاره خروجه جرأت ومیدان جنک وجداله پانهاده اقدام
محاسرت ایدوب ایکی اسلامی بر حله ده شهید ایلد یکی حال یأس افزا
مشهود چشم (مر تضا) اولمسیلہ ابراز ایلد کلری حله حیدرانه
ایله حارث سالف الذکری درکک نشین بحیم ایلدیلر.

مقتل مر حب

(مر حب) قرنداشی حارثک مقتول تیغ اسلام اولدیغنی کورمسیلہ بالای
حصاردن بر نعره اوروب شش جهت عالمی متزلزل ایلدیکی و «قد علمت
خیرانی مر حب» (شاک السلاح بطل مجرب) (اضرب احیانا
وحینا اضرب) (اذ الحروب اقبلت تلتهب) (ان حمای الحی لا یضرب)
(شعر) عربیه سنی زبان پیرای مباحات ایتدیکی حالدہ طائفه یهود دن
بر طاقم جان درکف قهر مانلرله قلعه دن خروجه طالب مبارزت
و (هل من مبارز) مقاله سیلہ نعره زن سطوت اولمشدر که ذاتا کافه
پهلوانان خیر دن توانا اولدیغنی حالدہ اول روز غیرت اندوزده قات قات
زره لر کیه رک نمونه مواج دریای غضبناک اولوب وایکی قلنج طاقنوب
باشنه چیفته عمامه صارینہ رق وید نامبار کنه اوچ بطمان (القی وقیه
ثقلنددر) اغر لغنده برکور زآله رق میدانه چیغمش وقوت
بازوی اصلیه سنه ماتم جانسوز برادری دخی علاوه حدت اولمشیدی.
خرام مغرورانه سنده درکار اولان سطوت وجلادتک مهابتی دایران
اسلامی استیلا ایلد یکندن وعروق نبضلرندن غیری متحرک لرلی
قالمدیغندن جناب حیدر (رضی الله عنه) رهگذار مر حبی سد و بند
ایله (انا الذی سمتنی امی حیدره) (ضرغام اجام ولیث تسوره) (عبل
الذراعین غلیظ القصره) (اوفی هم بالصاع کیل السندره) (رجز)
دهشت انکیزینی زیب زبان بیوردیلر. (مر حب) ایسه برادری (حارث) ک
انتقامنی المی ایچون تشنه خون (حیدری) اولمق ومشار الیهی اولوجهله
مقابله سنده بولمق ملابسہ سیلہ سرعالی مشار الیه بر شمشیر جلادت
حواله ایدوب ققط اصابت ایتدیره مدایکندن اول سرآمد میدان
صرامت وشیریشہ زار صلابت (کرم الله وجهه) حضرتلری تیز دستک
دسیسه مر غوبه سیلہ (مر حب) مذکور ی چاه غیایه انقاوبونی مشاهده ایدن
فصحای سکنة حصار دن بری (علی حمی الاسلام من قتل مر حب)
(غداة اعتلاه بالحسام المضخم) بیتنی حق عالی مشار الیهده انشا
ایلمشدر. قوه الظهر یهود اولان (حارث) و (مر حب) وقوع هلاکی

اهالی خیریه بی بی شعور و جله سنی بردن جناب (حیدر) که (رضی الله عنه) اوزرینه هجومه مجبور ایلدیکندن اولنان مهاجده رؤسای یهوددن (۸) نفر بر برینی متعاقب قنطره تیغ (حیدر) به دن مرور ایتکله بقیه السیوف دشمن فرارودرون حصاره جان آتوب قرار ایلدیلر. سالف الذکر (۸) نفر رؤسای خیریه نک قتل و اعدام اولند قلری اثنا ده یهود بد نموددن بری حضرت (حیدر) ه احاله ایلدیکسی سیفه طوبیلان سپر متحمل اوله میوب ییره دوشدیکندن حصاردن بری اغتصابه قلعه جاننه عودته شتاب ایلدی. بو حال مشار الیه بی شعور و باب حصاری برندن قویارمغه مجبور ایلدیکندن باب حصاره شتابان و خندقدن صحیرایه رق سدا سکندر دن قوی و متین اولان باب قلعه بی برندن قلعه اطراف و اکافه خراممای جولان اولدی. و بو حال مشاهده اولان قلاع و حصون خیریه بهادر لری متعجب اولوب فیما بعد کندی و لرنده یارای مقابله اولمادیغنی بالمطالعه تسلیم قلاع شریطیله طالب امان اولدیلر. مشار الیه بعده باب مخلوع مذکور ی خندق اوزرینه وضعله جنود اسلامی درون قلعه به امر ارایش و مشعله جنک بر طرف قلندقد نصکره باب آهنین مخلوع (۸۰) ادم واسطه سیله قالدیریلوب دیگر محله نقل اولمغله حق عالی شیرانه لرنده (علی رمی باب المدینه خیر عثمانین شبر اوافیللم یسلم) مدیحه سی نظم ایلدیلشدر. استطراد منقولدر که جناب حیدر (رضی الله عنه) قلعه قپوسنی قویاروب قلقان ایلدیکسی زمان چار دیوار حصارده واقع اولان زلزله و اند راسی خانه سنده غرقه نشین ناز اولان صفیه بنت حبی بن اخطبی ییره دوشوروب عارض سیننی زخمدار ایتش و باب آهنین مذکورک (۸۰۰) بظمان اولدیغنی دقیقه سنجان فن سیر ثبت صحیفه اثر ایلشدر. تم الاستطراد بو خارقه نک جلوه کر منصفه ظهور اولسی استعجاب اعدایی موجب واستغراب احبابی مستوجب اولمغله دشمن طرفندن واقع اولان فریاد و انین وجهت مسلمین دن ظهور ایدن کلبانک تحسین و آفرین متصاعد چرخ برین اولشدر. بیت (دکل تقلیده قابل پنجه شیر خدا در بو) (بو قوت خاصه دست علی المرتضی در بو)

علاوه غائله حرب بر طرف اولدقد نصکره بهادران اسلامدن (۷۰) نفر صحابه سالف الذکر تیمور قپویی برندن قالدیرمغه صرف ما حصل قدرت ایدوب بر طرفدن طرف دیگره تقلیب ایده ممش و بو خارقه نک صدوری قوه جسمانیه ایلله اولیوب قوت قد سیه روحانیه ایلله ساحه نمای وقوع اولدیغنی متفق علیه بولمشدر. بیت (کرسه معنوی اولسون کر کسه قوت صوری) (هله خیلی شرفدر مصدر اولوق بویله حالاته) نتیجه کلام (علی ابن ابی طالب) کرم الله وجهه خیر اها لیسنک طالب امان اولدقلرینی درگاه شهنشاه انس و جاننه (صلی الله علیه وسلم) عرض ایلسی اوزرینه بالجمله اسلحه ایلله ذخائر و اموال مقوله لرندن برشی ناچیز بیلله کیزلمیه رک غزاة مسلمینه تسلیم ایتلری و شاید بر نسنه توقیف ایده جک اولور رایسه جمله سنک قتل اولنده جقلری* و قول آخر مفادینه کوره (هر بری بر دوه یوکی اطعمه استحبابیله اجلائی وطن ایللری* شرویطیله اعطای امان و کتم اشیا اولندیغنی میدان چیقار ایسه اعطا بیوریلان امانک حکمی مفسوخ اوله جغی در میان بیورلشدر. حضرت (حیدر) ک قلاع (خیر) به فتحه موفق اولسی قاعد راحله رسالت (علیه افضل التحیه) حضرت تلرینک نهایت درجه انبساط درونلرینی استلزام ایلدیکندن خیمه آسمان قدر اجلال لرندن مشار الیه استقبال و بازوی التفاتلریله دراغوش و دو چشم انور لرین بوسله مراتب آماله ایصال ایدوب حتی (یا علی قد بلغنی نباءک المشکور و صنعک المذکور) و قول دیگرده (یا علی بو باده در کار اولان خدمتکدن راضی اولدم) نهجنده شکر پاش التفات اولدیلر* اشبوالتفات مشار الیه بر بکای مفرطه سروره اجبار ایلدیکندن صلی الله علیه وسلم افندیمن (یا علی بو خدمتک بالکرم بنم رضامی دکل بلکه رضای خدای ملک علامی و محظوظیت کافه ملائکه کرامی استلزام ایتشدر) بیور دیلر. ایرتسی کونیکه وقعه فتح (خیر) ک ایکنچی کونی ایدی. جناب (فخر المسلمین) صلی الله علیه وسلم حضرت تلری (قوص) حصارینی بالذات تشریفله قلاع (خیر) به اها لیسنک کار کزاری اولان (کانه)

ابن ابی الحقیقین خزینة (ابی الحقیق) استکشاف بیورمسی و کانه
 «مهمات جنگ وجداله صرف ایتدم» یولنده اختیار کذبله یمین
 ایلمسی اوزرینه «اگرچه بو جوابک خلاف واقع ایدوکی ظاهره جیقار
 ایسه قتل اولمکزه قائل اولور میسکن» سؤالی ایراد بیورلمش
 واولدخی بو مقاوله بی قبول ایلمش اولمغله سجاده پیرای شریعت
 غرا (علیه صلوٰۃ الوری) حضرتلری خصوص مذکوره (شخین
 مکرمین) و (علی المرتضی) رضی الله عنهم حضراتیله (۱۰) نفر
 اعیان یهودی شاهد طومشالر وعاقبت اندیشان خیبریه دن بری
 «یا کانه طمع مال ایله قتلکی ارتکاب ایتدک» اگر مال معهود زیر تصرفده
 ایسه وزده محفوظ ایدوکنه مطلع ایسه ک کتم ایتوب جانکی خلاص
 ایت • زیرابونک حضرت (محمد) ه (صلی الله علیه وسلم) خبرورلمسی امر
 بعید دکلدر» یولنده خیرخواهانه بر صورتله ایفای نصیح و پند
 ایلمش رایسه ده مرقوم کانه تغد یهودیتله انکارنده اصرار ایلدیکندن
 جناب حق (جبریل) امین واسطه سیله اول دفینه نک نه محمله مدفون
 اولد یغنی اخطار بیورمش * وقول دیکر مفادی اوزرینه کیفیت
 کانه نک برادر ی (ثعلبه) بن ابی الحقیقین سؤال اولمسی واولدخی
 «یا رسول الله نه محمله مدفون اولد یغنی بندخی بلیم • فقط برادر م
 (کانه) دائم الاوقات حصار (نطات) داخلنده واقع ویرانه نک
 اطرافنی کز مکدن کیر و طور مد یغنی جهتله اول محل حفر اولور ایسه
 دفینه نک سر زده ظهور اولمسی احتمالدن غیر بعید در) جوابنی
 ویرمسی اوزرینه (زبیر بن) العوام (رضی الله عنه) محل مذکور حفرینه
 مأمور ودفینه مذکوره بلاتعب رونمای ظهور اولد یغندن شروط محرره
 سالف الذکرک احکامی اوزره دکرمن طاشیله شهید اولان (محمد) بن
 مسلمه (یه (رضی الله عنه) قصاصا (کانه نک) قتلی خصوصی شهید
 مشار الیهک برادر ی (محمد) بن مسلمه (رضی الله عنه) اشارت ودر عقب
 اجرای ایجابنه مبادرت قلمشدر • چونکه طائفه یهودک کذب
 ظاهر اولدی * اعطا اولنان امانک شرطی منفسخ اولوب جمله سنک قانلری

مباح اولمغله (صلی الله علیه وسلم) حضرتلری انلرک قانندن کچوب ماللرینک
 اغتنام اولمسنی و عورتلرینک اسیر دست اسلام اولمسنی تصویب بیورمشدر •
 علاوه (ابی الحقیق) بر قوزی در یسی مملو زرو زیوری
 وعقوددر وجواهری اولوب اهل مکه دو کون و بیرام وقوعنده ایجاب ایدن
 در وجواهری (ابی الحقیق) مر قومدن آله رق یرینه رهین ویررلردی •
 (ابن الحقیق) کیدرک بر درجه ثروت و سامان و یساره مالک اولمشدر
 که (قوزی در یسی زرو زیورینی المزا اولد یغندن قیون در یسنه ومؤخرا
 صغر در یسنه ودها صکره لری دوه در یسنه طوادر مشدر) • انتها

غنائم خیبریه نک جمع و تقسیم بیورلد یغیدر

سید العرب والعجم (صلی الله علیه وسلم) حضرتلری جانب سامیسندن
 شرف صادر اولان امر و فرمان جهان مطاع اوزرینه (فرو
 ابن عمرو بیاض) رضی الله عنه اقسام (اقشه) وامتنه سائر ایل
 (اسلمه وانعام واطعمه) یه دار غنائم خیبریه نک کافه سنی (نطات)
 حصارنده بر محله جمع و تهیه و منادیلر واسطه سیله (برایب پارچه سی
 وایکنه مقداری اولان اشیایله نظر غنیمته الله جفنی و شاید اموال غنیمته
 خیانت ایدوب برشی صاقلیان اولور ایسه لایق نار اوله جفنی)
 اشاعه ایلد یکنندن ایکنه دن ایپلکه وار نیجه یه قدر هر نه کی
 اغتنام اولمش ایسه جمله سی بیت الماله تسلیم ایدلمشدر •
 مجزه {استطراد} (حرکات سفریه اثناسنده رحل و متاع
 نبوی محافظه سنه مأمور اولان و حین مقاتله ده غاشیه داراسب همایون
 خدمت سنیه سننده استخدام قلنان کرکره نام غلام زنجی
 اول کونلرده فوت اولمغله جناب سریره شناس عالم (صلی الله علیه
 وسلم) «بو غلام سیهر و اهل جهنمدر» بیوردیلر • بو خالدن صحابه
 کرام متعجب اولوب اموال متروک سنی بالمعاینه تقسیم غنیمت خیبریه دن
 مقدم کهنه بر (کلیم) صاقلد یغنی ظاهره چیقار دیلر •
 مجزه دیگر اصحابدن دیکر بریدخی وفات ایتدکله انکده نماز جنازه سی
 اداسندن انصراف بیورلمش واول علامه کتب خوار سرائر دوسرا

(علیه افضل التحایا) دن بو وقعه نك حكمتی سؤال واستكشاف قلنش اولدیغندن «اخفای مال غنیمت ایتشیدی» یولنده اعطا بیوریلان جواب اوزرینه انكدخی متروکاتی تفحص اولنوب ایکی ایچه ایتمز براق (بونجق) بولمشدر • تم الاستطراد) بالاخره اجتماع اولنان اموال و اشیانك خمس شرعیسی بالا فراسواریلره (ایکیشر) و پیاده لره (بر) ویرلك اوزره توزیع و تقسیم قلنش و مجروحین غزاة خدمتده بولنان خاتونلرك دخی کیسه امیدلری مالامل بیورلمشدر • علاوه • (حصه همایون اولان خمس شرعیدن) بنی هاشمه بنی عبدالمطلبه) دخی احسان بیورلمسی یعنی بوصورتله تقسیم مال غنیمت اولنمسی فقرای مؤمنینك ثروت و یسارینی مستلزم اولمغله هربری مالک نصاب ثروت اولوب حتی (عبدالله بن عمر) رضی الله عنهما «ما شبعنا حتی فتحنا خیر» مقاله سیله عرض مباهات ایلشدر • انتها) بونشاط جام فتحی متعاقب (۱۵) سنه دنبرو مهاجرت اوزره دیار حبشیه ده بولنان برادر (حیدر غالب) یعنی (جعفر) بن ابی طالب و ابی (موسی الاشعری) ایله (۱۶) نفر موحد و چند نفر مهاجرات (رضی الله عنهم و عنهن) دیار مذکور دن هجرت و اول روزیمت افرو زده مجلس کروی انیس رسالتله مواصلت ایلدکلرندن (سید الانام) (صلی الله علیه و علی اله ملک العالم) حضرتلری درجه ثنها به ده مسرور اولوب حضرت (جعفر) ك (رضی الله عنه) کوزلرندن بوس ایدرك کال انبساط و انشراحله {مادری انا ایها اسر بفتح خیرام بقدم جعفر} مقالنی زیب زبان و مال غنیمت خیریه دن عامه مهاجرین (حبشه) به دخی بر حصه افرازايله سر مباها تترین موازی اسمان بیور دیلر •

• یهود خیرك فخر الانبیا (علیه افضل التحایا) بی متجاسر تسمیم اولدقلریدر •

اول سید آخر الزمان و محرم سر نهان (صلی علیه الیزدان) حضرتلری برکون (قوص) حصارینه سایه انداز تشریف و اقبال اولدیغنه و مقتول تیغ (حیدری) اولان (مرحب) یهودینك برادری (حارثك) دختری و (سلام) بن مشكم زوجه بد اختری (زینب) بنت حارثك (نازك مزاج مهمانخانه آفرینش) صلی الله علیه و سلمی تسمیم ایتك

داعیه سنده بولدیغنه مبنی بعض و سابط ایله جناب فخر کرام (علیه الصلوة والسلام) ك اقسام لحوم دن قیونك اولك قوليله یاغرین کورکی ایلرینی اکل و تناولدن محظوظ ایدوسکنه مطلع اولوب برکی اوغلاخی بریان ایدرك اوغلاغك بتون بتون وجودینی زهر طولدر دیغی کی اولك قوليله یاغرین کورکی طرفلرینه زیاده جه زهر قویوب علی طریق الهدیه مجلس ملائک خدم همایونه تقدیم ایتش و اقشام نمازی وقتی حلول ایلش اولمغله صحابه حضارایله نمازی بعدالادا وارد اولان بریانی تناوله اقبال و فقط اولك قوللری طرفندن بر لقمه آلوب چکنه لريله اخراج ایدوب {هذا العظم یخبرنی انه مسموم} کلام حکمت انجامیله حضاری تناولدن تحذیر بیور دیلر • انجق (بشر بن البراء) قبل التحذیر بر لقمه سنی اکل ایتش و اعاده سی درجه استحاله به وارمش اولدیغندن «یار سول الله بولدیغ لقمه ده بوی کراحت اولدیغنی استشمام ایلد مسه ده مجلس اقدس همایونلری رعایت آدابی اخراجه مانع اولمشدر» دیوب (۱) ساعت یکم دین ارتحال ایلشدر • (رضی الله عنه) بونك اوزرینه مزبوره جلب و استنطاق بیورلدقده اعتراف جرمله «پدرم و عمم و زوجم سزك تیغکزه مقتول اولدیغندن اگر دعوی کاذبه ده ایسه کز استیلا ی سطوتکزدن عالمی خلاص ایتك والا دعواکرك مقارن صحت اولدیغنی حالده کیفیت وحی ایله اخطار اولنه جفتدن صحت ادعا کز ظاهرا اولدیغنی صورته بنای رفیع الارکان اسلامه التجا ایتك تصویريله بومعامله به جرأت ایتدم • و شیدی سنك (پیغمبر) اولدیغكه واقف اولدم» سیاقیله تلقین دین اولنمسی نیاز ایلشدر • علاوه • علمای فن حدیث بوماده نك روایتده کر یوه اختلاقه دوشوب برفرقه سی مزبوره نك مصلوب با اعدام اولدیغنی بیان ایتشلر و فرقه آخریدخی خصوص عفوینی ترجیح ایدوب دیگر برفرقه سی بو (۲) فرقه نك یثنی توفیق ایچون اخذ انتقام منافی شیمه کریمه (سید الانام) اولدیغندن حق عالی نبویه لرنده وقوعبولان سوء قصدی مجازاتندن عفو اولنوب فقط (بشر بن البراء) رضی الله عنه قصاصا

قتل اولنديخته ذاهب اولمشلردر . مذهب شافعيه ائمه سندن
بعضيلري تسميم ماده سنده اجراي قصاص كيفيتي تجويز ايللرينك
مرجعي بوماده اولوب لكن ائمه حنفيه وجهور شافعيه بونك خلافته
ذاهب اوله رق ماده تسميمده اجراي قصاصه مساع كوسترمد يلر .
بوصورتله مز بوره نك قتلني دعوا ايدن مسلكك ادعاسي رتبه صحت
رسیده اولديغي تقديرده قاعده سياسته حل اولنور . حتى صاب ماده سي
دخی بوتو جیمي تأیید ایدر . والله اعلم بحقیقه الحال . انتها) استطراد)
(ابی داود) رحمه الله تعالى (جابر ابن عبدالله) الانصاریدن (رضی الله
عنه) روایت ایلدیکی اوزره اول زهر هلاهل (صلی الله علیه وسلم) دخی
تأثیر ایلدیکندن (بنی یباضه) انصارینك مالکی (ابوهند)
واسطه سیله مبارک اوموزلرینی حجامت ایتدیردیلر . وعاقبت انك
اثريله ارتحال بیوردیلر . زیرا نازك (نهال حدیقه رسالت) تشریف
دولتسرای آخرت پیوره جقلری ائنده عبادته کیدن (ام بشرین
البراء) یه (رضی الله عنها) «یا ام بشر ان هذه الاوان وجدت انقطاع
ابهر من الاكلة التي اكلت مع انك بخير» بیورمش اولدیغنی (ابن ابی
اسحق) علیه الرحمة ابی (داود ودرامی) (رضی الله عنهما) دن
روایتله تحقیق ایتمش واعظم فتوحات اسلام اولان اشبو سفر ظفر اثرده
(۱۵) نفر اسلام شهید اولوب (۹۳) یهودینك ائتلاف قلندیغنی
بیانله تزین صحایف آثار ایلشدر . تم الاستطراد)
اهالی قلاع خیر اموال وعقار و دیارزی ضبط اولندقدن وبرقاج کونجکز
مقیم وادی فلاکت ومسافر میدان حیرت اولدقدن صکره (درگاه
مکارمیناه سلطان کونیننه) تقدیم عرضحال ایدرک غزاة مسلمین جانبدن
تقسیم اولتان اراضیلری نصف حاصلاتر یله اجراي خراثت وزراعت
ایتمکسی نیاز واسترحام ورجاری رهین قبول اولوب احراز
رتبه مرام ایلدکلرندن جناب (فاروق) اعظمك (رضی الله عنه) زمان
خلافتلرینه دکین اولوجهله اجراي معامله اولمش و (کانه نك)
اوج کیجه لك زوجة سی اولان صفیه بنت (حی) ابن اخطبك

(دحیه) (کلینك) (رضی الله عنه) حصه سنه اصابت ایلشدر .
روایت آخرده حضرت (بالا نشین) کرمخانه ایجاد (صلی الله علیه
وسلم) حضرتلری مشار الیه خیر غنائمندن بر جاریه ویرمکی وعد
بیورمشیدی . حین تقسیمده امید انجامز ایله عرض مافی الضمیر ایلدیکندن
جمع جواری غزادن انتخاب ایده بیلدیکنی استصحاب ایلسی حقنده اراده
عالی شرف صدور ایتمکله جناب (دحیه) صفیه بنت اختیار وتمام
ایدوب لکن صفیه نك جواری خیرك حسنا وجیله سی
(قریظه) ایله (بنی النضیر) قبیله لرینك سیده سی اولوب رابطه نسبی
(موسی) علیه السلامک برادر (هارون) علیه السلامه مربوط
اولد یغندن ذات اقدس رسالتدن غیر یه لایق اوله میه جغی ارباب
وقوف طرفندن بیان واحضار ایلدلسی امر وفرمان بیورلمشدر .
مشار الیه منظور نظر (سید البشر) اولد قده یرینه مشار الیه نك
عموجه سنك کرمه سنی وقول دیکرده (دحیه) نك اختیار
ایلدیکنی اعطا و دیکر بر روایتده (۷) جاریه و یروب مشار الیه ارضا
ایلد کد نصکره آزاد لغی نکاحنه محسوب اولنق شرطیله آزاد ایدرک
حین عودتده (صهپا) نام مرحله ده هودج پیرای زفاف ایلدیلر .
علاوه مشار الیه) فتح (خیر) دن بر کجه اول رؤیا سنده
بر قولده (ماه منیر) آخر روایتده (خورشید) عالمکیر آسماندن آریلوب
جامه خوابنه نزول ایتدیکنی علی الصباح زوجی (کانه) یه نقل
ایلد یکندن «قلعه رمزی استیلا ایدوب ضبط و تسخیر ایلک داعیه سنده
اولان سپهسالار اسلامک داخل سلك ازدواجی اولق هوه سنه دوشمش سین»
دیهرک چهره مشار الیه یه بر سله اوروب کوزلندن فان کنورمش
واثر سله سی منظور عالی اولوب سببی سؤال بیورلسی اوزرینه کیفیت تفصیلا
تقریر و حکایه ایلشدر . انتها) مشار الیه داخل سرا پرده زفاف
اولدیغنی کیجه ابی (ایوب) انصارینك (رضی الله عنه) تاب صباح
خیمه همایون اطرافنده سلاح بدست نوبت کذار اولسی حقنده اولتان
سؤال عالی یه «یا رسول الله صفیه بنت یاشلی یاشلی برخاتون اولیوب اکثر

اقاربی مقتول فرمانگرز اولدیغندن ماتم اقریاسنی درخاطرله تجاسر
سوء قصد اولور ملاحظه سیله بو کجه خدمت محافظه کزی سرمایه
راحت دارین عد ایلدم» جوابنی ویرمش ویراد ایلدیکی استله موجب
انشراح خاطر همایون اولدیغندن حقنده ﴿اللهم احفظ ابا﴾ (ایوب)
﴿حفظ نیک﴾ بیورلشدر • (بنی سلیم) اراضیلرنده واقع التون وکوش
معادنک متصرفی و مذکور قبیله ناک اهل ثروت و یساری اولان (حجاج
ابن علاط) اول اثناده تجارت طریقله مکه جانبنده عزیمت ایتش اولغله
قلاع خیرک فتح اولندیغنی استماع ایلدیکنه و در عقب جبهه سوده
بارکا رسالت اولوب اول امرده شرف ایمانله مشرف اوله رقی ﴿یارسول الله
مکه اهلینک اکثر یسندنه آلا جغم اولغله شمعی بنم اسلام اولدیغنه
مطلع اولورل ایسه ادای زممه تعند ایده جکری درکار اولدیغندن
بونلردن اله جغمی المی اوزره عجباً مناسب مقام اوله رقی بعض کونا
مصلحت بتورر سوزلر سویلک جائز میدر» یولنده استدعای رخصت
ایلدیکنه بناء قبل (خیر الورا) دن صرف مقالات ظریفانه به مأذون
اولوب (مکه) مکره جانبنده متراهی اولمشدر • سفهای قریش ایسه
خطه خیرک استیلا اولندیغنی کوند نبر و اسلامک خبر انهمی امنیه سیله
هر کون (ثنية البیضا) دینلان محاده حلقه بند جمعیت اولوب مرور
و عبوردن وقعه (خیر) ی سؤال ایدرلردی • (حجاج) بن علاطک (رضی الله
عنه) خیر طریقندن ورودینی کورملریله برابر ﴿یا حجاج اسلامه خیر
یهود یلرینک حالی نیه منجر اولدیغنه اطلاع وار میدر» دیو استخبار
ایلملری اوزرینه حجاج جوابه شروع ایلله «بنده اولان حوادث تمام
مطلوبکره موافقدر» دیدیکی اجلدن کندوسنی کال تعظیمه اعظم
اهل (مکه) مجمعه ایصال ایلدیله • ضنادید مشرکین ﴿یا حجاج ایما ایلدیکنک
خبر مسرت اثر صبر و آرمیزی ازاله ایلدی • شوماده بی لطفاً توضیح ایلله»
کبی سوزلره رجایه باشلیدیله • مشارالیه مراسم لطایف الحیل
اجراسیله قریشلری استهزایه باشلیوب «اگر درو نمده اولان خبر
بجحت اثری عرض ایلم قیامته دکن کولو کزک سروری زائل اولنز

• معار مکز اولسونکه (خیر) اهلایسی عساکر اسلامی پریشان و مضحیل
ایدوب برچو غنی مقتول شمشیر و بعضیسنی (محمد) (علیه الصلوة والسلام)
ایله برابر اسیر ایلدیله • حتی (محمد) ی (صلی الله علیه وسلم) اشراف
اصحابیله مکه یه کتوروب اقریار ی کشته شمشیر استیلا سی اولان اکابر
قریش مواجهه سنده اعدام ایتک اقدام آماللریدر • بنم بورایه
کلمه کلمه ایسه اسلامیاندن اغتنام و انوب قلاع (خیر) ده فروخت اولمقده
اولان اموالی مبیعه ده اطرافک تجارتلرینه مسابقت ایتک داعیه سیله
اهل (مکه) ده اولان زعمی استحصال ایتک افکارینه مبنی در» دیدی •
رؤسای قریش بو خبر مسرت اثرله رهین سرور اولغله خانه بخانه کزوب
﴿یا آل غاب مرده اولسونکه سفینه مرادیکر ایمان رس مقاصد
اولمشدر» دیه رک یکدیگری تبشیره مسارعت و مشارالیهک الاجغنی
جمع و تسلیم خصوصنده بربرینی مسابقت ایلدیله • لکن پوشایه
طاقت فرسا (مکه) ده متواری پرده خفا اولان مؤمنینک موجب انفعالی
اولدیغندن جمله سی بردن (عباس) ک (رضی الله عنه) خانه سنه جمع
اولوب اشکریز مسرت اولدیله • و خصوصیه (عباس) ک (رضی الله عنه)
روابط زانولری منفصل اولوب یرندن قیام ایده من کبی جانسر
برصورتیه دوندی ایسه ده شعوری بتون بتون منسلب اولدیغندن
«بونه غریب حادثه در که فتح (آم القرا) واکال نقایص (ملت بیضا) (که
تبل الیه دن وعد اولمشدر • (علیه الصلوة والسلام) ک وابسته حیاتیدر •
وجناب (حق) وعدنده خاف ایتیه جکی ددکاردر • اما بو امر
غریب عجایبه محمولدر» مقالنی ایراد ایلله خفیا بر غلامنی حجاجه ارسال
و کتوردیکی حادثه نک حقیقتنی سؤال ایتدی • مشارالیه نهانی اولمق
اوزره «حقیقت حال محب حبیب الهیه نک مطلوبه موافقدر • انبجق
خانه عالیرینی بو کون اغیاردن خالی قیلسونلر که وقت ظهرده کیدوب
ملاقات ایدرم» جوابنی ویردیکندن و جناب (عباس) رضی الله عنه
بوجوابدن فوق العاده ممنون اولدیغندن غلام مذکور قیدر قیتدن آزاد
ایلدی • (حجاج) مشارالیه تعیین ایتدیکی وقتده دولخانه (عباس)

(رضی الله عنه) عزیمت و بیان مافی الضمیر مسارعت ایلدی ایسه ده
 (یا حجاج نه سویلرسین • عالمه اعلان ایلدیکک خبر مدهشه ندر •
 بکا و یردیکک خبر ندر • یوقسه بنی متسالی اولسون ایچو نمی بویه تسلی
 آمیز سوزلر سویلرسین) دیدکده مشارالیه (یا عباس) رضی الله عنه
 عین ایلر مکه برادر یکک اوغلی (محمد) ی (صلی الله علیه وسلم) خیر یلر یکک ملکی
 (حیی) بن اخطبک کریمه سی * صفیه * ایلر زفاف اولمق اوزره بر اقدم •
 و بنده مسلمان اولوب چرکاب شرکدن قورتلدم • انجق خاطر کفاره
 موافق سوزلر صرفیه استحصال زم ایلک خصوصنده (صلی الله علیه
 وسلمدن) مأذون اولدیغ و بلطفه (تعالی) بوحیله ایلر امله موافق اولمش
 بولند یغ جهتله بو کیجه • دینه یه عودت ایده جکدر • رجا ایلر مکه
 اوچکون یکمده کجه افشای راز ایتیه سین) دیرک ایغای رسم وداع
 و مبالغه مطلوبه سنی برقاج ساعت ظرفنده تحصیل واجماع ایدوب (مکه) لی
 زوجه سنده بولنان اموال و اشیا سنی اخذ ایلر کیجه نک ثلث اخیزنده جانب
 (مدینه) یه متراهی اولدیغک درد یچی کونی حضرت (عباس) رضی الله
 عنه لابس لباس فاخره اولدیغی و بر معتاد انده بر عصا بواندیغی
 حالده انبساط و بشا شتله طرف واضح الشرف (بیت علیا) یه عزیمت
 و اجرای طواف کعبه یه سعی و غیرت ایلشدر • حسده قریش مشار
 الیهک حرکات منبسطانه سنی کوروب «یا ابا الفضل آل مطلبک مستندی
 اولان (محمد) خیر یلرک انده اسیر اولدیغی درجه ثبوتیه پیوسته ایکن
 ابراز مسرت ایلکز امر غریب و حرکت ناملایم و عجیب دکلیدر •
 یوقسه بو حال ایلر شماتت اعدایی بر طرف ایتک یا خود رشاشه دلیری
 و تیلد ایلر التهاب درونکی سوند رمک می استرسین) مألنده بر نطق
 ستم انکیز ایرادینه درکار اولدیله فقط «ای فکر محالی خیال ایدن
 فسد قریش قوت قدسیه ایلر باغلاشم اولان بازوی سعادت (محمد) ی
 (علیه الصلوة والسلام) پنجه اشراکدن زیون و پریشان اولور می ظن
 ایلر سکر • حالبو که سزک واصل سامعه کز اولان حادثه نک خلاقی
 اولمق فخر کائنات (علیه افضل التحیات) حضرتلری قلاع (خیر) یه یی

چرکاب شرک و کفر دن آب حیات شمیر ایلر تطهیر و اغتتام اولنان
 جوار ی و اموال متکثره یی بالتقسیم ثروت و سامان اصحابی توفیر و تکثیر
 ایلشدر • حتی (حیی) بن اخطبک کریمه سی * صفیه * دخی نازل شرف
 ازدواج (محمد) ی (علیه السلام اولمشدر) مفادی اوزره اخذ جواب ایلرک
 چاه حیرته افتاده و استقصای کنه حاله آماده اولدیله ایسه ده و هله
 اولاده اعتماد ایتیبوده «سن بو خبری کیم دن طویدک» دیدکلرندن
 جناب (عباس) حجاجک افاده سنی تمامیه حکایت و (مکه) دن اوچکون
 اوزامد یقه کتم اسراره دقت و اعته ایلر دیو عرض و صایا ایلدیکنی روایت
 ایلشدر (که حجاجک نازل شرف اسلام اولوب و تحصیل زم خصوصنده
 اظهار شادی و مسرت ایلدیکندن شان و شکوه اسلامک بو صورتله دخی
 ترقی پذیر اولسی و خارج از حوصله تصور غنا یه مظهر اولسی حساد
 قریشیه یی علت خوف و تلاشه مبتلا ایتش و کیفیت بش کون صکره اهالی
 مکه یه انعکاسله جمله سنی رهین ماتم و یأس ایلشدر (فله الحمد والمنه)

مقاله { ۲ } فدلک غزاسی بیاننده در

خیر قلاعی محاصره و استیلا اولندیغی اثناده (فدلک) اهالی سنی اسلامه
 دعوت ایتک و قبول ایتدکلری حالده اوزر لرینه عساکر چکلوب استیصال
 اوانه جقلرینی بیانله تحذیر ایلک اوزره (محیصه) بن مسعود حارثی
 (رضی الله عنه) اعزام بیورلشدر • (فدلک) فدائیلری ایسه ابتدای امر ده
 «ای محیصه (رضی الله عنه) خیر بهادر لرندن (عامر) و (یاسر) و (حارث)
 و یهود یلرک اولوسی (مرحب) نامون کسه لر حرب و ضربه قادر
 (۱۰۰۰۰) شخصله (نطات) حصارنده آماده جنگ و صواش اولمشدر •
 اولجه انلرک لرندن تخلیص کر یبان ایدوبده صکره بزه بوتکلیفی ایلک
 جوانی و یردیله ایدی • مشارالیه بو جواب اوزرینه علی السحر تهیه
 اسباب رجعت ایدوب لکن بعض دوراندیشان اهالی «یا محیص یوکلر یمزله
 مشاوره ایلرک نتیجه افکار لرینی بیان ایدنبجه یه قدر توقف بیورک»
 بولنده عرض نیاز ایتش و بالاخر قلاع خیردن (ناعم) حصارینک

فقی (فدک) اهالیسنه عکس ایتسیله رهین خوف وهراس اوله رق اولکی ویردکلی جوابدن هزار شرم و حجابله نگول ایدوب اعیان بلده دن برقاج یهودی بی سرا پرده سلطان الرسل (علیه الصلوة والسلامه) از باروکان تذلل ایله عرض افتقار ایلش اولد قلرندن بهر سنه محصولات ارضیه نك نصفی ویرلک شرطیله مصالحه یه قرار ویرلش و محصولات سنویه لرینک نصف باقیسی دخی خلافت حضرت فاروقده (رضی الله عنه) (۵۰۰۰) درهمه جانب بیت المال انشدر.

وقعه رد الشمس لعلی المرتضی کرم الله وجهه

(خیر) دن عودت و (صهپا) مر حله سنه پانهاده مواصلت بیورلدیغی کونک ایکندی نمازی وقتی خلالمده کلبن مطرای رسالت (عایه اکمل التحیه) حضرت لری حضرت (علی) نك (کرم الله وجهه) دیزی اوزرینه سر نهاده استراحت اوله رق آماده خواب ایکن بشره انور لرنده آثار (وحی) ظاهر اولوب غروب آفتابه قدر امتداد ایتشیدی • بالاخره سر سعادت افسر لرین رفته جناب (حیدر) ی ایکندی نمازینک فوت اولسندن ناشی متأسف کوروب {اصلیت یا علی} بیور دیلر • مشار الیه «لا یارسول الله» جوابی ویردیکندن {اللهم انه کان فی طاعتک و طاعة رسولک فاردد علیه الشمس} مقال هجمن مألله دعا بیور دقلرینی متعاقب خورشید عالمتابک غروبی جهته هواز قرار مشیکن افتاب عالم آراینه طلوع ایله روی زمینه ایشار انوار اول امام محراب ولایت (کرم الله وجهه) نماز قلجه یه قدر اول حال اوزره قرار ایدرل بعده غروب ایلش اولدیغی (اسما بنت) عیسی (رضی الله عنها) دن نقل وروایت اولنشدر •

مقاله {۳} وقعه غزای وادی القری بیاننده در

اردوی همایونک (خیر) سفرندن عودتی اثناده سیدالوری (علیه افضل التحایا) نك (ثنی وادی القرا) مر حله سنه سایه بخش اقبال اوله جقلرینی (وادی القرا) یهودیلری بالاستدلال اطرافدن جمع و تدارک ایده بلدکلی عساکرایله مقابله یه استحال ایدوب حتی اردوی اسلام (وادی القرا) یه

سطوت بخش وصول اوله جخی کون وقوعبولان تکلیف عالی اوزرینه اسلامی قبول ایتوب مقاتله یه درکار اوله قلی اجلدن یوم مذکور اقشامنه قدرایکی طرفلی اجرای مراسم مبارزت اولنش و آخر الامر جناب (شیر خدا) و (ابودجانه) انصاری و (زیر ابن العوام) رضی الله عنهمک تبغ جلاد تلیله (۱۰) نفر یهود بدبود صحرای حیاتدن نابود ایدیلوب علی السحر جمعیتلری پریشان قلنش اولدیغندن انواع اشیا و امتعه بی شمار اعدا اغتام و بین الغزاة توزیع و تقسیم بیورلدقندن صکره محصولات سنویه لری علی طریق المناصفه ضبط ایدلک شرطیله اعطای امان خصوصنه اهتمام اولندی •

مقاله {۴} وقعه غزای تیمار بیاننده در

بر برینی متعاقب صورتمای مرآت تیسراولان (فتوحات) متوالیه اسلامیهدن (وادی القرا) حوالیسنده بولنان (سیماب) یهودیلری بتون بتون خوف و تلاشه دوشوب (جزیه) قبولیله عقد مصالحه ایلدیلر •

مقاله {۵} اجمال سرایا بیاننده در

اردوی اسلام صحرای (خیر) دن قیامله (مدینه) منوره یه واصل اولدقد نصکره (بنی کلاب) قبیله سی اوزرینه کوندریله جک عسکره (صدیق اکبر) و (بنی مره) قبیله سی اوزرینه کیده جک مومنینه (بشر بن سعد) انصاری (میفعه) نام مقامده بولنان (بنی عواله) قبیله سی اوزره سوق اولنه جق موحدینه (غالب بن عبدالله لثی) رضی الله عنهم حضراتی (سردار) لقله ارسال بیورلشلر و مشار الیه مأمور اولد قلی محاله واصل و ابراز دلیری و شجاعتله بر موفقیته فوق العاده یه نازل اوله رقی بالاغتام (مدینه) یه کتوردکلی (اسرا) و (اموال) (واشیا) ایله درون و بیرون دار الحجره همایونی طولدر مشلردر •

مقاله {۶} وقعه عمره قضا بیاننده در

اول آفتاب افق آرای رسالت (علیه افضل التحیه) حضر تلری (خیر)
غزا سندن عودت و قبائل اطرافه عسکر سوقیله اظهار غلبه و شوکت
پیورد قد نصکره ید نبی سنه هجریه ذی القعدة سنه قضای (عمره) به نیت
ایدوب (حدید) مصالحه سنه بولنوبده بر حیات اولنلردن هیچ فردک
بوسفردن کبر و قالماسی و بولنلردن بشقه استک ایدنلرک دخی بولنسی
امر نده شرف سانح اولان فرمان جهان مطاع نبوی اوزرینه (۲۰۰۰)
اسلام آماده نهضت و قیام اولد یغندن قربان اید ملک اوزره طرف عالی
نبویدن انتخاب اولنان (۷۰) رأس (دوه) نک امر محافظه سی (ناجیه)
اسلمینک و تدارک ایدیلان (۱۰۰) رأس اسبک رابطه اداره سی (محمد
ابن مسلمه) نک طویلله عهده لرینه ربط اولنوب هریرینه بر مقادار عسکر
ترقیق ایله حرکت عسکریدن اول اعزام پیورد یلر • بعده مسجد
(ذوالحلیفه) قیوسنده اکسای احرام و جمله اصحاب شرف متابعت
قیام ایلد کلری حالده اصول محاسن شمول تبلیه بی اجرایه مبادرت و مر حله
مذکور دن حرکت ایلد یلر • آنفاذ کراولنان (یدک) و (قراین) و (اسلمه)
مأمور لر (مر الظهران) صحرا سنده تعطیل رکاب ایلد کلری اثناده
اوراده بولنان بر طاق قریشی لر سالف الذکر (یدک) و (اسلمه) ایله (قربانلق)
(دوه) لردن قور قوب (محمد بن مسلمه) رضی الله عنهدن استکناه کیفیت
و علی الصباح قافله سالار انبیا (علیه اکمل التحایا) نک تشریف
ایده جکنه کسب اطلاع له (مکه) مکر مهیه عزیمت ایدرک و قوعالی عرض
وافاده به مسارعت ایلد یلر • بو کیفیت اهل مکه بی رهین حیرت و حادثه
سلاح ایسه جکر لرینه القای خشیت ایلد یکنندن (مکرز بن حفص) بی
استعلام حال ضمننده اردوی همایونه ارسال ایلد یلر • (مکرز بن حفص
بر محله اقامته مجبور و موحدین اسلام ورودنده رومال حضور اولوب
(یا ابا القاسم) مسلحا بو طرفی تشریف کن خلاف شروط اولمغله بونک سببی
ندر) دید کده (ای مکرز) عهد مز اوزره مستقرز • وجنک وجدال ایتمک
اصلا عقلزده یوقدر • فقط قریشی لره مغایر شروط بر حرکت مشهود
اولور ایسه البته قلنجه احتیاج کورینه جکنندن اسلمه ایله کلدک جوابی

اعطا پیوردی • (مکرز) اشبوجواب عالی بی مسامع قریشه ایصال
ایدنجه دغدغه هراس و خوفدن وارسته اولوب استر استر
(ام القرانی) تخلیه ایدوب بعضیسی (بیت) اعظمک ایکی رکن
شامی و عراقی سنه مشرف اولان (قعقعیان) نام محله
و بر طاقیدخی اطراف (مکه) ده واقع طاقیرک تپه لرنده قرار و شکوه
سطوت سیدالوری (علیه اجل التحایا) بی کور مامک افکارنده بولنان
صنادید قریشیه دخی مسافه بعیده به فرار ایلد یلر • بناء علیه سریر
آرای قاب قوسین (صلی الله علیه وسلم) حضر تلری (اسلمه) ایله (حیوانا) تی
بیت معظم صملری جهته ناظر اولان (بطن یا حج) نام مقامه قیادوب (اوس
بن خول) انصاری قومانده سنه اوله رق (۲۰۰) نفر صحابه بی
ذکر اولنان موقع محافظه سنه بغداد تعیین (قصوا) نام جمله را کب
اولد یخی و کافه مسلمین مسلحا اطرافنده بولند یخی حالده (مکه) نک مقابر
معلا سنه منتهی اولان (طلعة الجحون) طریقله (باب السلام) دن
(حرم) محترم درونه داخل و حال رکوبده طریق (اضطباع) و (رمل)
ایله (حجر الاسود) ی استلام و مراسم طوافی اول صورتله اجرای
سعیه اهتمام ایدرک مرتبه مر امه نائل اولد یلر • علاوه
استلام (حجر الاسود) یا خود دیکر بر (محله) اللری بی سوروب بعده سوریلان
الی او بک معاسنه در) اضطباع «ثوبک اورتیه سندن طوتوب نصفی
صاغ قولوغی الته الهرق ایکی طرف لرینی صاغ وصول اموزلری اوزرینه
آتمق معناسنه در) رمل دخی «استحجال و شتاب» معناسنده استعمال
اولور) • انتها (عبدالله) بن رواحه (رضی الله عنه) که زمامگیر
جل نبوی ایدی • بواثناده کمال شوق و صدای بلند ایله {خلو ابی الکفار
عن سبيله • قد انزل الرحمن فی تنزیله • فی صحف یتلو علی رسوله • بان
خیر القتل فی سبيله • نحن ضربنا کم علی تأویلہ • کما ضربنا کم علی تنزیله •
ضربا یزیل الهمام عن مقبله • و یذهل الخلیل عن خلیله • یارب انی
مؤمن بقبله • انی رأیت الحق فی قبوله {رجز بنی قرائته باشلدی • (فاروق)
اعظم رضی الله عنه «یا بن رواحه حضور فخر المرسلین و حرم رب العالمین ده

بومثلوا ایسات اوقومنز دهرک مشار الیهک تلاوت رجزینه مانع
اولمق استدکده قبل عالی (محمد) ی علیه السلامدن «یا عمر عبداللہک
شوقنه مانع اولمہ کیم انک بومخلدہ واقع اولان مقالانک ہر بر حرفی
قلوب کفارہ بر رتیر جکر اثیردر» مالی بالتفہیم { لا الہ الا اللہ وحدہ
نصر عبیدہ واعز جندہ وهزم الاحزاب وحدہ } دعاسی تعلیم
بیورلدیغندن (ابن رواحد) صدای بلندایله بودعای شریفی تلاوت
وکافہ اصحاب مشار الیہہ متابعت ایلدیار • استطراد •
روایات واقعہیہ نظراً و آرائق (جبریل امین) نزول ایدرک «یا محمد
طاغیر اوزرندہ اولان کفرہ بوجاعتی علت (حما) و (ہوای) عفونت
پیمای مدینہ دوچار ضعف واضطرار ایلشدر) دهرک عساکر اسلامی
استہزایدیورلر دیدیکندن شرفسنوح ایدن ارادہ ہمایون اوزرینہ
اشواط (ثانیہ) کمال جلالت و بسالئلہ اکیال اولندی • انتہا • علاوہ •
شوط (حجر الاسوددن بدایلہ شروط لازمہ سنی اجرا ایدرک طولاشوب
ینہ حجر الاسودہ وارمق اوزرہ بیت شریفی طواف ایتکد دینور • انتہا •
(باب الصفادن) خروج وزمین (مسعا) یہ عزیمت واولوجہلہ (یدی)
دفعہ ایفای مراسم سعبہ سعی وغیرت و (مروہ) ساحہ سندہ
ذبح قراینہ مسارعیت ایلدی • وحضار اصحاب اکیال مناسک حج ایلہ
کامیاب اولدقدنصرکرہ (بطن یا حج) دہ براغیلان محافظین (اسلحہ)
و (حیوانات) اولانلرک جملہ سعی دعوت اولنہ رق ایفای مراسم حج ایللری
ارادہ بیورلدی • بوند نصرکرہ یعنی اہل ایمانک (مکہ) یہ دخولک دردنجی
کونی علی الصباح (حدیبیہ) مصالحہ سعی مکالمہ سندہ بولنان (سہیل بن
عمرو و حویطب بن عبدالعزی) بر روایتدہ پیشکاه (مرتضا) یہ
(اکرم اللہ وجہہ) وقول اخردہ حضور اقدس (نبوی) یہ رخسودہ نیاز
اولوب اولبایدہ منعقد اولان مصالحہ نک شروطی ایجابجہ (مکہ) دہ
اقامت اولنہ حق مدت منقضیہ اولمق ملابسہ سیلہ حرم محترمدن رفع
سجادہ اقامت بیورلمسندہ دائر عرض ایلدکلری تکلیف لری سید
صادق العہد (صلی اللہ علیہ وسلم) نزدوالاسندہ رہین

قبول اولدیغندن غروب شمسہ قدر مکہ مکرمہ دائرہ سندہ
برکسندہ نک قالماسی منادیلر واسطہ سیلہ اعلان ایدیلرک
بعد الغروب خطہ عطرناک (مدینہ) منورہ یہ عودت بیورلدی •

﴿فصل {۹}﴾ (در بیان وقایع) {۸} {سنہ ہجریہ} ﴿مقالہ {۱}﴾

﴿خالد﴾ بن ولید و (عمرو) بن عاص و محافظ مفتاح بیت علیا اولان •
﴿عثمان﴾ بن ابی طلحہ عبد ربک اسلام اولدیغی ایسانندہ در •

(حدیبیہ) سفری خلانندہ اہل ایمان صلاوۃ خوف اداسیمچون (عسفان) نام
موقعہ ایستادہ حضور ملک (المنان) اولدقلری زمان (خالد) بن ولید
ذات اقدس سمات ہمایونہ ایراث مضرت زعمیلہ سعی بی قائدہ ایدوبدہ
تصور ایلدیکی خیال باطلی قوہ دن فعلہ کتور مکہ موفق اولمہ مامسی جہتلہ
حافظ حقیقی اولان جناب (حق) ہر حالہ کزیدہ عالم (صلی اللہ علیہ)
وسلمک حافظ ونکھبانی اولدیغنه مطلع اولہ رق درونندن تدریجہ شک
وارتیاب بر طرف اولمغہ باشلامشیدی • حتی مصالحہ مذکورہ اسلامہ
قریشک ارہسندن مجادلہ و محاربہ بی رفع ایلسیلہ برابر قریشلرک کوب
اقبالی متقارب زوال اولہ جغنی استدلال و بوحالہ برچوق وقت
کندوسنی رہین حیرت و ملال ایلدی • بناء علیہ ممالک (ملک) نجاشیہ
ہجرت ایلک داعیہ سندہ دوشوب لکن نجاشینک طرفدار اہل ایمان
اولدیغی خطرہ خاطرینہ خطور و بودغدغہ کشندوسنی سلطان
روم اولان (ہرقلک) ممالکنہ عزیمتلہ تنصیر ایتک ملاحظہ سندہ مجبور
ایتدی ایدی • بالاخرہ بومطالعہ دن دخی صرف افکارلہ ینہ کشدی
مملکتندہ قالدیغی حالہ محسناتدن غیر خالی اولہ جغنی دوشوب
نہ ممالک (حبشہ) ونہ دہ سلطان (روم) بلادینہ عزیمت ایتدیکندن برکیجہ
رؤیاسندہ «ضیق برمخلدہ بولتوب ہر نسلہ اول محل مضیقہ دن
فرجہ یاب خلاص اولہ رق بر معمورہ دلکش و مسیرہ فرح افزایہ
پانہادہ وصول اولمغہ وقعہ واقعہ سنی علی السحر حسن ظنی اولان بر معبرہ
تقریر و معبر مومی الیہ «اول محل مضیقہ خارستان شرک اولوب جناب

حق سنی اوراده اسلامیه هدایت بیوردی) مقاله دلپزیر یله تعبیر
ایلدیکندن کوکله اسلام اولق داعیه صحیحہ سی کلمک باشلدی •
بو وقعه نك جلوه کر مرآت شهود اولدیغنی متعاقب (عمره) قضا
سفر مبارکی صحیفه زیب وقوع اولغله کندوسی اکابر قریشله شاهقه
جلده متواری اولدی • فقط اوئانده برادری ولیدک (صلی الله علیه)
وسلک (برادرک خالد زده درسک برادرک دین اسلامک حق اولدیغنی
بتلین طاقدن دکدر • اگرچه اسلام اولوب اهل اسلام اتفاقیله مشرکینه
شجاعت فطریه سنی ابرازایتسه منافع ذاتیه سنی مستلزم اولور) بیوردیغنی
برهکتوبله اشعار واشبو • بیت (جوش ایدر کن طلب تشنه ایل آه حیات •
حیفدر کم قاله سین تشنه کرد ظلمات) مفادینی درجله قرن داشنی
تشویقه سعی بشمار ایلسی خالده نشوه بخش شوق و رغبت اولغله
(مدینه) یه کتمک اوزره تهیه لوازم طریق خصوصنه قیام ایادی ایدی (که
اوصرده رازدار قدیمی اولان محافظ مفتاح (بیت) محترمک (عثمان) بن
ابی طلحه عبد ریدر) تصادف ایدوب مافی الضمیرینی عرض وافاده
ایلدی • مکرکه • بیت (کیمه آجسم غم اول ماه رخک عشقنده •
بندن افزون آئیده مست محبت بولورم) اقتضاسی اوزره مدت مدیده
دنبرو مشا رالیه دخی بوافکار شوق افزاده اولدیغنی اجلدن جناب
(خالده) مرافقی جائنه منت عدیله (مدینه) یه طوغری توجیه وجهه
عزیمت و (هده) مرحله سنده (عمر و بن عاصه) راست کلوب
(زردن کلوب نه یه کیدرسین) سؤالی ابراده مشابرت ایلدیلر • (عمر و
بن العاص) حسب القراسه مشار الیهماک واقف اسراری اولوب
{ای دوستلر معلومکدر که برقچ سنه دنبرو (حبشه) پادشاهی سلطان
نجاشینک همیزم صحبتی اولمشیدم • برکون عمر و بن امیه ضمیری
(رضی الله عنه) حامل نامه همایون اولدیغنی خالده ظهور ایل ایفای مراسم
رسالت ایلدی • بن ایسه میان قریشده اشتهار ایلک ملاحظه سیله
مشار الیهک قلنه هوسکار و بویولده سلطان (حبشه) نك مساعده سنی
استحصاله درکار اولدیغمدن ملک (حبشه) بنم افاده غرضکارانه می

بالاستماع کندی یوزینه اوردیغنی سله ملائسه سیله ناصیه سنده
شعله آتش حدت و غضب التماع ایلدی • بو حالدن غریق لجه خجالت
و شرمساری اولوب (ای سلطان (حبش) اگر استد عای واقعه مک سزی
بودر چه دلکیر ایده جکنی بلمش اولسه مایدم بو مقوله کستاخلق ایتمزدم)
نخبنده عرض اعتذار ایلد کده «قبل واجب المطلق (جل شانده) ده
صورت دائمه اوزره مجلس قد سیسنه جبرائیل (علیه السلام) نزول ایلله
ابلاغ سلام و پیام ایدن شه نشاه خطه رسالت (علیه اجل التحیه)
حضر تلمینک کوند رمش اولدیغنی سفیری بن سنک دست غد ریکه
نیجه تسلیم ایده بیلورم) جوابی و یرسنه (ای ملک بیاننده اولدیغک
ماده وقوعه کلمش و بوامری قلب سلیمکن تصدیق ایلشمیدر) زمینله
تجاسر اولدیغیم سؤاله (ای عمر و اگر صاحب رسالت (علیه اکل التحیه)
حضر تلمینک پیغمبر مطلق اولدیغنه واقف دکل ایسک آگاه اول (کداول
ذات کریمک نبی حقانی و فرستاده جناب یزدانی اولدیغنی و) خاتمه
رسالت و علت غایه خلقت) بولندیغنی بالجمله کتب سماویه ناطقدر •
اگرچه بنی دکلر ایسه ک جانک تنده و وجودک زنده ایکن جبهه سایی
آستان مرحمت پناهی اولوب بریاق اول اسلام اولغله غیرت ایلله (که
حضرت (کلیم) فرعون مستغرق بحر فلاکت ایلدیکی کبی بو ذات عالیقدر
دخی صحایف عالمی نقوش شرک و کفر دن تطهیر و بالجمله مخالفینی قهر
وتد میرایتسه کرکدر) جوابی و یرمسی و بوجواب قلبد برتأثیر کلی
حصوله کتورمسی جهتنه حضور مشار الیهده رونمای قیام و بحمد الله
تعالی بو خالک عطرنا که پانهاده اهتمام اوله رقی نائل مقصد اولق امنیه
خیریه سیله متوجه مدینه طیبه اولوب کیدیورم} سیاقنده بیان حال
ایلد کده جناب خالد (مرحبابک یا عمرو) حضرت (محمد) صلی الله علیه وسلم
نبی موعود اولدیغنی ظاهر اولدی تعبیر یله مدینه کتان و اوچی بردن
درگاه سیدالانبیایه متوجه قادمه جنیان اولدیله • (مدینه) طاهره یه
واصل اولد قلری محاط علم سیدالرسول (علیه الصلوة والسلام) اولد قده
زدهمایونلرنده بولنان صحابه کرامه خطابا (مکه) مکرمه جکر کوشه لرینی

سزك جانبكزه كوندردی) بیور مشلر و مشار الیهم بر محله البسه
سفریه لرینی بالاخراج بررطاقم لباس طاهره تلیسیله حضور اقدس همایونه
عزیمته مسارعت ایشلر در • اثنای راهده (خالدی) برادری ولید
بالاستقبال «ای برادر عالی کهرنه طور رسین تعجیل ایله که (مقدمک
خاطر انور (خیر البشره) صلی الله علیه وسلم ایراث بهجت و بشاشت
ایلد یکنندن اشتیاقله انتظار کده در» دیمسی باعث شوق اولغله
رفیقارندن اول نائل شرف مثول اولوب سلام ویرد کده حضرت سریر
آرای انا افصح (صلی الله علیه وسلم) رد سلام و ایقای مراسم ترحیب
و ابتهام بیوردیلر • جناب (خالد) اول سر چشمه رسالت (علیه التسلیم
و التحیه) حضر تلرینی بودر جه غریق انوار بهجت و بشاشت کور مسیله
بلا تردد اسلام اولدیغندن { الحمد لله الذی هدانا لى الاسلام } ای خالد
رضی الله عنه) سنك عقل ورشدك اولدیغنی بیلوب و بو عقل ورشد یكك
عاقبت سنی طریق اسلامه هدایت ایده جکته امید واریدم) بیوردیلر •
مشارالیه سر آغاز نیاز اولوب «یا رسول الله کفر و ضلالتده نه درجه اصرار
و عناد ایله حق قبول ایتمدیکم مشهود نور عرفانکدر • ایمدی کاهلریمک
عفو و لغنه د عا بیور» دیو عرض نیاز و استرحام و جناب (رحمة للعالمین)
صلی الله علیه وسلم اسلام اولق زمان ضلالتده اولان کاهلری محو
و ازاله ایلد یکن بیان و افهام ایشلر • و متعاً قبلاً (عمر و) بن عاصله رفیق
(عثمان) بن ابی طلحه دخی رخسوده خاکپای (محمد) ی علیه الصلوٰة والسلام
اولوب مظهر شرف اسلام اولمشلر در • رضی الله عنهم • «استطرد»
(عمر و) بن عاص (رضی الله عنه) اسلامیتی قبول ایده جکی ائنده ابراز
ایلد یکی رغبت سز لکک سببی حقنده ایراد بیوریلان سئواله «یا رسول الله
اسلام اولمقلغم بو آنه قدر ارتکاب ایشلر اولدیغم کاهلرک عفوینه متوقف
اولغله بادی تردد بو شرطک عدم اجرا سیدر» جوابیله اظهار
مافی الضمیر ایلد کده «بتلزمین یا (عمر و) اسلام اولق مقدم اولان
کاهلری محواید و دار کفردن دار اسلامه هجرت ایتک و مؤمنلکله کعبه
اللهم زیارت ایتک یکمیش کاهلرک خانه سنی هدم ایلر) بیورلشدن •

مقاله { ۲ }
وقعه عظمای موته بیاننده در

لایحه ضمیم و سکون و اوایله (موته) نام موقع بیت مقدسه ایکی
مترل بعدی اولان بر موضعک اسمیدر که خطه (شام) مضافاتندن مملکت
(بلقابه) قریدر • انتها) (سلطان معمره کشای ملک ایجاد) صلی الله علیه
وسلم حضرتلری شام حاکمی حارث غسانی به صحابه دن (حارث) بن عمرو
ارزی (رضی الله عنه) سفارتیله بر قطعه نامه سعادت مال ارسال
بیورمشلردی • مشارالیه (موته) مر حله سنه موصلت و (شرحیل
بن عمرو غسانی) النده احراز رتبه شهادت ایشلر که (شرحیل معهود
شهید مشار الیهک حامل نامه همایون اولدیغنه کسب اطلاعله اول
جنایتی ارتکابه جرأت ایتیش و سفرای نبویه ده مشار الیه دن غیر یسی
ایقای خدمت سفارتیله عودت ایشلر • (حارث بن عمرو) رضی الله
عنهم خبر شهادتی سامعه خراش همایون اولدوقده خارج حصار دار
الهجرة علیه ده واقع (جرف) نام موقعده (۳۰۰۰) صحابه
احضار و اول جمع ثریا نظامه بالذات سایه بخش شریف اولوب ایکندی
نمازینی بعد الادا «یا معشر الاسلام جله کزک معلومی اولسونکه (زید) بن
حارثه (رضی الله عنه) سزه امین و امیر تعین اولمشلر • مشارالیه اگرچه
شهید اولور ایسه برینه (جعفر) بن ابی طالب (رضی الله عنه) امیر اولسون •
شاید اولدخی حارثه رتبه شهادت اولورسه (عبدالله) بن رواحه (رضی الله
عنه) امیر یکر اولسون • اگرچه بودخی نائل رتبه شهادت اولورسه
کندی رأ یکر ایله بر امیر اختیار ایدک» نطق معجز نمانی ایراده ابتدار
بیوردیلر • نطق همایون مذکور استماع ایدن بریهودی «یا ابا القاسم
(صلی الله علیه وسلم) سن اکر نبی حق ایسه ک امیر نصب ایلد یكك
ذوائک شهید اوله جقارنده شبهه یوقدر • زیرا انبیای بنی اسرائیل
(علیهم السلام) بو مقوله عسا کرسوقنده تعیین ایلد کلری امرایوز عددی
دخی تجاوز ایتسه البته جله سی بردن و اصل سر منزل بقا اولورلردی»
دید کد نصکره زید بن (حارثه) رضی الله عنهم مخاطب ایدوب «اگر

محمد (عليه الصلوة والسلام) طوغر و سوز لو (پیغمبر) ایسه اولاد و عیالکله
شعیدین استیلال ایله (که بو محاربه ده شهید اولقلغک مقرر در) دیمش
و مشارالیه صدد جوابده «بلی پیغمبریمزک» (صادق الکلام) اولدیغنه
شهادت ایدرم • و اوغور همایوننده فدای جان ایلمکی جانمه منت
عد ایلم «دیهرک یهود بد بودی جرح ورد ایلمشدر •
بعد ازین حضرت سید الثلقین (صلی الله علیه وسلم) مبارک ید نصرت
مؤید نبویه لر یله بیاض بر سنجاغ شریف عقد یله (زید) مشار الیهک
الله تسلیم ایدرک اردوی نصرت جوی همایون (ثنية الوداع) موقعنه
د کین تشییع و هر برینی {صبحکم الله و دفع عنکم السوء و ردکم سالمین
و غانمین دعا سیه و قایه صمدانیه به تودیع بیورمش و غزاة اسلام
(عبد الله) بن رواحه نک انشا و ایراد ایلدیکی زیرده محرر اشعار
(عریبه) بی زیب زبان ایدرک و هر بری اشک فرقت دو که رک جهت
مقصوده توجیه و جوه عزیمت ایدلمشدر • شعر * ولکنی اسئل الرحمن
مغفرة * و ضریه ذات قرع نقذف الزبدا * او طغنه بیدی حران مجهره *
بحر به تنفذ الا حشاء و الکبدا * حتی تقولوا اذا مروا علی جسدی *
ارشد الله من غازو قدر شدا * ازین جانب (شرحیل بن عمرو غسانی)
حرکت اسلامییه بی استماع و رهین خوف و هراس اولدیغی جهته (هرقل)
رومدن استمداد ایله آز برمدت ظرفنده پک چوق عسکر تدارک و اجتماع
ایلدی • غزاة مؤمنینک (دمشق) شامه (۶) منزل بعید محله کائن
(معان) قلعه سنه واصل اولد قلری ائنده هر قلک خطه (سالف) الذکر
داخلنده (باب) نام محله عساکر اسلامی عدو شماردن خارج (روم)
عساکریله انتظاری ایتکده و بی در پی عساکر جمع ایلمکده اولدیغی
رسیده درجه تواتر اولمقدن ناشی خوف و خشیت حسبیه بعض مواد
معتابها مطالعه سی ضمنده (ایکی) کیجه قدر حصار سالف الذکر
اطرافنده توقف ایدلمسنه بین الاصحاب قرار و بر یله رک کیفیتی درگاه
بلند دستگاه رسالته عرض و اشعار و اول وسیله ایله استنصار اولمق
خصوصلری تذکر و ملاحظه قلمقده ایکن (عبد الله) بن رواحه

(رضی الله عنه) قرار سابق رد و جرحله {یامعشر المسلمین شمعی نظر
نفسده قبیح کورلمکده اولان حالک عکسی ملاحظه سیه بلکه اول
حال محاسن اشماتک شوق وصالیه دار و دیاریمزی اولاد و عیالیزی
ترک ایدرک احراز رتبه شهادت ایلمک ارزوی صحیحله بو طرفه
کلیشیدک • آرزوی وصالنده اولدیغمز شاهد شهادت آینه تقدیردن
یوز کوسترمه مهیا اولدیغی اکلا شلغه باشلامشیکن جائیزی محافظه
ایتمک سودای خامیله اول محبوب سعادت لقانک ذوق وصالندن محروم
اولمق طرفی اختیار ایلمک عاشق خلق شانه نیجه لایق اوله بیلور • خصوصاً که
بزم دشمنله محاربه و مقاتله ایلمکدن مرادیمز مال دنیویه استحصالی
صددنده اولیوب مجرد تقویت دین مبین ایچوندی • بناء علی ذلك
التقدير بزه لازم اولان دشمن اوزرینه براوغوردن هجوم ایدرک یا شاهد
فتح و طفرایله و صلیتیا و یا خود رتبه شهادتی احراز ایله کامیاب اولمقدن {
مقابلیه غزاة موحدینی تشجیع و مقاتله کفاره تحریر ص ایلدی • اشبو
نطق بیج شوق و غرام اسلامی تهییج ایلدیکندن جمله سی بردن وصال
شاهد شهادته مفتون و براوغوردن اغوردن متینده فدای جان ایلمکدن
ممنون اولد قلری حالدی محل مذکوردن حرکت و (ایکی) کون قدر
ایلمر ولیه رک قرای بلقادن (مشارق) و (موتی) نام قریه لر اراسنده بریکمش
اولان لشکر مور شمار کفاره تصادف ایدوب طرفیندن صفبسته مقابلیه
و مهای مقاتله اولوب ایکی جهندن آوجیلر سوقیله اشعال ناره جنگ
اولمشدی که بوسمرده (زید) بن حارث (رضی الله عنه) یدنده بوانان
سنجاغله صفوفی کفار آره سنه کیردک مقاتله به درکار و بر نیجه اعدای
دینی القای چاه نیران ایلد کد نصکره متوجه دارالقرار اولمشدر •
علاوه دشمن عساکری صحرای (مشارقه) سوق اولنورکن مجوهر
زره لوود رلو دورلو قاش لبا سلو بر طاق عساکر ظهور یله صحرای
مذکور ایستیعاب ایلدیکی (ابوهریره) رضی الله عنه منظر نظر دقیقه بینی
اولمشدر • انتها (زید) بن حارث (رضی الله عنه) ک وقوع شهادتندن صکره
(جعفر) بن ابی طالب (رضی الله عنه) حضرت تلری (سنجاغ) شریفی ییره

دوشمکسزین اخذ ایلله آتندن اینه رک اسبنی سکرلد کد نصکره (یا حیدر)
الجنة واقترأ بها • طيبة وبار داشرا بها • والروم روم قد دنا عذابها
علی اذل فیمتها شرا بها • شعر جان انکیزک او قویه رق متصدی
جدال اولوب اطرافنده بولنانلری تلف ایتدی • بالاخره مبارک دست یمینی
بر کافر بی دین تیغیله قطع اولوب بیره دوشورولدیکندن (سنجاغ) شریفی
(صول) ایلله ضبط ایدوب ینه جنمه که اشتغال وخیلوجه کافرک جانی جهنمه
ایصال ایتد کد نصکره (صول) الیدخی قطع اولغله (سنجاغ) شریفی (ایکی)
مقطوع قوللرینه قیصدیروب و حیاتندن قطع امید ایلوب شوق درونله
دعوت ضیافتخانه شهادته آماده اجابت اولدیغی حالد بر کافر دوزخی
جسم عالیه سنی ایکی باره ایلسی اوزرینه مرغ روح لطیفی اجنحه کشای کلشن
جنان اولدی • علاوه • دولت اسلامیه ده ابتدا آت سکرلک اشبوغزای
غراده وقوعبولش وجسم متمنه مشارالیه طقسان طقوز بندن جریحه
دار اولدیغی ختام محاربه ده (عبدالله) بن عمر (رضی الله عنهما)
طرفندن مشاهده اولمشدر • انتها • (عبدالله) بن رواحه
(رضی الله عنه) حضرتلری (جعفر) رضی الله عنک شهید اولدیغنه
مطلع اولدقد (سنجاغ) شریفی الله الوب • عربی • (اقسمت بالنفس
لتزله طایعة • اولتکرهنه قد طال ما کنت مطمئنة • هل
انت الانطفة فی شنه • قد املت الناس وشدوا الرنه) ویا خود • عربی •
(یا نفسی الاقتلنی بموتی • هذا حیاض الموت قد صلیت • وما تمیت
فقد اعطیت • ان تفعلی فعلیها هدی • یعنی صاحبیه زیدا وجعفر •
وان تأخرت فقد شقیقت) رجزینی او قویه رق دشمن اوزرینه هجوم
ایلشدر • علاوه • (مشارالیه او جکوندنبری آج اولغله بواثنا ده
عمی زاده سی بر پارچه ات تدار کیله اکل و تناول بیورمسی ابرام
ونهایت درجه استرحام ایلدیکندن بالضروره اگله شروع اوزره
ایکن (جعفر) رضی الله عنک وقوع شهادتیه عسا کراسلامک
فریاده باشلا دقلرینی بالمشاهده (ای نفس زید) و (جعفر) (رضی الله عنه)
سیراب چشمه سار نغم اولمشیکن سن ینه لقمه دنیویه تناولیه مشغول

اولیور سین) دیوب اللهه که لقمه بی بیره براقه رق معر که گاه کفاره عزیمت
وایفای مراسم مبارزته مباردت ایلشدر) انتها • اثنای حربده بر مقلربنک
بری یاره لندیغندن در عقب آتندن اینوب مجروح اولان پارمغنی ایغی
آلته وضعله • نظم • (هل انت الا اصبع دمیت • وفی سبیل الله
مالقیت) دهرک قو پارمش ونفسنده نوعما تردد حس ایلدیکندن
(ای نفس بوفنا دنیاده ینه پابسته اولوب شهید اولمق خصوصنده
تردد ایدرسین • اگرچه زوجه مه علاقه محبتک واریسه (طلاق) ثلثه ایلله
ترک ایتدم • و اگرچه جاریه لرمه کوله لریمه مفتون ایسه ک جله سنی
ازاد ایلدم • و شاید باغ و بوستانه مغرور ایسه ک جله سنی خلاصه
موجودات (علیه التسلیم والتحمیات) حضرتلرینه هبه ایتدم • بوندن
صکره بو عالم بی بقاده نه ایلله امرار وقت ایده بیلورسین • ونیه مغرورا
شهید اولمقدن چکنورسین • دیوب (سنجاغ) شریفی اخذ ایلله یلکن
آچش واپورکی دریای جنک وجداله دومن آرای عزیمت و بر نیجه سنی
تلف وهلاک ایلد کد نصکره لنگرانداز ایمان شهادت اولدی • بوندن
صکره (سنجاغ) شریفی (ثابت) بن ارقم انصاری (رضی الله عنه) استصحابه
{یا معشر المسلمین اصطلحوا علی رجل منکم} مقاله سنی بالا براد علمدار لغه
شایان بر ذاتک اختیار اولمسی مراد ایلد کده کافه مؤمنینک {انت
یا ثابت} رضی الله عنه دیمسی {ما انا بفاعل} مقالیه رد ایلله (خالد
بن ولید) رضی الله عنهی نفسنه • بالتقدیم مشارالیهک ریاستی
مناسب اوله جغنی حضار غزاته تفهیم ایلله قبولنی نیاز ایلدی • مشارالیه
(یا ثابت) (رضی الله عنه) سن بندن مسن اولدیغک وغزای بدرده
بولندیغک جهته بوا مره بندن البیق سین) دیوب سردار غزاة اولمقدن
ارایه روی امتناع ایلسته (یا خالد) سنک شجاعتک جله مزک عندنده
مسلمدر {فوالله ما اخذتها الا لک} دید کدن صکره {یا ایها الناس
اصطلحتم علی (خالد) مقالیه رضای صحابه کرامی مطالبه ایلدی •
جمله سی بردن (نعم) جوانی ویرملری اوزرینه بالا قنار (سنجاغ)
شریفی آلوب سردار اولمش و (ابن رواحه) نک وقوع شهادتی

قلوب اهل ایمانه ایراث خوف و خشیت ایتمکله جمله سی فراره یوز
طوتمشیدی . مهیای فرار اولان عساکری دوندرمکه موفق
اوله مدیغندن (قطبه بن عامر) رضی الله عنه { یا ایها الناس لا اقل
الرجل فی حرب الکفار خیر من ان یقتل حال القرار } مقاله سنی ایراد
ایتمکله جمله سی بردن غیرته کله رک رزمکه عدویه براوغوردن رجعت
وغروب شمشه قدر جنک وجداله غیرت ایلدیلر . ایرته سی
کونی علی الصباح ینه جنک اولنه جغی اثنا ده جناب خالد
(رضی الله عنه) ترتیب و تسویه صفوف مانوره سیله صاغباشی صول باشه
وصولباشی صاغباشه تحویل و مواضع عسکریه بی اولصورته
تغیر و تبدیل ایلدیکه عساکر دشمن بو حالی مشاهده ایتمسینه اسلامک
لیلا امدادی کلشدر ظنیه بامر الله (تعالی) درونلرینه خوف و خشیت
طاری اوله رق جنک ایتمکه جسارت ایده مدیلر . حتی سلطان روم
یعنی (هرقل) معلوم افراد عسکریه سندن زیاده خوف ایدرک مطیه ران
صحرای فرار اولدیغندن عساکر اعدا آن واحد ده رهین انهمزام
اولشدر . غزاة مؤمنین بو حال وقوعندن غیرته کله رک تاب آور تحمل
اوله بیلدکلی محله قدر تعقیبیه راست کلدکلرینی اتلافه صرف مقدرت
و کفار طرفندن براغیلان اموال و اشیا بی الاغتمام عودت ایلدیلر .
علاوه حضرت (خالد) ک (رضی الله عنه) کفارک وقوع
انهمزامی کوننده یدعالیلرنده طقوز قلنج شکست اولوب (صحیفه
یمانی) نامنده یالکر برسیفی قالشدر . انتها) امواج دریای ظفر رب
قدیر میدان حربی چرک و شرکدن تطهیر ایلدکده اهالیسی مقدماتی مؤمن
شهید الیش اولان (موته) قلعه سی محاصره و فتح ایدیلر رک خیلوجه
اعدای قتل و اعدام و برچوق اموال و اشیا اغتمام اولمغله بین العساکر
تقسیم ایدیلر رک عودت اولمشدر . استطراد) شهدای موته خبری
مدینه منوره یه واصل اولمزدن برکون اولچله نکهبان قلمر و ملک
ملکوت (علیه الصلوٰة والسلام) حضرتلری صحابه کرامیه بر محاده
مصاحبت یوررلر ایکن جناب حق ذات اقدس نبویه لرینی غزاة موته

احواله واقف ایلدیکی و قول آخرده دیده عرش بین نبویدن برلرک
برده سنی رفع ایدوب صحرای موته ده وقوعه کلان محاربه ده احوال
غزاتی کوستردیکی جهته سرانجام عساکر موحدین بیاننده { اخذ
الرایة زید فاصیب . ثم اخذ (جعفر) فاصیب } ثم اخذ ابن (رواح) فاصیب {
ودیکر روایتده { اخذ الراية (زید) بن حارثه فقاتل بها حتی قتل شهيدا {
دیوب سکوت یوردیلر . صحابه انصار بو حالدن رهین انکسار
اولوب « عجبنا ابن رواح دخی شهید اولدیعی » دیو ترقب اوزره ایکن
(صلی الله علیه و سلم) مع البکاء { ثم اخذها (عبدالله) بن رواح فقاتل بها
حتى قتل شهيدا و اخذ الراية سيف من سيوف الله (خالد بن الوليد)
فقاتل حتى قتح الله عليه { یوردیغندن مشار الیهک لقبی (سيف الله)
قالشدر . ایکی هفته صکره (موته) طرفندن (یعلی) بن امیه (رضی الله عنه)
ورود ایدرک غزاتک احوالی مفصلا عرض و بیان الیک افکار یله
رومال حضور اولدقده « یا یعلی ارتحال ایدن شهداتک و غزاة (موته) نک
احوالی سنی بیان ایدرسین یوقسه بز می خبر ویره لم » یولنده شرفسانح
اولان سؤال همایونه « یا رسول الله چشم شهودیکنه اسرار غیبه نمایان در
سر یوررک » جواب ملتسانه سنی اعطا الیش و بالاده وجه مشروح
اوزره احوال واقعه بر تفصیل موضوع طبقه تقریر یورلمسی اوزرینه
« یا رسول الله سنی حق اوزره بعث ایدن (الله) حقیقون وقوع محمدالدن
بیان یورلمدق بر حرف دخی قالمادی » دیمشدر . انتها) بعده سعاد تخانه
(جعفر) ه (رضی الله عنه) تشریف بخش رغبت اولوب مشار الیهک
یتیم لرینی جلیله { السلام علیکم یا ابن الجناحین } دیه رک یوزلرینی بوسله مبارک
سینه لرینه چکمش و (ابن الجناحین) تعبیری حکمتدن سؤال ایدنلر
{ انک اوغور خداده (ایکی) قوللری قطع اولمسنه عوض اولمق اوزره
جناب (معطی العطایا) حضرتلری جنتده (یاقوت) اچردن ایکی قنات
احسان یوردیغندن استدیکی محله پرواز ایلدکده در) جوابی ویرلمسنه
مبنی مشار الیه « جعفر طیار » لقبیه شهرت بولمشدر . (رضوان الله تعالی
علیهم اجمعین) . استطراد) بالاده نکاشته بیان اولدیغی اوزره

میدان حربه نائل رتبه شهادت اولان (۲) سردارک وقوع شهادتی
اصحاب متبایه به موجب خوف اولوب فرارسمتی اختیار ایلد کلاچون
مدینه منوره به واصل اولد قلری اثناده مدینه منوره ده بولنان اصحاب
(رضی الله عنهم) استقبال و طعن و تشنیع استیصال ایدوب «میدان حربه
فرار ایدنلرک جزاسی بودر» مقابلیه زمیندن بر آوج طوپراق آله رق یوزلرینه
سر پد کلاچی و کوچ بر حال ایللرین قور تلد قلری جهته کوشه
کرین اختفا اولق اوزره خانه لرینه متعازم اولدیلر. اهالی حرمی
ایسه اصحابدن زیاده لوم و تو بیخه متعاسر اولوب «ای محبتسز آدم لر
نیچون شهید اولدیکر. شهید اولقدن فرار ایدنلر جایگاه استراحت
یو قدر» مألله رنجیده ایلد کلاچی و ملامت طاعندن احترازا کبرای
اصحابک بعضیلری بر مدت خانه لرین طیش و جیمغه جرأت ایده مد کلاچی
اشرف انام (علیه الصلوة والسلام) حضرتلرینه منعکس اولغله
«عالمک انلره اعتراض ایتلری و انلرک بویله بیهوده ره اطاله ناسدن
احتراز ایللری لایق دکلدر. زیرا انلر فراری اولیوب بلکه
کرار یلدر (که دشمن اوزرینه مکررا مهاجه ایلله رک
مظفر اولدیلر) بیورد قلربنه بناء کافه اصحاب عرض
اعتذار و غزاة (موته) دخی بی تحاشی کشت و کذار ایلشلردر.

مقاله { ۳ }
اعظم الوقوعات و اشرف الغزوات اولان فتح (مکه) و قعه سی
بیاننده در

اهل مطالعه نک معلومی اولق لازم کلدیکی اوزره بوعالم کون فسادک
ایجاد اولمسی اشرف الموجدات (علیه افضل الصلواتک) وجود
بولسته و نور جهان فروز اسلامک اشعه نهای ظهور اولسته سبب
مستقل اولدیغی و اشبو نورک وقت ظهوری دخی عصر شریف
دفخر عالم (صلی الله علیه وسلم) بولندیغی جهته اول زمان فیض
اقترانده صورتهای مرآت ثبوت اولان فتوحات جلیله نک اعظمی مولد
سلطان العرب والعجم (صلی الله علیه وسلم) و منبع اب حیات اسلام

اولان (حرم محترم) یعنی { بیت علیای } معظمتک فتح و تخییری
اولغله اول شاهد نازک خرامک قائمتهای میدان بروز اولسی متقرب
الخلول اولدقده اسباب فتح و ظفر بوجه آتی منصه ظهورده جلوه کر
اولشدر. شویله که (حدیده) وقعه سنده بیان اولندیغی اوزره
قبائل اطرافدن اولوبده جوار عالی رسالته التجا ایدنلر قریشیلر
طرفندن ایصال دست تعرض اولنماق و کذلک قریشه همجوارلغی
ادعا ایدنلر تیشه تعرض اسلامیا ندن امین اولق قرار کیر اولان
شروط مصالحه اقتضا سندن اولدیغی جهته حین تنظیم مصالحه
نامه ده (بنی خزاعه) قبیله سی امین الخلوقات (علیه التسلیم و التحیات)
جوارینه و (بنی بکر) قبیله سی دخی اهالی (حرم) محترم جوارینه
التجای ایلشدر. و فقط اشبو ایکی قبیله نک من القدی یکدیگر یله مقاتله
ایدنلر میانه لرنده عادت حکمنده اولوب اکثر وقتلری حرب ایللر کذران
ایلمکده اولد یغندن و ظهور نور بعثت (محمد) یدن (علیه الصلوة والسلام)
مضطرب اوله رق کندی عادتلرینی اونودوب اسلام علیهنه قیام ایلش
بولندقلرندن ابتدای ظهور اسلامدن برو اختیار متار که ایلش ایدی.
(حدیده) مصالحه سی دائره راحت و استراحت طرفینی توسیع
ایلد یکنندن و قبیلتن مذکوره یله یکدیگر ندن اخذ ثار انتقام افکارینه
دوشه رک برکون (بنی بکر) قبیله سنه منسوب (بنی وایل) افرادندن
بری نور چشم انبیا (علیه اکمل التحایا) حضرتلری حق سامیسنده
ذکری مستحسن سوزلر سویلد یکی (بنی خزاعه) قبیله سندن بر غلام
سعد انجمک واصل سامعه سی اولوب هر تقدیر مانع اولق استدی
ایسه ده ممکن اولماق حسبیه مر قومک یوزینه برقاج (سله) اوروب
مجروح ایلدی. مرد مجروح منسوب اولدیغی طائفه (بنی بکر) دن
استمداد ایللر «ای بنی بکر دلاورلری خزاعیلرینی تلف ایدیور»
مألله فریاد و غلام خارج خیمه کاه خزاعیه به فرار ایللر استمداد ایلدیکنندن
طائفه (بنی بکر) تشهیر سلاح ایدرک و قریشیلردن ادوات حرب
استعاره ایلله رک متاهی جنک وجدال بولندقلری و صنادید قریشیه دن

(عكرمه بن ابی جهل و صفوان بن امیه و سهیل بن عمرو و خویط بن عبد العزی و مكز بن حفص) دخی تبدیل جامه و قیافت ایدوب و یوزلرینه نقابلر تعلیق ایلوب باجمله اتباع و انصار لرله برابر فوجا سر نقض معاهده اولدقاری حالده (مکه) مکرمه نك طرف اسفلنده واقع (وتیره) نام صویك کنارنده خیمه نشین اقامت اولان (خرزاعی) جعاعتنی علی الغفله با صوب تابصباح جنك ایلدکن و (۲۰) نفر (خرزاعی) بی قتل و اعدام ایتدکن صکره بقیة السیوفی حرم محترم داخلنده کائن (بدیل بن ورقاء) خزاعینك خانه سنه التجا ایلدکلری جهتله سفهای (مکه) مال قلنج اوله رق حرم شریفه دخالت و علی الانفراد خانه لرینه عزیمت ایدرك (چوالدیز حرواره صغمنز) مثلدن غافل او اوب زعم باطل لرنبه طائفه (بنی بکره) معاونت ایلدکلرینه کسنه مطلع اولماق ایچون راست کلدکلری کیمسه دن حدوث وقعه قیلاینی علی طریق التجا هل سؤاله باشلدیلر •
 * علاوه * (بنی خزاعه) قبیله سی پریشان و منهزم اولدکلری کیچه حضرت سید الانبیا (علیه افضل التحایا) افندمن جناب * صدیقه * رضی الله عنهایه * (بو کیچه) (بنی خزاعه) قبیله سنده بروقه راحت فرسا واقع اولدی) یورملری اوزرینه مشار الیها * یار سول الله حصار مصالحه داخلنده بولنان قریشیلر نقض عهد ایلدیده جکلری مظنونمیدر * دید کده * (بلی یا عایشه نقض عهد ایلدیلر لکن بوجسارتلری اراده خداوند مطلق (جل شانہ) نك متعلق اولدیغی برامر عظیمی متضمندر) یوردیلر مؤخرأ مشار الیها نك * یار سول الله اول امر عجا خیرمیدر یوقسه شرمیدر * یولنده وقوع بولان استکشافنه * محض خیر و عین عطای خدادار * جواب معجز نصابی اعطا یورلدی • انتها * استطراد * ازواج مطهراتدن * یمونه * بنت حارث (رضی الله عنها) یور مشلردر که (اول شب سالف الذکرده) امام محراب ملکوت (علیه الصلوة والسلام) حضرتلری قضای حاجت ایدرك عودت ایلدکلری ائناده (۳) دفعه

(لیک) یوردیلر • (یا رسول الله مخاطب کدر • علی الخصوص نزد عالیکنده کیمسه یوقدر) دید کده (یا یمونه) (رضی الله عنها) (بنی خزاعه) قبیله سنك رجزیدر • زیراقبیله مذکور اهل یسنی بنی (بکریلر) له بعض قریشیلر بو کیچه با صوب مقاتله ایلدکلرندن جماعت (خرزاعیه) اظهار عجزایله یزدن استمداد و بوحالده فریاد ایدیورلر * دیو ایضاح حال یوردیلر ایدی که (۳) و علی قول (۷) کون صکره (عمر بن سالم) خزاعی (۴۰) نفر ماتم زده ایله ظهور ایدرك (بنو خزاعه) نك احوالن و (بنی بکر) یلرایله (قریشیلر) ک جفای جور ائتمالن بیان صد دنده برقصیده تنظیم و پیشگاه دیوانخانه رسالته تقدیم ایلدیکندن {حسبك یا عمر} مقال لطف اشمالن زب زمان و خرقة مبارکلرینی روی زمین فرشه (یا عمر منصور اولیم اگر (بنی کعبه) نصرت ایتزایسه م) قول اخرده آسمانه اشارتله {ان هذا السحاب بسهل ینصر (بنی کعب) یوردقندن صکره (خرزاعیلر) (مکه) مکرمه یه اعاده و صحابه کرامه ابوسفیانك تجدید معاهده ضمننده (مدینه) یه کلک اوزره اولدیغن و حین ورودنده مأیوسا عودت ایلیدر جکن افاده و بیان یوردیلر • تم الاستطراد * قریشیلر نقض عهد ایلدکلرینه نادم و پشیمان اولوب بوحاله برچاره بولمق امنیه سیله خانه ابوسفیانه عزیمت و عقد النجمن مشورت ایدرك * (بوصورتله نقض عهد ایلک مستلزم فساد اولغله حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) اخذ ثار انتقام صد دیله مملکتز کلوب نیجه کیمسه لری اعدام ایتسه و نیجه باشلر زمین حقارت و تذلل مقام ایلسه ککر کدر • بناء علیه تمید میثاق ایتک بزم ایچون جله ضرور یاتدندر) کبی برطاق سوزلره بربرلرینی لوم و تو بیخه باشلدیلر • بوحالده (ابوسفیان) برآه سردچکوب * (سزك) یوغوردیغیکز خیر فسادده بنم مایه و قوفم یوقسه ده نیله یم که (محمد) یلر (علیه السلام) بنم عدم و قوفه اعتماد ایتوب کیفیتی بکا حل ایلد جکلری غیر خفی در • و زوجهم (هند) بنت عقبه نك رؤیای مشهوده سی بوماده نك سوء تیجه سنی ایما ایتکده در • ابدی شعله بار

اولان آتش فساد جانب اسلامیه شراره پاش انعکاس اولدن تمديد
صلح ایچون بالذات مدینه به عزیمت اقتضا ایدر» دهرک زوجه سی
(هندک) قورقیلور بررؤیا کوردیکی ایما یتسی واعظم قریش طرفندن
اول رؤیا تک بیانی التماس ورجا ایدلسی اوزرینه ﴿روای هند﴾ «چون
طرفندن برسیل خون آلود ظهوریه حرم (مکه) مکرمه به جریان ایدوب
(جندم) نام موقعه وارد قده توقف ایلد یکد نصـ کـره نابید
اولدیغنی) هند مزبور عالم معتاده کورمشدر • دیدی • سرکشان
قریش بورؤیای هائله دن رهین خوف وتلاش و بنیان صبر و قرارری
قرین اندراس و متزلزل اولوب فریاده باشلد قلزندن (ابوسفیان) تمديد
صلح ایچون مدینه به عزیمت وبعد المواصله ازواج طاهر اتدن کریمه سی
﴿ام حبیه﴾ نك عصمتخانه سنه کیدرک قعود ایتک املیه فراش
(سیدالکونین) جانبته متوجه قعود اولد قده مشارالیه اول فراش
کلپوشی رفعله نهاده موقع تعظیم و فراش مذکورک ابوسفیان غیر لایق
اولدیغین) تفهیم بیوردیلر • (ابوسفیان) بو حرکت نامأولی مشاهده
و مشارالیه «یا ام حبیه» بوفراشی بندمی صاقتورسین • یوقسه
بنی فراشدمی صاقتورسین» مألنی افاده ایله «سنی فراشدن صاقتنام
لکن بوفراش عالی بدن مقدس سید المرسلین سورلک حسبیه کسب
شرف ایلد یکندن آتی سندن صاقتورم» جوابی آلد یغنه حدتلتوب
«یا ام حبیه (رضی الله عنها) بدن مفارقت ایدلی پک فنا خوی پیدا
ایتمش واشوری مرتبه بد زبان اولمش سین) کبی بر مقاله
ایراد ایلد یکندن (ای پدر الحمد لله جناب (حق) بنی طریق اسلامه
هدایت ایلدی • سن ایه (قریشلر) ک بیوکی و عاقلی اولوبده برطاش
پاره سنه عبادت ایلک اوزره سرمایه عمریکی تلاف ایتکلکک لایتمیدر»
دیمش و بمقاله دن (ابوسفیان) متأثر اولوب «بن سنک هم پدرک و همده
مسافرک اولدیغم حالده بودرجه حرمتسزلک ایلد کدن بشقه اجدادیمک
دینی ترک ایتکی تکلیف ایدر سین» دیه رک کال خشمه عودت و حضور
حضرت (رسالتناهی) به متجاسر دخول اولوب تمديد صلح وعهده

دائر بعض مقاله لایرادینه مبادرت ایلدی • لکن لا ونعم بر جوابه
تائل اوله مدیعتدن لاجل الا شتشفاع (صدیق اکبر) رضی الله عنه
دو لتخانه سنه متوجه اولدی • جناب (صدیق) رضی الله عنه عدم
جرأتی بیان ایدنجه دو لتخانه (فاروق) رضی الله عنه رومال و متصدی
بیان مافی البال اولوب «مخلوقاتدن برمور ضعیف بیله قانجه به قدر
سزکله مقاتله ایلک افکارنده اولدیغنی بیلور ایکن تمديد مصالحه
خصوصنده بدن امیدتوسطی ایلر سین) جوابی آلمسینه مستغرق
بحر حیرت اوله رق عصمتخانه جناب (فاطمه) رضی الله عنها به عزیمت
وجوار علیه سنه کوشه نشین امان اولق نیازینه جرأت ایلدی •
مشارالیه اول ماده ده (رسول) الله دن غیری هیچ بر فردک مدخلی اولدیغنی
بیان ایلد کده «باری (حسن) یا خود (حسین) رضی الله عنهما تک برینه
فرمان بیورک که مجمع ناسه چیقوب بنی دائرة امانه الدقلرینی اعلان
بیورسونلر • و بوجهته قریشلره وضع منت ایدوب الی الابد زیور
آرای زروه اشتهار اولسونلر» دیوب «انلرهنوز صبی اولد قلزندن اذن
همایون اولدجه برشیئه قادر دکلردن» جواب سائیه سنی آلمشدر •
﴿فأذه﴾ (بکاراقوامدن بزوات عالیقدرک اولاداندک سالی دخی اگرچه
برشخصه امان و پروبد کندی جوارینه قبول ایتسه اول شخص
دیار دشمنده بیله اولسه ینه دست اعدادن و اعتراض بی محابادن بری
الساحه اولق بین العرب قاعده متخذه ایجابندن بولنش و حتی اسلامک
ظهور یدخی بوقاعده اوزرینه تصادف ایلشدر • انتها) (ابوسفیان)
یومعامله دنصکره نزد عالی (حیدر) ییه (رضی الله عنه) عزیمتله جوارینه
قبول ایدوب امان و یرمک و ضلی الله علیه وسلمی تمديد مصالحه به ترغیب
ایلک خصوصلرینی التماسه غیرت ایدوبده «ای (ابوسفیان) ملاحظه
تدبیر ایلنک زمانی یکمشدر • وحکمت (خدا) مرأت تیسرده یوز
کوسترمکه باشلامشدر • سن حالا افکار بیفائده تصورنده سین •
زیرا خواجه بازار رسالت (علیه التسلم والتخیه) حضرتلری تمديد
معاهده ایتامکه نیت بیورمش و خلاف رأی بیویلری اوزره حرکت

ایلك غير ممكن بولمشدن ﴿یا ابا الحسن صورت حال
بومر كزده اولدیغی تقدیرده بولموشان بلا خیر دن نو جهله تخلص
کریبان ایدیه بیلورم﴾ دیمسنه ﴿سن قوم قریشك رئیس ویشواسیسن •
اگر چه مجمع اصحاب کرامده﴾ یا معشر الناس بن اهالی طرفینی دائرة
امانه الدم ﴿دیو صوت بلند ایلده ندا ایدرایسه ك حقه کده کوزل اولور﴾
جوابی ویرداد کده ﴿عجب بویله ایتسم قبول اولنورمی﴾ سؤالی ایراد
ایدوب ﴿قبول اولنوب اولنیه جغنی بیلده مزایسه مده سنك درد یکه بوندن
اعلا دوامطالعده ایدیه مم﴾ جوابی آلد قده حضور سعادت ده حلقه بند
اجتماع اولان اصحاب کرام نزدینه عزیمت وصدای بلند ایلده ﴿یا ایها
الناس واقف و آکا، اولوک که بن طرفین اهالیسنی دائرة امانه الدم •
و محمد (صلی الله علیه وسلم) بنم قبولی رد ایلز ظن ایدرم﴾ دید کده نصکره
جانب (مکه) یه توجیه مطیعه معاودت ایتمکله حضاری خنده ناک ایلشدن •
ابوسفیان (مکه) یه عودت ایلد کده نصکره حضرت ﴿صدیقه﴾ رضی الله
عنہا شرف صادر اولان اراده جناب رسالتیناهی مقتضاسی اوزره
کیرلو کیرلو ترتیب مالز مه سفر یه یه اشتغال اوزره ایکن برکون پدر لری
تشریف ایدوب ککریمه سنك تهیه اسباب سفر مشغله سنده اولدیغنی
کورد یکنه واستکنه حاله متصدی اولوب ده حقیقت حالدن سر رشته
اله مدیغنه حد تلنوب تکدیر ایدیه جکی اثناده سلطان دوسرا (علیه
افضل التحایا) حضرتلری شرفبخش تشریف اولمغله مشار الیه
﴿یا رسول الله حرکات عایشه﴾ دن (رضی الله عنہا) بر محلی تشریف
بیورمق املنده بولمادیغنی حس ایدرم﴾ دید کده ﴿یا ابا بکر﴾ سندخی
جمله دن خفیجه تدارك اسباب سفر ایلده مشغول اول﴾ بولنده بیان حال و بونی
متعاقب ﴿اللهم خذ علی ابصارهم فلا یرونی الا بغتة﴾ دعاسنی بارگاه
جناب متعاله ایصال ایلد کده نصکره جمیع اصحابک متهمیء حرب بولمترلرینی
امر واراده بیوردیلر که نه طرفه کیدیلده جکی مکتوم اولدیغنی
حاله جمله خلق طرفدن ادوات سفر یه تهیه سنه اشتغال اولنوب حتی (مکه)
اهالیسنی واقف اولماق اوزره (مکه) مکرمه یه منتهی اولان بوللرک کافه سنه

آدملر ارسالله سد راه مرو و عبور قلنوب (رمضان) شریف ابتدا سنده
مسلم (مدینه) منوره ده بولمسی امرنده جوانب (دارالهجرة) عالیده متوطن
اولان (قبائل) اسلامیه نك جمله سنه اوامر مخصوصه کوندردی •
﴿استطراد﴾ مرویدر که (خاطب) بن ابی بلتعہ (رضی الله عنہ)
﴿یا معشر قریش ان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) جاءکم بحیث کاللیل
یسیر کالسیل واقسم بالله لصار الیکم وحده لتصر الله علیکم فانه منجز له
وعده﴾ و یاخود ﴿ان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قد نذر فاما الیکم
واما علی غیرکم فعلیک الحذر﴾ عباره سنی برکاغده املا و (ساره)
نامنده برخائنه (۱۰) التون اعطاسیله صناید قریشیه سوق واسرا
ایلدی • خائنه مزبوره ذکر اولنسان مکتوبی صاچلرینك ارسنه
یرلشدیره رك متوجه اولوب (ذوالخليفة) موقعنه تقرب ایلدیکی
صره ده (جبریل) امین (علیه الصلوة والسلام) شرفبخش نزول
ووقوعحالی فخر الانام (صلی الله علیه وسلم) افندیمر حضرتلرینه
افاده یه مشغول اولدیغندن جناب (علی) و (زبیر) بن العوام و (مقداد)
بن اسود و (عمار) بن یاسر (رضی الله عنہم) خائنه مذکور ی تعقیبه
مأمور بیوردیلر • مشار الیههم روضه (فاضه) نام محله خائنه
سالفه الذکره ملاقی اولوب اعظم قریشیه یه مأمور تقدیمی اولدیغنی
مکتوب غلط اسلوبی مطلوب ایدرک شاید انکار ایدیه جک اولور ایه
تلف و هلاک ایتمکه مأذون بولندقلرینی ذکر و اتیان ایلدیلر • مر قومه
کیفیتی بتون بتون انکار و مکتوبدن خبری اولمادیغنی ادعا ایلدیکنه
واوزرنده بولنسان البسه واشیاسی آرائیلوب بولنه مدیغنه (حیدر)
رضی الله عنہ حد تلنوب (رسول الله اختیار کذب و دروغ ایتمز
و حضرت (حق) خلاف واقع شیء اخطار بیورمز) دهرک قلنجینی
غلافندن چیقار دیلر • مر قومه حیانتدن نومید اولنجیه مکتوبی
صاچلری آره سندن بالاخراج اعطا ایلد کده عودت و مکتوب مشوش
اسلوبی سید الوری (صلی الله علیه وسلم) افندیمر تقدیمه مسارعت
ایلدیلر • بونك اوزرینه (خاطب) جلب و احضار اولنوب ﴿بومکتوبله

معارفه کز وارمیدر) دیند کده در عقب اعتراف جرم و توباحت ایتمی
و سبب جرأتی استنطاق ایدلمسی اوزرینه (یارسول الله قسم ایدر مکه
نور جهان فروز ایمانم کونیکون آرتقمده اولوب مرتد اولقلغم درجه
استحاله ده در • لکن مستغنی ایضاح اولدیغی اوزره مهاجرین سائر
کبی (مکه) ده اولان اولاد و عیال و مال و منالی وقایه ایده جک اقربا
و تعلقا تمدن مکسسه اولدیغی جهته قریشله برایلک ایدر ایسه م بلکه
بنم اولاد و عیالی وقایه ایدرز • خلیا سنه ذهابله بوایشه مجاسر اولدم •
و برده انهرام جمعیت (قریشه) اراده (ازلیه لم یزلیه) تعلق ایلدیکی و بناء
علیه بنم مکتوبم انلره بر فائده و یره میه جکی جهته له بوکار مسجینی
اجرا ایلدم • بو حال نهایت خطیئات اولغله نه وجهله جزا ترتیب
بیوریلور ایسه مستحقم) دیمسی رهین تصدیق و قبول اولوب
(خاطبتک معاذیر مسروده سی مقارن صحتدر) بیورلدی • فاروق
اعظم (رضی الله عنه) لب جنبان مجاسرت اولوب (یارسول الله بوماده بی
حفظ ایتک امور معظمه دن و بوکار مساعده العیاذ بالله) تعالی ارتداد
خطیره سنی مستلزم مواددن اولغله اکر رخصت بیوریلور ایسه خاطبی
قتل ایدهیم) دیوبده (یا عمر) ترك حدت ایتکه خاطب {اعملوا
ما شئتم فانی قد غفرت لکم} فرمانیه آداد اولمش و غزوه (بدر) ده
شرف حضوری قرانمش اولان ذواتک بری و اساس خطا اوزرینه بنا اولمان
بو قدر جق بر جرمله اعدامی غیر لایق اوله جفی کلفه تفصیلدن بریدر)
جوابی آلدیغندن {الله و رسوله اعلم} مقالیه عرض معذرت ایلدی •
• تم الاستطراد) قبائل اسلام (رمضان) شریف حاوونده (دارالهجرة)
مدینه یه تو جهنمای قیام اولد قلرندن (عبدالله) بن ام مکتوم (رضی الله
عنه) سجاده نشین خلافت بیوریه رق (سکزیجی) سنه هجریه (رمضان)
شریفنک (ایکنجی) یا خود (اونجی) کونی (مدینه دن) حرکت و (ابوعبیده)
قبوسی کنارند، عسا کر اسلامه نظر انداز دقت بیورلدی • واردوی
همایونک وجهه عزیمتی بلنمامک و (اصم) قبیله سیله محاربه اولنه جغه
عطف ایدلمک اوزره (ابوقتاده) انصاری رضی الله عنه (۸۰۰)

صحابه ایله قبیله مذکور مقرر کاهنه کوندریلوب فقط ذکر اولمان
قبیله یه ملاقات مقدر اولد یغندن بر قاج کون صکره عودت ایله
(آفتاب) برج رسالتک جانب (مکه) یه تحویل ایلدیکنی بالاستماع (مکه) جهته
توجیه وجهه عزیمت و مر حله (سقیاده) موکب (اشرف الورا) یه
صلی الله علیه وسلم مواصلت ایلدیله • واردوی همایون (قدید) منزله
وارد قد (بنی سلیم) قبیله سی دخی (بیک) نفر دن تجاوز اسب سوار
و نیزه دار عسا کر له خاکپای عالی رسالتیناهی یه رومال اولوب عرض
د خالت ایلدیله • (بیت) ایتدی کسب آشنایی قطره لر کرد ابله •
ز ره لر اولدی ملاقی مهر عالمتابله • بوخلالده سیدالامم (صلی الله علیه
وسلم) افندیمن حضرت لرینک عم محترم لری جنب (عباس) رضی الله عنه
قریشک حان اختلاله مطلع اولغله (مدینه) نوره یه هجرت نیتیه قاد مه
جنبان استعجال و مر حله (سقیاده) خاکپای حضرت نبوی یه رومال
اولدی • بو کیفیت مستلزم ممنونیت همایون اولد یغندن اولاد
و عیال و مال و منالک (مدینه) یه ارسالیه کندولرینک معیت
عالی پیغمبریلرنده بولمنسی فرمان و (یا عم محتره مم بن) خاتم النبیین) اولدیغ
کبی سندخی خاتمه رساله مهاجرین اولدک) مقالنی زیور زبان معجز بیان
بیوردیله • * استطراد * علیه افضل التحیه (افندیمن) ک عموجه
زاده (سی سفیان بن الحرث صلی الله علیه وسلم) اقربالرندن (ابن عمه سی
عبدالله بن امیه ابن المغیره) ایله ابتدای بعثت نبویه دن زمان هجرت
سنیه یه د کین حق عالی همایونده اظهار ایلد ک لری اهانت
قضیه نامر ضیه سنک بیانی غیر قابل ایکن بوسفر مبارک اثنا سنده
ابراز ندامت واستدعای لطف و مر حمت ایلدیله • صورت استدعای
وهله اولاده رهین مساعفه و قبول اولدیغندن (سفیان) بن
حارث متصدی فریاد اولوب «اگرچه قبول اولنمیب الی آخر العمر
وادی فرقت نبویه قالور ایسه هم اشوبی کاه اولادمله برابر صحرائورد
بیابان فنا اولوب هلاک اوله جغم مقرر در» مقالنی ایراد ایله اشکرین
فغان اولق و * ام سلمه * رضی الله عنها دخی ششاقعه سی بولمنق

ملاسه سیله جرایم سابقه سی عفو یورلدی • قول دیگر مفادی اوزره
 مشار الیه عزیز مصر رسالت (علیه التسلیم والتحیة) افندیمن حضرتلرینک
 دیوانخانه اجلالرینه رومال تضرع اوله رق جناب (مرتضا)
 رضی الله عنہک تعایمه حضرت (یوسف) علی نبینا وعلیه السلام
 حقنده قرنداشلرینک واقع اولان اعتذارینی متضمن بولنان اشبو
 «خدا حقیمون سنی اول (حق) تعالی بزم اوزریمزه تفضیل واختیار
 ایتدی • بزایتد بکمز عملریمزله کنهکار اولدق» مفهومیمنده اولان {تالله
 لقد آثرک الله علينا وان کما لحاظین} آیت جلیله سنی تلاوتله اظهار ایمان
 ایلدیکندن «بو کوندن صکره بنم طرفدن سزه سرزنش ولوم یوقدر •
 الله (تعالی) سزه مغفرت ایده اول راحلردن ارچدر معنا سنده بولنان
 {لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم وهوارحم الراحمین} آیت جلیله سی مال
 حکمت اشمالیه مقابله بیوردقلری جهته مشار الیه برحیات اولدق
 معامله سابقه کستاخانه سنی بالملاحظه وجه عالی نبوی به نکه انداز
 دقت اوله مامشدر • تم الاستطراد» (سقیاء) مرحله سندن حرکت
 و (مکه) به درت فرسخ بعید اولان (مرالظهران) صحرا سنده مواصلت
 اولدقده مهاجرین وانصار له قبائل سائر افرادینه متعدد سنجاخلر
 اعطاسیله تعیین مقام بیوریلوب و چونکه اول محله مجتمع اولان
 عساکرک عددی تفاسیر شریفه بیانی اوزره (۱۲۰۰۰) نفره بالغ
 اولدیغندن جناب کاشف الدجی (صلی الله تعالی علیه وسلم) افندیمن
 طرفدن هر فردک آبروجه آبروجه بر آتش یاقق اراده عالیسی ایراد
 وموجب عالیسی اوزره (۱۲۰۰۰) محله بر آتش خرمن سوز
 ظلت ایتقاد اولندی • نتیجه حالدن غافل اولان قرشیلر بعده ایجابنه
 باقلمق اوزره تمید مدت صلح ایلمک وشاید نهضت اسلامیان وقوعبولش
 ایسه قنغی محله کلدکلرین ونه تدارکده بولندقلرین اکلامق
 ایچون (ابوسفیان وحکیم بن خرام و بدیل بن ورقا) بی (مدینه) به
 اعزام ایلشردی • که جناب (عباس) رضی الله عنه بومرتبه
 مسلح وغلبه لک عساکری کوروب «اگر بوعساکر اسلام سل سیف

انتقام ایدوبده قرشیلره ایصال سطوت مهاجه ایدرلر وبلا توقف
 (حرم) محترمه کیرلرایسه قریشلردن هیچ بر فردک تخایص کریبان حیات
 ایتسی مأمول دکدر» دیهرک بر آن اقدام خاکپای جناب رسالتپناهی به
 یوز سوروب مسلمان اولق توصیه سنی اهل (مکه) به ایصال ایلمک
 خولیا سیله رکوب میامن محکوب (نبوی) به مخصوص اولان حیوانه
 رکوبله اردونک اطرافنده سیر و کذار و ابنای سبیلدن برینه تصادف
 ایتکی انتظار اوزره ایکن سامعه انتباهنه اوزاقدن کلور برسس
 واصل اولدی • واشبو صدا ایلله حس سامعه سی آشنا اولغله صدانک
 ظهور ایلدیکی جانبه کیدوب (ابوسفیانله بدیل) بن خرامک (مر
 الظهران) وراستنده اولدیغنه کسب اطلاعه کفتکوی واقع لرینه
 احاله سمع دقت ایلدکده (بدیل بن ورقا) مشهود اولان آتش ظلمت
 سوزی استغرابله ابوسفیانک «بو آتش حجاجک عرفه کیجه سی ایتقادینی
 معتاد ایلدکلری آتسه بکزر ایسه ده او آتش دکدر» دیمسنی جرحله
 «یوق یوق بنی (خرزاعه) قبیله سنک آتشدی» بولنده ویردیکی جوابی
 (ابوسفیان) تسلیم ایتوب «خرزاعیان بوقدر آتش ایتقادینه مقتدر
 دکالدر» دیدیکندن واول صحرای آتشناکده حیوانات صداسی
 دخی ایشیدلدیکندن (حکیم ابن خرام) متصدی تأویل اولوب
 «بنی کعبله خزاعیلر اتفاق ایدرک بنی بکر ایلله اجرای مخاصمه داعیه سیله
 بومحله کلوب آتش یاقشیلردی» دیدی • ابوسفیان بونیدخی رد ایلله «اشبو
 ایکی قبیله برماه قدر اوغراشده لر دخی بوقدر آتش ایتقادینه موفق
 اوله منزل» جوابی ویرمکده ایکن جناب (عباس) رضی الله عنه
 «یا ابا حنظله» دیو ابوسفیانله ایصال سفیر صدا ایلدی • ابوسفیان
 مشار الیهک صداسنی فرق وتمیز ایلله «یا ابا الفضل» سنجسین
 سؤالی ایراد ایتش و طرفین آت سوروب ملاقات ایلش اولدقلرندن
 ابوسفیان «یا ابا الفضل» بومحله نه کرر سین • و بو آتش ایتقادندن
 خبرک وارمیدر • زیرا بز تحقیق ماده ایده مدک» دیمسته «و یحک یا ابا
 سفیان» بو آتش جهان فروز قریشیلر اوزرینه متعازم اولان (پادشاه

انبیا (صلی الله علیه وسلم) افتدیمزک عسکری طرفدن ایقاد اولنان
آتشدر • سن حالا بیابان ظلمت آباد حیرته کزرسین) جوابی ویردی •
(ابوسفیان) بو حالدن مضطرب و حیران اولمغله اول ورطه هولنا کدن
نه تدبیر ایله نجات بوله جغنی سؤال و بای حال حایه بیورلق نیازیه سوزی
اکمال ایلد کده (یا) ابوسفیان) خاکپای جناب رسالت پناهی به رومال
اولوب اظهار شعار ایمان ایلکدن بشقه چاره اوله مز • همان راکب
اولدیغم حیوانه ردیف رکوب اولسکیم سنی حضور اقدس نبوی به
ایصال ایدیم) دیمسیله بلاتردد موافقت ایدرک سرپرده سدره
ستون رسالت جاننه متوجه اولدیله • (بدیل) بن ورفاء ایله
(حکیم) بن خرامدخی برابر کتمش و قول آخرده (مکه) به عودت
ایلشدر • خیام اسلام آره سندن کچرلر ایکن هر چادرک عسکری «بویله
وقتسز بورادن کذران ایدن کیمدر» دیورلزدن صحرایه رق جناب
(عباس) اولدیغنه واقف اولوب بربرلینه «خوش اولک که عم پاک
مکرم سید اولاد آدمدر» دیوب سکوت ایدرلردی • (فاروق) اعظم
رضی الله عنه ک خیمه سی پیشکاهندن کچیلورکن مشارالیه ابوسفیانک
برابر اولدیغنی کوروب پلنک آسایرندن صحرایوب قتل (ابوسفیان)
ایچون اراده استحصال ایلک اوزره متعازم حضور اولوب انجق جناب
(عباس) رضی الله عنه مشارالیه کورمسيله همیز زن استعجال
و جناب (فاروق) دن اولجه رومال حضور عال العال اولش •
ومتعاقبا حضرت فاروقدخی بریشوب «یارسول الله هیچ بر فردک
داخل دائرة امانی اولیان ورئیس فرقه ضلال اولان (ابوسفیان)
اعطای رخصت بیور کده قتل ایدیم» دید کده جناب (عباس)
رضی الله عنه «یارسول الله غلبه عنایت علیه کزه مغرورانی بنده کز
دائرة امانه الوب پیشکاه رسالتکزه کتوردیم» سیاقنده ابوسفیانک
جرائم سابقه سنک استدعای عفوینه درکار اولدی ایسه ده (فاروق)
اعظم (رضی الله عنه) ابوسفیانک ابتدای ظهور اسلامدنب و حق عالی
نبویده ابراز ایلدیکی جور و جفا و خصومات از دراستی بالملا حظه شیردر

زنجیرکی کوروب دیشلرینی بربرینه اورارق اخذ ثار انتقام ایچون
استرحام دستور و حضرت عباسک (رضی الله عنه) حایه خصوصنده
سرمو تغافل و تسامح ایتماسی مشارالیه حق اعتدالی تجاوز ایدر
دوجه ده برمنازعه ایقاعنه مجبور ایتکله «ای (عم) بذر کو ارم بو کجه
ابوسفیان کندی چادر کده حفظه ابتدار و علی الصباح بزم یاغنه
احضار ایدک (که حکم تقدیر نه ایسه اجر اسنی اراده ایده لم)
بیورلدیغندن مشارالیه ابوسفیان تا بصباح خیمه سنده محافظه به صرف
یارای اقتدار و طلوع شمسله برابر حضور حضرت رسالت پناهی به
احضار ایلشدر • (ابوسفیان) سیئات سابقه سنی تحیل ایله حیاتندن
قطع امید و قتلی خصوصنه فرمان نبوی ظهورینی بالا انتظار کندوسنی
جانندن نومید ایلش ایکن قبل غالدین «و یحک یا (ابوسفیان) وحدانیت
ذات (احد) بتی اقرار ایده جک و رسالت رسول (خدا) بی تصدیق
ایله جک زمان دها کلدیمی» مآیله ابراز معامله صفح جیل بیورلمی
اوزرینه «یارسول الله پدر و مادرم سر رسالت افسر کریمانه کزه
فدا اولسون • بندن صادر اولان معامله بدکاری به مقابله واقع اولان
التفات شفقت ایا تکزدن بیلد مکه ورقکشای جریده کاف
ونون تعالی (شانه) عما یقول الظالمون دن غیری اله یوقدر • وسنک
رسالتکی بو آنه د کین تصدیق ایتمامشیدیم» دیهرک ابراز شرمساری
و خجالت ایلدی • اگر چه بو مقاله ده بوی ایمان استشمام اولنه جغنی
غیر منکر ایسه ده کله منجیه شهادتی صراحة تقریر ایلدیکی جهته جناب
(عباس) رضی الله عنه (و یحک یا (ابوسفیان) اظهار شعار ایمان
ایتمیوب ده اطراف شهرستان شهادتده پویان اولورسین • بو بر دمدر که
بر قدم اقدم داخل حصار ایمان اولغی هر شیدن اقدم بملیدر • یوقسه
شمیدی (فاروق) اعظم (رضی الله عنه) سنی اعدام ایده جکی محتاج
افهام دکدر) دیمکله {اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده
ورسوله} دیوب قلعه متین اسلامه پناهده دخول اولدقده جناب
(عباس) رضی الله عنه منشرح اولوب «یارسول الله ابوسفیانک

محب جاه اولدیغی محاط علم عالی دقیقه دانیلری اولدیغندن حقننده برالتفات
عظمای موجب الافتخارک درکار بیورلمسی التماس ایلرم • دیدیکندن
{ من دخل دار (ابی سفیان) فهو امن ومن اتى السلاح فهو امن ومن
دخل المسجد الحرام فهو امن } حدیث سامیسی شرفساح اولمشدر •
﴿ استطراد ﴾ (ابوسفیانک) (مکه) به معاودتی خصوصنه فرمان
عالی صدور ایلد کده (عباس) رضی الله عنه لب جنبان جسارت اولوب
(یارسول الله حکیم توفیق اجزا خانه سندن ترتیب اولتان ادویه حیات
افزای هدایت ابوسفیانک مزاج اعتقاد ومعه عنادینی هنوز تصحیح
ایده میوب خصوصیه قریشیلرک اذاقه واشراب ایده جکلری مقالات
رطب ویا بسه وکلمات تلخ وناپخته مانع تأثیر اوله جفندن ینه سر نهاده
بالین ارتداد و مر یض فراش عناد اوله جنی ملحوظدر) دیدیکندن
ابوسفیانک رهگذار عساکر اولان بر محل مضیقده توقیفیه شکوه
کوکبه جند (خدا) وکثرت جیوش قلعه کشای مسلمینک اراده اولنسی
فرمان بیورلدی • حضرت (عباس) رضی الله عنه فرمان عالم
مطاع نبوی موجب عالسی اوزره ابوسفیانی بالتعقیب «یا (ابا حنظله)
دیوندا ایلدی • و (ابا سفیان) کمال خوف وهراسندن «ای آل بنی هاشم
نه حال اولدیکه بنی تعقیب ایلدک یوقسه حتمده درکار اولان امانکه
نادم اولوب بنی تلف ایتک می استرسین» زمینیه استکناه حال ایلد کده
(حاشا خاندان رسالنده بونی ارتکاب ایتک شیء قبیح اولوب فقط عساکر
اسلامک سطوت وشوکتی منظور نظر حیرتکز اولمق خصوصنه فرمان
عالی شرفساح اولدی) جوابی اعطا وغایت ضیق بر محله ایستاده
مقام تماشا ایلدی که علی الصباح آفتاب رسالت (صلی الله علیه وسلم)
ایله بالجمله معرکه آریان ملائک رفیق کمال سطوت وشهامتله
کروه گروه خطوه بیمای طریق اولمغه باشلدی • و (بنی اسلم) قبیله سندن
(۱۰۰۰) نفر دلیر نیزه دار و (۲) لوای تابدار ایله مقدمه لشکر اولان
جناب (سیف الله) (خالد) بن الولید (رضی الله عنه) مقابله ابوسفیانه
کلد کده صدای بلندایله (۳) دفعه تکبیر کتور دیلر • بونلری متعاقب

جناب (زبیر) بن العوام (رضی الله عنه) قومانده سنده بر سنجاخله
(۵۰۰) نفر زرهیوش (عرب) کذلک تکبیر کتوره رک مقابله
ابوسفیاندن کذار ایلدی • بونلردن صکره (ابوزر)
غفاری (رضی الله عنه) سنجاغی تحتمده (۳۰۰) نفر بهادران
(بنی غفار) تکبیر ایله کذار ومتعاقبا بر علم نصرت توأمله طائفه (بشر)
ابن سفیان (۵۰۰) نفر (بنی کعبه) عرض وقار ایدرک روان اولدیلم •
بعده (مزینه) قبیله سی (۸۰۰) نفر ایله تکبیر کتورد کدن ومقابله
ابوسفیاندن کچد کد نصکره (۴) علم سطوت توأمله (۱۰۰) نفر (بنی لیث)
وبنی (حیره) سعد قبیله لری مرور وعقبلم نجه قبیله (اشجعندن)
(۳۰۰) نفر شجاعت اثر عبور ایدرک تکبیر کتور دیلر • بونلرک حین
کذراننده ابوسفیان (سبحان الله) جناب (محمد) ک (صلی الله علیه وسلم)
ظهوری اثناده علیهنه قیام ایدن مخالفین بودرجه تکثر ایتامشیدی •
بالعکس شرف اسلامه مشرف اولنلر نه قدر تزیایداتمشدر) نجه عریض
استغراب ایلدی • بالاخره (جهینه) دلاورلرندن (۸۰۰) نفر
غضنفر فر کذار ایلدیکه • ابوسفیانک «یا ابا الفضل غالباً (صلی الله
علیه وسلم) هنوز مرور ایتدی» کبی دیمسنه حضرت (عباس) رضی الله
عنه «لا لایا (ابا سفیان) کذران ایدن عساکر اردوی همایونک
طلیعه سیدر • سن اگر اول یثکا کهر نه درج هستی (علیه الصلوة
والسلام) ک اطرافنده مجتمع اولان دریای موج آرای دلاورانی سیرایتسه ک
کشتی نشین ساحل بحر حیرت اولوب اول طوفان کوه اندازه هیچ
کسه مقاومت ایده میه جکنی تصدیق ایدردک» جوابی ویردی •
الحاصل بر نیجه طوائف ام کمال سطوت وخشمه گروه گروه کذر
ایلدیکنی متعاقب بیوک بر توز ظهور وآفتاب عالمسایک ضیای جهان
افروز بنی مستور ایدرک نور ابصار حضاری متواری پرده خفا ایلدی •
یعنی اجزای روی زمین شرف پابوس (فخر الاولین والآخرین) صلی الله
علیه وسلمه مظهر اولمق شوقیه رقصه ککش ودامن افتخار ایله اهالی ملا
اعلیه غبار عنبر آثار صاچغه در کار اولوب زمین وآسمانی بر برندن

فرق و تمیز اولن درجه به کتور مشیدی • آخر الامر باد نسیم پرده کشا
وزان و انوار مقدمه موکب خاص همایون لمعان ایتمکله اعیان (مهاجرین)
و (انصار) که جمله سی زره داودی کینش و میانرینه سیف (هندی و عمانی)
با غلامش اولد قلری واسب و ناقة سوار (۵۰۰۰) عدد دلیر نامدار
بولند قلری حالده اول خورشید آسمان رسالتی احاطه ایلد کلری
نمایان اوله رق ذات عالی وقار نبوی آفتاب عالم تاب کبی ناقة (قصوا) به
نور بخش رکوب اولوب صاغ طرفه (صدیق) اکبری وصول طرفه
اشرف نقبای انصار اولان (اسید) بن خضیری آلوب و سائر اصحاب
کرامی هاله ماه منیر رسالت ایلوب مکالمه و ملاطفه ایله مقابله
ابو سفیانه ورود ایلد یلر • (رضی الله عنهم) ابو سفیان شکوه سطوت
انداز اسلامه امرار نظر دقت اید بنجه رهین استغراب اولوب «یا عباس
بونیجه حشمت جهان آشوب و بونصل صلابت غریب الاسلوب در) که
مدت عمر مده نه منظورم ونه ده بر قصه خواندن مسموعم اولمشدر •
آرتق برادرزاده کل ملک و سلطنتی نهایت درجه به اعتلا ایلد یکنه مطلع
اولدم «دیوب و» یحک یا ابا سفیان بو تماشا ایلد یکنک حشمت عطیه
(سبحانی) و موهبه (صمدانی) اولوب یوقسه ملک سلطنت بی بقای
فانی دکلدر «جوابی المشدر» علاوه * مر ویدر که (سعد) بن عباد انصارک
(رضی الله عنه) یوم مذکورده حامل اولدیغی (لوا) ی ظفر التوائحتده بر قاج
(بیک) نفر بو لغله ابو سفیانک خدا سنه کاد کده اجرای تکیر و «بو کون
اهل مکه به حرمت ایتماک و قریشیلری تیغ انتقامله قتل و تلف ایلمک
کونیدر» دید کد نصکره «ای معشر (اوس) و (خزرج) بو کون احد
معر که سنده شهید اولان اسلامک اخذ ثار انتقامی کونیدر» متعاله سنی
تقریر ایلد یکندن ابو (سفیان) متأثر اولوب (یا عباس حبذا یوم الدمار)
دیهرک فریاده باشلامش و بوا شاده علم خضر اشقه فخر الانبیا (علیه
التسلیم و التحابا) ظهور ایتمکله «یا رسول الله بر چوغی اقربا و تعلقا تکدن
اولان قریش پریشان احوالک قتل و اعدا ملری حقنده فرمان
بیوردیکرمی» دید کدن و صدد جوابده {لا یا ابا سفیان} اراده

مر اجماعه سنی ایشتد کد نصکره (سعد) بن عباد نک (رضی الله عنه)
مقاله جکر شکا فنی بعد الاتیان «یا رسول الله سنی بعث ایدن (خدای)
بی زوال حق یچون و قریشله در کار اولان قرابتک حرمت یچون قریشک
جرایم سابقه ستی عفو بیورک • زیرا سن خلقک یکرکی واقربایه مرحمت
اید یچی رکسین» دیمش اولد یغندن حضرت (رحمة) للعالمین (صلی الله
علیه وسلم) متصدی التفات اولوب «یا ابا سفیان» (سعدک) بو کلامی سهوا
وقوعبولمشدر • یوقسه بو کون عفو و مرحمت و لطف و مروت
کونیدر جناب (حق) بو کون طائفه قریشی درجات اعلا به اعلا
ایلیه جک و طرف اسلامدن (بیت اعظم) سعی و طواف ایدیلر رک
تعظیم قلنه جق کوندر «بیوردیلر» حضرت (ذی النورین
وعبد الرحمن بن عوف) رضی الله عنهما دخی اول محله بو لنوب
(یا رسول الله) (سعد) مشار الیهک قریش حقنده اظهار ایلد یکنی مقاله
کین آمیز اینجا بنجه اوله بر حاله تصدی ایلمسی اغلب مأمولدر «دید کلری
جهنله هم داعیه حرب احتمالی دفع ایدلمک و همد (سعد) بن عباد نک
(رضی الله عنه) خاطری تطیب قلمق اوزره مشار الیهک بردوش افتخاری
اولان سنجاغ اخذ اولنوب مخدومی (قیس) بن سعد بن عبادیه (رضی الله
عنهم) اعطا بیوردی • تم الاستطراد عسا کر ابرار ابو سفیان
مقابله سندن علی حده علی حده کذار ایلد کدن صکره جناب
(عباس) رضی الله عنه «یا (ابا سفیان) طورمه استعجال اوزره
سمت حرم محترمه متراهی اولوب منظور نظر حیرت اثرک اولان اشبو
وقعه هاله بی کوردیکک کبی ذکر و اتیان و اهل (مکه) نک بر قدم
اقدام داخل دائرة ایمان اولسنی اشاعه و اعلان ایله • زیرا بود دفعه کی
وقوعبولان نیت و عزیمت حضرت رسالت پناهیدن جیوش (قریشیه) نک
رها یافته سلامت اوله میه جفی امر مقرر در «دید یکندن (ابو سفیان)
مرغ طائر کبی حرم (خدا) به طوغری تحریک اجنحه سرعت و پک آز
برمدت ظرفند (مکه) مکرمه به مواصلت ایلدی • اهالی (مکه) ایسه دعای
اجابت پیمای همایون تأثیر یله ربع مسکونی زلزله ناک ایلش اولان حرکات

اسلامیه آواز سنی استماع ایده میوب (حرم) محترمک صورت استیلا سنی
عظیم الاحتمال ظنیه آسوده نشین صفت صفا واسواق و بازار (مکه) ده
مشغول اخذ و اعطا اولد قلری حالد حال پریشان مأل ابو سفیانی
کورملریله باشنه طو پلانوب (بیت) ندر تلاشکه باعث بویج و تاب ندر
کتوردیکلک نه خبردر بواضطراب ندر) مفاد متلاشه سیله (یا ابا) سفیان
روی آسمانی قیلا مش و رؤس جبال مرتفعه (بطحا) بی قمر طومانه
قرشدر مش اولان غبار دهشت آثار مشهوده عجباندن عبارتدر
ونه مقوله عسا کرک اقدام خیولندن پیدا اولمشدر) دیهرک آبروجه
آبروجه ایراد مقال ایلدکلرنده پادشاه انبیا (علیه افضل التحایا)
حضر تلیرنک (۱۲۰۰۰) عسا کر اسلامه وادی گذار (بطحا) اولدیغنی
واهل (مکه) نک هنوز استیلا جیوش دریا جوش اسلامیاندن بخبر اوله رق
پیچیده لحاف خواب غفلت بولندیغنی بعد البیان (بیت) شام یکدی
دخی سز خواهش مهتابده سز • صبح کلدی دخی سز غفلت ایله
خوابده سز) دید کد نصکره کند دی دایره بیتنه التجا اید نلرک
رها یافته کرداب فنا اوله جقلربنی شامل اولوب فم محسن نبویدن
شرفسانح اولان {من دخل دارابی (سفیان) فهمو امن} الی آخره حدیث
مرحت محمد یثی زبور زبان ایدرک جاده مملکت نجات و سلامت فرمان
جهان مطاع حضرت رسالتپناهی موجب عالیسی اوزره حرکت ایلکدن
عبارت اولدیغنی بیانه استعجال ایله سرمست جام غرور اولان اهل
(مکه) بی رهین اضطراب وانفعال ایلش و حتی ابو سفیانک منکوحه سی
هند (اکلة الاکباد) حیه زوجه یا پشوب «ای آل غالب بو حریف
معتوهی قتل و اعدام ایدک» دید کده «ای هند بکا بو صورتله جور و اذا
ایلکدن ایسه خانه کلک بر طرفنده اختفا ایله • یوقسه اگر داخل دایره
حرم اسلامیت اولقده تکاسل ایدرایسه ک (برب الکعبه) قتل اوله جفک
غیرخفیدر) دیوب عسا کر اسلامک داخل دایره حرم محترم اولدیغنی
بیان ایتشدی • بو خبر سامعه خراشدن اهل (مکه) نک کافه سی شاشیروب
ابواب بیو تلیربی گاه فتح و گاه سدد ایلدیلر • وسلا حاکمان طاقی بالاخره

اسلمه موجوده لرینی انداخته بیابان ایتدیلر • بعضیلریدخی خانه لرنده
اوتورمنه قرار و یروب لکن کمال حزن واضطرابلرندن اول حال اوزره
ثبات ایده میوب حریم حرم (بیت) الحرامه عزیمت وعدم شعور زدن ناشی
ینه عودت ایلدیلر • دیگر بر طاقیده تهیه اسباب مبارزت و اوتده
بروده حلقه کیراجتماع اولدقلرینه اظهارندامت ایدرک هریری بر طرفه
متفرق و پریشان اولدیلر • والحاصل بو حال ضجرت اشتمالدن اهالی
(مکه) نک جمله سی رعشه کیردهشت واضطراب اولق و نبض ثبات
واستقرار لرنده اماره حرکت مفقود بولمق حسبیه کافه سی بردن عقد
الحکم اتحاد عدم قدر تلی در کار اولدیغنی حالد شدت خصومت
تقاضا سیله ایچلرندن بری پیشکار سودای پیکار اولسه یعنی داعیه
مبارزتله میدان چیقسه جمله سی بونک اطرافنه جمع اولوب ایفای
مافی الضمیر مبارزتی عرض ایدرلردی • ناگاه موکب عالی حضرت
سید الثقلین (صلی الله علیه وسلم) اشعه نمای ظهور اولوب (ذی طوی)
مقامنده تفریق جنود برق نمود موحدینه مباشرت برله (زبیر) بن العوام
(رضی الله عنهما) گروه معالی انبوه مهاجر بن ایله ام القرانک اوست طرفنده
کائن (ثنية الکدا) موقعنه اعزام و مقابر معالی (حرم) محترمه ملاصق
اولوب (حجون) دینلان محله خیمه زرطتاب نبوتی نصبه تشریف عالی
وقوعبولمد بقه بر خطوه ایلرو تجاوز ایدلما مسین اعلام بیوردیلر •
بعده دلاوران (انصار) ایله (سعد) بن عباده (رضی الله عنهم) حضراتی
(ثنية مدینه) موقعنه سوق اولنوب (خالد) بن الولید دخی (رضی الله
عنه) بنی (اسلم) و (غفاری) طائفه لرله شهره (جهینه) دن
(مزینه) ایله سائر دلاوران قبائل (لیطه) دینلان طریقندن
اعزام ولوای نصرت التوای (محمد) به نک (صلی الله علیه وسلم)
معموره (مکه) نک نهایتنه رکز ایدلمسی اعلام وافهمام بیوردی •
و (ابوعبیده) بن الجراح (رضی الله عنه) موجود قوماندنه سی اولان
وادوات اسب واسلمه دن عاری و آزاده بولنان عسا کر پیاده ایله
(بطن وادی) بولندن کوندریله رک خواص اصحاب ثریا جنباله آفتاب

ذات پرانوار نبویه لری افق (آخر) ممرندن ارخای عنان عزیمت
وسوق اولئان فرقه لر قوماندانلرینه حرب ایدلما سنی و شاید جهت
مخالفین (مکه) دن ابراز مبارزت اولتور ایسه حد مدافعه بی تجاوز
ایتمه جک صورتله مقابله بالمثل قاعده سی اجراسنی امر و اشارت
واشبو ترتیبله (حرم) محترمه وضع اقدام دخالت بیوردیلر • بوخلالده
(بنی بکر) و (بنی حارث) قبیله لرندن برطاقم سبکمرزان (عکرمه)
بن ابی جهل و (صفوان) بن امیه و (سهیل) بن عمرو (خالد)
بن الولیدک (رضی الله عنه) بولندیغی قولده واقع (خندر) نام محله عزیمت
واول فرقه شجیعده بولئان دلاوران دینک داخل (حرم) محترم اولملرینه
عرض ممانعت و اشغال ناره حرب و قتاله مبادرت ایلدیلر • جناب (خالد)
بن ولید (رضی الله عنه) تعایمات شفاهیة همایون موجب عالینجه حد
مدافعه بی تجاوز ایتمک اوزره انطفای کانون و غایه مجرا کشای آب
حیات غیرت اولوب لکن معامله ملایمت نمون اهل دین باعث اشتغال
او جاع عناد مخالفین اولقدن غیری شی مفید اولمدیغنه و مشار الیهک
آینه ملاحظه سنده صلاح سکونت قریشیه صورتی مشاهده اولته میوب
بالضروره مرآت مجلای سیف صلابت حواله سنه مجبوریت کلمش
بولندیغنه بناء بالمقابله اجرای مبارزت و اعمال ادوات حرب و مهاجمه
مبادرت ایله مخالفین اهل (مکه) بی (خزوره) نامیله موسوم خریطه
اشتهار اولان محله دکین تعقیب ایلدیکه (اشبو موقع) (حرم) محترم (مکه)
مکرمه یه پک یقین بر محکک اسیدر (سلطان سریر نبوت) (علیه السلام)
و التحیه) حضرتلری سابق الذکر (ثنیة کدا) یه مواصلت بیوردقلری
خلالده سامعه همایونلرینه واصل اولان صدای اسلحه نک باعث حدوثی
سؤال و علی قول (ابوسفیان) و یا خود برطاقم اصحاب مرحت
نشان وقوعی بالافاده « یارسول الله سیلاب انهار سیوفله اقربا
تعلقا نکرک خرمن حیاتلری افتاده اسباب فنا اولماسنی فرمان بیوردک »
نهجیله استشفاعه استعجال اولندیغندن حضاردن بری ایله جناب
(خالد) ه (رضی الله عنه) { ادفع عنهم السیف } اراده سنی ارسال

بیوردیلر که « انلردن ارتق سیف انتقامی رفع ایله » دیمکدر •
لکن کوندریلان صحابه « یا خالد انلره حواله سیف انتقام ایله »
مألذه اولان { یا خالد ضع فیه السیف } خبرینی ایصال ایتمکله
مشارالیه (۷۰) نفر قریشیه بی تلف ایدنجیه قدر چالشمشدر • (عکرمه)
بن ابی جهل ایله (صفوان) بن امیه و (سهیل) بن عمرو (خالد) بن ولیدک
(رضی الله عنه) صدمه بارقه شمشر عدو تدمیرینه تاب آور تحمل
اوله میوب کیمی سوراخ اختفایه کریزان و کیسیدخی شواحق جباله پویان
اوله رق بالاخره و یریلان معلومات اوزرینه حضرت خالد (رضی الله
عنه) جلب و احضار اولوب « یا خالد بن سنی قتلدن منع ایچون خبر
کوندرمدمی » دیوسؤال و مشارالیه « خیر غیورانه جنک ایدلک خبرینی
کوندردیگز » یولنده بسط مقال ایلدیکنندن مشارالیه خبرکتورن
صحابه بی دعوت و « بن سکامر ایتمدی که برکسنه بی قتل ایتمک ایچون
خالد امر ایده سین » استنطاقیله تحقیق کیفیت ایلد کده « اوت بن
اول امرک ابلاغی مراد ایلدم ایسه ده جناب (حق) آنک غیرینی مراد
بیورمش • و عاقبه الامر مراد (الله) ظهوره کلمشدر (جوابی آلمشدر •
استطرداد * روایت اولتور که (خالد) ه (رضی الله عنه) خبرکتورن
صحابه حین استنطاقده اولئان سؤاله جوابا « نزد (خالد) ه (رضی الله عنه)
عزیمت و { ادفع عنهم السیف } دیمک نیت ایلدیکم آنده باشی قبه خضرای
سمایه ملاصق و ایا قلری قعر زمینه متلاصق اولق اوزره بر شکل مهیب
الهیکل نورانی ظهور ایدرک انده اولان حربیه سر تیزینی کو کسومه
وضع ایله { ضع فیه السیف } کلماتی سویله یوقسه سنی هلاک ایدرم
دیدیکندن بالضروره متابعت ایلدم دید کده (صلی الله علیه وسلم) افتدیمز
حضرتلری « صدق الله و صدق رسول الله (عم) محترم (سیدالشهدا) نک
ائنا ی شهادتند » (۷۰) نفر دشمنی هلاک ایلک اوزره نذر ایلمش و اولخالده
شرف بخش نزول اولان آیت جلیله ملابسه سیله داعیه نذری ایفادن
صرف نظر ایتمشیدم • جناب خداوند غیور (تنزهت ذاته عن النسیان
والقصور) حضرتلری رسولی لسانندن صادر اولان عهدک اقتضاسنی

بو یوزدن ظهوره کتور مشدر) پیوردیلر • تم الاستطراد) علاوه
(موقع ذی طوی) بی قدوم کیتی کشای حضرت (سلطان الثقلین)
ایله همکوکبه سرادق سما اولدوقده سید البشر (علیه من الصلوة الاوفر)
افندیمر سایه (لوا) ظفر التواهی همایونلرنده مجتمع اولان عساکر اسلامه
امرار نظردقت و جناب (وهاب) کریمه ایفای مراسم جدو شکره مسارعت
ایلدکن صکره شب هجرت سنیه ده وقوعه بولان حرکت غریبانه ایله
اشبوروز نصرت فروزده تجمع ایدن وفرت عسکر اسلامی میزان
انصاف نبوت وقسطاس حق کویئ رسالت اولان خاطر انورلرنده
موازنه پیوردیقه مبارک (حیه) شریفاری را کب اولدقلری (ناقه) نک
بالانته سورینور درجه لرده زمینه میل ایدر وتعاقب نسیم الطاف
نامتناهی الهیه بالملاحظه دوه اوزرنده ایفای سجده شکرانیت ایلر
ایدی • انتها) (عکرمه) بن ابی جهل (صفوان) بن امیه ایله (خالد)
بن ولید (رضی الله عنه) یولنی قطعه مقابله یه درکار اولدوقده (جاس)
بن قیس دخی تهیه اسباب قتال ایدرک آماده جنک وجدال اولدوقده
زوجه سی ارایه روی مخالفت و دامنکیر ممانعت ایتکله «ای خاتون
بندن کف ید ممانعت ایله» که جیوش اسلامیه دن برینی تحت
اسارته الوب سکا خدمتکار ایلک املندیم» جوابی بالاعطا میدان
مبارزه عزیمت و صدمات دلیران اهل ایمانه تاب آور تحمل اوله میوب
کال خوف و خشیتله عودت ایلدی • وزوجه سی قهقهه زن
استهزا اولوب «بکا کتوره جکک الی بغلو اسیر نره ده در» دید کده
ایات آتی الذکر نظم و انشاد ایله اعطای جواب ایتدی • نظم «ولو
انت شهدتنا بالخدمه» (اذفر صفوان وعکرمه) (وابوزید قائم
کالمؤتمه) (واستقبلنا بالسیوف المسلمه) و یقطعه کل ساعد
وجهمه) (ضربا لا تسمع الا غممه) (لهم نهیب خلقتنا همهمه)
لم تنطق ذال یوم ادناکله) الحاصل آنفایان اولندیغی اوزره (حجون)
عرصه سنده قوریلوب ادم سرخله تفریش اولمش و رایت خضرا
اشعه ایله غبطه کاه لاله زار اقدس قلمش اولان (اوطاغ) همایونه سایه

انداز تشریف و نزول پیورلدوقده اول موقعده کائن آب مصفا ایله
ایفای لازمه غسل ایدرک منبع جویبار رسالت اولان بدن مقدسه معالی
سرشتلرین ادوات جنک وصواشله بعد التزین ناقه (قصوا) یه را کب
اولوب زمام (ناقه) بی (محمد) بن مسلمه یه (رضی الله عنه) تسلیم و ایکی
رکاب قر تابلرنده (بلال) بن رباحله (عثمان) بن ابی طلحه (رضی الله
عنهما) بی ایستاده موقع تعظیم ایتمش و (صدیق) اکبرایله (اسید) بن
خضیر (رضی الله عنهما) یمین و یسار همایونلرنده بولندیغی حالده
حر محانه (خدا) یه توجیه مطایای مسارعت ایلش اولدیغندن ملاء اعلای
قدسیان بیت آتی الذکر ایله غلغله انداز مجامع هفت آسمان
اولش لردر • «بیت» در تمنا ی توای قبله ارباب نیاز • کعبه سرکشته تر
از سنک فلاحن شده است» رکاب قر تاب (قصوا) یه وضع قدم
رکوب پیورلدیغی صروده صوت لین ایله سوره مبارکه (فتح) تلاوته
مثاربت و سالف البیان (حجون) عرصه سندن (باب) السلامه
دکین ایکی جانبدن ایستاده موقع سلام اولان ابرار (ملائک) شمار
مسلمینه اعطای سلام وصف بسته انتظار اولان کافه اصحاب طرفلرندن
«علیک عون (الله) ای حبیب خدا وای نور چشم انبیا» کلبانکنه
اهتمام اولنهرق باب السلامه مواصلت اولندی • بواثنده بیت علیای
معظم مشهود دیده ملائک فریب (صلی الله علیه وسلم) اولغله براغزدن
تکبیر کتوریلرک و حال رکوبده بلا احرام ایفای طواف بیت الحرامه
سعی ایدیلرک دست ظفر پیوست یمین ایله (حجر اسودی) بعد الاستلام
ساحه فیض مساحه حرم محترمه نزول پیورلدی • بعده حرم محترم
دروننده کائن اولوب سنه کامله ایامک هر برینه مخصوص اولق اوزره
مقوله حجر و شجر دن مصنوع (۳۶۰) عدد اصنام کریمه الاندامک
ازاله وجودینه بالاهتمام {قل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل
کان زهوفا} ایت جلیله سی زیور زبان تعظیم و احترام پیورلدیغندن
ید مبارک همایونده بولنان اوفق بردکنک ایله سینه سنه اشارت اولنان
(یوت) آرقه سی اوستونه و آرقه سنه اشارت قلنان (صنم) یوزی اوزرینه

دوشوب هزار پاره اولدی • ذکر اولنان بوتلرک ایاقلری دمر دن اولوب
قورشون وتونج ايله تحکیم قلنش و بین الکفره اکثریسی مظنه تصرف
اصنامدن بولنش ایدی (که بولردن امید ثواب وعقاب وتصرف
ایدلرک اعتقادلری پذیرفته خلل وتغیر اولق اوزره اسملری مسطور
لوحة اشتهار اوللرینک کوزلری تیر وکان اوجیله خلیده قلندقدن
و (صفا) ايله (مروه) یه تعلیق قلنش واعظم اصنامدن معدود
بولنش اولان (ساف) و (نابله) نام ایکی صنم بد هیکل دخی روی
زمینه القا اولندقدن صکره (هبل اعلا) اسمنده بولنان صنم کر یه المنظرک
وجود شرک نمودینی ازاله یه مسارعت بیورلدی • اشبو صنم قاروره
مجلادن معمول و بوتلرک جله سندن معتبر ومقبول و (هبل اعلا) نامیله
احترام یافته نبوت اولوب واثنای خوابده عارض اولان اغراق کبی بالائی
بیت علیایه تعلیق قلنشیدی • جناب (علی) ابن ابی طالب (رضی الله عنه)
صعود عالی نیاز یله اکیلوب « یار سول الله اوزریمه نهاده قدم سعادت
ایدرک (هبل) دخی انداخته زمین حقارت بیورلک » دیدکده اول (خطیب
منبر علین) صلی الله علیه وسلم « یا علی » امانت کبرای رسالتی تحمله
سرتک قدرتک یوقدر • همان سن بنم آرقه مه بالارتقا ایفای خدمته اعتنا
ایله » جوابی اعطا بیورمش و مشارالیه شرف سانج اولان امر عالی یه
امثالا دوش کلپوش نبوی یه وضع قدم ایلش لردر • بو اثناده مشار
الیهک بصر بصیرت ادراکنه صحرای عالم غیبیه منکشف اولغله « یا علی
کند یکی نه حالده کورر سین » زمینده ایراد بیوریلان سؤال عالی یه
« یار سول الله سر دولت افسرم قبه عرشه تماس ایلدیکنی وهرینه
ایصال دست رغبت ایلسم بلا کلفت حصوله کله جکنی کور بیورم » دیمش
وصدد جوابده « یا علی سکا زهی سعادتکه کار حق ایشلر سین • وزهی
سعادت بکا کیم بار حق چکرم » بیورلشدر • مشار الیه اشارت عالی
موجنبجه باب بیت الحرامده ساق زده استحکام اولان هبل انداخته
زمین تحقیر وتنکیل ایدوب لکن « اگرچه تدریج ايله زمینه نزول ایتسه
برمدت اوزایه جغندن و بوا یسه بدن مقدس سید الابراره (علیه

الصلوة والسلام) باعث آزار اوله جغندن التون اولوق خذاسندن
ساحه زمینه آتیه رق تبسم ایلدی • و تبسمک سبی سؤال واستنطاق
حال بیورلقدده « بودرجه مرتفع بر محلدن بیره اتلدیغم حالده هیچ
بر طرفک التحمیدیکنه تبسم ایلدم » جوابی ویرمکه « یا علی سنی
اول مقام مرتفعه یه رفع واعلا ایدن (سید المرسلین) وساحه زمینه
ازال ایلین حضرت جبریل امین (علیه الصلوة والسلام) اولدیغی تقدیرده
سک وجودیکه الم و آزارنه طریقله فرجه یاب اصابت اوله ییلور) بیور دیلر •
استطراد * روایت اولندیغنه کوره (هبل) مذکور خاک مذلت غلطان
اولسیله جناب (زبیر) رضی الله عنه « یا (اباسفیان) معرکه احدده وجود
بی سودینی ذکر واثنا یله عرض افتخار و مباهاات ایلدیکنک (هبل) اسفلک
نه وجهله لکد خورده حقارت اولدیغنی کوردکنی » دیه رک حرف
انداز طعن وتوییح اولد قدده « یا (زبیر) ترک توییح وملامت ايله (که
اگر خدای (محمد) علیه السلامدن غیری بر خالق اولیدی امر بالعکس
اوله جخی وارسته قید اشتباه ایدی » جوابی الیدی • تم الاستطراد »
دائرة حرمده موجود اولان بوتلرک جله سی خاک هوان مذلت غلطان
ایدلد کدنصکره مفتاح (کعبه) نک کتورلسی (عثمان) ابن ابی طلحه (رضی الله
عنه) • اشارت بیورلدی • و مشارالیه اسلام اولدیغی جهته (کعبه) نک
مفتاحی والده سی (سلافه) بنت سعدک دست تصرفنده اولدیغندن
شرف صادر اولان فرمان جهان مطاع نبوی یه امثالا والده سی
(سلافه) دن اناختی استیوب لکن آله مدیغندن مأیوسعودت ایتدی •
بالاخره (صدیق اکبر) و (فاروق) اعظم (رضی الله عنهما) وساطتیه
استیلوب مزبوره نکینه جواب رد اعطا ایلد یکنه مبنی اولنان اقدام
وتضییقات متوالیه ثمره سی اولق اوزره مفتاح مذکور ی اوغلی (عثمان)
(رضی الله عنه) • اعطا واولدخی ید عالی همایونه تقدیمه اعتنا ایلش اولوب
فقط اثنای تقدیمده (عباس) رضی الله عنه رونمای ظهور و « یار سول الله
سقایه زمزم دست تصرف بنی هاشمه تسلیم بیورلدیغنی کبی بیت
الحرام پرده دار لغتک دخی بوداعی دیرینه کره توجیه واحسان بیورلسنی

رجا ایدرم) مقالنی ایراده مجبور اولدقده ابن ابی (طلحه) (رضی الله عنه)
 اتاختری تسلیمدن دست کشیده مطاوعت اولدی • و دفعه ثانیه ده تسلیم
 ایتک اوزره ایکن (عباس) رضی الله عنک ینہ طالب مفتاح اولد یغنی
 کوروب اتاختری و یرمکده اظهار تردد ایلد کده (یا عثمان) اللهم ورسولہ
 ایمان کتوردک ایسه تسلیم مفتاح ماده سنده توقف ایلہ (پیورلمش اولمسی
 اوزرینه) (خدا بالامانہ یا رسول الله) دیوب دست عجز پرداز پیغمبری به تسلیم
 ایلدی • جناب امین نبوة کبرا (علیه افضل التحایا) حضرت تری مفتاح
 مذکور ایلہ باب بیت عتیقی فتح ایدوب (فاروق) اعظم و (عثمان) بن
 ابی طلحه بی (رضی الله عنہما) ادخال و دروننده کائن نقوش کونا کون
 تصاویرک محاسیلہ اشغال ایلد کد نصرکه بالذات خلوتخانه احدیتده
 متوجه محراب عبادتخانه (خدا) اولد قد نصرکه خارج باب (کعبه) به
 چیتوب باب معلای بیتک ایکی حلقه سنی گرفته دست سعادت پیوردقده
 (مر قضا) ابن ابی طالب (رضی الله عنه) اهالی اهل بیتک حجابیت بیت علیا
 خدمت عالیسیله تظیف پیورلمسی تمنا به مسارعت و بر طرفدن (عثمان) بن
 ابی طلحه (رضی الله عنه) دخی مفتاح بیت شریفه اطارة دیده حسرت
 ایتش و در عقب {ان الله یا امرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها} آیت
 کریمه سی شرفبخش نزول اولوب بنی (طلحه) نک تا بقیامت پرده داری
 بیت اعظم اوله جغنی اشعار ایلش اولد یغندن {خندوها یا بنی طلحه خالده
 تالده لا یترعها منکم الا ظالم یا (عثمان) ان الله استأمنکم علی بینه فکلوا
 مما تصل الیکم من هذه البیت بالمعروف} مقال حکمت مألله مفتاح مذکوری
 جناب (عثمان) بن ابی طلحه به (رضی الله عنه) تسلیم ایدوب لکن مشارالیه
 خدمت علیه فخر الانامدن اختیار مفارقت ایده مدیکی جهتله برادری
 (شیه) نک (رضی الله عنه) دست تصرفته تسلیم ایتش در (که اشبو
 خدمت جلیله الی یومنا هذا) (بنی شیه) ابن ابی طلحه نک مسلم
 عهده افتخاری بولنشدر {فاعتبروا یا اولی الابصار} عبرت •
 (دول سالقه دن قطع نظر بدایت ظهور دولت (محمد) به (علیه
 الصلوة) والسلامدن برو اقالیم ممالک اسلامیه ده سریر آرای

حکمرانی اولان ملوک صوری و سلاطین مجازی سلسله لری
 یوما فیوما منقرض اولوب نه انساب واحفاد لرندن ونه ده بروات
 و اوامر لریله نصب و اجرا ایلد کلری مناصب و مراتب دیوانیه لرندن
 بر اثر قالمیوب فاما برات (رب العالمین) و اشارت (سید المرسلین) ایلہ
 بیت عتیقه تعین پیورلمش اولان (بنی طلحه) الان پذیرفته تغیر
 و انقراض اولما مشدر • انتها • (استطراد) (امه سیر ابن ابی طلحه
 (رضی الله عنه) حقدده شو و جهله فتح باب روایت ایدرلر که (زمان
 جاهلیته) (بازار ایتسی) (وینچشبه) کونلرنده مشارالیهک افراد قریشیه
 زیارت ایلیمسیچون باب بیت عتیقی کشاد ایلک معتادی اولوب شهریار
 خطه رسالت علیه (افضل الصلوات) مأمور دعوت پیورلد قلری
 وعنده قریشک ضیا فتخانه دعوتدن بجانب اولد قلری ایامک برنده
 مشارالیه بوجه معتاد حرم محترمی کشاد ایدرک داخل اولنله امر ارفعظر
 ایلشیدی • ناکاه حضرت فخر الانبیا (علیه افضل التحایا) دخی ناس
 آره سنده ظهور و خلوتخانه (بیت) علیا به دخالته مجبور اولوب فقط
 تقاضای جاهلیته مشارالیهک مانع دخول اولمسی اوزرینه {یا عثمان
 اعلک سری هذه المفتاح یوما بیدی اضعه حیث شئت} پیور مشر
 ایدی • بو مقاله بی استماعدن مشارالیه انکشت کزای تعجب اولوب
 «مکر اول وقت سلسله قریشیه منقرض اوله» دیمسنه {بل عمرت وغرت}
 جواب معجز نصابی و یرد کد نصرکه خلوتخانه ملکوتیه وضع اقدام
 دخالت و مقاله مذکور دخی تبرجکر دوز کبی هدف ضمیر مشارالیه
 اصابت ایلد یکنه بنساء حرم (رب العالمین) و اشرف بلاد روی
 زمین اولان (مکه) نک وقوع فتح فیروزی کونی شهریار (خطه کرم)
 صلی الله علیه وسلمک {خندوها یا بنی طلحه} مقال حکمت اشمالیه مفتاح
 یدعی عالی مشارالیه تسلیمه بذل اطف و ماطفت و اول دخی بعد الاخذ
 معاودت ایلد کده تکرار دعوت پیوریلوب {یا عثمان قبل الهجره فتح
 (مکه) بی متضمن زیب زبان ایلد یکم مقاله خاطر گذار کیدر • یوقسه
 محفظه خاطر دن انداخته بیابان نسیان ایلد کمی {نمجنده} سری هذا

المفتاح يو ما يدي اضعه حيث شئت { بيورد قلربني اشارت ايلسيه
 {اشهد انك رسول الله} ديهرك قدم شريفارينه رومال اولمشدر •
 تم الاستطراذ { لا يحه } فتح (مكه) خصوصنده ائمه دينك جمله سي
 اختلاف ايدرك كمي صلحا و كمي حربا و قوعبولد يغه ذاهب اولوب
 مقاتله (جندمه) بي (رضي الله عنه) سند انشا ز ايد نلر بلده
 مباكه نك جبراقح ايد بلد يكنه و { من دخل دار ابا سفيان فهو
 امن الى اخره } حديث امان بخشي واسطه ترجيح عد ايلينلر دخی
 (حرم) محترمك صلحا آلمش ايد و كنه قرار و ير مشلر در •

بلده مباركه مكه فتحنده رونماي وقوع اولان •
 كيفيات غريبه در •

سلطان الانبيا (عليه افضل التحايا) حضر تلي بيت عتيق معظمك مفتاحي
 (عثمان) ابن ابي طلحه به (رضي الله عنه) بعد التسليم حلقه باب (كهبه) به
 وضع يد ايله صحابه موجوده به بالتوجه { لا اله الا الله وحده لا شريك
 له صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده } عباره مباركه سني
 تفوه بيورد قد نصره { اي اهل (مكه) حقكرده بدن نه معامله مأمول
 ايدر سيكرز } مألنده ايراد بيورد قلري سؤال عالي به { يا رسول الله بز
 سندن معامله خير توقع و اميد ايدرز • زيراسن بزم كريم قرنداشمز سين كه
 (بزه غالب اولدك) جوابني اعطا و بونكله برابر (يوسف) علي
 نبينا و عليه السلام قصه معلومه سي ايعا قلند يفتدن «مادامكه ظنكر
 بومر كزده در حضرت (يوسف) عليه السلام اخوانه { لا تريب
 عليكم اليوم يغفر الله لكم وهو ارحم الراحمين } ديديكی كبی بنده سزه
 اولوجمله معامله ايدرم { بيورلد قدن صكره بر طاق نصايح شرعيه بي متضمن
 بر خطبه بليغه ايراد قلند در • علاوه { اهل (مكه) نك قتل و اعدامدن
 عفويله جمله سنك علي حده علي حده تلطيف بيورلد يغي بين الانصار
 شايع اولد يغي و بناء عليه انصارك اعلا و ادناسي يكديكره خطابا
 { ذات عالي رسالتشاهي منسوب اولد يغي اهالي قبيله وعشيرته

اماله محبت و بلده مباركه (مكه) به عطف ديدنه رغبت ايد يوري {
 ديمكه بولنديغي على طريق الوحي معلوم عالي اولد قدنه مشار اليهمي
 جانب و قول سالف الذكرك سبب تفوتهني سؤال و جوابني بعد الطلب
 « بن سرك خاطر يكره خطور ايدن خواطر دن بري و جناب حقك قولي
 و رسول اولد يغمندن (خدا) به وسرك بلده كره هجرت ايلدم كه حياتم
 سرك حياتكزه و ماتم كذا لك سرك ممتكزه وابسته در { مقاله دلسوزني
 ايراد بيورمش و حضار انصار { يا رسول الله بز اوسوزلري جناب حقك
 رسولنه در كار اولان محبت و مودتمزدن ناشي سويلشيدك } ديهرك
 مع البكاء عرض معذرت ايلد كلري جهته { جناب } (حق) ايله
 (رسولي) دخی سرك اشبو معذرتكزي تصديق ايدر { جواب تسليت
 بخشي و يرلشدر • انتها } اول روز فريز فتحك وقت ظهري حلولي
 خلاننده جناب (بلال) (رضي الله عنه) با اشارت عالي اذان او قومق خدمت
 مباركه سنه اشتغال ايلدي (ايديكه جبال اوزره اختفا ايتمش اولان و حرم
 بيت الحرام دروننده بولنان بر طاق اهل (مكه) نك كلمات نابجا صرف
 ايلد كلري جناب (جبريل) عليه السلام واسطه سيله اخطار
 بيورلدي • بناء عليه مر قومون جلب اولنوب « سز شويله ديديكز
 بيورلسيله اقوال نابجا قائل اولان جماعت شرمنده اوله رق سر بيجب
 پشيماني اولوب اظهار ندامت و ختي (حارث بن هشام) و (عتاب
 بن اسيد) كبي چند كمنه حريم فستيسراي ايمانده دخالت ايلديلر •
 علاوه { فتحك ايكهجي كوني (مكه) به وارد اولان (جندب)
 بن الادلع هذلي بي (خراس) بن اميه كعب قتل ايلديكي سامعه خراش
 همايون اولغله حرم محترم (بيت) اعظمده قان دوكلسي و حريم (مكه) ده
 بولنان اشجار و نباتاتك قطع ايلديسي افراد عبادك كافه سنه حلال اوليوب
 از آن جمله بر ساعتدن بشقه (صلي الله عليه وسلم) حضر تلي بنده دخی حلال
 اولد يغي و فيما بعد هيچ بر فرد دخی حلال اولميه جفني بعد البيان
 (خرعه) قبيله سي طرفندن مقتول سالف الذكرك ديت شرعيه سي
 تأديه اولنق و مقتولاك و لياري دخی اخذ ديتله اجراي قصاص امريني

اختیارده مخیربولنق خصوصه حکم بیورلغله موجب مالیزی اوزره
(۱۰۰) دوه اعطاسیله ایفای دیت اولندی • انتها • (مکه) به قبل
المواصله (۱۱) نفر ذکور و (۶) نفر انثا قتلنه اشارت وهرزده
تصادف اولتور ایسه بلاسؤال هلاک ایدلمسه اعطای رخصت بیورلمش
و بونلرین یدیزی (ارکاک) و اوچی (خاتون) اولق اوزره (۱۰) نفری
مظهر عفو اولوب قصوری بر موجب اراده قتل و اعدام قلمشدر •
آنردن بری (عبدالعزی) بن حطالدر که (مکه) قتلندن مقدم
اسلام اولوب (بنی خزاعه) به منسوب اولان یاخود رومی الاصل
بولان بر شخصله بر قبیلله نکاح حاصل زکوته مأمور اولوب اثنای
راهدنه رفیقنه «بنم او یقوم کاسدی بر مقدار طعام تدارک ایله کیم
اویاندقده تناول ایدیم» دیمش و هر قومک تدارک اطعمه ده درکار
اولان اهمالنه حدت و اعدامنه جرأت ایدرک زکاته بدل آلدیغی حیوانلری
(مکه) به کتور و ب «قریش دینندن معزز بر دین بوله میوب عودت
ایلدیم» نطقی ایراد ایلش اولمسه بناء فتح (مکه) وقوعنده قتل اولنه جغنی
اکلا یوب بیت عتیقه بالالتجا پوشیده بیت اعظمه اختفا ایلدیکی زوار
طرفدن مشاهده و معرض رسالته عرض و افاده اولندقدنه شرفساح
اولان فرمان قضا جریان نبوی اوزرینه (ابو بردة اسلمی) رضی الله عنه
طرفدن قتل و اعدام قلمشدر • بریدخی (عثمان) بن عفان رضی الله عنہ
سود قرنداشی (عبدالله) بن ابی السرحدر که اوائل بعثت نبویه ده
وجود اعتقادینی چرکاب شرک و کفر دن بالتطهر کاتب (وحی) مأموریت
علیا سنی احراز ایتش و شرفنازل اولان آیاتک ثبت و تحریری فرمان
بیورلدقده تشریف الفاظه جسارت و کیدرک (محمد) (صلی الله علیه وسلم)
نه دید و کنی بلز • بن هر نه دیلر ایسم انی تیر پروا کا نزول ایدن وحی کی بندخی
کندیعه سانح اولان (وحی و الهام) مقتضاسی ثبت و تزییر ایدرم • دیدیکی
ودها بونلره مماثل نیجه سوزلر سویلدیکی ظاهره چیقارلمش اولدیغندن
(مدینه) منوره ده آرام و اقامت ایدمه میوب (مکه) به عودت و فتح (حرم)
کونی سود برادری (عثمان) بن عفان (رضی الله عنه) و ساطتله جرایم

سابقه سی عفو اولند یغندن مملکت نجساته دخالت ایلدی • بریدخی
(عکرمه) بن ابی جهل در که حق عالی نبویه ده درکار اولان
جور و جفا سندن منفعل اوله رق روز نصرت بروز فتح (مکه) ده فرار
و بحرا بر محل بعیده عزیمتی اختیار ایشیدی • علاوه • وقعه (خالد)
بن الولیده (رضی الله عنه) صحابه دن بری مقتول تیغ (عکرمه)
اولدیغی سامعه خراش جناب سید البشر (صلی الله علیه وسلم)
اولدقدنه تبسم بیورلمش و سبب خنده بی سؤال ایدنلره «قیامت کوننده
شهید مشارالیه قاتلی اولان (عکرمه) ایلله الاله کله رک داخل جنان
اوله جغنی وحی اولندی» جوابی ویرلشدر • انتها • آخر الامر (جده)
ساحه سنه کیدرک (یمین) اقلیمه متوجه اولان بر (سفینه) به را کباباد
بانکشای عزیمت و تلاطم دریا حسبیله دوچار فورتنه حیرت اوله رق
ملاحین سفینه خلوص قلبه دست برداشته قبولگاه جناب (مرسل
الریاح) اولدقدنه اهل (سفینه) دن بری «ای عکرمه سنده تصحیح
نیت و اعتقاد ایدوب {لا اله الا الله} کلمه منجیه سنی ورد زبان ایله که
غرقة بحر تنکیل اولقلغمز مقرر در «ایمسنه» (الله) دیدیکک اکر (محمد) ک
(صلی الله علیه وسلم) بزی دعوت ایلدیکی دینک معبودی ایسه بن اول
سوزی لسانه المامق داعیه سیله اختیار کلفه سفر ایلدم» دیدیکی
و بونی متعاقب ستون سفینه به {و کذب به قومک وهو الحق}
عباره سنک نقش اولندیغنی کوردیکی حالده در حال سکین سرتیزله
عبارت مذکور سنک حکنه صرف یارای مقدرت ایدوبده موفق
اوله مدیغنی کندوسنی اسلام اولق داعیه سنه سوق ایلدی • ازیں
جانب زوجه سی مسلمان اولوب جرایم سابقه زوجنی عفو ایتدیرمش
و کیفیت پیانله زوجنی حضوره ایصال ایلک اوزره ساحل دریاه
عزیمت ایلش اولدیغندن را کب اولدیغنی کینک بر فورتنه سامانربایه
طوتلدیغنی کور مسیله باشندن یمینسی اخراج ایدرک بردکنکه بند ایلله
علی طریق الایما اهل سفینه به اشارت توقف چکدیکی کمی طائفه سی
طرفندن مشهود اولوب (آکدم) فلورامی کشیده قلدیغنه مبنی

کوچک برصندال ایلده نزد سفینه یه عزیمت ایدوب «ای عم اوغلی
زوجم (عکرمه) اول پادشاه امان بخش مجرمین (صلی الله علیه
وسلم) افندیمن سنک جرایم سابقه کی عفوایله اعطای امان ایلدی •
همان بکا ردیف مطیه رفاقت اولکیم سنی خاکای عرش سالی نبوی
شرف مؤلنه مظهر ایدیم» دید کده عکرمه سؤاله متصدی اولوب
«حق عالی همایونلرنده مسبوق اولان جور واذیتنی قاله المیه رق بکا
اعطای امان ایلدیمی» دیمسنه «یا عکرمه» ذات اقدس کریمانه سی
قابل تعریف اولیه جق درجه ده مکرم اولدیغندن التماس جاریانه مله
سکا اعطای امان بیوردیلر» جوابنی ویردیکندن بالمرافقه عودت
ایلدی • «علاوه عکرمه» اثنای راهده زوجه سنه مقارنتی مراد
ایدوب لکن مشارالیه «بلطفه تعالی بن دامن عصمتی چرکاب کفر
وضالندن آب حیات ایمانله تطهیر ایلدم • سن هنوز پانهاده دأره ایمان
اولماش سین» مألله دامنکش امتناع اولمشدر • اندها» حوالی
(مکه) یه واصل اولدقلری کشف اولنوب «عکرمه مؤمن ومهاجر
اولدیغی حالده کلیوری • صقین باباسنه شتم ایتیه سیکز که اقربا ی میت
سب و شتمله رنجیده دل اولور» بیورلسنی متعاقب (عکرمه) نک زوجه سی
بالاستیذان رومال مجلس عالی (نبی انس وجان) اولوب وقوععالی
عرض و بیان ایلد کده (صلی الله علیه وسلم) مع السرور ویرندن
صحیرایوب داخل عز حضور اولسنی فرمان بیورمش وکمال انبساطلرندن
دوش کلپوش کریمانه لرنده بولنان ردای شریفه لری سقوط ایلمشدر •
(عکرمه) بر موجب اراده عالی دلالت زوجه سیله مظهر شرف مشول
و «مرحبا بالراکب المهاجر» التفات جهان قیمتیله مشمول اولدیغندن
«یا رسول الله زوجه م جاریه لری بکا اعطای امان بیورلدیغنی تبشیر
ایلدی» نهجنده واقع اولان سؤال استفسهامیسنه «فی الواقع سنی
دأره امامه الدم • خلیله ک طوغری سویلر» (جوابی اعطا بیورلد کده
{ اشهد ان لا اله الا الله وحده ولا شریک له وانت عبد الله ورسوله } کلمات
صدق آیاتی زیور زبان ایلد کدنصکره کمال شرم و حیا دن

سرفرو برد • خجالت وشر مساری اولوب سکوت ایلد کده «یا عکرمه
بوکون داخل دأره اقتدارم اولان اشیادن هر نه استرایسدک
سکا اعطا ایدرم» سیاقنده ایراد بیوریلان سؤال عطا اشتمال همایونه
«یا رسول الله شرک وضلاله تقویت ویرمک داعیه سیله ذات اقدس
همایونکره نه درجه بی ادبک ایلش ویا خود بالغیا به هر نه دورلو فنا سوز لر
صرف ایتش ایسه م بو ذلک عفو ضمنده جناب حقه رجا بیور مکرزی
تمنا ایلرم» نطقیه جواب ویردیکندن { اللهم اغفر لعکرمه کل عداوة
عادنیها او منطق تکلم به او مر کب اوضع فیه یرید ان یصد
عن سبیلک } دعا سیله تلطیف بیورلمش اولسنی اوزرینه «یا رسول الله
زمان کفر وضلالت وجهالتمده صرف ایلدیکم نقودک فیما بعد طریق
جهادده ایکی اوقدرینی صرف ایلک واهل اسلامه جنک ایتدیکم وقت
وزمانک کذلک ایکی مقدارینی کفار ایله محاربه ده یکورمک دیلرم»
دیمش وفی الواقع خلافت (صدیق) اکبر (رضی الله عنه) زماننده وقوع
بولان (اجنادین) غزوه سنده شهیدا رحلت ایلمشدر • (رضی الله عنه)
بریدخی (حویرث) بن نقیدر که همیشه ذات عالی نبویه بی هجومه مجبور
ولده مبارکه فتح ده نکبتخانه سی گوشه سنده بالا ختفا دوست و دشمن
کوزندن دور اولدیغندن تیغ (مرتضا) ایله (رضی الله تعالی عنه) در که
کذار غیا اولمشدر • بریدخی (مقیس) بن خیابه در که برادری (هشام) ک
(رضی الله عنه) (مریسیع) غزاسنده بنی (غزو) بن عوفدن برانصارینک
مقتول تیغ سهوی اولدیغنی بالاستماع مشارالیه قاتلی حقنده اجرای
قصاصی دعوا و فقط قتل ماده سی سهوا وقوعبولدیغندن حکم اولنان
دیت شرعیه بی بالاستحصال مسلمان اولوب برادرینک قاتلنی قتله
جرات ومرتد اوله رق (مکه) یه عزیمت ایلدیکندن فتح مکه مکرمه ده
یرطایم مشرکله سفره آرای عشرت اولدیغنی حالده (عبد الله) لی
(رضی الله عنه) طرفندن قتل و تلف اولندی • بریدخی (هبار)
بن الاسود در که حق عالی نبوی ده ابراز جور وازدرايه مجبول
اولد قدن بشقه غزوه (بدر) ده اسیر دست مسلمین اولمشیکن زوجه

مکرده سی (زینب) بنت رسول اللهی (مدینه) به کوند رملک شرطیله آزاد
 قلمش ورفاقتنه (سلمه) بن اسلمی (رضی الله عنه) ترفیق ایدلمش اولان
 (ابوالعاص) بن الربیع (مکه) به کیدرک برطاقم کسنه رفاقتیله مشارالیهایی
 هودج نشین اعزام ایلدیکنه واقف اولوب چند نفر هواداریله قطع طریق
 ورفیق لرینی مقاتله خصوصنه تشویق ایدرک برمزراق ضربیله
 مشارالیهایی بیره دوشورمش واسقاط حلیله برمدت صکره ارتحالتنه
 سیبیت ویرمش اولغله قانی هدر اولمشیدی • فتح (مکه) وقوعنده
 برطرفه اختفا ایله روبراه دار الهجرة سرور و نائل عز حضور اولوب
 جرایم سابقه سنه ابراز ندامت و اظهار شعار اسلامیت ایلش اولدیغندن
 مسبوق اولان بی ادبلیکی عفو اولوب اسلامیتی قبول یورلدی •
 علاوه مرویدرکه (هبار) اسلام اولدقدن صکره حال کفرنده صادر
 اولان فعل قبیح آنف البیان ملاپسه سیله راست کلدیکی صحابه کندوسنه
 سب و شتم ایدر و اولدخی تحمل ایدوب سکوت ایلر ایدی • بودرجه
 حلم مفرطه سی واصل سمع ممنونیت همایون اولدقدنه «ای هبار سکا شتم
 و سب ایدنلره سندنخی مقابله ایله» یولیله اظهار التفات و نوازش
 یورلشدر • انتها» بریدخی (صفوان) بن امیه در که قتلی مقرر
 ایدوکنه واقف اولغله روز معدلت افروز فتح (مکه) ده (یسار) استنده
 بر غلامیله جانب ساحله فرار ایلدی ایدی • (عمیر بن وهب جهمی) نائل
 عز و حضور اولوب «یارسول الله قبیله مزك رئیس (صفوان بن امیه)
 جرایم سابقه سنی بالملاحظه حیاتندن نومید اوله رق کندینی دریابه
 القا ایلک اوزره ساحله فرار ایلشدر • لطفا کندوسنی دائره اما نکزه
 المکزی نیاز ایلرم» تمنا سیله لب جنبان استشفاع اولدیغندن ایکی ماه
 مدته اعطای امان یورلسی اوزرینه (صفوان) ی بالتعقیب بیان حال
 ایلدکده انکشت کزای استغراب اولوب «یا عمیر فی الواقع (محمد)
 (صلی الله علیه وسلم) بنی دائره امانه الدیمی» دیمسی (و عمیر) ک
 تصدیق ایلسی کار کر تأثیر اولمیوب طرف واضح الشرف همایوندن
 بر نشانه امان احسان یورلبدی عودت ایده میه جکندن اولوجهمله

بر نشانه نک عنایت یورلسنی رجا ایلدیکی خاکای (مجرمن و از عالم) صلی الله
 علیه وسلمه عرض و افاده اولندقدنه (عمامه) و قول دیکرده (برده)
 شریفه لرینی ارسال یورددقلری جهته عودت و خاکای جناب
 (رسالتپناهی) به یوز سورمک اوزره استیصال رخصت ایدوب «یارسول الله
 (عمیر) بن وهبک افاده سنه باقیلورایسه قولکره (ایکی) ماه مهمل ایله اعطای
 امان یورلشدر • عجا (عمیر) بو افاده سی صحیح حمیدر» سؤالی ایراد ایله
 «یا صفوان» (۴) ماه امان و یردم» جوابی المش و (حنین) وقعه سی
 عودتنده حصار ایمانه دخالت ایلشدر • استطراد مرویدر که (صفوان
 ابن امیه) حالت کفرده اولدیغی حالده (حنین) سفرنده مظهر عز مر افقت
 اولغله کندوسندن آلات و ادوات سفریه ایله یوز (زره) استعاره
 یوریلوب «یا محمد» صلی الله علیه وسلم یونلری بدن غصبامی (الدک)
 دیمسنه «ضایع اولورایسه تضمین ایلک قولیله علی طریق العاریه آلدیم»
 جوابی و یرلشیدی • اثنای عودتده (جعرا نه) موقعنه موصلت اولوب
 ایکی جبل مرتفعه اراسندن گذراوندیغی اثناده اغتنام اولتان اغنام و جمال
 ایله حیوانات سائریه عطف نگاه حرص و طمع ایلکده اولدیغی منظور
 نظر همایون اولدقدنه «یا صفوان» غنایمه تجمعی ایدر سین»
 سؤالی ایراد ایله استجواب و «بلی یارسول الله» نهجنده اخذ جواب
 ایلدیکندن غنایمک کافه سی کندوسنه احسان قلمش و بودرجه کثرت
 غنایم صفوانک قبضه کیر تصرفی اولسیله «بیمبر اولمیان کشینک نفسی
 بو قدر احسان ایتکه قائل اولماز» دیوب مسلمان اولشدر • تم الاستطراد»
 بریدخی (حارث) بن طلائه در که جناب معلا القاب (محمد) به
 (صلی الله علیه وسلم) هر آن وساعت ابراز از در او مخاصمت ایلدیکی جهته
 تیغ (علی المرتضا) ایله (رضی الله تعالی عنه) وادی کنار نیران اولشدر •
 بریدخی (کعب) بن زهیر در که بر شاعر آتش زبان اولوب منظومه
 مجموعه ایجاد (علیه التسلیم و التحیه) افتدیمر حضرت لرینی هجودن خالی
 اولدیغندن روز فتح (مکه) ده برادری (بجیر) بن زهیر ایله فرار
 و طقوز نبی سنه هجریه خلائده ایکسی یردن عودت ایله حصار

قوی الاستوار اسلامیه عرض د خاتله قرار ایلش اولد قلرندن جناب
(کعب) بن زهیر (رضی الله عنه) بر قصیده ثنائیده انشادینه مسارعت
و (بانت سعاد فقلبی اليوم متبول) بیتندن بدأ ایله آتی الذکر ایاتی
تلاوت ایلد کده حضار اصحابک احاله سمع دقت ایلسی رمز و اشارت
بیور یلوب ختامنده جائزه اولمق اوزره بر (برده) سعادت اعطا بیور لمشدرد
(عربی) ان الرسول لسيف يستضاء به (مهند من سیوفی الله مسلول)
(انبئت ان رسول الله اوعدنی) (والعفو عند رسول الله مأمول) بریدخی
وحشی در کد قاتل سید الشهدا (حزه) بن عبدالمطلب (رضی الله تعالی عنه)
اولغله قتلنه کافه اهل ایمانک حریص اولدیغنی بیلدیکندن وقعه قح
(مکه) ده طائفه فرار ایدوب مؤخر طائفیلرله رومال خاکپای (رسول)
کرد کار اوله رق اسلام اولدی • (سن وحشی د کلیسین) نهجنده
ایراد بیور یلان سؤال همایونه جواب تصدیق اعطا ایلدیکندن قعود
وشهید مشار الیهک بغیر خلاف تعریف شهادتی حقنده شرفسانح اولان
امر و اراده موجبجه بیان ما هو الواقع ایتکله دیدۀ نبویه لینه
کور نماستی فرمان بیور لمش اولدیغندن ذات اقدس همایونلرینه تصادق
ایلدیکجه فرار ایلردی • (استطرد) نقل اولنور که اشبو وحشی خلافت
(ابابکر الصدیق) ده (رضی الله عنه) مسیله کذابک جنکنه مأمور اولوب
حضرت (حزه) بی (رضی الله عنه) شهید ایلدیکی حربیه ایله مسیله
کذابی دخی قتل ایتدی • لکن مؤخر مسیله به بر انصاری دخی بر قلنج
اوردیغندن مسیله قاتلی حقنده شبهه اولنسی اوزرینه بر عورت روغای
ظهور اولوب «مسیله نک قاتلی بر غلام سیاهیدر» دیمسی اوزرینه
(قتلت خیر الناس وقتلت شر الناس) دیمشدر • تم الاستطرد
آخر بر روایت مفادینه فظرا وحشیتک اسلام اولسی شوو جهله در که
(برکون وحشی نائل عز حضور اولوب طالب امان اولدیغندن
(امان طلب ایتزدن اول منظورم اولمکی استردم • اما ماد مکه امان
استیوب کلام حتی استماعه مجبور اولدک بنده سنی حصار امانه ادخال
ایلدم) بیور لمغله «یا رسول الله بن ناحق بره قانلردو کدم • و عورتلرله

اشتغال ایلدم • عجبا (حق) تعالی بنم توبه می قبول ایلرمی) دیمسنه
جواب سکوت ویرلسی اوزرینه {الذین لا یدعون مع الله الها اخر الی
قوله غفورا رحیما} آیت جلیله سی شرفبخش نزول اولوب لکن
(اگر بندن عمل صالح واقع اولدیسه توبیم قبول اولماز) دیمسی
متعاقب {ان الله لا یغفران یشرک به و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء}
جلیله سی نازل اوله رق مغفرت الهی شرف تعلق ایدن ذواتک مغفور
اوله جفی ایما بیور لدقده «یا رسول الله بندن شرک صادر اولدی •
شاید مغفور بن زمره سندن اولماز ایسه م عالم دیگر کون اوله جغندن
هیچ بر شیلله مقید اولمیان بر آیت کریمه استماع ایلک دیلرم) دیدیکندن
{قل یا عبادی الذین اسرفو علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم} کریمه سی امنیت
بخش نزول اولغله (اشته بو آیت جلیله ده هیچ بر شرط قید بیور لما مشدر)
دیوب بلا توقف مسلمان اولمشدر • بریدخی (عبد الله) بن زبیری
در که شعرای عربدن اولوب اصحاب رسولی همجوایله محبول و اسلام
علیهنده تبجیه جیوش مشرکین فوائدینی متضمن قصائد انشادیه مشغول
ایدی • وقعه قح و قوعنده قتل اولنه جفی اکلا یوب نجران طرفنه
فرار ایلدیسده بالاخره اظهار ندامت ایتش و کیدرک مملکت
قلبی جیوش محبت اسلامیت استیلا ایلشیدی • برکون خاکپای جرایم
بخشای (نبوی) به جبهه سای عبودیت و جرایم سابقه سنک نیاز عفو یله
متشبث اذیال لطف و مرحمت اوله رق اظهار شعار ایمان ایلدیکندن
{الحمد لله الذی هدانا لى الاسلام} (یا عبد الله معلومک اولسونکه اسلامیت
جرایم سابقه بی محو ایدر) بیور لمشدرد علاوه ذکر اولثان (عبد الله)
هنوز روغای ظهور اولدین اول سریره شناس (عالم صلی الله
علیه وسلم) افندیمر حضرتلری (اشته) (عبد الله) کلیوری • بر یوز
ایله کدانه نور اسلام واردر) بیور دیلر (انها) بریدخی (هند) بنت
عته در که نزد عالیده مقبوح اولان افعال سابقه سندن قتل
اولنه جفی یلوب قح (مکه) و قوعنده شرکدن و قتل اولاددن

وخرسزلقدن وزنادن احتراز شرطيله واقع اولان بيعت نسوانده
يوزينه برنقاب تعلقيه داخل حصار امان ايمان اولوب بعده كشف
نقاب ايلشدر • استطراد • (هند) سالفه الذكر حقنده شوصورتله
فتح پرده حكايت اولمشدر كه (فتح مكه) كوني عرض بيعت وحصار
ايمانه دخالت ايلد كدنصره نقابني كشفله (هند) اولديغني
ييلديرونده «مادامكه داخل عداد اهل ايمان اولدك خوش كلك»
جواب لطف مآبني آلدقه «يارسون الله بوندن اول كه مقهورين اهل
واصحابي استديكم خيمه سعادتكدن اوز كه روى زمين ده برخيمه يوغيدى •
والآن كه (اصحاب واهل بيت عالي جنابك معزز و محترم اولد قلريني
استديكم كذلك خيمه خورشيد طناب رسالتكدن غيرى روى زمين ده
برخيمه يوقدر • يعنى بوندن اقدم ملجاء و پناه انشاء ايد هك خيمه
نبوتكدن بشقه روى زمين ده برخيمه يوغيككن حسب التردد اصحابك
مقهور اولسنى استرايدم انبى باطفه (تعالى) شمدى داخل دولتسراى
ايمان اولوب ملجاء و پناه مطلق خيمه نبوتك اولديغني اكلا ديغمدن بعد
ازين اصحابك معزز و مكرم اولسنى استرم» ديديكندن «بواعتماد
كتد كجه سنده تزايد ايتسه كر كدر» بيورلشدر • تم الاستطراد» بعده
داخل بيعت اولان نسوانه بعض آيات بينات تلاوت بيوريلوب (هند) ك
نياز مصافحه سى اوزرينه نسوانه مصافحه جائز اوليه جفن بعد البيان
مبارك يد عالي مقدمه لرى او ستنه برپارچه ثوب وضعيله كافه نسوانك
اول ثوبه مس يد ايتسنى فرمان بيورديلر • قول اخرده بر قدح در و ننه
بر مقدار صو وضعيله قدح مذكوره نهاده دست معجزه پيوست عالي
بيوريلوب بالاخره هر عورت اولقدحه آبروجه آبروجه وضعيد ايله
اجراى بيعت ايلديلر • رسم بيعت رسیده ختام اولدقه (هند) سالفه
الذكر خانه سنه عزيمت و تزينات بيتيه دن عد ايلديكي اصنامه «بز
سزى برشيدر ظنيله معبود انشاء ايليه رك مغلوبكر اولمشيدك»
تحقيريله جمله سنى القاي زمين تشكيل وشكست ايلد كدن صكره اول
پادشاه مستغنى نهاد (صلی الله عليه وسلم) حضرت لرينه (ايكى) كچى اوغلاغى

اهدا وقيونلرينك آرتولد ايلديكندن بمثله خبر معذرت عرض وانبا
ايلش و اثر د عاي نبوى اولق اوزره اغنامى تكرايتش اولديغندن
{هذا من بركة رسول الله صلى الله عليه وسلم} مقاله سى ورد زبان
تفخرت بياني اولمشدر • بریدخی (قريبه) دركه ابن حطاك
مغنيه بر جاريه سى اولوب اكثرا و قاتنده (صلی الله عليه وسلم) هجوايله
مترنم اولديغندن روز عدالت بروز فتح (مكه) ده قتل اولمشدر •
بریدخی (قرنبا) دركه بودخی سالف الذكر ابن حطاك جوارى
مغنيه لرندن اولوب بالمله اسلام و خصوصيله (عليه الصلوة والسلام)
حضرت لر يني هجو و مذمتله مشغوله اولديغندن روز فتحده فرار و بالاخره
وقوعبولان التماسى اوزرينه جرايم سابقه سنك عفويله اعطاي امان
بيورلديغندن مسلمان اولوب كيفيت قتلدن تخلص جان ايدرك عالم
دنياه بر مدت دهها قرار ايلشدر • بریدخی (ارنب) دركه سالف
الذكر ابن حطاك ازادلو جاريه مغنيه سى اولق و هجواسلام ميانله
مألوفه بولمق حسبيله يوم ظفرتوأم فتح (مكه) ده قتليله مجازات اولندى •
برى دخی (ساره) دركه (بنی المطلبك) مملوكه لرندن اولوب (مدینه) دن
خاطبك مكتوبى (مكه) يه كتوردىكي جهتله (كامل التواريخ) قونجه
فتح (مكه) ده مقتول تيغ (حيدر) ي (رضى الله عنه) اولوب (لكن ابن هشامله
عيون الاثر) روايتلرينه نظر احسب التماس عفوجرمته موفق اولغله مسلمان
اولوب خلافت حضرت (عمر) ابن الخطاب (رضى عنه الوهاب)
زماننده (ابطح) دينيلان موقعده اوزرينه مصادف اولان آت تكمه سيله
هلاك اولدى • بریدخی (ام سعد) دركه قتلى اشارت اولنان اناك التنجيسى
اولغله فتح (مكه) وقوعنده در دست اولنه رق بر موجب اراده تلف ايدلدى

مقاله { ۴ }

غزای غرای حنین وقعه سى بياننده در

(مكه) مكرمه فتحندن طولاي قبائل عربك كافه سى كردنداده مطاوعت
اولوب فقط (هوازن) و (ثقيف) طوائف سر كشه سى اطاعت
سيد البشر دن (عليه الصلوة والسلام) متجانب اوله رق حتى

«محمد (عليه الصلوة والسلام) فتون حرب وقتاله جاهل بر طاقم قبائل ايله اجرای مبارزت و احراز غلبه و نصرت ایلدیکته مبنی بر کون بزه دخی سوء قصد یوزندن عسکر سوق ایلمسی ملحوظ اولد یغندن انلر عرض مخصوصه ایتمزدن اول حوالی (مکه) بی علی الاتفاقی استیلا ایلسه ک کوزل اولور) کبی سوزلره یکدیگر بی بالتشویق (هوازن) طائفه سی (مالک) بن عوف نضیری (وثقیف) جماعتی (عبد یلیل) ثقی بی و علی قول (قارب الاسود) ی (امیر الجیش) اتخاذیله هم حدودلری اولان (نضر) و (جشم) و (سعد) بن بکر و (بنی هلال) قبائلی افرادینی دخی دائره اتفاقه آله رق اولباده تحشد و اجتماع ایدن (۴۰۰۰) نفر حشراتله جانب (حرم) متعاله متوجه اولوب لکن (هوازن) طائفه سندن (بنی کعب) و (کلاب) قبیله لری عدم موافقتله ارایه روی مخالفت ایتمش و (جشم) قبیله سندن (درید بن الصمه) که (۱۲۰) و قول اخرده (۱۶۰) یاشنده بر پیر اعماییدی • رأیله عمل و حرکت اولنق اوزره تبرکا برابر کتوریلوب کافه نسوان و اطفال ايله حیوانا تلری دخی ردیف مطایای مرافقت ایدلشدر • بو حال ايله اقا متکا هلرندن نهضت و (اوطاس) دینیلان منزله تعطیل رکاب عزیمت ایلدکلری خلا لده (درید) سالف الذکر اطفال و نسوانک و جمیع مواشینک برابر اولد یغنه واقف اولوب (مالک) بن عوف نضیردن بونلرک بر لکده کتورلمسک سببی سؤال و (مالک) دخی (هرکس اولاد و عیال و اشیا سنی و قایه ایچون اخلاصه مقاتله ایدر) خلیا سیله کتورلدیکنی متضمن اوله رق اوزون اوزادیه بر جواب اعطاسی ضمنده بسط مقدمات مقال ایلدیکندن «ای مالک» اگر انهمام واقع اولور ایسه اولاد و عیال و مال و منال مانع فرار اولماز • ایمدی سن اگرچه غالب اولق هواسنده ایسه ک اسلحه استعمالنه مقتدر اولنلری کتورملیسین • والا اولاد و عیال یاننده دخی رسوای اولمکن مقرر در «دید کدن و (کعب) و (کلاب) افرادینک بوسفرده بولند قلینه کسب اطلاع ایلدکدن صکره «اگر بو کون

سنگ قدر و مزیت کونک اولسه ایدی • (کعب) و (کلاب) قبیله لری افرادی سندن ر و کردان موافقت اولزدی • کاشکی سنده بو ورطه یه دوچار اولماق اوزره بو سفری اختیار ایتماش اولایدک • ای (مالک) لایق اولان اولاد و عیالی محکم بر محله برا غوب یالکز بهادران ذ کوره متوجه معرکه گاه اولق کر کدر • دیمشدر • لکن (مالک) بن عوف (درید) ک سؤال وجوابندن منفعل اولوب خفت عقلنه عطفله هر نه سولدیسه اصغا ایتمدی • و (هوازن) قبیله سی افرادی نه «بو معنوه حریفک سوزلرینه احاله سمع دقت اولتور ایسه سزی دست دشمنه تسلیم ایتمک و کندوسی فرار ایتمک افکار و تصورنده اولدیغی اکلا شیلور • اگرچه اکا موافقت و بنم رأی رزینغه مخالفت ایده جک اولور ایسه کزین کندی کنیدی هلاک ایده جکدر» ماننده بر نطق ایراد ایدی • اگرچه (درید) ک قولی (هوازن) طائفه سنی متزلزل ایتماش دینه من ایسه ده رئیس لری (مالک) بن عوفک هلاک کنی مقرر کورد کلرندن بالضروره موافقت و اورادن حرکت ایدوب بر مدت صکره صحرای (حنینه) مواصلت ایلدی • که (مالک) بو محله حشرات عسکریه سنی فتون حر به توفیقاً صصف بر پوصویه تعبیه و ترتیله جنود ظفر موعود اسلامه جنک ایتمکی تشویق صدد نده بر طاقم مواعد تعهد یله تشجیع عساکره اعتنا و فرقه (نجیه) موحدینه براوغوردن مهاجمه ایدلمکده ملحوظ اولان محسناته دائر تبلیغات لازمه بی اجرا ایلد کد نصکره تدقیق احوال اسلام مأموریتندن یعنی جاسوسلغله (مکه) طرفندن کلوبده «یا مالک عساکر اسلامیان ایچنده بیاض البسه کیمش و ابلق آنلره بنه رک میدانه چیقمش اولان عسکرلر اگر بزمه مبارزت ایدر لری ایسه بزانلره مقاومت ایده مه یز • چونکه آنلر اهل زمین اولیوب بلکه منزل عن السعادر • بزه اینا نور ایسه ک عودت ایدلمسی مناسبدر» دیمش اولان (۳) نفر جاسوس تکدیر و کتورد کلری خبر دهشت اثر شایع اولماق ایچون بر محل مضیقّه یه حبسه تحذیر ایلمش و مأخر بهادران قبیله دن ارسال ایلدیکی پهلوان دخی اول صورتله بر خبر کتور دیکی حالدینه

متنبه اوله رقی رجعت ایتمشدر • ازین جانب سرداران بنیا (علیه افضل
الحایا) افتدیمز حضرتلری (هوازن) و (ثقیف) طوائف باغیه لرینک
اسلام علیهنده تجهیز عساکر ایلدکلرینی بالاستماع (عتاب) بن اسیدی
(رضی الله عنه) مکه مکرمه ده قائم مقام واهالی (مکه) یه تعلیم اصول دیانت
ایچون امام نصیبه (عبدالله) بن ابی حدرد اسلمی بی (رضی الله عنه)
احوال دشمنی تحقیق ضمنده معسکرگاه اعدایه اعزام ایدرک کیفیت نقلی
ینه کندینه عائد اولق مقاوله سیله (صفوان) بن امیه دن (۱۰۰) عدد
زرهله برطاقم ادوات سائره حرب استعاره ایلله رک (۱۲۰۰۰) و قول
آخرده (۱۶۰۰۰) اسلامله (مکه) دن حرکت وائشای طریقده (عبدالله)
ابن ابی حدرد اسلمی نائل عز و حضور اولوب مشهودی اولان کتیبه
اعدا احوالی یکان یکان بیان ایلدیکندن مع التبسم «انلرک کتوردکلری
اموالک اغتنام اولمنی مأمول ایدرز» جوابیله اهل ایمانک مظفر
اوله جغنی بالا یمارفته رفته دامن (حنینه) موصلت بیوردیلر • ساحه
حنینه (بر) کیجه بیتوتت وایرتسی کون تعیین علمدار و ترتیب صفوف
ابرار قضیه معتابها سنه مشارت اولوب (عمر) بن الخطابله (علی بن
ابی طالب) و قول آخرده (سعد) بن عباده (رضی الله عنهم) بر (لواء)
ایله عساکر مهاجرینه و (اسید) بن خضیر (رضی الله عنه) دیگر بر (لواء)
ایله بهادران اوسه و (حباب) بن المنذر (رضی الله عنه) دخی بر (لوا)
آخرله پهلوانان خزرجه علمدار نصب و تعیین بیورادیغی و خزرجیندن
هر بطنده بر (لواء) بولندیغی حالده طلوع شمسله برا بروادی (حنینه)
موصلت اولوب لکن (حنین) وادیسی چیقور بر محله واقع اولوب
حتی بر عمر و اسعی دخی اولدیغندن بالضروره عساکر موجوده نک
بر قاق فرقه یه تفریق اولمنی و هر بر فرقه نک بر یولدن ادخال
قلمنسی اقتضا ایلدیکندن اردوی مسلمین اولصورته سوق و ترتیب
بیورلمشدر • انجق فرق منجیه موحد ینک کیره جکی یوللرده خیالوجه
دشمن عسکری کیزلنش و (خالد بن الولید) نک (رضی الله عنه) رهگذارنده
اختفا ایدن اعدا تیراندازلق حقنده غایه الغایه مهارتلی بولمنش

اولوب حالبوکه مشارالیه قبیله (بنی سلیم) ایله مقدمه لشکر
اولدیغی و (بنی سلیم) افرادی ایسه اکثری سلا حسز و پوصوده
اولان دشمندن غافل و خبر سنز بولندیغی جهته مهاجته اعدایه
تاب آور مقاومت اوله میوب کیرو چکلرلی و یکی مسلمان اولان قریشلر
انهمز اهل ایماندن اورکوب جمله سی بردن مجبور عودت اولد قاری
اجلدن {الفرار مما لا یطاق من سنن المرسلین} حکمی آشکار و صحابه
سائر دخی منهمز ما عودته درکار اولدی • بوصره ده تنها سوار
علین (صلی الله علیه وسلم) حضرتلری (فروه جدامی) طرفندن
اهدا قلنش اولان (استر) بیضایه و قول دیگرده (دلدل) صبارفتاره
سوار اولد قاری حالده فرار ایدنلری تعقیبه غیرت و متعاله
{یا انصار الله وانصار رسوله} یا خود {الی این ایها الناس} ایله
غزاة منهمزه بی دعوت بیوردیلر ایسه ده صحابه کرام دونوب
باقه میه جق بر درجه ده اورکوش و بر طاقنک دخی ساحه سینهلری
هنوز چرک حسدن تطهیر اولنه مامش اولمعدنشاشی ایچلرندن بری
«محمد» نک (صلی الله علیه وسلم) عساکری بوکید شله ساحل دریاه
قدر فرار ایدر و (صفوان) بن امیه نک لاتم قرنداشی (کلوة) بن حسل
«بو کون» (محمد) نک (صلی الله علیه وسلم) سحری باطل اولدیغی کوندر
ودیکر بریدخی «ای (صفوان) مرده که اصحاب (محمد) (علیه السلام)
روپراه فرار وجعیت اسلام پراکنده وتار ومار اولمشدر • دیدیلر •
(وصفوان) طرفندن {فضک الله فاک لان یرینی رجل من قریش خیر
من ان یرینی رجل من هوازن} جوابیله رد اولندیلر •
استطراد * (مکه دن حرکت بیورادیغی ائشاده (صدیق) اکبر
(رضی الله عنه) کثرت اسلامه مغرورا «یا رسول الله بو کون دشمن
عساکرینک قلته نظرأ اهل ایمان مغلوب اولماق کر کدر» دیمش
و قول آخرده (سلمه) بن سلامه بن وقشه یه یاخود (سلمه)
مشارالیه ذات عالی (صدیق) (رضی الله عنهم) خطابا اولوجهله بر مقاله
ایراد ایلش اولدیغندن کیفیت هم نزد عالی جناب رسالتپناهیده تقبیح

ایلدیش و همده غزاة (حنینه) نك بادی * امر ده انهرامنی مؤدی اولمشدر •
 تم الاستطراد عساكر موحدینك منهرزم و پریشان اولدیغی ائنده
 باعث ایجاد كن فكان (عليه صلوة المنان) حضرتلری (۱۰۰)
 یاخود (۸۰) یاخود (۱۲) و بر روایتده (۴) نفر صحابه ايله
 میدان معرکه ده پا برجای ثبات اولدیغی متواتر اولوب فقط اقوال
 سائر مفادینه نظرا نزد عالی جناب رسالتنا هیلرنده بالیکز (علی)
 و (عباس) بن الحارث و (عبدالله بن مسعود) و یاخود (فضل)
 بن عباس و برادری (قثم) و (جعفر) بن ابوسفیان و برادری
 (ربیع) بن الحارث و (اسامة بن زید) و لام برادری (ایمن) بن ایمن
 و (عبدالله) بن الزبیر و (عقیل بن ابی طالب) (رضی الله
 عنهم) بولنوب مشارالیهمدن (علی) و (عباس) ایلروده
 و (ابوسفیان) زمام استرخذ متده و (عبدالله) بن مسعود
 جهت یسارنده بولنه رق قاعده لازمه تحفظکاری به فوق
 مایتنصور غیرت ایدکلری و اول شیریدیه زار ایمان (عليه صلوة
 الرحمان) حضرتلرینه سوء قصد ايله مهاجمه ایدنلرك كافه سنی هلاک
 ایلدکلری اکلاشلش • اولور بهلوان انبیا (عليه اكل التحايا) افتدیمز
 حضرتلری وعد (خدا) ی غیوره درکار اولان وثوق و توکلندن و بالخاصه
 دین مبین (محمد) به نك ادیان سائر به غالب اوله جغی محاط علم یقینی اید و کندن
 اولبابده غیرت بخش زمین نزول اولان واشبو (اول هزیمندن صکره) (الله)
 تعالی سبب سکونت اولان رحمتی رسولی و مؤمنلری اوزرینه کوندروب
 و سزك کورمدیکیز (ملائکة) عساكرینی دخی سزه انزال ایلدی •
 مفهومنده بولسان {ثم انزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین فانزل
 جنودا لم تروها} آیت جلیله سی مفاد بشارت اشتمالی اوزرینه عساكر
 اعدا میانه سنه ارخای عنان استعجال و {انا انبی لا کذب انا ابن
 عبد المطلب} مقالیه اشاعت صفت و نسبه اشتغال بیوروب لکن سوار
 اولدقلری (استر) بیضانك قول اصح اوزره رکاب یمینی (عباس) و رکاب
 یسارینی (ابوسفیان) ايله (حاطب) طوته رق مانع مهاجمه اولدقلرندن

محرابه دن روکردان اولان غزاتك دعوت ایدلمسنى جناب عباسه
 امر واراده بیوردیلر • مشارالیهك صداسی داودی اولمق و صیحه
 واحده ده اشاعه ایلدیکی مقالیه یی مسامع غزاته ایصال ایلش بولمق حسبیه
 صحابه کرامك بعضیسی آوازۀ مشارالیهك موقع ظهورینه متوجه
 عودت و (یوز) نفره بالغ اولدقچه ایفای امر مبارزت ایلدیلر • بونك
 اوزرینه خواجه کائنات (عليه التسليم والتحيات) افتدیمز حضرتلری
 {الان حی الوطیس} دهرک و زمین (حنینه) دن براوج طوپراق
 اخذ ایللرک {شاهت الوجوه} و قول دیکرده {انهزموا ورب
 محمد} و بشقه بر قولده {اللهم انشدك وعدك لا ینغی لهم ان یظهرونا}
 و آخر بر روایتده {اللهم لك الحمد واليك المستیكى وانت المستعان}
 و یاخود {حم لا ینصرون} دعوات اجابت یماسنی قرائتله وجوه
 کفریه سر پمشدر که اثر دعای نبویه لری اولمق اوزره در عقب کفار
 اوزرینه آسمانن نازل اولان (سیاه کلیم) شکنده برنسنه درونندن
 (مور) سیاه قفلور بطاقم اجسام صغیره رونمای ظهور اولوب (حنین)
 وادیسنى استیلا ایلسیله برابر لشکر اعدایی پریشان و تار و مار ایلدیلر که
 جیوش دشمن اوج خطه متفرق اولوب بر خطی (مالک) بن عوفله
 (طائفه) و دیکر فرقه سی (اوطاس) جانبته و خط اخیری (بطن
 نسله) دنیلان محله توجه ایلدیلر • علاوه • (عباس) رضی الله عنہك
 صداسنی استماع ایدن صحابه منهرمه بر خطوه ایلر و کیدمیه رك مجبور
 عودت اولدیلر • حتی بر ذاتك دوه سی زمامکش مطاوعت اولیوب
 ایلروله مك استدکده مشارالیه دوه سندن اینه رك اسلحه موجوده سنی
 استصحاب و صدانك جهت ظهورینه توجیه وجهه شتاب ایلدی •
 انتها الحاصل آریلر بکلری یانه اجتماع ایلدکلری کبی بالجملة اصحاب
 سعادت استصحاب نزد عالی هما یونه طوبلمش و وجوه دشمن اوزرینه
 صاچیلان طوپراق جمله سنك اغزینه و کوزینه طولش اولدیغندن
 قلوب دشمنده فی الحال بر خفقان واضطراب خاطر ظاهر اولمقله
 جمله سنی فراره اجبار ایلش و (خدا) ی غیور بی زوال (جل شانه)

حضرتلری آسمانن (۵۰۰۰) ملک انزالیه اهل ایمانه امداد ایتشد که
(برطاقم بیاض البسه لوابلق سوار ذواتک روی زمینه نزول ایلدیکنی
و باشلرنده احمر اللون عمامه لاولدیغنی) مشاهده ایدن دشمن عساکری
بعد المحاربه نقل و بیان ایلدیلر • (شیه) بن عثمان ججی که هنوز
شرفیاب ایمان اولمامشیدی • فرجه یاب فرصت اولور ایسه غزوه
(احد) ده مقتول اولان پدر و برادرینه و سائر قریشیلره عوض اولمق
اوزره حامی حصار دین کریم (علیه التحیه والتسلیم) افندیمره سوء
قصد ایلک زعمیلره اردوی همایون حرکت ایلدیکی خلالده ردیف مطایای
مرافقت اولوب فقط اول سیدالعرب والعجم (صلی الله علیه وسلم)
حضرتلرینک نبوتنی اسکرچه کافه افراد عرب و عجم تصدیق
ایلیه جک اولسه بیله ینه انقیاد ایتماک خصوصنه نیت ایلمشیدی •
وقتا که غزاه مسلمین منهرم اولوب (صلی الله علیه وسلم) بالکز قالدی •
ایفای مافی الضمیر ایلله عرض مخاصمت داعیه سنه دوشوب انبیق
(علیه الصلوة والسلام) افندیمرک صاغ جانبندن (عباس) وصول
طرفندن (ابوسفیان) مخافظه ایلکده اولدیغنی و حین مهاجده ده
شعله بروز اولان بر آتش دشمن فروزک شدت حرارتیه تلف اولمق
درجه لرینه کلمش بولندیغنی جهته کمال خوف و خشیتندن ذات اقدس
سمات همایونه عطف نظر ایتسی و نزد عالی به دعوت واحضار
بیوریله رقی سینه سی مس اولنوب « الهی بوقولکی وسواس شیطانیه دن
حفظ ایل » دیودعا ایلدسی اوزرینه کیفیت خصومت مبدل و د و محبت
اولغله در عقب کفار ایلله مبارزته مسارعت و کمال محبتندن بابا سنه دخی
تصادف ایتسه هلاک ایتکی جاننه منت بیلورجه سنه غیرت ایدرک غائله
حرب بر طرف اولدقدن صکره خیمه زرشفه سعادت داخلنده داخل
عداد اهل ایمان اولمش واشبو محاربه ده درت نفر صحابه رتبه شهادته واصل
اولوب (۷۰) قدر کافر تلف و هلاک ایلدیلر • عساکر اعدانک
اویچ خطه انقسانله فرار ایلدیکنی متعاقب فرمان فرمای اقلیم
رسالت (علیه التسلیم والتحیه) حضرتلری جانب سامیسنندن عقد

و اعمال بیورلمش اولان لوای مخصوصه (ابو عامر) اشعری به اعطا
و برطاقم صحابه ریاستیه (اوطاس) جانبته فرار ایدن اشقیای
(حنینیه) بی تعقیبه اسرا قلمشیدی • مشارالیه (ابو موسی) الاشعری
(سلمه) ابن الاکوع ایلله برابر اولدیغنی حالده اشقیای مر قومه بی
بالتعقیب متصدی محاربه اولوب (ابن الدغنه) و قول اخرده (زبیر)
بن العوام (رضی الله عنهما) رؤسای اشقیان دن (درید بن الصمه) بی
قتل ایلدیکنی متعاقب جناب (ابو عامر) دخی (۱) و قول
دیگرده (۹) کافری بعد الاعدام دیزندن اورلدیغنی جهته ریاست
عسکریه بی برادری (ابو موسی الاشعری) به تفویض ایلدکدن
و صاحب رسالت (علیه اکمل التحیه) حضرتلرینه سلام مخصوص
کوندردکدن صکره صهیای شهادتی نوش ایلمش و حین عودتده برادری
(ابو موسی الاشعری) کیفیتی مجلس عالی نبویه عرض و تفصیل
ایتکله ایکسنه دخی مغفرتله دعا بیورلمشدر • (رضی الله عنهم) بعده غنائم
حنینک (جعرانه) دینیلان محله جمع اولمش و شاید براینکه بیله الندی ایسه
ادخال غنائم ایلدسی امر و فرمان و کیفیت منادیار واسطه سیله کافه
غزاته اشاعه و اعلان بیورلدیغندن بر آورده دست اغتنام اولان
اموال و اشیانک جمله سی ذکر اولسان محله بریکترلمش و حتی (عقیل
بن ابی طالب) که براینکه آلوب زوجیه سی (فاطمه) بنت الولیده
و یرمش ایدی • در عقب استرداد ایلله اعاده ایلدیلر • (رضی الله عنهم)
(حنین) اسیرلری ایچنده بولنان (شیما) بنت الحارث بن عبدالعزی ذات عالی
نبوینک رضا برادری اولدیغنی بالایما حقنده معامله دلنوازی ابراز
ایلدسی ادعا ایلدیکی واصل سامعه عالی اولغله مشار الیه جلب و احضار
اولنه رقی اثبات مدعا ایتسی اراده بیورلمش و مشار الیه باش یرمغنده
دندان نبوی جریحه سی علامتی اولدیغنی عرض ایلدسی رهین
ثبوت اولدیغندن مع البکاء والده سی (حلیمه) سؤال وارتمال لرینه
واقف اولوب اظهار حزن و ملال بیورلدقدن صکره نزد همایونده قالور
ایسه معزز اوله جغنی والا مملکتته کیده جک اولور ایسه انعام و احسان

اولته جغی ذکر و اتیان اولتوب لکن مشار الیها شق ثانی اختیار نده
اولدیغنه بناء (۳) غلامله (۱) جاریه و (۲) دوه و برقاج قیون
عنایت و احسانیه تلطیف و اسمی (خدا فیه) به تحویل بیوریلوب
مملکتنه اعاده قلندی • بعده (هوازن) و (ثقیف) طائفه لری
فرار یلرینی تعقیب ضمیمه طائفه عزیمت بیوریلوب چونکه (طائف)
اهالیسی قدوم اردوی اسلامدن مقدم تحصن اولدقلری حصار ی
نعمیر و برسنه لك ذخیره تدارکیله عساکر لرینی تکثیر و توفیر ایدرک متهمی
جنگ و جدال اولدقلرندن مبارزین اسلامله مقابله صددنده اولوب
حتی اوتاغ شهنشاه رسالت (علیه اکمل التحیه) تک اولدیغی محله
تیرانداز اوله رق برخیلی اهل ایمانی شهید و جریحه دار ایلدقلری جهته
الآن (مسجد طائف) دینکله معروف اولان موقع مستحکمه
نقل خیام قلندی • ائمه سیر قونجه (۱۸) یا خود (۳۰) و برر وایتده تمام
(۴۰) کون قدر حصار مذکور محاصره ایله بیوک بیوک جنگلر ایدیلوب
اشبومدت ظرفنده قبیله لیشیدن (۱) و قبائل انصاردن (۴) و طوائف
قریشیه دن (۷) نفر که جمعا (۱۲) شهید و یرلدی • (رضی الله عنهم)
ازواج مطهراتدن * ام سلمه * و * زینب * رضی الله تعالی عنهما یه
مخصوص اوله رق قوریلان ایکی چادرک آراسی مدت محاصره ظرفنده
نمازگاه مسلمین اتخاذ قلند یغندن اوقات مفروضه بوراده دخی جماعتله ادا
قلندی • خلال محاصره ده (اوزم) و (خرما) فدانلرینک قطع و اخرا بی
فرمان و اجرای ایجابنه شتابان بیورلدیغندن اهل حصار رضاء (حق)
وصله (رحم) رعایتی ایچون قطع فدان خصوصنک منعی رجاسته
ابتدار ایللری اوزرینه {انی ادعها لله ولارحم} جوابی اعطا بیورلدی •
بواثناده اهالی حصار مملوکی اولوبده عرض بیعت ایدنلرک آزاد
بیوریله جفته دائر شر فسانح اولان اراده حکمتعاده (نبویه) بی استماع
ایلیانلردن {۲۰} قدر کوله برر طریقله حصاردن قوریلوب اسلامه
ملحق اولدقلرندن جمله سی بردن آزاد بیوریلوب نفقه لری اعطا اولمق
اوزره هر بری برر صحابه یه توزیع ایدلمش و بعد مده اهل (طائف)

اسلام اولوب کوله لرینی استمرداد نیازینه قیام ایلد کلرنده {اولئک
عتقاء الله} جوابیله مایوس قلنشلردر که (نقیع) بن الحارث ذکر اولنان
غلاملرک بری اولوب حصاردن (مقره) دینلان آتله انمش
اولدیغندن (ابوالبرکه) لقبیله کسب اشتهار ایلشدر •

روای جناب رسالتیناهی

(بر کجه سود یا خود تره یا غیله مملو برقدخ بللورین عرض حضور اولتوب
هنوز دست همایونه واصل اولمقسزین بر خروس رونمای ظهور اولوب
قدح مذکوری منقار یله دو یروب درو ننده اولان سودی دو کدیکی)
علی طریق الرؤیا منظور نظر نبوی اولمغله تعبیر رؤیا علمنده
مهارتی اولان جناب (صدیق اکبر) رضی الله عنده) اخطار بیوردیلر •
مشار الیه (طائفک فتحی سنه مر قومده ده مقدر اوله میه جغیله) تعبیر
بیوردیغندن (نوفل) ابن معاویه دیلی ایله حلقه بند مشاوره اولوب
(نوفل) رضی الله عنیه رأیله ترک محاصره یه قرار و یرلد یکنندن
(ایکی) کون صکره طائفدن نهضت و (جعرا نه) مر حله سنه موصلت
اولنسیله تقسیم غنایمه شروع و مباشرت بیورلدی که برآورده دست اغتنام
اولان غنایم (۶۰۰۰) اسیر و (۲۴۰۰۰) دوه و (۴۰۰۰) وقیه (سیم)
و (۴۰۰۰۰) دن تجاوز قیوندن عبارت اولوب اقوای اقوال اوزره
پیاده لره (دوردر) دوه ایله (قرقر) قیون و سواریلره (برر) اسبله
(اون ایکیشر) دوه و (یوزیکر میشر) قیون و یرلد کد نصکره حصه پیغمبری
اولان خسدن و علی قول قبل التقسیم جمله غنایم دن اولمق اوزره مؤلفه
القلوب قریشی اولان (ابوسفیان) بن الحریبه و اوغلی (یزید) ایله
(معاویه) یه (قرقر) و قیه کوش ایله (یوزر) دوه و (حکیم) بن
خرامه (۲۰۰) دوه و (نضیر) بن الحارث (واسید) بن جاریه
ثقی و ابوجهلاک برادری (حارث) بن هشام و (صفوان) بن امیه
و (قیس) بن عدی و (سهیل) بن عمرو و (خویطب) بن عبدالعزی
و (اقرع) بن خابس تمیمی و (عینه) بن حصین فزاری یه دخی
(یوزر) دوه و (جاریه) ثقی ایله (محرمه) بن نوفل و (سعید) بن

بر بوع او (عثمان) بن نوفل و (هشام) بن عمرو عامری به (اللیشر) دوه احسان و عنایت پیورلدی • بونی متعاقب قبیله هوازندن داخل عداد اهل ایمان اولوب (هوازن) جماعتی ایچنده مستعد قبول ایمان خیلوجه آدم اولدیغنی بیان ایدن (۱۴) وقول آخرده (۲۴) نفرک ایچنده سلطان مستغنی نهاد اریکه رسالت (علیه التسلیم و التحیه) حضرتلرینک رضا عامی ابو (برقان) ایله مقتدای قبیله (ابوصرز هیر سعدی) دخی بولمغله مجلس همایونه داخل اولوب غزاة طرفندن اغتنام اولئان اموالریله کردن بسته سلسله اسارت بولئان اولاد و عیالریک اعاده پیورلمسی نیاز ضمیمه «یا رسول الله بوا سیرلک ایچنده رضا عا (عمة) و (خالته) لریکز و خدمت خضانه سنده محافظه و تربیت اولدیغکز و هنگام طفولیتده تحت کفالت خذمتلرند بولند یغکز خاتونلر وارد • اگر بزردخی (ابی شمر غسانی) و (نعمان بن المنذر) کبی برطاق ملوک و امرای عصره خدمت و کفالت خضانت ایش و انلرایله اکتساب قرابت و اختصاص ایش اولایدق انلردن امید وار لطف و عنایت اولور ایدک • انبجق خاکبای سعاد تکز کافه امرای و پادشاهلرک مکرم و ملطفی اولدیغکز دن اعاده اولاد و عیالز خصوصه فرمان پیورمکزی منا ایلرز مألنده بسط کامیاره نیاز ایلدکلرینه بناء «سزک عرض مافی الضمیر ایدوبده نائل مطالب اولمکز نیتی اوزرینه تقسیم غنائم خصوصنده خیلوجه وقت تأخیر قلمش و سزایسه اختیار تانی ایلدیگکز جهته غنائمک اصول توزیعی اجرا و هرغازینک حصه سی اعطا ایدلش اولدیغندن یا اموالکزی یا خود اولاد و عیالکزی آلمق خصوصنده سزای مخیر قیلدم • قنغیسی استرایسه کزانی و یرمک ممکندر» جواب صوابی و یرلدیکندن اولاد و عیالرینی طالب ایلدیلر • بونک اوزرینه «بنم حصه ایلده حصه بنی (هاشم) وقول آخرده حصه (بنی) عبدالمطلبه اصابت ایدن زن و فرزندای اعاده ایلدم • و سائر غاز یلرک حصه سنه اصابت ایدن اسیرلر یگزای دخی مطالبه اید پیورمکی متعهد اولدم •

انبجق سز دخی صلوة ظهری بعد الادا مجمع ناسه کلوب «الله و رسولانی سزه شفیع ایلدک بزم اولاد و عیالری اعاده ایدک دیملیسکز» پیورلمشیدی • مشارالیهیم حسب الاراده مجمع صحابه به کیدرک اولصورته طالب اولاد و عیال اولدقلرندن «هرکس رضاسیله اسیرینی و یرسون • اگر و یرمین اولورسه ابتدای امرده الله جق اموال غنیمتدن عوضنی المق شرطیله اعاده ایتسون» مألنده برخطبه بلیغه ایراد پیورلمسی اوزرینه تکلیف احاسن ردیف همایون جمله طرفندن سمع جان و قبول ایله اصغایدملکه هرکس حصه سنه اصابت ایدن اسرای هوازنی اعاده و تسلیه استیصال ایش و بهرینه (کآن) مصری دینلان لباسدن برجامه دخی احسان و عنایت پیورلمشدر •

اسلامیت مالک بن عوف و عودت همایون بمدينه

(مالک) بن عوفک حصار ایمانه دخالت ایلدیکی تقد برده اهل و اولادیه بالجملة اموالک اعاده پیورلیه جفته دایر ساسحه بروز اولان فرمان جهان مطاع جناب رسالتینا هی سامعه نواز (مالک) اولمسیله موضع (جعرا نه) به رجعت و قبول اسلامیت ایله اهل و اولادینی الدقندن بشقه (۱۰۰) دوه عطیه همایونه نائل و مظهر اولدیغندن حق عالی حضرت پیغمبریده انشاد ایلدیکی قصیده ثنا نصیده رهین تحسین و آفرین اولوب (هوازن) و (شماله) و (سلمه) و (سهم) قبائلی افراد اسلامیه سنه امیرنصب اولمش و بناء علیه (ثقیف) قومده ایصال دست خسار و اسلام اولمیرینی تکلیفه ابتدار ایشدر • مشارالیهک اجرای امارتندن صکره سکرنجی سنه هجریه ذی القعدة سنک اون سکرنجی کونی ایفای حج شریف نیت عالیه سیله مر حله مذکورده احرام بند عزیمت و حرم محترم (خدا) به وجهه نمای نهضت اولوب (عمره) مواصالت پیورلدقده طواف بیت علیا وارکان مناسک حجی ایفایه سعی و دقت و اعتنا اولنه رق بومی برانجه و ظیفه ایله (عتاب) بن اسید (رضی الله عنه) مکة مکرمه به حاکم تعیین ایلدکدن و (ابوموسی الاشعری) (رضی الله عنه) ایله (معاذ) بن جبل (رضی الله عنه) اهل (مکه) به تعلیم قرآن و تفهیم احکام

شرع شریف ایلک خدمت مهمنه مأمور ایدلد کدن صکره اواخر شهر ذی الحجه ده (مکه) دن نهضت و (مر الظهران) مرحله سنده بقیه الغنایم توزیعی دخی ختامر سید اولغله دارالبحره (مدینه) یه معاودت بیورلمش واشبوسنه مبارکه ده (فاطمه) بنت ضحاک کلا بیه ایلله ملیکه لیلده دخی داخل سلاک از دواج جناب رسالتیناهی اولمشد *

مقاله { ۵ }
بحرین حاکی مندر بن ساوه یه ارسال اولنان دعوت نامه *
سیدالورا بیاننده در *

(علاء) بن الحضرمی (رضی الله عنه) بحرین حاکی (مندرن ساوه) یه خطابا زیب ارای سطور اولان نامه سعادت جامعه جناب سید البشر (علیه من الصلوة ماهو الاوفر) ی حامللا (مندرن) ک مقرر کاهنه عزیمت وفرمان همایونی تقدیمه مئارت ایلدیکندن مشارالیه در عقب (مسلمان) اولوب کتاب معالی نصاب جناب رسالتیناهی بی مواجهه قومنده کشاد وقرئت ایتمشدر * بالاخره قبیله سنده مستعد قبول ایمان اولنارک حصار اسلامیه دخالته مسارعت وبرطاقم سبکفرانک ارایه روی مخالفت ایلدکلری افاده سنده دائر برقطعه عریضه تشریریله زیر اداره سنده اولان افراد ایچنده محوس ویهودی دخی بولند یغندن بونلره نه یولده معامله اولتمق لازمکله چکی استفسارینه جرأت ایلدیکندن «یهودیت و محوسیت اوزره ثبات ایدلره قیرالوب ویرلامک و بوغازلدکلری حیوانات تناول اولغیوب مناسبی وجهله هر برندن جزیه استحصال ایدلک» موادینی متضمن (مندرن) بن ساوه یه (رضی الله عنه) خطابا وجوابا برقطعه واهل ایمانک دوه وقیون واغنام زکا تلرینک مقدار یله محصولات سائره میوه وجوبات واموال و تجارتلرینک کمیت نصابی بالتعداد ایفای مقتضاسنی آمر (علاء الحضرمی) یه (رضی الله عنه) دخی دیگر برقطعه امر عالی کوند رلمسیله (علاء) مشارالیه کند وسنه خطابا شرفتوارد ایدن اراده نامه بی شرف اسلامله مشرف اولنلره اراده ایدرک واحکام مندرجه سنی اشاعت وایفای مقتضاسنه مسارعت ایتمش وعلی

روایه (ابوهریره) رضی الله عنه دخی اشبوسفر مسعدت اثرده برابر بولمشد *

مقاله { ۶ }
عبدالقیس جماعتک شرف اسلامله مشرف اولدکلری بیاننده در *

(عبدالقیس) جماعتدن (عبدالله) بن عوف اشج رفاقتیله برطاقم کسان هدایت عنوانک (مدینه) منوره یه توارد ایدوب اسلام اوله جقلرینه دائر اشارت همایون وقوعندن برکونصکره (عبدالله) مشارالیه (۲۰) قدر رفیقیه رونمای ظهور وجهله سی بردن مجلس ملائک انیس اقدسه عرض دخالته مجبور اولوب لکن جناب (عبدالله) بونلره مرافقت ایتیه رک آبروجه بر محله نزول والبسه رهبانیتی اخراجله لباس لباس اسلام اولدیغنی حالده حضور (خیر الانام) صلی الله علیه وسلمه دخول ایدوب «سزقنخی قبیله دن سکنز» نهچنده شرف صادر اولان سؤال عالی یه «ربعه قبیله سندنز» جوابی ویردکلرندن {مر حبابا بقوم اوبالوفد غیر خزایا ولاندای} بیورلمشد * بعده (عبدالله) اشج کیم اولدیغنی سؤال قلنوب مشارالیهک «قولکرم» دیمسی وشممول نظر دقت والتفات بیورلمسی اوزرینه متأثر اولوب چونکه فی نفس الامر قیبح الاقا اولدیغندن «یارسول الله پوست بنی آمدن صوابچامیوب مطلوب اولان طلاق لسان واستقامت جناندر» یولنده ابراز علایم شرمساری ایتکله فوق العاده التفات وپیشگاه عالیده قعودینه امر واشارت بیوریلوب کندوسنک بیعت وقبیله داشلری بیعتنی ضامن اولمسی اراده قلندیغندن در عقب رفیقلریله برابر عرض بیعت وافراد سائر قبیله سی بیعتنه موجود حضور اولانلره برابر کفالت ایدوب فقط انسانی منسوب اولدیغنی دیندن دوندرمک کار دشوار اولدیغندن کندولرینک بیعتنی بعدالقبول دیگر لرینی دعوتله مشغول اولمق اوزره صحابه دن برذاتک مأمورا مملکتلرینه کوند رلمسی و بونلردن دین اسلامی قبول ایتیبوده مقاتله مراندنه اولنلره بالاتفاق مقابله ایدلمسی مشارالیه طرفدن اخطار اولمغله کیفیت رهین قبون اولوب کندوسنده جناب حقک سودیکی (حلم) و (ثانی) خصلت مقبوله لرینک موجود بولندیغنی

صدد تبشیرده بیان پیوریش واشبو خصائل برکزیده نک جبلی اولوب
اولدیغنه دأر ایراد ایلدیکی سؤاله «عارضی اولیوب جبلیدر» جواب
عالیسی ویرلشدر • مشارالیه طبعنه موافق اولق اوزره شرفسنوح
ایدن جواب سالف الذکردن مستغرق بحر سرور اولوب { الحمد لله
الذی خلقنی علی خلقین یحبهم } عباره سنی قرائت وبرقطعه قصیده
ستایش نصیده (محمدی) (علیه السلام) انشادینه مسارعت ایلدی •
بعده مشارالیه احکام شرعشریفی تعلیم وخرمالیه قورو اوزمک
سری قاپلرله یشیل قوانوز وقوری قباقدیه تربیه ایدرک تناول ایلدسنی
بعده التفهیم (رمله) بنت الحارثک منزله مسافر ایدملری فرمان
وقاعده مهملانوازییه رعایت واصول (مدینه) اوزره اجرای مالزمه
ضیافته مبادرت ایلد حقلمنده حرمت کامله ارزان پیورلد یغندن
(اون) کون قدر (مدینه) منوره ده اقامت واحکام شرعله تعلیم قرآنی
استحصاله سعی وغیرت ایلد ککلمندن هر برینه عطایای
وافره انعام ومرتفها وطن مالوفلرینه اعزام پیورلشدر •

فصل { ۱۰ } (در بیان وقایع) { ۹ } { سنه هجریه }

مقاله { ۱ } { سنه هجریه }

صدقه وزکات استحصالیچون قبائل اطرافه کوندریلان

مأمورین مخصوصه بیاندده در

طقوزنجی سنه هجریه محرم الحرامی غره سنده (غفار) و (اسلم) قبیله لرینه
(کعب بن مالک) و (بنی اسلمه مزینه) قوملرینه (عباد بن بشر)
(جهینه) خلقی اهل ایمانده (رافع بن مکیت) و (فزازه) ممالکنه (عمرو
بن العاص) و (کلابه) افرادینه (ضحاک بن سفیان) و (بنی کعب)
قبیله سنه (بشر بن سفیان) و (بنی زیان) اهالیسنه (عبدالله بن
لیثه) رضی الله عنهم حضراتی اعزام قلمش و مالک اولد قلمری
اموالک برنج شرعشریف استحصال صدقانه مأمور پیورلشدر •

مقاله { ۲ } { سنه هجریه }

بنی تمیم رؤسا سنک اسلام اولد قلمری بیاندده در

بنی

(بنی کعب) قبیله سی نصاب شرعیه سنی استحصال مأموریتیه
اعزام پیورلش اولان (بشر) بن سفیان (رضی الله عنه) قبیله
مذکوره آرا مکانه عزیمت ایدرک لکن قبیله مذکوره اوارالق ارامگاه
مخصوصه لری اولان (ناحیه) ده اولیوب (بنی تمیم) قومیه برابر (ذات
الاشطاط) دنیلان مشهور (صو) یک کارنده خیمه نشین اقامت
اولد قلمرینه کسب اطلاعه موقع مذکوره کیدرک بیان مأموریت
ایلمشدر • (بنی کعب) قبیله سی تأدیه زکاة و صدقه ضمیمه
جمیع مواشی و اموال لری جمع ایدوب لکن (تمیم) خزاعه و یاخود
بنی النضر قبیله لری معاونتیه کعبیلره «اگر بزی دگله میوب اعطای
زکوة ایدد جک اولور ایسه کز سزی بریده تیغ جور ایدرز» دیملرینه
(بزاهل ایمانز بناء علیه بزم شرعتمزده زکوة و صدقه ویرلسی مشروطدر)
جوابی ویردکلی و قبیله مذکوره قانع اولیوب تشهیر سلاحه جرأت
ایلدکلی جهته (بشر) بن سفیان (رضی الله عنه) عودت وحضور
عالیده کیفیتی ذکر واتیانه مسارعت ایتکله مهاجرین وانصاردن مرکب
اولق (وعینه بن حصین) فزاری (رضی الله عنه) تحت ریاستنده
بولنق اوزره ارسال قتلان (۵۰) نفر سواری لیلا عزیمت ونهارا بر محل
مستورده اقامت ایدرک (بنی تمیم) ناحیه لرینه بالماصله ذکور قبیله دیگر
محمده بولمغله دسترس اولتان اولادعیال وبرطاقم رجال تمیمه بی اسیر
ایدوب عودت ایدکلی خبردهشت اثری سامعه خراش (بنی تمیم
اولد قده (عطارد بن حاجیب) و (زبرقان بن البدر) و (وقیس بن
عاصم) و (نعیم بن سعد) و (عمرو بن اهتم) و (اقرع بن حابس) نامون
شخصلر حضور عالی نبویه عرض افتخار ایلد ساسله بند اسارت اولان
ادملرینی المق اوزره بالجمله (خطیب وشاعرلرین) وسائر کارگذاران
روحانیلرین برابراله رق (مدینه) به عزیمت واسواق وبازارده وخصوصیه
جرات عالی مواجهه لرنده «یا محمد» (علیه السلام) طیشرو چیق بزم
قباحتمز یوقی ایکن اولاد و عیالمزی نیچون اسیر ایتدک یاغره سیله
فریاد غریوه مباشرت ایلدیلر • (بلال) حبشی (رضی الله عنه) امام

انديا (عليه اكل التحايا) نك اويله نمازی وقتی حلولده مسجد شریفی تشریف پیوره جغنی اخطار ایلمسی اوزرینه جله سی ساکن اولوب فقط اول نازنین کائنات (عليه التسليم والتحيات) حضرت تاری خوابدن بیدار اولغله «یوجماعتنه نه اولدیکه مانع خوابم اولدی» دهرک سعادتمانه لرندن بالدولت والاقبال خروج ايله نماز ظهري بعد الادا صحن مسجد شریفده اختیار جلسه استراحت پیور دقلری خلالده جماعت سالف الذکر رومال حضور اولوب «بزر و صفله انسانی پرزب وزین ومذمت وقدحله ادمه ایراث شین ایدن برجا عتر» دیمارینه «اوحال جناب (خدا) به مخصوص اولوب فقط بوندن غرضکنندر» پیورلیدغندن «عرض نفیرت ایلک اوزره خطبا وشعرامزی برابر کتوردک» یولنده ویردکاری جوابه {ما بالشعر بعثت ولا بالفخار امرت} یعنی (بز شعرایله بعث اولندق وفخر ايله مأمور دکلز) لکن شاعر وخطیب دید یککز اشخاصک بضاعه کالرینی کوره لم) مقال حکمت اشتعالی ایراد پیورلمسی اوزرینه (عطارد ابن خاطب) قیامله حد وثناوذ کرجیل آرای بنی تمیمی شامل برنطق ایراد ایلمش وحسب الاشارة (ثابت) بن قیس بن شماس انصاری (رضی الله عنه) قیام ونطق (عطارد) اعطای جوابه اهتمام ایدرک حد و سپاس (خدا)ی خالق جن وناسی وقضیه شهادتی وحسن خلق ايله (مهاجر) ینک فضیلتی ومتابع فضل ايله (انصار) ک نصرت ومعاونتی و وحدانیت (خدا) ورسالت (رسول) دوسرای اقرار ایدنجیه به قدر کفار ايله مأمور مقالله اولد قلرینی متضمن بالبداهه برخطبه بلیغه فصیحه قرائت ايله (عطارد) جواب ویرلشدر • بعده (زیرقان بن البدر و اقرع بن الحابس) تمیمی نام شاعرک موضوع طبعیه انشاد اولان اشعار غریب الاثر لری (حسان) بن ثابت (رضی الله عنه) طرفندن بالبداهه جرح ورد ایدلمش اولد یغندن (اقرع) سالف الذکر انصاف ایدوب وحدانیت (خدای) ییچون ورسالت رسول وحی مشکونی تصدیق ایتکله جله سی بردن (مسلمان) وکردن بسته زنجیر اسارت اولان اولاد و عیال لرینی

بالاسترداد مسرور وشادمان اولد قلری وعطایای وافر ايله اعاده قلند قلری جهته {ان الذین ینادونک من وراء الحرات اکثرهم لا یعقلون ولو انهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیرا لهم} آیت جلیله سی رونق بخش زمین نزول اولمشدر که معنای منفی «یا محمد شونلر که حجره لریکک وراستدن سکا ندا ایدرلر • انلر اکثری نبوت احترامنی تعقل ایتزلر اکرا نلر سنک خروجه که دک صبر ایدوب ندا ایتیه لردی انلر ایچون خیر اولایدی» دیمکدر •

﴿ مقاله ﴾ { ٣ } ﴿

﴿ بنی مصطلق قبیله سندن بعض کسانک اسلام اولد قلری بیاننده در ﴾

(بنی مصطلق) قبیله سندن (حارث) بن ضرار (مدینه) به عزیمتله اسلام اولد قدن واحکام شرعشیری اوکند کد نصکره افراد بنی (مصطلق) دین اسلامه دعوت ایلک مأموریتیه (قبیله) سی مقرگاهنه اعزام قلندی • که اسلام اولنلرک زکاتنی بالاستحصال جانب سنی الجواب رسالتیناهی به اعاده قلمق اوزره بروقت موعودده کوندریله جک صحابه به ویرلمسی امر واراده حکمت عاده عالی اقتضاسندن اولغله مشارالیه موقع مخصوصنه مواصلت واسلامیتی قبول ایدنلردن نصابه مالک اولنلرک زکاتنی اخذ وجعله وقت موعود حلولنه حصر باصره انتظار ایلدی • وقت معلوم حلولده ارسالی موعود اولان مأمورین نبویه وارد اولد یغنی جهته بو حاله (مستحق غضب یغمبری اولدق) معناسنی ویرلک اشراف قومی طرفندن ویریلان قرار اوزرینه جمع اولان اموان زکاتی بالاستحباب خاقه بند مشاوره اولدیغی اشرافله برابر دار السرای هجرت علیه شتاب ایلدی • (مدینه) منوره به حین مواصلته مظهر شرف مثول وعرض مافی الضمیر مشغول اولنسیله برابر «ای مؤمنلر اگر بر فاسق سزه برخبره کلورسه ائی دقتلو تفحص ایدک • عجله وجهالتله بر قومه ضرر و قتل اصابت ایتدیروب صکره اول افعا لکنه نادم اولور سیکز» مفهوم کریمنده اولان {یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق بنأ فنبینوا ان تصیبوا قوما بیها له فتصیحوا علی ما فعلتم

نایدمین { آیت کریمه سی زول ایلد یکندن مشار الیمه خطابا
{ التانی من الله والعجله من الشیطان } بیورلد قد نصکره آیت منزله بی
قرائت و تطیب خاطر ایچون احکام شرعیه و تعلیم قرآنیه بی او کر نمک
اوز ره صحابه دن بر ذاتک اختیار اولنسی امر و اشارت بیورلد یغندن
(عباد) بن بشر انصاری بی (رضی الله عنه) اختیار ایلد یلر •

مقاله { ۴ } قطبه

بن عامر بن جدیده نک (رضی الله عنه) سریه سی بیاننده در
(قطبه) بن عامر بن جدیده (رضی الله عنه) (۲۰) صحابه ریاستیه
(خشعم) قبیله سی تربیه سنه مأمور بیورلد یغنی جهتله قبیله مذکور
اکسزین با صوب و بر مدت مدیده ایفای امر اسم جنک و جدال ایلوب
طرفیندن خیلوجه مجروح و تلفات وقوعه لمسیله برابر مظهر نصرت
و غلبه اولدیغی حالده چند نفر اسیر ایلر بر مقدار (دوه) و (قیون) سوروسنی
بالا غنتم عودت و خمس غنایمی بعد الافراز (اون) قیون (بر) دوه
اعتبار بله بهر غازی به دور در (دوه) توزیعیه ایفای مأموریت ایلدی •

مقاله { ۵ } علقمه

بن مجزر مدلی نک (رضی الله عنه) سریه سی بیاننده در
(جده) بی استیلا ایدن بر طاقم رزائل (حبشه) نک دفع مضرت استیلاری
خصوصی عهده سنه تفویض و احواله قلنان و (علقمه) بن مجزر
مدلی نک (رضی الله عنه) تحت قومانده سنده بولنان (۳۰۰) صحابه
قوم مذموم ماراند کری تعقیب ایلد کلرندن اشقیای مر قومه رهین
خوف هراس اولوب فراره قرار و برد کلری جهتله عودت ایلد یلر •
نفرات مر قومه دن استیصال ایلر (علقمه) بی (رضی الله عنه) سبقت
ایدناره رئیس تعیین ایدیلان (عبد الله) بن خذافه نک (رضی الله عنه)
طبیعی مائل هزل و مزاح اولمغله اثنای راهده ایقاد اولنان آتسه رفاقتنده
بولنا نلرک آتسنی امر ایلدی ایدی • وانلر دخی حسب الاطاعه آتسه
کیره جک اولد قلری صرهده کیفیتک (لطیفه) اولد یغنی بیانله آتسه
کیر مارینه مانع اولدی که بو وقعه سمع همایونه واصل اولد قده

(سره معصیتله امر ایدن امرایه اطاعت ایتیه سکر) بیورلد یلر •

مقاله { ۶ } علی

بن ابی طالب (رضی الله عنه) قلنس یخانه سی هدمه
مأمور بیورلد یغنی بیاننده در

(یوزاللی) سواری ریاستیه جناب مر تضارضی الله عنه (طی) قبیله سی
ناحیه سنده کائن قلنس یخانه سی هدمه مأمور بیورلد یغنی جهتله
(مدینه) منوره دن نهضت و بر کون علی السحر محل مذکور واصل
اولوب (طی) قبیله سی ناحیه سنی اخاب و غارت ایتدی یکی و سالف
الذکر یخانه بی هدم و احراق ایلد یکی صرهده درون یخانه ده
محفوظ اولان (۳) زرهله (۳) عدد قلنجی اغتنام ایتشد که سیوف
مذکورک برینه (مجدم) و دیگرینه (رسوب) و او پنجیسنه (یمانی)
دینوب (رسوب) و (مجدم) اسمنده اولانلرینی حصه خسه بالا فراز
بقیه سنی تقسیم ایتش و بر چوق (دوه) و (اسیر) دخی المشر که اسرای
کرفته داخلنده آل حاتم (عدی) بن حاتم و همشیره سی بولنوب لکن
(عدی) شام جهتله فرار ایتکله اسرای سائر ایلر مر قوم (عدی)
ابن حاتمک (همشیره) سنی حضور همایونه احضار ایلدی • حاتم اقلیم
رسالت (علیه السلام و الحیمه) حضرتلری بر کون (مزبوره) نک محفوظه
اولدیغی محلدن کذر بیورلد قلرینی مومی الیها بالمشاهده «یا رسول الله»
هلاک الوالد و غاب انوافد فامن علی من الله علیک «مألیله حالی عرض
وافاده ایدوب «وافدک کیمدر» نهجنده اولنان سؤال همایونه «عدی
ابن حاتمدر» جوابی و برد یکندن «سنگ برادرک (خدا) و رسولک
فرار ایدر» جوابیه کچلمش و ابرتسی کونی مومی الیها طرفندن رجا
اولتمقسزینینه جواب سابق و بر لمشیدی • دهها ابرتسی کونی
اول محلدن کذر بیورلد یغنی ائشاده خدمه رسولدن برینک اشارتیه
(یا رسول الله بن قبیله اولوسنک کریمه سیم پدرم وفات ایلدی • برادرم
فرار ایتدی • بنم اوزریمه وضع متله آزاد بیورک) زمینده واقع اولان
تمنای رهین قبول اولوب برقاج کونصکره قبیله سی خلقندن (مدینه) به

وارد اولان رجاله بالترقیق برقات (البسه) ایله (برمرکب) وخیلوجه
(خرجراه) اعطاسیله (ناحیه) سنه اعاده بیوردیلر • لکن
مومی الیه برادرینی بولمق اوزره (شامه) عزیمت و حین
ملاقاتده «ای برادر علی الاستیجال خاکای عالی» (محمد) ی به (صلی الله
علیه وسلم) رومال اولکیم اکر فی نفس الامر (بیغمبر) ایسه
اکتساب قدر و مزیت ایدر و شاید (پادشاه) ایسه لاجل الانساب بلده
طیبه ده عزیز و محترم اولمق شرفنی احراز ایلر سین «دیه رک او تنجی
سنه هجریه ده برادرینی (مدینه) منوره به کوندر مکه غیرت ایلدی •

مقاله { ۷ }

زوجات مطهراته انفعال و هجرت بیورلدیغی بیاننده در

اهل مطالعه نك معلومی اولدیغی اوزره (صلی الله علیه وسلم) حضرت تری
دائرة عالی نبویه لرنده مفقود اولان برطاقم (کسوه و نفقه) نك زوجات
مطهرات طرفلرندن مطالبه اولمق و * زینب * بنت جحش (رضی الله
عنها) نك تقدیم ایلدیکی بال شر بنك رایحه سی زوجات سائر طرفندن بوی
(مغافره) بکردمك و * ماریه * قبطیه ایله مصاحبت عالی وقوعی
جناب * حفصه * بی (رضی الله عنها) غیرته کتوروب کیفیتی زوجات
سائر به اشاعه ایلش بولمق و مشار الیه به کوندر یلان حصه (لجیه) نك
اعاده قلمنی اوزرینه * صدیقه * رضی الله عنها طرفندن «حفصه»
(رضی الله عنها) سنك کوندر دیکك حصه بی قبول ایتدی «دینك اقوال
اربعة سندن برینه رنجیده خاطر اولوب زوجات مطهراتدن بر (ماه)
قدر عزلت بیور دقلرندن سوره تسمیه اوائل آباتی شرف نزول ایلدی •

مقاله { ۸ }

قبیله (غامد) نسوانندن (سبیعه) نام خاتونك رجم اولندیغی بیاننده در
بوندن (اوج) سنه مقدم (غامد) قبیله سندن (سبیعه) نام خاتونك حضور
نبویه اعترافی زنا و اجرای مجازات شرعیه خصوصنی استدما ایلمی
وقبل عالی نبویه دن «توبه و استغفار ایله مغفرت الهی طلبنده اول»
جوانی و برلمی اوزرینه حامله اولدیغی وحدت شرعی اجرا بیورلدیقه

عودت ایتماك افکارنده بولندیغی بالیسان جنك ولد زنا ایدوکنی
دخی ذکر و اتیان ایلدیکندن وضع حمل ایدنجیه به دکن صبر ایتسی
و اداره سی عهده سنه احاله قلمن برانصاریه به ترفیق ایله وضع حمل
ایلدیکی زمان احضار حضور قلمنی امر و اراده بیورلمشیدی •
مومی الیه نك وضع حمل ایلدیکی زمان کیفیت رجی جو چوغنك ممدن
کسله سنه تأخیر قنوب مدت مذکوره انقضاسنده مزبوره چوجنك
النه بریارچه اکك اعطاسیله حضوره کتوره رک «یارسول الله اشته
چوجنی ممدن کسدم و ارتق اکك یمکه باشلدی» دیمش اولدیغندن
صبی مذکور اهل ایماندن برینه اعطا و (سبیعه) نك کو کسنه قدر
بر حیقور حفر ایتدیره رک اقتضای رجی اجرا قلندی • اثنای رجده
(خالد) بن ولید (رضی الله عنه) دخی بولنوب جله دن اول
(مزبوره) نك باشنه برطاش اورمش و تقاطر ایدن قان مشار الیه
اوزرینه صحرا مش اولدیغندن مزبوره به سوکوب صایغه مٹا برت
و ابراز علایم سورت وحدت ایلد کده قبل عالی نبویدن «یا خالد
مزبوره به شتم ایتمه • زیرا اول خاتون بر صورتله توبه ایلشدر که
(نهایت درجه کنه کار بر آدم اولوجهله توبه ایتسه البتده مغفور اولور)
خطاب عتاب انکیزینی ایراد بیور دیلر • و مر قومه بی (حفره) دن
اخراجله غسل و تکفین و نماز جنازه سنی قیلوب دفن ایلدیلر •

مقاله { ۹ }

نبوک غزای غراسی بیاننده در
* لایحه * تبوک (مدینه) منوره به (۱۴) قوناق بعید بر (مرحله) ده
واقع معروف بر (چشمه) نك اسمی اولدیغی و اشبوسفر خانه عزوات جناب
رسالتیناهی بولندیغی متفق علیهدر • انتها * تبوک سفرینك سبب
وقوعنده علماء (سیر حهم الله) اختلاف ایدوب برطاقنك ذاهب اولدیغنه
کوره دارالهجرة (مدینه) به روغن (زیت) و (دقیق خاص) کتورمش
اولان بر قافله اهلایسی (لحم و جذام و طاعله و غسان) قبائله متصرین
سائر عرب موافقتله (هرقل) رومك استیلای دارالهجرة همایون

قصیدله کلمکده ومقدمه اردوسی (بلقا) دنیلان محله واصل اولوب
کون بکون ایلمولمکده اولدیغنی اعلان واشاعه ایلش) وکروه
آخر ذهابه نظرا (نصارای عربدن برطایم قبائلک (هرقل)
سالف الذکره «شوارلق وقوعیافته اولان (خط) و (غلا) ی مفراط سبیلله
ممالک اسلامیه نك ادنا برهمنله انتزاعی ممکن در » مألنده برنامه تحریر یله
تشجیع ایدلش و بونک اوزرینه (هرقل) روم طرفندن (قیاد) نام
وزیر دایر (۴۰۰۰) عساکره (مدینه) یه کوندرلش اولدیغنه دأر
برحوادث شیوعبولش) واتفاق فرقه دیگر قولنجیه (قوم یهودک
« یارسول الله علی اختلاف الاقوال دیار (شام) ارض محشر وزمین
انبیا اولان بریر اولغله اکر نبوت دعواسنده صدق وارایسه ممالک
مذکوریه یی فتح و تسخیر ایله » دیمش اولملری وقوع غزایه باعث
اولدیغنی اکلاشلش در • هر نه سبیلله ایسه نیت غزایله اطرافده بولنان
(قبائل) اسلامیه یه خبر کوندرلسی فرمان بیورلدقد نصکره تجهیز لشکره
قیام وبرمعتاد سابق (تبوک) غزاسنه عزیمت اولنه جنی ایهام بیوریلوب
کیدیله جک محلاک اوزاقلغنی جهنمته تجمع ایدن اردوی موحدینه
شدت حرارت و کثرت دشمن و قلت زاد و وقوع قحط و غلادن طولای
(جیش العسره) اسمی ویرلشدر • فی الواقع بوسفر عالیده رونمای
وقوع اولان عسرت و مشقت فوق مایتنصو بر درجه ده اولدیغنی
وحتی (۱۰) کشیک انجیق بر (دوه) سی بولندیغنی حالده ینه متعفن
(آربه) و بوکا مشابه برطایم چورک چارق حبوباتدن غیری شیء مفقود
اولدیغندن و دفع آتش عطش ایده جک (صو) دخی بولندیغندن بر قطره
(صو) ایچون بر (دوه) ذبح ایدیلور و کیلان (دوه) لک باغرسقلمی
رطوبتیه تطیب دماغ قلنور ایدی • اختیار سفر هر کسک عندنده محقر
کورینوب اظهار تردد اولندیغندن «ای مؤمنلر سزه تولدیکه (فی سبیل الله
جهاده چیقک) دنیلد کده مسکن و عز روعاتکره میل ایله آغر طور انور سیکز •
نعیم آخرتدن بدل حیات دنیا یه راضی میسکنر متاع دنیا اخرته نسبتله زیاده
حقیر و قلیلدر » مفهومنده اولان { یا ایها الذین امنوا مالکم اذا قیل لکم

انفروا فی سبیل الله انا قلتم الى الارض ارضیتیم بالحیوة الدنیا من الاخرة
فما متاع الحیوة الدنیا فی الاخرة الا قلیل { آیت جلیله سی تسلیمت بنش
زمین نزول اولمشدر • بونک اوزرینه سردار انبیا (علیه افضل التحایا)
حضر تلری اصحاب کرامی خارج حصار (مدینه) یه خروج و اتفاق و تصدق
واعانه تجهیز عساکرو فی سبیل الله اجرای جهاد کیفیاتنه تحریض بیور دیلر •
اغنیای اصحاب بر برینه مسابقت طریقله تجهیز عساکر صد دنده حسب
الاستطاعه بذل امواله شتاب ایدوب حتی (عثمان) بن عفان (رضی الله
عنه) علی طریق البحاره شامه کوندرلک اوزره تهیه ایتش اولدیغنی
(قافله) یی حضور همایونه عرضله تجهیز عسکره صرف اولمنسی التماس
ایلمشد رککه اشبو قافله ده (۲۰۰) مجهز (دوه) و (۲۰۰)
وقیه (نقره خام) و قول آخرده (۳۰۰) (دوه) ایله (۱۰۰۰) مثقال
(التون) اولوب غزوه تبوکه سوق اولسان عساکرک ثلثانی تجهیز
ایتمکله { لایضر عثمان ما عمل بعد هذا } و { اللهم ارض عن عثمان
فانی راض عنه } حدیث شریفلری سنوحنه مؤدی اولدی • بناء علیه
(ابو بکر) (رضی الله عنه) دخی مالک اولدیغنی مالک جمله سنی و (عمر)
ابن الخطاب (رضی الله عنه) نصف مالنی ویرمشدر • اول اثنا ده جناب
(عمر) ابن خطاب (رضی الله عنه) حضر تلری (صدیق) اکبردن (رضی الله
عنه) زنکین اولغله بو یولده اولسون (صدیق) اکرمی (رضی الله عنه
سبقت ایلک ارز وسیله نصف مالنی ویرمسی و متعاقبا مشار الیهک کافه
اموالنی تسلیم ایلسی حضرت (عمر) ی (رضی الله عنه) مایوس ایلدی •
و (عبدالرحمن) بن عوف (رضی الله عنه) دخی (۴۰۰۰) درهم اعانه یه
قدر غیرت ایتدی • استطراد • (عبدالرحمن) بن عوف (رضی الله
عنه) اعانه ایلدیکی دراهمی عرضله « یارسول الله بر بوقدر دخی مالم
وارایسه ده انلری اولاد و عیالیه نفقه براغوب بولملری جناب حقه
قرض ویردم » دیدیکندن «جناب حق هم ویردیکیکی و همده توقیف
ایلدیکیکی برکتلند رسون » سیاقنده دعا بیورلش و اثر دعای نبوی
اوله رق بر درجه اکتساب سامان و ثروت ایلشدر (ککه تعیین

کیتی غیر معلوم اولوب حتی (زوجات) اربعه سندن برینی بعد التطلیق
عدتی تمام اولمق سزین کندوسی ارتحال ایتمکله مشارالیه ربع حصه
مقابلنده ورثه سائرده دن (۸۰۰۰۰) درهم و قول دیگرده
(۸۰۰۰۰) مثقال التون المشر (تم الاستطراد) (عباس) بن عبد
المطلب (وطلمه) بن عبدالله و (سعید بن عباد) و (محمد) بن مسلمه
(رضی الله عنهم) دخی ایجه اعانه ایدوب حتی (عاصم) بن عدی انصاری
(رضی الله عنه) یوز (وسق) خرما و بر مشدر (ابوعقیل) انصاریدیخی
(رضی الله عنه) ایکی صاع خرما مقابله بر کیجه تابصباح سقالتق ایدرک
برینی اولاد و عیالنه ترکله دیگرینی تجهیز عسکره مدار اولمق اوزره
عرض حضور ایدوب حقیقت حالی بیان ایلد یکندن اصحاب سائرته
احضار ایلدیکی خرما اوزرینه نثار اولمسی تصویب یورلدی (عروق
منافقین بوحال مشاهده سندن حرکت و (عبدالرحمان و (عاصم) ک
(رضی الله عنهما) تقدیم ایلدیکی مال ریا اوزرینه در (عقیل) ک (رضی الله عنه)
ایسه بر صاع خرما سنه احتیاج یوق ایکن ایلروده مظهر صدقات اولمق
تصور یله ابراز صداقت ایلددر مقاله سیله زباندرا زلفه جرأت ایلد کلرندن
{الذین یلزون المطوعین من المؤمنین فی الصدقات والذین لا یجدون
الا جهدهم فیستخرون منهم سخر الله منهم ولهم عذاب الیم} جلیله سی
سطوت بخش نزول اولمشدر که معناسی «اول منافق لمؤمنه نلردن زیاده
صدقه و یرنلری و موجودی اولیوب همان قدر تلی قدر و یرنلری
تعیب ایدرلر • اول مؤمنلری استهزا ایدرلر (الله تعالی) انلرک استهزاسی
جزاسنی و یرر • وانلرایچون عذاب الیم واردر • بوسره ده
بعض (مخدرات) تزینات نسوانیه به مخصوص اولان ذی قیمت اشیارینی
عرضله تجهیز لشکر اوغورنده صرف و استهلاک قلمنسی رجا و موجب
مستحقین غزاته اعطا اولنه رق تهیه اسباب سفریه اولمسی فرمان
وایاغنده نعلینی اولانلرک سواریدن فرقی اولیه جغندن نعلین کتورنلرک
دخی ایمان لری رهین قبول و تحسین یوریله جغنی ذکر و اتیان قلندی •
حال و شانلری {ولا علی الذین اذا ما اتوک لتحملهم قلت لا اجد ما احملکم

علیه تولوا و اعینهم تفیض من الدمع حزنا ان لا یجدوا ما ینفقون
آیت کریمه سنده حکایه یورلش اولان و فقرای صلحای صحابه دن بولنان
(سالم) بن عمر و (علینه) بن زید و (ابولیلی) و (عبدالرحمن)
بن کعب مازنی و (عمرو) بن غنم و (سلمه) بن صخر و (عرباجین)
بن ساریه و (عبدالله بن مفضل) و دیگر قولده (معقل) بن یسار
و روایت آخرده (مهدی) بن عبدالرحمن و یاخود (عمرو بن الحام
بن الجموع) و قول دیگرده (صخر) بن خنسا (رضی الله عنهم)
دخی اشبو سفر مشقت اثر عالی ده بولمق اوزره کندورینه بر مر کب
اعطاسی رجاسته جرأت و جواب یأس اله رق مع البکاء عودت
ایلد کلرندن (بکاؤن) لقبی احراز ایلدیلر • که مشارالیه
بوحال یا سلمه کیدر لکن (ابولیلی) ایله (ابن معقل) (رضی الله
عنهما) حضرتلری صحابه دن (ابن یامین) ایله (عمر) بن کعب
(رضی الله عنهما) به تصادف ایلدیلر • مشارالیهما بولنره بر (دوه)
ایله ایکی صاع (خرما) اعطا و (عباس) بن عبدالمطلب
(رضی الله عنه) دخی اسامیسی سالف الذکر ذواتک ایکیسی
و (عثمان) بن عفان (رضی الله عنه) اوچنی بالتجهیز اردوگاهه
سوق و اسرا ایلدیلر • «اعرابدن قلت مال و کثرت عیال ایله
اعتذار ایدرک غزوه تبو کدن عفوایچون اذن آلفه کلدیلر • بواغرابلر
اذن باطل و منافق (الله تعالی و رسولی تکذیب ایله غزادن تخلیف ایدوب
اوتوردیلر • اول اعراب متعذرین دن کافر اولنلره و منافق لره دنیاده قتل
و آخرتده نارجمیم ایله عذاب الیم اصابت ایدر» مفهوم منیفنی شامل اولان
اشبو {وجاء المعذرون من الاعراب لیؤذن لهم وقعد الذین کذبوا الله
ورسوله سیصیب الذین کفروا منهم عذاب الیم} آیت کریمه سنده بیان
یورلدیغی و بنی (اسید ایله غطفان) قبیله لری اها لیسندن
یاخود (عامر بن طفیل) طائفه سندن بولندیغی روایت اولنان (۷۲)
و علی روایه (۳۹) نفر کثرت عیال و وفرت ضحرت فقر اشمال دن
بحثله (تبوک) سفرینه کتاما اوزره بسط مقدمات معذرت «واکر بن

بوغزایه کیدرایسه ک (طی) قبیله سی عربلری اهل عیال و دواب
واموالزی نهب وغارت ایده جکلری مقرر در دیمکه جرأت ایلدکلری
جهتله «عهدقریبده جناب حق بنی سزدن مستغنی قیله جقدر» جوابی
ویرلدی • الحاصل (تبوک) سفرینه کتمکه مخالفت و برده شدت حرارت
هو اوسيله سیله غزاة دینی تخوفیه مشابرت ایدنلر حقلمنده {فرح الخلفون
بمقعدهم خلاف رسول الله و کرهوا ان یجاهدوا باموالهم و انفسهم
وقالوا لا تنفروا فی الحر قل نار جهنم اشد حرا لوکانوا یفقهون} کریمه
جليله سی نزول ایلدیکه معناسی «رسول اللهک خلا فنده اوله رق
غزادن کیرو قالوب اوتورانلر فرحلدیلر • والله یوانده ماللری و نفسلریله
جهد ایتکی ککریه کوردیلر • و مؤمنلره بو حرارتده جهاده کتمک
دیدیلر) سن انلره دیکه (جهنم آتشنک حرارتی بویاز حرارتندن
اشددر) انلرایسه بو مخالفتله جهنم آتشنه مستحقلدرد • اگر کیده جکلری
محلی پلسه لر «دیمکدر • منافقین دن بر طاقیدخی «اول منافقلدن
بعضیلری سکادیر که (بو غزادن قاله یم بنی فتنه و عصیانده داخل ایتده)
آگاه اولک که انلر فتنه و نفاقده دوشمشلدرد • تحقیق جهنم کافرلری
احاطه ایدیمکدر» مألنده اولان اشبو (ومنه من یقول ایدن لی ولا تقنی
الا فی الفتنه سقطوا وان جهنم لمحیطة بالکافرین} جلילה سنده بیان
بیورلدیغی اوزره (جد بن قیس) انا نه اولان میل و محبتی جهتله
شاید (تبوک) عزیمتده نسوان رومه تعشق ایله برفتنه یه اوغرامق
صنیعه سنی بیانله مأذون اقامه اولدیغندن حقنده آیت سالف الذکر
نزول ایتدی • و برکروه نفاق انبوه دخی (سویلیم) نام یهودینک
خانه سنده متحشد اولوب خلقی (غزا) یه کتمکدن منع ایلک صددیله تنفیر
قلوبی مستنزم سوزلر صرف ایلکده اولدقلری سامعه خراش جناب
رسالتپناهی اولغله (طلحه) بن عبدالله (رضی الله عنه) رفاقتیله
چند صحابه ازبار و جمعیتلری پریشان وتار و مار ایلدی • و (جلاس
بن سوید بن صامت) برمر کبه بنه رک (قبا) نام منزله متهی
حرکت اولان غزاتی توقیف ایلک زعم خیالیله «اگر محمدک (علیه

السلام) کتوردیکی حق ایسه سوار اولدیغیم اشکدن الجق اوله یم
دیدیکنی اوکی اوغلی (مصعب) ذات حقایق آشنای (نبوی) یه عرض
ایلدکده (جلاس) مذکور حین استنطاقده سویلدیکنی انکارایله (یمین)
بالله ایتدیکندن مصعبک واقع اولان مناجاتی اوزرینه «انلر آتی دیمدیلم» دیو
(الله) تعالی یه یمین ایدرلر • تحقیق انلردینه طعن ایدر کله بی سویلدیلر •
وانلر اسلامی اظهارلرندن صکره ککفری ظاهر ایتدیلر • و نازل
اوله میه جکلری شیئه قصدا ایتدیلر • وانلرک پیغمبر (علیه السلام) و مؤمنلره
کین و غرضلری انجیق (الله تعالی) مؤمنلری و رسولنی فضل و کرمیله
توسیع رزق ایتدوکی ایدی • اگر انلر نفاقندن توبه ایدرلر ایسه آنلره
خیرلودر «مفهوم کریمنده اولان {یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا
کلمة الکفر و کفروا بعد اسلامهم و هم ابما لم یبالوا و ما تقوموا الا ان اغناهم الله
و رسوله من فضله فان یتوبوا یک خیر لهم} آیت کریمه سی نزول
ایلدیکندن (جلاس) سالف البیان در عقب متنبه اولوب توبه
ایتمکله و کافی السابق (مصعبه) احسان و عطیه سنی دریغ ایتماکی عزم
ایتمکله توبه سی رهین قبول اولان مخلصان امت (محمد) یه دن اولدی •
نهایت کلام امارت عسا کر اسلام جناب (صدیق) ک (رضی الله
عنه) عهده استیها نه توجیه و عنایت و (علی) ابن ابی طالب (رضی الله
عنه) مدینه منوره ده قائم مقام مسند خلافت بیوریلوب ابن سلول منافق
دخی رفقای نفاق پیماسیله برابر اوادیغی حالده (ثنیة الوداع)
منزلته نهضت اولنه رق و منزل مذکورده عقد اولنان (الویه) نک اعظمی
(ابوبکره) و روایت آخرده (زبیر) بن العوام (رضی الله عنهما یه)
و (علم) اوس (اسید) بن خضیره و لوای خزرج (ابود جانه)
(رضی الله عنهما) یه اعطا و بطون (انصار) ک بهرنده بررلوا
عقدی ایما و ایجابی اجرا اولنوب (عمامه) بن خرمه یه (رضی الله عنه)
و یریلان (مالک) بن البمارک (لوا) سی بالاخره (زید) بن ثابته
(رضی الله عنهما) و یریلوب (خالد) بن الولید (مقدمه الجیش)
و (طلحه) بن عبدالله صاغ (وعبد الرحمان) بن عوف (رضی الله

عنهم) صول جهنمه مأمور و تعیین بیورلد قدن و ذکر اولنان مر حله
(ثنية) الوداعدن قیام اولند قدنصرکه عبدالله بن سلول (بنم) بنی
اصفر) ایله جنکه و قتم یوقدر عسکر (محمد) ی (بنی اصفر) محاربه سنی
قولای ظن ایدر لر ایسه ده عهد قریبه اسیر در زنجیر اولوب اقطار
عالمه طسا غلد قلربی کورسم کر کدر) مقاله سنی بالا یراد رفقای
نفاق پیاسیله عودت ایلدی • ابن سلولک هوادارانیه مجبور عودت
و مقاله مارالبیسانله زبان آلا ی مفسدت اولدیغی خواجه سرار
آشنای عالم (صلی الله علیه وسلم) حضرت لرینه عرض اولند قد
«ممنون اولک که (اشرار منافقین شرتندن خلاص اولدیکز) اگر
آنلرده خیر اولسه ایدی تخلف ایلمزیدی» بیورلدی • خلال عزیمت
و عودتده صورتمای وقوع اولان و تمامی تفصیلی حوصله عهد
قلدن بیرون بولنان (هجرات) و خوارق عاداتک تفصیلاتی قابل امکان
اولیوب آزان جمله • **هجزه** • و (دیعہ بن ثابت) رفا قتیله
معارم اولان برجاعت منافقینک اردوی نصرت جوی اسلامی
سبقت و «شامک حصون و قصورینی فتح ایلک مراندنه محمد (صلی الله
علیه وسلم) عجب تصور باطل و خیال ایتکده در» دیمکه جرأت
ایلمری اوزرینه ایچلرنده بولنان بنی اشجعدن (مشی) بن حیر الاشجعی
نام کسنه «ایواه بوسوز مقابله سنده اگر بهریمزه یوز ردکنک اورسه لرده
حقمرده آیت عتاب نزول ایتسه» دیدوکی مرأت حقایق نمای قلب
همایونه انعکاس ایلدیکندن کیفیتی (عمار) بن یاسر (رضی الله
عنه) و ساطتیه اشخاص مر قومیه اعلام بیورلدن و (دیعہ بن
ثابت اعتراف) جرم ایدوب «یا رسول الله بزاوسوزری لهم و واجب
یولیه دیمشیدک» دیدیکندن «یا محمد اگر سن انلره کلاملرندن
سؤال ایدرسک • (بزه درلو کلامه طانه رز • و سویلر دیکز مسخره ابق
واو یوندر) دیرل • سن دیکه (الله) تعالی بی وایتلربی و رسولنی استهزا
ایدرسز • اعتذار ایتیه سز که سز اظهار ایمان ایتدیکیز دن صکره
رسوله اذا وطعنه کافر اولدیکز • اگر سز دن بر طائفه بی توبه ایتلریله

عفو ایدرسک • بر طائفه عذاب ایدرز • زیرا انلر نفاقه اصرار له
مجرملردن اولدیلر) مفادنده اولان اشبو { و لئن سألتهم ليقولن انما كنا
نخوض و نلعب قل بالله و آیاته و رسوله کنتم تستهزؤن لا تعذر و اقد کفرتم
بعد ایمانکم ان نغف عن طائفه منکم نغذب طائفه بانهم کانوا مجرمین {
کریمه سی نزول ایتدی • و (مشی) نک بو بلادن خلاص اولق • لابسه سیله
فی سبیل (الله) شهید اولق اوزره واقع اولان دعا سی رهین قبول اولغله
(یمامه) جنکنده شهادت رتبه سنی احراز ایلدی • انتها •
• **هجزه دیگر** • (وادی القرا) قدوم غزاتله رشک فرمای اراضی
دنیا اولدقد سر دار انبیا (علیه افضل التحایا) حضرت لری برخاتون
بغچه سندن مر و رایله نزد علیاسنده بولنان صحابه نک اثمار حدیقه بی
تخمین ایتسی فرمان و بالذات بر حد مناسبه تعیین بیورلدن ذکر و اتیان
بیورلدن نصرکه ایکی طرف تخمینتک حفظی باغچه صاحبه سنه حواله
قلمشیدی • حین عودتده قبل عالیدن فرض اولنان مقدارک مطابق
ظهور ایلدیکی صاحبه الحدیقه طرفندن اخطار ایلدی • انتها •
• وقوعات • اشبو و ایدیه مقیم (بنی عریض) قبیله سی حق عالی جناب
نبویه مر اسم مهمانداری ایفاسیله بر مقدار طعام کوندرمش اولدقلرندن
بعد التناول اهالی مر قومیه (وادی القرا) مانندن و بر نک اوزره
سنوی (۴۰) وسق خرما عنایت و احسان بیورلدی • **هجزه دیگر** •
(حجر) دیارنده کائن (صودن ایچلاماک) و کیجه لری (منفردا
چادرلردن چیقماق) و ذکر اولنان صودن (یوغرلش خیر و ارایسه
اکلندن صرف نظرله (دوه) ره یدیریلوب دیزلری محکمچه باغلانق)
خصوصلری امر و اراده بیورلش و مو جبجه عمل اولنوب فقط (بنی
ساعده) افرادندن بر نفر قضای حاجت ایچون یالکرچه چادرلردن
چیقه سیله (حناق) علتله گرفتار اولمش و (دوه) سنی بولغله عزیمت
ایدن دیگر بر آدمی دخی هبوب روز کار (طی) قبیله سی جبانه آمشدر • که
حناقه گرفتار اولان صحابه اثر دعای همایونله شفا بولوب لکن دیگری
(مدینه) منوره عودت عالی شرف و قوعنده قبیله (طی) طرفندن

علی طریق الهدایه حضور عالی به تقدیم قلندی ✽ انتها ✽ عجزه
دیگر ✽ ذکر اوانسان (حجر) دیاری یکیلدیکی خلا لده اشفق الانبیا
(علیه اجل التحایا) حضرت تیری (ردا) ی شریفه لرینی رأس سعادت لرینه
چکدرک «مساکن ظلمه به کلدک مع البکاء دا خل اولک که سزه دخی
عذاب الهی ارشمسون» دیهرک دوه سنی سورمش وعلی السحر
صوسزلقدن اولئان اشتکا واکامینی ایدیلان دعا اوزرینه باران کثیره
نزول وجناب (حق) جله اصحاب (محمد) به بی رحمت فیضیه مشمول
ایلشدر ✽ انتها ✽ عجزه دیگر ✽ قافله سالارانیا (علیه
اجل التحایا) حضرت لرینک بر منزلده (دوه) سی ضایع اولوب اصحاب
کرام تحریرسندده اولدیغی واصحاب بدردن (عماره) بن حزم
مجلس عالی نبویه بولندیغی خللده (عماره) نک چادرنده بولئان
(قینقاع) یهودیلرندن (زید بن الصلت) اسمنده برضا فک
«اکر (محمد) (صلی الله علیه وسلم) پیغمبر اولایدی دوه سنک زده
اولدیغی آسماندن اخطار یوریلوردی» دیمسی وجدان همایونه
انعکاس ایلدیکندن «یا عماره سنک چادر کده اولان (زید
بن الصلت) بنم حقمده شو وجهله شیلر سولور ✽ بن غائبی بیلهم انجق
جناب (حق) شمدی بیلدیردی ✽ بنم دوه فلان موقعده در ✽
ویولاری براغاجه دولاشمدر کیدوب کتورسونلر» یوردیلر ✽
مفقود اولان دوه اولصورته اله یکوریلدکده (عماره بن حزم)
(رضی الله عنه) همان حضور همایوندن قیام ایله منافق سالف الذکری
چادرندن طرد وابعاد ایلدی ✽ انتها ✽ عجزه دیگر ✽ اثنای عودنده
بر (عقبه) به تصادف اولوب هیچ فردک ذات اقدس همایوندن ایلرو
کتماسی اعلان یورلمش و (حذیفه) بن الیمانی ایله (عمار) بن یاسر
(رضی الله عنهما) بر لکده اولدیغی حالده بالذات اردوی همایوندن ایلرو
یکیلوب (عقبه) مذکور عروج ایلشدر که (اثنای عروجده ظهور
ایدن (۱۴) سواری قوت الظهر موحدین اولان ذات عالی (نبوی) به
سوء قصد ایله مهاجه ایلدیکندن قبل عالیدن اوریلان نعره اوزرینه

جمله سی بردن فرار ایتکله (دبیله) علتیه تلف اولمیر چون بد دعا
یورلدی (دبیله) بر آتش روحانیه شعله سیدر که هر کیمک سینه سنی
استیلا ایلسه هلاک ایدر) ✽ انتها ✽ عجزه دیگر ✽ بر کون نزد
جناب رسالتناهیده بولئان سهیل بن بیضایه (۳) دفعه صدای
بلند ایله (یاسهیل) یورلدیغی وصوت رفیع ایله یته (لیک) جوابی
اعطا قلندیغی سامعه اصحابه واصل اولق و بوجدانک اجتماع صحابه به
علامت ایدوکی حس اولنق حسبیه کافه اصحاب اول شمع مجلس رسالت
اطرافنه پروانه کبی مجتمع اوله رق {من شهد الله ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله حرم الله علی الناس}
یورلدیغی طومشدر ✽ ویول اوزرنده غایت بیوک بریلانک ایستاده
حضور اولدیغی کوروب قاچشدر که (اول یلان ایلر وله یوب مقابله
عالیده بر مقدار توقف وبعده کیر وچکلوب طور مشدر ✽ حضار اصحاب
بو حالی مشاهده واستغراب ایللری اوزرینه «اشته بوییلان (مکه) ده
کلوب تعلیم قران ایدن جنلردن بریسی و بوراسی انک مسکن ومأواسی
اولغله ایفای مراسم استقبال و واقع اولان مشکلی حله استعجال ایدرک
شمدی طور دیغی برده سزه سلام ایدر» عجزده بسط مقال یورلدیغندن
جمله سی {وعلیه السلام ورحمة الله وبرکاته} دیهرک رد سلام ایلدکری
جهتله {حیوا عباد الله من کانوا} یورلشدر که معناسی «هر کیم
اولورسه اولسون عباد الله اوزرینه تحیه ایدک» دیمکدر) ✽ انتها ✽
عجزه دیگر ✽ تبوک (چشمه) سنه موصلت اولندیغی کون چشمه
مذکورک صوبی غایتله آزا اولق وعسا کر پک زیاده صوسز بولنق
حسبیه ذکر اولئان (چشمه) دن برقاب دروننه بر مقدار صوقویدقدن
ودست وروی نبوی شست وشوقلندقدن صکره اول ماء مستعملی مجرای
(چشمه) به دو کدرمش ورونمای ظهور اولان آب حیات
افزا آتش عطش غزاتی اطفای و بالجملة حیواناتی اسقا ایلشدر ✽ انتها ✽
عجزه دیگر ✽ (ابو خثیمه) سالمی ایله (کعب بن مالک) و (مراده بن
الربیع عمروی) و (هلال بن امیه) واقفی به بالمتابعه تبوک سفرندن

تخلف ایدرک (مدینه) ده اقامت ایش اولان (ابو ذر غفاری) بالاخره
ندا مت وزاد راهنی بالتدارک تبو که متوجها حرکت ایشیدی • خلال
راهده دوه سنی قاچر مغله زاد راهنی آرقه سنه یوکلنوب اردوگاه همایونه
مواصلت و مجلس عالی به دخول ایچون استحصال رخصت ایش
اولد یغندن {رحم الله ابذر یشی وحده و یموت وحده و یبعث وحده}
دجای اجابت یماسنه و «یا ابا ذر بو غزادن تخلف ایدن اصحابک اعزی
سنین (مدینه) دن بو آنه دک نقدر خطوه انداز اولد کسه جناب (حق)
هر خطوه مقابله سنده بر کاهکی یارلغاسون» التفات علیاسنه مظهر
اولشدر • مشار الیه خلافت (عثمان) بن عفان (رضی الله عنه) ده
(زبده) دینلان محله نفی اید یلوب مدت عمری محل مذکور ده گذران
ایلد یکی جهته رفاقت سامیسنده زوجه مشفقه لریله بر نفر غلامندن
غیری بر کسنه بولنماش اولدیغندن هر زمان وفات ایدر ایسه غسل
وتکفین اولنوب تابوتنک یول اوزرینه براغیلوب اول امر ده جل سوار
اوله رق ظهور ایدن شخصه «بوجنازه مصاحب (رسول) اللهدن
(ابو ذر غفاری) (رضی الله عنه) در» دینله رک صورت تدفینی
نیاز اولنق خصوصی زوجه سیله غلامنه اولان جله نصایحندن
اولغله بعد الوفات (جنازه) سی یول اوزرینه براغیلوب اهل
عراقدن بر گروهله ادای (عمره) به متعازم اولنق ملا بسه سیله
یول اوزرینه موضوع (جنازه) به راست کلان (عبدالله) بن
مسعوده (رضی الله عنه) بیان وصیت ایلد کده {صدق رسول الله
تمشی وحدک و تموت وحدک و تبعث وحدک} مقابله سنی بالا یراد
نمازینی قیلوب دفن ایشدر • انتها» استطراد • (ابو خثیمه)
سالمیدخی نهضت اردوی همایوندن بر قاچ کون صکره خانه سنه
عودت وهوائک شدت حرارتندن ناشی ایکی (منکوحه) سنک عریشدری
تفریش و تزیننه ابتدار وانواع اطعمه نفایسه طبخ ایله صرف
ما حصل اقتدار ایدرک خیلوجه لذیذ و یارد صور دخی بالتدارک
قدوم (ابو خثیمه) به انتظار اوزره بولند قلوبی کورد کده باب

عریشده قرار و بر مدت ملاحظه و تفکره ابتدار ایلد کد نصکره
نفسنه خطابا اول ایکی جهان کونشک کونشک شدت حرارتیله
غلیان ایدن صویه احتیاجی درکار ایکن بن بویله صکولکه یرلده
صفوق صوری و اطعمه نفیسه بی شرب و تناوله جرأت و نازه خاتونلره
صحب و معاشرت ایلک کلکم بعید عن الانصاف اولغله اول ذات عالی
قدرک معیت علیاسنده بولنق شرفنه نائل اولد بجه بنده بوچار طاقله
داخل اولم» دیوب زاد راهنی بالترتیب (زوجه) لری طرفندن اولتان
الحاح و ابرامه احاله سمع اعتبار ایتیه رک (مدینه) دن نهضت و (تبوک)
هر حله سنده اردوی اسلامه مواصلت ایدوب مظهر دعی (سیدالوری)
اولشدر • «تم الاستطراد» • مجزیه دیگر • قبیله مزینه دن اولوبده
بیاسندن یتیم قالمق وحسب الطالع النده هیچ برنسنه سی قالماق حسبیله
عمیسنک حجره تربیته التجا ایدرک سایه سنده خیلوجه ثروت
وسامانه نائل اولمش و (مکه) مکرمه فقی عودتنه د کین عمیسنک خوفی
فائز دولت ایمان اولسنه ممانعت ایش اولان (عبدالعزازی مزنی) (تبوک)
غزاسندن بر کون اوجنه عمیسنه اسلام اوله جغین ایما و اولدخی املاک
واشیاسنک جله سنی ضبطله والده سی خانه سنه اسرا ایلد یکنندن
والده سی مالک اولدیغی الاجه بر کلیم جکنی بالتسلیم خاکپای حضرت
رسالتیناهی به کوندرمشیدی • مشار الیه مذکور کلیمی ایکی پارچه
ایدرک برینی (ردا) و دیگرینی (ازار) ایلدیکی حالدده خاکپای مراد
بخشای عالی به رومال اولغله کندوسنه (عبدالله ذوالجنادین) تلقیب
ونزد عالیده اقامت ایشی تصویب بیورلشدر که (تبوک) غزاسنه تجهیز
عساکر اولندیغی کونی مشار الیهک (مسجد) شریفده آواز بلند ایله
تعلیم قرآن ایلدیکنی جناب (فاروق) بن الخطاب (رضی الله عنه) بالمشاهده
اشبو وضع نامحکنک اصحاب حقنده مانع خشوع اوله جغنی سردار قافله
انبیا (عایه اکل التحایا) حضر تهرینه عرض وافاده ایتکله {دعه یا (عمر)
فانه خرج مهاجرا الی الله ورسوله} جوابی آلمشیدی • مشار الیه حرکت
اردوی همایون خلاننده شهید اولسنی ادعا و اشارت عالی ایله (سمره)

اذا جئنا برقبوق احضار ایلد کده باز وسنه باغلیوب «الهی عبد الله»
قانی کفاره حرام ایتدم «مقاله سیله دعا بیورلدیغندن خلاف مأمول
ظهور ایدن دعا ملا بسده سیله فریاد ایلسنه «فی سبیل الله غزایه نیت
ایله (که بولندیغک موقعده) ستمه (علته دوچار اولوب رتبه شهادتی
بولورسین) جوابی ویرلش و فی الواقع تبو که واصل اوله رق اولو جهله
ارتحال ایلشدر • استطراد • بلال بن حارث مزنی (رضی الله عنه)
روایتی اوزره (بلال) حبشی (رضی الله عنه) النده چراغ اولدیغی
و شجره دولتسرای رسالت (علیه السلام والتحیة) حضر تلری
حاضر بولندیغی حالد (عبد الله) ذوالجنادینک (رضی الله عنه)
نعشی (ابوبکر) و (عمر) بن الخطاب (رضی الله عنهما) وساطتیه
قبره ایندیریابوب لیلا دفن ایدلش و حقنده {ادنیالی ایاکما}
بیورلد قد نصکره دست سعادت پیوست نبوی ایله اوزری اورتیابوب
«آلهی بن اقسام ایتدم و اندن راضی ایدم • سندخی راضی اول»
بیورلد یغندن ابن مسعود (رضی الله عنه) حضر تلری {بالیتنی کنت
صاحب الحد} دیشدر • تم الاستطراد • معجزه دیگر • برکون
مجلس مقدسه جناب رسالتینا هیله صحابه کرامدن (۷) کسنه موجود
اولدیغی حالد (سعد) بن خزیمه قبیله سی افرادندن بر شخص ورود
ایدوب شرفسایح اولان امر و اراده موجبجه جناب (بلال) ک جزو بیجه
بر خرما ایله حضارک جله سنی اطعام ایدیشنه بالاستغراب «یار سول الله
بلالک (رضی الله عنه) کتوردیکی طعام یالکیز قولکیزی اطعام ایده بله جک
قدر ایکن خلاف مأمول (۸) کسنه بی اداره ایلسنده حکمت ندر»
زمینده استکشاف حاله شتاب ایدوب {الکافر یا کل فی سبعة امعاء
و المؤمن یا کل فی معاء واحد} مأل سامیسی اوزره اخذ جواب ایلشیدی •
بوجواب مجمل ایله مطمئن اوله مدیغندن ایرتسی کونی تدارک ایده بیلدیکی
(۱۰) نفر رفیقیه برابر ضیافتخانه (خدا) یه عزیمت و نعمت (معجزه)
ظهورینه وقف باصره دقت ایلدیکی جهته جناب (بلال) دخی
(رضی الله عنه) حسب الاراده بر آوج خرما احضارینه بسط جناح

استحجال ایلد کده {اخرج لا تخف من ذی العرش اقتارا} خطاب
برکت نصابی ایجاب عالینجه طغمار جقدن سفره تناوله
وضع و ادراج ایلدیکی علی التحمین ایکی (مد) خرما (اهل) حجاز
عندنده بر رطل و ثلث رطلدن عبارت اولان اولچکه (مد) دینور که
(هر رطل یوزاوتوز درهمدر) یه بعد الاشاره {کلوا بسم الله}
بیورلش و اشخاص مرقومه اوچ کون متعاقبا کیدوب کلوب
طوبیجه یه دکن اکل ایتدیکی و میدان تناوله چیتاریلان خرمانک
بردانه سیله اکسملدیکی حالد کاملا قالدیرلشدر • انتها • معجزه دیگر •
(تبوک) ده اقامت بیورلدیغی خلالده وزان ایدن مخالف بر روز کارک اعظم
منافقین دن برینک اکل انفس معدوده ایده جکنه علامت ایدوی
اخطار بیورلش و بالاخره اولنان تحقیقات اوزرینه قدما ی منافقین دن
حریفک بری فوت اولدیغی اکلا شلشدر • انتها • معجزه دیگر •
بر کیمجه (جبریل) امین (علیه الصلوة والسلام) اخطار یله (ظرب)
نامنده اولان اسبک می بالذات اعطا و (ردای) شریفه لریله اسب مذکور
ارقه سنک تنظیمنه اعتنا بیورلشیدی • بوفعلک صدورندن متعجب
اولان صحابه کرام قنخی (طونده) بولنان آنک مقبول اوله جغنی استعلام
ایلد کلرندن «هر کیم غزایه یله بر حیوان تدارک ایدرایسه یدر دیکی
یک هر بردانه سنه مقابل بر حسنه اعطا سیله بر کاهک سقو طی
مقتضای فرمان (خدا) دن اولوب تدارک اولنه جق آنک اعلاسی غایت
سیاه رنگو اولق و بتون اوست دودا غیله آلتک بر مقداری بیاض
بولمقدر) بونک دها اشاغیسی (مطلق الیمین) و (صقر) بولنان
ودها اشاغیسی (قوله) رنگنده اولاندر • جواب عالیسی ویرلشدر •
انتها (هرقل) رومکه شهر (قسطنطنیه) پادشاهی ایدی • اسلام
اردوسنک مقدار و کیتی تحقیق ایچون طائفه غسانیه دن اعزام ایلدیکی
مأمور دوراندیش تبدیل جامه ایدرک معسکر کاه اسلامه دخالت ایدوب
شکل و شمائل همایونی بصر بصیرتله بالمشاهده عودت و قرین نظر
انتباهی اولان علایم جناب رسالتیناهی بی تمامی تمامنه تفصیله مسارعت

ایلدی • (هرقل) روم مأمور مر قومك افاده سندن فوق العاده متأثر اولوب
تصدیق نبوت (محمد) به افکارنده اولدیغنی راؤسای عسکریه سنه اعلان
وعدم موافقت جوابنی المغله زوال حکومتی متقرب ایدوکنی ذکر واتیان
ایدرك ابراز احتراز ایلدی (که بواحترازك شیوعی قصد (مدینه) املنده
اولدیغنه و اشاعه قتلان یعنی بین المؤمنین متواتر اولان سوق عساکر
قضیه سی دخی خلاف واقع ظهور ایلدیکی تحقیق ایلش بولندیغنه بناء
دها ایلرو کیدیابوب کیدلما مسی لزومی تذکر اولمق اوزره بر مجلس
مشورت عقیده رأی اصحاب استفسار و (عمر) الفاروق (رضی الله عنه)
طرفدن اختیار عودت مطالعہ سی عرض و اخطار اولمسی اوزرینه
بیان مطاوعتله اعطای (جزیه) به موافقت ایدن اهل (حرابا) و (ازرج)
قبیله لرینه اقتضا ایدن صلحنامه عالی اعطا سندن صکره عودت
اولنوب (مدینه) منوره به حین مواصلتده { الحمد لله علی مارزقنا فی سفرنا
هذا من اجر وحسنه ومن بعدنا شرکاؤنا فيه } دعا سیله حجره سعادت
تشریف بخش رغبت بیورلدی • (صدیقہ) رضی الله عنها جانب سنیة
المناقب سامیسندن ایراد بیوریلان «اشبو سفردہ سزکله برابر اولیا نلر
دخی سزہ شریک اجراوله بیلورمی» سؤالنه «عذر (شرعی) ایلہ
تخلف ایدن مؤمنین جهت اجرده شریک اولہ جغنه شبہه یوقدر»
جوابی اعطای و من بعد حرب وجدالك لغواولته جغنه ذهابله
اسلمه فروخته قیام ایدنلر «حضرت عیسی نزواننه
دکین جهاد منقطع اولماز» معناسنده اولان { لا ینقطع
الجهاد حتی یزال عیسی بن مریم } فرمان عالسیله منع اولندی •

﴿مقاله﴾ { ۱۰ } ﴿

﴿ خالد بن الولیدك ﴾ (رضی الله عنه) سریه سی بیسانده در ﴿

(۱۲۰) صحابه ریاستیله (خالد) بن ولید (رضی الله عنه) دومة الجندل
حاکمی (اکیدر بن عبد الملك نصرانی) اوزرینه مأمورا اعزام قلته جغنی
بالذات مشار الیه اخطار بیورلد یغندن جزوی بر عسکرله اویله
بر امر معتابی ایفا ایدہ میه جکنه دائر عرض معذرت ایلسنه «یک آز

بر وقت ظرفنده (اکیدر) ی صید ایلہ عودت ایدرسین ﴿ جواب بشارت
نصابی ویرلمکله مشار الیه مأمور اولدیغنی محله متوجها نهضت
و بر نصف الیلده اکیدرک تمکن اولدیغنی حصاره مواصلت ایلہ مناسب
بر محله اختفا ایلدی • اکیدر ایسه بالای بام قصرنده زوجه سی (رباب)
بنت نفل ایلہ نوش شراب ایلکده ایکن برطاغ صغیرینک باب حصاره اتکا
ایلدیکنی مر قومه کوروب زوجه افاده به منابر تومر قوم دخی (صغر)
صیدینه درکار اولان مر اقی اجلدن نائل امل اولمق اوزره چند نفر خدمه
و برادری (حسان) رفاقتیله اسب سوار اوله رق باب حصاردن خروج
مسارعت ایدوب فقط مطمح نظری اولان (صغر) اکیدرک افکارینی حمن ایلہ
برخیلوجه یول آلدیغنی و (اکیدر) دخی هوای تعقیبله رفقا سندن
آریلوب (خالد) بن ولیدك (رضی الله عنه) پنجه سنه شکار اولدیغنی
قرنداشی (حسان) بالمشاهده مقاتله به درکار و در عقب ملاقی حصار
دارالبوار اولسیله خدمه لر فرار و داخل حصارده متین و مستحکم
بر موقعه قرار ایلد کلرندن (اکیدر) لک دیگر برادری (مصاد) ایلہ (۲۰۰)
(دوه) و (۱۰۰) استر و (۸۰۰) أت و (۴۰۰) زره و (۴۰۰) مزراق
اعطاسی شرطیله عقد مصالحه اولنوب حصاره کیریلہ رک بدل صلح
اولان اشیای سالف الذکر اخذ ایلد کد نصکره (مصاد) و برادری
(اکیدر) برابر اولد قلری حالد عودت ایتک اوزره بولند قلری عرض
اولمق و حسانک اعدامی افاده قلنق ایچون حسانک مزین برطاقم البسه سیله
(عمر و) بن امیه (رضی الله عنه) جانب عالی به ارسال اولنه رق اغتنام اولتان
اموالک «ضعفی مغنم» نامیله حصه نبویه به مخصوصا خسی بالا فراز (مدینه) به
طوغری قادمه جنبان استجمال و (اکیدر) له برادری (مصاد) حضور
همایونه ایصال اولمغله بر مقدار (جزیه) آلق اوزره عقد مصالحه ایدیلہ رک
اقتضا ایدن صلحنامه عالی اعطای بیورلش و (اکیدر) دخی بالاخره
کلوب اسلام اولمشدر • ﴿ استطراد ﴿ مقتول مارالذکرک البسه مزینه سنی
(عمر و) بن امیه (رضی الله عنه) مدینه منوره به کتوروب حضور موهبت
نشور جنب رسالتپناهی به عرض ایلدیکی خلالده اصحاب کرام لباس

مذکورک زینت و نرمیتدن متعجب اولدقلری جهتهله (لمنادیل
سعد بن معاذ فی الجنة احسن والین من هذا) بیورلشدر ♦

﴿مقاله﴾ {۱۱} ﴿

مسجد ضرارک هدم و حرام بیورلدیغی بیانده در ♦

(خزرج) قبیله سی افراددن اولوب آیین نصرانیقی اختیار ایلش
اولان راهب (ابوعامر) علوم تورات و انجیله درکار اولان ممارسه
و مهمارتی ثمره سی اولق اوزره طریقه زهد و عبادته سالک و ریاست
علیه استحصانه منهمک اولغله قبل الهجره صاحب رسالت (علیه
اجل التحیه) نک اوصاف مبارکه سنی طوائف انس و جن عیلاستدن استماع
ایلش اولدیغنی اهل (مدینه) یه بیان و متابعت عالیسند و ملحوظ اولان فوائد
دارینی ذکر و اتیان ایدردی ♦ هجرت همایون شرف و وقوعنده نفس
(مدینه) ونوا حیسنده بولنان اسلامک حق عالی جناب رسالتیناهیده ابراز
ایلدکلری میل و محبت اوزرینه کانون دروننده مخفی اولان ناره حق
و حسدی اشتغال و متابعت مستلزم المنفعت عالیدن اهل ایمانی منع ایلک
زعم فاسقیله «سزه اقدحجه تعریف و شمائل برکزیده سنی توصیف
ایلدیکم ذات شریف بو اولوب شو قدر که کندوسنده بعض
مرتبه مشابعت علامتلی اولوب لکن آنک وقت بعثتی ده با حایل
ایتماشدر ♦ چونکه موصوف و منتظر م اولان (نبی) اخر الزمان برخیلی وقت
صکره جه مسعدت بخش تشریف اولسه ککر کدر) تفوهاتی
اشاعده استعجال ایدرک «وقتا که آنره (حق) تعالی طرفندن کندو
توراتلری توحید و (نبوت) و حشرده تصدیق ایدیچی (قرآن) کریم کلد کده
قبول ایتمدیلر ♦ مع هذا مقدم مشرکان عرب یهودیلره قصد ایدوب
مفطرا و اولدقلرنده (توارته مصر ح اخر زمان (پیغمبر) ی کلوب بو مشرک
اوزرینه بزه یاردم ایدیدی) دیو استدا ایدرلردی ♦ وقتا که اول
نعتی توارته کوروب استدکلری کلد کده بو (بنی) اسرائیلدن دکل (بنی)
اسماعیلندر) دیو انکار ایدیلر ♦ امدی (الله) عظیم الشانک لغتی اول
کافر اوزرینه در) مفهوم کریمنی جامع اولان ﴿ولما جاءهم کتاب

من عند الله ♦

من عند الله مصدق لما معهم و كانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا
فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به فلغنه الله علی الکافرین { جلیله سنده
تحکیه بیورلدیغی وجهله کندوسنده هم افکار بولنان معنیدن کفره ایلره برابر
حلیه ایمانی قبولدن امتناع ایلدیکندن و غزای (بدر) کبراده
تیسر نمای وقوع اولان نصرت و ظفره تحمل ایده مدیکندن جانب (مکه) یه
فرار ایدوب کفره قریشی اسلامه جنک ایتدرمکه صرف
اقتدار و حتی (احد) وقعه سنده جله دن اول تیراندازلغه ایتدار ایتکله
بین الاسلام (فاسق) لقبیله کسب اشتهار ایتش و قول دیکرده یالکزجه
بر محله تلفیچون قبل عالی رسالتیناهیدن بددعا ایدلشیکن بر تقرب
مقتلگاه (احد) دن تخلص جان و بلاد رومه هجرتله کندوسنی پنهان
ایدرک شهر (قسطه طنیه) بادشاهی هرقله طولایسیله انتساب و اهل ایمان
علیهنده تجهیز عسکر ایتدرمک و ادیلرینه ارخای عنان شتاب ایدوب
آنجق ترویج افکاره موفق اوله مدیغندن (تبوک) وقعه سندن اولجه
ا کرچه مدینه یه عزیمت ایدرایسه نشر علومله مشغول اولق و ایفای
ما فی الضمیر اولصورته مقررده اوله رق دنیاچه برخدتمده بولمق اوزره
مسجد (قبا) مقابله سنده و منافقین محله سنده رصین ایلدار بر مسجد
متین و استوارک انشاسنی متضمن اوله رق منافقین (مدینه) یه خطابا اسطار
وازیار ایلدیکی (مکتوب) غرض اسلوبی نزد منافقین ده رهین قبول
و تحسین اولغله وقعه (تبوک) ظهورندن اولجه بروجه توصیه
بر (مسجد) متین بنا و اسلام اردوسنک خارج (مدینه) یه وقوع حرکتی
متعاقب حضور مقدسه عالیده انواع مذلتله عرض تمنا ایدرک «یا رسول الله
یا زکونلرنده خستکان و یوایه کانی ابووقیش کونلری دروننده طاعت (خدا)
اولمق تصویریه تأسیسنده موفق اولدیغمز مسجدی تبریک و لطفاً جماعتی
تطییب ایچون اختیار کلفه تشریف و ایکی رکعت (نماز) اداسیله جله مزی
تلطیف بیورمکزی رجا ایدرز) مألنده بر نطق نفاق آمیز اراد ایلدکلری
جهتهله «ارتق غزایتیله (مدینه) دن خروج اولندی ♦ ا کرچه عودت
میسر اولور ایسه اولبایده جواب و یریلور) نهجنده دفع ثقلت

و حين عودته (ذی اوان) منزله اختیاری جلسه توقف پیورلدیغندن
انجاز وعد اولمق اوزره تکریر نیازه مبادرت اولد یغنه بناء (شول
منافقار که مؤمناره ضرر و مضر کفر لینه تقویه و مؤمنارک یئنی تفرقه ایچون
(الله) تعالی و رسولیه محاربه ایدن راهب (بنوعامره) انتظار ایله
بر مسجد بنا ایلدیلر • و یمن ایتدیلر که (بزبو مسجدی ابولک ایچون بنا
ایتدک که مصلیره وسعت کلوب نماز قیلنه و ذکر اولنه دیدیلر • الله تعالی
شهادت ایدر (که انلر یمن لرند کاذبلردر • اول (مسجد)
ضرارده ایدی قائم اوله «مفاد جلیله سنی شامل اولان
والذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا و تفریقاً بین المؤمنین و اوصا دا
لمن حارب الله و رسوله من قبل و یخلفن ان اردنا الا الحسنى و الله یشهد
انهم لکاذبون لاتقم فیہ ابدا {کریمه سیله منافقار ک حیل و خدعه لری
بیان پیورلدیغی و «اولکی کونندن تقوی اوزرینه بنا قلنان
مسجد (قبا) البته سکا نماز قائم اولغه (مسجد) ضرار دن احق
والیقدر • انده رجال واردر که (رضاء الله ایچون پاکلیکی سورل)
الله تعالی دخی پاک اولنلری سور» افاده عنایت استفاده سنی حاوی
اوله رق شطارت افزای نزول اولان {لمسجد اسس علی التقوی
من اول یوم احق ان تقوم فیہ فیہ رجال یحبون ان یتطهروا و الله یحب
المتطهرین {کریمه منیفه سیله محله {قبا} سکنه سنک نظافت
و طهارت لری تعداد اولنسیله مسجد (ضرار) ک تبریکندن منع قلند یغی
اجلدن (بنی عبید بن زید قبیله سندن خدام بن خالد و بنی امیه بن
زید ابن ثعلب بن خاطب بن ضیعه بن زید بن معتب بن قشیر و ابوجیه
بن العاص و جاریه بن العامر و اوغلاری مجمع وزید و نبیل بن الحارث
و یئرج و یسجاد بن عثمان و بنی عمرو بن عوفدن عباد بن حنیف و بنی
امیه دن و دیعه بن ثابت) ک اساس افکن اشتراک اولدقلری مسجد
(ضرار) هدمه با اراده تعیین قلنان (مالک) بن الدخشمی (ومعد)
بن عدی و برادری (عامر) بن عدی (رضی الله عنهم) حضراتی
مسجد مذکور ی هدم و اخر ایله ایفای حسن مأموریت و عرصه سنی

محله (قبا) اها لیسنه جای مذبله تعیینیه عودت ایلدیلر •

مقاله {۱۲}
 (کعب) بن مالک ابراز ندامت و احراز مرتبه مسرت ایلش
 اولدیغی بیاننده در

(کعب) بن مالک حسب الایجاب بدر غزاسنه کیده مدیکی و چونکه بدر
وقعه سنک ابتدای وقوعی قریش کاروانی قصدی اوزره ایکن بالاخره
مقاتله رنکنه کیردیکی جهته متخلفین سائره کبی معاتب اولما مشیدی •
(تبوک) وقعه سی ظهورنده نصاب ثروت و یساره مالک و وقعه مذکوره
مخصوص اولمق اوزره ایکی رأس (دوه) تدارکیله لوازمات سفریه
احضارینه سالک اوله رق نزد همایونده بولمق ایچون ابراز ایلدیکی
آرزوی مقبوله سی غیر منکر ایکن هر نصلسه نائل مقصد اوله میوب
بالضروره توقف وار دونک اوزامسی مانع عزیمت اولماز ملاحظه سیله
اختیار تسوف ایلشدر • صکره دن اردوی همایونی تعقیب هوا سیله
اسباب سفریه تهیه سنه مسارعت و یالکزجه کتمسنه موافقت ایدرک
لکن بویله اوزون اوزادی به بریولده منفردا بولنسنی علت احترام دن
غیر سالم بیلوب ده کیر و قالمسندن و (مدینه) منورده منافقار ایله مأذون
تخلف اولان ضعفا ی اسلامدن غیر ی برآدم کوره ماسندن رهین
پریشانی و ندامت اولشدر (که صحرای (تبوک) قدوم عساکر اسلامه
مبروک) اولدقده نرده قالدیغی استکشافنده سائحه بروز اولان سؤال نبوی
اوزرینه «مالک اولدیغی جامه بردینک حسن لطافتی انی بوغزا
شرفندن تخلیف ایلدی» یولنده (عبدالله) انیس (رضی الله عنه)
طرفندن و یریلان جواب (معاذ) بن جبلی (رضی الله عنه) «یوق
یوق بز (کعب) دن ایلکدن بشقه برشی مأمول ایتمز» مقاله سنی اراده
الجا ایلشیدی • جناب (کعب) (رضی الله عنه) اردوی همایونک (مدینه) به
متوجهها (تبوک) دن نهضت ایلدکلرینی خبر آنجه اندیشه دورادوره کرفتار
و برعلت بی دوا به دوچار اولوب غضب (پیغمبری) دن خلاص
اوله حق درلو برصنیه اخطار ایدلک مطالعه سیله عقلای موجوده دن

استفسار رأی معذرت و حتی خادم لریله بیله عقد مشورت ایلمکه
باشلا یوب خاك پاك شهر (مدینه) شرفبوسی قدم سعادت توأم همایونله
تابناك اولدقده مطالعه مسروده سی خیالخانه خاطرندن دور وایشك
طوغریسی بیانه استیفای جرم و قصوره مجبور اولدیغدن حضور
حقایق نشور عالییه رومال اوله رق واهی عذر لر ویلان دولان شیلر
سردیله عرض اعتذار ایدنلرك ظاهرا عذر لری قبول اولدیغنی و باطنا
جناب (عالم السر والخطا) حضر تلیزیه حواله اولدیغنی رأی العین
مشاهده ایدرك و مر اسم تحیات و سلامی اجرا ایلیه رك ایستاده زمین احترام
اولوب «یا کعب (رضی الله عنه) سنی بوغزادن منع ایدن ندر • یوقسه
راکب اوله جق دوه بوله مدکی» خطاب عتاب آمیزینه «اگرچه
ذات رسالتینا هیلرندن غیری بر ذاتك تحت استنطاقنده بولسم
یاقه می قورتره جق دور لو بردسیسه تدارکی ممکن اولوب فقط بالفرض
ذات (نبویه) کزی ارضا ایدرجه سنه بهانه لره اعتذار ایلمه بالاخره
لایق غضب (الله) اوله جغمی قطعیا بیلد یکم جهتله راست کولق
طریقنی اختیار ایدر و اگرچه افندی می بوسورتله بیله کوجندر ما مک
ممکن دکلسه ده طوغریلق سیبیلله مظهر عفو خدا اولمغی امید ایلم •
یا رسول الله بنم هیچ بر عذر م اولم یوب بلکی اولکی حاملدن زیاده کسب ثروت
ویسار و حتی (تبوك) غزاسی نیته ایکی دوه دخی احضار ایلمشیدم •
هر نه ایسه رونما اولان کیفیت تسوف مرور زمان ملابسه سیله باعث
توقف و تخلف اولدی» نهجنده بسط بساط معذرت ایدرك «کعب
طوغری سوبلیور • حقنده آیت (خدا) نزولنه انتظار ایدلم» جواب حکمت
نصایله عفو ی خصوصنك جناب (خفی الا لطاف) حضر تلیزینك بارگاه
صمدانیه سنه حواله بیورلدیغنی استماع ایلیه رك خانه سنه متوجهها
عودت ایلدیکی خلالد (بنی سلیمه) قبیلله سی افرادندن راست کلدیکی
کسنه لك «یا کعب سندن بوآنه قدر برگاه صدوری بزجه غیر
محسوسدر • اگرچه عرض بحالت ایتماش اولسه ایدك البته مظهر
استغفار اولوردق» قلقلوسر زنش ایدیشلری مشار الیهی طوغری

سوید یکنه پشیمان اولسنی اجبار و کیدوب کند ی کند ینی تکذیب
ایلمک افکار یله عودت ایدوب اثانی راهده (عمی) زاده سی (معاذ بن جبل)
و (ابوقناده) انصاری (رضی الله عنهما) به تصادفی ایتمکله بیان
ما فی الضمیره ابتدار ایلدی • مشار الیهما «یا کعب ان شاء (الله) تعالی عهد
قریبده عفو (خدا) به مظهر اولوب اعدار واهییه سردیله استغفار اولنان
کاذ بلرك علی ملائ الناس (آیت) کریمه نزولیه مذمت اولد قلر ینی
کورر سین • حتی صلحای صحابه دن (هلال) بن امیه واقفی الیه (مرارة)
ابن الربیع عمرو (رضی الله عنهما) دخی ذاکزکی راستکولک ایدرك فرمان
الهی ظهورینه حصر نظر ایلدی (سیا قنده تسلیت بخش اولدیلم • که
مشار الیهما نك بوبابده اولان اشتراکنی فال خیر عدیله عودت و فقط
اصحابك کندوسیه کور شماک اوزره صادر اولان اراده اوزرینه بلده •
مبارکه (مدینه) نك دار غربت اولدیغنی بیانه مسارعت ایلدی ایدی •
لکن حسب الشبابة مشار الیهما کبی خلقدن عزلت ایدوب
سعاد تخانه سنده کوشه نشین فراغت و مشغول طاعت و عبادت
اوله مدیغندن اکثر اوقاتده (مدینه) زقاقلرنده کنرو امام الانبیا (علیه
افضل التحایا) حضر تلیزیه اقتداء (صلوة) مفروضه ادا سنه مداومت
ایدوب سلام و یرد کجه قبول اولنوب اولمغی اکلایق ایچون فم
محسن (نبویه) نك حرکت ایدوب ایتمدیکنی کوزلردی • مبادی
(نماز) ده نظر التفات سنیه بی احساس ایده جك اولسه در عقب اعراض
بیورلدیغنی کوروب متأسف و یوما من الایام عمی زاده سی (ابوقناده) نك
(رضی الله عنه) بوستانه کیدرك تقدیم ایلدیکی سلامك عدم قبولندن
فوق العاده مکدر و متلهف اولوب «بنم (خدا) و رسولنی سودیکمی
بیورر سین • بونکچون سکایمین و یریرم» دیمش و بو مقالیه بی اوچ
دفعه تکرار ایدوب «الله اعلم و رسوله» جوابنی المش اولدیغندن مع البکاء
عودت ایدرکن بر نصرانی ظهور و قرابت عصبیه سی اولان ملک
غسانینك «ای کعب (محمد) لك (صلی الله علیه وسلم) سنی رنجیده ایلدیکنی
و مجلسندن طرد ایتدیکنی استخبار ایلدم • لکن سن او یله بر آدم سین

(که جناب حق سنی ذلیل و حقیر ایتیه جکدر) اگر بو طرفه هجرت ایدر
ایسه ک حقه ایدر اجرای مواساة و موالات اولتور) مآلنده بر شقه سنی اعطا
وز غنجه جناب کعبی مسرور ایلدی • مشار الیه شقه مورودی بعد
المطالعہ زمین اعتقاد نده ریشه کبر استقرار اولان شجره یقین و ایمانی
و حضرت (خدا) و رسولنه در کار اولان مودت و محبت بی پایانی ثمره سیله
«خدمت جهان قیمت جناب سید البشری (صلی الله علیه وسلم) ترکله
جانب آخره اماله افکار ایلک حقه پیوجک بر ابتلادر • آستانه فوز
نشانه (محمد) یه دن (علیه السلام) غیر محله کتم • اگر چه علی
زعم الاعدابونک یوز مثلی جزا اولنسه بیله ضمنده انواع حکم خفیه واردر»
دیوب مکتوب مذکور احرار و نصرائی سالف البیانی مأیوسا اعاده یه
تشمیر ساق ایلدی (که بوندن قرق کون صکره از واجند ندخی عزالت اولنق
اوزره صدور ایدن اراده حکمتاده اوزرینه (زوجه) لرینی اقربا خانه لرینه
کوندر مش و فقط (زوجه) سی طرفدن اختیار لغی بحث اولتان
(هلال بن امیه) نک (رضی الله عنه) کافی السابق خلیله مکرمه سنی استخدا مه
رخصت ویرلشدر • (کعب) مشار الیه کمال اضطرار بندن ناشی (تبوک)
سفرندن عودت عالینک النبی کونی صباح نمازینی (مسجد) شریفده ادا
ایده مدیکندن عزتخانه لرینک بر محلنده قعود و نفسنی دنیا دن بتون
بتون مفقود ایدوب سر بحیب مر اقبه اولدیغی حالده (صدیق) اکبرک
وقول دیکرده (عمر) بن حظه اسمینک (رضی الله عنهما) شاهقه جبل
(ساع) ده «حق (تعالی) حضرت لر کیبک دخی توبه سنی قبول ایلدی»
دیو ایصال ندا ایلد یکنی بالا ستماع کمال افتخار ایله سجده کنار شکر
اوله رق حزن و غمک مبدل فرج و فرح اولدیغنه مطالع اولغله لابس
اولدیغی (برده) نفیسه سنی مبشر مشار الیه اهدا و مالک ثلثی محتاجین
(مدینه) یه انفاقه اعتنا ایلشدر (که اول کیجه مرده رس امت مجرمین
(صلی الله علیه وسلم) ام سلمه) (رضی الله عنها) نک سعادت تخته لرنده
بولغله «الله تعالی رسولنک غزوه تبوکده منافقنک قالمسته اذن و یرد یکنی
ومهاجرین و انصار دن بر فرقه (که انلر پیغمبره تابع اولمشیکن عسرت

و قتاده آزالدی که قلبری کیرو قالمسته میل ایده) انلرک دخی بو حال لرینی
عفو و توبه لرینی قبول ایلدی • الله تعالی انلری اسر کیوب رحمت
ایدیجیدر • و اول اوچ کیسه لر (کعب) و (هلال) و (مراره) در (غزوه)
تبو کدن تخلف ایتلر ایلدی • انلریدخی عفو ایتدی • ناشول وقته دک
(که آنلره یر یوزی و قلبری فرط غم دن ضیق اولوردی) و بیلدی لر دیکه
انجق جناب حق کرم و عفو نندن غیر صغنه جق بر محل یوقدر •
بو مصایقه ده ایکن انلر حقه توبه و رجوع ایتلری انلری (توبه) یه موفق
ایلدی • تحقیق (الله) عظیم الشان (توبه) بی قبول ایدیجی و تأبیر مرحت
ایجیدر) مضمون بشارت مشخونی متضمن اولان {لقد تاب الله علی النبی
والمهاجرین و الا نصار الذین اتبعوه فی ساعه العسرة من بعد ما کاد
یزیع قلوب فریق منهم ثم تاب علیهم انه بهم رؤف رحیم و علی الثلاثة
الذین خلفوا حتی اذا ضاقت علیهم الارض بما رحبت و ضاقت علیهم
انفسهم و ظنوا ان لا ملجأ من الله الا الیه ثم تاب علیهم لیتوبوا ان الله
هو التواب الرحیم} آیت کریمه سی بشارت بخش نزول اولدیغندن
(عمر بن حظه) اسلمی یاخود (زیر بن العوامک) جناب (کعبه) و (سلکان)
بن سلام و قول آخرده (سلمه) بن سلامک (مراره بن الربیع) یه و (سعد)
بن زیدک (هلال) بن امیه یه (رضی الله عنهم) عرض بشارت ایللری فرمان
یورلشدر • استطراد • جناب هلال (رضی الله عنه) عفو الهی ظهورینه
دیده کشای انتظار اولدیغی کونلرده طعاعی آزیمک و صوم و صاله دوام
ایلمک خصوصنه اهتمام و فریاد و فغان و انکسار فراوانله امر ارایام ایلدیکی
جهتله (توبه) سی قبول اولوب حتی (توبه) سنک قبول اولدیغی مبشر وارد
اولان آیت جلیله نک شرف نزول ایتدیکی کندوسنه خبر و یرلر کده
یوزی اوستونه قیابوب (مسجد) ه کنار شکر و محبت و ارتحال ایده جک
مرتبه بر بکاء مفرطه یه مداومت ایلشدر • تم الاستطراد

مقاله { ۱۳ }

بعض طوائفک و قوع اسلامیتی بیاننده در

(بنی اسید) و (بنی خزیمه) قبیله لرندن اولوب «انلر سکا

اسلام را به امتان ایدرلر • سن انلره دیکه (بکا اسلامکرله منت ایتیک) بلکه (الله) تعالی سزه امتان ایدرکه (زعمرجه سزه ایمان ایچون یول کوستردی) اگر ایمان ادعا سنده صادقتر ایسه کز) مفاد کریمنی متضمن اولان { یمنون علیک ان اسلموا قل لا تمنوا علی اسلامکم بل الله بمن علیکم ان هدیکم للإیمان ان کنتم صادقین } آیت جلیله سنده حال و شانلری حکایه بیوریلان (اون) شخص اوزون اوزادی یوللردن کله رک اسلام اولدیلر • و بویله اوزاق محلدن کلدکلرندن بمشله (صلی الله علیه وسلم) حضرتلرینه اظهار امتان ایلدیلر • بونلردن صکره (فزازه) طاقندن (۲۰) و بنی (مره) طائفه سندن (۱۳) شخصله برابر اولدیغی حالدده (بنی البکاء) و (بنی کنانه) و (هلال بن عامر) و (عامر بن صعصعه) قبائلی دخی اسلامیتی قبول ایلدیلر • استطراد * سالف الذکر جماعتله وارد اولان (عامر بن طفیل بن کلاب) ذات اقدس سمات حضرت رسالتپناهی به سوء قصد ایلمک افکار یله (ارید بن الریعه) ایله عقد رابطه اتفاقه شتاب ایدرک * بن (محمد) ی (علیه السلام) لافله اشغال ایدرم • سنده اعمال سیفله هلاک ایله دید کدنصکره داخل حضور اولوب « یارسول الله بن اسلام اولورسم حقمنده نه کونه معامله بیوریلور » دیمسنه « اسلام معامله سی اجرا اولور » جوابی ویرلد کده « خیر خیر سن رحلت ایده جکک وقت یریکه بنی خلیفه نصب ایده سن • و شاید بوتکلیفم اغرجه ایسه طوائف صحرانشینه حاکم ایده سین » یولنده واقع اولان رجاسی رهین مساعفه و قبول اولیوب « بلکه سنی برطاقم سواری عساکرینه رئیس تعیینیه جهاده سوق ایدرم » بیورلدقده « بن الان سوار یلرک سرداری یم • شمعی برچوق عساکر نیمه یزیه اسلام اوزرینه سل سیف ایتسم کرکدر » ترهاتی بعد الایراد عودت و مکالمه بحسبک بو قدر اوزادیغی حالدده ایفای ما فی الضمیر ایده مدیکنی در میانله (اریدی تو بیخ و سرزنشه مسارعت ایدوب « موفق اوله مدم » جوابی المغله خیمه کاهنه کتمش و اثر اجابت دعای

عالی ایله (سلولیه) نام فاجره نک خانه سنده وادی نیرانه کتمشدر • (عامر بن طفیل) وقعه سنی متعاقب (بنی سعد) و (بلسه) و بنی (نجیب) طوائفندن (۱۳) کسنه ایله (لحم) و (دارم) زمره لرندن (اوزر) و جماعت سائرهن قابل تعداد اولیه حق قدر اشخاص ذوی الاخلاص رونمای ظهور اوله رق جمله سی بردن مسلمان اولمشلردر • تم الاستطراد * حتی (دارم) جماعتی سر قبیله سی (هانی) بن حبیب خاکپای عالی جناب (پیغمبری) به تقدیم ایتک نیت خالصه سیله چند رأس (دوه) ایله مزین و مرصع برطاقم البسه و بر مقدار (شراب) تهیه و اهدا ایلدی ایدی • شرابدن غیر یسنک قبولیه شرابک خالی بر محله دو کولسی فرمان والیسه مذکوره عباس (رضی الله عنه) احسان بیورلدی (که مشارالیه البسه مذکوری (۸۰۰۰) درهمه فروخت ایتمش و اشبو جماعت رحلت جناب رسالتپناهی به دکین (مدینه) منوره ده اقامت ایلشدر •

مقاله { ۱۴ } *
عبدالله بن سلول منافقک فوت اولدیغی بیاننده در *

شوال شریفک اواخرنده مرض موته دوچار و (۲۰) کون قدر اول علت راحتسر لغنه گرفتار اولان (عبدالله) بن سلول منافقه قبل الوفات جناب عالی جناب رسالتپناهی ن ایفای مراسم عیادت و بشره سنده مشاهده علامت موت اولمغله « یا ابن سلول یهودیلری سومکدن سنی پک چوق منع ایلدیمسه ده مفید اولدی » نهمجنده شرفسانح اولان خطاب عالی به « اسعد » بن زراره (رضی الله عنه) یهودیلری هیچ سومدیکی حالدده پنجه سخت کیر موتدن خلاص اوله مدی • بنم شو و قتم زمان سرزنشی دکدر • همان کفن یا بلق اوزره قیص شریفک احسان بیورلسنی رجا و جنازه نمازده بولمکزی تمنا ایدرم » جوانی و یرمشدر • مکر اولکون (سردار اسخیا علیه اجل النجیایا) افندیمرک مبارک جسم عالیه سنده (ایکی) عدد کوملک بولمغله اوزرنده کی کوملکک و یریه جکی بیان و ایچ کوملکک عنایت بیورلسی حقنده واقع اولان ابرام والاحاح اوزرینه ایچ کوملکی احسان بیورلمشیدی (که

مرقومك بعدمده ترك حيات ايلمش اولسي وحسب الوصيه نمازنده
ودفنده ذات عالي (صادق القولك) موجود بولنديغي صحابه كرام
طرفندن استخبار قلمسي اوزرينه متجاسر اعتراض اولان (عمر) بن الخطابك
(رضي الله عنه) اعتراض واقعه سني (ابن سلول) ايچون (۷۰) دفعه
استغفار ايدوب ايتماك اوزره متخير اولدم • اكرچه بوندن زياده استغفار
ايله مغفور اوله جغي معلوم اولسه ايدى البته استغفاري تكثير ايدردم •
خطاب حكمت نصايله رد ايليه رك نمازنده وحين دفتنده حاضر بولنديلر •
علاوه (بدرا الكبرا) وقعه سنده سلسله بند اسارت اولان
(عباس) ابن عبدالمطلب (رضي الله عنه) عريان بولنق واپن (سلول)
طرفندن على طريق الرعايه بر كوملك اهدا قلمق حسيله مشار اليهك
بار امتنان التده قالماسيچون حالت نزعه اولان التماسي رهين قبول
اوله رق قيص سعادتك اعطا بيورلديغي كبي (حديثيه) وقعه سنده ابن
سلولك وقوع بولان دعوت قريشيه اجابت ايتيويده (محمد) صلى الله
عليه وسلم بزم امير بزمدر • اني قبول ايتدكجه بركيده ميز • جوابني اعطا
ايلسي جنازه سي نمازنده و مراسم تدفيني ايفاسنده ذات مقدس سمات
نبويهك دخي بولمنسه سببيت ويرمش و پدرك صلاح او غلنه وكذلك
او غلاك دخي باباسنه مؤثر اولديغي اكلا شلق اوزره منافق
مذكورك خسته لغنده رسم عيادت اجرا بيورلشدر • انتها

مقاله { ۱۵ } * * *

حبشه حاكي (ملك) نجاشينك (مدينه) ده نماز جنازه سي قلنديغي *
و (ام كلثوم) رضي الله عنهاك ارتحالي وقوع بولنديغي بياننده در *

اول كاشف اسرار دقايق وواقف رموزات حقايق صلى الله تعالى (عليه
وسلم) حضر تلري بركون نجاشينك وقوع وفاتني ايمان نماز جنازه سني
ايفا ايچون بوكون سرك صالح قريشا شكر وفات ايتدي • اي اصحاب
قريشا شكر (نجاشي) ايچون استغفار و ياخود (نجاشينك نمازيني قيلمغه
ايتدار ايدك) بيورديلر • مشار اليهك نمازي مصلاي (مدينه) ده ادا ودها
صكره جه عازم كلشنسراي بقا اولان (ام كلثوم) بنت رسول اللهك

رضي الله

(رضي الله عنها) دخي مراسم تجهيز و تكفيني ايفا قلمشدر •

مقاله { ۱۶ } * * *

صديق (اكبرك) رضي الله عنه) امير الحج اولديغي بياننده در *

مشركر عادت جاهليت اوزره عريان اولد قلري حالده (مكه) مكرمه بي
طواف ايتكده وشو حالك ترك ايد لما مسي ايسه آداب اسلاميه به عدم
رايت قضيه سني استنزام ايتكده اولديغندن مناسك حج ايفا واهالي
(مكه) به احكام شريعت غراي تعليم وسوره (برا) دن (۳۰) عدد
ايت كريمه مفاد جليله سني تفهيم ايتك خصوصنه اعتنا ايتك اوزره
(۳۰۰) صحابه رياستيله (صديق) اكبرك (رضي الله عنه) امير الحج تعييني
بالتنسيب قربانق ايچون تهيه وتدارك بيوريلان (۲۰) رأس دوهك
محافظه سي (ناجيه) بن جندب اسلمينك (رضي الله عنه) عهدده سنه
احاله سي تصويب بيورلش و مشاراليه دخي ذاته مخصوص اولمق
اوزره (۵) رأس دوه استخمايله (ذوالخليفه) مسجدنده منهي
عزيمت بولنش اولديغي حالده (جبريل) امين (عليه الصلوة والسلام)
حضر تلري اجنحه بنش نزول اولوب سوره (براء) ايتلري
قرائتني ومؤمن اوليان كشينك جنته كيره ميه جكني • وعريان
اوله رق كعبهك طوافي ممنوع ايدوكني • و (خدا) ايله رسولندن موقت
صورتيله عهد و امان آلمش اولان كافررك انقضاي مدت عهدرينه
قدر عهد و امان اوزره اولد قلري جهتله عهدلري اوليان وشايد
اولوبده مدتلري تكميل و تمام اولنلرك ده (۴) ماهه قدر امان اوزره
اولوب بعده مسلمان اولمازلرايسه قانلري هدر اولنديغي اهل (مكه) به
اعلان واشاعه ايتك ايچون (آل) نبويه دن برذاتك تعيين ايدلمسي
قبل الهيه دن فرمان بيورلديغي اخطار ايتككه خصوص مذكورك امر
ايفاسنه مأمور بيوريلان (علي) ابن ابى طالب (كرم الله وجهه) در عقب
(مدينه) دن نهضت و (ضبحنان) ياخود (عرج) دينيلان منزلك برنده
حجاج مسلميني تعقيبيله بيان مأموريت ايلديكندن آيات سالف الذكر
كندوسنه تسليم اولنش و بارفاقه (حرم) محترم شريفه مواصالت ايدوب

ایام جمعه ایرادی مرتب اولان خطبه لری قرأت واهالی (مکه) به احکام
مناسک و فصاحتی تفهیم وتلاوت ایلد کد نصره حضرت (علی) نک
(رضی الله عنه) اجرای مأموریت ایلستی بیان ایلش اولد یغندن
مشار الیه قیام وآیات مذکوره ایله کلمات اربعه بی مجمع حجاجده
وجوانب خیامله مجامع ناسده اراده (الهیة) نهجی اوزره قرآنیه
اهتمام و (صدیق) اکبرک (رضی الله عنه) امریله (اباهریره)
ایله سائر برطاقم اصحاب (رضی الله عنهم) دخی جناب (علی) ابن ابی
طالب (رضی الله عنه) معاونته حصر نفس واقدامله ایفای خدمت مقدسه
ایدرك عودت و برقاج کون مرورنده مدینه منوره به مواصالت ایلدیلر •

مقاله { ۱۷ }

زوجہ سی (خویدل) بنت قیسہ تہمت زنا عطف ایلش اولان (عویمر)
ابن الحارث عجلانینک مر قومه ایلہ وقوعبولان محاکمہ سیدر •

(عویمر بن الحارث) برکون عمی زاده سی (عاصم بن عدی) انصاریدن
(برادم عورتی نزدنده بلدیکی اجنبی بر شخص کوروب شخص مذکور،
قتل ایتسه قصاص) لاز مکتوب کلیه جکک خاکای نبویدن استفتا
یورلمسنی رجا و مشار الیه بروجہ التماس عرض ماجرا ایدرك جواب
اله ممش ایدی • مشار الیه ایسه کیفیتی عمی زاده سنک استکراها جواب
ویرمد یکنه حل ایتکله بالذات سؤال وزوجه سی (خویدل) ک یاننده
اول صورتله بر شخص مجهول الاصول کورد یکنی افاده به استعجال
ایلد یکنندن «شونلر که زوجه لرینه زنا عزوایدلر • حالبو که انلرک
شاهد لری اولوب انجق یالکز کندولری زوجه لرینه بوزنابی اسناد
ایده یورلر • انلرک بریسی درت کره بالله اول زوج زوجه سنه زنا عزونده
صاد قلدندر • دیوشهادت ایتک لازمدر • فحواستی متضمن اولان
والذین یرمون از واجهم ولم یکن لهم شہداء الا انفسهم فشہادۃ
احدهم اربع شہادات بالله { آیت کریمہ سی سرزده نزول وایکیسی
برابر اولد قلری حالده فقہای امتک (رحمهم الله) بیانی اوزره اولئان
محاکمہ اوزرینه میانه لرنده حرمت مؤبد رونمای حصول اولمشدر •

فصل { ۱۱ } (در بیان وقایع) { ۱۰ } سنہ ہجریہ

مقاله { ۱ }

خالد بن الولیدک (رضی الله عنه) سریہ سی بیاننده در •

جناب خالد (رضی الله عنه) بنی (الحارث) بن کعبله مقاتله ایتک و فقط
ابتدای امرده جنک ایتیب اویج دفعه ضیافتخانه ایمانه دعوت ایدوب
شاید قبول واجابت اثری کوره مزایسه اشعال ناره جدال الیک خصوصنه
مأمور اولمغله رفاقتنه تعیین یورلمش اولان اصحابله (مدینه) دن حرکت
وآرامگاہ (حارثه) مواصلت ایدرك آلد یغنی تعلیمات موجب عالیشانجه
حارثی دین اسلامه دعوت ایدوب رونما اولان علایم قبول و موافقت
حسبیلہ او راده بر مدت آرا مله احکام قرآنی تعلیم ایلکده اولدیغنی
خاکای همایونه باعریضه اعلام و برطاقم کسانله عودت ایلسنه دأراخذ
ایلدیکی اراده نامه اوزرینه (مدینه) منوره به عودت ایلشدر که برابر
کتوردیکی اشخاص حضور عالی (محمدی) به (صلی الله علیه وسلم) احضار
ایلد کده مر قومونک { اشهدان لا اله الا الله وانک رسول الله } دیملرینه
«بن دخی اللهم وحدانیتہ وکندی رسالتہ شہادت ایدرم»
جوابی اعطا یورلمشیدی • بالاخره (قیس) بن حصین (رضی الله
عنه) قبیلہ مر قومه به رئیس تعیینیلہ مر قومون مملکتلرینه
کوند رلمش ودها صکره (عمرو) بن خزیم اول قومه امیر نصب
اولنه رق اعزام قلند یغندن مشار الیه الی انتقال نبی اول محلده اقامت
وقبیلہ مذکوره به اجرای امارت ایلشدر • (رضی الله عنهم)

مقاله { ۲ }

برطاقم قبائلک عرض اسلام ایلش اولدیغنی بیاننده در •

(عدی) بن حاتم و (طی) قبیلہ سنندن (زید) بن الحنبل ابن
المہمل ریاستیلہ (۱۰) وکذلک طائفہ (خولان) دن (۱۰) نفر
پیاده ایلہ بنی (مدجد بن رهاویون) جماعتدن (۱۵) سواری
وهله اسلام اولوب حتی (رهاویون) زمرہ سی (مرواح) نامنده

بر رأس (اسب) هبار قنار و بر طاقم هدایای قیمتدار کتور و ب خاکپای
همایونه بالتقدیم کیفیت قبولی رجا ایشا لدر در • بعده (غامد)
اهالیستدن (۱۰) و (جدر) بن عبدالله بجلی به تابع (۱۵۰) کسکه
اسلام اولوب (عبدالله) مذکور ایله (ذوالخصله) پوتخانه سی
هدمنه مأمور اولد قلرندن ایفای حسن خدمته صرف مساعی و غیرت
ایدرک اغتنام ایده بلدکاری امتعه ایشه و سائر ایله بر طاقم عطریاتی
عرض حضور ایش و بالاخره (ذوالخصله) اهالیسیدخی مسلمان اولمشا لدر •

مقاله { ۳ }

نصارای (نجرا) نک طالب مصالحه اولد قلری بیانده در •

نجران نصار استنک اسلام اولملری تکلیفی متضمن بر قطعه (نامه) سعادت
اسطار و قوم عنود مر قومه یه از بار بیورلمش اولدیغندن احوال عالی
حضرت رسالتنا هییه بی تحقیق ضمیمه (بنی ککنده) اولورندن
(عبدالمسیح) عاقبله (ایهم سید) رفاقتده (۱۰) نفر امور شناسک
(مدینه) یه اعزام اولمشه رؤسای نصارانز دنده عقد اولئان مجلس مشورته
قرار ویرلمکله عنده مر قومه ذکر اولئان کسکه لری علی جناح الاستعجال
دارالهجرة عالی یه ارسال ایلدیلا ریادی • که (ربعه) جماعتدن اولوب
رئیس العلمای نصرانیه اولان (علقمه) دخی مبعوثین مر قومه میانه سنده
بولغله (مدینه) یه مواصلت لری اثناده البسه سفر یه سنی بالاخراج لباس
مزینله جسمی و خواتم زرین و کوه رین ایله انا ملنی تزیین ایلله رک داخل
حضور و شنشنه نصرائیت اوزره ابراز وقار و غروره مجبور اولوب لکن
مظهر التفات همایون اوله مدینه متأسفاً و جانب شرقه متوجها اجرای
عبادت و بعده عودت ایدرک سابقه معارفه سی اولان (عثمان بن
عفان) و (عبد الرحمن) بن عوف (رضی الله عنهما) یه ملاقی اولوب
«بزل موقع آرای تعظیم اولان فرمان جهان مطاع (محمدی) یه (صلی الله
علیه وسلم) امثالاً اختیار کلفه سفر و حضور عالیده نائل التفات اولق
خصوصنه سعی او فر ایدرک ابو و کتو بر جواب اله مدق • بو بایده بزم
ایچون عجا عودت ایلکم می یوقسه خاکپای همایونه یوز سورممکی

لازمکلور • دیدی • علی قول (علی) ابن ابی طالب (رضی الله عنه)
دخی اول محله بولنوب «بومزین البسه والتون یوزکاری اخراج
ورهبانلره مناسب البسه اکتسا ایدرک حضوره رومال اولسه کز قبول
بیورلمکز غیر بعیددر» دیدیکندن موخجه حرکته مجبور و دفعه
ثانیده نائل عز حضور اولوب اعطای سلام و سلاملری رد اولنوب اسلام
اولملری تکلیف بیورلد قدده ابراز تعهد و تردده قیام ایدرک حق عالی
(عیسی علی نبینا) و علیه الصلوة والسلامدن استکشاف ایلد کلرندن
«اگرچه توقف ایدر ایشه کز جواب اله بیلور سیکز» بیورلمشیدی •
فرداسی کونی «تحقیق (الله) تعالی نک عندنده (عیسی) علیه السلام
باباسنرا یجاد اولنمقده مثلی (ادم) علیه السلام باباسنر و اناسنرا یجاد اولنمسی
کبیر • حق تعالی اد می طیرا قدن خلق ایدوب صکره اکا بشر اول
دیدی • در عقب بشر اولدی • عیسی (علیه السلام) بختنده ربکدن سکا
ویریلان خبر حق وثابتدر • امدی انده شک ایدنلردن اوله • عیسی
(علیه السلام) الله تعالی نک قولی و رسولی ایدوکی سکا علم و حجتله کلد کدن
صکره اولبایده کیمکه سنکله مجادله ایدر ایشه سن انلره دیکه (کلک
اولاد لریمزی و اولاد لریمزی واعزه اهلری و اهلکزی و نفس لریمزی
و نفس لریمزی کتوره لم • صکره نضرع و نیاز ایله عیسی (علیه السلام)
خصوصنده کاذبلره الله تعالی نک لعنتی قیله لم» مضمون حقیقت
مشخونی متضمن اولان {ان مثل (عیسی) عندالله کمثل آدم خلقه من تراب
ثم قال له کن فیکون الحق من ربک فلا تکن من الممترین فمن حاجک
فیه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا
و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین {
آیات ینباتی تقویه بخش زمین تحقیق و نزول اولدی ایشه ده کفره
معنده مارالذکر متنبه اولمیوب ینه نهج کفر و عناد اوزره ثبات
واسلامتی قبولدن امتناع ایلدکاری جهتله طرفینک یکدیگره بد دعا
ایتمسی تکلیف بیورلدیغندن ایشک صو کنی ملاحظه ایلک اوزره استمهال
و اولصورته بر مدت معینه رخصت استحصالیله منزل لرینه عودت

ایدوب عواقب امور معلومات لایقه سی اولان و کندوسنده جله
نصارانک حسن ظنی بولنان (عاقب) نام نصرانیدن استفسار رأی
ایلدیلر • که عاقب بولنره «ای کروه نصارا (محمد) لک (صلی الله علیه وسلم)
حق (پیغمبر) اولدیغنی بیورسکن • و حتی حضرت عیسی (علیه السلام)
حقنده کتوردیکی دلیل محکمه عدل وانصافه حواله اولنور ایسه هیچ
بر وجهله قابل انکار اوله میه جغندن لایق اولان (مباهله) بی (بد دعاء)
دیگدر (ترک ایتکدر • زیرا (پیغمبر) لاله (مباهله) ایلک تیرهلا که هدف
اولقندن عبارتدر) دید یکنندن ایرتسی کون جله سی بردن مجلس عالی
(نبوی) یه عزیمت وائشای راهده خواجه عالم (صلی الله علیه وسلم)
حضرتلرینه مصادفت ایلدیلر که (جناب (حسین) آغوشنده و دست عالی
(حسن) ید احسن مبارکنده و (کریمه) محترمه لری ایله جناب (حیدر)
(رضی الله عنهم) رفاقت سنیه لرنده ایدی • مشارالیه «بن بد دعایده حکم
سز آمین دیه سکن» بیور دیلر • لکن کروه نصارانک اعلمی اولان
(عاقبله ابوالخارث) رفقاسنه «ارقداشالر (مباهله) ایلکدن احتراز ایدک •
زیرا اویله تیقن اولنور که (بوذوات خسه اکر (الله) تعالیدن نیاز ایتسه لر
طاغی برندن قوپارلر • اکر (مباهله) ایدر ایسه ک هم بز هلاک اولورز
همده روی زمینده نصارانامی مفقود اولور» نطقنی ایراد
ایلد کدنصکره «یا ابا القاسم (علیه السلام) بز ذات عالیکنزه مباهله
ایده میز» دیمش و نصارای حضار دخی بوسکا موافقت ایلش
اولدیغندن «اویله ایسه مسلمان اولوک • اکر اولماز ایسه کز محاربه یه
حاضرلنک» بیورلقدده «بز مسلمان اوله میز • لکن سزکله جنکه دخی
جرات ایده میز • فقط رجایدرز که مساعده کزنه یته نصرانیت اوزره قالب
بر مقدار (جزیه) اعطاسیله عقد مصالحه ایده لم» جوابنی ویردکلرندن
بهری (۴۰) درهم قیمتده اولق اوزره سنوی (۲۰۰۰) (حله) ایله (۳۰)
زره و (۳۰) رأس (دوه) و (۳۰) عدد (مزراق) ویرلک و بولنرایکی
تقسیطله تأدیه اولنوب تقسیط اولی شهر (صفر) دن و دیگر (رجب) دن
اعتبار ایدلک و بر وقعه ظهورنده ادوات حربیه دایر (۳۰) عدد

اسلحه سائر دخی علاوه ایدلک شرطیله عقد مصالحه و تحریر اولنان
نامه همایونه شریعت غرا احکامجه (اکل ربا اولنماق) خصوصی
تحشیه قلوب ایشه ختام ویرلدیکی متعاقب واقع اولان استدعالری
اوزرینه ارالرنده وقوعه بولان دعاوی بی بوجه حقانیت فصل ورؤیت
ایلک اوزره (ابوعبیده) بن الجراح (رضی الله عنه) برابرجه کوندرلش
وبالآخره (حارث بن کعب) عودت و مسلمان اولغله احراز شرف
دنیا و آخرت ایلشدر • علاوه • صلحنامه مذکورک احکام
مندرجه سنی خلافت عالی (صدیق) اکبر (رضی الله عنه) ده تمامی
تمامنه اجرا و (عمر) بن الخطاب (رضی الله عنه) وقتنده دخی
کساهی حقها ایفا قلوب فقط صکره لری رهیب تطرق اولان
عوارضات ملا بسه سیله خلایاب اولمشدر • انتها

مقاله { ۴ }

عن حاکمی ملک (بازان) لک تقسیم ممالک متفرقه سی بیاننده در
(ملک) بازانک وقوع و فائنه بناء حوزة تصرفنده بولنان ممالک
اداره سنک بر مقداری متوفای مشارالیهک اوغلی (شهر) و دیگر بر مقداری
(عامر) بن شهر همدانی و کذلک بر پارچه سی (ابو موسی) الاشعری
و بر ناحیه سی (یعلی) بن امیه و بر طرفی (معاذ) بن
جبل (رضی الله عنهم) لک عهد • تصرفنه حواله بیورلشدر •

مقاله { ۵ }

علی بن ابی طالبک (رضی الله عنه) بمن جانبده عزیمت ایلدیکی بیاننده در
جناب (حیدر) لک (رضی الله عنه) (۳۰۰) سواری استحبابیله (بمن)
طرفنه عزیمت و حربیه دایر براماره کورمد بجه قتال ایتوب اهل بمنی
بادی امرده اسلامه دعوت ایتسی خصوصنه اراده حکمتعاده
جناب رسالتپناهی سانجه پیرای صدور اولدی ایدی • مشارالیه اهل
کتابدن بر طائفه اوزرینه مأمور بیورلدیغنی و حسب الشبایه حاکمکی
اداره ایده بیله جک بضاعه سی اولدیغنی جهته حضور حقایق نشور
مقدسه ده اظهارالم و کدر ایلدیکندن جناب خواجه کائنات (صلی الله

عليه وسلم) افتد بمن حضر تلری سینه یکنه (حیدر) به بی (رضی الله عنه) مس
ایله {اللهم ثبت لسانه واهد قلبه} مقاله سیله دعا و فصل دعاوی خصوصنده
طرفینک ادعای استماع اولند فیه هیچ برجهته حکم ایتامک تنبیه
و توصیه سنی ایفا بیور دیلر ایدی که اشبو دعادن صکره مشار الیه حرکت
وبعد زمان جهت توجهی اولان محله مواصلت ایلشدر • اهل (يمن)
(امام همام) مشار الیه بر خیلوجه فرسخ «فرسخ اوج میل یعنی (۷۵۰۰)
ارشون اوز و نلقده اولان مسافه به دینور که بر میل (ایکیک بشیوز)
زراع مسافه دن عبارتدر» مسافه دن استقبال و مراسم مهمانداری
ایفا سته استبحال ایلد کلرندن اول (سرفراز ائمه دین) امام جماعت
حاضرین اوله رق بمنه مواصلت عالیترینه مصادف اولان وقت نمازینی
بعد الادا ترتیب صفوف عساکر ایدرک حامل اولدیغی نامه سعادتجامه بی
صوت باند ایله قرائت و (يمن) اهل یسنی ضیا قحخانه اسلامیه دعوت
ایتمش و مستعد هدایت اولان قبائل (همدان) باجمعهم عرض
ایمان و تبعیت ایلشدر • که مشار الیه بو حال سده عالی (پیغمبری) به عرض
و اعلام و بر موجب اراده حرکت ایتکله {اقضا کم علی} مدینه سنه
مظهر اولدیغی دخی افهامه اهتمام ایلد یکنندن کیفیت مستلزم
منوینت عالی اولوب {السلام علی همدان} بیورلشدر •

مقاله { ۶ }
حجة الوداع (وقعه) سی بیاننده در

سلطان انبیا (علیه افضل التحایا) حضر تلری فریضة حج شریف
ایفا سنه نیت و اقلیم بمنده بولنان جناب (حیدر) ک (رضی الله عنه)
ائسای راهده ملاقی اولمق اوزره بمندن حرکت ایلسته دائر تحریرات
مخصوصه ارسالنه مسارعته کیفیتی اونجی سنه هجریه ذی القعدة سنک
یکرمی بشیجی (جمعه) ایرته سی کونی قبائل اطرافه اعلان و نائل
عز مرافقت اولمق استیانتلرک بلا توقف (مدینه) منوره ده اجتماع ایللرینی
دخی ذکر و اتیان بیور دقلری جهته (مدینه) منوره ده ایچ صحابه
تجمع ایدوب بر موجب اراده حاضر و اماده اولد قلرندن (جدری) و

(حصبه) علتلرینه گرفتاریته محروم شرف مرافقت اولان نساک
خاطرلری {ان عمرة فی رمضان تعدل حجة} مقالیه جبر و تسلیم
و جسم نبویه لرینی غسل و تطهیر و انواع عطریاتله بعد التعطیر مهیا
اولان (ردا) و (ازار) مبارکه لرینی بالا کتسا مسجد (مدینه) به
تشریف بخش اقبال بیور دیلر که (درت رکعت اولمق اوزره)
صلوة (ظهر) ی (مسجد) سالف الذکرده و ایکی رکعت اوله رق صلوة
(عصر) ی دخی منزل (ذوالحلیفه) ده ادایور دقدن صکره نیت (مطلقه)
ویا خود (افراد بالحج) قصدیه نیت ایدیه رک و قربانلق دوه رک امر
محافظه سی (ناجیه) بن سلمی نک (رضی الله عنه) عهده سنه
حواله اولنه رق کافه زوجات مطهراتله جناب خیر النساء
(رضوان الله تعالی عنهم و عنهن) اجمعینک جمعه سی برابر
اولدقلری حالد منزل (ذوالحلیفه) دن حرکت و ایرتسی کونی
(وادی العقیقه) موقعنه مواصلت بیور دیلر • اشبو منزلده سردار
قافله انبیا (علیه افضل التحایا) حضر تلری «بوشب برالخی ظهور یله
{حجة فی عمره} دیشدر که (بوسفرده استین حجه و (عمره) به و مراد ایدن
فقط (حجه) و دیلین یالکز (عمره) به نیتله احرامبند اولمقده مخیر در» مآلنی
بالا شاعه احرامبند اولدیلر • اصح اقوال اوزره اشبو سفر مبار که ده
(۱۴۰۰) و دیگر روایتده (۱۲۰۰۰) حجاج بولنوب {لیک اللهم لیکن
لیک لا شریک لک لیکن ان الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک لک}
و روایت آخرده {لیک اله الخلق} عباراتیه (تلبیه) و اشبو تلبیه نک
آواز بلند ایله ایفاسی (جبریل) امین (علیه الصلوة والسلام) طرفندن
توصیه بیورلشدر • استطراد * ابوبکرک (رضی الله عنه) زوجة
مکره سی (اسما) بنت عیس (رضی الله عنها) حامله اولدیغی جهته
بو محله (محمد) بن ابابکر (رضی الله عنهما) وضع کهواره شهود
ایلد یکنندن نه صورتله حرکتی لازمه دن اولدیغی استفسار اولند قد
(غسل ایتک و لجام بند اولوب احرامبند ثبات اوزره قالمق • و اجرای
تلبیه ایتک) خصوصنه اراده هما یون شرف سانح اولشدر • تم الاستطراد

(اسما بنت) ابی بکر (رضی الله عنهما) نك زادره نبویه بی حامل اولان
(دوه) سیکه امر محافظه سی مشار الیهانك بر غلامی عهده سنه حواله
قلنسیدی • (وادی العقیقه) منزلده ضایع اولوب (ابا بکری) رضی الله
عنه (دوچار تلاش و غلام مذکور می مظهر تکدیر و تغزیر ایلد یکنی
قافله سالار اصفیا (علیه افضل التحایا) حضرتلری مشاهده و حسب
العاده تبسم ایدرک «الله الله ابو بکر (رضی الله عنه) احرام بند
(حج) اولدیغی حالده غلامی تأدیب ایده یوری • یا ابا بکر (رضی الله
عنه) حق (تعالی) بزه طعام کوندردی • کل تناول ایده لم •
غلامه دلتك اوله • بواش نه غلامك ونه ده هیچ فردك النده دکلدر •
دیوب کافه اهل بیت ایله ما ذون طعام اولنر غیبوت (دوه) به
کسب اطلاع ایدن (آل نقله) نك عرض و اهدا ایلد کلری (بر قدح
خرما و قاقا و دایله روغنی) بالتناول دفع جوع ایلد کلرینی متعاقب
حجاجك الك نهایتده بولمغه مأمور قلنان (صفوان) بن معطل سلمی
(رضی الله عنه) جل مفقودی بولمغه بر خلال دخی ضایع اولدیغی
حالده تسلیم ایلد • (سعد) بن عباده و اوغلی (قیس)
بن سعد (رضی الله عنهما) دوه نك غیبوتنه واقف اولوب کندولرینه
مخصوص اولان ذخیره دوه سنی احضار و مفقود دوه مقابله قبول
بیورلمسی رجایه ابتدار ایلد یلر ایسه ده تعریفی سبقت ایلدیکی صورتله
دوه بولمش اولسی اوزرینه مشار الیه خیر و پر کتله دعا و اورادین
حرکتله او اقشام قالد قلری محله اجرای حجامت بیوریلر رق ایرتسی
کون منزل (ابویه) موصلت و حجاج ذوی الابتهاج مسلمین بوراده دخی
بر کجه ابواء بیورلمشدر • منزل سالف الذکرده و آخر بر روایت قونجه
(ودان) موقعنده اصحابدن (صعب بن خشمه) نك (رضی الله عنه) صید
ایدرك متجاسر تقدیمی اولدیغی طاغ (صغیر) ی سلمی احرامده بولندیغی
جهتله قبول بیورلماش و بعد مدة (روحا) منزلنه وارلمشدر که (اشبو
منزلده تصادفی بیوریلان مجهول الاحوال بر جماعتک کیملر اولدیغی
سؤال اولنوب گروه اهل ایماندن بولند قلری) اکلا شلمش و جماعت

مر قومه نك كذلك وقوعبولان سؤا لرینه ذات اقدس سمات همایونك
متعازم حجاز مغفر تظر از اولدیغی جوابی ویرلش اولدیغدن نسواندن
بر عقیقه حجر تربیتده بولنان اصغر السن اولادینی نزد عالی به بالا حضار
(الهدا حج) دیوب {نعم ولك اجر} جوابی المشر • منزل (سرف)
نورمه فروغ علیه السلامه کسب شرف ایلد کده جناب • صدیقه •
(رضی الله عنها) به عادت نسوانیه واقع اولمغه مشار الیهانك (عمره) احرامی
(ترك ایتسی) و (عمره) اوزره حج ایلمسی و (احکام) (حک) کافه سنی ایفا
ومدت عادتلری تمام اولد قه طواف ایتمامکه دقت واعتنا اوزره
بولنسی و (هدی) اولیان حجاجدن حج و (عمره) آرزو سنده اولنرک
اولوجهله (حج) ایتکه اقدام و اول حالده ثبات ابرازینه اهتمام اولنسی
امر و اراده بیورلمغه (هدی) اولیانلرک بعضیسی حجاجدن حقیق احرام بند
(عمره) اولد قلری و بر طاقیدخی نیت سابق اوزره ثابت بولند قلری کبی
(هدی) اولنردخی (حج) احرامنده باقی قالمشدر • مأموریت مخصوصه ایله
یمنده بولنان (ابوموسی) الاشعری (رضی الله عنه) حضرتلری بولمحلده
حجاج مسلمینه ملاقی اولوب «یا رسول الله بن نیتی نیت همایونکزه تعلیق
ایلد میدی • لکن بنم قربا نلغم یوقدر • عجباً بو خصوصده رأی سنیه کر
ندرز مینیه استفسار رأی ایتکه «مفرد بالحج یا خود (معتمر) طریقنه
سالك اول «جوابی ویرلمشدر • سنه مر قومه ذی الحجه سنک دردی
بازار ایرتسی کونی (ذی طوی) موقع محترمنه و اصل و صلوة (صبحی)
بعد الادا جهت (اعلا) و طرف (ثنية الکذا) ی (مکه) دن بلده طیبه
(خدا) به داخل اولوب بیت العلیای معظمه باب (شبه) خدا سنده منظور
نظر همایون اولمسيله برابر {اللهم زد هذا البيت تعظیما و تشریفا
وتکریماً و مهابة و زد من عظمه ممن حجه واعتمره تشریفا و تکریماً}
دعاسنی بعد القرائه مسجد الحرامه داخل و استلام (حجر الاسود) ه نائل
اولد قد نصرکه علی جناح الاستحجال اوچ دفعه طوافه اهتمام و هر بر
دفعه ده (رکن) یمانیه بی مسله (حجر الاسود) ی بالاستلام مراسم
طواف ایفا سنه اشتغال بیوردیلر • رکن (یمانی) اراسنده {ربنا

آتانی دنیا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار { دعاسنی ترتيله اقدام
و آمین دیمکده اولان اصحابله مراسم طوافی بالآتمام مقام (ابراهیم) «واتخذوا
من مقام ابراهیم مصلی» آیت جلیله سیله ایجاب واحترام اولند قد نصکره
مقام مشار الیه بیت مکرمله ذات محترمه لری میانه سنه اله رق ایکی
رکعت نماز ادا بیوردیلر که (رکعت اولیده بعد الفاتحه (سورة الکافرون)
وا یکنجی رکعتده كذلك فاتحه دنصکره (سورة الاخلاص) قرائت
اولنوب تکرار (حجر الاسود) استلامنه ابتدار قلند قد نصکره باب (صفاء)
طریقيله جبل (صفاء) به عزیمت و { ان الصفا والمروة من شعائر الله }
کریمه سی قرائت بیورلدیغنی متعاقب (صفاء) و (مروه) بيشده
(یدی) کره سعیله بیت اعظمه متوجهانزد (صفاء) . تکبیره ابتدار
و { لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدير } لا اله الا الله وحده
وان یجز وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده { دعاسنی ازب زبان
ایدوب كذلك (مروه) موقعنده دخی دعای سالف الذکر تکرار
قلند قد نصکره قربانلغی اولیانلر حقنده (خروج عن الاحرام) حلال
اولدیغنی وایرتسی کونی منایه توجه اولنه جغتدن اوراده (حج) ایچون
احرامبند اولمق لازمکله جکئی و (هدی) اولنلرک یوم (نحر) . دکین احرام
ایچره بولنسی اقتضای حالدن ایدوکنی بیانله «اگر شمدی معاوم
اولان اولدن مکشوف اولسه ایدی • قربانی (مدینه) دن کتورمزد •
واحرامی (عمره) به انصراف ایدرک سزکله برابر احرامدن چیقاردم »
بیوردیلر • علاوه • سراقه بن مالک (رضی الله عنه) نیت حج
فسخیله (عمره) به انصرافی ویاخود (بین الحج والعمره) قربان ذبحی
بالکثر بوسنه به فخصر اولوب اولدیغنی سؤال ایلدیکنندن «هر سنه
بویله اوله جقدر» جوابی ویرلمش وانامل مسعوده لرینی بالتشبیہ
{ دخلت العمرة فی الحج الی یوم التیمة } بیورلمشدر • انتها • بواثناده
جناب (حیدر) رضی الله عنه وارد اولغله نه کونانیت اوزره
بولندیغنه دائر ایراد اولسان سؤال همایونه «یا رسول الله فر ما نسأله

سعادتلرنده نیته دائر برکونا صراحت اولدیغندن نیت عاجزانه می نیت
سعادتلرینه تعلیق ایلیمشیدم » دید کده «بن کندی احرامی چه باغلیوب
برابر چه قربانلق دخی کتورمشیدم • سن کندی احرامک اوزره ثابت
اولوب هدیده بنم شریکم اول » جواب سامیسنه نائل اولد قد نصکره
جناب (خیر النساء) رضی الله عنهای احرامدن چیقمش ولباس فاخره
کیمش اولدیغنی کوروب معرض اعتراضده «احرامدن نیچون خروج
ایلدک» کی برسوزله ابراز انفعال ایلدیکنندن اراده همایون شرفسنوح
ایلدیکنی بیان و کیفیت قبل عالی جناب رسالتپناهیدن دخی تصدیق
واتیان بیورلمشدر • ماه مذکورک سکرنجی پنجشنبه کونی (منه) به
عزیمت بیورلدیغنی جهته (حجاج) مسلمین دن اولوب اقدیمجه احرامدن
خروج ایلدنلر اولکون نیت حمله احرامه کیره رک (منه) ده (ظهر)
و (عصر) و (اقشام) ایله (عشاء) نماز لرینی ادایه مداومت واول کیچه
اوراده بیتوتله (صبح) نمازینی بعدالادا طلوع آفتابله برابر (عرفه) به
متوجه اولوب (غره) نام موقعده ضرب اوتاغ قلنمشدر که اول
خطیب مسعود النفس (صلی الله علیه وسلم) حضر تلی وقت زوالدن
صکره (بطن وادی) نامیله متعارف اولان موقفه عزیمت وسوار اولدقلری
حاله خطبه • (معلوم اوله که بوآیده و بوکونده بوبلده اهالیسنه
یکدیگرینک قانلری وماللری وعرضلری حرام وامور جاهلیت ایفاسی
بتون بتون رفع والغا اولنوب ایام جاهلیته دو کیلان قانلرک اخذنار انتقامی
صددند • اولان ورثه مقتولینک ادعاری باطل اولوب بونلردن بری
(ربیع) بن الحارثک اوغلی قانیدر • ورباء جاهلین دخی باطلدر که
بونلرک اولی (عباس) بن عبد المطلبک رباسیدر • هر کس
منکوحه سی حقنده جناب حقندن احتراز ایتلیدر که (انلری امر حق
ایله تحت نکاح کزه الدیگز • وعهد حق ایله الدیگز • انلردخی سزک
حقکزه رعایه فراشکره آخری المقدن قورقلیدر • اکر آلورلر ایسه انلری
ضرب ایدک حتی اثر ضرب انلرک اوزرنده مشاهد اولسون • فقط
انلرک قدر معروف کسوه ونفقه لری سزک اوزر یکرنددر • و برده بینکره

وضع ایلدیکم شیئک احکامنه تمسک ایدرایسه کز کراهلق بولسه کز
کر کدر که (اول نسنه قرأندر • انتها) مألنده بر خطبه بلیغه تلاوت
بیورد قد نصرکه (یوم قیامتده بندن سؤال اولنسه کز کر کدر یعنی) محمد
(صلی الله علیه وسلم) سزکله نه وجهله معامله ده بولندی (دیو
سزندن صور یله جقدر • عجا جوابده نه دیه جکسیکز) بولنده ایراد
بیورد قلری سؤاله (حسن شهادت ایدرز که امور رسالت وامانتی ارشاد
ونصیحت بولیله حسن ایفا بیوردیکز) جوابی ویرلسی اوزرینه
انکشت شهادت لرینی جهت سمایه رفعله {اللهم اشهد اللهم اشهد اللهم
اشهد} (ای گروه اسلام آگاه اولک اوچ نسنه سینله لریکزی کینه دن
یاک ایدر که (بری عملده اخلاص) و دیگر (اسلامه نیک خواهلق)
وبری (دخی جماعت مسلمینه ملازمتدر) دید کدنصرکه صائم
اولد قلرینی ایما ایچون حضرت (عباس) ک (رضی الله عنه) والده
محترمه لری (ام الفضل) بنت الحارث الهلالیه (رضی الله عنها) نک تقدیم
ایلمش اولدیغی بر قدح سوده رغبتمای تناول اولدیله • بعده براذان
وایکی اقامتله صلوٰة (ظهر) و (عصری) بروقتده ادا وجلسوار
اوله رقی (قبله) یه متوجهها محل موقفه عزیمتله نهایت مبالغه والاحاحله دعا
بیوروب «دعائک اعلاسی (عرفه) کونی اولنان دعا اولوب افضلیت
جهتیه انبیای کرامک دوام ایلد کلری دعا ایسه {لا اله الا الله وحده
لا شریک له له المملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدير} عبارات
سلیسه سیدر • وحق تعالی حضرت لری عبادینی یوم (عرفه) دن زیاده
جهنمدن آزاد ایلدیکی بر کون یوقدر • تحقیق بودر که آنک رحمت
ولطف الهیه سی (عرفه) جعه سنده اهل (عرفات) ه قریب اولوب حتی اول
محلده بولانان (مؤمنین) ایله (ملائکه) کرام مباهات واولنان دعائهمایله قبول
واجابت بیوریلور • وشیطان علیه مایستحقق کندونی بو کوندن زیاده
حقیر کوردیکی بر کون یوقدر • زیرا جناب حق قوللری اوزرینه
نزول ایدن رحمتی کورر • وکناه کبارک مر حمة عفویورلدیغنی بیلور •
شوقدر وار که روز ظلمتسوز (بدر) ه حضرت جبریل (علیه السلام)

الشکر اسلام اوکننده بولمشددر) دیوب فوائد غزای بدری تفصیل بیوردیلر •

وقوعات

(یوم مذکورده بر حرارت مفرطه واقع اولمغله صحابه دن بری سوار اولدیغی
(دوه) دن دوشه رک وفات ایلدیکندن شرف صدور ایدن اراده عالی
اوزرینه احرامیله تکفین وتد فین اولندی • وکفی تعطیر اولنمیوب باشی
دخی آحق براغلمش اولدیغندن روز قیامتده صدای (لیک) ایله حشر
اولنه جغی ذکر واتیان بیورلدی • انتها)

بعده وقوعبولان التماس اوزرینه طائفة (نجد) یه دن برینه
مناسک (حج) تعلیم وهر کس موقفنده بولمنسی امر و تفهیم
بیور لمغله بر موجب اراده عمل اولندیغندن «بو کون دینکره
اکمال ویردک که (بعده انک احکامنه خلل کلز) وهدایت واکمال
(حج) ومشرکین دن اطمینان ایله نعمتمزی تمام ایتدک •
وسزک ایچون ادیان پيشنده دین اسلامی اختیار ایتدم» مفاد کریمنی
شامل اولان {اليوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت
لکم الاسلام دینا} آیت جلیله سی نازل ووجدان همایونده داروصاله
انتقال ایلمک اطلاق حاصل اولمغله غروب شمس قدر عرفاتده آرام و(اسامة)
بن زیدی (رضی الله عنه) ردیف مطیه ایدرک (مز دلفه) یه کیدمک اوزره
قیام بیوردیلر که (اقشام) و (یاتسو) نماز لرینی دخی (مز دلفه) ده
کذلک اذان واحد وایکی اقامت ایله ادا ایدرک واولکیجه (که جعه
ایرتسی کیجه سیدر) محل مذکورده بیتوتت وصبح نمازینی بعد الادا
(مشعر الحرامه) عودت ایدیلر رک متوجهها الی القبله دعا یه درکار وخبیر
اجابتی اخذ ایله نائل مسار اولدیله • بعد طلوع الشمس (فضل) بن
العباس (رضی الله عنهما) بی دوه لری اردینه الوب (مشعر الحرام)
موقعندن حرکت بیورد قلرندن ملاحت جماله مالک اولان (فضل)
مشار الیه حضرت لری (خشم) قبیلله سی نسوانندن ایفای حجة عدم
اقتداری درکار اولان اختیار پدینه بالوکاله (حج) ایلمک خصوصنی

استیذان وجواب نعمله جواز و کالتہ اکتساب اطمنان ایدن بر خاتونک
رفاقتندہ بولنان ملیحۃ الجمال نسوانہ احالہ جاسوس نظر ایلدیکی جہتلہ
وجہ منورہ سی مداخلہ دست حکمت پیوستلہ دیگر جانبہ امالہ ایلدیلہ رک
و (بطن محسر) موقعندہ را کب اولد قلری (دوہ) بی الغار ایدرک
(جرہ) کبرایہ منتهی اولان طریقندن مرور ایلہ (شجرہ) قربندہ
کائن (جرہ) یہ موصلت و در عقب (جرہ) انداختہ مبادرت بیوردیلر
(عبداللہ) بن عباس (رضی اللہ عنہما) نک ذات اقدس ہمایون ایچون
حصای خذف کبی جمع ایلدیکی اوفق طاشلردن (یدی) عددی
انداخت اولنوب ہر طاش عقبندہ قطع (تلبیہ) و اجرای تکبیر
خصوصی تو صیہ بیوردیلر • استطراد • جناب (بلال) و (اسامہ)
(رضی اللہ عنہما) کہ (خدمت مقدسہ ہمایوندہ ایلدیلر • بری جام دوہی
طوڑ و دیگر لبا سیلہ آفتاب جہانتاب رسالت (علیہ التسلیم والتحیۃ)
حضر تارینہ سایا نلق ایدردی • تم الاستطراد • اشبو محلدہ (تحریم
دماء و اموال و اعراض) موادمعتاسنی شامل بر (خطبہ) بلیغہ دخی
تلاوت (وعرفہ) کونندہ ایراد بیورلمش اولان (خطبہ) نک جامع اولدیغی
نصایح و اوامر دن فضلہ اولمق اوزرہ اوامر اولوالامرہ اطاعت اولنمنسی
اعلان و اشاعت بیورلد قد نصکرہ خروج دجائی و کیفیت شمائلنی اخبار
ومتابعندن انذار بیوردیلر • بعدہ (حق) تعالی زمین و آسمانی ابتدای
خلقتندہ نہ ہیئت اوزرہ خلق ایلدی ایسہ شمدی ینہ اول ہیئتہ رجوع
ایلدی بر سمنہ اون ایکی ماہ اولوب بو نلردن یکدیگرینی متوالی اولان
(ذی القعدہ) و (ذی الحجہ) ایلہ (محرم) اشہر شہور اولوب منفرد بر شہر
دخی وارد رک (جمادی الاخرہ) ایلہ (شعبان) اراستندہ بولنان (رجب
المرجبدر) تیز اولہ کہ اللہہ ایریشہ جکسیکز (حق) تعالی سزندن
اعمالکزی سؤال ایدہ جکدر • کر کدر کہ بندن صکرہ بر بریکز ایلہ مقاتلہ
ایتمہ سک • و بر بریکز بولنی اورمق ایلہ وادی ضلالت و کراہی یہ
کتبہ سک {الاهل بلغت} بیورملری اوزرینہ «یا رسول اللہ تمام تبلیغی
اہم اولان احکامی اتمام بیوردک» جوابی ویرلد کہہ «اکہی شاہداول»

دید کد نصکرہ سزلردخی حاضر بالجلس اولیان دین قرداشلریمزہ
بوسوزلری ابلاغ ایدک • زیرابوسوزلری سزندن استماع اید نلردن نیجہ
کسہ لر اولور کہ بندن استماع ایلانلردن زیادہ حفظ و ضبط ایدر
بیوردیلر • بعد ازیں قربان موقعندہ عزیمت برلہ ذات اقدس لریلہ
(مدینہ) دن و جناب (حیدر) رضی اللہ عنہلہ ینندن وارد اولان (۱۰۰)
رأس دوہ دن بالذات سن شریفلری عددینہ مطابق اولمق اوزرہ
(۶۳) دوہ و بہر خاتون ایچون دخی (برر) دوہ ذیلہ (اوتوزیدی)
دوہ نک ذیلنی دخی جناب مرتضا (رضی اللہ عنہ) فرمان بیورد قد نصکرہ
سنت تراشی اجرا و موی مقطوع سرمبار کلرینک نصف مقدارینی
(ابوطلمحہ) انصاری یہ و باقیسنی علی مراتبہم (زوجات) مطہراتیلہ
اصحاب سائرہ (رضی اللہ عنہم) و ناصیہ مبارک لری موی کلورین
استدعای واقعہ سی اوزرینہ (خالد) بن الولیدہ (رضی اللہ عنہ) اعطا
بیوردیلر • (بیت) زلف بریدہ راچوکنی تار تار بخش * تار بیعاشقان
سیہ روز کار بخش) بوندن صکرہ باشنی تراش ایدن (حجاج) ایچون
اوچر و صاچلرینی کسنلر ایچون برر دفعہ دعا و قراین مذبوچہ لرندن
مطبوح برر پارچہ لحومی جناب (حیدر) رضی اللہ عنہ برابر اولدیغی حالہ
بعدالتا ول اجرت قصایہ بی بالاعطا (دوہ) رک (لحوم) و (جارد) لریلہ
(پوست) لرینک تقسیم اولنمنسی (حیدر) کرارہ (کرم اللہ وجہہ) بالا حالہ عرفاتک
(بطن عرنہ) دن و (مزدلفہ) نک (بطن عمر) دن غیری ہر بر محل
موقف اولدیغی و (منا) ایلہ (مکہ) نک ہر بر موقعی قربان بری بولندیغی
اشاعہ بیورلمشدر • بالآخرہ تعطیر جسم مبار کہ لرینہ رونمای اشتغال
واویلہ نمازینی بعد الا دارا بکا داخل حر مسرای متعال اولوب سوار
اولد قلری حالہ افاضہ (طوافی) ایفا بیوردیلر کہ (اسان شرعدہ اشبو
طوافہ (طواف صدر) تسمیہ بیورلمشدر • بعدہ (بئر) زمزمہ قریب
بر محلہ اقامت برلہ «ای (بنی عبدالمطلب) زمزم چکک کہ اگر ازدحام
ناس خاطرہ سی اولسہ بالذات بندخی چکدرم» مقالہ سیلہ بر مقدار
(زمزم) شریف ایچوب نیز (سقایہ) رغبت بیورلمشدر •

وقوعات

بواشاده جناب * صدیقه * بنت ابی بکر (رضی الله عنهما) عادت نسوانیه دن
تطهیر وجود ایدرک مطهر طواف بیت اعظمی سعبه باشمشدر * انتها *
* علاوه * (تراش) اولنک (ذبح) اوزرینه و ذبحک دخی (طواف
افاضه) وانک (رمی) اوزرینه تقد منی سؤال ایدنلره «جائزدر وکاه
دکدر» جوابی ویرلدی * انتها * لسان شرعده ایام (تشریق)
وایام (منای) تعیر پیوریلان (جعه ایرتسی کوننک کیجه سنده)
(یکشنبه کیجه سی) و (کوند زنده) و (دوشنبه کونلرنده) و (سه شنبه)
کیجه و (کوند زنده) مناده اقامت وکل یوم بعدالزوال هر جهره «لسان
شرعده» (مکه) مکر مه ده طاش آتلق اوزره تعین اولنان (محلله و آتیلان
اوفق طاشلره) جهره دینور» ایچون (یدیشر) طاش انداخته مداومت
پیورلشدر * که (ابتدای ربی) (جهره) یه سنک انداز اولوب بعده دعا ایچون
بر مقدار توقف نصرکه (جهره وسطی) ایله (جهره عقبه) دخی اواصورته
ایفا اولنه رق هر طاش عقبنده بر تکیر کتورلشدر * عید شریفک
ایکنجی (یکشنبه) کونی که اکا (یوم الرؤس) ودها ایرتسی کونکه اکا دخی
(یوم الارکاع) دینور * اشبو کونلرده برر (خطبه) بلیغه دخی تلاوت
و (ذوی الارحامه ایلاک ایدلمسی) وصیت پیوریلوب (عباس) لک بن
عبدالمطلب (رضی الله عنه) التماس واقعده سی اوزرینه (سقایه زمزم)
مأموریتله (مکه) مکر مه یه عزیمت ایلمسی فرمان پیورلشدر * ایام تشریق
یوم آخری اولان (سه شنبه) کونیکه اولکونه (یوم النضر) دخی دینشدر *
(ابطح) تعیر اولنان (محصب) موقعی تشریفه رغبت (وچهارشنبه)
کیجه سی محل مذکورده بیتوت پیوریلره رق قبل الطواف (دارالهجرة)
عالی یه متوجه قیام پیوریله جغی اعلان اولنه رق علی السحر
حرم محترم (خدا) یه عودت و طواف وداعی بعد الایفا (کدا) اسمی ایله
مسمی اولان طریق واسعدن (مدینه) منوره یه توجیه وجه رجعت
پیورلشدر * علاوه * (مکه ده اقامت اولنان ایام عشره ده اوقات
مفروضه قیلنورکن اهل (مکه) یه «آموصلو تکم یا اهل مکه فانا قوم

سفر» پیورلردی. انتها» انشای معاودتده نواحی (جغه) دن
(غدیر خم) مرحله سنده نماز ظهری بعدالادا «بن مؤمنلرک کندی
نفسلرندن اولی دکلم» و قول آخرده «بنی عالم اخیاه دعوت ایلدیلر *
بندخی اجابتله عالم عقبایه کیده جک اولدم * آگاه اولک سنلرک آراکرده
قرآن و اهل بیت کبی ایکی اعظم نسته براقدم * بند نصرکه کورک
واحتیاط ایدک که اول ایکی امرده نه یوزدن سلوک ایتسه کز وانلرک
حقوقی نه کیفیتله رعایت قیلسه کز لایقدر * تاحوض کوثرکا رنده
بکا ایریشجه یه قدر اول ایکی امر یکدی بکرندن مفارقت ایتسه کرکدر *
حق تعالی حضرتلری بنم مولامدر * و بن جله مؤمنلرک مولا سیم»
نطق مبارکه مسعوده سنی بالایراد (حیدر) لک (رضی الله عنه) ید
عالی لرندن طوتوب {من کنت مولاه فعلى مولاه} اللهم وآل من وآله
وعاد من عاده و اخذل من خذله و انصر من نصره و ادرا الحق معه
حیث کان { پیوردیلر * (ذوالحلیفه) منزلنده بر کیجه اقامت و ایرتسی
کونی طریق (معرس) دن (معرس فتح را ایله مدینه یه (۶) میل اوزاق
برمر حله اسمیدر) حرکت اولنه رق شهر شهید دارالهجرة (مدینه) قرین
نظر همایون اولدقده {لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد
وهو علی کل شیء قدیر} آئون تائبون عابدون ساجدون ربنا حامدون
صدق الله وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده { دعا سنی قرائتله
عرض بشاشت و براز نصرکه جه سوادعالی (مدینه) یه مواصلت پیورلشدر *

مقاله { ۷ }
جریر بن عبدالله بجلی نک (رضی الله عنه) ذوالکلاع بن ناکور *
اوزرینه سوق اولدیغی بیاننده در *

(طائف) امر اسندن اولوب ادعای الوهیت و برجم غفیری ادخال
دائرة تبعیت ایلش اولان (ذوالکلاع) بن ناکوری ضیافخانه ایمانه
دعوت ایلک اوزره (عبدالله) بجلی (رضی الله عنه) مأمور پیوریلوب
لکن مشار الیهک آرامگاه (ذوالکلاع) مواصلتی ارتحال نبوی غائله
راحت زائله سنه راست کاریکندن عهد استیماله حواله قلمش اولان

خدمت عظیمه نك ايفای مقتضاسته موفق اوله میوب عودت ایلشدر •
 اقوای اقوال مفادینه نظرا (ذوالکلاع) مذکور جناب (صدیق)
 اکبرک (رضی الله عنه) نهایت خلافتلرینه دکین خیمه نشین شرک اولوب
 (عمر) بن الخطابک (رضی الله عنه) ابتدای خلافتلرنده (۱۸۰۰۰)
 غلامیله برابر بلادعوت (مدینه) به عودت و حصار متین اسلامه دخالت
 ایدوب چرکاب کفر و ضلالتدن خلاص اولدیغنه متشکرا (۴۰۰۰)
 غلامی آزاد ایله مشار بالبنان اولمشدر • (خلیفه مشارالیه) (ذوالکلاع) ک
 سلسله اسارتنده قالان غلاملری بهارینک نصفی پیشین ویرلمک
 ونصف دیگریدخی (شام) و (يمن) اموال میریه سندن تأدیه ایدلمک
 شرطیله طالب اشترا اولد قده مشارالیه لاجل الملاحظه چند کون
 استمهال و ایرتسی کون کافه سنی بردن میدان فسیحه لارجای حریتیه ایصال
 ایلدی • مشارالیه برکون «یا امیر المؤمنین یوما من الايام ذاقه عبادت
 ایدن اقوامدن بالا ختفا یو کسک بر محمدن عرض دیدار ایلد میدی (که
 اول کون بنی یوز بیکه قریب خلق رؤیت و در عقب سجده گذارلغه
 مسارعت ایلدیلر) عجب اولصورته مرتکب اولدیغیم کاهی جناب
 (حق) عفو ایدرمی» دیدیکندن «درگاه عزته اخلاصه توبه و انابت
 وزمین دلدن بیخ کاهی قوبار مغه غیرت ایدر ایه کز هر تقدیر یوک
 کاهکز اولسه دخی موجب عفو و مغفرت اولور» جواب صوابی
 ویرلشدر • استطراد علوان بن داودک (رضی الله عنه)
 ایام جاهلیته تقدیم هدایا ضمیمه نزد ذوالکلاعه کوندرمش
 اولدیغی آدمی برسنه قدر ذوالکلاعه قصری اطرافنده آرام ایله
 مشاهد دیداری اوله مامش و نائل امال اولمق اوزره بالضروره بر از مدت
 دهها اقامت ایلش اولدیغندن برکون اطراف قصرنده تجمع ایدن
 سبک مغزان خلقه عرض دیدار و خلائق متخشده دخی ایفای سجده به
 ابتدار ایلسیله ترک سلطنت و اسلام اولغه موافقت ایدرک و بر پارچه
 لجم آلوب اسنک ترکیسنه تعلیق ایلیرک «اف للذین اذا کان کذا» •
 (انامها کل یوم فی اذا) • (ولقد کنت اذا قیل من) • (انعم الناس

معاشا قبل ذل) • (ثم بدلت بعیش شقوة) • (حبذا هذا شفاء حبذا)
 ایباتنی او قومش و کورنلر حقیقت حاله استغراب ایلشدر) • تم الاستطراد

مقاله { ۸ }

ابراهیم بن النبی علیهما الصلوٰۃ والسلامک وقعه وفاتی بیاننده در

جناب (ابراهیم علیه رجة الکرم) حضرتلری بریاشلرینه قریب
 اولدیغی و (دایه) لریام (برده) نك سعادتخانه سنده شرفقیم بولندیغی
 حالده عازم کلشنسرای عقبا و لمشدر که (بشیره مبارکه لرند اماره موت
 رونما اولدیغی پدر معالی کهرسامیلرینه عرض و اخطار اولد قده
 نزد سعادتلرنده بولنان (عبدالرحمن) بن عوف ایله (رضی الله عنه) خانه
 مشار الیهایی تشریفه رغبت و حضرت (ابراهیم) ی (رضی الله عنه)
 آغوش مادرندن اخذ ایله بکایه مشابرت بیوردقلرندن ابن عوفک
 «یا رسول الله بزی بکای میتدن تحذیر بیوردیکز» حالبو که بواثناده اولان
 بکا کزه باعث ندر» بولنده ایراد ایلدیکی سؤالنه «حال میتی تأمل
 جهتیله مشهودک اولان حالم میت حقیقه رجندر • یوقسه نهی اولنان
 (ایکی) شی اولوب بری (مزامیر) شیطانله اولان نغمه لهو و لعب ایتک
 و دیگری مصیبت ملابسه سیله جاک سیننه و کربان ایلکدر • زیرانم اشک
 چشم اثر رقت و مر حمت اولوب چونکه مر حمتسز آدمه مر حمت اولمان
 جوابنی بالا عطا «یا ابراهیم (رضی الله عنه) موت دنیلان کیفیتا کرچه
 امر (حق) و وعده مصدق اولسه وعن قریب جله مزک وفاتی
 مقرر بولمسه ایدی • سنک اوزر بیکه دهها زیاده اظهار حزن و غم ایلردم»
 نطق جکر خراشنی ایراد ایدوب ذات اقد ساری برابر اولدیغی حالده
 (دایه) مشار الیهها و قول اخر مفاد نیجه (فضل) بن عباس (رضی الله عنهما)
 و ساطتیله غسل ایتدرلمش و (ابن عوف) دخی (رضی الله عنه) صود و کک
 خذ متنده بولمشدر • بالاخره جنازه نمازینی ادا و حفر اولنان قبره القا
 اولد رقی اوزرینه صود و کدیرلشدر (که بوندن اقدملری قبور اوزرینه
 صود و کک اصولی غیر مسبوقدر • استطراد جناب (ابراهیم) ک
 (رضی الله عنه) رحلت بیوردیغی کونی بالتصادف (کسوف شمس)

وقوع بولغله خلق طرفدن اشبو کسوف و قوعی رحلت مشارالیه علامت
ماتم عدد اولندیغی (خطیب انبیا علیه اکل التحایا) افندیمر حضرت تلیزینک
واصل سامعه سی اولدقد ه منبر شریفه بالارتقا بعد و ثنا «خسوف
قر» و (کسوف شمس) ماده لری نشانه عظمت (خدا) اولوب هیچ فردک
حیات و مماتنه اشارت اولدیغندن و جناب (قادر مطلق) قوللرینی اولصورتله
تحدیر ایلکده بولند یغندن شوایکی امرک برینی مشاهده ایدنلرک (الله
تعالی) حضرت تلیزینی ذکر و توحید ایلک و اعتناق غلامه و اعطای صدقه یه
مسارعت ایتک لازمکله جکی) مانده بر خطبه مفیده بلیغه تلاوت بیوردیلر.

﴿مقاله﴾ {۹} ﴿جبریل﴾

﴿امینک﴾ (علیه السلام) انسان صورتند زول

﴿ایلمش اولدیغی بیاننده در﴾

برکون بیاض البسه لو بر محبوب مستثنا مجلس ملائک انیس همایونه ورود
و محبوب رب العالمین (علیه الصلوة والسلام) حضرت تلیزینه اعطای
سلامله اتصال جناب رسالتنهایلرنده قعود ایدرک و ایکی النی بردن ذات
عالی نبوی اوزرینه وضع ایلیرک ایمان و اسلامیه و علایم قیامته
دائر برطاقم مسائل مشکله ایراد ایلدکدن و برنج شرع
شریف اخذ جواب ایتدکدن صکره عودت ایلش اولدیغندن
لاجل التعقیب کوندریلان شخصلر مشارالیه غائب ایلدکلرینه دائر
عرض اولنان معلومات اوزرینه «اول مکسنه جبرائیل (علیه
السلام) اولوب بو آنه قدر هر نه صورتله وارد اولدی ایسه تشخیص
ایلدیم ایدی • لکن بودفعه بیله میوب شمعی غیبوبتی جهته (جبرائیل)
اولدیغی حس ایلدم» بیورلش و دیگر روایت مفادینه کوره او جکونصکره
اول محبوب مورودک جبرائیل (علیه السلام) اولوب امت (احمد) یه یه
تعلیم دین ایچون زیور آرای موقع نزول اولدیغی بیلدیرلشدر •

﴿فصل﴾ {۱۲} ﴿در بیان وقایع﴾ {۱۱} ﴿سنه هجریه﴾

﴿مقاله﴾ {۱} ﴿دعوی نبوت ایدن اشخاص بیاننده در﴾

﴿دعوی نبوت ایدن اشخاص بیاننده در﴾

(حجة الوداع) سفری عودتنده طیب خسته دلان امت (علیه التسلیم
والحیة) افندیمر حضرت تلیزین مرض موتدن غیر برعلته دوچار اوله رق
مزاج فیض امتزاج کریمانه لرنده نوعما تغیر حاصل اولدیغی اقطار
عربستانده تواتر بولغله برطاقم سبکمزاجان اعرابده دعوی نبوت
شائبه سی ظهور ایتدی • که بو افکارده یعنی نبوت دعوا سنده
اوللرک بری (رحمان یمامه) لقبیه شهرت پزیر اولان (مسئله
الکذاب) اولوب «بکا القای وحی ایدن شخصک اسمی رحماندر»
دیو اعلان ایدردی • (مسئله) مذکور اوننجی سنه هجریه
خلالنده (بنی حنیفه) جماعتیه (مدینه) یه کتمش و رفقا سنک
جمله سی مجلس عالی یه دخالتله مسلمان اولد کلرینه کوجنوب «اگر
(محمد) (صلی الله علیه وسلم) کندند نصکره امور حکومتی بد
استقلالیتنه تفویض ایدرایسه بنده اکامتا بعت ایدرم» دیدیکی
سامعه همایونه ایصال قلمش اولدیغندن سلطان الثقلین (علیه الصلوة
والسلام) افندیمر برطاقم احبابیله منزل مر قومی بالتشریف
«ای مسئله» اگر چه المده کی خرما دالنی دخی استرایسک و یرم •
سن ایسه (حق) تعالینک تقدیری دائره محدودده سنی تجاوز زاید مز سین •
اگر بند نصکره صاغ قالور ایسه ک دخی (حق) تعالی حضرت تلیزین البتده
سنی هلاک ایلسه کر کدر • زیرا سن شول مکسنه سین که واقعه مده
بیان اولندک» مقاله سیله اتی الذکر واقعه یی توضیح بیوردیلر ایدی •
﴿واقعه نبوی﴾ صلی الله علیه وسلم افندیمر حضرت تلیزین عالم معناده
دودست کریمنده ایکی التون بلازک) کور و ب غمکین اولدیلر •
ناگاه بلازکلره اوفورلسی اشارت و اولصورتله حرکت بیورادیغندن
بلازکلرک ایکیسی بردن محو و نابید اولمشدر که (بونک بریسی صاحب
(صنعا) اولان (اسود) و دیگر ی صاحب (یمامه) اولان (مسئله)
ایله تعبیر بیورلدی • انتها» روایت آخر مفادینه عطف نگاه دقت
اولنور ایسه (مسئله بادی) امرده اسلام اولوب آنفا بیان اولندیغی
وجهله عهده سنه امر حکومتک تفویضی رجا و التماس واقعه سی

رَد و جرح بیور لمغله ناحیه سینه عزیمتله اتی الذکر مکتوبی بالتحریر
مقام معلای رسالتله سوق و اسرا ایلدیکی اکلا شیلیور •

﴿ صورت مکتوب مسیله ﴾

﴿ خدا نك رسولی مسیله جانبندن یازلمشدر • محمد رسول الله
اما بعد زمینك نصفی بنم و نصف دیگر قریشکدر • لکن قریش
تعدی و تجاوز اید یوری (انتها) ﴾

اشبو مکتوب مشوش اسلوبی کتورنر قبل (سید) البشر (علیه
صلوة الاوفر) دن ایراد یسورلمش اولان ﴿ بنم رسالتله سزك
اعترا فکز وارمیدر • و مسیله حقینه اعتقاد کز نه صورتله در ﴾
سؤال عالی به ﴿ ذات عالیکزك (پیغمبر) اولدیغنی و نبوت خصوصینه
(مسیله) نك ذاتکزه شریك بولندیغنی اعتراف و اعتقاد ایدرز ﴾
جوابی و یرد کلرندن مر قوملری ﴿ اگر الجی اولسه کزایدی • سزی
قتل ایدردم ﴾ بولنده تحذیر و صورت شریقه سی اُتیده محرر
مکتوب صحت اسلوب عالی بی بالتسطیر مر قومله تود یعا تسیر بیوردیلر

﴿ صورت مکتوب عالی ﴾

{ بو مکتوب محمد رسول الله جانبندن یازلمشدر مسیله کذابه •
اما بعد تحقیق بودر که زمین جناب حقکدر • دیلد یکنه و یرر •
و خیر لو عاقبت دخی پرهیز کارلر کدر • اهل (یمامه) بی هلاک ایلدک •
الله تعالی سنی و سکا تابع اولنلری هلاک ایتسون • انتها ﴾ لکن مسیله یننه
متنبه اولیوب کفر و عنسادنده اصرار و ثبات ایلدی • حتی نبوتنی
اعتراف ایدن (۱۰۰۰۰۰) ی نبجاً و زخلق اقناع واسکات
ایچون ترتیب ایلش اولدیغنی کلمات موهومه و عبارات مز خرفه بی
جعله بعد انتقال النبی حاشا کلام الله مقامنده قرائت و معجزات
نبوی عکس اوله رق خوارق عاده عجیبه اظهارینه غیرت ایدوب
چونکه علم نیر نبیاتی به واقف اولدیغندن اغزی طار شیشه ره
یمورطه ادخال و طیور مقطوع الا جنحه قنادلرینی وصل
ایله عرض مباهااته اشتغال ایدر • و طاغلردن سودلو آهولرک کندوسنه

تقدیم شیر ایلدکلرینی معرض افتخارده ذکر و اتیان ایلر ایدی •
﴿ ومن الخوارفه ﴾ نسواندن بری ساکنه اولدیغنی (ناحیه) سی (قیو) لری
صویونک فیضان ایلسی و خرمارینک مطلوبه موافقت اوزره ثمره بخش
حصول اولسی ضمینه تمنای دعا و اگر چه ﴿ حضرت (خاتم الانبیا
علیه افضل النبیایا) حضرتلری اول صورتله دعا بیورسه ایدی البتده
اثر اجابت مشاهده اولنور ایدی ﴾ افاده سیله اثبات مدعا ایلدیکندن
صلی الله علیه وسلم نه کیفیتله دعا بیوردقلرینی استجوابله ﴿ برقیودن
صوچکد یروب بعد الدعا اول صوابله مضمضه ایدرک ذکر اولنان
صوی بی نه محله اعاده ایلردی ﴾ سلیقه سنده اخذ جواب ایتش
اولدیغندن مر قومنه نك قیوسنه اولوجهله دعا ایتسیله قیونک صوی
بتون بتون منقطع و ناپیدا اولمشدر • (دیگر) بر حریف کوچک
اوغلانی مس ایتدیر مسیله چوجغک باشی کل اولدی • و حتی هر قغنی
صمینک باشی مسله اغزینه وضع انکشت ایلدی ایسه لسانلرنده آثار لکنت
ظهور ایلدی • (دیگر) بر کشته دعا ایلدیکی ایکی جوچوغک بری
در عقب هلاک اولوب دیگرینی دخی بر جانور بیابانی تلف ایلمشدر •
(دیگر) بر آدمک کوزینی مس ایتسیله حریفک ایکی کوزی بردن علت
عمایه دوچار اولدیغنی کبی آبدست ایچون استعمال ایلش اولدیغنی
صویک لاجل البر که دو کیلان بوستانده الی الاید اوت بتادی •

﴿ مقاله ﴾ { ۲ } ﴿

﴿ خالد ابن الولیدك (رضی الله عنه) مسیله کذابه مأمور مقاله ﴾
﴿ اولدیغنی بیساننده در ﴾

(ابابکر) الصدیق (رضی الله عنه) خلال خلافتده (۲۰۰۰۰) عسکرله
(خالد) بن الولیدی (رضی الله عنه) مسیله کذاب اوزرینه تعیین ایلش
اولدیغندن مشارالیه آرامگاه مسیله به عزیمت و مقابله ایدن (۴۰۰۰۰)
پهلوانله اشغال نأره مقاتله و مبارزت ایلدیکندن جانب اسلامیانندن
(۱۰۰۰) و طرفی مخالفیندن (۱۰۰۰۰) کسینه مقتول اوله رق بادی
امر ده جهت اسلامیانده مغلوبیت رونما اولدیغنی و بالاخره جیوش

مسئله بوزولدیغی حالده (حربه) وحشی و بر (تیغ) انصاری واسطه سیله
(مسئله) کذابک وجودی پاره پاره قلمشدر • استطراد • منقولدر که
اشبو مقاتله ده دردست اولندرق نزد عالی امیرالمؤمنینه اعزام قلنان
اصرادن (مسئله) نک «قرأندر» دیو تعلیم ایلدیکی عباره لر سوال
اولند قده «یا ضفدع نفی نفی الی کم تنفین لا شراب تشرین
ولا الماه تکدرین ولا الطین تفارقین ولا العذوبه تمتعین لنا نصف الارض
ولقریش نصف ولكن القریش قوم یعتدون» و سوره (والذاریات)
نظیره سی اولمق اوزره «والذاریات زرعاً والحاصرات حصراً
فالذاریات فمخا فالطاحنات طحناً فالخازنات خزناً فالشاردات ثرداً
فاللائحات اهالاً» و سمنه ولقد فضلت علی اهل الوبور و ما سبقکم
اهل المدر» ترهاتی قرائت ایلشدر (تم الا استطراد •

نبوت کاذبه سجاح

دعوی نبوت ایدنلرک بری دخی (سجاح) نام مره در که (بنی نعلده)
دعوی نبوت وخیلوجه کسانی داخل دائره تبعیت ایلدی • سالف
الذکر (مسئله) سجاحک ادعای نبوت ایلستندن دلکیر اولوب ایلروده
توابعی چو غالورده کند و سمنه غلبه چالار ملا حظه سیله ایشک اوکنی
المق اوزره تزیینات نسوانیه به دایر بر مقدار هدایا تدارکیلله سجاحه
بالواسطه تقدیم ایلشیدی • هدایای متقدمه سی نزد سجاحده قرین قبول
اولدیفندن رضای طرفین ایلله مزبوره بی تزوج و میانه لرته مهر مجمل
و مؤجل اوله رقی امتلری اوزرندن صلوة (عشا) ایلله نماز فجر
اسقاط قلمش و مزبوره (مسئله) نک هلاکنه دکن فراش ازدواجنده
وعصر (معاویه) به (رضی الله عنه) قدر قصر صحت و عافیت دائره شده
قالوب مشارالیهک زماننده عرض ایمان ایلله مقبول الاسلام اولمشدر •

نبوت کاذبه اسود

بریسیدخی (اسود) ذوالجمارد که معروف کهنه دن و عجایبات آتیه
اخبار ایدنلرک مشهور لرندن اولوب کهناتی جهته بین الاهالی کرکی کبی

اشتهار ایتشدر • سید البشر (صلی الله علیه وسلم) جانب سامیستندن
ممالک (صنعاء یمن) اداره سنه مأمور ییورلمش اولان (ملک)
بازانک وقوع ارتحالی سالف الذکر (اسود) روسیاه بالاستخبار دائره
بیعتده بولنانلری جمع ایدرک ممالک مذکور اهالیسیله اشغال ناره جنک
وجدال و اقلیم مذکور حوزة تصرفته ادخال ایلله ملک مشارالیهک
زوجه سی (مرزبان) بی استفراش ایلد پکندن (مراد) طاقه سی
مأموری (فروه) ایلله نواحی یمنده مأمور ایکن مهاجته (اسوده) تاب آور
مقاومت اوله میوبده فرار و (مأربده) مقیم (ابوموسی الاشعری)
نزد سامیستنده قرار ایلش اولان (معاذ) بن جبل (رضی الله عنهم)
حضراتی وقوع عالی خاکای معالی احتوای حضرت رسالتناهی به
بالاشعارنه وجهله حرکت ایدلسنی استفسار ایدوب «قادر اوله بیلدیکیز
صورتله مر قودک دفع شرینه اهتمام ایدک» نهجند بر جواب
الدقلری جهته جمع عسکره استعجال و بر مناسب واسطه و ساطیه
«باباکی وزوجک ملک (بازانی) هلاک ایدن (اسود) روسیاهله
دهانه زمانه دکن معاشرت ایده جکسین» خبرینی اسودک زوجه
لاحقه سی (مرزبان) به ایصال ایلدیلر • (مرزبان) ایسه «اسود
بکا بغض خلق الله اولمغله دنیاده آندن بیوک دشمنم یوقدر عی زاده
(فیروز دلیلی) و بر طاقم دلاوران ساره فلان کیجه کلوب (اسود)
رهین خواب ایکن دیواری دله رک درون خانه به داخل و مر قوی قتل
ایلله مقصد قصویه نابل اولسونلر که (بوخصوصده بندخی سزکله
متفق اولد یغمی تعهد ایدرم» جوابی ککوند رمش و اول کیجه
اسودی تحملندن زیاده شراب ایچرمکله کندینه مالک اولیه جق
بردرجه به کنورمش اولد یغندن عی زاده سی (فیروز) لیل معهودده
(مرزبان) دن مورود تعلیمات موجب جه حرکت و (اسود) ی قتل ایلله
احراز مراتب دنیا و آخرت ایلدی • استطراد • (اسود) بوغازلورکن
صفر آوازی کبی عجیب برصدای مهیب ظهور و قیوسنده نوبت گذار
اولان (۱۰۰۰) نفر پاسبانانی تحقیق کیفینه مجبور ایتمکله (مرزبان) نک

«سكوت ايدك» كه پيغمبر يكره القاي وحي اولده يوري «ديمسي پاسبانلري شبه دن قور تاروب لكن على الصباح اذان ورن (مؤذن) اسودك ايشي بتورلديكنه مطلع اوله رق {اشهدان (محمد) رسول الله} ديد كدنصره {وان عياله الكذاب} عباره سيله (اسود) روسيا هك قتل اولديغني اعلان واشاعت ايلش واولبايده مأمورين نبوي طرفندن كوندريلان عريضه رحلت همايون وقوعندن بركون اولجه (مدينه) يه واصل اولشدر • معجزه • مكتوب مارالبانك ورودندن آز بروقت اولجه «بوكون اهل يتمدن بري (اسودي) تلف ايلدي» يولنده هر قومك قتل اولنديغني ذكر واتيان وقائلك تصريح اسمي ضميمه استكشاف اولندقه {فيروز فاز فيروز} مقال ييب زبان پورلشدر • انتها» (روايت آخر مفادينه باقياور ايسه مأمورين نبويه نك اشعار عالي وجهله جمع عسكر وبعد انتقال نبي امير المؤمنين جناب (صديق) اكبر (رضي الله عنه) جانبندن ظهور امداده حصر نظر ايلدكلري خليفه مشاراليه عرض واشعار قلمش اولغله (عكرمه) بن ابوجهل رياستيله برطاقم اسلام اعزام قلمشيدى • مشاراليهم معسكر كاهه واصل اولزدن اولجه نموده بولسان احراي نبويه دن (زياد) بن ابيد بر كچه اسودك اوزرينه بالمهاجه اشغال نأره مقاتله ايلديكي حالده (عكرمه) دخي واصل وحصن (بحير) قربنده يكديكره مقابل اولغله على الصباح برمقاتله شديده اجراسيله زمره مخالفيني منهنم ويراكنده ايلدكلردن (فيروز) سائف الذكرك (اسود) ي بالتصادف قتل واعدام ايلش اولديغني اكلاشيليور • والله اعلم بحقيقة الحال •

دعواي نبوت كاذبه طليحه

دعواي نبوت ايدنلرك بريدخي (بنی اسد) قبيله سنده ظهور ايدن (طليحه) در كه كويا (جبريل) امين كندوسنه القاي وحي ايله صاوة مفروضه سچوديني رفع ايلشدر • باعث ايجاد عالم (صلى الله تعالى عليه وسلم) افنديمن حضرتلرينك عقيب انتقالرنده (عينه) بن حصين فزاري طائفه سي جماعته بالاتفاق زكاتك فرضيتني انكاره

جرأت واختيار ارتداده جسارت ايدوب (طليحه) يه عرض ايمان وتبعيت ايلشيدى • بركون (طليحه) داخل دائرة تبعيتي اولان قومله وادى برو بياياند بولغله «اركبوا اعلا ولا واضربوا اميالا تسده بلالا» يعنى (برقاج ميل ايلرو كيدر ايسه كرسو بولور سكر) ديمسي وموجنبجه حركت اولنوب حسب التصادف اطفاي اتش عطش ايديله جك قدر صو بولمش اولاسي برطاقم طوائف اعرابك ايمان ايتسند و (طليحه) كرچكدن پيغمبردر (ديلمسنة سيبيت ويرمش وبوجهله ساده دلان عالم بيايان ارتداده سوق واغرا ايلمش اولديغني سامعه جناب (صديق) (رضي الله عنه) ايصال قلنديغندن مقدار كافي عسكر ترتيب و (خالد) بن الوليدك (رضي الله عنه) عهده اداره سنه تفويض كيفيله مفرگاه (طليحه) يه سوق وتسريب ايلشدر كه مشاراليه (صديق) اكبر (رضي الله عنه) دن الديغني امر وتعليمات اوزرينه (سلح) و (أجا) طاغلرنده كائن نواحيده متمكن اولوب هنوز مرتد اولميان مسلمانلري دخي رفيق طريق ايدرك (طليحه) نك مركز ممالككنه مواصليت ودر عقب اشغال نأره حربيه مسارعت ايلدي • از اين جانب (طليحه) عسكر مجتمعه سني مقابله بالثل اجراسنه بالترغيب كندوسي انتظار (وحي) ايله بر كوشه يه قعود ايتد كدن وباشنه برنسته اورتو نوب برمدت گذاران ايتدرد كدن صكره «جبرائيل كلدي • شوآيتي كتوردى» ديومسجم ومقني برطاقم هذيان آميز سوزلري نشر واشاعديه اعتنا ايلمكده ايكن اسلام طرفنده وزان ايدن نسيم فوز وغلبه دن متأثر اولان وذاتا (طليحه) نك سرعسكري بولنان (عينه) بن فزارينك ميدان حربى تركله (پيغمبر) ظن ايلديكي حريفك ياننه كيدرك (جبرائيل نازل اولوب اولديغنه) و (دردهنيمت عسكر يه يه دوا اوله بيله جك صورته برآيت كتوروب كتورمديكنه) دائر ايراد ايلديكي سؤالنه «اوت جبرائيل كلوب • (انلك رحا كرحا وحديشالاتساه) آيتني كتوردى» جوابني ويرديكندن «يقين جا جفده سنك بر حديشك وقوعبوله جقدر كه سن آنى هيچ بروقت اونو دا من سين» ديد كدن و «اي فزاري جماعتي

حربدن انصرافله جمله کز فرار ایدک زیرا (طلیحه) نک (پیغمبر) اولیوب
یا لایحی بر شخص اولدیغی شمدی تحقق ایتشددر) نطقنی ایراد
ایلد کد نصرکه عودت ایتکله عربده موقعنده بولسان (طلیحه)
طرفداری دخی بالاتفاق فرار و کندوسی برتقریب سواد معظمه شامه
صاوشوب بر محل مستحکمه قرار ایلدیکی جهته مرید اولان جماعتک
جمله سی بردن مسلمان اولدی • و (طلیحه) دخی بر مدت صکره نزد
عالی (ابابکر) الصدیقه (رضی الله عنه) عزیمت واسلام اولوب
(نهایوند) غزاسنده احراز مرتبه شهادت ایلدی •

مقاله { ۳ }

اسامه بن زید (رضی الله عنهما) نک روم سفرینه سرعسکرو خاتم
النبین صلی الله علیه وسلمک جنت مقر اولد قلری بیاننده در

سرخیل انبیا (علیه اکمل التحایا) افندیمر حضرتلری (هرقرا) روم
اوزرینه سوتق ایتک و تجهیز اولنه جق عساکر ابراره سردار نصب
وتعین ایلک اوزره اون برنجی سنه هجریه صفرینک یکرمی النجی کونی
(اسامه بن زیدی) (رضی الله عنه) جلیله عهده استیوائه (سپه سالار) لق
منصب بلندینی توجیه واحسانله حرکت اسلام اشاعه اولمقسزین برطاقم
جاسوس و چرخه جیارله اقتضایدن قلاغوز لری بالتدارک ممالک رومده
کائن نواحی «ابنا» یه عزیمت و پدربنی شهید ایدن کفار دیارینی
آتشه یا قهرق جناب (خیر الناصرین) حضرتلرینک عون ونصرتیه
عودت ایلسنی امر وفرمان بیورد قلری جهته مشارالیه برطبق فرموده
عالی تهیه اسباب سفریه یه درکار اولمشیدی که باعث حیات عالم
(صلی الله علیه وسلم) افندیمر حضرتلری ربیع الاولک سکرنجی کونی
بحران مرض موده دوچار و خسته لکی اجلدن فوق العاده راحتسز لغه
کرفتار اولد قلری حالده ایرتسی طقوزنجی کونی مبارک دست ظفر
پیوست عالیرله عقد ایلد کلری (لوای) شریفی مشارالیه تسلیم و اغز
بسم الله و فی سبیل الله فقا تل من کفر بالله { دعاسیله تکریم بیوردیلر •
مشارالیه (لوای) سالف الذکری اخذایله (بریده) بن الحصینک (رضی الله

عنه) ید استقلالنه تفویضله (جرف) دنیلان موقعه عزیمت وغزاة
مسلمینی اجتماعه حصر نفس اقدام وغیرت ایلدی • لکن سراوجه
مجموعه اصحاب کزین (ابوبکر) الصدیق و (عمر) بن الخطاب
و (عثمان) بن عفان و (سعد) بن ابی وقاص و (ابو عبیده) بن
الجراح و (سعد) بن زید و (قتاده) بن النعمان و (سمله) بن اسلم
(رضی الله عنهم) کبی برطاقم اعظم مهاجرین وانصارک رفاقت مشارالیه
تعین قلند قلری مؤدی قیل وقال اولوب ده «اشراف مهاجرین
وانصار اوزرینه بویله برغلامک (امیر) تعیین پکده مناسب دکلد رظن
ایدرز» دیدک لری مستلزم اغیرار خاطر اولد یغندن ذات همایونلری
(حجی و صداع) علتلریله مضطر اولد قلری ومبارک رأس سعادتلرینه
بر (مندیل) باغلد قلری حالده (مسجد) شریفی بالتشرف (اسامه) بی
(رضی الله عنه) امیر عسکر تعیین ایلدیکم جهته بعضکزدن لایقسز
سوز لر صدور ایلشدر • اگرچه (اسامه) نک (رضی الله عنه)
بو کون امارتنی طعن ایدرایسه کز (موتیه) غزوه سنده امیر بولنان
باباسی (زید) ک (رضی الله عنه) امارتنه دخی طعن ایلش اولور
سکرکه بحق (خدا) زید امارته روا و اوغلی (اسامه) دخی بو کره
تجهیز متصور اولان عساکر امیر لکنه مناسب و بیبادر • زیرا
(زید) بنم زدمده خلقک سوکلوسی واغلو (اسامه) دخی خلق اراستده
سودک لریک بریسیدر که بین الانام ایکسی دخی مظنه جمیع خیرات
ونیک انجام اولغله آنک حقنده بنم وصیتی تلقی وقبوله اظهار روی رضا
وبوبابده مر اسم نیک خواهی بی اجرا ایدک که (اسامه) سزک
خیرلور یکنزدندر» مألنده بر (خطبه) بلیغه تلاوتله عودت بیوردیلر •
(دیگر) بر روایت مفادینه باقیلور ایه وقعه مشروحه سنه مر قومه
شهر ربیع الاولک طقوزنجی پنچشنبه کونی وقوعبواوب متهی حرب
اولان بهادران اسلام (علیه الصلوة والسلام) افندیمر ایلله مر اسم وداعی
بعدالایفا (اسامه) نک (رضی الله عنه) معسکر کاهی اولان جرف
نام محله عزیمت وشفا رسان امت (علیه التسلیم والحمیه) حضرتلرینک

مرضى كسب اشتداد ايلك حسبيله (اسامه) نك حر كتي امر و فرمان بيورلد يفتدن
 مشار اليه لاجل الوداع (دار الامان) عالم اولان سعاد تخانه هما يونه
 كيدرك ذات اقدس نبويه بي اداره كلام ايده ميه جك درجه بي مجال
 كورد يكتندن (دست) مبرك و (رأس) مبارك جناب رسالتپناهيه بي تقبيله
 بالمسارعه مظهر دما اولديغي حالده عودت ايلشدر • فردا سي كوني
 ينه نزد عالي به عزيمت و مشاهده اثر حفت و افاقت ايدرك { اغر علي
 بركة الله } دعاسته نائليته عسا كرينك مجتمع اولديغي محله كيدرك
 پادر ركاب نهضت اولديغي حالده والده سي (ام ايمن) طرفندن عليه
 الصلوة والسلا مك مشرف حالت نزع اولديغي اشعار قلنسي اوزرينه
 عسكريه برابر عودت و (لوا) ي شريفني (مسجد) مقدسه مواجهه سنه ركز
 ايله ابراز اثر فرمانبري و عبوديت ايتشدر (كه جالس اورنك خلافت
 كبرا اولان امير المؤمنين (ابوبكر) الصديق (رضي الله عنه) حضر تاري
 نعش مبرك همايونك مراسم تجهيز و تكفين و تدفيني بعد الاجرافرمان
 جهان مطاع جناب رسالتپناهيه به اتباع اولنق اوزره امارت مشار اليه
 ابقا و على جناح الاستعجال نهضت ايلسي ايما ايلديكتندن سردار مشار
 اليه بر موجب اراده (جرف) موقعه عزيمت و موجود رفاقتي اولان
 دلاوران اهل ايمانله حركت اولنسي حقه شرف سانح اولان امر
 و فرمان امير المؤمنين اعلان و اشاعت ايلشدر • انبى انتقال ذات عالي
 جناب رسالتپناهيه شيعي جهته بين العربان بر وقعه ارتداد ظهور
 ايلديكتندن غائله ارتداد بر طرف اولنجه به قدر اردوي همايونك
 توقيفي تصور ايدن اصحاب عرض مافي الضمير ايچون حضور امير
 المؤمنين شتاب ايله «بو عسكري حركت ايلديكي سامعه مرتدينه واصل
 اولور ايسه (مدينه) بي استيلا ايده جك كرى غير بعيد اولديغدن اكرچه
 نزد عالي جناب خلافتپناهيه لرنده رهين تصويب بيور ياور ايسه عساكر
 هر قومه نك بر مدت دها توقيفي جمله مطالعات قاصرانه مزدن اولغله
 اولبايده و هر حالده امر و اراده جناب خليفه رسول الله كدر زمينده بيان
 افكار ايلديكتندن «اكرچه (مدينه) ده جانور لقمه سي اوله جغم مقرر اولسه

دخی فرمان نبوي خلافتده حر كتي تجويز ايده ميه حكمدن (اسامه) نك
 (رضي الله عنه) بر آن اول ايقاي مأموريت ايلسي لازم كلور • جوابني
 اعطا و فقط (عمر) بن الخطابك (رضي الله عنه) (مدينه) منوره ده ترك ايلديسي
 سردار مشار اليه دن رجايلد يلر • مشار اليه رأي عالي امير المؤمنين اوزره
 فاروق اعظمي (رضي الله عنه) دار الهجرة (مدينه) ده تركله او اخر ربيع
 الاولده منزل سالف الذكردن حركت و يوما من الايام مأمور اولديغي
 محله مواصليت ايلديكتندن فرمان جهان مطاع نبوي منطوق منفي
 اوزره ولايات كفاري احراق و خرابه شتاب و اراضيلرك اشجار
 و اثماريني قطعله خراب ايتدي • و پدري (زيد) ك (رضي الله عنه) قاتلني
 تلف و بر چوق كفره بي مقتول سيف ايدرك اغتنام اولسان اموال
 متكاثره بي بالا استصحاب عودت ايلدي • (رضي الله عنه و عنهم اجمعين)

مقاله { ۴ }

رحلت جناب رسالتپناهيه تقرب ايلديكتنه دائر و قوعولان

اخطارات عالي پيمانده در

روز حيرت افروز حجة الوداعده موقع مبار كه به تشریف بخش
 عزيمت بيورلد يغي ائنده زمان انتقالك متقرب الحلول اولديغي اولبايده
 نزول ايدن سورة (اذا جاء) مفاد منيفدن بالاستنباط كيفيتي حضار
 مجلسه اعلان و (جبريل) امين عليه السلامه نقل و بيان بيورديلر •
 و حضرت (جبريل) عليه السلام { وللاخرة خير لك من الاولى }
 ديمكه تداركات آخرت قضيه سنه فوق العاده غيرت و كل حين و آن
 { سبحانك الله و بحمدك اغفر لي انت انت التواب الرحيم } دعای شريفه سنه
 دوامه مواظبت بيور دقلرندن بونك سببني سؤال ايدنلره « زمان رحلت
 مقارنت ايلدي » جوابني بالا عطا بكا بيورديلر • و حضارك « يا رسول الله
 حق عاليكزده { ماتقدم و ماتأخر } بيورلش ايكن بكانك حكمتي ندر »
 يولنده اراد ايلديكلى سؤاله { ف اين هول المطلع و اين ضيق القبر و ظلمة
 اللحد و اين القية و الا هو ال } جواب حزن ايجابني و يرد يلر •

روایت عن ابن مسعود (رضي الله عنه)

رحمة للعالمین (علیه سلام الله العین) حضرت تری بر کون خواص اصحابی
سعادخانه * صدیقه * به (رضی الله عنها) دعوت و بر طاقم التفات
سوزش آیاتله ابراز علایم محبت ایدرک بر مدت اشک ریز ملال اولدقدن
و امر حبایکم و حیاکم بالله بالسلام جمعکم الله رحکم الله حفظکم الله جبرکم الله
نصرکم الله رفعکم الله وفقکم الله قبلکم الله هداکم الله آواکم الله و قاکم الله
سلمکم الله رزقکم الله * بحیله دعا یوردقدن صکره * ای اصحابم سزه تقوا
و احتراز (خدا) ایله وصیت ایدر * و جله امت (محمد) به می حضرت
حقه بالحواله جله کنی عقاب اللهدن تحذیر ایلرم (که بن جانب الهیه دن
سزه (نذیر) مبینم عباد و بلاد (خدا) ایچنده (علو) و (عتو) و (تکبر)
ایتمام کر کدر * که حضرت (حی) لایموت {الیس فی جهنم مئوی
للمتکبرین} یوردی * نطق جکر خراشنی بالایراد وقت ارتحالک مقارنت
ایلدیکی اشارت ایله مشارالیهی ناشاد یورمش و استیضاح حال اولندقدن
«وقت فراق تقرب ایلدی * و (خدا) ی تعالی ایله (سدره المنتهی) و (جنة
المأوی) و (رفیق اعلی) به رجوع ایلک زمانی یا قلاشدی» سیاقنده
توضیح کیفیت ایلش اولغله * (نعش) مقدسه لرینی کیچک غسل ایده جکی
ونه دورلو کفن اعمال ایدیه جکی و نمازنده کیچک امامت ایلیه جکی *
سؤال اولنه رق بالاتفاق عرض سوزش و اشتیاق و بکای دور درازه
اظهار و فاق ایله اولقدر اشک ریز تحسر اولندیکه بالضروره ذات
سامی لریدنخی بکا ایدرک «ثبات و صبر ایدک و فریاد ایتنه بن که حق
تعالی سزه رحمت ایله سون * و کناهلری کنزی مغفرت یورسون *
و (پیغمبر) یکنز قلبدن سزه جزاء خیر ایله دعا ایتسون» یولو تسلی
یوردقدن صکره «بنی اقرب اهل یتیم اولنر غسل ایدوب ملبوساتم
اولان حله» (یمانی) و (مصری) دن یاخود (بیاض) البسه لمدن
بر کفن اغمالیه غسل و تکفین دن صکره (خانه) م داخلده اتخاذا اولنه جق
قبرک کنارینه وضع ایلسونلر که (کروه) (ملائک) جماعته (برنجی)
دفعه ده (جبرائیل) مره (ثانیه) ده (میکائیل) و دفعه (ثالثه) ده
(اسرافیل) و (درنجی) کره ده (عزرائیل) ک (علیهم السلام)

امامتیه نمازم ادا اولنسه کر کدر * یوردیلر * قول آخر مفادینه نظرا
{اول من یصلی علی ربی} یعنی «بادی امر ده اوزریمه رحمت
خاص انزال ایدن ربم اولوب بالاخره نسق سابق اوزره ملائکه
اربعه امامت ایلد کد نصکره ر جال (اهل یتیم) بعده (نسوان
اهل یتیم) انلردن صکره کافه (اصحابم) فوج نمازیمی ادایه شتاب
و نوحه و فریاد دن اجتناب ایدک (که روح متأذی اولسون *
و نزد مده بولنسان یارانمه سزه و دین مبینه اقتدا ایدنلره و الی اخر القیام
سنتمه متابعت ایلانلره طرفدن سلام ایدک * و اثنای دفنمه
بر جمع کثیر (ملائک) حاضر و جله سی سزله ناظر اوله جفندن
رجال (اهل یتیم) اشبو (ملائک) ایله برابر جسدیمی قبره القا ایلسونلر
وصایاسنی تعلیق کوش حضار یوردقلری آ کلا شلمش در * انتها»

روایت عن (عایشه) رضی الله عنها *

جناب صدیقه (رضی الله عنها) روایت یورر که (سید البشر و شفیع روز محشر
صلی الله علیه وسلم) حضرت تری او اخر صفر الخیرده بقیع غرقه قبرستانی
اهلنه استغفاره مأمور یورلش اولدیغندن بر کیچک جامه خوابدن قیام
ولا بس لباس اولوب طیشرویه متوجها خطوه انداز اهتمام اولدقلری
خلالده تحقیق حال ضمیمه خادمه (بریره) بی غیاب عالیلرندن
اعزام ایلدمیدی * (بریره) عودت و خلاصه اجزای کائنات (علیه
اکل الحمیسا) تک بقیع شریف قبرستاننده بر مدت آرامله معاودت
یوردقلرینی اخطاره مسارعت ایلشدر که (صباحیسی «یا رسول الله
بو کیچک غیوبتکدن متأسف اولدم * عجبابونده ملاحظه سنیه کزندر»
بولنده استکشاف سبب غیوبت ایلدیگمدن «اهل بقیعه مأمور
استغفار اولدیغم جهتله ابقای مأموریت ایلدم» جوابی اعطا یوردیلر *
دیگر * جناب * صدیقه * (رضی الله عنها) بر کیچک خوابدن
بیدار و حضرت (سید المستغفرینی) فراشنده بوله ما مغله جستجویه
در کار اولدیغندن (بقیع) شریف قبرستاننده {السلام

علیکم دار قوم مؤمنین اتم لنا فرط وانا بکم لاحقون • اللهم لا تخرمت اجرهم ولا تفتنا بعدهم • اللهم اغفر لاهل بقیع الغر فیه { عبا راتیلہ دعا ایتکده اولدیغنی مشاهده واستماع ایلدیکنی مشار الیها نقل وروایت بیورمشدر •
✽ دیگر ✽ بر کیمده اول شب چراغ نبوت (علیه اجل التحیة) حضر تلری نصف اللیلده فراشدن قیامله طیش رویه متوجها حرکت بیور دقلری مشار الیها جانبندن تفرس اولندقدہ « یارسول الله انام بابام سکا فدا اولسون نه طرفه تشریف بیوره جقسکز » دیمسنه « حسب المأموریه (بقیع) مزارستانی اصحابنه دعا ایتکده کیده یورم » مأثده اعطای جواب و آزادلو کوله لرندن (ابو مهیب) یاخود (ابو رافعی) وعلی اختلاف الروایتین ایک یسنی بردن استصحاب ایلہ ذکر اولنان قبرستانه عزیمت و بر چوق وقت دعایه مشغول و مداومت بیوردیلر (که معیت معالی منقبت جناب نبوتینا هیلرنده بولنانلر « کاشکی (بقیع) شریف مقبره سی اهلایسندن اولوب اشبو (دعا) ی اجابت پیما ی عالی به مظهر اولسق ایدی » زمینده ابراز آرزو ایلدیلر • ختام دعاده اهلای قبوره خطابا « مبارک اولسون سزه که (نعیم) ایجره سکز • وخلقک مبتلا اولدیغنی آشوب و فتنه دن امین سکز (که حق (تعالی) عن قریب خلق عالمه ایریشه جک اولان فتنه لر دن سزه نجات و یرمش و اول فتنه لرک شب مظلم کبی آخری اولنه متصا در » نطقنی بعد الایراد (ابو رافعه) یاخود (ابو مهیب) متوجها « دنیا خزیننه لرینی بکا عرض ایلدیلر • و بنی دنیاده قالوب دنیادن جنته کتک و پرورد کاریمه ملاقی اولوب آندن جنته کیرمک خصوصنده مخیر قلدیلر • بن دخی شق (ثانیه) بی اختیار ایلدم (دیوب مشار الیه مای ناشاد ایلدکده « یارسول الله انام بابام سکا فدا اولسون شق اولی اختیار بیورک » بولنده واقع اولان تمنای مشار الیه مایه جوابا « یوق یوق بنم مختارم (شق) ثانیدر » دیهرک عودتله سر نهاده و سواده ناخر اچی اولدقلرینی ✽ صدیقہ ✽ مشار الیها نقل وروایت ایلشددر • لکن (عطا) بن یسارک (رضی الله عنه) روایتی مفادینه کوره اول شفیع کائنات (علیه التسلیم و التحیات) افندیمر حضر تلری شب مذکورده

قبرستان مار البیانه عزیمت و حسب المأموریه اهل (بقیع) ایچون استغفار و طلب رحمت جناب (کردکار) ایلہ عودت بیوردیلر • دفعه (ثانیه) ده سائحه بروز اولان فرمان (الهی) اوزرینه خوابدن بیدار و کذلک اجرای مأموریه در کار اوله رق عودت ایدوب دفعه (ثالثه) ده شهدای (احد) حقنده استغفاره مأمور و فراشدن قیامله ایقای ماوجبه خدمته مجبور اولوب خلال عودتده طاری اولان درد سر ملا بسه سیله رأس سعادت لرینه بر مندل با غلیه رق سر نهاده فراش ناخر اچی اولدقلری اکلا شیلور • اثبقی بو بابده جناب ✽ صدیقہ ✽ دن (رضی الله عنها) اولنان روایتی نظر اول شفیع روز محشر (علیه من الصلوة ما هو الا وفر) افندیمر حضر تلری شب بو العجب مذکورده شهدای (احد) ایچون نماز قیلوب حق لرنده دعا و استغفار و حیات و ممات اهلنه اجرای وداعه ابتدار ایلد کد نصرکه (منبر) شریفه صعود ایلہ { انی بین ایدیکم فرط وعلیکم شهید وان موعده کم الخوض وانی لانظر الیه وانی فی مقامی هذا وانی لست اخشی علیکم ان تشرکوا و لکن اخشی علیکم الدنیا ان تنافسوا فیها } بیورمشدر • انتها •
الحاصل اول دوا بخشش رنجور امت (علیه التسلیم و التحیة) افندیمر حضر تلری ✽ یمونه ✽ نک (رضی الله عنها) نوبت سامید لرنده مرض موت مقدمه سی اولمق اوزره انحراف مزاجه دوچار اولدقلری حالده سعادت نجاه ✽ صدیقہ ✽ یه (رضی الله عنها) تشریف بخشش رغبت و اختیار سکوت بیوردیلر • مشار الیها دخی بر مقدار درد سره مبتلا اولمق جهتیه « وای باشم » سیاقنده اظهار الم ایلمسی اوزرینه « سنجه باش آغریسنگ زیانی یوقدر • بالفرض فوت اولور ایسه کدخی بن سنی تجهیز و تکفین ایده بیورمسی مشار الیه مای غیرته کتور دیکندن « غالباً بو خانه ده دیگر بر سر پرده عصمت استفراشی ایچون بنم انتقالی استرسین » دیمکله بعد التبسم { بل انا و آرا ساه } « ای ✽ عایشه ✽ (رضی الله عنها) سنک درد سرک کج کیدر • لکن آغری بنم باشمده اولان آغریدر (که باعث ارتعاش الم اولسه کر کدر) مقال جکر خراشیه مشار الیه مای دلریش ایلد کد نصرکه اشتداد مرض لرینی ذکر و اتیان و « یارین

قنغیزك خانه سنه كیده یم) مفادینی متضمن اولان { این غذا } التفاتیه
 حضارز و جاتی شادان بیوردیلر • مشار الیهم رهین حیرت اولوب اختیار
 سکوت ایلد کلرندن { این غذا } سؤالی (اوج) دفعه ایراد و خانه
 ✽ صدیقہ ✽ ده (رضی الله عنها) بولمغی علی طریق التلمیح مراد بیوردقلرینه
 و علی روایه «شو حالمده رعایت نوبته جمله کزك خانه سنه کیدمک امر محال
 اولوب اگرچه راضی اولور ایسه کز ✽ عایشه ✽ نک (رضی الله عنها)
 خانه سنده بولنه یمده جمله کز بکا خدمت ایدک» بیورمش اولد قلرینه
 مبنی سعادتخانه مشار الیهایه نقل اولنه رق (ازواج) مطهراتک کافه سی
 اوراده اجتماعله خدمت جهان قیمت نبویه لرینه اشتغال ایلدیلر •
 لکن قول آخرده جناب (فاطمه) رضی الله عنها حضرتلری «بو حال ایله
 نوبته رعایت ذات عالی رسالتیناهی به موجب زحمت اولور» دیمکله آرای
 ازواجله دولتخانه ✽ عایشه ✽ ده (رضی الله عنها) بولمسته قرار ویرلمش
 اولمغله جناب (عباس) و مخدوملری (فضل) و علی روایه (علی) بن ابی
 طالبک (رضی الله عنه) اوموز لرینه بالاتکابا جمله (زوجات) مطهراتی خانه
 لرینی برنیزه تشریف ایدرک آخر الامر سعادتخانه ✽ صدیقہ ✽ ده (رضی الله
 عنها) تهیه قلمش اولان فراش عالیارنده استراحت و مبتلا اولد قلری
 علت آن بان کسب شدت ایلشدر • بونک اوزرینه حضرت (صدیق)
 رضی الله عنه نزد عالی به عزیمتله خدمت همایونلرنده بولمق خصوصته
 عرض اشتیاق ایلدیکندن «بنم خدمت و تیمارم اگرچه نسوان اهل
 بیتدن غیره حواله اولنور ایسه جمله سی ملول و محزون و مصیبتلری روز
 افزون اوله جغندن املکزك ترویجی تجویز اوله میوب فقط مادمکه سن
 بونیت اوزره سین مأجور و مثاب اوله جغکرده شبهه یوقدر» جواب
 نوازش ایجابیله تلطیف قلندی • کیدرک شدت و بحران مرض لری
 بدرجه به رسیده اولشدر (که فراش سعادت لرنده بردوزی به بریاندن
 دیگر جانلرینه انقلاب و خدمت سنیه لرنده بولنان (زوجات) مطهراتی
 بیتاب ایلد کلری جهته جناب ✽ صدیقہ ✽ طرفندن (رضی الله عنها) ایراد
 اولنان «یا رسول الله بز خسته اولدجه بو وجهله اظهار تلاش ایلسه ک

ابر از اغبرار ایدر ایدیکز • حالو که ذاتکزك اظهار ایلد کلری اضطراب
 فوق العاده درجه سنی یکمشدرد» سؤالنه «بنم مرض غایت
 کوجدر • چونکه جناب (حق) صلحای مؤمنینی بلای شدیدیه دوچار
 بیوروب اول سبيله اول مؤمنک درجه سنی بلند و کاهلرینی محو و اسقاط
 ایدر • حتی اول بلا اگرچه ایاغنه بر دیکن باتوبده ایراث محن ایتسیله دخی
 اولورسه» جواب عالیسی اعطا بیورلمش و فی الواقع مرض جناب
 رسالتینا هیده منظور بصر بصیرت اولان اضطراب درد افزون هیچ
 بر شخصک خسته لکنده و مرض موتنده مشهود اولما مشدر •
 (عبدالله) بن مسعود (رضی الله عنه) بر کون علی طریق العیاده نزد
 همایونه خطوه جنبان عزیمت و ستمه علتیه دوچار اولد یغنی بالمشاهده
 رهین حیرت اولدیفندن ناگاه دستنی وجه مبارکه سعادت و وضعله حرارت
 واقع سنک تحمل اولمز درجه ده اولدیفته کسب اطلاعه «یا رسول الله
 ستمه کزك نه عجب حرارت و التهابی واردرد» بولنده ایراد ایلدیکسی سؤاله
 «اوت بنم ستمه سزدن ستمه طومشک ایکیسی قدر شدت کوستر»
 جوابی اعطا بیورلمسی اوزرینه «اوله ایسه سیزه ایکی مثل اجر
 و ثواب ویریلور» دیدیکندن «بلی یا بن مسعود (خدا) حق چون روی
 زمینده هر قنغی فردیه (که اکا مر ضندن یا خود دیگر بر شخصندن
 ایریشن جفا و اذیت آغاج پیراقلری کبی انک کاهنی دوکر» بیوردیلر •
 ینیه بر کون (ابوسعید) خدری (رضی الله عنه) رومال حضور اولوب
 ذات اقدس همایونک اوزرنده بولنان ثوبدن حرارت بدن متیمه لرینی
 حس ایله شدت حرارتدن مبارک وجود لرینه ال اوزانمغه احتراز ایدوب
 «سبحان الله بونه درجه التهاب و حرارتدر» دیدیکندن «انبیادن زیاده
 بلایه دوچار اولان بر فرد یوقدر • زیرا انلرک بلاسی مضاعف اولدیغی
 کبی اجر و ثوابلری دخی متضاعف اولوب حتی جناب (حق) انلرک
 بعضیسنی روز شب تسترایده جک بر (عبا) دن غیره نسته سی بولنماز
 بدرجه مفراطه ده فقره مبتلا ایدر (که انبیانک بلایه اظهار سروری
 سزک عطایه ابراز شادی و حبوریکزدن ازید اولور» مألله

اعطای جواب بیوردیلر • (دیگر) برکون (ام بشار) بن براء بن معرور
(رضی الله عنهما) مظهر شرف عیادت اولوب صلی الله علیه وسلم
بر حرارت مفرطه لو (سمه) به دوچار اولدیغنی کوروب «یا رسول الله سنک
سمه کی آخر بر شخصده کورن یوقدر» دیکندن «بزم اجریمزدخی اشخاص
سائر اجرندن زیاده در • ای (ام بشار) طیش و وجه خلق بنم مرض
حقنه نه دیمکه درل» بیوردیلر • مشار الیها «ذات الجنب (یعنی
صایجان علت مخوفه سنه) مبتلادر دیورل» دیدکه «حیینه اول
مرضی مسلط ایلک جناب حقک لطف و کرمندن بعید اولوب زیرا اول
مرض همزات (یعنی قلبه القا اولنان تشویقات) شیطانیدر (که شیطانک
بنم اوزریمه استیلاسی اوله من • فقط بنم مرض (خیر) ده سنک اوغلاک
(بشار) له تناول ایلد یکمز لچماره زهرناکک اثریدر (که آره صره
وجود مده اظهارالم ایلردی) چونکه اول لچماره بزم ایچون حصه
شهادت حکمنی متضمن اولدیغندن عرق حیاتک انقطاع دمنه تصادق
ایتمکله باعث اشتدادالم اولمشدن» ایضا حاتله بیان علت بیوردیلر •
جناب «صدیقه» رضی الله عنهما اول شفا بخش خسته دلان امت
(علیه اکمل التحیه) افندیمن حضرتلرینک معلولین امتنی عیادت بیوردیقه
{ اذهب رب الناس اشف انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک اشف شفاء
لا یغادر سقمای} دعاسنی قرائت و قول دیگرده وجود سامیرینه طیران
علت زماننده مبارک دست شفا پیوست عالیرینی بدن مقدسه لرینه
مس ایلده دعای مارالد کری تلاوت بیوردق لرینی بیاید یکنندن مرض
موتیه مشرف اولدق لری خللا ده دعای مشرووحی بالقرآنه دست مقدسه
مبارک لرینی بدن همایونلرینه سورمک استدکده (ید) عالیرینی
چکه رک {رب اغفر لی والحقنی بالرفیق الاعلی} یاخود {اللهم
اعلی جنة الخلد} و قول دیگرده «فی الواقع اول تعوید
(یعنی خسته اوزرینه قرائت اولنان دعا) اقدملری بنم
حقمه دخی نافع اوله یلورایدی • اما ارتق فائده ویرمز» بیوردیلر •
مشار الیها انبیای عظام علی نبینا وعلیهم السلام حضرتانک قبل الانتقال

دنیا و آخرتله مخیر اولدیقه ارتحال ایلدی کربنی اقدمه فم محسن اقدسدن
استماع ایلشیدی • وقتا که ذات عالیرینه اثنای مرض موتیه براو کسورک
عارض اولوب {مع الذین انعمت علیهم من النبین والصدیقین والشهداء
والصالحین وحسن اولئک رفیقاً} و بالاخره {مع الرفیق الاعلی} و قول
دیگرده {مع الرفیق الاعلی الاسعد} (مع جبرائیل) و (میکائیل)
(اسرافیل) دعاسنه مواظبت بیوردیلر • ذات همایونلرینک دخی حیات
ومماتک برینی اختیارده مخیر بیوردیغنی و ذات عالیاری آخرتی
ترجیح ایلش اولدیغنی حسله بعد انتقاله نقل و حکایت ایلدیله •
اول شفا بخش مرضای امت (علیه اجل التحیه) افندیمن حضرتلری
مرض موتلری خسته لکنده سائر اوقات نامز اجیلری کبی استدعای
شفاء و دواء شغلنده اولمیوب (ای نفس سکا نولد یکی هر مجأ و ملازه
صفینورسین) یعنی (هرشیدن امید نجات و مدد ایدرسین) مألنی متضمن
اولان ادعیه دن غیری بردعایه مشغول اولمیوب حتی برکون حضرت
(جبریل) امین (علیه السلام) نازل اولوب «یا محمد» (صلی الله علیه
وسلم) حق (تعالی) سلام ایدوب اگر استر ایه شفا و یریم یاخود راضی
اولور ایه رتبه بلند شهادتی احسانله آتی نائل قصوای مطالب ایده یم»
بیوردیلر • دیمسنه «بن کندهمی جناب پروردگاریمک اراده سنه تفویض
ایتمشدر • هر نه دیلر ایه آتی ایتسون» جواب عالسنی اعطا بیوردیلر •

مقاله { ۵ }

{ ۱۰ } یاخود { ۱۳ } یاخود { ۱۴ } و یاخود { ۱۲ } کون قدر ممتد
{ اولان ایام مرض نبوی اثناسنده ساحه نمای وقوع اولان قضایای
مخطر روایات یساننده در }

معلومدر که ذات ملائک صفات جناب (پیغمبر) و شفیع روز محشر
(صلی الله علیه وسلم) افندیمن حضرتلرینه خصلت ممدوحه و سیرت
حسنه مقبوله جهتیله کریمه عصمت شیعه سامیاری (سیده النساء) جناب
(فاطمه) الزهرا (رضی الله عنهما) قدر مشابهی در کار اولان کسنه

گورلما مشدر • حتی (سیده) مشارالیه هر زمان (که قصد زیارت ایلسه لر
ایدی جانب عالی پدر یلرندن استقبال و سرور وین بوسله تلطیفه استیصال
بیور یلوب نزد والارنده یقین بر محله اقعاد و خاطر علیه لرین سؤال واستفسار
ایله دلشاد بیور لریدی • اگرچه دولخانه مشارالیه تشریف میامن
ردیف عالی ایله کسب شرف واعتلا ایدر ایسه طرف مشارالیهادن
دخی کذلک ایضای مراسم مراعات واحترام واستیصال رضای میامن
ارتضای ابوت خصوصنه حصر نفس واقدام اولنوردی • بناء علیه
ایام مرض موده مشارالیه دعوت وصاغ (یا خود) صول جهت
قعودیچون اعطای رخصت و اشارت بیور یله رقی علی طریق الحفیة
وقوعبولان اخطار عالی مشارالیه بی بر بکای مفرطه یه اجبار ایتمکله
بالاخره ینه خفیفه سویلد کیری گفتار مشارالیه یه مشار بخش بی شمار
اولد یغندن جناب ✽ صدیق ✽ رضی الله عنها طرف سامیه سندن
«یا فاطمه (رضی الله عنها) غالباً مخاطبات مبشره ایله مرده یاب اولدک که
بویله بر روز دلسوز مائمه عرض بشاشت و شادمانی ایده یورسین • لکن
بونده حکمت ندر • وسمع عفتکزه ایصال بیور یلان سوزلرندر» سیاقنده
ایراد اولنان سؤاله «یا عایشه (رضی الله عنها) اسرار رسول الله (ص) افشاسی
قابل جواز اولدیغی نزد سامیه کزده محتاج تعریف دکدر» جوابی
ویرمش ورحلت ذات عالی وقوعنه دکن اشاعة ماهو الواقعدن بجانب
ایلمشیدی • مشارالیه بعد انتقال نبی جناب (خیر النساء) دن (رضی الله
عنها) استکشاف سبب بکا واستیضاح مسار لا تحصای مشروحه
ایلد یکنندن «پدرمک اولجه یا {فاطمه (رضی الله عنها) (جبریل)
علیه السلام بندن تعلیم قرآن ایلک اوزره سنه ده (بر) دفعه نزول
ایدرکن بوسنه (ایکی) دفعه اجنحه بسط نزول اولسنی زمان رحلتک
متقرب حلول اولدیغنه عطف ایده یورم • وجهه دن اول بکا پیرو
اوله جق سن سین { بیورمش اولسنی بادی بکا ودفعه (ثانیه) ده
{ای فاطمه (رضی الله عنها) سیده نسوان جنت اولمقلغه را ضی
دکلسین) قول آخرده (ای فاطمه هیچ بر قادین یوقدر) که انک ذریقی

سنک ذریکتدن اعظم اوله) اوله ایسه سنک صبر و ثباتک نسوان
سائر صبر و تحمیلندن زیاده اولمق کرکدر { خطاب مبشره سنک وقوی
بخش صفا اولدی) دهرک کشف راز بیورمشدر • ✽ فائده ✽ (اشبو
فسیلدی سیده مشارالیهانک مفارقت پدر بزرگوار لری خصوصنده جزع
وفزع ایتیب ابراز ثبات ایلسنه بر اشارت اولوب یوقسه بومصیتک
کافه اصحابه خصوصاً سیده مشارالیه یه تأثیر ایده جکی آزاده کلفه
تعریف و بیاندر • انتها) بر کون اول (شفیع ام صلی الله تعالی علیه وسلم)
افندیمر حضرت لری فراش نامزاجیدن قیامله (مسجد) شریفی بالتشریف
منبر مخصوصه لرینه عروجله (حق تعالی نک دنیاده قالمق ولقای
رحیمه مغتم اولمق خصوصنده مخیر قلنش اولان بر قولی شق ثانی قولی
اختیار ایلشدر) مألنده ودها بر طاق نصایح مفیده نهجنده بر (خطبه)
بلیغه ایراد یله (صدیق) اکبری (رضی الله عنه) فوق العاده وحدن
زیاده کریان وتلهیف بیورمشدر که مشارالیه رحلت نبوی یه اشارت
قلنان کیفیت تخیره مطلع اولوب نالان و کریان اولدیغی بین الاصحاب
موجب خیرت واستغراب اولمقله حقنده «تحقیق بکا جمیع خلقدن زیاده
مسامحه ایدیجی و بنم رضای نبویهم یولنده جله دن زیاده نفسی و مالی
فدا قیلجی حفاقه اوغلی (ابوبکر (رضی الله عنه) در) دید کدنصره
«اگرچه ذات احدیتدن اوز که بر دوست دخی اتخاذ ایلک لازمکله
ایدی (ابوبکر) ی (رضی الله عنه) اتخاذ ایدردم • فقط انکله اولان
اخوت اسلامیه من دخی بیوک برفضیتندر (که مشارالیه کافی
وخانه سندن مسجد ناظر اولان ابواب و روزنلری الی اخر القیام ابقا
اولنه جغندن بودخی انک ایچون بر اثر وفایدن) ستایشله مشارالیه
تطیب و حجره ✽ صدیق ✽ دن (رضی الله عنها) غیری بیوتک (مسجد)
شریفه ناظر و مخاذی اولان (روزن) و (ابوابنک) بعد انتقاله سدا و نفسی
اقتضای حالدن اولدیغی بالاشاره اجرای مقتضاسنه مسارعت اولسنی
اهالی (دارالهجرة) عالی بی ترغیب بیور دیلر • ماه حالک بر پنجشنبه کونیکه
درمان رسای معلولین امت (علیه التسلیم والنحیة) افندیمر حضرت لری نک

مرضی نهایت مرتبه مشتد اولمشیدی • کبرای اصحابی دعوت ایله
بعض اوامر یازدیرلق اوزره ادوات قرطاسیه طلب بیوریلوب لکن
اصحاب کرامک برطاقی احضار دوات و قلم اولمشینی استصواب و دیگر
برطاقیده «شوحال بحراند علیہ الصلوٰۃ والسلامک امر کتابتله
اشتغالی غیر جائزدر» قیل و قالنی ادارهیه شتاب ایلدکری موجب اغبرار
عالی اولمغله سکوت بیورلمشدر • قول اخر مفادینه احاله جاسوس دقت
اولندیغی تقدیرده دوات و قلم مطالبه سی بین الاصحاب محجوم خسته لردن
صدوری غیر بعید اولان اساسد سوزلره حل اولنوب استکناه کیفیت شتابله
«بنی براغک» که سزک بنی اشغال ایده جکیکزشی بنم مشغول اولدیغ
نسنه دن احقردر» یولنده اخذ جواب ایللری اوزرینه جناب (فاروق)
اعظمک (رضی الله عنه) «سلطان الانبیا (علیه افضل التحایا) حضرتلری
آغرلشدی • بزه قرآن کفایت ایدر • وقران سزک ایچیکزده در» دیمسی
و برطاق کسائک مشارالیه اعطای جواب صد دلیله اوزون اوزادی
بر مناقشه بکشته کیر شمش اولسی مستلزم انفعال عالی اولدیغندن «هیج
بر پیغمبریاننده منازعه لایق دکدر» و قول دیگرده «بنم زدمده
منازعه ایدلر» بیورلدیغی و بعده (جزیره عربدن مشرک لک طرد
وتبعید اولمشنه و جماعت عربدن (مسلمان) اولنلره عطایای مناسبه ویرلمشه)
دائر بروصیت توصیه قلندیغی اکلا شمش اولور • مرض نبوی اشتداد
ایلدیکی خللده بر مقدار ماء بارد ایله وجود همایونلری غسل ایتسیله
کسب خفت (و مسجد) شریفی بالتشریف نمازی ادا ایلد کدن وجد و ثنا
ایلل ارواح شهدا ایچون استغفار ایتد کدنصکره ترجمه سی آتی الذکر
(خطبه) بی ایراده منابر بیوردیلر خطبه ای کروه مهاجرین زمره
انصار دین بنم محل سرمد • چونکه آنلره هجرت وارائه اولنان موقع
توقیر و احترامده استراحت ایلدم • آنلرک حسن سیرت اوزرینه اولنلرینه
اکرام و دیگرلرندن اولوبده حدود اللهی تجاوز ایتیلرینک عفو کاهلرینه
غیرت و اهتمام ایدک • زیرا فیما بعد سزلر تزايد و آنلر تناقص ایتسه کر کدر •
حالبو که آنلر حق جوانمردی و مواساتی ایفا ایلدیلر • و بوندنصکره

سزک اوزر یکزده آنلرک حق واردر» انتها • دیگر بر قول مفادی
اوزره کروه انصار مرض نبوی اشتداد ایلدیکنه مطلع اولمغله
سراسمه و حیران دولخانه (سیدالکونین) جوانب اربعه سنده کشت
و کذار ایلدیکده اولد قلی بنی جناب (عباس) رضی الله عنه سده نبوییه
عرض و اخطاره جرأت و (حیدر) ایلل (فضل) بن عباس (رضی الله عنهم)
دخی تصدیقه مسارعت ایلدکلرندن «بنی قالدیرک و انصارک اره سنده
تکون ایدن سوزلری تفصیلا افهام ایدک» خطاب مرحت نصابی
سانحه بروز اولمغله جناب (حیدر) ک (رضی الله عنه) انصارک
(شاید رحلت عالی کیفیت دهشتس وقوع اولور ایسه بزم حالزنیه منجر
اولور) زمینده اداره کلام ایتدیکده اولد قلی بنی شرح و تفصیل ایللمشه
مبنی مبارک دست عالیلرینک بر بنی جناب (حیدر) و دیگر بنی (فضل)
بن عباسک (رضی الله عنهم) اوموزلرینه وضع ایلل (عباس) رضی الله
عنه ایلل برلکده (مسجد) شریفی بالتشریف ترجمه سی زیده محرر
نصایح کوهرین ایلل مسامع حضاری تشنیف بیوردیلر •

صورت نصایح

(ای بنم اصحابم امر موتی منکر سزک بنم موتدن احتراز ایدیلر سزک •
حالبو که (پیغمبر) یکرک موتی قابل انکار میدر که «یا محمد (صلی الله علیه وسلم)
سکاده موت واردر • و مشرکلر دخی موتی بولورلر» مفاد جلیله سنی
شامل اولان {انک میت و انهم میتون} منطوق منیفی بن سزه بیانله
سزک و کندیمک رحلتی مقرر اولدیغی اخطار ایتد می • اوت هیج
بر (طائفه) نک (پیغمبر) ی باقی قالمدیکه بنده سزک ایچیکزده بقا بولایم •
آگاه اولوک که جمله مزک مرجع و مصیری یعنی کافه مخلوقاتک آخر الامر
واره جفی جناب حقدر • ای کروه مهاجرین سزه وصیت ایدر مکه
بر بریکزه ایلک ایدک • (والعصر) سوره شریفیکه مفاد منیفی
«دهر و وقت و زمان یا خود ایتدیکدی نمازی حقیچون (که صلوٰۃ وسطی اوله)
تحقیق انسان عمر بنی فانی دنیا مطالبه سنه صرفی و حصر ایتدیکچون

خسران وز یانده در • الا شونلر زیانده دکلردر که (الله) تعالی به ورسولنه ایمان ایدوب عمل صالح اشلدیلر • وحق اولان قرآنله عمل ایتکی و معصیتدن صبرایله طاعتنه سعی ایتکی غیریلره وصیت ایتدیلر • دیمکدر • بوندن معلوم اولور که هر برامرک کیفیت جریانی اذن (خدا) به وابسته اوله جغندن ایشیکنرک انجامنی ملاحظه ایله استعجال ایتما ملی • زیرا (حق) تعالی حضرتلری برکسته نکر برایشده تعجیلچون هر برایشده تعجیل ایتمز • وهر بر شخصکه اشبو «ای منافقلسر سزدن مأمول دکلدر که اگر سز امور ناسه تولی ایدوب حاکم اولسه کز • بر یوزنده تکبر و تجبر ایدوب انواع فساد ایده سز • و زمان جاهلیت کبی قطع ارحام و سفک دماء ایلیه سز) معناسنی متضمن اولان {فهل عسیتم ان تولیتهم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم} مفاد کریمی اوزره هر کیمکه قضای حقه غالب اولمق صد دنده اولور ایسه البته مغلوب وهر کیمکه جناب جهان آفرین (جل شانہ) حضرت تدرینه مخاندعه (یعنی دوباره) ایملک افکارینه صابرایسه لامحاله مغبون و منکوب اوله جغنی وارسته قید ارتیابد • ای مهاجرین سز تنیه ایلمرکه انصاریلره عرض مودت و نیک خواهلق ایدک • چونکه انلر اول کیمه لردر که هجرتسرای (مدینه) بی سز کچون تهیه و آماده قیلدیلر • و سز انلره هجرت ایتزدن اولجه ایمانه کلدیلر • و بوستانلرینک نصف حاصلاتی سز اعطا و مسکنه احتیاجلری درکار ایکن نفسلرینه سزی بالترجیح خانه لرنده اسکان وایوا ایلدیلر • سزدن هر کیمکه انلره حاکم اولور ایسه کرکدر که آنلرک ایولرینک ایولکلرینی قبول ویرامز لرنک تقصیراتلرندن معامله تجاوز و عفوکاری ایله مشمول ایدوب هیچ بر شخصی آنلره تقدیم ایتما ملیدر • تم الخطبة • بوند نصکره حضار انصاره خطابا «ای گروه انصار بند نصکره رجاعتی سزک اوزر یکره ترجیح ایلسهلر کرکدر» نطقی ایراد بیورلمغله «یا رسول الله بزاول وقت نه وجهله معامله و حرکت ایدلم» یولنده استفسار رأی عالی ایلملری اوزرینه «کار حوض کوثرده بکایر شجبه به قدر ابراز ثبات ایدک» جوابی

ویرلمشدر • بو اثناده (عباس) بن عبد المطلب (رضی الله عنه) طرف سامیسنندن واقع اولان التماسه بناء «امور معظمه خلافتی قریشه وصیت ایلمرم (که خلق عالم قریشک پیورلیدر • اسلامک صالحلری صلحای قریشه و فاجرلری فجار قریشه تابعدر) ای قریش سزدخی اسلام حقسنده ایملک ایتک اوزره بنم و صایای واقعه می قبول ایدک • و انلره ایملک لوازمی برینه کتورک • ای خلق تحقیق بودر (که کلاه و معصیت نعمتلرک تغییرینی مؤدی اولوب اگرچه عالم صلحا و اتقیادن اولور ایسه سلاطین و ولات ممالک دخی ایملک ایدر • و بالعکس خلق فاسد و بدکار اولور ایسه «جن وانسک بر بر یله فائده ثوب مخذول ایتدیکمز کبی ظالملرک شرک و معا صیدن کسبلری بعضنی بعضنه تسلیط ایدرز» مفهومنی شامل اولان {و كذلك نولي بعض الظالمين بعضا بما كانوا يكسبون} مضمون منینی اوزره ولایه ممالک دخی ظلمله مألوف و غدرایله معروف اولسه کرکدر» کلماتیله اکمال نصایح بیورمش و اشبو (خطبه) بی منبر شریفک الاشاعیگی قدمه سننده ایراد بیورد قلری کبی سر ملائک افسر جناب رسالتینا هیلرنده بر (عصابه) دخی بولنمشدر • دیگر بر کونده اول شفا رسای خستکان امت (صلی الله علیه وسلم) افندیمنز حضرت تدری باشلری باغلی اولدیغنی حالده (مسجد) شریفه عزیمت و جناب (بلال) رضی الله عنه واسطه سیله اهالی دار الهجرة بی دعوت پیور دیلر (که بلال مشار الیه از واق (مدینه) ده «یا عباد الله جناب (خاتم النبیین) علیه الصلوة والسلام افندیمن حضرت تدری اهل اسلامه خاتمه و صایا اولمق اوزره بروصیت ایملک ایچون (مسجد) شریفه اجتماع کرینی امر و اراده پیور دیلر» منجنده ایصال ندا ایلدیکندن هر کس ایشنی کوچنی ترک ایله بیوت و دکانین ابوابنی آچیق براغهرق حتی باکره قیزلره وارنجیه قدر (مسجد) شریفه عزیمت و نصایح عالی استماعنه وقف سامعه دقت ایلدکلری جهتله (مسجد) شریف استیعاب ایده میه جک درجه ازدحام اولدیغندن (اردیکزده اولنلره پیوریرک) مألنده اوله رقی {اوسعوا لمن وراءکم}

بیورلد قدن وجاعت حضاری بر صورت منتظمه مستحسنه ده
صیقلا شدرد قد نصکره بر (خطبه) طویل الذیل ایراد بیور دیلر • لکن
(قول) دیگر مفادینه باقیلور ایسه (اوسعوا) حدیث شریفند نصکره
(ای جماعت اسلام بنم سزک ایچکزدن مفارقت ایده جکم وقتک حلولی
متقرب اولمشدر • هر کیمی اوردم ایسه بو کون ادعای قصاص ایلسون •
وقتی کشیک مالی الدم ایسه اشته شمدی مطالبه ایلسون • بو بایده
(رسول الله) مغبر اولور • یا خود عداوت ایدرده آخرتده حالمز کوجلشور •
خاطره سنی دخی خاطر یکزدن طرد ایدک • زیرا بغض و عداوت و اثر
اغبرار وحدت بنم مقتضای طبیعتدن دکلدر • و بنم خلقیتیم اول نسنه لردن
وارسته و بعید در • بزده حتی اولوبده بو کون استین یا خود حلال ایلین
البته بکا خلقک سوکلو سیدر • و بوتکلیفی سزه (بر) دفعه ایراد ایتکله
نائل مرام اولمق ظنده دکل • حضور حضرت (حقه) طیب النفس
و پاک و انفس وارمق اوزره هر کیمک که بنده حتی واردر البته مطلوب
ایتملیدر) دید کد نصکره (منبر) دن نزول ایدرک نماز ظهیری بعد الاداینه
(منبر) ه صعود و ارتقا ایله «هر کس بندن حقنی استسون» بیورلمسی
اوزرینه حضاردن بری قیامله «بنم سنده (اوج) درهم اله جغم واردر»
دیمسنه «بو خصوصده بن سنی و سائر کسنه بی یالانچیدر دیه مم • و عین
دخی و بر در مم • فقط اول اچه لر بنم زعمه نه طریقله یکمشدر» نهجنده
وقوعبولان استفهام اقراری به «بر کون بر فقیره (اوج) درهم
و بر مکملکمی فرمان بیور دیکزدی) جوابی و برلدیکندن (فضل) بن
عباسه (رضی الله عنهما) ذکر اولنان (اوج) اچه بی تأدیه ایلمسی بالاراده
(یا ایها الناس هر کیمک کیم اوزرنده دیکرک حتی واردر بو کون اول حتی
ادا ایلسون • و خلقدن اوتا نوب رسوایلقدن احتراز ایدرم دیمسون
(که دنیار سوایلخی آخرت رسوایلقدن البته ایسر و آساندر)
بیور دقلرنده بر شخص دهاقا متمای قیام اولوب «یا رسول الله مال
غنیمتدن (اوج) درهم اخذ ایلمشیدم که حالا اوزرمنده در» دیمسنه
(نیچون خیانت ایلدک) خطابی سانح اولغله «احتیاجم وار ایدی»

جوابی و برلدیکندن ذکر اولنان دراهمک تحصیل ایلمسی دخی (فضل)
(بن عباسه) (رضی الله عنهما) فرمان بیورلد قد نصکره «ای جماعت
مسلمین هر کیمده کم برید خصلت وار ایسه استکرا هله ایاغه قالقسونکداکا
دعا ایدیم» بیورلمسی اوزرینه بر آدم دها قیامله «یا رسول الله بن کذا بم
• و فحش سو یلرم • و چوق او یقو او یورم» دیدیکندن «ای باری
(خدا) اکا صدق میسر ایله و بیدارلق استدکجه انک او یقوسنی کیدر»
بیور دیلر • بونی متعاقب (دیگر) بریدخی قیامله «یا رسول الله بن کذا بم
• و منافقم • و هیچ برقبالق یوقدر که بنانی اجرا ایتمامش اوله یم»
دید کده جناب (عمر) بن الخطاب رضی الله عنه «ای کشی کندی بی رسوای
ایلدک» دیمکله قبل عالی نبویدن «بورانک رسوای بلخی آخرت
فضاحتدن اهوئندر» جوابی و برلد کدن صکره «الهی اول کسنه به
صدق و راستکولق و ایمان عنایت و احسان ایدوب قلبی براماز لقدن
تصفیه و نفسی ایولکه امله بیور» مأذنه بر دعا بیورلمش و (عمر) بن
الخطاب (رضی الله عنه) طرفندن ینه بر کلام ضحک آمیز صرف اولغله
مع التبسم «عمر) بنله در • و بن عمر ایله یم • و هر زده اولور ایسه اولسون حق
(عمر) ایله در» جواب حکمت نصابی اعطا قلنش اولر یخی اکلا شیلور •

﴿ مقاله ﴾ { ٦ } ﴿

﴿ ذات عالی نبویه نک ایام نامزاجیده نه صورتله ادای صلوٰه ﴾
﴿ بیور دقلری بیساننده در ﴾

امام الانبیا (علیه اجل التحایا) افتدیمز حضرتلری ایام نامزاجیلرنده
صلوٰه مفروضه اوقاتی حلول ایلدکجه (مسجد) شریفی تشریفله ایفای
نماز ایدوب لکن وقت رحلتلری متقرب الحلول اولدیغی خللاده (اوج)
کون طرفنده (۱۵) یا خود (۱۷) وقتک نمازینی ادایه تاب آوارتحمل
اوله مامشدر • بر یاتسو نماز یکه وقتی حلول ایلمشیدی • جناب (بلال)
رضی الله عنه { الصلوٰه یا رسول الله } نداسیله حلول وقتی سامعه
همایونه ایصال ایلدی • ذات اقدس رسالتیناهی فنا بر حالده مضطر
وبی تاب ایدو کندن (ابوبکر) ک (رضی الله عنه) اجرای و کالت ایلمسک

(بلال) مشارالیه افاده اولمسی ✽ صدیق ✽ به (رضی الله عنها) امر و تنبیه بیوریلوب فقط مشارالیه (ابوبکر) (رضی الله عنه) رقیق القلب اولق حسبیه اولمقام مبارکده اجرای وکالت ایدہ جکی اثناده بکاسی غالب اولوب (قرآن) او قومغه قادر اوله ماز • بو خصوصک جناب (عمر) بن الخطاب (رضی الله عنه) حواله بیورلسی دها اولادر) جوابیلہ اصحاب کرامک اولمقام معلاده اجرای وکالتی تشاتم ایلد کلرینی ایما ایدوبده ینہ اولکی امری آلدیغندن کیفیتی برکرده جناب ✽ حفصہ ✽ بنت (عمر) بن الخطاب (رضی الله عنهما) ایلہ عرض وافاده ایتدیرمش اولدیغندن اظهار اغبرار ایلہ ینہ حضرت (ابابکر) ک (رضی الله عنه) اجرای وکالت ایتسی امر وفرمان بیورلمش ومشارالیه «یا عایشہ» ✽ خاطر عالینک حقه مدہ بو وجهله دخی رنجش پذیر اولسنه باعث اولدک) دیوب (ابوبکر) ک (رضی الله عنه) اجرای وکالتی حقنہ سانشہ بروز اولان اراده همایونی حضرت بلالہ (رضی الله عنه) تبلیغ ایلشدر • مشارالیه «واغوثاه» و انقطاع رجاء • وانکسار ظہراہ • نہ اولایدی بنی والدہ م تولید ایتسیدی • مادمکہ بوابتلا کاه شہودہ کتوردی • کاشکہ فوت اولوبده ذات اقدس سمات همایونی بو حالده کور مامش اولیدم) نوحہ سیلہ عودت و آلدیغی امری هزارناله و فریاد ایلہ حضرت (ابابکر) ہ (رضی الله عنه) عرض وافاده یہ مبادرت ایلدی • حضرت صدیق (رضی الله عنه) جهت محرابہ توجہ ومقام (رسول) اللمی خالی عن الحضرت کور مسیلہ کند و سنی امسا کہ مقتدر اوله میوب کریمه نا کہ ظور ایلہ بیہوش اوله رق بیر دوشدیکندن وحضار جماعت دخی عرض تبعیت ایلدیکندن ہجرت سرای (مدینہ) نمونہ نمای سراجہ ماتم و حتی اہالی آسمان تأثیر نالشاریلہ اسیر درد و غم اولشدر • اول معدن رحم و شفقت (علیہ التسلیم والحمیة) افتدیمز سبب فریاد وافغانی سؤال و ویریلان جواب اوزرینہ واقعہ یہ مطلع اولمغله (عباس) و (علی) بی (رضی الله عنهما) جلب و او موزلرینہ بالاتکا (مسجد) شریفی تشریفہ استعجال بیورمشلر و نمازی بعدالادا «ای مسلمانلر سزلر ہر حالده جناب

(خیر الحافظین) حضرتلر ینک حفظ و پناہندہ سکن • وحق (تعالی) اوزر یکزده بنم خلیفہ مدر • ککر کدر کہ تقوایہ واللہدن خوف واحترازہ ملازمت ایدہ سکن • وفرمان (خدا) بی برینہ کتورہ سکن • زیر ارتق سزدن مفارقت ایلسم ککر کدر) مقالہ جکر خراشیلہ ختم کلام ایلشدر • دیگر بر (یاتسو) نمازی ادا سیچون جماعت مسلمینک تشریف عالی انتظارندہ اولدقلری عرض اولمسی اوزینہ ازالہ حرارت واکتساب خفت ایلک اوزرہ صوغوجق برصوایلہ غسل ایدرک قیام ایتک استدیلو و بوقیاس ایلہ (اوج) دفعہ غسل ایلدیلر ایدہ بیہوش اولوب قالدقلری جہتلہ جناب (ابوبکر) ک (رضی الله عنه) اجرای وکالتی فرمان بیورلمش و کیفیت مشارالیه حضرتلرینہ بیلدیرلشیدی • مشارالیه رقیق القلب اولدیغندن اجرای وکالتی (عمر) بن الخطاب (رضی الله عنه) رجا و آنلر دخی «بوامرہ سن بدن احقسنین ینہ سن ایفا ایلہ» زمینندہ استرجا ایلدیکندن (صدیق) اکبر (رضی الله عنه) امر وکالتی اجرا ایلشدر • ایرتسی کونی مزاج ملائک امتزاج عالیدہ اثر خفت رونما اولدیغی و جناب (ابابکر) رضی الله عنه صلوة ظہری قیلدر مق اوزرہ مہیا بولندیغی حالده (مسجد) شریفی بالتشریف نزد (ابابکر) دہ (رضی الله عنه) قعود بیور دیلر • مشارالیه تشریف مکارم ردیف عالی یہ مطلع اوله رق کیر و چکلمک استدکده اجرای وکالت ایلسی امر و اشارت بیورلدیغندن جناب (ابابکر) (رضی الله عنه) امام جماعت انبیا (علیہ افضل التحایا) حضرتلرینہ و جماعت مسلمین دخی مشارالیه حضرتلرینہ بالاعتداء نماز ظہری ادا ایلدیلر • و علی قول ذکر اولنان (یاتسو) نمازی وقتک حلولنہ دائر جناب (بلال) رضی الله المتعال جانبدن اولشان ندا واصل سابعہ (امام الانبیا) اولدیغی خللده نزد همایونده بولنان (عبدالله) ابن زمعه یہ (رضی الله عنه) خطابا «یا عبدالله نمازی قیلسنلر» بیورلدیغی جہتلہ مشارالیه (مسجد) شریفده (فاروق) اعظمی (رضی الله عنه) کوروب «یا عمر اجرای وکالت بیور» دیمش و مشارالیه دخی

عاز قیلدرمغه بدأ ایله صداسنی سامعه هما یونه ایصال ایلش اولدیغندن
 { یا بی الله ذلك والمؤمنون } دیدکن و حجره شریفه روز نندن رأس
 سعادتلی بنی چیقاردقد نصکره « یوق یوق نمازی (ابابکر) ک
 (رضی الله عنه) قیلدرمی اقتضا ایدر » پیورلمش و اقتضاسی
 درعقب اجرا قلمشد ر که حضرت عمر (رضی الله عنه) نمازدن
 بعد الفراغ « یا عبد الله رسول الله بنم نماز قیلدر مقلغمی فرمان
 پیورمدیلرمی » دیوبده « خیر جماعت مسلمین نمازی قیاسونلر » امرینی
 ویرمش و فقط (ابابکر) ی (رضی الله عنه) کوره مدیکم و بین الاصحاب
 سندن غیری امامته لایق کسنه تصور ایده مدیکم اجلدن سزه
 تخصیص ایلدم • یوقسه اسم (امام) تعیین پیورلیدی ایدی » جوابنی
 الدیغندن « اگر او یله اولدیغنی بلیدم • خلقه امام اولمزدن » سیاقنده
 ابراز یشیمانی و ندامت ایلشدر • ینه بر کونکه (اولکون مجموعه ایام
 حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم خاتمه سی ایدی (ابوبکر)
 الصدیق (رضی الله عنه) بالوکاله صباح نمازینی قیلدرمقده ایکن
 خاتمه شرفنامه نبوت (علیه التسلیم والتحیة) حضرتلری (ایکی) صحابه
 اوزرینه بالاتکاء باب (مسجد) شریفه شرفبخش اقبال اولوب پرده باب
 (مسجد) ی رفعله صفوف جماعت مسلمینه احاله نظر و التفات و علی طریق
 التسم ابراز علایم شادمانی و بشاشت ایدرک بر مقدار توقف
 پیورد قلمی امام مشار الیهک منظور نظر احساسلری اولمقله « محرابه
 متوجه اولوزلر » ظنیه کبرو چکلدیلر ایسه ده اتمام نماز اولمسنی
 بالاعمال عودت و برمدت صکره و صلاتسرای عقبایه رحلت پیوردیلر •
 رحلت عالی وقوعندن (اوچکون) اولمقله (علی) بن ابی طالب (رضی الله عنه)
 سعادتخانه جناب رسالتیناهیدن خروجله « یا ابا الحسن (رضی الله عنه)
 مزاج هما یونه مر کرده در » سؤالی ایراد ایدن صحابه « الحمد لله بر مقدار
 افاقت رونما اولمشد » جوابنی ویرد کده جناب (عباس) رضی الله عنه
 یدعائی مشار الیهی طوتوب « حضرت رسول الله (اوچکون) صکره
 ارتحال ایده چکدر • و سن آخر کسنه نک امر ینه تابع اوله جقسین • زیرا

اولاد عبد المطلبده بر علامت وارد که زمان ارتحاللری حلول ایلد کجه
 ظاهر اولور • و اول علامتی ذات عالی نبویه بن مشاهده ایلدم • انجیق
 رومال حضور اولوب بعد انتقاله امر خلافت کیمک عهده سنه تفویض
 پیور یله جغنی سؤاله جرأت واکر بزه تفویض پیورلماز ایسه
 حقمرده اول (خلیفه) یه وصیت پیورلوق مناسنه مسارعت ایلده لم
 دیمش اولدیغندن « خلافت خصوصنی سؤال اید و بده
 جواب (لا) آکور ایسه ک بعد وفات النبی خلافتی بزه تفویض ایلزلر •
 و یو سؤالی بن متجاسر ایراد اوله مم » یولنده بر جواب المشدر •

مقاله { ۷ }

ذات عالی نبویه نک حالت نز عنده واقع اولان اخطارات بیاننده در •
 (ام سلمه) و ام حبیبه رضی الله عنهما ذات عالی نبویه نک رأس سعادتلری
 اوچنده ایکن « یا رسول الله دیار حبشه ده بر (کلیسا) کوردک ایدیکه
 (دیوارلری منقش اولوب) نامنه (ماریه) دینور » دید کلری جهته
 « اول جماعت بر طائفه در که صالح بر کسنه لری فوت اولسه انک
 اوزرینه بر (مسجد) بناود یوارلری صور کونا کونله تزیننه اعتنا ایدرلر •
 لکن آنلر خلقک الک زیاده بد تریدرلر » جوابی ویرلمش و قول آخر
 مفادی اوزره ارتحال هما یونندن بش کون اول « بر جماعت و ارایدیکه
 ایچنرندن وفات ایدن (انبیا) و (صلحا) قبورینی (مسجد) اتخاذایدرلر •
 لایق اولان سزاویله ایتمایسکر » و دیگر روایت کوره بر کون بر کلیه
 اورتومش و مبارک نفسلری طارلمش اولمقله (کلیم) مذ کوری رفع ایله
 { لعنة الله على اليهود والنصارى اتخذوا قبورا نبیائهم مساجد } و یا خود
 « الهی و فاعمد نصکره بنم قبریمی معبود ایله » دید کدنصکره « ای اصحابم
 (حق) تعالینک شدت غضبی اول قوم شومک اوزرینه در که کندی
 (پیغمبر) لرینک مقابرینی مساجد اتخاذایدرلر • تحقیق بودر که بن سزی
 بو فعلدن نهی و تنذیر ایلرم { الا هل بلغت اللهم اشهد } مقالایله (قبر)
 سعادتلرینک (مسجد) اتخاذا اولممامی امر و اشارت پیورلشدر •
 استطراد • هر ویدر که بر محلدن احضار اولنان بر مقدار التونک

فقرايه بعد التوزيع (۶) يا خود (۸) ويا خود (۹) عددی توقیف
 بيورلشيدى • بوصره ده ذات همايونلرينه برنوع بخودى مرض
 عارض اولمسيله مبارك سر سعادتلريني سينه * صديقه * رضی الله
 عنهمايه وضعله ازاله بخودى ايلد كده ذكر اولنان آتونلرك
 دخي تصدقنى اراده بيورملريله برابرينه بخود اولد قلرندن وشارالها
 مشغول خدمت همايونلري اولوبده اراده جناب رسالتناهيلريني ايفايه
 موفق اوله مامش بولند قلرندن نو عما خفت كلوب ذكر اولنان التونلري
 بالتعداد « بن بو آتونلره حضور پروردگار ه نصل واره بيلورم »
 ديد كدن ومارالذكر آتونلري فقرايه تصدق ايتدرد كد نصكره
 « اشته شيدى راحت ايلدم » بيور مشلردر • تم الاستطراد »
 ائمه سير بوصورتله دخي برروايت نقل وحاكيات ايدرلر كه ذات على
 نبوى يه اثر بخودى عارض اوله رق بيهوش اولد قلري صره ده امهات
 مؤمنين (رضى الله عنهن) طرفلرندن استعمال ايتد يرلمش اولان برنوع
 علاجدن كمال درجه متأثر اولوب بردها استعمال ايتد يرلما مسى اشارت
 وبعد مدة استحصال برء وخفت ايله مذكور علاجك ندن عبارت
 اولديغنى وكيك اثر ترتيب وتصويبي بولنديغنى سؤال بيورديلر • (اسما)
 بنت عيسى (رضى الله عنها) نك (جوزهند) ايله بر مقدار (مرسين) و (چند)
 قطره (روغن) زيتله ترتيب ايلديكى برنوع علاج ايدوى خبر و يرلد كده
 « ديار (حبشه) ده او كر نلش وفنون (طبه) تماميله موافق بولنمش
 بر علاج اولوب ولا علاج جناب (عباس) دن (رضى الله عنه)
 غيرى بورا ده (يعنى دائره عالیده) موجود بولسانلر بو علاجى
 استعماله محتاج ايسه ده بونى بكانه مرض ايجون ايجورد يكر »
 سؤالنى ايراد بيورديلر « ذات الجنب علتله دوچار اولديكر ملاحظه سيله
 استعمال ايتد يرك ايدى » جوابى و يرلد كده « اول علت مرض شيطاني
 اولوب حالبوكه جناب (حق) اول علتى بنم اوز ريمه مسلط ايلز
 فقط عبا سدن غيرى جمله كز ذكر اولنان علاجدن برر مقدار استعمال
 ايدك » يولنده بسط مقال و بناء على هذا الامر جمله (اهل بيت) ايله يوم

مذ كورده صائمه بولسان * يمونه * رضی الله عنها علاج مذ كورى
 استعمال بيورديلر • شوروايت دخي تذليل اولنمشدر كه (حضرت)
 جبريل امين (عليه الصلوة والسلام) رحلت على وقوعندن (اوج) كون
 اولجه نائل عز حضور (رحمة للعالمين) اولوب (يا محمد) جناب
 (حق) سلام وحق عاليكزده اجراى مر اسم اتصال واکرام ايدوب برنسنه
 استفسارى ضمننده بنى نزد ساميكزه اعزام بيورديلر كه (اول نسنه يه
 ذات احديتلري اعلمدر • يارسول الله جناب (رب) رحيم اشفق كمال لطف
 وكرملرندن ذات والا كرك نه حالده اولديغنى سؤال بيورلر » ديوب
 « يا امين (الله) كنديمى غايت مكدر ومفهوم ودر دناك كوربرم » يولنده
 اخذ جوابله عوت ودفعه (ثانيه) و (ثالثه) ده دخي وارد اولوب خاطر
 على بي سؤاله مئابر ايدرك جواب سابق آلمش فقط او خنجى (دفعه) سنده
 ملك الموتله (۱۰۰۰۰۰) ملائكة كرامك (حاكى) وهر بر تبعه سيدخى
 (۷۰۰۰۰) سروشك ضابطى اولوب ميانه ملائع اعلا ده (اسماعيل)
 ناميله متعارف اولان و نر دنده (۷۰۰۰۰) ملك برابر بولنان (فرشته)
 دخي ياننده بولنديغندن خدمت سفارتى بعد الايفاء « يا محمد (صلى الله
 عليه وسلم) ملك الموت دخي قصد زيارت ايله رومان حضور اولمق ايجون
 خارج باب سعادتكزده اولوب نزد على جناب رسالتناهيلرنده محتاج
 تعريف اولمديغنى اوزره بو آنه دكين هيچ بر كسنه دن رخصت طلبنده
 اولمديغنى و بوند نصكره دخي فرد آفريده دن طاب رخصت اولميه جنى
 حالده رخصت على كرىمانه لرى انتظارنده اولمغه نه فرمان بيوررسكر »
 ديد يكدن « رخصت وركاسون » مأليله داخل حضور اولسنه مساعده
 بيورلشيدى • جناب (ملك الموت) داخل حجره سعادت اولوب « يا محمد
 (عليه الصلوة والسلام) اگر چه مساعده سنه كز اولو رايسه (خدا) ي
 (عز وجل) حضرت تلرينك امر و اراده سى اوزره روح شريفكزى
 قبضه جرأت وموافقت بيورلما ز ايسه عودت ايلك استرم » ديدى •
 (صلى الله عليه وسلم) حضرت تلري (جبريل) امين (عليه السلام) طرفته
 عطف نظر و ضمنا استفسار رايه حصر بصريورديغنى و مشار اليه رن

«یا محمد (علیه الصلوٰۃ والسلام) جناب (حق) مشتاق جمال کدر»
مفادینی متضمن بر اشارت آلدیخی جهتله ملک الموت ایفای مأموریت
ایلمنی فرمان پیوردیلرکه (بوخلالده حضرت (جبریل)
علیه السلام «یا احمد (صلی الله علیه وسلم) فیما بعد روی زمین
نزول ایتسمم کر کدر • زیرا اهل دنیادن مرادم انجق ذات سنیه کزایدی»
دیشدر • قول دیگر مفادی اوزره چونکه نزد عالی همایونه رخصتسن
داخل اولماق وارضا قلندجقه روح پرفتوح همایونلری قبض اولماق
حقنده اراده قاطعه (ذوالجلالیه) سمنوح ایلش اولدیغندن جناب
ملک الموت نیجه یوزیک ملائک یاننده اولدیخی حالده بیاض آنلره
سوار و درو جواهرله مرصع البسه لره تزیین وجوده درکار اوله رق
باب فیض مأب همایونه بالا جماع حامل اولدیخی (ناعمه) خالق العالمینه
کائنات عالمه عرض مباهات و فخرت و براعراپی هیئتنده باب عالی
خارجنده توقف ایدوب {السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و معدن
الرساله} اگر ارزانی مساعده پیوریلورایسه رومال حضور اولهلم •
حق تعالینک رحمتی سزک اوزریکزه اولسون (کلماتله ایفای مر اسم
تسمیت ایلدی • ورأس مبارکه همایون جهت سامیسنده یولنان جناب
(خیرالنسا) نک رضی الله عنها (پیغمبر) کندی خالیه مشغول اولمغه
وقت ملاقات دکدر) سیاقنده اعطا ایلدیکی جوابه احاله سمع اعتبار
ایتمده رکنه اولکی وجهله طالب رخصت دخول اولوبده جواب
سابق آلدیغندن دفعه (ثالثه) ده نهج مارالبیان اوزره حرکت ایتیموب همان
برصدای بلند ایله نیازمند مساعده دخول اولمغه جرأت و تأثیر آوازه سیله
(حجره) مقدسه اهالیسنه ایراث رعشه دهشت و هیبت ایلدیگندن اول
(نازک مزاج محبوب ملک المتعال) دیده کشای سؤال واعطا قلنسان
معلومات اوزرینه واقف حال اولوب (یا فاطمه کسر لذت ایدن و قطع
عرق آرزو ایلین و احبابی یکدیگرنندن جدا قیلین و زو جاتی طول براغن
و اطفالی یتیم براغده سبب اولان قابض الارواحله محاوره ایده یورسین)
پیوردیلر • مشارالیه «یامد ینناه خربت المدينه» دهرک مقصدی

واویلا اولدقده ید سامیه لرندن طوته رق سیننه بی کینه لرینه چکوب
ومبارک کوزلرینی یوموب برخیلی زمان بیهوش اولدیلر • مشارالیه
روح الطف رسول اللهی بدن عالیرندن مفارقت ایلدی • ظنیه چند
دفعه (یا ابتاه) دیوبده اخذ جواب ایده مدیکندن «جانم سکا فدا
اولسون بابا جغم لطفا پرکره دها چشم کشای التفات و شکر ریزکلمات
اول که (طوطی) جان و دلم لذتیاب قند حیات اولسون» دیو عرض
نیاز و غما ایلد کده «قیزم آغله که حله عرش سنک اغلا دیغکه
اغلقده درل» مقاله سنی ایراد ایله اشک دو چشم مشارالیهایی سید کدن
و برحقو التفاتله «ای بار (خدا) بنم مفارقم ایچون (فاطمه) به
(رضی الله عنها) صبر و شکیب احسان پیور» دیدکد نصکره «ای
(فاطمه) (رضی الله عنها) بنم روح قبض اولندقده
{انا لله وانا الیه راجعون} دیلیسین • چونکه انسانک مصائبه
کوره برعوض واردلر طرزنده اظهار التفات پیوردیلر • مشارالیه
(سندن قنغی کشی ونه عوض اوله بیلور) دیرایکن دیده ملکوت
دیده سعادتلری بنه یومولدقده مشارالیه «یا کرب ابا»
دیو فریاد ایتکله «سنک بابا که بوند نصکره کرب و اندوه یوقدر»
جوابی اعطا پیورلش و بونی متعاقب جناب (صدیقه) رضی الله عنها
دخی «اول شیرین زبانکله برطاتلوسوز دها سویله که جائله استماع
ایدوبده تابقیامت آنی ورد زبان ایده یم» مأثنده اولان «زان لب
شیرین تکلم یک سخن کن بشنوم • تاقیامت آن سخن ورد زبان من شود»
بیقی مقتضای اوزره «یا رسول الله بکا دخی احاله نظر شفقت و مرحت
وزاد عمر اوله حق بر نصیحت قیل» دیدکده (صلی الله علیه وسلم)
افندیمز بنه دیده کشای التفات اولوب «یا عایشه (رضی الله عنها)
بکایقین کل و دونکی کون سکا بروصیت ایتشیدم • بوکونکی
وصیتیم دخی بنه انک عینیدر که (موجنبجه عمل ایتکه دقت و حفظ
و حایه به حصر غیرت ایله) و (ای حفصه و سائر زوجاتم) رضی الله
عنهن (سزک اوزریکزه لازمدر که (خانه کزک کوشه سنی

کوزه ده سکر) یعنی ضرورت مس ایتدیکه طیشارویه جیقیمه سکر
ونا محرمه کورنیه سکرنتکم (حق) سبحانه و تعالی حضرت تری اشبو
«خانه لیکزده قرار ایدک و کند و کزی زینتلیوب زوقاقد صالینک
جاهلیه اولانک ایلدکلی کبی) مفاد کریمنی متضمن اولان { و قرن
فی بیوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولى } نظم جلیله سنی انزال ایله
سزی جاهلیه اولاطوار ایله حرکتدن انداریورمشیدی) بیوردیلر که
(جاهلیه اولی (ابراهیم) علیه السلام وقت ولادتتری اولوب اول
عصرک نسوانی لباسلرین انجوا ایله تزین ایدوب رجال اره سنده
کرلردی • و جاهلیه آخری (عیسی) و (محمد) علیهما السلام بینده
کذران ایدن زمان فترتدر) • بعده (حسنین الاحسنین) حضرت لرینک
احضارینی امر و اراده بیوردیلر • مشارالیهما وارد اولوب عرض
سلام و ایستاده موقع احترامله منتظر التفات و کلام اولوب انجق
جد بزرگوار لرینی اول حال بنخودیده کورد کلرندن جناب (حسن)
وجه احسن و حضرت (حسین) رأس مبار کن سینته جناب رسالتیناهی به
وضع ایله درون خانه ده اغمدق کسه براقیه جق درجه بکا ایلدیلر •
ناگاه سید السادات (علیه السلام و التحیات) افتدیمز حضرت تری کوزلرینی
آچوب مشارالیهما به عطف نظر شفقت و هر برینک آروجه آروجه
سرور و بینی بوسله کندولرینه تعظیم و احترام اولمنسی وصیت بیوردیلر •
﴿استطراد﴾ (منقولدر که) (حسنین الاحسنین) حضرت لرینک سالف
الذکر وجهله بکارلندن (حجره) مقدسه مطهره قیوسنده بولنان
خواص اصحابک جمله سی متأثر اوله رق فریاده شتاب ایلدکلی ذات
مرحت سلمات (نبوی) به ایرات حزن و رقت ایلدیکندن امت (محمد) به لری
حقنده اشکرین شفقت اولدیلر ایلدی • بو حال ﴿ام سلمه﴾ رضی الله عنها
نزدنده موجب استغراب اولغله «یارسول الله جناب (حق) سنک زمان
جاهلیته تقدم ایدن و آیه جلیله { لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک
وما تأخر } نزولنه دکین تأخر ایدن افراطکی مغفرت ایلشیکن بوقدر
بکایه سبب ندر) سؤالنی ایراد ایلدکده «بکم بکام ائمه شفاعت

ایچوندر که (عجباند نصکره آنلرک حالیه نیه منجر اوله جقدر •) معناسنی
حاوی اولان { انما بکیت رحمة لا متی } حدیث مرحت توریلنی
زیور زبان بیوردیلر • و جناب (حیدر) (رضی الله عنه) بالاتکاء «یا علی
(اسامة) ابن زید (رضی الله عنهم) تجهیز عسکر ضمیمه فلان یهودیدن
معلوم المقدار اچقه استقراض ایتشیدی • اول اچقه بی یهودی مزبوره
تأدیه ایدوب بنی بار ذمتدن رها ایله که (کار حوض (کوثر) ده امتک
جمله سندن اول بکا واصل اولان سن اولسه ک کرکدر • و بند نصکره
سکا خیلوجه مصائب توجه ایده جکندن آنلره مضطرب اولیوب
طریق مصابرتیه سلو کله مائل دنیا اوللره عدم موافقت وجهت آخرتی
اختیاره غیرت ایله) و (قول) دیگرده «یا علی احضار کاغد و دوات ایله کیم
سکا بروصیت نامه تحریر ایده یم» بیوردیلر • مشارالیه احضار دوات
ایدنجه به قدر رحلت وقوع بولورده محروم نصیحت اولورم ملاحظه سیله
«یارسول الله وصیت بیوریلور ایسه خاطر منده حفظ ایدرم» جوابنی
ویردیکندن { الصلوة و ما ملکت ایمانکم } یاخود { الله الله فیما ملکت
ایمانکم البسوا ظهورهم و اشبعوا بطونهم و الینوالهم القول } و صایای
شریفه سنی بالا یراد (۴۰) عدد کوله آزاد بیوردیلر • ﴿استطراد﴾
(کعب الاخبار (عمر) بن الخطاب (رضی الله عنه) زمان خلافتده
حضرت خاتم النبیینک خاتمه عمرنده اولان نصیحتنی سؤال ایدوب
«اول سؤالک جوابنی جناب حیدر (رضی الله عنه) دن آله یلور»
جوابنی آلدیغندن مشارالیه امر اجعت ایلدی • جناب حیدر (رضی الله
عنه) { الصلوة الصلوة } بیورلدیغنی خبر ویردکده «اوت انبیایه
لایق اولان نصیحت اودر • و خاتمه مجموعه و صایای صلو
اولور • و بوند کله مأمورلر در • و بونکچون مبعوثلر در دیدی
• تم الاستطراد) اول طیب قلوب عالم (صلی الله علیه وسلم) افتدیمز
حضرت تری جناب ﴿صدیقه﴾ به (رضی الله عنها) خطابا ذلال ریز
وصیت اولدقلری اثناده حالی متغیر اولغله مایه خیر فیض حیات مؤمنین
اولان آب دهان مبارکلی مشارالیهانک اوزرینه جریان ایلدی •

و بوحالی و رای (برده) ده بولنان (مخدرات) مطهرات بالمشاهده فریاده
باشلدیلر • و مشارالیه تحمل ایده میوب جسم نازنین همایونلرینی
معاونت (عباس) ایله (رضی الله عنه) فراش استرحتلرینه وضع ایلدیلر •
ثقة ائمه سیربو نهجده دخی خامه کش خبر اولمشلردر که آنفایان
اولندیغی اوزره جناب (ملک الموت) حجره مقدسه جناب رسالتیناهی
قیوستده بر اعرابی صورتیه رخصتجوی مثل وحسب الاجازه شرفیاب
دخول اولوب {السلام عليك يا ايها النبي} حق تعالی سکا سلام ایدر •
واذنک اولدجه (روح) شریفک قبض اولنماسنی فرمان ایلر • سیاقنده
افهام مرام ایلدیکندن «یا ملک الموت (جبریل امین) ک (علیه السلام)
نزولنه دکن اعطای رخصت بیورلسنی رجا ایدرم» زمینله ایراد جواب
بیورلشدیر که (ازین جانب (نار) دوزخک سوندرلسی و (حور) العینک
تزیین ایللسی • و (ملائک ملکوت) و (سکان) صوامع جبروتک صف
بصف ایستاده مواقع تعظیم و توقیر اولسی و (جبریل) امینک سندسدن
برمندیل اخذیله نزد عالی به نزول ایتسی خصوصاته (سانحه
روز اولان خطاب عزت اقتضاسی اوزره مأمورین ملاء اعلا فرموده
(خدای) بی انبازی ایفایه مشغول و جناب (جبریل) (علیه السلام)
ذکر اولنان امانتی بالاستصحاب تسلیه بخش نزول اولدی •
قبل عالی (سیدالوری) صلی الله تعالی دن ایراد بیوریلان «ای بنم
محب صادق • بنی بوحال اضطراریده تهاس براقق منافی دأب مودت
دکلیدر» سؤالنه «یا محمد (صلی الله علیه وسلم) عرض بشارت
ایلر و نزد علیا کزده رهین قبول اوله حق بر نسنه کتور دیکمی اخطار
ایدرم» جوابیله تفصیلات اراده (ذوالجلالیه) بی برآورده زبان بیان
ایلدکده «بونلرک اعلا بشارتدر • فقط دیکر برمزده لذت
بخش دخی عرض ایله که حلوا المذاق راحت اولهیم» رجاسیله
استدعای خبر دیکر بیوردیله و «سن و امتک داخل جنت اولدجه
انبیا و امم سائر به جنت حرام اولسه کر کدر» مقاله مبشره سیله
کلفشان جواب اولدقده «دها زیاده جه بشارت عرض ایلکری

مأمول ایدرم» نهجده استرحام بیوردقلری جهته «جناب (حق)
ذات سعادتکزه حوض (کوثر) ی و مقام (محمود) ی و یوم قیامتده امتکز
حقنده (شفاعت) مآذونیتنی واستدیکیز قدر یعنی خوشنود اوله جغکز
درجه امتکک مغفرت اولنسی مساعده سنی اعطا بیورمشدر که (اشبو
عطایای اربعة الیه هیچ بر نبی حقنده عنایت واحسان بیورلماشدر)
جواب جواهر نصابی ایراد ایلسیله «اشته شمدی کوزلرم پر نور • و کوکلم
رهین سرور اولدی • ای (ملک الموت) آرتق سنده ایفای مأموریت ایله»
یولنده اعطای اجازت و جناب (قابض الارواح) روح لطیف مقدسه
قبضنه مسارعت بیوردیله ذات خجسته صفات نبویه لریک سکرآت
موتی کال درجه شدت اوزره اولدیغندن کلبرک عذار تابنا کلرنده گاه
اثر جرت پیدا و گاهیجه اما ره صفرت رونما اولوب بعض کره
دخی مبارک صاغ اللرینی حسب الاشاره احضار قلنان قهح بر آب ایچنه
وضعله وجه انور سعادتلرینه سر پر و غنچه وردر خسار لرنده حاصل
اولان عرق (اجل) ی سیله رک {اللهم اعنی علی سکرآت الموت • اللهم اعنی
منکرات الموت} و قول اخرده {لا اله الا الله ان للموت سکرآت} دعاسنی
تکرار ایلر لردی که (جناب • صدیقه • رضی الله عنها اول بر کزیده
کائناتک شدت سکرآت موتنی بالمشاهده راحت اوزره رحلت اید نلره
غبطه ایتکدن فارغ اولمشلردر • چونکه اگر نزد (خدای) بی انبازده
استراحتله فوت اولق جهتی مقبول اولسه ایدی • ذات اقدس خیرالوری
(علیه التسلیم و التحایا) حقنده دخی اول صورت اختیار بیورلوردی •
اول سلطان هر دوسرا (صلی الله تعالی علیه وسلم) افندیمن حضر تیرینک
حالت نزعده سر مسعود مبرو که لری سیننه بیکنه • صدیقه • رضی الله
عنهاده اولدیغی حالده مشار الیهانک برادر لری (عبد الرحمن) بن ابابکر
(رضی الله عنه) یدنده اریک اغاجندن معمول یشیل بر مساواکه رومال حضور
و ذات اقدس همایون صیقجه مسواک مذکوره نظر ایتکه مجبور
اولدیغندن مشارالیه «یا رسول الله استعمال مسواکه زعبتکز وارمیدر»
مألنی عرض وافاده و «بلی» معناسنی متضمن بر اشارت مشاهده

اینگله سالف اندر مسواکی برادرندن اخذ ایله اغزیله خوشنونی بالازاله
تقدیمه مسارعت و قبول بیورل دیغنه مبنی اخر العمر اعصاب اقدس
همایونله کندی لعابک وقوع اجتماعی دولته نائیلته عرض
مفخرت ایتدیکی وحتی (اول خلاصه موجودات علیه التسلیم والتحیات)
حضرتلری «بیم نوبته وسینه هم اوزرنده سقف خانه مه ناظر اولدیغی
وزبان حقایق بیان نبویه لرنده {الرفیق الاعلی} مقاله سی بولندیغی
حاله جام رحلت انجام عمر لرینی مسکی الختام بیوردیلرکه (بعد
انتقاله روایح طیبه ظهور روبنی جسم مطهره سینهلرینی اورتکه مجبور
ایتدی) وقول دیکرده «حاضر بولنان (جبریل امین) وسائر
ملائک کرام جسد شریف اقدس لرینی ستر ایلدی» دیو ابراز مباحثات
ایلدیکی منقولدر • لکن روایت اخر مفاد نیجه جناب (ملک الموت)
روح عزیز (مخدوم کائنات علیه افضل التحیاتی) قبضه جانبه
جنانه عزیمت واثنا ی راهده «وا (محمد) اه» فریادینه ماثرت ایتش
وحتی «وا (محمد) اه» صدای محرقه سیله متصاعد آسمان اولدیغی
جناب (حیدر) رضی الله عنه کور مشدر • بعده جناب (سیده النساء)
رضی الله عنها {وابتاه • اجاب رباه • من جنة الفردوس مأواه
یا ابتاه الی جبرائیل تبعاه} نوحه سیله فریاد وفغانه ابتدار والی
وفاتها ترک راحتله عزلت خلقی اختیار ایلدی • حضرت ❖ صدیقه ❖
رضی الله عنها ایسه «ای دریغ اول (پیغمبر) ه که غنایه ملتفت اولیوب
اختیار فقر و فنا ایتشیدی • حیف صدحیف اول دین پروره که کناه
امتی غمندن هیچ بردقیقه مشغول راحت اولما مشیدی • وساحه صبر
وتحملده ثبات ایدوب نفسنه روی موافقت کوستر مامش
ودو چشم مبارک لرینی جهت منهیاته عطف ایتما مشیدی • واهل
ضلالک اضرار یله آینه سیننه مبارکته کردملال قوند ر مامش و هیچ بر فقیری
احسان وانعامی قیوسنی سدو بند ایله مأیوسا اعاده قیلا مشیدی •
(دندان) در مثالی سنک دشمنله شکسته ورأس مبارک لری نیجه زمان عصابه
حوادثات روزگار ایله بهم بسته اولوب حسب القناعه نیجه ایام نان شعیردن

بیله دفع جوع ایده مامشدر نوحه سیله ناله کان چاک کر بیان ایلشدر •
اشبو ووقعه جکر دوز • دهشتنای ساحه بروز اولد قده یعنی اول
پیغمبر معجز خطاب (علیه صلوات الله العزیز الوهاب) جنابک وقوع
ارتحالی درجه ثبوتیه پیوسته اولوب نسوان اهل بیت فریاده باشلد قده
رجال اهل بیت (حجره) مقدسه یه بانهاده دخول ونسوان ورجال آره سنه
حائل اولق اوزره بر پرده تعلیقنه مشغول اولدیلر • وحضرت (حضرت) ک
ورای پرده خفادن {السلام علیکم یا اهل البیت • ورحمة الله •
وبرکاته • کل نفس ذائقة الموت • وانما توفون اجورکم يوم
القیمة} سیاقنده ابراز مراسم تعزیه ایلش اولدیغی استماع ایلدیلر که
معناسی «ای اهل بیت آگاه اولوک که نزد (خدا) ده هر مصیبتک بر تسلیه سی
وهر فوتک بر خلقی وارد در • ایدمی جناب حقه اعتماد ایدک • واکا
رجوعله جزع و فزع ایتیه یک • حقیقته مصیبتلو اول شخصدر که
واجب (تعالی) حضرتلرینک ثوابندن محروم اوله) دیمکدر • مسجد
نبویه مجتمع اولان اصحاب کرامدخی واولیلای اهل بیتله متأثرو بیتاب
وقدرت وقالب بی روح کبی رهین حیرت اولدیلر • ایچلرندن (عثمان
بن عفان) حیران و (عمر) بن الخطابه (عبدالله انیس کبی بر طاقلری
دخی متصدی فریاد وفغان اولوب حتی (ابن الخطاب) رحلت عالی
وقوعنی انکاره مسارعتله «حضرت (موسی) علیه السلامه واقع
اولان صعقه کبی بر حال اولدی • یوقسه اول فخر انام (علیه الصلوة
والسلام) افندیمر حضرتلری السنه مخالفینی قطع ایدنیجه یه قدر بر حیات
اوله جقدر» دیوب (اکرم محمد (صلی الله علیه وسلم) پیغمبر اولسه ایدی
وفات ایتز ایدی) ترهاتیله هزیان پاش اولان منافقین اوزرینه سل
سیف ایتدی • و (مسجد) شریف قیوسنده مهابت بخش قیام اولوب
(محمد) علیه الصلوة والسلامی فوت اولدی دین اولور ایسه اشته بوسیظه
ایکی پاره ایدرم» تحذیر یله تحویفه اقدام ایلدی ایسه ده مهر نبوتک
رفع اولندیغنی بالمعاینه مشاهده ایلدیکنی اشاعه ایلش اولان ابن
عمیسک قولیله سکوت ومومی الهانک اشبو معاینه سی رحلت ذات

(پیغمبر) ی وقوعی ایصال درجه ثبوت ایلدی . بو اثناده منزله
تنها نشین حیرت اولان (صدیق) اکبر (رضی الله عنه) وقعه رحلت
عالی به کسب اطلاع ایسیله بی اختیار «وا (محمد) اه و انقطاع ظهرا»
نوحه سیله صحاب دیده لرین لؤلؤ بار ایدرک مستجلا (مسجد) شریفه
عزیمت ایلدی . واحوال اصحابی بعد المعاینه شق شفه ایتمکسزین
ما تمخانه حضرت (صدیق) به (رضی الله عنها) کیدوب وجه انور
سعادتده اولان ردای شریفی رفعه پیشانی فخرجهانی بوس ایدوب
(وانبیاه) دیدی . وبرمقدار بکاد نصکره ینه مبارک جبهه جناب
(رسالتیناه) علیه صلوٰه الالهی بالتلیم «واصفیاه» ودفعه ثالثه ده
جبین منوره خاتم النبیین اوپه رک «واخلیلاه» دید کد نصکره بازوی
سعادت قی بوس و «بابی انت و امی طبت حیا ومیتا» مقالیه یاننده
بولنا نلری حیا تلزندن مایوس ایلدیکنی متعاقب «یا محمد (صلی الله علیه
وسلم) حق تعالی سنده ایکی موت جمع ایتز . اول موتکه مقرر ایدی
تحقق ایلدی . وهیج بر (پیغمبر) ک موتیه انقطاع پذیر اولین (وحی)
(خدا) به رحلت سعادت کزله دیوار انقطاع چکلدی . وسنک شانک
آندن عالیدر کد سنی وصف ایده لر . واندن مرتفعدر که سکا بکا
ایلیه لر . اگر اراده دست اختیار مزده اولیدی . کندی نفسمزی سکا
فدا ایدرک . واکر میت اوزرینه ناله ونوحه ایلکدن بزی نهی ومنع
یور مامش اولسه ایدی کزالبته نعش سعادت کز اوزرینه تعریفی قابل
اولیه جق وجهله بکا ایلر ایدک» دید کد نصکره «ای بار (خدا) بزدن
اکاسلام ایرشدر . وای محمد (صلی الله علیه وسلم) بزی نزد (خدا) ده
یاد ایل» مقالیه ختم کلام ایدرک مجمع اصحابه عودت ایلدی .
انجق ابن الخطابک وجه سابق اوزره رحلت عالی وقوعی انکارنده
مصر اولدیغنی اکلا دیغنی ودلائل متوافره سر دیله اقتضاه قادر
اوله مدیغنی جهته «ای کشتی تحقیق (رسول الله) وفات ایلدی . وسن
طویمد کی که (حق) تعالی قرآن مجیدنده «سندن مقدم بکنلردن
برآدمه بزد نیاده ابدی خلود قلدتی . سنک موتکه منتظر اولنلر .

سنک مد تکد نصکره انلر با قیمی اوله جقلا اولماز» مفهومیله اولان
{وما جعلنا البشر من قبلك الخلد افان مت فهم الخالدون} بیور مشدر .
دیوب (منبر) شریفه صعود ایلدی . وهشار الیهی ترکله نزد سامیسنده
خلقه بند اجتماع اولان صحابه کرامه خطابا (بعد حمد و ثنا) روح (محمد) ی به
علیه الصلوٰه والسلام) ایصال صلوٰه وسلام ایدرک {من کان یعبده
محمدافان محمدافان مات . ومن کان یعبده الله فان الله حی لا یموت}
مألنی بالاشاعه «محمد (علیه الصلوٰه والسلام) اندن مقدم کذران ایدن
انبیا کبی نبی اولوب اکر وفات ایدر و یا قتل اولنور ایسه سز دین کزدن
یا جهاددن اوکجه کز اوزره دونه جکیسکر» فحواسنی شامل اولان
{وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم
علی اعقابکم} وپرده {انک میت وانهم میتون} آیت کریمه لرینی
قرائت بیور مسیله کاغه اصحاب وبالخاصه جناب (ابن الخطاب) رضی الله
عنهم) اکاه ومتنبه اوله رق {انا لله وانا الیه راجعون} دیه رک رحلت
عالی وقوعی تصدیق ایلد کد نصکره حضرت امیر المؤمنین (ابا بکر) (الصدیق
(رضی الله عنه) اهل بیتی تعزیت ومراسم غسل وتکفین خصوصنی
ینه هشار الیهجه سپارشله امر واراده حضرت (سلطان هر دوسرا) به
رعایت ایلدی . استطراد منقولدر که (عمر) بن الخطاب
(رضی الله عنه) جناب (ابا بکر) ک (رضی الله عنه) منبردن نزول ایلدیکی
خلالده «کویا بن بوآیات بیناتی استماع ایتماسیدمکه (ایشی شمدی
اکلادم) صانکه بنم یوزمده بر پرده وار ایدی که اول پرده بی خطبه امیر
المؤمنین رفع ایلشدر» نطقنی ایراد ایله ارتحال عالی وقوعی تصدیق ایلدی .
حضرت (صدیق) اکبر رضی الله عنه) اکا بر مهاجرین واعاظم انصار
دین (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) اتفاقیه امر خلافته رابطه وبرمک
اوزره (بنی ساعده) سقفته عزیمت ایتش ورجال اهل بیتی تدارک
مازمه غسل وتجهیزه کوند رمش اولد یغندن رجال مشار الیههم ایفای
مقتضای غسل وتکفینه مبادرت بیور دقلری خلالده شیطان علیه
ما یستحق (حجره) مقدسه خارجندن «طاهر ومطهر اولان» نعش عالی

نبویه نك غسله احتیاجی یوقدر) صداسنی ایصال مسامع حضار
ایلدی • لکن جناب (خضر) علی نبینا وعلیه السلامک پس پرده
خفادن «یا اهل بیت بن خضرم حالو که نعش نبویه نك مستغنی غسل
اولدیغنی مخطر اولوب گوشه هاتفدن ظهور ایدن ندا صدای شیطانی
اولغله انك قولنه اتماد ایتیه رك اول (پادشاه هر دوسرانك) بدن
مقدسه مطهره سنی غسل و تجهیزه مسارعت ایدك دیدیكندن
بركوشدیه ثیاب یمانیدن بر پرده کريله رك واول معدن سعادت (علی
وعباس و قثم واسامه بن زید) و طرف عالی نبویدن اعتاق بیورلش
وشقران لقبيله متعارف بولنش اولان (صالح حبشی) رضی الله عنهم
اتفا قبله پرده معلقه مذکوره وراسته نقل ایديله رك طریق غسلده
اداره کلام ایلدکری صروده بر نوم خفیف عارض اولغله «رسول اللهی
اموات سائره کبی عریان ایتیب همان قیص سعادتاری داخلنده غسل
ایدك» نهجنده سامعه پیرای حضار اولان صدای هاتفی اوزرینه
جناب (عباس) رضی الله عنه باب حجره سعادت غلقه ابتدار ودرون
سعادتخانه ده بالاده مذکورالاسامی کساندن غیری هیچ فردك بولنماسنی
اخطار ایدوب فقط (حجره) سعادت خار جنده بولنان جماعت انصار
«بزم اولی مخدوم کائنات (علیه التسلیم والتحمیات) حضرت تهرینه
درکار اولان حسن خدمت و رابطه قرابتز و اسلامیتده مسبوق اولان
صدق و اخلاص و عبودیتز قابل انکار اوله میه جفندن بوبابده دخی
محروم شرف خدمت اولماق اوزره بزنده بر شخصك (حجره) سعادت
داخلنده بولنسه رخصت ویرلمسنی رجا ایدرز» بولنده عرض نیاز
ایلدیلر • قول اخرده (اوس) بن خولی انصاری خزرچی «یا علی
(رضی الله عنه) بنی ایچرو قبول بیورمکز ایچون سکامین ویرم»
سیاقنده عرض رجا ایلش اولدیغندن خدمت غسله مداخله ایتماک
ویاخود (خشیه) قیوسندن بالکز صوکتورمک شرطيله انصاری
مشارالیه مجاز دخول و متعهد اولدیغنی خدمتی ایفایه مشغول اولدی •
بعده (فضل) بن عباس (رضی الله عنه) قیص سعادت طوتدیغنی

و (شقران) رضی الله عنه صودو ککده بولندیغنی حالده حضرت
(حیدر) رضی الله عنه امر غسله مبادرت و (عباسله قثم) رضی الله
عنهما نعش عالی مسعوده بی بر طرفدن دیگر جانبده دوندرمک خدمت
جهان قیمتده جناب (حیدر) ه (رضی الله عنه) معاونت ایلدیلر •
استطراد * مقولدر که اول روح عالم (صلی الله علیه وسلم)
حضرتلرینك قالب بیروح مبارکدری بریاندن دیگر جانبه نقل اولتورکن
بلا مداخله حرکت وهرنه طرفه دوندرمک اقتضا ایلر ایسه اول
جهته توجهم اظهار تمایل و رغبت بیوروب حتی و رای دیوار خفادن
«اللهمك رسولنی رفیق ایل طوتك» زیرا سزله یاردم و اعانه ایدنلر
واردلر) مألده لطیف برآواز ظهور ایتش و اموات سائره کبی چرك
وناپاك برنسته بیدار اولدیغندن سرافراز ائمه (اثنی عشر) یعنی
جناب (حیدر) رضی الله عنه حضرتلری «یا رسول الله انام بابام
سکا فدا اولسون • حیات و مماتکده طیب و مطهر سین» دیهرک
ایفای خدمت ایلشدر • خانه چشمانيله مبارک کوبکلرنده بریکوب قالان
أب ذلال جناب (حیدر) رضی الله عنه طرفندن ایچلمکه استبحال
اولغله قوه حفظه و جر بزه علمیه سی زاید ایلشدر • تم الا استطراد»
مراسم غسلی ختام بولدقده (۳) بیاض (ثوب) یاخود (ایکی) بیاض
(جامه) ایل بر برد (یعنی قماش) یمانیدن اعمال اولنان کفله تکفین
و (جبریل امین) علیه السلامک فردوس اعلادن کتوردیکی خطوط
(یعنی میت اوزرینه صاچیلور کوزل قوقودر) طیب مبارکله
ترویج اولته رق نهاده تابوت تعظیم و مأمورین ملکوته تسلیم اولتوب
حسب الوصیه سعادت خانه لری داخلنده تک و تنها براغلدی • ایرتسی
کونی سامعه نوازا اهل ایمان اولان «ای مسلمانلر (پیغمبر) یکرک اوزرینه
نماز قیلک» صدای هاتفیبی اوزرینه چونکه امام الانبیا (صلی الله
تعالی علیه وسلم) حضرتلرینك حیات و مماتی امام المسلمین اولمق و نماز
جنازه لری منفردا قلمسی جمله وصایای جناب رسالتپناهیدن بولمق
حسبيله مراسم دفنی تأخیر اولتوب علی الانفراد جنازه نمازی ایفاسته

قیام اولندی • نمازك اردی النذقه حضرت (مرتضا) رضی الله عنه
جهت رأس جنازه همايوند • طوروب «ای عنوان آرای خاتم النبیین
وای اساس افکن بنیان متین دین جناب (حق) جل و علی حضرت تریك
سلام رحمت انجاهی سنك اوزریكه اولسون» دیدكدن و «ای بار
خدا (جل جلاله الاعلا) بوقولرك عبدك و رسولك محمد (صلی الله
عليه وسلم) حقند • شوصورتله عرض شهادته اعتنا ایدرزكه (جبریل
امین) علیه السلام واسطه سیله القا بیوریلان اوامر اکهیه کی بالجمله
عباده که تبلیغ ایدرك امتی او غورند • شرط نصیحتی ایفا و او غور دین
اسلامده اجرای جهاد ایلله کلمة اللهی اعلا ایلشدرد • الهی بزی اكا
نازل اولان قرآنه اقتدا ایدنلردن و روز حشرده آنکله جمع اولنلردن
ایله «سیاقتده برصدای مؤثره ایلله دعا و افراد مجتمعه مسلمین (آمین) دیهرك
بكا ایلد کد نصکره که رحلت همایونك او چنجی (چهارشنبه) کوننك نصف
(کیجه) سی یا خود (سحر) وقتی ایدی رحلت بیورد قلری محله
(ابوطلحه) رضی الله عنه حفر ایتدیرلش و (خیر) دن اغتنام
اولنان فطیفة حراء فرش ایدلش اولان (قبر) مسعوده (علی
و • عباس و • عقیل و • اسامه و • شقران) و قول اخرده
(فضل و • قثم) یا خود (عبدالرحمن بن عوف) رضی الله
عنهم اتفاقیه القا اولندی • علاوه (مذکور) قطیفه (نك) قبر (عالی
داخلنده ترك اولتوب اولنماسی حقند (ایکی) روایت اولوب بر طاقی ترك
ایدلش اولدیغنه و دیگر طاقیدخی اخراج قلدیغنه ذاهب اولش لردر •
اتهاما «قبردن الك صکره خروج ایدن (قثم) یا خود (حیدر)
رضی الله عنهما اولوب فقط بر روایت ضعیفه افاده سنه نظر اولتورایسه
(مغیره) بن شعبه نك «خاتمی قبره دوشوردیم» دسیسه سیله قبره
ایتهرك و قدم سعادت توام جناب رسالتیناهی بیوس ایللهرك چیققدن
صکره «رسول (خدا) یه بن سزدن قریب العهد» طریقہ سنجه
عرض دفخرت ایلدیکی اکلا شیلور ایسه ده بو (روایت) پکده شایان اعتماد
اولوب چونکه دیگر بر روایت قولنج (مغیره) سالف الذکر تصور

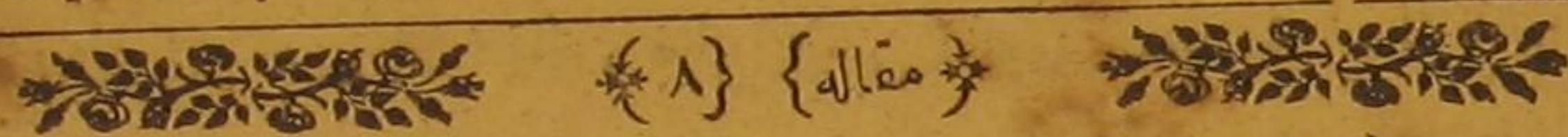
ایلدیکی حبله مسرووده بی بیاتله (قبره) نزول ایلک خصوصند • جناب
(حیدر) رضی الله عنهدن نیا زمند نزول اولدقده رجاسی قبول اولنجوب
(خاتم) مذکور حیدر (رضی الله عنه) واسطه سیله اخراج ایدلشدرد •
والحاصل نعش عالی رجة للعالمین نهاده زیر زمین قلندرق و طوبراغی
زمین دن بر قدم مقداری ترفیع اولنهرق اوزرینه صودو کولد کدن
صکره صدیقه رضی الله عنهانك اقدمجه مشهودی اولان رؤیا پدری
(صدیق) اکبر (رضی الله عنه) طرفندن { هذا احدا قارک وهو
خیرها } مقالیه تعبیر اولندی • بوند نصکره بالجمله اصحاب اقدام
شتابله نزد سامیه جناب (فخرالنسا) یه (رضی الله عنها) عزیمت
و اجرای تعزیت ایلدکلرندن مشار الیهانك «دیهیم آرای لولاك»
و (باعث ایجاد افلاک) اولان بابای زیرزمینه براقدیگز می
نهجند • ایراد ایلدیکی سؤال جکر شکافه جواب (نعم) ویرلدی • که
«بوکا قلبکز نیجه تحمل ایلدی • اول سرور نبی الرحه
دکلیدی» دیسته «بلی (یا بنت رسول الله) اول جهندن بزم
دخی خاطر لریمز پر خون اولوب خیلوجه مدت سیسته چاک و در دناك
اولدق ایسه ده نه چاره که اراده الهیه بومر کرده در» تسلیتیه رشاشه
ریز آتش فاطمه اولدیله • استطراد کفن (مقدسه) یه صرف اولنان
حنوطك بر مقداری ارمیشیدی که حضرت (حیدر) رضی الله عنه
اول (حنوط) متباقیه بی حفظله اولاد لرینه «بونی بنم کفنه استعمال
ایلدك دیشدرد • تم الاستطراد» افتراق سیداصفیا (علیه افضل التحایا) دن
فوق العاده و حددن زیاده غمناك و تعریفی حوصله قله صغیه جق
نوحه لاله سینه چاک اولان (اهل بیت) کرام کانون طبع آتشنا کلرندن
نیجه نیجه مرتبه لر بر آورده ساحه انشاد ایلدیله • و بکار صحابه دن
(انس) بن مالک (رضی الله عنه) حضرت تری (رسول اللهک) مدینه یه
وضع قدم بیورد قلری (یوم) معلومدن روشن و منور و (روز) ناله فروز
ارتحاللرندن مظلم و بدتر بر کون کور مدم «دیدیکی مرویدر •
اشبو و قعه طاقت فرسایه متحمل اوله میان اصحابدن (عبدالله) بن

زید انصاری (رضی عنه) الباریک (الهی مشاهدہ جمال محبوب عالم (صلی اللہ علیہ وسلم) دن مہجور اولان (کوزل) ک بکازومی یوقدر •
 همان بنم دو (دیدہ) غمیدہ می بی نورایله (دیمی نزد خدا) دہرہین قبول
 اولسبلہ ایکی (کوز) ی بردن (اعمی) و بی نور اولدی • برطاق اصحاب دخی
 اختیار غر بتلہ دیار آخرہ متفرق اولدی (کہ بونلر دن بری بلال
 حبشی) رضی اللہ عنہ حضرت تری اولوب مشار الیہک سواد معظمہ
 (شام) ہ ہجرتی تصویب ایلدی کی جناب (ابابکر) الصدیقہ (رضی اللہ عنہ)
 اخطار قلمش اولدیغندن (یا بلال) (رضی اللہ عنہ) اگرچہ ترک وطن
 ایتیمو بدہ عصر سعادتہ مشغول اولدیغک مأموریتلہ ایامکذار اولسہک
 دھا اولی اولور) دیوبدہ (اولسر ورکا ثنائت وجودی اولمیان
 دیار دہ آرام واقامتہ تحمل ایدہم • اگرچہ بنی دنیادہ سکا برنفع ایرشمک
 ایچون آذاد ایلد کسہ ہرنہ خدمتہ مأمور ایدر ایسہ ک انکلاہ مشغول
 اولورم • والا اگرچہ رب الاربابدن امید ثواب ایلہ ازاد ایلدیگک حالہ
 بنی کندی حالہ براق) جوابی آلدیغندن (بن سنی رضاء (باری)
 ایچون ازاد ایلدم ایدی) دیہرک مع البکاراۃ روی رضا ایلشیدی •
 مشار الیہ بلدہ معظمہ (شام) ہ عزیمت و برمدت صکرہ رؤیاسندہ اول
 طبیب القلوب کائنات (علیہ التسلیم والتحیات) طرفندن دعوت
 یورلدیغندن علی جناح الاستیصال (مدینہ) یہ عودت ایدوب تصادف
 ایلدیکی اهل (مدینہ) دن احوال (اهل بیت) ی سؤال ایلدی • جناب
 (علی و حسن ایلہ حسین و ازواج) مطہرات (رضی اللہ عنہم) حضراتی
 برحیات اولدیغنی اکلابوب نام (فاطمہ) بی رضی اللہ عنہا استماع
 ایدہ مدیکنہ مغیر و مکدر اولدیغنی حالہ (حسنین احسنین) حضراتہ
 راست کلاہرک بعد السلام والدہ لری حالندن سؤالہ اہتمام ایدوبدہ
 (یا بلال اجرک اللہ فی فاطمہ) یعنی (مشار الیہا دنیادن کندی) جواب
 حزن ایچنا بنی الدیغہ اشکر یز اسف اولوب برمدت فریاد وقبر مسعود
 مشار الیہا یہ بالعزیمہ (ای جکر گوشہ (رسول خدا) پدر
 بزرگوار یکزنہ وجہلہ ملحق اولدیکن) سؤال حیرت اشتمالی ایراد ایلدی •

بلاخرہ التماس احباب الیہ صلوة (ظہر) اذاننی او قومق اوزر (مسجد) شریفہ
 عزیمت و کافہ صحابہ کرام استماع اذانہ حوالہ آذان دقت ایلدی •
 مشار الیہ {اللہ اکبر اللہ اکبر} دیمسبلہ بیوت (مدینہ) دن بر فریاد نوحہ
 نمون و {اشہد ان محمدا رسول اللہ} قولنی او قودقدہ ہر کس آغلیہرق
 دلخون اولوب زقا قلردہ دوان و حتی باکرہ (قیز) لریلہ ترک بیوتلہ
 افتسان وخیزان اسواق و بازار دہ پویان اولدقلرندن کویا کہ اهل
 (مدینہ) رحلت عالی یہ اول کون واقف اولمش کی بر صورت ماتم
 ہیئت کوستر مشلر در • حضرت (بلال) رضی اللہ عنہ اذاننی بالاکمال
 (ای یاران سزہ مژدہ اولسونکہ اول (ذات) خجستہ سمات ایچون کریان
 اولان کوزنار جہنمی کورمسہ کرکدر • اهل ایمان اولانلرہ خفی
 ومتواری اولدیغنی اوزرہ بوفضیلت یالکنز مان سعادتہ اولمیوب
 بلکہ روز قیامتہ دکین فوت رسول (اللہ) ایلہ متأثر اولوبدہ لؤلؤ پاش
 یعنی فراق سید البشر (علیہ من الصلوۃ ماہوالاوفر) ایلہ محزون ودلخراش
 اولان امت (محمد) ک کافہ سی بو حکمدہ داخل اولسہ کرکدر • زیر حضرت
 (پیغمبر) معالی کھرک فوٹی مجموع امت اوزرینہ بر مصیبت اولدیغنی وارستہ
 برہان و حجت ایدوکی شہدہ دن بریدر) نصایحی جواہر یلہ کھرپاش
 مسامع ناس اولوبینہ (شام) ہ عودت و ہر سنہ بر کرد (مدینہ) یہ کیدرک
 برنوبت اذان و یرمک خصوصنی واجبہ ذمت بیلوب معمر اولدجہ
 اولصورتلہ حرکت ایلشدر • علاوہ * اول خواجہ کائنات (علیہ
 التسلیم والتحیات) حضرت تری قبل الوفات برکون * کندن اول ہر کیمک
 ایکی ولدی فوت اولور ایسہ (حق) تعالیٰ حضرت تری آنلرک واسطہ سیلہ
 اول آدمی جنتہ ایصال ایدر) بیور دیلر ایدی • جناب * صدیقہ *
 رضی اللہ عنہا (یا رسول اللہ بر اولادی وفات ایدہنک حالی نیجہ در • و ہیج
 بر ولدی فوت اولمیان نہ حکمدہ در) دیو استکشاف راز ایلد یکنندن
 (بر اولادی انتقال ایدر ایسہ بو حکمدہ اولوب ہیج فرطی) یعنی
 کندن اول وفات ایدن اولادی) اولمیان حقندہ {انا فرط امتی}
 مفسدینہ مظہر اولور) جوابی اعطا یورلدی • * استطراد * دفن

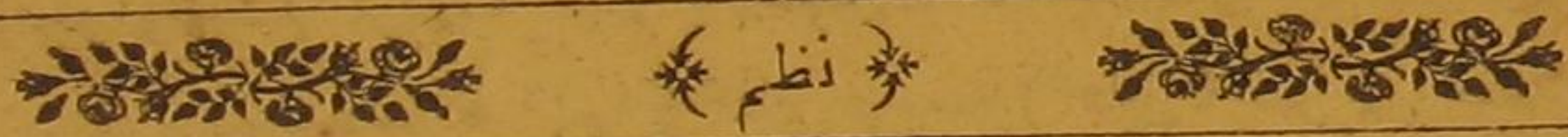
نبی وقوعدن (اوچکون) صکره براعرابی ظهور ایدوب کندوسنی قبر
عالی اوزرینه آتد قدن وبراوج طپراق آلهرق باشنه صاحب قد نصکره
«یارسول الله سن دیمشیدک . وسندن ایشمیشیدک . وسن حضرت
حقدن اخذ ایشمیشیدک . بزدخی سندن اخذ ایشمیشیدک که {ولواتهم
اذ ظلموا جاؤک} آیت جلیله سی جناب رسالتنا هیلرینه انزال بیورلمش
اولان آیات بینات جمله سندن اولغله بن نفسه ظلم ایدن بر عبد کنهکار
وآشفته روز کار اولدیغم حالده حقیده طلب مغفرت بیورلمق امیدبله
حضور اقدس نبویه کزه کلدیم» دیمش وکوشه غیبیدن ظهور ایدن
«سنی یارلیغادیلر سنی یارلیغادیلر» آوازها تفسیر استماعه عودت
ایلمشدره مدن عمرنده (مدینه) یه ایاق باصمامش اولان دیگر براعرابی
دخی حسب الاقتضا هجرتسرای (مدینه) یه اوغرایوب روضه مطهره
مقدسه یه محاذی بریره کلدکده {اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا
عبده ورسوله} مقاله مبارکه سنی برآورده زبان ایلمش اولد یغندن
«اشبور روضه مطهره نک مرقد منوره نبوی اولد یغنی نه یلادک»
سیاقتده اولتان سؤاله (عین ایدرمکه بن بوقبری بوآنه قدر کورمدم
وحالا صاحب قبرک کیم اولدیغنی بیلیم . فقط بو مرقدک صاحبی
بر (پیغمبر) در خاطره سی خاطره خطور ایلدی» جوابنی بالتقدیم (عربی
مررت علی قبرالنبی محمد . تکلمنی وبقبر غیر متکلم . وانا لم اعهدک یاسید
الوری . فقبرک یبئ ان فیہ مکرم) قطعه سنی تنظیم ایلمشدره . ورکوب
سعادت مصحوب همایونلرینه مخصوص اولان دوا بدن بر (چار) صبا
رفتار رحلت نبوی شیوعیله برابر کندوسنی بر (قبو) یه انداختله حق
سامی (پیغمبر) یدیه درکار اولان صداقتنی اظهار و حیوانلغنه کوره مراسم
فداکاری ایفا سنه ابتدار ایش و بر (ناقه) مقبوله لری دخی بتون بتون
اکل و شربدن کیلوب درد فراق سیدالانبیا حراز تیله چراگاه عدمه
قدر کیدوب اوغور سعادتده فدای جان ایتمشدر . اندنصکره شهر
شهیر (مدینه) منوره ده اختیار اقامت ایدن ذوات کرام روضه مطهره
(مقدسه) زیارتیله متسلی اولوب حتی مشکل ایشلری رونمای وقوع

اولد بجه پیشگاه روضه معلائی جناب رسالتنا هیده اقامت
وجواب شافی آلهرق نائل شادی و مسرت اولغله باشلدیلر .



حلیه النبی علیه صلوٰۃ الله القوی پساننده در *

(اخطار) سر قافله اهل یقین حضرت شیخ (صدرالدین) رجه الله
علیه بیورر لر که جمایل شریف مبارک برهمای مسعود القدم متبرکدر که
هرقنخی خانه ده لانه ساز وهرنه محله سایه بخش اعزاز اولسه
(بیت) ایده حق جمله بلاردن امین * یر بلا اولسه اگر روی زمین
وزنج اول محله دخول شیاطین رجیم و هجوم عساکر فقر و غم و بیم
امر بعید . واکر بر آدم کمال اخلاص و محبتله استنساخ ایدوبده مطالعه سنی
معتاد ایلر ایسه ایکی جهاننده نائل اقصای امل و امید اولور .



نظم *

(بجه دن و سوسه خاتمه دن * انی حفظ ایلیم ذوالفضل ومنن)
(اولدیغنی خانه ده فقر و غم و بیم * اولیه کبریه شیطان رجیم)
(حج و اعتناق ثوابن هر آن * اکا احسان ایده دادار جهان)
(میتلا اولیه امراضه تنی * رخنه دار اولیه برج بدنی)
(قدم اور نجه دیار عدمه * اولیه اکا مسلط ظلمه)
(علامه) قسطلانی ایرادی اوزره روایت (مقاتل) بن حیانه حلیه
شریفه (احد) یه (علیه افضل التحیه) بی تفصیل ضمیمه جناب (عیسی)
علی نبینا وعلیه السلام حضرت تلرینه خطا با سانه پیرای وقوع اولان
(وحی) جلیل واجب التوقیر کتاب مواهبده مطالعه گذار راقم الحروف
حقیر اولغله بو محله ایرادینی وظیفه دن عد ایلدم . حق (جل و علا)
حضرت تلری جناب عیسی (علیه السلام) بوسیاق اوزره خطاب جلیل
والقائ وحی جمیل بیورر لر «ای اختر فروزنده طاهره بتول قدرت
مشیت الوهیمه اشارت باهره و عیون عالمیانه بر علامت
ظاهره اولمق اوزره سنی بلا واسطه پدر مشیمه پیرای مادر ایلدم .

هر حالده بکا عبادت وتفویض امور و توکل الیه (سور) اهله تفهیم
و تذکیر الیه که دامن مقدس جلال بی شالیه حرف شبه زوال فرجه یاب
اصابت اولیق عذیم الاحتمالدر • اول (نبی) امی تصدیق ایدک • اولیه
نبی که (دوهیه را کب اولوب لباس صوف و عمامه سعادت موصوف
لابس اولجیدر • ونعلین میامن مقرونله عصای موزون صاحبیدر •
مبارک (رأس) سعادتلرینک صاچلری مجمع و ناصیه تابدار ساطع
الانوارلری رنگین و واسعدر • (ابروی) کان نشانلری بر برینه یقین
و تمایل و مژگان دانشین لری کثیر و مستطیل اولوب (دیده) حق دیدهلری
سیاهه و (انف) سعادتلری ارتفاعه مائل اوله رق (رخ) فرخلری واسع
(ولحیه) شریفلری عظیم و مجتمع در • صفحه (وجه) انورلرنده
واقع اولان (عرق) کلبولری مانند لؤلؤ و رایحه حاصله سی مسک از فرکی
خوشبو اولوب (کردن) سمین مبارکلری غایتله لطیف و معتدل و کموش
کبی براق و بیعدیلدر • انتها) علمای فن سیر (شمایل) شریف مقدس
تعریفنده شور سمله تحریک قلم همت و تهیز خامه نقل و روایت ایلشلردر که
رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) حضرت تلرینک هر بر
(عضو) مبارکلری حد اعتدال اوزره اولوب (قامت)
طوباقیاملری ربعه (یعنی اورته بویلو) ایدی • فقط طول
مفرط و قصر میاننده متوسط اولغله مشاهده ایدن ابتدا
اورته بویلوطن ایدوب صکره طوله قریب اولدیغنی آکلرایدی •

نظم

(معتدل قد نبی ایتشدی کریم * مظهر خلق عظیم التعظیم)
(قامتی اولمشیدی اسلامه * لفظه الله کبی سرنامه)
هر نقدر معتدل القامه ایسه لرده طویل القامه
اولنلرک یاننده یو کسک کورینورلردی •

نظم

(اورته بویلو ایدی اول سدره قیام * اورته لقی آنک الیه بولدی نظام)

(کورمدی خازن باغ جنات * اولیه بر سر و ملایم حرکات)
(کویسا اول رسلک پادشهی * کلبن حسن ایدی یاسرو سهی)
(سبرایدن معجزه قامتی * دیدی هب مدح ایدوبن حضرتنی)
(نه عجب اولسه وسط قد رسول * امته واسطه حق ایدی اول)
(باغ فردوسدن آتی بونی ییل * اولدی بالاسنه طوبا مائل)
(ومبارک (صاچلرینک) رنگی نه پک (سیاه) ونه ده آشوری (بیاض)
ایدی • و (زلفلر) یکله (قیورجق) الیه (دوز) پیننده دره کاه قولاغنک
نصفته و کاه بتون اذنین شریفینی اوزرینه صالیو یردکلری و بعض کرده
درت بلوک ایدرک نصفنی بریا که و نصف آخرینی دیگر یا که تعلیق ایلدکلری
مرویدر • و (جبهه انور) لری (آچیق) ومبارک (قاشلری) متلاصق
کورینوب فقط حقیقتده یکدیگرینه یقین اولدیغندن

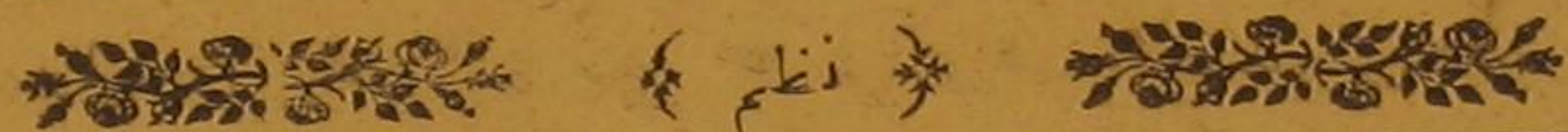
نظم

(دخی سیمای شریفنده آنک * ییلنوردی غضبی اول شاهک)
(نور ایدی آینه وجه نبی * ظاهر اولوردی رضا و غضبی)
(کند و نفسی ایچون اول پاک نسب * ایتدی کسه یه عمرنده غضب)
(اولدی هرگز اولعل نایاب * هیچ کسینه جهانده شکراب)
مطابق بقیه اثنای غضبده قاشلرینک آره سننده بر فاصله
جزویه نمودار اولوردی •

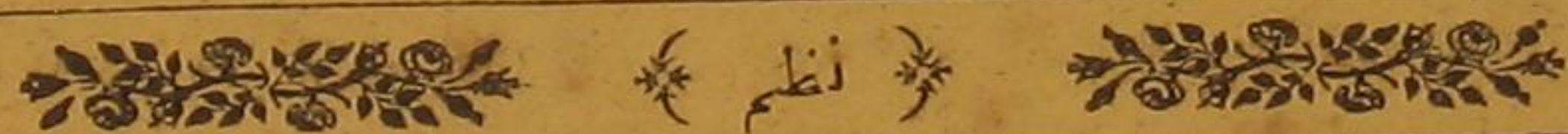
نظم

(یعنی اول جبهه خورشید اثر * نیته کیم چشمه مهر خاور)
(واسع و پاک وضیا کوستر ایدی * فلک حسنه مه انور ایدی)
(آنک ایتشدی جناب خالق * کر مندن یوزین آق الن آچیق)
(بی قرین ایدی هم اول بدرجین * نته کیم آینه شرع مبین)
(نه عجب اولسه اگر جبهه پاک * روشنا بخش عیون افلاک)
(نص تنزیل ملاحتده عیان * والضحی ایدی شریف آنی همان)
ومبارک (کوز) لری (بادامی الشکل) اولوب هر برینک (سیاهی) غایتله

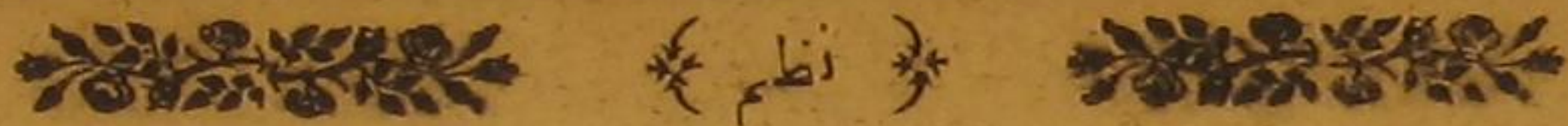
سیاه و (بیاضی) نو عا (قیرمیز) لقله (سفید) یعنی بیاض لرند و اثر (حریت) بدید
اولد قدن بشقه یاننده (نور) (وظلمت) و (قرب) و (بعیدیت) یکسان ایدی.



(مست عشق اولغین اول چشم خمار * حرته ما ئل اولوب بر مقدار)
(سینه چاک ایدی رسولک هر آن * اول ایکی قوتلو کوزینه فرقان)
(دیده سنده نه ایدی دیرسک او آل * دخی چشمده ایدی جام وصال)
(متصل اول ایکی چشم شهباز * ساحه عرشه ایدردی پرواز)
(اول کورر کوزلری مخلوقاتک * مقتضا سیدی تجلیاتک)
(آنی کوز نوری کی سیر جمال * بی مثال ایتشیدی بالا جمال)
(چشم حق بین ایکن احسن ایدی * ایکی شهباز شکار افکن ایدی)
(کورینوردی کوزی دائم مکحول * حد ذاتده سیه چشم ایدی اول)
(کوزینک آتی بیاض ایدی قتی * قابل وصف دکلدی صفی)
(هم سیاهی دخی غایتله شدید * بر ایدی اکا قریب ایله بعید)
(قوه باصره مصطفوی * کیجه کوندز کی کورردی قوی)
(و (خدین) یعنی رخسار جیلاری دخی



(معجزات رخنک بالا جمال * ایده من نقلی عقل فعال)
(شولقدر خوب ایدی وجه جلیل * عاشق حسن جمالیدی جلیل)
(عرض حسن ایسه او مخدوم خلیل * یوسفی آکر ایدی اسرا ئیل)
(واضح ایتشیدی او یوزدن فتاح * نید و کن آیت فیها مصباح)
(و فقجه غایت حسن ملاحتله دوز و هموار و (انف) سعادتلری دخی
(خورشید) رخشان کی درخشان و تابدار ایدی * (انف) شریفلری
اگر چه اشم (یعنی اوجی الحق و اوزری یوکسک) کورینور یعنی
وهله اولاده (اشم) ظن اولنور ایدی ایسه ده چشم دقت
ایله مشاهده ایدنلر اقنی (یعنی ایکی قاشنک برلشدی یکی رنک آلتده
بولسان طرفک مرتفع و دوز) اولد یعنی حکم ایدرلردی.



(او قدر خوب ایدی اول انف شریف * ایده من اهل معارف تعریف)
(هم اوبینی قاشی مابینی ایله * کاف هاشکلی ایدی عینی ایله)
(سدره دن آیرلیجق روح امین * کل کی قو خوسین آوردی همین)
(دائم ایلردی او دولتلو مشام * قرب حق رایحه سین استشام)
(مه جبین ایدی اوبینی شریف * خوب و هموار ایدی موزون و لطیف)
(حاجبینه قریب اولدیغی بر * بر سهل یوکسک ایدی درجا بر)
(کورینوردی اونی العربی * قرشودن مرتفع الانف کبی)
(انی ایتشیدی خدای متعال * اوممک اوج جمالده هلال)
(کویسانف حبیب الرحمن * غنجه ورد سفید ایدی همان)
(و (مبارک) اغزلری پک کوچک (چونکه اغزک کوچک اولسی بین العرب
مطلوب و مرغوب اولوب کل ترکی کشاده و حین تکلمده مخارج
حروفه اولان رعایت سنه لر پک تعریفی قدرت فصاحتان ازاده ایدی.



(نطقه کلسه اوسخندان بسیم * رشک ایدردی کلماتینه کلیم)
(لعل جان بخشی اولنجه کویا * امر نوردی ابنه آب بقا)
(اویله مطبوعدی اوفم بهتر * کاکه میال ایدی بالطبع بشر)
(سر صنع ایدی اواستان لطیف * بر نمونه یدی اکا نظم شریف)
(مکر اولشیدی اولعل ممتاز * حقنه لو لو صند و قه راز)
(قتی شرمنده اودینک سندی * قهقهه ایتدردی دیرلر ایدی)
(خنده سی ایدی تبسم او کلاک * یعنی سلطان ملوک و رساک)
(شویله محبوب ایدی اول سدره جناب * که ملک باقغه ایلردی حجاب)
(ابن عباس دیدی اول خاص خدا * کولمکه ایلر ایدی استخیا)
(و مبارک (اوک دیشلری) انجو (دانه) سی کبی دردانه درخشان
واطرافلری کسکین و اینجه سیرک اوله رقی اثنای تکلمده نور افشان ایدی.

نظم

(دیشلری صاف ایدی هم سیرک ایدی * رشته دانه دردن یک ایدی)
(کویا اول دردندان نفیس * ایکی مصرع ایدی موزون و سلیس)
(اکا اولزدی محصل همسر * کان امکانده اولان کوهلر)
(اوله لی اوج زمر د پیدا * انبیا ایچره اودر یکتا)
(وجه) انورلی آیک اوندوردی کبی تابان و منور و غایتله د کرمی
و خجرت بدره تمایل و (بدن) مطهرلی بر صورت فوق العاده ده
صاف و براق اولوب سیم خالص العیاره بکزر ایدی *

نظم

(جسم تابنده محبوب خدا * صاف ایدی مهر منور کبی تا)
(نوره بکزدی تن بی موی * نیجه مدح ایدیم اول پهلوی)
(نوردن سرو ایدی اول سیم اندام * نوله دیرلر سه عمود اسلام)
(بر مجلا کوش آینه کبی * صاف و بی موی ایدی پهلوی بی)
(ومیانه) دوشانه لری بر طاق (موی) عنبرین ایله فاصله کبی نمودار
و حتی (کوکسلر) ی (محزن الحکم) اولان (شکملری) ایله هموار
اولوب (صدر) انورلرندن سره (یعنی کوبک) مشکین
بولرینه دکین بر خط مو بین مستطیل چکمشیدی *

نظم

(شول قدر آتی ایدی اول صدر کبیر * آنی صانوردی کورن بدر منیر)
(اولسه سینه سی بنوع حکم * لوحه یازمزدی بوا حکامی قلم)
(دخی کوکسند و قرنده آنک * قبلی یوق ایدی اونازک بدنک)
(یوق ایدی مسربه دن غیری قبلی * دیدیلر و صف ایدن اول صاف دلی)
(اوموزنده وار ایدی مسئله بو * نافه مشک کبی بر نیجه مو)
(مبتلا ایدی اومویه یکسر * نه قدر و ارایسه کرویلر)
(و ساعد) رنگین مبارک لری بر نیجه (موی) کلبویه مترین

(اعضای) مقدس لرینک (کوکلر) ی و بالجله لیم (بدن) مطهرلی
تماسک و تمین اولوب (دودست) معجزه پیوست شریف لری
طویل و آزاده و (کف) کریم سعادت لری زمین تر و کشاده ایدی *

نظم

(جمله اعضاء شریف نبوی * بری بیردن ایدی تند و قوی)
(حاصلی خوبی هر عضو آنک * جمله آیاتی کبی قرانک)
(الری آیه سی اول سلطانک * منبع جود و سخا ایدی آنک)
(واسع و پاک ایدی نازک مر غوب * برک کل کبی لطیف و محبوب)
(نیجه سندی ایدی آنک شام و سحر * قبضه قوس قضاء ایله قدر)
(مرحبا ایلسه بر کسه یه کر * دولت و عزت ایله پیغمبر)
(دو یولوردی نته کیم ورد چن * اول کشی رایحه طیبه دن)
(جانله اولشیدی الحاصل * ید بیضا سینه موسی مائل)
(وساقین) شریفین (یعنی دیز ایله طوبوق ارا سنده اولان محل) نبویه لری
وهلال (انامل) یعنی (پرمقار) احدیه لری غایت قوی اولوب مبارک
(اوچکه) لرینک اتی پکده آزا ولیوب زیر (پای) فلک فرساری مرتفع و الحاصل
باشدن ایاغه قدر جسم مقدس لرنده نور ملاحی ملتفع و متساع ایدی *

نظم

(نه فلک اویمکه خاک قدمن * کوکده طوقوز طولانوردی حرمن)
(زیر و پایدی بساطنده خدا * روی پر خالنی غلمانک اکا)
نتیجه کلام بدن تمین (رسول) ملک العلامده مجتمع اولان محاسن باطنه
و ظاهره هیچ بر فرد آفریده ظاهر و مجتمع اولوب حتی شمایل آرای
شاهد عبارت و حلیه پیرای عروس روایت اولان (علما) ی فن جلیل
سیرک سند صحیح ایله نقل و بیان ایلد کلرینه کوره محاسن ظاهره
نبویه اکرچه تمام ایله ظاهر و نمایان اولسه ایدی رخسار
تابدار لرینک مشاهده سی درجه استحاله یه وارردی *

(عالم سر خفیات جهان * واقف جله زرات نهان)
 (کنج و پنهان کبی تا ولدن * ذات فردیتله قائم ایکن)
 (اقتضا ایتدی منز ذاتی * سبب خلقت موجوداتی)
 (ایتدی اولدمده همان عشق ظهور * اولدی القصه هویدا بر نور)
 (سودی اول نوری حبیب دیدی حق * اولدی دیدارینه عاشق مطلق)
 (نظر ایتدیکه اکا رب غفور * ترلدی شرم و حیا دن اول نور)
 (دو کلوب عالم ارواحه اوتر * اولدی هر قطره سی بر پیغمبر)
 (ینه بر دفعه اخرا ده خدا * باقدی افراط محبتله اکا)
 (ایلدی غرق عرق انی حجاب * کل پر ژاله یه دوندی اوجباب)
 (قطره سندن انک استاد ازل * ایتدی بر کوهر شهوار اول)
 (بر نظر قیلدی مهابتله اکا * اریدی اولدی او کوهر دریا)
 (اوزرنده نیجه کف ایتدی قرار * موجار ظاهر اولوب چیقدی بحار)
 (ایلدی صکره آنی ایزد پاک * کفنی خاک و بحارن افلاک)
 (صو لجان ید قدر تله همین * کلدی میدان به بو کر روی زمین)
 (اولدی اکرتم عدمدن موجود * بو قدر ملک و ملک بولدی وجود)
 (جمله نک اولیدر ختم رسل * دیدیلر انک ایچون ما خذ کل)
 (نصب اولوبن دو کلی عالمه اول * جانب حق دن اودم اولدی رسول)
 (مطابق اوزره اول محبوب خدا (علیه اجل النحایا) افندیمز
 حضرت تلرینک پرداخته مشاطه دست قدرت اولان (وجود) حکمت
 نمودارنده {فتبارک الله احسن الخالقین} مضمونی درکار و آیینته
 تجلیات جمال مطابق اولان (حسن) خدا داد لطیف لرنده
 {ما هذا بشرا لا ملک کریم} مالی اشکار ایدی * رباعی
 (شمع رخسارنی دور ایتده فانوس فلک)

(لمعه مهرینه پر وانه آنک مهر و ملک)

(سوره نور اولوبن وجه منیرنده عیان)

(صفحه سنده اوقفور آیت رحمان بی شک)

* نبی کریم (علیه افضل التحیه والتسلیم) افندیمزک نسب سامی
 و سلسله اعمام و عمات و بالجملة اولاد و احفاد کرامیلرله کافه
 اسلحه و دواب و اثاث بیتیه و اشیای سائر لری بیاننده در *

* مقاله { ۱ }

* بر کزیده عالم (صلی الله علیه وسلم) افندیمز حضرت تلرینک *

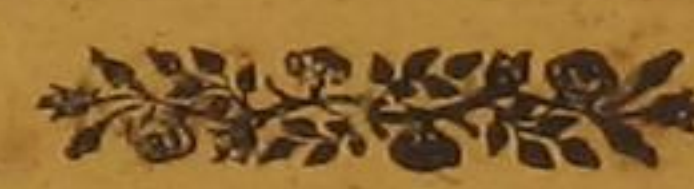
* سلسله نامه سعادت لری بیاننده در *

* لایحه * مستغنی تکرار اولدیغی اوزره اول (خاتم) یمین
 رسالت و خاتمه طومار نبوت (علیه اکمل التحیه) حضرت تلرینک
 اجداد (وجدات) عظام و لاسیم (اعمام) و (عمات) لریله
 (اولاد) و (ابنای بنات) و (بنو اعمام) و (عمات) کرامیلرینک
 کلدسته اسامی سامیلری اکرچه بو کتابک جلد {مکیه} سی
 ابتدا لرنده علی سبیل الاقتصار روح افزای مشام تذکار قلندی
 ایسه ده اول شکوفه های لطایف نما رنگا رنگ بر صورت
 مفصله اوزره بیان ایدلسی دخی پیرایه بخشای کلهکوشه
 ذوی العقول وزینت فزای شجره شتای اعتبار و قبول اوله جغی
 و ارسته بوی شک و اشتباه اولدیغندن علمای اسلافک
 (رحمهم الله) تحقیق و تدقیق و تصحیح ایلدکلری سیرته اولمق
 و هر مقاله بر رجدول مخصوص داخلنده اوله رق {نور علی نور}
 نکته جلیله سی ایما و اشعار قلمق اوزره علی قدر الاستطاعة
 تفصیل و اتصالات شجره آره لرنده تصادف ایدن (زوجات)
 مطهرات اسامی سامیلری * داخلنه (وعشره
 مبشره) اسامی شریفه لری { ایچنه و بر سطرک دیگر سطره
 انتقالی اشارتی [] اره سنه النمش اولدیغی معلوم اولمق اوزره
 کیفیت بیانی تزییل قلمشدر * وبالله التوفیق *

بن محمد (عليه السلام)



بن زينب (بنت) (اميه) {
علي} بن (ابي طالب) ابن ..



{ عثمان } بن عفان بن ابي العاص
{ ام حبيبه } بنت ابي سفيان بن حارث

بن { ابن (اميه) بن عبد شمس
نوفل }

{ زبير } بن عوام بن خويلد بن اسد
{ خديجه } بنت خويلد بن اسد
{ عبد الرحمن } بن عوف بن حارث بن (زهره) بن

بن (عبد) الله بن (عبد المطلب) بن (هاشم) بن (عبد مناف) بن (قصي) [٢]

بن (فاطمة) بنت عمرو بن عائذ بن مخزوم

ابن (سلي) بنت عمرو والنجاري

ابن (عاتكة) بنت مره بن هلال السامي

بن (عاتكة) بنت فالح السلمي

ابن (فاطمة) بنت سعد



[٢]

{ امته } بنت وهب بن مناف
{ سعد بن } وقاص مالك [٦]
[٦] بن اهيبن بن عبد مناف بن كعب

آمنه مشار اليها افنديمك والده سي وبره بنت
ام حبيبه بنت قلابه بنت بره بنت هندك كريمة
محمد مد سيدر

{ عايشه } بنت { ابو بكر } [٦]
[٦] بن ابي حنيفة عثمان بن عامر
{ طلحه } ابن عبيد الله بن عثمان
.....

بن كعب بن سعد بن { تيم
نقطه } ابن

(خالد) بن الوليدك منتهاي نسي اولان بني
مخزوم مره مشار اليه اتصال ايدر

{ حفظه } بنت { عمر } ابن الخطاب
(سعيد) * ابن * زبير * ابن * عمر *

{ بن نفيل بن رباح }
{ سعد } بن زيد بن عبد الله بن عمر
.....
{ بن قرط بن زراح بن (عدي) ابن ... }

بن (نعم) بنت سرير
بن (و حسيه)
بنت شيبان
بن (سلي) بنت محارب
[٦]

بن (نعم) بنت سرير



بن (و حسيه)
بنت شيبان

بن (سلي) بنت محارب



[٦]

* سودة * بنت زمعه بنت قيس [بن]
[بن] عبد الشمس ابن عبدود بن نصر [بن]
[بن] مالك بن حميد بن عامر بن

خزيمة
(هفص) ابن عدي
عامر

(عمرو) بن العاصك نسبي اولان بنو جهم
بوسلا له نهائيت بولور

(سامه)
(حارث)
(ثم الارومة) ابن
(محارب)

{ ابو عبيدة } بن عبيدة بن عبد الله بن جراح [٢]
[٢] بن كعبة بن صفية بن هود ابن

بن (لوي) ابن (غالب) * (بن فهر) ابن (مالك) * ابن (نضر) * ابن (كلانة) [١]

بن (وحشية)
بنت مدالج

ابن (سلمي) بنت
سعد

ابن (جدله) بنت
الحارث

ابن (هند) بنت
عدوان

ابن (بره) بنت
مره



[١] ابن (خزيمة) * ابن (مدركه) * ابن (الياس) * ابن (مضر) ابن نزار [١١]

جميعه (افند بمنك سود والد له ليدر) بنت ابى [٣]
[٣] ذؤيب عبد الله بن الحارث بن شجينة بن جابر بن [٣]
[٣] رزام بن ناضره
[٣] حارث (افند من ك سود ليدر) ابن عبد العزى [٥]
[٥] بن رفاعه بن قلان ابن نضره



بن سعد بن بكر بن هوازن بن منصور بن
عكرمه بن حفصه بن قيس بن غيلان ابن ..

ربيعة
انمار
اباد
ابن



[۱۱] (رویت) (قیس)
 (کلاب) (ربیعہ) (عقیل)
 (عامر) (بکر) (صعصعہ)
 (حسبل) (جعشم) (صفاحہ)
 (سلیم) (هوازن) (هلال)
 (ضارب) (نمیر) (ثلول)
 (اشجع) (فهم) (عدوان)
 (باهله) (نمر) (عیسی)
 (ربیان) (ثقیف) (قبائلک)
 نذار مشار الیه منتهی
 اولد قلری مرویدر
 (عدنان) بن
 (اد) بن (ادر) بن الیسع
 بن (السمیع) بن (نبت) بن
 (سلامان) بن (حجل ابن
 (قیقداق) بن (اسمعیل) بن
 (ابراهیم) علیهما السلام بن
 (تارخ) بن (تاخود) بن (آزر)
 بن (ناحور) بن (ساروع)
 (یاخود) (ساروح)
 بن (ارغو) (یاخور) (راعو)
 بن (قالع) (یاخود) (فالخ)
 بن (عمیر) یعنی (عامر) [۹]
 بن (شالح) بن (ارفحشد) بن
 (سام) بن (نوح علیه السلام)
 بن (ملک) (یاخود) (لامک)
 بن (متوشح) بن (اخنون) [۲]
 [۲] (یاخود) (ضنوخ)
 (ادریس علیه السلام) (اسمیدر)
 ابن (یارد) (یاخود) (برد)
 بن (مهلیل) (یاخود)
 (مهلیل) بن (قینان) (یاخود)
 (قاین) ابن (انوش) (یاخود)
 (یانس) بن (شیت) بن (آدم)
 علیهما السلام وعلی روایة
 (ادر) ک پدری (یرلیغ) بن
 (سالف) بن (عامر) بن (منیر)
 بن (صباح) بن (ابی المقوم)
 بن (ناخود) بن (تیرح) بن
 (عرب) بن (یشجب) بن (ثابت)
 بن (اسمعیل) (علیه السلام)
 [۹] اشبو عامر ک قطار اسمنده
 براوغلی اولوب مر قوم اهل
 یمن جدی او اسنه بناء (حیر
 * طی * سنیش * ثعلبه * لجم *
 * جذام * اسد * همدان *
 * مذحج * جعشم * عامله *
 * جولان * مغافر * خصینه *
 * جهنه * عذرة * و (قبائل)
 ساره نک منتهای نسبی اولدیغی
 * کتب الانسابده *
 * محکیدر *

اسامی اعمام و عمت النبی صلی الله علیه وسلم



حارث	ابوطالب	زیر	جزه	ابولهب	غیداق
مقوم	ضرار	عباس	قثم	عبد الکعبه	حجل
عاتکه	ایمه	ام حکیم	بره	صفیه	اروی

از و اج النبی صلی الله علیه وسلم

تاریخ و وفات لری	مدفن	اسامی	نسب اولد قلری	تاریخ و وفات لری
۵۸۴	مقبره الحجون	سامیه لری	قیش	۵۴
۵۸۴	جنت بقیع	(خدیجه) بنت خویلد رضی الله عنها	قیش	۵۴
۵۸۴	جنت بقیع	(عایشه) بنت ابی بکر رضی الله عنها	قیش	۵۴
۵۸۴	جنت بقیع	(حفصه) بنت عمر رضی الله عنها	قیش	۵۴
۵۸۴	جنت بقیع	(ام حبیبه) بنت ابی سفیان رضی الله عنها	قیش	۵۴
۵۸۴	جنت بقیع	(ام سلمه) بنت ابوامیه رضی الله عنها	قیش	۵۴
۵۸۴	جنت بقیع	(سوده) بنت زمعه رضی الله عنها	قیش	۵۴
۵۸۴	جنت بقیع	(زینب) بنت جحش رضی الله عنها	قیش	۵۴
۵۸۴	سرف	(یمونه) بنت الحارث رضی الله عنها	بنی هلال	۵۱



هجرت	بنی هلال	(زینب) بنت خزیمه رضی الله عنها	جنت بقیعه	٤
هجرت	بنی مصطلق	(جويرية) بنت الحارث رضی الله عنها	جنت بقیعه	٥٠
هجرت	بنی اسرائیل	(صفیه) بنت حنی رضی الله عنها	جنت بقیعه	٥٠
هجرت	مقوقس هدیه سی	(ماریه) بنت شمعون رضی الله عنها	جنت بقیعه	٢٥
هجرت	قریظہ بنی	(ریحانہ) بنت شمعون رضی الله عنها	جنت بقیعه	٠
هجرت	بنی هذیل	(حوالہ) بنت هذیل رضی الله عنها	قبل الدخول وفات ایتمشدر	
هجرت	قریش	(ام شریک) بنت دوداب رضی الله عنها	قبل الدخول ترک اید لمشدر	
هجرت	...	(اسماء بنت) انصرات	قبل الدخول تطلیق بیور لمشدر	
<p>رضوان الله عنهن وعن ابائهن اجمعین</p>				
<p>اولاد النبی (صلی الله علیه وسلم)</p>				
تاریخ ولادت لری	اسامی سامی لری	تاریخ ارتحال لری		
قبل البعثه	هجرت	اسامی سامی لری	قبل البعثه	هجرت
قبل	٠	(عبدالله) بن (خدیجہ) رضی الله عنها	قبل	٠
قبل	٠	(قاسم) بن (خدیجہ) رضی الله عنها	قبل	٠

٠	٨	(ابراهيم) بن (ماریه) رضی الله عنهما	٠	٩
قبل	٠	(رقیه) بنت (خدیجہ) رضی الله عنهما	٠	٢
قبل	٠	(زینب) بنت (خدیجہ) رضی الله عنهما	٠	٨
قبل	٠	(ام کلثوم) بنت (خدیجہ) رضی الله عنهما	٠	٩
قبل	٠	(فاطمه الزهرا) بنت (خدیجہ) رضی الله عنهما	٠	١١

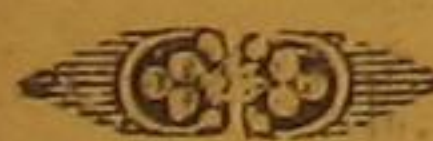
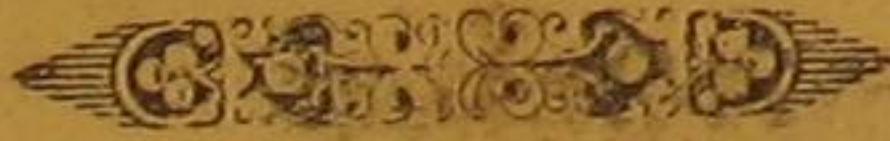
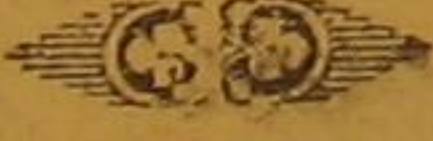


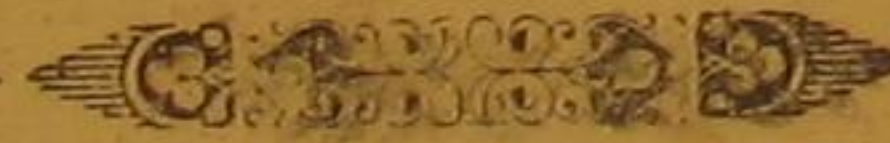


 * اولاد (بنات) النبی (صلی الله علیه وسلم) *
 

(علی) ابن «زینب» بنت الرسول * علیه السلام *
 (امامہ)

(عبدالله) ابن * رقیه * بنت الرسول * علیه السلام *

	(محسن) (حسن) (حسین) (زینب) (ام کلثوم) (رقیه)	ابن «فاطمه» بنت الرسول *	(علی) (عون الاکبر) (عباس) (محمد) (ام کلثوم)
			

* سلسله اولاد (اعمام) النبی (صلی الله علیه وسلم) *

  	(ابو سفیان) (ربیعہ) (نوفل) (عبدالله) (امیه) (اروی)
 ابن «حارث» (عم) النبی * علیه السلام *	
  	

(طالب)	(عبدالله)
(امهاني)	(محمد)
{ بن (ابي طالب) (عم) النبي ﷺ عليه السلام }	{ ابن (جعفر)
(عقيل)	(عون)
(علي)	
(حجانه)	
(يعلى)	
(عماره)	
{ بنت (حمزة) (عم) النبي ﷺ عليه السلام }	{ فاطمة)
(عامر)	
(قره)	
{ ابن (جل) (عم) النبي ﷺ عليه السلام }	{ زبير)
(امه)	
{ ابن (مقدم) (عم) النبي ﷺ عليه السلام }	{ هند)
(مطلب)	
(طاهر)	
{ ابن (زبير) (عم) النبي ﷺ عليه السلام }	{ جل)
(عبدالله)	
(ضياعه)	
(ام الحكم)	
(عتبه)	
(معتب)	
{ ابن (ابي لهب) (عم) النبي ﷺ عليه السلام }	{ عتيبة)
(عزة)	
(درة)	

(عبدالرحمن)	(صعيد)	(قثم)	(عبدالله)	(فضل)
(عبدالله)				
{ ابن (عباس) (عم) النبي ﷺ عليه السلام }	{ كثير)			
(ام حبيب)				
(حارث)				
(ثمame)	(اميه)	(صفيه)	(وعلى رواية صبيح)	(سهر)
{ بنو عمات النبي (صلى الله عليه وسلم) }				
{ ابن (عاتكة) (عمة) النبي ﷺ عليه السلام }	{ عبد الله)			
(قريبة الكبرى)	{ زهير)			
(عبد الله)				
(احمد اعلى)				
{ بنت (ايمى) (عمة) النبي ﷺ عليه السلام }	{ زينب)			
(حبسه)				
(جنه)				
{ ابن (بيضاء) (عمة) النبي ﷺ عليه السلام }	{ عثمان) ابن عفان ابن			
(اروى)				
(عامر)				
{ ابن (صفية) (عمة) النبي ﷺ عليه السلام }	{ زبير)			
(سائب)				
(عبدالكعبة)				
(ام حبيب)				
{ ابن (بره) (عمة) النبي ﷺ عليه السلام }	{ ابوسلمة)			
	{ ابوسبره)			

(طلیب) { ابن «اروی» (عمه) النبی * علیه السلام *
(فاطمه)

* رضا امامهات و اخوات سید کائنات (علیه اکمل التحیات) جدولیدر *

جهت	سود و الدهلری	سود و الدهلری	منسوب
تعلق	سود و الدهلری	سود و الدهلری	اولد قلی
ونستلری	سود و الدهلری	سود و الدهلری	قیله لری

ابولهب	جزه ابن عبدالمطلب	قریشی
ازادلو	ابوسلمه ابن عبدالاسد	قریشی
جاریه سیدر	عبدالله بن جحش	مخزومی

هو از ن قیلہ سیدر	ابوسفیان بن الحارث	* قریشی *
بنی سیدر	عبدالله بن الحارث	بنی بکر بن سعد
بنی سیدر	انیسہ بنت الحارث	بنی بکر بن سعد
بنی سیدر	خندافہ شیمابنت الحارث	بنی بکر بن سعد
بنی سیدر	جزه بن الحارث	بنی بکر بن سعد

عبدالله بن عبدالمطلب	(ام الامین)
رضی الله عنهما	
جاریه سیدر	

* سفراء النبی (علیه السلام) *

عمرو بن امیه * مشار الیه حبشه پادشاهی (نجاشی) به *
ضمیری * کوند رملش و (حصده) مدفون بولمشددر *

(دحیه) بن حلیفه * مشار الیه ممالک دروم پادشاهی (هرقله) کوند رملشددر *
* الکلبی * وعصر معاویه ده (ساخره) نام محله یم قریه سنده
رحلت! اتمکله برطاغ باشنه دفن اولمشددر *

(اقرع بن عبدالله) (ذی مران) و ذی زود سعید بن العاقب *
* الحمیری * (وعامر) بن شهره کوند رملشددر *

(ابو وعیسه) * آل جذام اولان اولاد (قضاعه) دن *
* (سعد) هزیمه کوند رملشددر *

(جریر) بن * دعوا ی الوهیت ایدن (ذوالکلاع) *
* عبدالله * ومؤخر (ذی رعینه) کوند رملشددر *

(حاطب) بن * مصر ملک (مقوقسه) کوند رملشددر *
* ابی بلعه الحمی * (۳۰) سنه سی مدینه ده ارتحال ایلشددر *

(عبدالله) * (خسرو) پیروزه کوند رملشددر و قح (مصر) ده *
* السهمی * بولنوب بعد الوفات (مصر) قربنده دفن اولمشددر *

حارث بن عمیر * (بصره) یا خود (شام) حاکمه کوند رملشددر و شرحیل *
* الازدی * ابن عمر الفانی تصادف ایدرک شهید ایلشددر *

* (شجاع) * (بلقا) ممالکی حاکمی (حارث) بن ابی شمر غسانی به *
* بن وهب * کوند رملشددر *

(سلیط) بن عمرو * (یمامه) ممالکی حاکمی (هوزه) بن علی به کوند رملشددر *
* * و (۱۲) سنه سی یمامه جنکده شهید اولمشددر *

(عمرو بن العاصی) * (عمان) ممالکی پادشاهی (حیفر) و (عبدرة) *
* * کوند رملشددر *

(علاء) الخضرمی * (بحرین) حاکمی (مندره) بن ساوی به *
* * کوند رملشددر *

(مهاجر) بن * (حارث) بن عبد کلاب حمیری به *
* ابی امیه * کوند رملشددر *

(ابوموسی)	(عین) اقلیمی اها لیسنه کوند رلشدر ♦
الا شعری	
(مغاذ) بن جبل	ممالك عین اها لیسنی دعوته کوند رلشدر ♦

(عمرو) بن امیه	(مسيلمه الکذاب) و (فروه) بن عمروه کوند رلشدر ♦
ضمیری	
(بریره)	(مالک) قبیله سی اها لیسنه کوند رلشدر ♦


(کعب) بن مالک	(اسلم) قبیله سی اها لیسنه کوند رلشدر ♦
(عینه) بن حصین فزاری	(بنی تمیم) قبیله سی اها لیسنه کوند رلشدر ♦
(عباد) بن بشیر	(سالم) و (مزینه) قبیله لری اها لیسنه کوند رلشدر ♦

(رافع) بن مکیت	(فزازه) قبیله سی اها لیسنه کوند رلشدر ♦
(ضحاك) بن سفیان	(بنی کلاب) اها لیسنه کوند رلشدر ♦
(عبدالله) بن اللبه	(ذبیار) قومنه کوند رلشدر ♦
(رفاعه) بن زید الجزامی	کندی قومی دعوته مأمورا کوند رلشدر ♦
(زیاد) بن حنظله	(زبرقان) بدره کوند رلشدر ♦

(سائب) بن العوام	(مسيلمه) به کوند رلشدر ♦
(شرحیل)	(بحنه) بن روبه به کوند رلشدر ♦

(صاصل) بن شرحیل	(بنو عامر) دن (عمرو خفاجی و (صفوان) بن امیه و (سبرة العزی) و (وکیع الدرامی) و (عمرو) بن محبوب العاصری به کوند رلشدر ♦

(جنیان) بن مرید السدوسی	(بکر) بن وائله کوند رلشدر ♦
(عبدالله) بن عوسجه العرنی	(سمعان) الرافعه کوند رلشدر
(وبره) بن یحیی الخزاعی	(دادویه) الصطخری و (فیروز) الدیلی و (جشیش) الدیلی به کوند رلشدر
(عبدالله) بن بدیل	عین اها لیسنه کوند رلش و (صفین) وقعه سنده شهید او لشد
(مرقاء) الخزاعی و برادی عبدالرحمن	
(عمرو) بن خزم	(عین) و (بحرانه) کوند رلشدر ♦
(عقبه) بن عمر	ممالك (عین) اها لیسنه کوند رلشدر
(ابوهریره)	(هجر) مجوسه لرینه کوند رلشدر

(عیاش) بن ابی ربیعہ	(نعیم) بن عبد کلال و (حارث) مسروحه کوند ریش و (یرموک) وقعه سنده شهید اول شد
(فرات) بن حیان بن ثعلبه الجلی	(ثمame) بن اشاده به کوند ریشدر
(قدامه) ابن مطعون	ابوهریره ایله (منذر) بن ساوی به کوند ریشدر
(قیس) بن عرط الارجی	قوم (ارجی) دعوته کوند ریشدر
نمیر بن خرشنه الثقی	قوم (ثقیفی) دعوته کوند ریشدر
(وائله) بن الاسقع اللبی	(اکیدر) ه کوند ریشدر
<div style="display: flex; justify-content: space-between; align-items: center;"> <div style="text-align: center;">  </div> <div style="text-align: center;"> <p>بعوث و سرايا اوزره نصب اولئان امراء النبي عليه السلام</p> </div> <div style="text-align: center;">  </div> </div>	

ابو بکر بن خافذ	اسامة بن زید	ابوسلمة بن عبد الله	ابو قتادة ابن النعمان	ابوسفیان ابن حارث
ابو موسی الاشعری	ابو عبيدة ابن الجراح	امیه بن ابی صعبا	ابو قتادة بن ربیعہ	بشیر بن سعید
بازان بن سامان	جریر بن عبد الله الجلی	جعفر بن ابی طالب	حزوه ابن عبد المطلب	خالد بن سعد
خالد بن الولید	زرقاء ابن بدر	زید بن لید	زید بن حارثه	سعد بن ابی وقاص
سالم بن عمیر الانصاری	سعد بن زید الاشهلی	شجاع بن وهب	سرد بن عبد الله	ضحاک بن سفیان

طفیل بن عمرو الدوسی	عمر بن الخطاب	علی بن ابی طالب	عبیده بن الجراح	عمیر بن عدی
عبد الله بن جحش	عبد الله بن عنه	عبد الله بن انیس	عبد الرحمن ابن عوف	عبد الله بن رواحه
علقمة بن محرث	عمرو بن امیه ضمیری	عکاشه بن محسن	عروة بن مسعود	عمینه بن حصین
علاء بن الحضرمی	عامر بن ثابت	علقمة بن محمد	عمرو بن العاص	عتاب بن اسید
عاصم بن ثابت	غالب عبد الله اللیثی	قطبة بن حدیده	قیس بن عاصم	کرزن جابر الفهری
کعب بن عمیر الغفاری	منذر بن عمرو	مرثد بن ابی مرثد	مالک بن نویه	محمد بن مسلمة
معاذ بن جبل	عدی بن ثابت	یزید بن سفان	رضوان الله	علیهم اجمعین

عتقاء النبي عليه السلام

زید بن خارثه ابن شراحیل الکلبی	مشار الیه حدیقه رضی الله عنها حیاته (حیر) قبیله سی امر اسندن اولوب ازاد ایلش و (ام ایمنی) تزوج ایدرک {٥٨} سنه هجریه سنده ارتحال ایلشدر
(اسامة بن) زید	حضرت (زید) لك اوغلی اولوب (موت) غزاسنده امیر الجیشکن {١٠} سنه هجریه ده شهید اولشدر
(ابو کبشه) ***	مشار الیه اسمی (سایم) اولوب {عمر} بن الخطاب خلیفه اولدیغی کون ارتحال ایلشدر
انجشه	مشار الیه کنیه سی (ابو ماریه) در

(ابوبکره)	مشار اليه اسمی (نضیع) در که طائف بکری کوله زدن ایکن (عليه الصلوة والسلام) افتد بزم آزاد ایتمش و کندوسی صالح و متورع اولوب (زیاد) بصره والیسی ایکن رحلت ایتمشدر *
* (انسه) *	کنده سی (ابوسراح) اولوب (بدر) ده یا خود خلافت {ابوبکر} ده رحلت ایتمشدر *
(ابولبابه) زید بن المنذر	(بنی قریظه) به منسوبدر *
(ابوحبیره)	مشار اليه اسیر الثان اولاد غریب بدن اولمغله افتد بزم (صلی الله علیه وسلم) ازاد ایتمشدر *
(ابورافع)	مشار اليه اسمی (اسلم) و جنسی قبضی اولوب (سلماتی) تزوج ایتمش و {۳۱} سنه هجریه سی وفات ایتمشدر
* (اوس) *	* (ابوهند) * * (ابوصبیحه) *
* (ابوکنده) *	* (ابوایشله) * * (ابوالجمرأ) *
* (ابوواقد) *	* (ابولقیط) * * (ابوعبیده) *
(ثوبان)	مشار اليه {۵۴} سنه هجریه سنه وفات ایتمشدر *
و مقبره سی (حصده) زیارتگاه بولتمشدر *	
(زید ابن)	مشار اليه * خدیجه * رضی الله عنها حیاتنده (حبر) قبیله سی امر اسندن آلوب آزاد ایتمش و بعد (امایمنی) تزوج ایدرک {۵۸} سنه هجریه سنه وفات ایتمشدر *
* حارثه * ابن شرحیل * الکلبی *	
(زیدزکوان)	مشار اليه (عزینونک) شهید ایلدیکنی (یسارک) پدر بدر *
(رباح)	مشار اليه بر غلام سیاهیدر
* الاسود *	

(رفاعه)	
(سفینه)	مشار اليه اسمی (مهران) در که * ام سلمه * نیک کوله سیدر سریر السیر اولمغله (سفینه) اطلاق اولتمشدر *
(سلمان)	مشار اليه فارسی الاصل {۳۲} سنه هجریه سنه * فارسی * {۳۰۰} یا شده اولدیغی حالده ارتحال ایلمشدر
(شقران)	مشار اليه (حبشی) واسمی (صالحدر) که خلافت ذی النورینده وفات ایلمشدر *
(شمعون)	مشار اليه * ریحانه * رضی الله عنها ازاد لوسی اولوب ابن زید وقیح (دمشقه) بوانوب (مصر) کیدر کک بیت مقد سده قالمشدر
(ضمیره)	
(عبید)	
(عبدالله)	
(کرکره)	هدیه کلوب ازاد ایدلمش وعصر سعادتده وفات ایتمشدر
(کبسات)	
(مدعم)	(رفاعه) بن زیدک کوله سی ایکن افتد بزم ازاد ایتمش و (وادی القرا) ده شهید اولمشدر
(مأبور)	(مقوقس) که (مصر) ملکدر تقدیم ایتمکله ازاد ایدلمشدر
(واقد)	
(وردان)	
(والدالبهی)	
(هشام)	

(یسار)

مشارالیه صاغان دوه لک جوانی ایکن
(عزینون) خائلی دردستله مبارک کوزلینه
دیکن طولدیروب اتسلیه رک شهید اتمشدر

(ام ایمن)

مشارالیهانک اسمی (برکه) و جنسی (حبشه)
اولوب افندیزه پدرندن موروثدرحتی افندیازی
امیر رمش و (زید) بن حارثدن (اسامه) بی
تولید ایلشدر (احد) و (حنین) غزالرنده
بولوب ساقیه لک ایلشدر {عمر} و یاخود {عثمان}
رضی الله عنهما نیک خلافتده وفات ایلشدر که
بعد ارتحال النبی اصحاب کرام زبارت مشار
الیهایه اهتمام ایدرلردی

(سلی)

مشارالیهها (ام رافعدر) که (ابورافع) زوجہ سی
و (ابراہیم) بن النبی علیهما السلام ایه سید
حضرت (ابراہیم) بن النبی علیهما السلام
والده لریدر که (مصر) ملکی (مقوقس)
تقدیم ایلشدر

مارریه

(ریحانه) | (ام ضعیفه) | (ام عیاش) | (امیه)

(حنصره) | (رضوی) | (یمونه بنت سعد) | (یمونه) بنت ابی عثیب

رضوان الله علیهم اجمعین

خدام النبی (علیه السلام)

(انس) ابن مالک

مشارالیه انصاردن اولوب {۱۰} سنه قدر
خدمت و {۹۲} سنه هجریه ده رحلت ایلدی

(ایمن) بن ام ایمن

مشارالیه مطهره همایونه خدمت و {۹} سنه
هجریه سنده (حنین) غزالسنده شهیدارحلت ایلدی

(اسلع) بن شریک

مشارالیه ناقه نبوی به خدمت و بوجهته احراز
مرتبه سعادت ایلدی

(ابوزر) غفاری

مشارالیه قدمای صحابه دن اولوب {۳۱} یاخود
{۳۲} سنه هجریه سنده وفات ایدرک (رند)
شهرنده دفن ایلدی

(ابوالحمراء)

مشارالیه اسمی (هلال) بن حارث اولوب
(حصده) وفات ایلدی

(ابوالسمح)

مشارالیه اسمی (ایاد) دیمکه معروف ایدی

(اسماء)

مشارالیه (حارث) ابن هندک اوغلی اولوب
اهل (صفه) دن ایدی معاویه زماننده (بصره) ده
بک ایکن وفات ایلدی

(ابورافع)

مشارالیه آلات سفریه محافظه سی خدمتده
بولمشدر

(بلال) بن رباح

مشارالیه مؤذن و وکیل خرج ااق خدمت
همایونده اولوب {۲۱} سنه هجریه سنده
(شام) شریفده رحلت ایلدی

(حسین)

مشارالیه حضرت عباسه اهدا بیورمشدر

(ذوحر)

مشارالیه (حبشه) پادشاهی (بخاشینک)
برادرزاده سیدر

(ربیع) بن کعب

مشارالیه آبدست صوینه خدمت و {۶۳} سنه
هجریه سی رحلت ایلدی

(رباح)

مشارالیه سیاهی برغلام اولوب قیوجیلق خدمت
مقدسه سنده بولندی

(سعد)

مشارالیه ابو بکر رضی الله عنه ازادلوسی
اولغله خدمت همایونده بولندی

[ماریه]

(عبدالله) بن مسعود
مشارالیه (مسواک) و (نعلین) همایونه نظارت
و {۳۲} سنه هجریه سنده (کوفه) یاخورد
(مدینه) ده وفات ایلدی * * *

(عقبه) بن عامر
مشارالیه دواب همایونه خدمت و معاویه زمانده
والی (مصر) اولوب {۵۸} سنه هجریه سنده
رحلت ایلدی * * *

(مهاجر) بن قیس
مشارالیه ام سلمه * نك رضى الله عنها ازاد لوسی
اولوب خدمت همایون سعادتته نائل اولدی * * *

(معقب) بن ابی فاطمه
مشارالیه مهرداد نبوی خدمت مہمندہ استخدام
بیورادی * * *

(هند) بن قیس
مشارالیه (حارث) بن هندك اوغلی اولوب اهل
صفه دن ایدی عهد معاویه ده (مکه) ده
وفات ایلدی * * *

(ام ایمن) بن قیس
مشارالیه موروث پدرالنبی اولغله خدمت
همایونده بولندی * * *

(ام عیاش) بن قیس
مشارالیه حضرت (رقیه) نك ازاد لوسی اولغله
خدمت همایونده بولندی * * *

(خولہ) بن قیس
مشارالیه حفصه * نك رضى الله عنها جدہ سی
اولوب خدمت نبویه ده بولندی * * *

(سلمی) بن قیس
مشارالیه (ابورافع) لک زوجه سی اولوب خدمت
عالیهای عالیده بولمیشدر * * *

رضی الله عنهم وعنهن اجمعین

خدمت کاتب مورث السعادت ده بولنان ذوات

ابوبکر بن ابی قافه
سابقون مهاجریندن اولوب {۶۳} سنه هجریه
اولمش و {۲۰} سنه قدر خلافت
ایلمیشدر * * *

(ارقم) بن الارقم
قدمای مسلمیندن اولوب اسلامه کلنلرک
ید بخسیدر {۵۵} سنه هجریه سنده {۸۰} یاشنده
اولدیغی حالده رحلت و پدری (ارقم) دخی
ابوبکر لک ارتمالی کونی باغ چنانه عزیمت ایلدی

(ابی) بن کعب
عقبه ثانیه با یعلرنندن و سابقین انصار دن
وحتی مسائل افتایه مهارت کامله سی اولان
علمای صحابه دن اولوب عصر سعادتده حافظ
القرآن اولان الی صحابه نك بری و انصار دن اك
اول خدمت کاتب و حی حائر اوله رق {۱۷} سنه
هجریه سنده وفات ایلمیشدر و مکاتب همایونه
اك اول وضع امضا ایلمیشدر * * *

(ابوایوب) بن قیس
انصاری
اسمی (خالد) بن زید کلبی بن ثعلبه النجاری
اولوب (عقبه) و (بدر) و سایر غزاردہ بولنه رق
عصر معاویه ده اسلامبول فتحنه کله رک شهید
اولمش و قبر انور لری الان زیارتگاه اهل ایمان
بولمیشدر * * *

(ابوسلمه) عبدالله
بن الاسد بن هلال
(ام سلمه) نك زوجی و والده سی (عبدالمطلب)
قزیدر (بدر) و (عشیره) غزالنده مدینه ده اجرای
و کالت و {۳۰} سنه هجریه سنده رحلت ایلمیشدر

(ابوسفیان) بن حرب
ضجر حرب بن امیه
فتح (مکه) ده اسلام اولوب (طائف) غزاسنده
کوزینک بری و (یرموک) وقعه سنده دیکری
سقط لوب {۳۳} سنه هجریه سنده و {۸۸} یاشنده
فوت اوله رق (بقیع) شریفه دفن اولندی

ابریده بن الحصب	کنیه سی (ابوعبداللهدر) حین هجرتده {۷۰}
ابن عبداللہ بن الحارث السہمی الاسلمی	نفر رفیقہ اسلام اولہ رق (حدیبہ) ده اولان (بیعت الرضوانده) بولمش و (مروہ) ده فوت ولہ رق (حصینده) دفن اولمشدر *
(ثابت) بن قیس بن شماس الخزرجی	عصر سعادتده خطابت و (یمامہ) غزاسندہ احراز مرتبہ شہادت ایشدر *
(جہیم) بن الصلت بن مخزومہ بن الحاطب	(خیر) وقعه سندہ یاخود دها صکرجه اسلامہ کلشدر *
(حذیفہ) الیمانی	اسمی (حسبل) اولوب قدما ی اصحابدن واول خلافت مرتضادہ وفات اید نلندر *
(حاطب) بن عمرو بن عبد شمس	(سہیل) عمروک برادریدر قدیمایمانہ کلوب ایکی دفعہ هجرت او (بدر) وسائر غزاردہ احراز شرف مرافقت سعادت ایشدر *
(حنظلہ) بن الربیع بن صیف	حکیم العرب اکتم بن صیفینک برادر زاده سی اولوب شہید اولد قده جنازه سنک (ملائکہ) کرام طرفندن غسل اولندیغی مرویدر *
(خالد) بن الولید بن المغیرہ	کنبہ سی (ابوسیحان) درکہ {۷} سنہ ہجریہ سندہ اسلامبول اولوب {۲۱} یاخود {۲۲} سنہ ہجریہ سندہ وفات ایش و (موتہ) جنکنده امیر الجیش اولہ رق (سیف اللہ) عنواننی قرآنمشدر کہ مزاری (حصہ) بر میل مسافہ بر محلده در
{زبیر} بن العوام	عشرہ مبشرہ دن اولوب (یوم الجملده) شہید اولمشدر *
(زید) بن ثابت الانصاری	کنبہ سی (ابوسعید) در فقہای اصحابدن و کتاب وحیدن اولوب زمان صدیقہ قرآنی جمع ایدرک

خلافت ذی النورینده مصحف شکلنه قویمش و {۵۴} سنہ سندہ {۵۶} یاشندہ وفات ایشدر *	(زید) بن ابی سفیان *
خلافت فاروقیہ ده شام والیسی اولوب {۱۸} سنہ ہجریہ سندہ فوت اولمشدر *	{سعد} بن ابی وقاص *
(بدر الکبری) وبالجمله غزاردہ بولنه رق ابراز دلیری وشجاعت ایشدر *	{طلحہ} بن عبداللہ *
عشرہ مبشرہ دن اولوب (یوم الجملده) شہید اولمشدر *	{عمر} بن الخطاب *
سابقون مهاجریندن اولوب {۱۰} سنہ {۶} ماه {۴} کون خلافت ومغیرہ بن شعبہ نک اوغلی فیروزیدندہ رحلت ایلدی *	{عثمان} بن عفان *
کاتب وحی ایدی {۱۱} سنہ {۱۱} ماه {۱۳} کیچہ خلافت ایدرک شہید رحلت ایلدی *	{علی} بن ابی طالب *
{۴} سنہ {۹} ماه {۸} کون خلافت وعبد الرحمن ابن ملجم النده رحلت ایلدی *	(عبد) اللہ بن الارقم *
خلافت فاروقیہ ده بیت المال مدیری اولوب عهد ذی النورینده وفات ایلدی *	(عبد اللہ) بن سعید بن ابی سرح *
اهل مکہ دن الاول کاتب وحی اولوب بالاخرہ مرتد اولغله قتح (مکہ) کونی اسلام اولمش و {۳۳} یاخود {۳۶} سنہ ہجریہ سندہ وفات ایشدر *	(معاویہ) ابن ابی سفیان *
فتح (مکہ) ده اسلام اولوب عهد (فاروقیہ) ده شام والیسی اولغله {۲۰} سنہ والیک و {۲۰} سنہ حکمدارلق ایدرک {۶۰} سنہ ہجریہ سندہ فوت اولمشدر *	

<p>(عمر و) بن العاصی *</p>	<p>{۳} سنه هجریه ده اسلام اولوب خلافت (فاروق) ده (مصر) ی فتح ایتش وایکی دفعه (مصر) والیسی اوله رقی {۴۰} یا خود {۴۳} سنه سنده و {۹۰} یا شنده وفات ایلشدر *</p>
<p>(مغیره) بن الشعبة الثقی *</p>	<p>(حدیدیه) وقعه سندن اول اسلام اولوب بر کره (بصره) و بردفعه (کوفه) والیسی اوله رقی {۵۰} سنه هجریه سنده رحلت ایلدی *</p>
<p>(عبدالله) بن رواحه *</p>	<p>کنیه سی (ابو محمد) اولوب قبيله خزرجه منسوبدر نقبای انصار دندر (عقبه) (احد) (بدر) (خندق) و سائر غزاه ده بولنوب (موت) غزوه سنده امیر الجیش ایکن {۱۱} سنه هجریه سنده شهید اولش و بدیهه کوی بر شاعر ایدوکی روایت قلمشدر *</p>
<p>(معقیب) *</p>	<p>سابقون اصحابدن اولوب کافه غزاه ده بولنه رقی خلافت (ذی النورین) ده یا خود عهد (مرتضا) ده وفات ایلشدر *</p>
<p>(معقیب) بن ابی فاطمة *</p>	<p>سعید بن العاصک کوله سی اولوب ایکی دفعه هجرت و {۴۰} سنه هجریه سنده رحلت ایلشدر که عصر سعادتده مهردادار نبوی و خلافت {ابی بکر} و {عمر} ده بیت المال مدیری ایدی</p>
<p>(عبدالله) بن ابی بن سلول</p>	<p>باباسی رئیس المنافقین (و کندیوسی فضلاء انصار دیندن اولوب بالجمله غزاه ده بولنش و {۱۲} سنه هجریه سنده (یمامه) جنگکننده شهیدار رحلت ایلشدر *</p>

<p>(علاء) بن الخضر می</p>	<p>خضر موتدن اولوب عصر سعادتده (بحرین) و خلافت (فاروقیه) ده (بصره) والیسی اولوب کیدر کن (بنو تمیم) صوبی اوزرنده {۱۴} سنه سی فوت اولشدر • ممالک اجنبیه ده اول جامع بنا ایدوب کفار دن جزیه اله رقی خلافت مهری حک و اختراع ایلشدر *</p>
<p>(خویطب) بن عبدالعزی</p>	<p>فتح (مکه) ده اسلام اولوب و (حنین) و (طائف) غزاه رنده بولنوب {۵۴} سنه هجریه سنده و {۱۲۰} یا شنده رحلت ایلدی *</p>
<p>(محمد بن) مسلمة الانصاری</p>	<p>کنیه سی (ابو عبد الرحمن) اولوب فضلادن و کعب بن الاشرف یهودی بی قتل ایدنلردن اولوب (بدر) ده و سائر غزاه ده و خصوصیه (صفین) و (جمل) وقعه رنده بولنش و (مدینه) ده بر (دفعه) اجرای و کالت و {۳۴} سنه هجریه سنده و {۷۷} یا شنده رحلت ایلدی</p>
<p>(عبدالعزی) بن خطل</p>	<p>عند البعض اسمی (هلالدر) ابتدا اسلام صکره مرتد اولغله فتح (مکه) ده دمی هدر اولند یغنی بیلوب کعبه پوشیده سنه صا قلمش ایدی بولنوب قتل اولندی و (علیه السلام) افتدیمزک همیشه هجوینی معتاد ایدن فرتنا و قریبه که اناک آزاد لو جاریه لریدر انلر کدچی روز قلمده قانلری هدر اولد یسه ده (فرتنا) استیمانه مسلمان و قریبه قتل اولغله داخل نیران اولدی *</p>
<p>(شرحیل) بن حسنه</p>	<p>کنیه سی (عبد الرحمن) در قدما ی اسلامدن و کافه غزاه کیدنلردن اولوب {۲} دفعه هجرت و {۱۸} سنه هجریه سنده و {۶۷} یا شنده رحلت ایلدی *</p>

(سبیل)

کاتب وحی ایکن مرتد اولنگله حین هلاکنده
لاشه سنی رقبول ایتماش وحتی اوج دفعه
طیشرو اتمشدر * * * *

(عامر) بن فهر | (ابان) بن سعید | (خالد) بن سعید

اگرچه بونلرک جمله سیده حائر خدمت کتابت همایون اولمشلر
ایسه ده اکثر او قاتده (معاویه) بن ابی سفیان و (زید) بن ثابت رضی الله
عنهم انک استخدام بیورلدقاری مرویدر (رضی الله عنهم) *

* * * عصر سعادتده مدینه منوره ده قائم مقام مسند * * *
الکبرا اولنلر * * *

(ابولبابه) بن بشیر | (سوبق) و (قینقاع) غزاری و قوعنده
ابن عبد المنذر اجرای وکالت ایلدی * * *

(عبدالله) بن ام
مکتوم الاعمی
(بحران) (احد) (بنی النضیر) (بنی قریظه)
(رجیع) (ذی قرد) (بدر) و قعه لرنده اجرای
و کالت مأمور بیورلمشدر * * *

(ابوذر) غفاری
(ذات الرقاع) و (بنی مصطاق) غزوه لرنده
قائم مقام مسند الکبری اولمشدر * * *

(عبدالله) بن ابی
بن ساول
میعادابی سفیان بن حرب و قعه سنده وکیل
نصب اولندی * * *

(سباع) بن غر فطه
(دومة الجندل) و علی روایه (نبوک) و (حجة
الوداع) ده وکیل اولمشدر * * *

(حمیه) بن عبدالله
اللبی
(حذیبیه) (خیر) و علی روایه (بنی مصطلق)
غزوه لرنده قائم مقام اولدی * * *

(عوف) بن الاضبط
الدیلی
(عمرة القضا) سفرنده قائم مقام براغلدی * * *

(ابورهم) کلثوم بن
حصین
فتح (مکه) ده مأمور اجرای وکالت اولدی * * *

(محمد) بن مسلمة
الانصاری

علی روایه (نبوک) و قعه سنده قائم مقام اولدی
* * *

(زید) بن الحارثه
* * *

(بدر الاولی) غزاسنده قائم مقام خلافت کبری
اولدی * * *

(سائب) بن عثمان
ابن مظعون

(بواط) و قعه سنده قائم مقام ایلدی *
* * *

(ابوسلمه) بن عبد
الاسد

(غزوة العشیره) ده اجرای وکالت ایلدی
* * *

(سعد) بن عباده

(غزوة الابوا) ده قائم مقام نصب اولندی *

(ابودجانه)
الساعدی

(حجة الوداع) ده اجرای وکالت ایلدی *
* * *

* * * والله یعصمک من الناس * ایت جلیله سی نزولدن اول محافظه
ذات نبویه خدمتیه شرفیاب اولنلر * * *

{ ابو بکر } الصدیق
وقعه (بدر) ده چادر نبویه نوبت کذار اولمشدر

(ابویوب)
الانصاری
(مدینه) منوره ده سعادتخانه همایونده نوبت بکامشدر
* * *

(بلال) حبشی
(وادی القرا) ده نوبت کذار اولمشدر *

{ زبیر } بن العوام
(مدینه) ده بکامشدر * * *

(زکوان)
بن عبد قیس
(بدر) ده چادری بکامشدر *

(سعد) بن معاذ
(سعد) بن وقاص
(احد) ده خدمت محافظه مظهر اولمشدر *

(عباد) بن بشیر
(خندق) ده محافظ سعادتخانه اولمشدر *

(محمد) بن مسلمة	(احد) وقعه سنده محافظه ايلشدر *
(مغيرة) بن شعبة	(خندق) وقعه سنده نوبت بكمشدر *
(حذيفة) اليماني	(خندق) وقعه سنده نوبت كذار اولشدر *

تراجم احوال (عشرة مبشرة) وائمة (اثني) *
 (عشرة) دفنهم (رضي الله عنهم) فائده *

اولي النها نژدنده معلوم اولديغي اوزره رسول اكرم (صلى الله عليه وسلم) افنديمز حضر تليزنيك زمان سعادت اقتران همايونلر نژده وقوعبولان (مخاربه) لرده نائل عز مر افقت واغور ميامن موفور (نبويه) لرنده فوق العاده فدا كار لقلر ابرازيله حائز قصب السبق قد رومزيت اولان (سابقون) اسلامك اكثريسي (جنت) ايله تبشير بيورلدغي يعني بر چوق (صحابه) كرامك اهل (جنت) ايدو كنه دلالت ايدر (اثر) لربولنديغي حالده (فقهائ) امتك (عليهم الرحمة) يالكز (۱۰) صحابه نك (جنتده) اولديغنه حكم ايد شلري آثار مر ويه سائر حكمنى ناسخ اوليوب انبج صاحب شريعت (عليه اكل النخلة) افنديمز حضر تليزنيك اشبو {ابوبكر} في الجنة و {عمر} في الجنة و {عثمان} في الجنة و {علي} في الجنة و {طلحة} في الجنة و {زبير} في الجنة و {عبد الرحمن} بن عوف في الجنة و {سعد} بن ابى وقاص في الجنة و {سعد} بن زيد في الجنة و {ابوعبيده} ابن الجراح في الجنة {حديث شريفنده اصحاب (عشرة) نك كاملا اسملر يني ذكر واتبان بيور مبي مشار اليهم (عشرة مبشرة) اطلاقني يعني بونلرك شبيهه سز جنتلك اولد قلر يني استلزام ايتش و بناء على هذا {ان فاطمة سيدة نساء اهل الجنة والحسن والحسين سيد اشباب اهل الجنة} خبر صحيحنده نام عاليلىرى تعداد بيوريلانلر ايله (عشرة مبشرة) دن غيرى اهل ايمان (جنتده در) دينله ميوب (جنتلكدر) حكمنى ويرلسى عقائد اسلاميه دن اولديغي علامه تفتازانى (عليه الرحمة) عقائد نسفى نك {و نشهد بالجنة للعشرة المبشرة الذين بشرهم النبي (عليه

(السلام) قولى شرخنده بعد التفصيل تنبيه وتوصيه ايلشدر • لكن محقق ثانى (جلال الدين) دوانى (قدس سره) اسمنه منسوب اولان كتابك (انبياي عظامك قبل الوحي كفردن بعد الوحي كباثر دن معصوم) بولند قلر يني براعه كذار تحقيق و بيان اولديغي صروده (بيعة) ارضوان • (حديثيه سفرنده وقوعبولمشدر كه (۱۵۰۰) وعلى قول {۲۵۰۰} صحابه دن عبارتدر) وبدر (معلوم انام اولان برغزوه در {۳۳۳} يا خود {۳۶۳} صحابه اولوب {۹۵۰} دشمنله محاربه ايدوب غالب اولديلر) اصحابك دخی اهل جنتدن عد اولند قلر يني ادما ايتش فقط مشار اليهم حققرنده وارد اولان آثار (صحیحه) نك علت تعارضدن سالم اوله مامسى (عشرة مبشرة) دن غيرى يه (جنتلكدر) دينله مامسنه مدار حكم اولديغنى كوسترمشدر • امام بخارى (عليه رحمة الباري) ايسه (جامع الصحيح) نام كتابنده تعارض روات قضيه سنى قاله الميوب اهل (رضوان) و اهل (بدر) لك اسامى ساميلرى ذكر اولند بجه اولنان (دعا) نك مستجاب اولديغنى مجربا تندن اولمق سند يله (مشار اليهمك و بالخاصه (فاطمة) و (خديجة) و (حسنين) و (عايشه) و (زوجات) سائر نبويه (رضى الله عنهم) و غنهم اجمعين) نك (اهل جنت) اولد قلر يني قويا ادعا وبرطام دلائل مجربة مقنعه ايراديله اثبات مدعا ايدر • ديمشدر • قلله دره • انتها

ابوبكر (رضى الله عنه) *

مشار اليهمك اسمى (عبد الله) بن (ابى قحافة) (عثمان) بن (عمرو) بن كعب بن (تيم) بن (مره) و والده سى پدى (ابوقحافة) نك عموجه سى قيرى (ام الخير) سلمى بنت صخر بن كعب بن سعد بن تيم بن مره) اولوب (ابوقحافة) قح (مكه) روز فيروزنده اسلام اوله رقى اوغلندن صكره وفات و مخدومندن ارثا آلدغي اموال شرعيه يي اولاد (ابابكره) (رضى الله عنه) بنخله سخاوت طبعيه سنى اثبات ايلدى • باعث ايجاد عالم (نبي صلعم) افنديمز حضر تليزندن (۲) سنه (وچند) ماه اقدم تولد ايدرك (۶۳) ياشنده اولديغنى حالده هجرتك (۱۳) جى

سنه سی جادی الاخرینک (۲۲) جی (صالی) کیجه سی (بین
العشائین) بریهودی عورتک (برنج) یاخود (حسود) خلطله
یدردیکی زهردن یاخود صغوق برکونده غسل ایتمکله علت (جما) به
طوتلد یغندن متأثرا رحلت و (۱) دوه ایله بیوجک (۱) چناق
و (۱) قفتانک (عمر) بن الخطاب (رضی الله عنه) ویرلسنی وصیت
ایلدی • جنازه سنی زوجه سی (اسما) بنت العمیس (رضی الله
عنها) غسل ایدوب (علیه الصلوة والسلام) افتدیمزک (تابوت)
مخصوصه سنه وضعله لاجل الدفن تیه قلنان قبرینه کوندرمش
و نمازینی امیرالمؤمنین (عمر) بن الخطاب (رضی الله عنه) قیلدیرمشدر •
(عشره مبشره نک) برنجی سی اولدیغنه یعنی جهنمدن ازاد اولدیغنه
بناء (عتیق) و (عجزه) کبرای معراجی جله دن اول تصدیق
ایلدیکی جهنمه (صدیق) القابنه مظهر اولمش و زمان جاهلیته
اسمی (عبد الکعبه) اولغله (عبد الله) تسمیه بیورلمشدر • کبرای
قریش عندنده محبوب القلوب واحسان و مروت و تفاضل و جزای
اجلدن خاطر علیاری هر کسک یاننده مرعی و مرغوب اولوب غایت
(بیاض) و (نحیف) و وجه منیرلی (معروق) (ولطیف) اولوب
و کوزلی (آغریلقلی) و ناصیه لری (یو کسکجه) ایدی (۲) سنه (۳)
ای (۱۰) کیجه اجرای خلافت ایلدیلر • اولاد سامی لری • عبد الله •
اسما • عبد الرحمن • عایشه • ام کلثوم در (رضی الله عنهم)

عمر بن الخطاب (رضی الله عنه)

مشار الیهک کنیه سی (ابو حفص) و اسمی (عمر بن الخطاب) بن (نفیل)
بن (عبد العزی) بن (رباح) بن (قرط) بن (زراخ) بن (عدی) بن
(کعب) بن (لوی) اولوب والده سنک اسمی (ختمه) بنت (هشام) بن
(المغیره) (المخزومیه) در • (عام الفیل) دن (۲) سنه صکره طلعت
وهجرتک (۲۳) جی ذالحجه سنک ختامنه (۳) کون قاله رقی زخناک
اولوب (۲۴) محرم الحرامک غره سی اولان (پازار) کیجه سی (۶۶)

یاخود (۶۱) یاخود (۵۵) و قول اصح اوزره (۶۲) یاشنده اولدقلری
حالده (مدینه) منوره ده رحلت ایلدی • بالغ اولان کفارک (مدینه)
منوره به کیرملرینه ممانعت و بناء علیه (فیروز ابولؤلؤ) نامنده
بر (مجنوس) ذکر آتی وجهله شهید ایتمکله جسارت ایلمشدر •
شویله که (کوفه) والی سی (مغیر) بن (شعبه) نک (رضی الله عنه)
رجاسیله صنایع متوعه ده ماهر و خطه (حجاز) ده مثل و نظیری نادر
اولان سالف الذکر (مجنوسی) نک کل یوم (درت) درهم (جزیه)
و یرمک شرطیله (مدینه) منوره به دخوانه اراهه روی رضا و (ابولؤلؤ)
کیدرک (جزیه) مذکور ی تأدیه دن اظهار عجزیله تنقیصی نمنا ایدوب
فقط صورة تجارتی سؤال بیور یالوده برچوق صنعتده مهارتی اولدیغنه
دائر بر جواب مفصل آلدیغندن «اولیله ایه او قدر جزیه سکا چوق
دکادر» جواب صوابی اعطا بیوردیلر ایدی • اون (مجنوس) نخوس
یو جوابی المسی اوزرینه بر (خنجر) زهر ناک اعمال و سنه مر قومه شهر
(ذالحجه سی) اواخرینه مصادف اولان (چهارشنبه) کونی علی السحر
جماعت اسلام ایله برابر (مسجده) کیررک (خنجر) مذکور ی وجود
مسعود مشار الیهده استعمال ایدوب تمام (اللی) یرندن یاره لمش
و دردستی اغورنده فداکارلق ایدن (۷) نفر صحابه شهید و برچونی
مجروح و حتی کندوسی دخی حیاتندن نومید اولدیغندن آخر الامر ذکر
اولنان (خنجر) ایله کندی کندی دخی تلف ایلمشدر • مشار الیه
مدت اسلامیتده یمالو البسه اکتسا و ارزاق قلبله (یعنی اربه اتمکی)
اکلیله اکتفا ایدرلر ایدی • اوزون (بویلو) بیوجک (اغزلو) اسم
(بکزلو) اولوب کوزلرنده نشانه خجرت و یقارینه او جنده
قیرمز یلغنه علامت وار و لحیه لرینی حنا ایله بویار ایدی • ذات
سامی لری جنت عالیات ایله مبشر و مدت خلافتی اولان (اون) سنه
(۶) ماه (۵) کیجه ظرفنده محال آتی الذکرک تحت تصرف اسلامیه به
داخل اولسنه مظهر اولمشدر • دمشق • بعلبک • حمص • حماه •
وقعه جسر • شیرزر • معده • شام • لازقیه • حیل • طرسوس •

قنسرین • (بو موقع حلب مضائق اندر که بوراده عساکر رومله
کمال جلادت اوزره بر مقاتله و آخر الامر غالبه مصالحه اید لمشدرد)
حلب • انطاکیه • دینج • دلوک • سرمین • یزین • غزار • مرعش •
حصن الحدت • قیساریه • حبصطیه • (بو محل) (یحیی) و (زکریا)
(علیهما السلام) که مد فون اولد قلری پردر) نابلس • لد • یافه •
عسقلان • آردن • طبریه • بیت مقدس • یرهوک • (اشبو محل خلافت
صدیقده) (رضی الله عنه) دخی فتح اولمشیدی) قادسیه • (بو محاربه ده
اسلام عسکرینک) (سعد) بن ابی وقاص (رضی الله عنه) و دشمن
لشکرینک (رستم) نام پهلوان (سر عسکر) ی بولوب اوج کون اوج
کیمجه بلافاصله جنک اولنه رقی نهایتده (هلال) بن علقمه (رضی الله
عنه) رستمی قتل ایتش و خزائن و اموال و اشیاء دشمن کاملاً غارت
و یغما اید یلوب حتی درفش کاویانی (ضحاک قتل ایچون اعمال اولتان
بیراقدرد) نام بیراق ایله (فرش زمستانی) ودها نیمجه نیمجه اشیاء و جواهر
غزاة اسلام الله یکمشدرد • (استطرد) ضحاک دینلان کسینه ملوک
انجامدن بریاد شاهک اسمی اولوب نقل اولندیغنه کوره ایکی او موزنده
یلان شککنده ایکی پارچه (ات) ظهور واضطرابیله ضحاک ی بحضور
و اطباتک جمله سنی اظهار عجزه مجبور ایلد یکندن شیطان لعین بر کون
طیب صورتنه کبره رک ضحاک دفع وجعی ضمیمه بومیه (ایکی) صبی
چو چوق کس یلوب بیکت لری نک ذکر اولتان یاره رک اوزرینه وضع
اید لمسنی تعریف و بو (معالجه) ضحاک اضطرابی ایچمه تخفیف ایتمکله
هر کون (ایکیشر) چو چوغک قتلیله یاره سینه علاج و بو صورتله
افراد رعیتی از عاج ایتکه باشلیدی • بو اثنا ده دمورجی (کاوه) نک
ایکی اوغلی اولغله برینی هلاک ایدوب دیکرینی دخی تلف ایلک اوزره
کور و کنک ارقه سندن الوب کندیلر • بو حالدن (کاوه) نک شفقت
پدریه می غلیان ایتمکله او کینه طوتندیغنی سختیانی بردکنکه کچوروب
(علم) قلقلی میدانه رکز ایتش و ظلم (ضحاک) دن دلگیر اولان
واو یولده جکر یاره لری قتل اید یلان بر چوق کسینه دخی باشنه

طوبانیسیله بر جمعیت جهوریه تشکیل ایلش اولدیغندن (ضحاک)
تختدن خلع و هلاک ایتکه سعی ایلدیله ایدیه مر قوم بر ساحر ذوفنون
اولق ملا بسه سیله کندوسنی استعمال ایلله تلف اید ملک ممکن
اولدیغندن بر (مغاره) یه حبس ایدرک آچاق سلا حیلله اهلک
و (کاوه) نک رأ یله (چشید) که اوغلی (فریدون) ی تخت شاهی
اقعاد و اجلاس ایلدیله • و (کاوه) نک سختیاندن اعمال ایلدیکی سنجانی
انواع جواهرله ترصیع و تزیینه صرف یارای قدرت و اوسنجاغک
بولندیغنی محاربه عساکرینک هر حالده منصور و مظفر اولور اعتقادینی
اذهان عوامه یرلشد یرمکه غیرت ایدوب اسمنه (درفش کاویانی)
و (درفش کاوه) و (درفش کاویان) دیدیلر که (حضرت فاروق
(رضی الله عنه) اشبو درفش خاتمه سلسله اکاسره اولان (یزدجرد)
شاهک قبضه تصرفدن اخراج و حوزة خلافت اسلامیه یه ادراج
ایلشدرد • حتی یونکله برابر (بر) فرش زمستانی (۳۰۰) زراع عرضنده
و کذلک (۳۰۰) زراع طولنده امثالی کورلماش و ایشید لمامش بر حالی
اولوب وقت شتاده ایوان (کسرا) یه دوشه دیلوب واورته سنه
تخت شاهی وضع اید یلوب ملوک اعجام جلوس ایدرلر و کویا موسم
صیفده انواع (شکوفه) و (ازهار) ایله مزین اولان ریاض پر حیاض کبی
کسب صفایلرلردی • چونکه مذکور (حالی) نک اوزری دورلو دورلو
(جواهر) ایله پرزب و فرو منقوش اولان اشکوفه های رنگارنگ لابی
اوزره مرتب و مصور ایدی • تم الاستطرد مداین • حلوان • موصل
نصیبین • تکریت • ارمنیه • آذربایجان • سوس «بوراده انبیادن
(دانیال) (علی نبینا و علیه السلام) تحت الماء مدفوندر) مصر
اسکندریه • نهاوند • (بو بلده نک قنجه) (فتح القنوج) دینشدرد •
چونکه امرای اعجام علی الاتفاق اسلام اوزرینه مهاجمه ایلد کلرندن
رئیسلری اولان (فروزان) قتل اولوب بردخی عقد اجتماع ایتدیرلماشدرد
• ری • جرجان • قزوین • زبجان • طبرستان • هرات • طرابلس
غرب • اعمال خراسان • اصطخر • بلده فارس • تستر • مرو

رأس العين مرو رود • خابور • بیسان • دینور • بعض بلاد روم •
کوفه • بصره • اولاد کرامتری * عبد الله * عبد الرحمن الاکبر * زید
الاکبر * مشار الیهک والده سی (کلثوم) بنت علی وفاطمه (رضی الله
عنهم) در * عاصم * عیاض * زید الاصغر * عبید الله * عبد الرحمن
الاوسط * عبد الرحمن الاصغر * حفصه * رقیه * فاطمه (رضی الله عنهم)

عثمان ذی النورین (رضی الله عنه)

مشار الیهک پدری (عفان) بن (ابی العاص) بن (امیه) بن (عبد شمس)
ابن (عبد مناف) و والده سنک اسمی اروی بنت کریم بن ربیعہ
ابن حبیب ابن عبد شمس بن عبد مناف اولوب پدری (عفان)
تیمار تله شامده ایکن رحلت و فقط والده سی (اروی) بنت
(ام الحکیم البیضا) بنت (عبد المطالب) (بیضا) ی مشار الیها
ایله حصار اسلامیه دخالت ایلدیلر • (عام الفیل) ک (۶) جی
سنه سی طائفه مهد آرای وجود اوله رق (۲۲) یاخود (۲۷)
یا شلرنده ایکن (مسلمان) وایکی دفعه (حبشه) هجرت و (عشره مبشره)
عدادینه دخالت ایدرک مشار بالبنان اولمشدر • هجرتک (۲۵) جی
ذ الحجه سنک (۸) یاخود (۲۸) یاخود (۲۲) چهارشنبه کونی بعد
العصر آتیده تفصیل اولنه جخی و جهله احراز مرتبه شهادت و حین
ارتحالده (۸۲) یاخود (۸۸) یاخود (۹۰) و علی قول (۹۵) یا شنده
اولغله {۱۲} سنه دن برقاج کون نقصان یاخود تمام {۱۲} سنه قدر
خلافت ایلش و شهادتک او جیحی (کونی) دفن ایدیلوب قبری
کیزلنشدر • چونکه عهد سامیلرنده (غزوات) جیمه و (فتوحات)
عظیمه واقع اولوب اغتنام اولتان اموال و اشیا ملبسه سیله افراد مسلمین
منتهای ثروت و غنایه واصل اولدقلرندن (مدینه) منوره معمور و آبادان
و انار خبرات و حستاتله مانند فرادیس جتان اولمشیدی • انبجی غزاة
مؤمنین بر طاقم مفسدرک ابجاسیله شهادت مشار الیه قیام و عاقبت
الامر کاشسرای جناته اعزام ایلدیلر • شویله که بر قوم (مصری)

و برکوه (بصری) و بر طاقم (کونی) عساگری عقد جمعیت و علی الاتفاق
(مدینه) منوره به عزیمت ایدوب (مصریون) عساگری جناب (حیدر)
(کوفیون) افرادی جناب (زیر) و (بصریون) فرقه سی جناب
(طلحه) به (رضی الله عنهم) استناد ایله امیر المؤمنینک خلع خلافتی ضمنده
و خارج (مدینه) منوره ده مشاوره به جرأت و کسور لینی کتاب و سنته
دعوت اوزره قبل (خلیفه) دن کوندربیلان (مغیره) و (عمرو بن العاص) ی
ردو جناب (حیدر) ی (رضی الله عنهم) قبول ایلدکلرندن (کتاب) و (سنت)
اوزره حرکت ایلک اوزره جناب (حیدر) رضی الله عنه کفالتیه خلیفه
مشار الیه بن اخذ عهد ایدرک و (مصر) و الیسی (عبد الله) بن
ابی سرحی غزل ایله برینه (محمدر) بن ابی بکر (رضی الله عنهما) بی نصب
واجرا ایتدیره رک عودت ایلدیلر ایدی • مصریون (ایله) نام محله دایره
مشار الیه منسوب بر غلامه تصاد فله والی (مصره) تقدیم ایلک ایچون
حامل اولدیغی مکتوبی فتح و قرائت و اولاطرفه عودت ایدنلری قتل
و تلف ایله مضمونندن عبارت اولدیغنه کسب اطلاع ایلد کلرندن
(مدینه) منوره به توجیه مطایا و مکتوب مذکورک سینی بعد السؤال
{ بن اوله مکتوب یاز مدم • و بو مکتوب دن خبرم یوقدر } نهجنده
الدقلری جواب صوابی اصغا ایتیب و متفقلری اولان کرو (بصریون)
(کوفیون) ایله بر اشوب { سنک مهرکله ممهور اولان و سنک غلامکله
کوندربیلان مکتوبدن خبرک اولماق غیر ممکندر • انبجی یاترک خلافت
ویاخود (مروانی) بزه تسایمه مسارعت ایتلیسین • یوقسه سنی شهید
ایده جکزددر } تهدید بینی ایراده اجتر ایلدیلر • مکتوب سالف الذکرک
اگر چه مروانک خطی اولدیغنه شهید قالمدی اینسه ده نه ترک خلافت
نده (مروانی) ایدی مصریونه تسایمه موافقت یبورلدیغندن (سلج)
شهر شوالده دولتخانه مشار الیه محاصره و حتی قبل (حیدر) به دن
کوندربیلان (۳) قربه (صوبی) دولتخانه مشار الیه ادخال ایتماک
اوزره بنو (هاشم) و بنو (امیه) دلاورانیه خیلوجه وقت مشاجره
ایدوب بر چوق کسنه بی مجروح ایلدیبار • بو حال سامعه (حیدریه) به

(رضی الله عنه) ایصال اولند قدده حضرت (حسنی) رضی الله عنهما ارسال و كذلك (زبیر) و (طلحه) واصحاب بکارساؤه دخی اولاد و انسابلرینی کوندروب محافظه مشارالیه خذ متنده اشغال ایلد کلرندن جناب (حسن) و (قنبر) و (محمد) بن (طلحه) نک (رضی الله عنهم) رؤس شریفه لری یاره لشمش واکر چه نزد شهید مشارالیهده (۶۰۰) قدر غلام و اتباع و سائر اولوب فقط قلنجی داخل غلاف ایدن کوله نک آزاد اولته جنجی امری ویرلکله جله سی بردن کبرو چکمشدر . بوضره ده بنو هاشمک خون (حسنی) رضی الله عنه مطالبه به قیام ایده چکنی تصور ایدن فئه باغیه (محمد) بن ابی بکر ایله دیگر بر حریفی بنو (حزم) الانصارینک خانه سی داخلندن دولخانه (ذی النورین) (رضی الله عنه) اعزام و ایفای مافی الضمیر ایلرینی افهام ایلدیلر . شهید سعید مشارالیه اوارالق مصحف شریف تلاوتنده بولمغله (نبار) بن عیاض مصحف رخسارینه اوروب دم مبارکینی کلام قدیم اوزرینه آقتمش و (محمد) بن ابی بکر دخی (حیه) شریفنی طوتوب ایکی طرفته سلکله رک «معاویه» بن ابی سرح و (عبدالله) بن عامر شمعی کلوب سنی قورترسون دید کده «ای قرن داشم (ابو بکر) نک اوغلی سنک بواشیکی اگر چه باباک کورسه ایدی کوجنوردی» جوابنی الوب کبرو چکمش اولدیغندن (یمامه) اها لیسندن کولک و زلوقصه بویلو (سرخان) اسمنده بر حریف عفریت هیکل و یاخود (اسود النجبی) و علی قول (رومان) المرادی و یاخود علی الاتفاق شهید ایلدیلر که تقاطر ایدن قانلری { فسیکفیکهم الله وهو السميع العليم } آیت جلیله سنه تصادف ایتمکله { تقتل وانت مظلوم وتسقط قطرة من دمك على (فسیکفیکهم) حدیث شریفنک مآلی ظاهر اولمش و آغشته خون و خالک اولان جسد سعید دولتری تمام (اوچکون) میداند، براغیلوب بعده (بقیع) شریفده واقع (خش کوکب) دینلان محله دفن ایدلشد . که بالاخره شقاق و فتن موج آرای ساحه ظهور و اهل ایمان خون مظلوم مشارالیهک مطالبه سی صد دیله یکدیگریله جنک وجداله مجبور اولوب بویولده یوز

بیکدن قیماوز کسسه قتل و اعدام قلند یغی اهل مطالعه عند نده غیر مجهولدر . (ورته بویلو . اسمر جهره لو . کثیر اللحیه . رقیق البشیره . بیچک بوزوغی) ایدی . اولاد کراملری بونلدر . (عبدالله الصغر) ابن رقیه بنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) عمرو * ابان * خالد * عمر * سعید * ولید * عبد الملك * عبد الله الاکبر * مریم * ام سعید * عایشه * ام ابان * ام عمرو * ام البنین * (رضی الله عنهم و عنهن)

امام اول

اثمه اثنی عشرک اولکیمی وعشره مبشره نک در دنجیسی {علی} ابن ابی طالبدر که مشارالیه (ابو طالب ابن عبد المطلب) و (مکه) یاخود (مدینه) ده حال اسلامیت اوزره وفات ایدن (فاطمه بنت اسد بن هاشمک اوغلی و من جهت المواخات صاحب سعادت) (علیه افضل التحیه) افند بمرک برادر و داماد محاسن کستری اولوب هجرتدن {۲۳} یاخود {۲۵} و تاریخ بعثتدن {۱۰} یاخود {۱۲} سنه اول یعنی (عام الفیل) نک {۳۰} جی سنه سی رجبنک {۱۳} جی جمعه کونده و سلاطین کسراشه دن (هرمز) شاهک زمان سلطنتده پانهاده عالم شهود اوله رق {۶۳} یاخود {۶۵} یا شده اولد قلری حالده {۴۰} جی سنه هجریه رمضان آخرینه {۱۴} کون قاله رق بر (جمعه) کونی (ابن ملجم) ملعونک اوردیغی زهرناک سیفدن زخدارا و اب او جنجی (پازار) کونی تسلیم روح ایلشد . امام حسن (رضی الله عنه) نمازینی ادا و نغش شریفنی (نجف خیر) ده یاخود (کوفه) شهری اچیقنده یاخود امامت ایلد کلری (مسجدک) ارقه سنه و علی روایت (مدینه) منوره به نقل ایله زوجه محترمه لری یاننده واقع قبرینه القا ایلدی . مدت خلافتلری (۴) سنه (۹) ماه اولوب سبب شهادتلی آتی الذکر استطراد مفادی اوزره در استطراد منقولدر که خوارج طائفه سندن (عبد الرحمن) بن ملجم المرادی مرداری (عمرو) بن بکر التیمی و (برک) بن عبدالله التیمی ایله اتحاد و (نهر و ان) وقعه سنه تلف اولنان متفقترین یاد ایدرک {۴۰} جی سنه هجریه رمضانک {۱۷} جی (پازار) کونی بری (معاویه)

دیگری (عمرو بن العاص) و ابن ملجم خنجر بری دخی حضرت (حیدر) ی
(رضی الله عنهم) شهید ایلک کیفیتنی بالتفکر بر زهر لو قلع تدار کنی
مطالعہ و تذکر اید کد نصرہ (برک) دمشق و (عمرو بن بکر) مصرہ
(عبدالرحمن ابن ملجم) کوفہ ید عزیمت و بر موجب مقاولہ اولکون (عمرو بن
العاص) یرینه و کالتا امامت ایدن (سہل بن عامر) یا خود (خارجہ السہمی)
ہلاک و (معاویہ) بی او یلو غنڈن خفیجہ بر صورتہ زخماک ایتکہ جرأت
ایلملر ایسہ دہ (ابن ملجم) خائن (کوفہ) دہ بنو تیم الربا بدن مفتون
اولد یغی (قطام بنت شیمہ بن عدی) نام حسنا ی خائنه بی استقرار
ایلملک آرز و سنہ دوشمش و مزبورہ (۳۰۰۰) اتون و (۱) فلام و (۱) عدد
(جاریہ) و یردیکی و حضرت (حیدر) ی (رضی الله عنه) شهید ایلدیکی
تقدیر دہ افکارینی ترویج و قبول ایدہ چکنہ دائر بر جواب اعطا و عم زاده سی
(دردان) ایلہ (شیب) بن بحرۃ الاشجعی رفاقتلر یلہ مشار الیہک باب
سعادتنہ لری او کتہ سوق و اسرا ایلدی • جناب (مرتضا) رضی
عنه المولا حضرتلری معتاد قد یلمری اوزرہ او کتہ مؤذنلری (ابن
النجاح) و ارقہ لرنده (حسنین) رضی الله عنہما اولدیغی حالہ مسجد
شریفہ عزیمت و اثنای راہدہ اول کلاب جہنمی یہ مصادفت ایلدیکندن
اوجی بردن سیوف زهر نا کلہ حملہ ایلدیلمر • لکن یالکز (ابن ملجم)
خنجر یرینک سیفی سر سعاد تلرینہ راست کلہ رک بر زخم نا سور آخمش
و اول کلاب عقور اطرافہ صالار کن (مغیرہ بن نوفل بن الحارث بن
عبد المطلب) طرفندن دردست ایلہ حبس ایلدیلوب بالاخرہ جزای
سزاسی و یرلمشدر • مشار الیہک والدہ سی طرفندن و یریلان اسمی
(حیدر) ایسہ دہ یرلری (ابو طالب) بالاخرہ (علی) تسمیہ ایلش
(ابو الحسن) و (ابو السبطین) و (ابو تراب) کتہ لری و (مرتضا)
لقبیلہ کسب اشتهار ایتشدرد • (کولر و آراسمرجہ یوزلو • کوجلوقوتلو •
اموزلرینک ارہ سی و سعتلو • اریجہ کوکلو • اورتہ یا خود آرقیصہ بویلو •
ککش صقاللو • اتہ طولغون • آزش شمانجہ قرنلو • یواش یورویوشلو •
شہسوار میدان عرفان • و فوق العادہ نامدار و عابد و زاهد و عشرہ

میشردن بر یلوان ایدی • زمان خلافت لرنده (جل) و (صفین) وقایعی
ظہور ایتش و اولاد کراملری آتی الاسامی ذوات معالی سماندن عبارت
بولمشدر • (حسن • حسین • محمد الاکبر • عمر الاکبر •
عباس الاکبر • عمر • عثمان • جعفر • عبد الله • محمد الاصغر • یحیی •
عون • محمد الاوسط • عید الله • ابو بکر • زینب • ام کلثوم الکبری •
رقیہ • ام الحسن • رملہ • امہانی • یمونہ • زینب الصغیر • رملہ الصغیر
ام کلثوم الصغیر • فاطمہ • خدیجہ • ام الکرام • نفیسہ • ام سلمہ •
ام جعفر • جمانہ • امامہ • رضی الله عنہم • علاوہ • مشار الیہک
مخصول صاب یای اولان بقیہ ائمہ اثنی عشر (رضی الله عنہم) حضراتک
تراجم احوال مجملیرینک دخی بو محلدہ ایرادی مناسب مطالعہ قلمش
اولغہ یمنا انلر کدخی ذکرینہ شروع قلندی • انتہا

امام الثانی

ائمہ اثنی عشرک ایکنجیسی (ابو محمد حسن) بن (علی) بن (ابی طالب)
رضی الله عنہم اولوب والدہ مکرمہ لری (فاطمہ الزہرا) بنت رسول الله
(صلی الله علیہ وسلم) اعب شریفلری (تقی) (سید) (ریحانہ النبی)
(سبط النبی) و کتہ لری (ابو محمد) در • ہجرتک (۳) جی سنہ سی رمضانی
اواسطنہ مصادف اولان بر (صالی) کونی (مدینہ) منورہ دہ زیور آرای مہد
شہود اولوب (۴۷) یا شلرنده و ہجرتک (۵۰) جی یا خود (۴۹) جی سنہ سی
ربیع الاولک بشنجی (صالی) کوننده و (یزدجرد) شاہک ایام سلطنتندہ
زوجہ لری (جعده) بنت الاشعث بن قیسک متجاسر ترتیب اولدیغی
زهر ایلہ شهید اولد قلرندن نمازلرینی (سعد بن العاص) رضی الله عنه
اد و (بقیع) شریفدہ تہیہ قلنان قبرینہ القا ایلشدر • مدت اما متلری (۶)
سنہ اولوب غایت حلیم و سلیم و ذی وقار و سخاوت مفرطہ ایلہ شہرت
شعار ایدی • مدت عمر لرنده فحشیاتہ دائر کلام سویلہ تمش و فتنہ
ظہور ایتدیر مامکہ غیرت پیورمشدر • رکوب سیادتلرینہ مخصوص
اولق اوزرہ دواب متعددہ لری اولدیغی حالہ پیادہ اولہ رق (۵) دفعہ
ایفای فریضہ حج ایلشدر • اولاد کراملری (عبد الله • حسن •

زید * عمر * عبیدالله * عبدالرحمن * احمد * اسما عیل * حسین الاثرم *
عقیل * ام الحسن * (رضی الله عنهم) حضراتندن عبارتدر *

امام الثالث

اثمه اثنی عشرک او نجیبی (ابو عبد الله حسین) بن (علی) بن
(ابی طالب) رضی الله عنهم اولوب والده محترمه سی (فاطمه)
بنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ولقب شریفلری
(شهید) (سید) (ریحانة النبی) (سبط النبی) وکینه سنیله لری
(ابو عبد الله) در * هجرتک در نجیبی شعبانک (۴) جی (صالی) کونده
(مدینه) ده پانهاده صحرای وجود اولوب (۵۲) یاشی (۵) یاخود
(یدی) ماه مرور ایلدیکی حالد (وشهریار) شاهک زمان سلطنتده
هجرتک (۶۱) محرمک یوم غاشوراسی اولان (جمعه) کونده ومیدان
(کربلا) ده صوسز قالمش ایکن (شمر) لعینک ویردیکی امر اوزرینه (ذرحه)
بن شریک و (سنان) ابن انس النخعی ملعونلری قلعج و مزراق لریله
اوروب شهید ایتمش و (سنان) یاخود (شمر) خنزیر شیر مادر بختلاری
سر مسعود مشار الیهی بدن مبارکندن جدا ایدرک (جسد) شریف
متینله لری حیوانلره چیکنتمشدر (که بو وقعه ده شاه شهید مشار الیهک
برادرلندن و اولادلرندن و یوک برادری اولادلرندن و (عبد الله بن
(جعفر) و (عقیل) اولادلرندن اولق و علی قول کافه سی اولاد (فاطمه) دن
(رضی الله عنها) بولمق اوزره برچوق ذوات سعادت سماتک حازمراتب
عال العال شهادت اولدقلری مرویدر (رضی الله عنهم) مشار الیه
مجمع المکارم والفضائل اولوب (۱۰) سنه قدر امامت ایتمش واسامی
سامیلری آیتده محرر اولان (۹) نفر اولاد مکارم اعتیاد سامینک
وجود کلسنه واسطه اولمشدر * علی اکبر * علی اوسط *
(مشار الیه (زین العابدین) اولوب یقینا ذکر اوانه جقدر * علی اصغر *
(مشار الیه طفل ایکن کربلا ده پدیری یاننده شهید اولمشدر * محمد *
عبد الله * (مشار الیه دخی کربلا شهدا سندندر) جعفر * (پدرلری
حیاتنده رحلت ایلدنی) * زینب * فاطمه * سکنه * (رضی الله عنهم)

امام رابع

اثمه اثنی عشرک در نجیبی (ابو الحسن علی) ابن (ابو عبد الله حسین)
بن (علی) ابن (ابی طالب) رضی الله عنهم اولوب کینه سعادت لری
(ابو الحسن) یاخود (ابو محمد) یاخود (ابوبکر) ولقب سیندلری
(زین العابدین) و (سید العابدین) و (سجاد) و والده علیه لریک
اسمی (ام ولد) بنت (یزدجرد) در * هجرتک (۳۳) جی یاخود (۳۸) جی
شعبانک بر (نجشنبه) کونده (مدینه) منورده کهاره زیب وجود
و کربلا وقعه سندده موجود اولوب فقط نامز اجلخی جهتله
(مدینه) یه کوند رملش اولدیغندن (۵۸) یاشلرنده ایکن (۹۴) یاخود
(۹۵) سنه هجریه سی محرمک (۱۲) جی (جمعه) ایرتسی کونی (ولید) ک
زمان حکومتده رحلت و (بقیع) شریفده کائن (قبة العباس) داخلته
دفن ایدلش و (۳۳) سنه قدر امامت ایلمشدر * کمال فضل و زهداتله
مشهر و کرامات کثیره سی ایسه متواتر اولوب صلب پاکندن (حسن
* محمد * علی * عبد الله * (بونلرک والده لری ام (عبد الله) بنت (الحسن) ابن
علیدر) عمر * زید * (بونلرک والده سی (جیدا) اسمند بر جاریه در)
خدیمه * ام موسی * ام حسن * ام کلثوم * ملیکه * (رضی الله عنهم)
حضراتی کلمش و نسل نسیل طاهره نبوی مشار الیهمن تشعب ایلشدر *

امام خامس

اثمه اثنی عشرک بشنجیبی (ابی جعفر محمد) بن (ابو الحسن علی) بن
(ابو عبد الله الحسن) بن (علی) بن (ابی طالب) رضی الله عنهم اولوب
کینه سیندلری (ابو جعفر) ولقب شریفلری (باقر) و (شاکر)
و والده سامیه لری (ام عبد الله فاطمه) بنت (ابو محمد حسن) بن (علی) بن
ابی طالب رضی الله عنهمدر * شهادت شاه شهید امام (حسین سعید)
رضی الله عنهدن (اوج) سنه اقدم یعنی هجرتک (۵۷) جی صفر الحیرینک
(۱۳) جمعه کونی جناب حیدر (رضی الله عنه) خلافتده (مدینه)
منورده زینت بخش مهد وجود اولوب هجرتک (۱۱۷) یاخود (۱۱۸)
جی ذالحجه سنک یدنجیبی (بازار ایرتسی) کونی (۷۳) یاخود (۵۸) یاشلرنده

ایکن هشامک زمان سلطنته و (مدینه) منوره در حلت و (بقیع) شریفه
پدری یانته دفن اولمغله (۳۶) و علی قول (۵۰) سنه قدر امامت
ایلمشدر که اولاد کراملری (جعفر * عبدالله * یونلرک *
والده لری (فروه) بنت القاسم بن (محمد) بن ابوبکر الصدیق
(رضی الله عنهم) ابراهیم * علی * زینب * ام سلمه * رضی الله عنهم *

امام سادس

ائمة اثنی عشرک النجیسی (جعفر صادق) بن ابوجعفر (محمد) بن
(ابوالحسین علی) بن ابوعبدالله (حسین) بن علی ابن (ابی طالب) بن
عبدالمطلب (رضی الله عنهم) اولوب کینه سینهلری (ابواسماعیل)
و (ابوعبدالله) ولقب شریفلری (صادق) (فاضل) (طاهر) ووالده
علیه زینک اسمی (ام فروه) بنت القاسم بن (محمد) بن (ابوبکر الصدیق)
رضی الله عنهم * هجرتک {۸۳} یاخود {۸۰} جی ربیع الاولک
بر بازار ابرتسی کوننده و (عبدالمک) بن مروانک زمان سلطنته
(مدینه) منوره دنیا یی تشریف ایدرک {۱۴۸} رجبتک {۱۶} جی
(بازار ابرتسی) کوننده و (هارون رشید) زماننده {۶۸} یاشنده
اوله رق رحلت و (بقیع) شریفه (قبة العباس) داخلته دفن ایدلمش
و {۳۴} سنه قدر امامت ایتشددر که * محمد * اسماعیل * عبدالله *
موسی * علی * رضی الله عنهم حضراتی مشارالیهک اولادی اولوب (فروه)
نامنده براو غلیله اسمی غیر معلوم (بر کریمه) لری دخی اولدیغی مرویدر *

امام سابع

ائمة آسنی عشرک یدنجیسی (موسای کاظم) ابن (جعفر صادق)
ابن (ابوجعفر محمد) بن (ابوالحسین علی) بن (ابوعبدالله حسین)
بن (علی) ابن (ابی طالب) رضی الله عنهم اولوب کینه شریفلری
(ابوالحسن) و (ابو ابراهیم) لقب سامیلری (کاظم) ووالده لریک
اسمی (حمیده) در * هجرتک {۱۲۸} جی (صفراخیر) ینک اواخر ینته
مصادف بر (بازار) کونی (ابراهیم) ابن ولیدک زمان سلطنته وحرمین
پینده کائن (ابوا) نام محله کهواره پیرای شهود اوله رق {۱۸۳} جی

(صفراخیر) ینک {۲۵} جی (جمعه) کوننده و {۵۵} یاشنده (بغداد)
محبسخانه سنده ایکن (یحیی) بن خالد البرمکینک ترتیب ایلدیکی تازه خرما
ایله نسیم اوله رق بغدادده دفن ایدلمش و {۳۵} سنه امامت ایتشددر که
اولاد سینهلری یونلردر (علی الرضا * احمد * محمد * ابراهیم
* عباس * قاسم * اسماعیل * جعفر * هارون * حسن *
عبدالله * اسحق * عبدالله * زید * حسن * فاضل * سلیمان *
فاطمة الکبری * فاطمة الصغری * رقیه * حلیمه * ام اسما
* رقیه الصغری * ام کلثوم * ام جعفر * ام لبابه * زینب
* خدیجه * عایشه * آمنه * حسنه * بربره * علیه *
ام سلمه * یمونه * ام کلثوم * رضوان الله تعالی علیهم وعلیهن اجمعین *

امام ثامن

ائمة اشنی عشرک سکرنجیسی (ابوالحسن علی الرضا) بن (موسای
کاظم) ابن (جعفر صادق) بن (ابوجعفر محمد) بن (ابوالحسین علی)
بن (ابوعبدالله حسین) بن (علی) ابن (ابی طالب) رضی الله عنهم
اولوب کینه سینهلری (ابوالحسن) ولقب شریفلری
(رضی) (زکی) (ولی) و مادر عالیکهر لریک اسمی
(اروی) یاخود (نجمه) یاخود (سمانه) در که مشارالیهانک
کینه سی (ام البنین) اولوب (موسی کاظم) رضی الله عنهم
والده سی (حمیده) رضی الله عنهمانک جاریه سی ایکن صاحب
سعادت (علیه افضل التحیه) افدیمز حضرت تارندن آلدیغی امر
معنوی اوزرینه مشارالیهانی مخدوملری (موسی کاظم) رضی الله
عنهم تقدیم ایلش ایدی * (ام البنین) مشارالیه (موسی کاظم)
رضی الله عنهم حمله اولمغله {۱۵۳} ربیع الاخرینک اون برنجی
(پنجشنبه) یاخود {۱۴۸} ذالقعدة سنک بر (پنجشنبه) کوننده یعنی
منصور حلیفه نک زمان حکومتده و (مدینه) منوره ده امام مشارالیهی
تولید ایلدی * مشارالیه {۵۵} یاشنده یعنی خلفای عباسیه دن
(مأمون) خلیفه نک زمان سلطنته {۲۰۳} سنه سی (صفراخیر) ینک

{۲۴} جی کوننده و خراسانده واقع بلاد (طوسیة) دن و قوچان قراستدن
(سناباد) نام قریه ده رحلت و (هارون الرشید) ک قبری یاننه دفن ایدلمش
و {۲۰} سنه قدر امامت ایلشدر که اولاد سامیلری (محمد التقی * حسن *
جعفر * ابراهیم * حسین * عایشه) رضی الله عنهدن عبارتدر.

امام تاسع

ائمة اثنی عشر ک طقوزنجیسی (ابو جعفر ثانی محمد) بن (ابو الحسن علی الرضا)
بن (موسای کاظم) ابن (جعفر صادق) ابن (ابو جعفر محمد) بن (ابو الحسن
علی) بن (ابو عبد الله حسین) بن (علی) بن (ابو طالب) رضی الله عنهم اولوب
کنیه سامیلری (ابو جعفر ثانی) و لقب سامیلری (تقی) (جواد) (قانع)
و والده لرینک اسمی (خیزران) یا خود (ریحانه) در • هجرتک {۱۹۵} جی
رجبتک {۱۰} جی (جمعه) کوننده یعنی (محمد) خلیفه نک عصر نده (مدینه)
منورده زیبایش بنشای مهد شهود اولوب {۲۵} یاشنی چندماه کچهرک
(معتصم) خلیفه نک زماننده {۲۲۰} ذالحجه سنک {۶} جی (صالی)
کوننده محوما رحلت ایتش و نفس (بغداد) ده کائن (موسی کاظم)
رضی الله عنہک قبر سعادت لری ارقه سنده واقع مقابر قریش
دفن ایدلمشدر (که) (مأمون) خلیفه نک کریمه سی (ام الفضلی) تزوج
ایدوب (مدینه) یه نقل ایلدیکی و {۱۷} سنه امامت ایتدیکی مروی
و (علی نقی * موسی * فاطمه * امامه) رضی الله عنهم حضراتی
میوه شجره صلب پاکلری اولدیغی کتب سیرده محکدر

امام عاشر

ائمة اثنی عشر ک اوننجیسی (ابو الحسن) ثالث (علی نقی) بن (ابو جعفر
ثانی محمد) ابن (ابو الحسن علی الرضا) بن (موسای کاظم) ابن (جعفر
صادق) بن (ابو جعفر محمد) بن (ابو الحسن علی) بن (ابو عبد الله حسین)
بن (علی) ابن (ابی طالب) رضی الله عنهم اولوب کنیه سامیسی (ابو الحسن
ثالث) و لقب علیاسی (نقی) (هادی) (متوکل) (ناصح) و والده سنک
اسمی (سمانه) یا خود (ام الفضل) بنت المأمون خلیفه در • هجرتک {۲۱۴} جی
رجبتک {۱۳} جی (صالی) کونی (مدینه) منورده ده و (مأمون) خلیفه نک

زماننده صحرای وجوده وضع قدم و {۲۵۴} جیادی الاخره سنک یکر می
بشچی (بازار ابرتسی) کونی {۴۰} یا شلرنده اولدقاری وایام (مستنصر) ده
بولندقلری حالده تسعیم اولمغله تسلیم روح محترم ایلدیلم (که) جسته
شریقلری (سرمن رای) شهرنده واقع دولخانه لرینه دفن ایدلمش
و {۳۴} سنه قدر امامت ایلشدر • اولاد سامیلری حسن عسکری
* حسین * محمد * جعفر * عایشه * رضی الله عنهدر •

امام احدی عشر

ائمة اثنی عشر ک اون برنجیسی (ابو محمد حسن) بن (علی نقی)
بن (ابو جعفر ثانی محمد) ابن (ابو الحسن علی الرضا) بن (موسی
الکاظم) ابن (جعفر صادق) بن (ابو جعفر محمد) بن (ابو الحسن
علی) بن (ابو عبد الله حسین) بن (علی) ابن (ابی طالب) رضی الله
عنهم اولوب کنیه سنیه لری (ابو محمد) و لقب سامیلری (عسکری)
و (سراج) و (خاص) و والده سنک اسمی (سوس) در • هجرتک
{۲۳۲} یا خود {۲۳۳} جی (ربیع الاولی) سنک بر (بازار ابرتسی) کونی
خلیفه (واثق) عهدنده (مدینه) منورده ده طلعت و (معتد) خلیفه
دورنده یعنی {۲۶۰} ربیع الاولک {۸} جی (جمعه) کونی {۲۸} یا شنده
اولدیغی حالده (ساره) نام قریه ده مسموما رحلت ایدوب
(سرمن رای) ده پدیری یاننه دفن ایدلمش و {۶} سنه قدر
امامت ایلشدر • مشار الیهک یا لکز (محمد مهدی) اسمنده براوغلی
اولوب پدیرینک حین شهادتنده (مدینه) منورده ده بولنه رق
بر طرفه اختفا ایلش اولسبیله یا قه یی قورتاره بیتشدر (رضی الله عنه)

امام اثنی عشر

ائمة اثنی عشر ک اون ایکنجیسی (ابو القاسم محمد المهدی) ابن (ابو
محمد الحسن العسکری) بن (علی نقی) بن (ابو جعفر ثانی محمد) ابن (ابو
الحسن علی الرضا) بن (موسی کاظم) ابن (جعفر صادق) بن
(ابو جعفر محمد) بن (ابو الحسن علی) بن (ابو عبد الله حسین) بن
(علی) بن (ابی طالب) بن (عبد المطلب) رضی الله عنهم اولوب کنیه سی

طلحة بن عثمان (رضی الله عنه)

مشار اليه لك قبي (طلحة الحيز) و (طلحة الجواد) در پدر لریك اسمی
(عبدالله بن عثمان بن عمرو بن كعب بن سعد بن تيم بن مره بن كعب بن
لوی بن غالب) و والده لری (علاء) بن الحضرمينك همشیره لری (صعبه)
بنت الحضرميد در كه اسلاميته هجرت و (مدينه) منوره ده رحلت ايلدی •
(عشره مبشره) نك و قدیما اسلام اولان سابقون اصحابك و هيئت شورا
اولان التي صحابه نك بری اولوب (بدر) وقعه سندن غيری غزالده
حاضر و (سعد) بن وقاصله عقد مواخات ایدن بر بهادر نادر در •
{۲۶} سنه هجره به سنده ظهور ایدن وقعه (جل) ده طرفدار (عائشه)
رضی الله عنها اولدیغی و {۶۴} یا خود {۵۸} یا خود {۶۰} یا خود
{۶۲} یا شنده بولندیغی حالده (مر و ان) ك اوقيله زخناك وقتاً ثرا شهيد
اولغله (قنطرة قره) به دفن اولوب فقط {۲۰} سنه صكره كريمه سی
(عائشه) رضی الله عنها معناده الدیغی امر اوزرينه اورادن اخراجله
(بصره) ر (هجر) میاننده واقع دولخانه سنه دفن ایتش و بدنی هنوز
چور و ما مشیدی • حرته مائل بیاض چهره لوازاورته بویلو کنش
اوموزلو وسیع الصدر طولغون بجاقلو ایدی • اولاد کراملری (محمد)
(عيسى) (موسی) (اسمعیل) (اسحق) (يعقوب) (زکریا) (یحیی) (صالح)
(عمران) (ام اسحق) (عائشه) (مریم) (صعبه) (رضی الله عنهم) عبارتدر •

زبير بن العوام (رضی الله عنه)

مشار اليه لك كنيه سی (ابو عبدالله) پدری (عوام ابن خويلد بن اسد
ابن عبد العزی بن قصی اولوب • والده سی (صلی الله عليه وسلم) ك عمه سی
وحضرت (حنه) رضی الله عنها همشیره سی (صفیه) بنت عبدالمطلبدر
كه اسلام اوله رق (مدينه) به هجرت و فقط زوجی (عوام) يوم بخارده
مقتولا رحلت ايلدی • حضرت زبير (رضی الله عنه) اصحاب شورا
اولان {۶} كسه نك (چونكه امير المؤمنين (عمر) رضی الله عنه نصكره
امر خلافتك اختیاری التي كسه نك رأينه براغلمش و مشار اليه بن عبد
الرحمن بن عوف (رضی الله عنه) جناب (ذ النوریني) اختیاراتكم كله

اكابعت اولمشدر • وعشره مبشره نك و قدیما اسلام اولان سابقون
اصحابك بری اولوب {۱۵} یا خود {۱۶} یا خود {۱۸} یا شنده ايكن
مسلمان اولمشدر • (عبدالله) بن مسعود ايله (مكه) ده و (سلمه) بن سلامه
(مدينه) ده عقد مواخات و كافه غزواته و على الخصوص (يرموك)
وقح (مصر) سفر لنده بولوب كفاره الك اول سل سيفله شجاعت
مفرطه سنی اثبات ايلدی • هجرتك {۶۳} جی جمادی الاولى سنه {۶۷}
یا خود {۶۱} یا خود {۶۴} یا شنده اولدیغی حالده وقعه جلدن ندامت
و (وادی السباع) نام محلده اختیار جلسه راحت ايدوب اويومش
اولدیغی صره ده (ابن جرموز) غدار ينده شهيد اولمشدر •
لونی اسمرجه • بوی اورتیه جه • وجودی سميز جه • حیه شريفلری
سیركیه • ایدی • (عبدالله) (عاصم) (عروه) (منذر) (ام الحسن)
(بونلرك) والده لری ذات النطاقين (اسما) بنت ابوبكر در (مصعب) (حنه)
(خالد) (عرو) (عبیده) (جعفر) (رملة) (خديجه) (عائشه) (رضی الله
عنهم) حضراتی مشار اليه لك اثر صلب یا كلری اولان اولاد سامیلریدر •

عبد الرحمن بن عوف (رضی الله عنه)

مشار اليه لك كنيه سی (ابو محمد) اولوب پدری (عبد الرحمن بن عوف
ابن عبد الحارث بن زهره بن كلاب بن مره) و والده سی (شفا) بنت
عبد عوف بن عبد الحارث بن زهره بن كلاب بن مره اولوب (عام
الفيل) دن {۱۰} سنه صكره و اسلام اولسی (عليه الصلوة والسلام) ك
دارارقه كيرمز دن اولدر • كه (عشره مبشره) نك و سابقون اصحابك •
و مجلس شورا اعضاسنك بری اولوب {۲} دفعه حبشه و بعده (مدينه) به
هجرت و (سعد) بن الربيع ايله عقد رابطه برادری ايدرك كافه غزواته
عزيمت • و بحق الانصاف اثبات دلیری و شجاعت ايلمشدر {۷۲} یا خود
{۷۵} یا خود {۷۸} یا شنده و هجرتك {۳۱} جی سنه سنده ارتحال ايدوب
(بقيع) شريفه دفن اولندی • قيرمزی به مائل • بیاض بوزلو • بیوجك
كوزلو • اينجه بورونلو • ايرينه پرمقلاو • رقيق البشره ایدی • اولاد
سامیلری (محمد) (ابراهيم) (حميد) (زيد) (سهل) (عمر) (رضی الله عنهم) در

سعد بن ابی وقاص (رضی الله عنه)

مشار اليهك پدری (مالک بن وهیب یا خود اهیب بن عبد مناف بن زهره ابن کلاب بن مره بن کعب بن لوی) و والدہ سی (جنہ) بنت سفیان بن امیہ بن عبد شمسدر • عشرہ مبشرہ نک و سابقون اسلامک و اصحاب شورا نک بری اولوب {۱۹} یا خود {۷} یا شدہ اسلام اولہرق فی سبیل الله کہتارہ تیر انداز اولہرک برنجیسیدر • {۸۰} یا خود {۷۰} یا شنی تجاوز ایکن ہجرتک {۵۵} یا خود {۵۶} یا خود {۵۷} سندہ (مدینہ) یہ قریب (عقیق) نام کوشکنندہ رحلت ایتکلہ اولوقت مدینہ والیسی بولتان (مروان) نمازینی ادا و (بقیع) شریفہ تہیہ قلطان قبر ایتا ایلدی • قارہ یاغز • اوزون بویلو • اشعر برذات باہر الکمالات اولوب اساس افکن اولدیغی (کوفہ) دہ والیلاک و (قادسیہ) جنکنندہ سرعسکر لک ایلشدر • اولادری (عمر) (محمد) (عامر) (موسی) (مصعب) (عائشہ) (رضی الله عنہم) اولوب امام حسین بن علی رضی الله عنہما بی شہید ایدن (عمر و فاجر) مشار اليهك اوغلی اولدیغنه دائر بر روایت قرین چشم دقت اولمشدر

سعد بن زید (رضی الله عنه)

مشار اليهك کنیہ سی (ابو الاعور) و پدری (زید بن عمرو بن نقیل بن عبدالعزی بن رباح بن عدی بن کعب بن لوی بن غالب اولوب • فاطمہ بنت الخطاب (رضی الله عنہا) بی تزویج ایلشدر • عشرہ مبشرہ) و سابقون اسلامک بری اولوب (ابی بن کعب) ایلہ عقد مواخت • وعصر سعادتہ وقوعبولان غزالک جملہ سندہ مظهر عز مرافقت اولغلہ شجاعت مر کوزہ سنی اثبات ایلدی • {۵۰} یا خود {۵۱} تار یخندہ {۷۰} یا شنی تجاوز اولدیغی خالدہ (عقیق) یا خود (مدینہ) منورہ رحلت ایتش • وقول دیکردہ (کوفہ) دہ وفات ایدرک نمازینی ابن عمر قیلدرمشدر • (رضی الله عنہم) اوزون بویلو • اشعر برذات شریف • اعقاب کثیرہ ایلہ مشہور • وعریف اولوب انجیق اولاد کرامی اسامیستہ دسترس اولنہ ماش فقط بر کریمہ سی (حسن بن الحسین بن علیک) و دیگر (منذر) بن الزبیرک و بریدخی (عاصم) بن

المذکرک

المذکرک (رضی الله عنہم) تحت نکاحندہ بولندیغی بر محامہ کورلمشدر

ابو عیبہ بن الجراح (رضی الله عنه)

مشار اليهك لقبی (امین الامہ) اولوب پدری (عامر بن عبد الله بن الجراح بن ہلال بن وهیب بن ضبہ بن الحارث بن فہر بن مالک • و والدہ سی (ام غنم) بنت جابر در • عثمان بن مطعونلہ اسلام اولوب {۴} دفعہ ہجرت ایلہ احراز مرام و (بدر) وقعہ سندہ پدرینی اعدام ایتش و {۴} جی فصلاک {۹} جی مقالہ سندہ تفصیل قلندیغی وجملہ وجہ سعادت زینا لک ایدن زرہ حلقہ لرینی اخراج ایدرکن اولک دیشری جیمشدر {۵۸} یا شدہ ہجرتک {۱۸} جی سندہ سندہ شامدہ (اردن) ناحیہ سندہ مطعون وفات ایتکلہ (غور یساندہ) واقع (عننا) قریہ سندہ دفن ایدلمش و نمازینی (معاذ) بن جبل قیلشدر • (رضی الله عنہما) اوزون بویلو تحیف الوجود حقیف اللحمہ معروق الوجه عابد وزاہد فی سبیل الله فیور بر مجاہد ایدی

فہرست صنوف و طبقات اصحاب رضی الله عنہم

اصحاب کرام (مہاجرین) و (انصار دین) و فتح (حرم) محترم کونی اسلام
اولولر اعتباریلہ (اوج صنف اولوب فقط یکدیگرہ)
تقدماری اکلا شلق اوزرہ طبقات آتیہ
وجملہ ترتیب قلمشدر

ابتدای بعثت نبویہ اسلام اولولر در کہ اسامی	طبقہ
سا میلری {۱} جی فصلاک {۱۱} جی مقالہ سندہ مذکور در *	۱
جناب فاروقک اظہار شعار ایمان ایلدکلرندن صکرہ اسلام اولولر در کہ تفصیلاتی {۱} جی فصلاک {۱۷} جی مقالہ سندہ مسطور در *	۲
(حبشہ) دیارینہ مأذون ہجرت اولولر در کہ	۳

بونلرک احوالی {۱} جی فصلک {۱۴} جی مقاله سنده ذکر اولندی

عقبه اولی اصحابی اولان سادات انصار در که صورت اسلامیتلری {۱} جی فصلک {۲۳} جی مقاله سنده تعریف اولندی *

اوچنجی عقبه اصحابی اولان (۷۰) صحابه انصاریدر که حال و شانلری (۱) جی فصلک {۲۳} جی مقاله سنده مذکوردر *

اثنای هجرت نبویه هجرت و (قبای) نام ناحیه ده نزد عالییه مواصالت ایدنلردر *

اصحاب (بدر) یعنی (بدر الکبرا) وقعه سنده بولسانلردر *

(بدر) غزاسیله (حدیبیه) وقعه سی یلنده هجرت ایدنلردر *

حقلرنده انلر جهنمه کیرمز لر * بیورلمش یعنی (حدیبیه) ده واقع شجره التده وقوعبولان (بیعة الرضوان) ده بولنش اولنلردر که صورت بیعتلری (۷) جی فصلک {۳} مقاله سنده مسطوردر

(حدیبیه) مصالحه سیله فتح (مکه) اره سنده هجرت ایدنلردر که بونلرک اسامیلری (۸) جی فصلک {۱} جی مقاله سنده مذکوردر *

فتح (مکه) کوننده اسلام اولنلردر *

ارتحال نبوی به یقین زمانلرده تولد ایدوب (حجة الوداع) اوقات سائر ده روی منیر جناب (رسالتناهی) بی کورنلردر که انلرک بری (سائب) ابن زبدر * رضی الله عنهم اجمعین *

۴

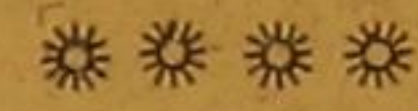


۵



۶

۷



۸



۹

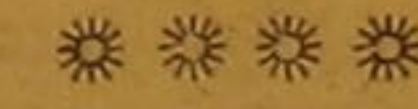


۱۰



۱۱

۱۲



عدد الاصحاب

اگرچه اصحاب کرامک مقدار صحیحی مجهول ایسه ده علمای محققین رحمهم اللهک بیانی اوزره فتح «مکه» کوننده {۱۰۰۰۰} وعلی قول {۱۲۰۰۰} مقاتل موجود اولدیغی کبی «حنین» وقعه سنه (۱۲۰۰۰) عساکرله کیدلمش و «تبوک» سفری حدوشنده صحابه نک مقداری {۷۰۰۰۰} عدده یقین اولوب «حجة الوداعده» {۹۰۰۰۰} صحابه بولنش ورحلت عالی ده نفوس اصحاب تمام {۱۲۰۰۰۰} وعلی قول {۱۱۴۰۰۰} عدده بالغ اولشدر • (ابو الطفیل عامر) بن واثله اللبئی {۱۰۰} جی سنه هجرتده رحلت ایتش یعنی صحابه کرامک جمله سنه نصکره وفات * ایلشدره رضی الله عنهم اجمعین *

اهل عیادن	بجرایل	مکای	علیهما السلام
-----------	--------	------	---------------

عصر سعادتده بولسان وزراء

اهل زمیندن	ابوبکر	عمر بن الخطاب	رضی الله عنهما
------------	--------	---------------	----------------

عمر	الفاروق	رضی الله عنه	علی بن طالب	رضی الله عنه
-----	---------	--------------	-------------	--------------

عصر سعادتده قاضی اولنلر

معاذ بن جبل	رضی الله عنه						
-------------	--------------	--	--	--	--	--	--

(مأبور)	موروث پدرلری والک اول مالک اوار قلری قلنجک اسمی اولوب اشبو قلنجک اوزون اولسی (مأبور) تسمیه سنه بادی اولمشدر *****
(عضب)	اشبو سیفی وقعه (بدر الکبری) به عزیمت بیورلدیغی اثناد (سعد) بن عباده رضی الله عنه کوندر مشدر *****
ذو الفقار	اشبو قلنجک صاحبی (عاصی) بن منیه اولوب غزوه (بدر) ده اغتنام اولمش و دو تناسی کومش بولمشدر *****
(قلعی)	اشبو قلنج (قلعی) نام بلده معمولاتندن اولسی جهتله اورا به نسبتله اسم ویرلشدر *****
(مخدم)	ابی شمر غسانینک سیفی اولوب نذرا (طی) پوتخانه سنه وقف ایدلمکله (علی) بن ابی طالب رضی الله عنه پوتخانه مذکوری هدم و خراب ایلد کده بالا غتنام (صلی الله علیه وسلم) ا فدیمره اهدا ایلدی (مخدم منبروزنده قاطع معناسنه در *****
(رسوب)	بودخی سالف الذکر (پوتخانه) ده محفوظ اولغله جناب مرتضی بالا غتنام اهدا ایلشدر که (اسفله کیر یجی معناسنه در *****
(تضیب)	(لطیف و یک کسکین) در دینسی باعث تسمیه اولمش و (بنی قینقاع) اسلحه سندن اولدیغی روایت قلمشدر *****
(بتار)	بودخی اسلحه (بنی قینقاع) دندر *****
(حتف)	بودخی (بنی قینقاع) اسلحه سندر (موت) معناسنه در *****

دروع زره هار (۷) عدد در

ذات الفضول	بدر وقعه سنه (سعد) بن عباده رضی الله عنه کوندر مشدر *****
(ذات الحواشی)	(عکبر) قینقا عینک مشهور زر هیدر
(ذات الوشاح)	(بنی قینقاع) اسلحه سندن اشبو ذات الوشاح حضرت (داود) علیه السلام (جالوتی) قتل ایلدیکی وقت اوزرنده ایمش *****
(قصه)	(بنی قینقاع) اسلحه سندر *****
(براء)	قیصه لغی باعث تسمیه سی اولمشدر *****
(سفیدیه)	(بنی قینقاع) اسلحه سندن اولوب حضرت (داود) علی نبینا وعلیه السلام (جالوتی) قتل و هلاک ایلدیکی زره ایدوکی مرویدر *****
(خرنق)	*****

یایلری (۶) عدد در

(کتوم)	آلدقچه خفیف صدا ویردیکی باعث تسمیه اولمشدر *****
(زوراء)	(بنی قینقاع) اسلحه سندر *****
(روحاء)	(بنی قینقاع) اسلحه سندر *****
(صفراء)	(بنی قینقاع) اسلحه سندر *****
(شوخط)	(بنی قینقاع) اسلحه سندر *****
(سداد)	*****

قلقان {۳} عدد در

(زالوق) ***
اوزرینه طوقنان اسلمه بی قاید ر مق خاصه سنی
حاز اولسی باعث تسمیه اولمشدر *

(موجز) ***
هدایای مورودیه دن اولوب اوزنده (قوج)
یا خود (طوشانجیل) قوشی صورتی و اریدی •
(صلی الله علیه وسلم) افندیزید سعادت لرینه
الدقده ذکر اولنان صورت محو اولمشدر *

(فتق) ***

مراتی {۵} عدد در *

(فضه) * (بنی قینقاع) اسلمه سندندر *

(ظفره) * (بنی قینقاع) اسلمه سندندر *

(فاصله) * (بنی قینقاع) اسلمه سندندر *

(منوی) ***

(مثنی) ***

مغفر یعنی زره کلاهی {۲} عدد در *

(سبوغ) * قتم (مکه) روز فیروزنده سر سعادتده بولمشدر

(موشح) ***

حربه {۳} عدد در *

(بیضاء) * بیوک بر حربه در *

(عتره) * کوجک بر حربه در که صحرالزده ستره نماز

پیورر لردی *

(تبعیه) ***

{سجاع} شریف {۳} عدد در *

(لواء العقاب) * عایشه رضی الله عنہا ک صوفدن معمول

برقو پرده سندندر *

(لواء البیضاء)

(لواء الزینة)

(سردسته) یعنی جوب {۱} عدد در *

(مجن) * برنوع جو ما قدر که اوزنلخی بر ذراع اولوب

(دوه) به رکوب پیور دقلری اوقانده عادت

عرب اوزره دوه نک او کونه تعلیق پیورر لردی

(محصره) یعنی (عصای) شریف {۱} عدد در *

(عرجون) * بر عصای شریف اولوب اسمک (عوجون)

اولسی دخی مرویدر *

(قضیب) * بر قشدر که اسمی (ممشوق) در خلفای راشدین

بر حیات اولدقچه اشبو قشی یا نلرندن ایرما مشلردر

چادر {۱} عدد در *

(فسطاط) * بونک اسمی (کن) اولوب عربستانه مخصوص

برنوع چادر در *

حیوانات {اسب} {۱۰} عدد در *

(کسب) * بو اسمک معناسی (اشکین) دیمکدر اک اول مالک

اولدقلری (ات) اولوب رنگی (یاغز) یا خود

(قوله سیاه) آلی (صقر) و صاغ یاغندن

غیری ایاقلری (سکل) ایدی براغرایدن مباحه

ایدلشدر *

(مرتجز) * بونک لونی (بیاض) اولوب لطیف کشنده سی

اولغله (مرتجز) اسمی ویرلشدر *

(ظراب)	(فروه) بن عمر و الجذامی اهدا ایتش و ذاتا (بیوک و سمن) اولسی بواسمی تسمیه به سببیت و برمشدر
(لحیف)	غایت سمنز و قویروغی یورو دیکه بیره یایلیر کبی کورندیکندن (لحیف) دیمش و (ریعه) بن ابی البراء تقدیم ایلشدر
(رز)	شدت نلرزی وجه تسمیه اولوب (مصر) پادشاهی (مقوقس) اهدا ایلشدر
(ورد)	آل رنکلو اولوب یکرمی (دوه) به براعرایدن النمشدر
(سبحه)	غایت سیکردیچی اولغله یوزکجه تشبیه اولنه رق بواسم و برمشدر
(بحر)	(یاغز) رنکلو و دیکز کبی جوشقون اولوب یمن تجارلرندن النمش و بناء علیه (بحر) اسمی و برمشدر
(مرواح)	سرعت سبری جهتهله (ریحه) تشبیه اسم و برمشدر
(ملاوح)	(بنی فزاره) قبیله سی افرادندن الثوب (احد) وقعه سنه بواسب صبارفتارله عزیمت یورمشدر
بوندن بشقه اون ایکی اسملری دخی و ارایسه ده انلره دائر معلومات مفصله و برر برکابه تصادف اولنه مدیعندن ذکر آتی وجهله اسملری یازمشدر	
(سجل)	(ذواللمة) (ذوالعقال) (سرحان) (طرف)
(نجیب)	(یعوب) (یعسوب) (سداد) (آبلق) (ادهم)
* (استران) یعنی قاطرل {۶} عدددر *	

(شهاب)	مصرملکی (مقوقس) کوندرمشدر	بونلرک ایکیسی براستک
(دلدل)	کذلک (مقوقس) اهدا ایلشدر	اسمی اولسی مرویدر
(فضه)	(فروه) بن عمر الجذامی تقدیم ایلشدر	
(احزی)	(ایله) صاحبی کوندرمشدر	
(اخری)	(حبشه) ملکی (نجاشی) کوندرمشدر	
(اخری)	(دومه) الجندل اهدا ایلشدر	
* حار {۳} رأسدر *		
(عفیر)	بونلرک ایکیسی برحار اسمی اولسی مروی و خیبردن	
(یعفور)	اغشام اولندیغی محکیدر	
(عفیة)	(مقوقس) اهدا ایلشدر	
* جمال یعنی (دوه) {۳} رأس *		
(عضبا)	قولاقلرینک اوچلری مقطوع ایدی	رکوب
(قصوا)		همایونه
(جدعا)	قولاقلری یوقدر اثنای هجرتده {ابوبکر} رضی الله عنهدن النمشدر	مخص-وص اولانلردن
(سقراء)	(ممره) (رباد)	بونلر صاغمال دوه اولوب
(بشیر)	(ثغور) (سفدیه)	(سعد) بن عباده
(عرنس)	(سمس) (حتا)	تقدیم ایلشدر
بونلردن ما عدا مجهول الاسامی {۳۶} دوه لریله {۷} عدد اوکوز و (اطلال) (عجوه) (اطراف) (زمزم) (بریه) (سفیا) و (رنبه) اسامیسنده یدی عدد صاغمال کچی و {۱۰۰} عدد قو بونلری دخی اولوب خدمت رعیلری «این ام ایمن»		

رضی الله عنہا نک عہدہ سنہ احوالہ بیور لشیدی *

اسامی اشیا

طاشدن معمول	۱	(مخضب)
پا کردن معمول پرده	۱	(صادره)
صو طاسلری وارایدی	۱	(مدله)
بونلرک محفظه سی اولق	۱	(جامع)
اوزره (مصر) ملکی	۱	(طراق)
(مقوقسک) کوندرمش	۱	(مسواک)
اولدیغی (ربعه) اسکندر	۱	(مفصل)
نامنده دکر بغه سندن معمول	۱	(مکحله)
برظر فلری واردر	۱	(مدھن)
طوجدن معمولدر	۱	(مشروبه)
سرمه وضع ایدیلور برنوع قابدردر که سرمه دان	۱	
تعبیر اولتور	۱	
عطریات وضعنه مخصوص برقا بدر	۱	
بونلرک بری کوشدن زنجیری اولوب برینک اسمی	۲	
(مغیث) دیگرینک نامی (ریاندر)	۱	
ایچ طونی برینه فوطه کبی بلدن اشاغی باغلنور	۱	(ازار غمانی)
برنوع (ثوبدر) که عمان نام بلده	۱	
منسوجاندر	۱	
استار سبز بر ثوبدر که البسه نک اوزرینه کیلور	۱	(رداء مربع)
اوزونلغی درت زراع واینلویکی ایکی زراع	۱	
برقار شددر	۱	

بو ثوب (واسط) تام قضایه	۱	(ثوب)
تابع (خسیره) قریه سی	۱	خسیره
معمولالتندن اولمیدر الله اعلم	۲	(ثوبین)
(عمان) نام بلده ده اعمال اولتور برنوع ثوبدر	۱	صحارین
بلده مذکورده	۱	(قیص)
اعمال اولتور برنوع	۱	صحاری
کوملکدر	۱	
آق پاموق بزندن معمول برنوع کوملکدر	۱	(قیص)
حله برداء الیه برازاردن	۱	سحولی
اولان ثوبه دینور	۱	(کساء)
پساض بر حله در	۱	البضاء
بو کدن معمول حله در	۱	(کساء) احمر
بو کدن معمول حله در	۱	(کساء) اسود
(جار) دیدن لری قفتاندر که فی زمانه بعض	۱	(ملحفه)
طرفلرده دخی مستعملدر	۱	
برنوع سیاه عبا اولوب درت کوشه لو وایکی	۱	(خجیصه)
طرفی (زنجفاو) اولوب اوائلده تلبس اولتوردی	۱	
بری یشیل سندس دیگر سیاه و بریدخی	۳	(جبه)
قرمزی بو کدن معمولدر	۳	
برینک اسمنه (مخنکه) و دیگرینه (ذات ذابیه)	۴	(عمامه)
واو برینه (بیضاء) و برینه ده (سوداء) دینور	۴	
ایدی اکثر اوقائده (مخنکه) و (ذات ذابیه)	۴	

و بعضا (بیضاء) و بیراملرده (سوداء) نام تمامه لر استعمال اولندرق
فتح (مکه) وقوعنده ذکر اولنان (سوداء) نام عمامه سر سعادت
افسرلنده ایدی * * * * *

(قلنسوه)
۴ برنوع طاقیه در که اوزرینه صارق صاریلور
بونلرک اسمی (کی) اولوب (مدورالشکل) ایدی
حتی عمامه سر قلنسوه و قلنسوه سر عمامه
استعمال بیورادیخی مرویدر * *

(خاتم)
۳ بونلرک بری (التون) و دیگری صرف (کوش)
واو بری دموردن معمول ایدی (خاتم الحدید)
کوش قاپلامه لو اولوب اوزرنده اوج ساطر
ترتیبده (محمد رسول الله) عبارۀ شریفه سی
حک ایدلمشیدی یعنی اشاغیدن یوقاری
اوقومق ایچونک اشاغیده (محمد) اسم
شریفی و انک اوزرنده (رسول) لفظ مبارکی
ودها اوستنده لفظه (الله) کلمه جلیله سی
یازلمشدر که فی زماننا مستعمل اولان مهر لر
کی معکوسا یازلمیوب طوغریجه یازدرلمشدر
و آثار معجزه نبویه لرندن اوله رق باصلدجه
ینه طوغری اوقنوردی * * * * *

(قطیفه)
۱ برنوع حاولودر که اهل حجاز قفتان اوزرینه
اکتساید لر * * * * *

(خفاف)
۴ اربعه
ایچ ادیکی تعیر اولنان وفی زماننا (مست)
دنیلان (خفافدر) که ایکسی (خیر) دن اغتنام
اولمش و دیگر ایکسی (حبشه) ملکی (نجاشی)
کوند رمشدر * * * * *

(نعلان)
۲ صاریدر * اشبو (نعلین) شریفینک بهری ایکیشر
قات اولق اوزره ایکیشر طاسمه نری وار ایدی
* * *

(دوشک)
۱ یوزی دریدن معمول و ایچی لیقله مملودر *

(حصیر)
۱ عادی طوقمه بر حصیردر * * *
مرمل

(مندیل)
۱ معروف مندیلدر * * * *

(سکین)
۱ بیجاق دیمکدر * * * *

(قدر)
۱ طوپراقدن تجره در * * *

(قدح)
۲ بونلرک بری شیشه دن و دیگری عیدان دنیلور
افاجدن اولوب لیسالا بونلره تبول ایدر لدی
* * *

(مد)
۱ برنوع اولجوا اولوب حجاز یون عندنده (بر) و ثلث
(رطل) وزنده در که هر (رطل) قرق
درهمدر * * * *

(صاع)
۱ درت (مد) وزنده براولجکدر *

(سریر)
۱ اشبوسریرک ایاقلری (ساج) افاجندن اولوب
دولتخانه (ابایوب) الانصاری ده اقامت
بیورادیخی ائناده (اسعدین) زراره تقدیم
ایلمشدر * * * *

خامه

(سید البشر علیه و علی آله من الصلوه ما هو الا و فر) افندیمز حضرت تارینک
امداد روحانیت نبویه لرینه متوسلا جمع و ترتیبه وضع خامه جرأت

اولسان اشبو اثر ناچیزك حد اختتامه ایصالی میسر اولمشدر •
 (ع) منت جناب حقه دمام هزار بار • اگرچه انظار عمومه عرض
 اید یله بیله جك وهنرمدان عالمه بکند یر یله جك بر راده ده اولدیغی ادا
 اولنه من ایسه ده اصحاب معرفت وارباب انصاف ومروتك مجبول
 اولد قلری شیمة کریمه خطا پوشی اقتضا سنجه خطایای بی نهایت
 واقعه سنه پنجه زن استهزا واعتراض اولیوب (ع) • هر بد نکو نماید
 در چشم نیک بینان • مطایقنجه مظهر رغبت وقبول یسور یله جفی
 امید قویسته استناد وانتشار معارف خصوصنده ابدال بیورلمقده اولان
 مساعده کرم عاده حضرت پادشاهی به اغترار واعتماد ایدرك
 تصنیفات منشیانه خاطره سنی خاطره بیله کتور میوب سایه معارف فوایه
 جناب خلافتینا هیده بوصورتله برخدمت ایفاسنه اجتناسار ایلدم •
 همان جناب (حق) ایام سلطنت حضرت ظل اللهی بی حائز مرتبه
 انحصار و بیرون حدود عد و شمار و وجود عزیز * القدر
 همایونلرین آزاده اکدار روزگار بیورسون
 آمین بحرمه من جاء
 رحه للعالمین

مکتوبی بحریه او طه سی مدیر ثانسی رفعتلو عثمان *
 رحی افندینک زاده طبع معارف والاری *
 اولان تاریخ سلیس لریدر *

(حضرت (عبد العزیز) خانك جناب (ذوالجلال)
 (شوكت واجلال وعمرین ایلیه افزو نتر)
 (سایه لطفنده بولدی اعتبار وقدر و شان)
 (جمله ارباب معارف صاحب علم وهنر)
 (صبری) ایوب خصال دانش قرین پر کان
 (خامه همتله چکدی سلك تحریره درر)

(ایلیوب سعی بلیغ اول کان عرفان وادب)
 (اولدی تألیفه موفق بر کتاب معتبر)
 (زبدہ معجز بیاندر هر فصول وقصه سی)
 (درنشار یزم وصف حضرت (خیر البشر)
 (عون (حق) هر حال و کارنده اولوب یار ومعین)
 (دو جهانده اولسون اول ذات مکرم کامور)
 (یازدی (رحی) سال وطبع ونشرینه تاریخ تام)
 (شامل حسن وقایعدر بو (محمود السیر)

۱۲۸۷

بحریه ششمانه جی عسا کر فوز مأثر شاهانه الابی کاتبی (ایوب صبری)
 افندینک اشبو • (محمود السیر) • نام کتاب مستطابی بلطفه تعالی ذات
 شوکتسمات ملوکانه سی کزیده ملوک وسلاطین وعصر * عزیز *
 القدر همایونی محسودازمان قدیم ومغبوط اعصار پیشین اولان
 پادشاه بحر و بر وشهنشاه معارف پرور خلاصه دودمان (آل عثمان
 السلطان بن السلطان) * عبد العزیز * خان افندیمز حضرت تلرینک
 سایه معارف فوایه خلافتینا هیلرنده حضرت (خالد) بن زید
 رضی الله عنه جوارنده کائن مصطفى پاشا خانقاهی پوست نشینی
 (السید الشیخ محمد رحی) افندی داعی قدیم لرینک محسنات عصریه
 جمله جمیله سندن اولمق اوزره کشادینه موفق اولد قلری مطبعه ده
 برنجی دفعه اوله رق طبع وتمثیل و بیک ایکوز سکسان یدی
 سنه سی شهر رمضان شریفنک اون ایکنجی

کونی اتمام وتکمیل

قلمشدر

م م م

م م

م

CEMAL OGUT